

مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل

دوفصل نامه علمی

دوره پنجم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۱

شاپای چاپی: ۳۶۰۲-۳۳۸۳

شاپای الکترونیکی: X ۵۸۷-۲۶۷۶

موضوعات

اقتصاد سیاسی، مفاهیم، نظریه، روش شناسی،
جهانی شدن، دولت، منطقه گرایی، اقتصاد سیاسی جهانی،
اقتصاد سیاسی ایران، پیشرفت اقتصادی، اقتصاد سیاسی شهر، محیط زیست،
سیاست تکنولوژی، اقتصاد سیاسی انرژی، اقتصاد سیاست خارجی، دیپلماسی اقتصادی.

صاحب امتیاز: دانشگاه رازی

مدیرمسئول و سردبیر: فرهاد دانش نیا

مدیر داخلی: ثریا شریفی

ویراستاری و صفحه آرایی: هدی رضایی

اجرای جلد: سعید پرور

مترجم: مسعود دهقان

طراح جلد: غلامرضا مهری

قیمت: ۱۰۰۰۰۰ ریال

نشانی: کرمانشاه، بلوار شهید بهشتی، روبه روی بیمارستان امام علی (ع)، دانشکده علوم اجتماعی و

تربیتی دانشگاه رازی، دفتر نشریه مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل.

کد پستی: ۶۷۱۴۶۷۳۱۷۵

تلفکس: ۰۸۳۳۸۳۶۰۶۵۰

تارنما: <http://ipes.razi.ac.ir>

رایانامه: ipes@razi.ac.ir

اعضای هیئت تحریریه

دکتر سیدعبدالعلی قوام	استاد روابط بین الملل دانشگاه شهید بهشتی
دکتر فرشاد مؤمنی	استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی
دکتر محمدعلی فلاحی	استاد اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد
دکتر عباس مصلی نژاد	استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران
دکتر حسین هرسیج	استاد علوم سیاسی دانشگاه اصفهان
دکتر حسین پوراحمدی	استاد روابط بین الملل دانشگاه شهید بهشتی
دکتر خلیل اله سردارنیا	استاد علوم سیاسی دانشگاه شیراز
دکتر علی اصغر کیوان حسینی	استاد روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبایی
دکتر کیومرث سهیلی	دانشیار اقتصاد دانشگاه رازی
دکتر جهانگیر کرمی	دانشیار علوم سیاسی دانشگاه تهران
دکتر فرهاد دانش نیا	دانشیار روابط بین الملل دانشگاه رازی
دکتر قدرت احمدیان	دانشیار روابط بین الملل دانشگاه رازی
دکتر محمد احمد حسون	استاد علوم سیاسی دانشگاه داماسکوس سوریه
دکتر بهاء عدنان یحیی السعبری	استاد علوم سیاسی دانشگاه کوفه عراق

داوران این شماره

قدرت احمدیان، سعید اسلامی، اسداله اطهری، اصغر افتخاری، فرزاد ایوانی، علی باقری دولت آبادی، محمدعلی بصیری، محمدجواد جمشیدی، عباس حاتمی، امیرمحمد حاجی یوسفی، رحمان حریری، آزاد خانزادی، رضا خلیلی، جعفر خیرخواهان، یداله دادگر، فرهاد دانش نیا، سهراب دل انگیزان، علی دینی ترکمانی، میترا راه نجات، رضا رحمتی، فرزاد رستمی، بیژن رضایی، مجید روحی دهبه، بهاره سازمند، خلیل اله سردارنیا، فاطمه سلیمانی پورلک، علیرضا سمیعی اصفهانی، ابوالفضل شاه آبادی، سید شمس الدین صادقی، ابراهیم عباسی، داود غرایاق زندی، علی فلاحتی، سید یوسف قرشی، عبدالله قنبرلو، حامد کاظمی، جهانگیر کرمی، الهه کولایی، افشین متقی دستنایی، یوسف محمدی فر، مجتبی مقصودی، سعید میرترابی، نادر نادری، رضا نجف زاده، سید محمدباقر نجفی.

راهنمای نویسندگان و ضوابط انتشار مقاله در نشریه مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل^۱

بسیار مهم: به مقالات خارج از فرمت و دستورالعمل زیر ترتیب اثر داده نخواهد شد.

عنوان مقاله با فونت فارسی B Mitra ۱۵ پررنگ

(اسامی نویسندگان را به هیچ وجه درج نکنید)

چکیده

چکیده فارسی مقاله باید ساختار یافته بوده و شامل بخش‌های هدف، روش، یافته‌ها و نتیجه‌گیری باشد. یادآوری می‌شود که تمام این بخش‌ها در یک پاراگراف نوشته می‌شوند. چکیده مقاله، نباید کمتر از ۲۰۰ کلمه و بیشتر از ۲۵۰ کلمه باشد. از اشاره به مراجع و استفاده از پاورقی در چکیده خودداری شود. چکیده مقاله با قلم فارسی B Lotus اندازه ۱۱، با فاصله خطوط ۱، فاصله ۳ سانتی‌متر از سمت راست و چپ و ۳ سانتی‌متر از بالا و پایین کاغذ، با کناره‌های ردیف شده (Justify Low) نوشته شود و به صورت دقیق در نمونه فرمت چکیده فارسی که در قسمت راهنمای نویسندگان نشریه آمده است، جای بگیرد. چکیده‌های خارج از این فرمت پذیرفته نمی‌شوند.

کلیدواژه‌ها باید حداقل ۳ و حداکثر ۵ واژه بوده که با کاما (،) از هم جدا شده و در یک سطر و به ترتیب اهمیت‌شان با قلم فارسی (B Lotus 11) باشند.

مقدمه (قلم B Lotus اندازه ۱۳ pt)

به منظور یکسان‌سازی مجموعه مقاله‌ها و نیز برای آنکه امکان ترکیب و انتقال فایل رایانه‌ای آن‌ها فراهم شود، لازم است بخش‌های مختلف مقاله با طرحی یکسان، کامل و هماهنگ تهیه و تایپ شود. راهنمای حاضر به نویسندگان مقاله‌ها کمک می‌کند تا مقاله خود را با طرح مورد قبول دبیرخانه نشریه تهیه کنند.

برای تایپ مقاله به زبان فارسی، فقط از نرم‌افزار مایکروسافت ورد نسخه ۲۰۰۳ یا ۲۰۰۷ (MS-Word2003 or 2007) در محیط ویندوز با امکانات فارسی استفاده کنید. حروف چینی

۱. در تدوین راهنمای نگارش مقاله نشریه مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل از فایل راهنمای نویسندگان مجلات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و نیز، راهنمای تدوین مقالات دانشکده مدیریت دانشگاه تهران استفاده شده است.

مقاله با رعایت فاصله خطوط ۱، فاصله ۳ سانتیمتر از سمت راست و چپ، فاصله ۳ سانتیمتر از بالا و پایین کاغذ باشد.

متن اصلی مقاله به صورت تکستونی با قلم (فونت) **B Lotus** و اندازه **۱۳ pt** و قلم انگلیسی **Times New Roman** با اندازه ۱۰ تهیه شود. عنوان همه بخش‌ها با قلم **B Mitra** و اندازه **۱۴ pt** و عنوان زیربخش‌ها با قلم **B Lotus** و اندازه ۱۴/۵ تایپ شوند. عنوان هر بخش یا زیربخش، با یک خط خالی فاصله از انتهای متن بخش قبلی تایپ شود. در متن مقاله از شماره‌گذاری عنوان‌ها پرهیز شود. خط اول در پاراگراف اول زیر هر تیترا بدون تورفتگی و در همه پاراگراف‌های بعدی با تورفتگی ۰/۵ خواهد بود. (لطفاً پیش از آغاز کار، نخست فونت‌های ارائه شده را نصب نمایید).

ترتیب عنوان‌های مقاله (بسیار مهم)

ترتیب عنوان‌های مقاله به طور دقیق شامل این تیتراها باشد: مقدمه، پیشینه پژوهش، روش‌شناسی پژوهش، یافته‌های پژوهش، بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها، منابع.

توجه ۱: در مقدمه به بیان مسئله، اهداف و ضرورت‌های پژوهش اشاره شود (در مقدمه باید بیان شود این پژوهش چیست و چرا انجام می‌شود).

توجه ۲: در قسمت پیشینه پژوهش باید به زیربخش‌های اصلی ذیل اشاره شود: ۱. پیشینه نظری (نظریه‌ها، دیدگاه‌ها و رویکردهای موجود در مورد مسئله)؛ ۲. پیشینه تجربی (پژوهش‌های پیشین و روش‌شناسی‌های آن‌ها در مورد مسئله)؛ و ۳. مدل مفهومی (در صورت کمی بودن پژوهش و داشتن مدل).

توجه ۳: در تدوین مقاله از آوردن مواردی چون ضمیمه، پیوست و پرسش‌نامه خودداری شود. اهداف، سؤال‌ها و فرضیه‌های پژوهش در انتهای بیان مسئله توضیح داده شوند.

نسخه‌های ارسالی به دبیرخانه نشریه صرفاً از طریق سامانه دریافت مقاله است و دو فایل دریافت می‌شود. فایل اصلی مقاله (بدون نام نویسندگان) و فایل مشخصات نویسندگان با فرمت یاد شده از طریق سامانه یاد شده ارسال شود. در ارسال فایل مشخصات نویسندگان به این موارد دقت کنید: ۱. نام و نام خانوادگی نویسندگان به‌طور کامل نوشته شود (لطفاً در بخش انگلیسی مشخصات، املائی نام نویسندگان پس از تأیید نویسنده درج شود)؛ ۲. ایمیل و شماره تماس تمامی نویسندگان نوشته شود؛ ۳. مراتب علمی نویسندگان به‌طور کامل نوشته شود.

تعداد صفحات مقاله

حداکثر تعداد صفحات مقاله (شامل کلیه بخش‌های مقاله، اعم از چکیده انگلیسی و فارسی و منابع

و... که منطبق با این راهنما تدوین تهیه می‌شود، نباید از ۲۵ صفحه در همین فرمت بیشتر باشد.

واژه‌های خارجی در متن فارسی

برای واژه‌ها و نام‌های خارجی، در حد امکان از معادل‌های فارسی مصطلح و مصوب استفاده کنید. می‌توانید از [بانک مستندات کتابخانه ملی ایران](#) برای مستندسازی نام خانوادگی افراد استفاده کنید. در خصوص نام‌های خارجی ضروری و غیرمتداول یا معادل‌های غیرمصطلح فارسی فقط در اولین ارجاع و در اولین حضور در متن و بلافاصله پس از بیان این‌گونه واژه‌ها، معادل لاتین آن را داخل پرانتز در جلوی واژه قید نمایید.

پی‌نوشت / زیرنویس

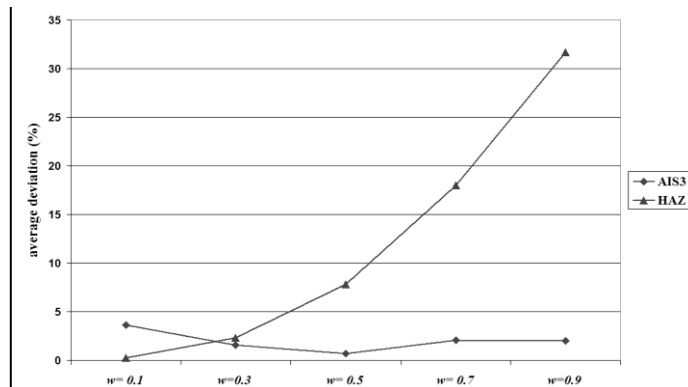
در نگارش متن از پی‌نوشت استفاده نشود و در صورت ضرورت، توضیحات اضافی به شکل زیرنویس بیاید. موارد زیرنویس فارسی به صورت راست‌چین با قلم **B Lotus** و اندازه 12 و زیرنویس‌های لاتین به صورت چپ‌چین با قلم **Times New Roman** اندازه 9 pt نوشته شوند.

معرفی نشانه و متغیرها در متن

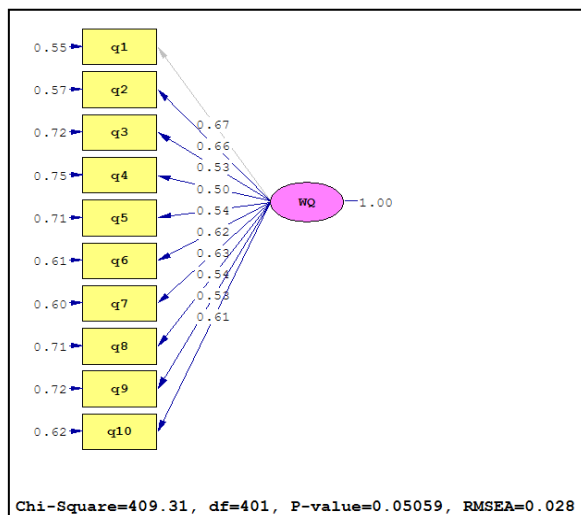
هر نوع متغیر یا علامت به‌کار رفته در متن مقاله، در اولین ارجاع در خود متن مقاله معرفی شود.

شکل‌ها

هر شکل اعم از نمودار، چارت، نقشه و... باید به صورت وسط‌چین در زیر آن با قلم **B Lotus** پررنگ و اندازه 11 pt تایپ و به ترتیب از ۱ (شکل ۱، شکل ۲، ...) شماره‌گذاری شوند. نمودارها می‌توانند به صورت رنگی یا سیاه و سفید باشند؛ اما به گونه‌ای که در صورت چاپ سیاه و سفید رنگ‌ها و جزئیات آن‌ها قابل تشخیص باشد. نمودارها و شکل‌ها در داخل متن و در جایی درج شوند که به آن‌ها ارجاع می‌شود. بیان واحد کمیت‌ها در نمودارها به زبان فارسی الزامی است. در متن مقاله باید به همه نمودارها ارجاع شود و مختصر توضیح داده شوند. در تهیه نمودارها توجه کنید که اندازه اعداد، واژه‌ها، کمیت‌ها و راهنمای منحنی‌ها (**Legend**) به قدر کافی بزرگ باشد تا پس از درج در مقاله، کاملاً واضح و خوانا باشند. دقت نمایید که اگر نمودار داخل مقاله به شکل تصویر (خروجی نرم‌افزار) است، باید وضوح کامل داشته باشد. بهتر است فایل اصلی نمودارها در متن مقاله قرار داده شود. هر نمودار را با یک سطر خالی فاصله از متن ماقبل و مابعد آن قرار دهید. یک نمونه نمودار در زیر آمده است. توجه شود که خود نمودارها نیز، همانند جدول‌ها باید در موقعیت وسط‌چین نسبت به دو طرف کاغذ قرار گیرند.



شکل ۱. نموداری برای نمونه



شکل ۲. مدل بررسی عوامل مرتبط با کیفیت وبگاه (نمونه دوم)

جدول‌ها

هر جدول باید شماره و عنوان (توضیح) داشته باشد که در بالای جدول و به صورت وسط چین با قلم **Lotus B** پررنگ و اندازه ۱۱ pt. تایپ و به ترتیب از ۱ (جدول ۱، جدول ۲، ...) شماره گذاری شود. باید جدول‌ها در داخل متن و پس از جایی که به آن‌ها اشاره شده، درج شوند. عنوان ستون‌های هر جدول باید به صورت وسط چین (۱۰ **Lotus B** پررنگ) و کلیه متون در داخل جدول اگر فارسی باشند به صورت راست چین یا وسط چین بسته به مقدار متن داخل جدول (**B Lotus** ۱۰ انازک) و اگر لاتین باشند به صورت چپ چین (**Times New Roman 8 pt.**) تایپ شوند. همه اعداد در جدول‌ها به صورت فارسی و وسط چین تایپ شوند. بیان واحد کمیت‌ها در جدول

به زبان فارسی الزامی است. هر جدول با یک سطر خالی فاصله از متن ماقبل و مابعد آن قرار گیرد و نیز اگر جدول‌ها از منبعی برداشت شده‌اند، باید نام نویسنده آن منبع بر اساس شیوه‌نامه APA در انتهای عنوان جدول آورده شود (این روش در ادامه توضیح داده شده است). جدول ۱ مطابق راهنمای بالا تهیه شده است. در این جدول نوع و اندازه قلم مورد نیاز برای تدوین مقاله‌ها فارسی به صورت خلاصه آمده است. توجه شود که خود جدول نیز باید در موقعیت وسط چین نسبت به دو طرف کاغذ قرار گیرد.

جدول ۱. خلاصه نوع و اندازه قلم‌های مورد نیاز برای تدوین مقاله‌ها فارسی

عنوان	قلم (فونت)	اندازه	نوع قلم
عنوان مقاله	B Mitra	۱۵	پررنگ
نام و نام خانوادگی	B Lotus	۱۱/۵	پررنگ
آدرس پست الکترونیکی نویسندگان	Times New Roman	۷/۵	نازک
عنوان بخش‌ها	B Mitra	۱۴	پررنگ
عنوان زیر بخش‌ها	B Lotus	۱۴/۵	پررنگ
متن چکیده	B Lotus	۱۱	نازک
کلیدواژه‌ها	B Lotus	۱۱	نازک
متن اصلی	B Lotus	۱۳	نازک
زیرنویس فارسی	B Lotus	۱۱	نازک
زیرنویس لاتین	Times New Roman	۹	نازک
عنوان جدول‌ها و نمودارها	B Lotus	۱۱	پررنگ
عنوان ستون‌های جدول‌ها	B Lotus	۱۰	پررنگ
متون فارسی درون جدول‌ها	B Lotus	۱۰	نازک
متون لاتین درون جدول‌ها	Times New Roman	۸	نازک
مراجع فارسی	B Lotus	۱۱/۵	نازک
مراجع لاتین	Times New Roman	۹	نازک

جدول ۲ نیز مطابق راهنمای بالا تهیه شده است. یادآوری می‌شود که جدول‌ها باید در نخستین مکان ممکن پس از اولین اشاره به آن‌ها در متن قرار گیرند؛ ضمن آنکه در داخل جدول‌ها باید از اعداد فارسی و عنوان‌های فارسی استفاده شود و در صورت استفاده از ممیز، اعداد را از سمت راست نوشته، ممیز زده و بقیه عددها را بنویسید. از ترسیم خطوط عمودی داخل جداول خودداری شود. جداول فقط دارای خطوط افقی خواهند بود. از به کار بردن نقطه به جای ممیز پرهیز شود. به طور مثال، عدد ۰/۵ اول عدد ۵ را نوشته، ممیز را تایپ کرده بعد عدد صفر را بنویسید. (۰/۵)

جدول ۲. نمونه یک جدول

اندازه مسئله	تعداد نمونه بهینه حل شده		میانگین مدت زمان حل (ثانیه)	میانگین تعداد گره قطع شده	
	روش ۱	روش ۲		حد پایین	اصل غلبه ۱
۵	۲۰	۱۵	۰/۰۰	۹۴/۲۹	۱/۰۰
۱۰	۲۰	۱۴	۰/۰۰	۸۷/۵۲	۱/۰۵
۱۵	۱۹	۱۲	۰/۰۱	۸۷/۶۴	۱/۰۷
۲۰	۱۹	۹	۰/۱۱	۹۰/۶۰	۲/۲۰
۲۵	۱۴	۱۰	۱/۳۹	۹۱/۰۳	۲/۵۱
۳۰	۱۰	۸	۳۲/۲۰	۹۲/۱۹	۲/۳۲
۳۵	۱۰	۸	۶۱۳/۳۰	۹۳/۳۴	۳/۳۶

عنوان در بالای جدول و منبع با همان فونت (B Lotus 11 پررنگ) در زیر جدول و به صورت وسط چین قرار می‌گیرد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بخش جمع‌بندی و نتیجه‌گیری پس از متن اصلی مقاله الزامی است. در صورت داشتن پیشنهادها، برخاسته از پژوهش، می‌توانید آن‌ها را در انتهای نتیجه‌گیری طرح نمایید.

روش منبع‌دهی

برای منبع‌دهی از روش استاندارد APA استفاده کنید. می‌توان برای افزایش بهره‌وری و راحتی در

این کار از نرم افزار **Word** یا **Endnote** استفاده کرد.

در فهرست منابع انگلیسی بایستی تمام منابع فارسی بر اساس چکیده و مشخصات کتاب شناختی انگلیسی هر منبع در مجله‌ای که منتشر شده و با قلم **Times New Roman** اندازه **9 pt** نوشته شده و عنوان کتاب و نام نشریه به صورت ایتالیک مشخص شود. از ترجمه منابع فارسی با استفاده از گوگل مترجم اکیداً خودداری شود. به عبارت دیگر، منابع فارسی یک‌بار به زبان فارسی در بخش منابع نوشته می‌شود و بار دوم به انگلیسی در قسمت منابع لاتین بر اساس حروف الفبا درج شده و در انتهای منبع (*in Persian*) نوشته می‌شود. انجام بند اخیر یعنی برگردان منابع فارسی به انگلیسی بعد از پذیرش نهایی مقاله یا صرفاً برای مقالات پذیرفته شده الزامی است. در فرآیند داوری نیازی به رعایت نکته یاد شده در مقالات نیست.

نکته مهم در مورد منابع استفاده شده:

نکته ۱: در جدول ۳ شیوه منبع‌دهی به کتاب و مقاله تشریح شده است، در صورت استفاده از سایر منابع اطلاعاتی مانند: پایان‌نامه، گزارش پژوهشی، آمار سازمان‌های دولتی، جزوه‌های منتشر نشده، وبگاه‌های اینترنتی، فایل‌های صوتی و تصویری و ... از شیوه‌نامه **APA** استفاده کنید. تمام مواردی که برای نمونه در جدول ۳ مشاهده می‌نمایید (شماره نشریه داخل پرانتز، نام نشریه یا پایان‌نامه و عنوان کتاب به صورت ایتالیک و...) باید رعایت شوند. فایل شیوه‌نامه را می‌توانید از [اینجا](#) دریافت کنید.

نکته ۲: مشخصات منابع حتماً باید به طور کامل نوشته شوند. در مورد نشریه‌ها اعم از فارسی و انگلیسی حتماً به ترتیب نام نشریه (به صورت ایتالیک)، دوره، (شماره نشریه داخل پرانتز)، صفحه ابتدای مقاله خط تیره صفحه انتهای مقاله نوشته شود (جدول ۳ را مشاهده نمایید).

نکته ۳: منابعی که کتاب هستند، اعم از کتاب فارسی و انگلیسی حتماً باید به ترتیب شهر محل نشر و نام ناشر نوشته شود (جدول ۳ را مشاهده فرمایید).

نکته ۴: منابعی که مربوط به پایان‌نامه یا رساله دکتری هستند، اعم از فارسی و انگلیسی باید دانشگاه و شهر مربوط به آن نوشته شود. (جدول ۳ را مشاهده فرمایید).

نکته ۵: در مورد منابع مربوط به همایش‌ها، سمینارها و... نوشتن تاریخ و مکان دقیق همایش الزامی است.

نکات مهم در مورد فهرست منابع فارسی:

۱. در داخل متن کلیه منابع باید به زبان فارسی نوشته شوند (حتی منابع انگلیسی).
۲. برای منابع داخل متن از واژه (و دیگران/ و همکاران) استفاده نکنید و تمام اسامی نویسندگان و پژوهشگران را بنویسید مگر اینکه افراد بیشتر از ۵ نفر باشند.

۳. منابع فارسی به زبان فارسی در این قسمت هم نوشته شوند:
 (نام خانوادگی نویسنده اول، نام کوچک همان نویسنده، و نام خانوادگی نویسنده دوم، نام کوچک همان نویسنده. (سال انتشار). عنوان مقاله. نام نشریه، دوره (شماره)، صفحه شروع مقاله - صفحه پایان مقاله.

۴. مثال:

تقوا، محمدرضا؛ منصوری، طاها؛ فیضی، کامران؛ اخگر، بابک (۱۳۹۵). کشف تقلب در تراکنش‌های کارت‌های بانکی با استفاده از پردازش موازی ناهنجاری در بزرگ‌داده. فصلنامه مدیریت فناوری اطلاعات، ۸(۳)، ۴۹۸-۴۷۷.

نکات مهم در مورد فهرست منابع انگلیسی:

در پایان متن در قسمت "References" علاوه بر منابع انگلیسی، منابع فارسی نیز باید به زبان انگلیسی آورده شوند.

برای ترجمه منابع فارسی لطفاً به چکیده انگلیسی مقاله، صفحه عنوان انگلیسی کتاب، صفحه عنوان انگلیسی پایان‌نامه، و... مراجعه کنید یا از مترجم کمک بگیرید. برنامه Google Translate پاسخ مناسبی به شما نمی‌دهد.

در انتهای منابعی که فارسی هستند و به انگلیسی ترجمه شده حتماً (in Persian) اضافه شود.

۱. منابع باید به ترتیب حروف الفبای انگلیسی مرتب شوند.

۲. مطمئن شوید که منابع اشاره شده در متن در مآخذ نوشته شده باشند و برعکس.

جدول ۳. شرح صحیح منبع‌دهی در داخل و انتهای مقاله

در فهرست منابع	در داخل متن	نوع منبع
(نام خانوادگی نویسنده اول، نام کوچک همان نویسنده، و نام خانوادگی نویسنده دوم، نام کوچک همان نویسنده. (سال انتشار). عنوان مقاله. نام نشریه، دوره (شماره)، صفحه آغاز مقاله - صفحه پایان مقاله.	(نام خانوادگی نویسنده اول و نام خانوادگی تمام نویسندگان، سال: صفحه)	مقاله فارسی و انگلیسی

<p>سینایی، وحید؛ یوسف زهی، ناصر؛ فاطمی نژاد، سید احمد؛ منشادی، مرتضی (۱۳۹۹). جامعه پذیری بین‌المللی، بایسته کشورداری اقتصادی توسعه. نشریه مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ۳(۱)، ۵۳-۷۸</p>	<p>یوسف زهی، سینایی، فاطمی نژاد و منشادی (۱۳۹۹) هنگام ذکر نام نویسندگان در آغاز جمله. (سینایی، یوسف زهی، فاطمی نژاد و منشادی، ۱۳۹۹: ۱۰۰). هنگام ذکر نام نویسندگان در پایان جمله و در داخل پرانتز.</p>	<p>نمونه مقاله فارسی</p>
<p>Blanchard, Jean-Marc F. & Norrin M. Ripsma (2007). Asking the right question: When do economic sanctions work best?. <i>Security Studies</i>, 9(1), 219-253.</p>	<p>(Blanchard & Ripsma, 2007: 20-21)</p>	<p>نمونه مقاله انگلیسی</p>
<p>Moghimi, Seyyed Mohammad, & Alaei Ardakani, Mostafa. (2011). Measuring good governance factors and e-government role in enhancing it. <i>Journal of Information Technology Management</i>, 3(8), 171-188. (in Persian)</p>	<p>(مقیمی و اعلائی اردکانی، ۱۳۹۰: ۲۰)</p>	<p>نمونه مقاله فارسی ترجمه شده</p>
<p>نام خانوادگی نویسنده اول، نام کوچک همان نویسنده، و نام خانودگی نویسنده دوم، نام کوچک همان نویسنده. (سال انتشار). عنوان کتاب. شهر محل نشر: نام ناشر.</p>	<p>(نام خانوادگی نویسنده اول و نام خانوادگی سایر نویسندگان، سال، شماره صفحه یا صفحات)</p>	<p>کتاب فارسی و انگلیسی</p>
<p>Arthur, Diane (2004). <i>Fundamentals of human resources management</i>. New York: American Management Association. Seyed Javadein, Seyed Reza (2004). <i>Fundamentals of human resources management</i>. Tehran: University of Tehran Press. (in Persian)</p>	<p>(سیدجوادین، ۱۳۸۳: ۵۳-۵۴)</p>	<p>نمونه کتاب فارسی</p>
<p>Diaz-Rico, Lynne T. (2018). <i>A course for teaching English learners</i>. 2nd Edition. Boston, MA: Pearson.</p>	<p>(Diaz-Rico, 2018 :144)</p>	<p>نمونه کتاب انگلیسی</p>

چکیده انگلیسی مقاله باید ساختاریافته بوده و به طور دقیق با ترجمه چکیده فارسی همسان باشد (رعایت تمام دستورالعمل‌های چکیده‌نویسی فارسی در این بخش هم الزامی است)، چکیده مقاله، نباید کمتر از ۲۰۰ کلمه و بیشتر از ۲۵۰ کلمه باشد. از اشاره به مراجع و استفاده از پاورقی در چکیده خودداری شود. چکیده انگلیسی باید با قلم **Times New Roman 9/5** با فاصله خطوط ۱، فاصله ۳ سانتی‌متر از سمت راست و چپ و ۳ سانتی‌متر از بالا و پایین کاغذ، با کناره‌های ردیف شده (**Justify Low**) نوشته شود و به صورت دقیق در نمونه فرمت چکیده انگلیسی که در قسمت راهنمای نویسندگان نشریه آمده است، جای گیرد. در نوشتن عنوان انگلیسی دقت کنید که به جز حروف اضافه تمام کلمات با حرف بزرگ نوشته شوند. چکیده‌های خارج از این فرمت پذیرفته نمی‌شوند.

کلیدواژه‌های انگلیسی معادل کلیدواژه‌های فارسی و ترجمه دقیق همان واژگان با قلم **Times New Roman 9.5** است که به ترتیب اهمیت‌شان ذکر می‌شوند.

اضافه نمودن آیتم سپاسگزاری:

نویسندگان محترم می‌توانند در صورت تمایل آیتم سپاسگزاری را در پایان مقاله و قبل از بخش منابع به مقاله اضافه نمایند.

این آیتم می‌تواند به صورت جملاتی مثل موارد زیر به مقالات اضافه شود:

از آقای دکتر/ خانم دکتر به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می‌شود.

از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.

از آقای دکتر/ خانم دکتر به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای ارزشمند سپاسگزاری نماید.

نگارندگان بر خود لازم/فرض می‌دانند از مجموعه/ نهاد به خاطر حمایت مالی سپاسگزاری نمایند.

برخی نکات مهم ویرایشی

۱. برای شماره‌گذاری از عدد و نقطه استفاده شود؛ مانند شماره‌گذاری همین قسمت. قبل از نقطه، ویرگول، نقطه ویرگول، دونقطه، علامت سؤال، علامت تعجب و ... نیازی به فاصله (space) نیست؛ اما بعد از این علائم باید یک فاصله گذاشته شود.

۲. هنگام استفاده از پرانتز قبل از باز شدن پرانتز و بعد از بسته شدن پرانتز از فاصله استفاده کنید، کلمه داخل پرانتز بدون فاصله به پرانتز می‌چسبد.

برای نوشتن کلمات مرکب یا بعضی واژگان و افعال مشابه از نیم فاصله استفاده شود (برای مثال انسان‌ها، می‌رود، تصمیم‌گیری، اندازه‌گیری، بهره‌مند، منطقه‌ای، همان‌گونه و...) [برای مثال: می‌خواهم (غلط) می‌خواهم (درست)]. برای ایجاد نیم‌فاصله در نرم‌افزار Word می‌توانید از (CTRL+2 + Shift) یا (Shift+Space) یا (CTRL+-) استفاده کنید (بسته به نوع ویندوز یکی از موارد عمل می‌کند).

۳. به جای استفاده از علامت (%) در متن از کلمه درصد استفاده کنید. مانند: ۵ درصد.

۴. از به کار بردن (ه‌ی) و همزه (ه) در متن مقاله خودداری کنید.

شرایط و ضوابط پذیرش و انتشار مقاله

- نشریه اقتصاد سیاسی بین‌الملل مقالات اصیلی که مبتنی بر روش‌های پژوهشی معتبر و منطبق با موضوع و رویکرد نشریه باشد را منتشر می‌نماید. به مقاله‌های اقتباسی، گردآوری یا ترجمه ترتیب اثر داده نمی‌شود.

- کلیه مقالات ارسال شده به دفتر نشریه توسط سامانه همانند جو کنترل می‌شوند. مشابهت مقاله با متون انتشار یافته حداکثر در حد بیست تا بیست و پنج درصد قابل قبول است و مقالاتی که بیشتر از حد یاد شده با منابع موجود هم‌پوشانی داشته باشند، صرفاً برای یک بار به نویسنده جهت اصلاح عودت داده می‌شوند و در صورت عدم اصلاح، مقاله از فرآیند بررسی خارج می‌گردد.

- مقاله‌ها فقط از طریق سامانه نشریه دریافت و ارزیابی می‌شود. بنابراین، نویسندگان باید فایل مقاله خود را در سامانه نشریه بارگذاری و ثبت کنند.

- در مقاله‌هایی که بیش از یک نویسنده دارد، مسئولیت تعارض منافع بین نگارندگان با نویسنده مسئول است. وی در هنگام ارسال مقاله باید فرم مربوطه را تکمیل و بعد از امضاء در سایت نشریه بارگذاری نماید. به تبع نشریه مسئولیتی در قبال ترکیب و ترتیب نویسندگان یک مقاله ندارد.

- بارگذاری فرم تعهدنامه اخلاق نشر که توسط نویسنده/نویسندگان امضاء شده باشد، در سایت نشریه الزامی است.

- مقاله‌های ثبت شده در سامانه نشریه به هیچ وجه نباید در دیگر نشریات داخلی و خارجی منتشر شده باشد.

- فرآیند داوری و پذیرش مقاله در نشریه به صورت دو سو ناشناس است. یعنی مشخصات نویسندگان برای داوران و مشخصات داوران برای نویسندگان در همه مراحل داوری پنهان می‌ماند.

- مقاله‌ای که مراحل داوری و تأیید نهایی را در این نشریه گذرانده باشد، انتشار آن در نشریات دیگر توسط نویسنده یا نویسندگان مجاز نیست.
- سردبیر، هیئت تحریریه و داوران نشریه در پذیرش و رد مقاله‌ها اختیار تام دارند. هم‌چنین، ویراستار نشریه در ویرایش صوری، زبانی و ادبی مقاله‌ها اختیار کامل دارد.
- نویسنده مسئول موظف به انجام کلیه اصلاحاتی است که در مراحل داوری یا ویراستاری مقاله از وی خواسته می‌شود. تشخیص مغایرت این مهم در هر مرحله‌ای، از داوری تا ویرایش و صفحه‌آرایی منجر به حذف مقاله از فرآیند داوری خواهد شد.
- مقاله‌هایی که با «راهنمای نگارش حاضر» و به‌ویژه با «شیوه‌استناد» نشریه منطبق نباشد، پذیرفته نمی‌شود.
- مسئولیت کامل صحت و دقت نشانی منابع، نقل قول‌های مستقیم و غیرمستقیم، ارجاعات و مشخصاً کتاب‌شناختی منابع در کتاب‌نامه با نویسنده مسئول مقاله است.
- مقاله‌ها پس از بررسی توسط تیم سردبیری و در صورت پذیرش اولیه که حداکثر پنج روز کاری به طول خواهد انجامید، در فرآیند داوری قرار می‌گیرند. نتیجه داوری مقاله ظرف دو تا چهار ماه مشخص می‌شود و از طریق ایمیل به نویسنده مسئول اعلام می‌گردد.

به نام خدا

فرم تعهدنامه نویسنده مسئول

سر دبیر دوفصل نامه مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل

با سلام،

اینجانب..... نویسنده مسئول مقاله.....
اعلام می کنم که مقاله ارسالی به نشریه مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل قبلاً در جای دیگری
چاپ نشده است و متعهد می شوم که آن را به طور همزمان به نشریه یا همایش دیگری
ارسال نکنم.

تاریخ

امضای نویسنده مسئول

فرم تعارض منافع

فرم تعارض منافع، توافق نامه‌ای است که نویسنده (گان) یک مقاله اعلام می‌کنند که در رابطه با انتشار مقاله ارائه شده به طور کامل از اخلاق نشر، از جمله سرقت ادبی، سوء رفتار، جعل داده‌ها و یا ارسال و انتشار دوگانه، پرهیز نموده‌اند و منافعی تجاری در این راستا وجود ندارد و نویسندگان در قبال ارائه اثر خود وجهی دریافت ننموده‌اند. فرم تعارض منافع به خوانندگان اثر نشان می‌دهد که متن مقاله چگونه توسط نویسندگان تهیه و ارائه شده است. نویسنده مسئول از جانب سایر نویسندگان این فرم را امضا و تایید می‌نماید و اصالت محتوای آن را اعلام می‌نماید. نویسنده مسئول هم چنین اعلام می‌دارد که این اثر قبلاً در جای دیگری منتشر نشده و همزمان به نشریه دیگری ارائه نگردیده است. همچنین کلیه حقوق استفاده از محتوا، جدول، تصاویر و ... به ناشر محول گردیده است.

نام نویسنده مسئول:	آدرس الکترونیکی:	
وابستگی سازمانی:	تلفن:	
عنوان مقاله:		
<p>آیا نویسندگان یا موسسه مربوطه وجهی از یک شخص ثالث (دولتی، تجاری، بنیاد خصوصی و غیره) برای هر بخشی از مقاله ارائه شده (شامل کمک‌های مالی، نظارت بر داده‌ها، طراحی مطالعه، آماده‌سازی اثر، تجزیه و تحلیل آماری و ...) دریافت نموده است؟</p>		
<input type="checkbox"/> بلی		<input type="checkbox"/> خیر
<p>آیا نویسندگان هرگونه اختراعی که در حال انجام، داوری و یا ثبت شده، مربوط به این اثر را در حال انجام دارند؟</p>		
<input type="checkbox"/> بلی		<input type="checkbox"/> خیر
<p>آیا طرق دسترسی دیگری وجود دارد که خوانندگان بتوانند که اطلاعات اضافی اثر مذکور را از نویسندگان مقاله دریافت نمایند؟</p>		
<input type="checkbox"/> بلی		<input type="checkbox"/> خیر
<p>آیا جنبه‌ای از این اثر مرتبط با حیوانات آزمایشی یا بیماری‌های خاص انسانی است که نیاز به اعلام و تایید اخلاق نشر باشد؟</p>		
<input type="checkbox"/> بلی		<input type="checkbox"/> خیر
نام نویسنده مسئول:	تاریخ:	امضا

سخن سردبیر

در فضای جریان‌ات جهانی قرن بیست و یکم، جامعه بشری بیش از هر زمان دیگر، مقوله تنوع و تکثر هنجاری - ارزشی در سطوح مختلف فروملی و فراملی را در ابعاد اقتصاد، سیاست و فرهنگ تجربه می‌کند. برآیند تحوّل یادشده، تقدّم یافتن نیازهای انسانی (human needs) در کنش‌ورزی شهروندان از یک سو و نیز، در مداخلات سیاستی نظام تدبیر ملی و محلی از دیگر سو است. بدیهی است نیازهای یادشده، طیف متنوع و گسترده‌ای از احتیاجات و تقاضاهای افراد و گروه‌های اجتماعی در ابعاد مادی، معنوی، هویتی و فرهنگی را دربر می‌گیرد. در این چارچوب مکان‌مندی، زمان‌مندی و تکوین توسعه در بستر ساحت‌های فرهنگی، زبانی، گفتمانی و زیست‌بوم انسان‌ها به واقعیتی انکارناپذیر تبدیل شده است.

بی‌راهه نیست که به موازات رخداد یادشده، توسعه یا پیشرفت متوازن به یکی از پیچیده‌ترین مفاهیم و تجارب فراروی کشورها و نظام‌های سیاسی مختلف تبدیل شده است. چگونگی همسازی بین ارزش‌های ناهمگن پیش‌گفته و تجمیع بین نیازهای انسانی متنوع شهروندان و گروه‌های اجتماعی مختلف، فرجام بقا و پایداری یک نظام سیاسی و الگوی باثبات رابطه دولت و جامعه در سطح داخلی و دولت با هم‌تایان خود را در سطح بین‌المللی رقم می‌زند. درمقابل ریشه بسیاری از تعارضات دولت - جامعه و تنزّل انسجام اجتماعی و ثبات سیاسی جوامع را باید در غفلت از نیازهای انسانی به‌معنای پیچیده و فراگیر مادی - معنوی آن جستجو کرد.

چند نکته اساسی را می‌توان به‌عنوان تالی منطقی قرارگرفتن انسان و جامعه به‌مثابه محمل و مجری توسعه و معطوف‌شدن ظرفیت‌های نظام تدبیر موجود برای رفع نیازهای انسانی برشمرد. نخست اینکه مهم است انسان‌ها و جوامع براساس مبانی ارزشی - فرهنگی خود مقوله توسعه و تغییر تحولات اقتصادی - اجتماعی را تجربه و به‌پیش ببرند. به‌تعبیر آمارتیاسن اینکه توسعه چه هست یا دربرگیرنده چه چیزی است، بستگی به این دارد که چه چیزی ارزش ارتقا دارد. به‌تبع دستیابی به یک نظام ارزشی پویا، منسجم و مورد اجماع جامعه، دشوارترین مسئله فراروی نظام‌های سیاسی در فضای سیال جریان‌ات عصر جهانی‌شدن و پساجهانی‌شدن است.

تکوین نظام ترجیحات یادشده در ارتباط دولت و جامعه برآیند طیف متنوع و گسترده‌ای از کارکردها و ظرفیت‌ها در سیستم سیاسی است که بعضاً نظریه‌پردازان اقتصاد سیاسی توسعه از آن به‌عنوان قدرت زیرساختی یک نظام سیاسی یاد می‌کنند. تجربه و داده‌های موجود نشان می‌دهد که میزان موفقیت و درحقیقت ظرفیت قدرت زیرساختی دولت‌های مختلف در این خصوص یکسان نیست. کاربرد سازوکارهای اقتناعی برای دستیابی به یک سامانه ارزشی - هنجاری فراگیر تا اعمال اجبارآمیز و بازتولید قدرت و نظم به‌شکلی مکانیکی برای تسری طیفی از ارزش‌ها در حوزه‌های مختلف دو سرطیف الگوی رابطه دولت - جامعه و دولت با نظام بین‌الملل برای حل تعارضات خرد و کلان را نشان می‌دهد.

در گام دوم و سوای اینکه جوامع و نظام‌های سیاسی چه چیزی را شایسته ارتقا و تعالی ببینند و چگونه بر سر آرمان‌ها و هنجارهای یادشده به توافق برسند، مقوله سازوکارها و مدل تحقق‌بخشی آن نیز، به همان اندازه مهم است. بشر تاکنون در شکل‌های مختلف بازارمحور (کاپیتالیستی)، دولت‌محور (سوسیالیستی) و نیز گونه‌های تلفیقی متنوع‌تر در فراسوی دوگانه یادشده و با بیش‌های سیاسی - امنیتی، اقتصادی و فرهنگ‌محور با مسائل مبتلابه فراروی جامعه و نظام سیاسی روبه‌رو شده است. این مهم نیز به تناسب شرایط و امکانات داخلی و نیز جایگاه و مکان‌یابی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بین‌المللی کشورها متفاوت و متلون است؛ با این حال، تأثیر عملکرد ساختار سیاسی و نهادی حاکم در تجربه موفق یا ناکام تحقق نیازهای انسانی و چگونگی دستیابی به انسجام و همبستگی بین دولت - جامعه انکارناپذیر است.

مطالعه فرجام تغییر - تحولات اجتماعی برخی جوامع نشان می‌دهد هر جا نظام سیاسی بستر فراخ‌تری برای گفتگو، تعامل و کنش‌گری مردم فراهم نموده، امکان دستیابی به مفصل‌بندی نظام ترجیحات و ارزش‌های فراگیر، سطح بالاتری از توسعه و پیشرفت متوازن و در نتیجه تحقق ثبات سیاسی بیشتر بوده است. در جوامعی که شهروندان در قبض و بسط ارزش‌ها و اولویت‌بندی نیازها و اقتضائات تأثیرگذار بر زندگی روزمره خود و نیز در تدوین و اجرای اقدامات توسعه‌ای مشارکت بیشتری دارند، مقوله تغییرات اجتماعی آهنگ مطلوب‌تری داشته و تعلق خاطر به تصمیمات نظام تدبیر و نیز حمایت از خروجی‌های سیستم تصمیم‌گیری در حوزه‌های مختلف بالاتر است؛ بنابراین سیاست‌گذاری معطوف به نیازهای انسانی شهروندان و لحاظ نمودن انسان‌ها و ترجیحات آنان در مفصل‌بندی مقوله پیشرفت و الگوی تحقق‌بخش آن، برای پایداری نظام سیاسی و حل و فصل تعارضات محتمل در رابطه دولت - جامعه مقوله حیاتی است.

همان قدر که تقدّم حیات انسانی و کیفیت زندگی شهروندان بر هر سیاست و اقدام دیگری برای تحکیم مشروعیت ساختار قدرت در نظام به هم فشرده اطلاعاتی - ارتباطاتی موجود جهانی اولویت حیاتی دارد، اینکه به توسعه و ارتقا چه چیزی پرداخته شود نیز، مهم و سرنوشت‌ساز بوده و در تکوین تعامل ارگانیک نظام سیاسی با مردمان خود به شکل‌های مختلف تأثیرگذار است. خارج از چنین رهیافت و تجربه‌ای می‌تواند زمینه‌ساز گسست رابطه دولت و جامعه یا دست کم شکنندگی، ناپایداری و غیر قابل پیش‌بینی شدن تحولات اقتصادی - اجتماعی و سیاسی در یک پهنه سرزمینی باشد. در پرتو میکروفیزیک قدرت، تدبیر متوازن اقتصاد، سیاست و فرهنگ و تقدّم امر سیاستی بر امر سیاسی در نظام تدبیر محلی و ملی است که بنیان‌های قدرت سیاسی استوار شده و در بستر آن زمینه هر نوع پیشرفت و ارتقای تکنولوژیک، صنعتی، شهری، کشاورزی و انسانی نجات‌بخش و پایدار فراهم می‌شود.

سازوکارهای تک‌بعدی سیاسی - امنیتی، اقتصادی یا فرهنگی رویارویی با نیازهای پیچیده افراد و گروه‌های انسانی مختلف تنها می‌تواند سطح اصطکاک دولت و جامعه در ساحت داخلی و ستیز دولت با دیگر بازیگران را در نظام بین‌الملل بالا برده و وضعیتی غیر متعارف و آنومیک را در تعاملات ملی و بین‌المللی یک نظام سیاسی به بار آورد.

References

- Burton, J. (1990), *Conflict: Human Needs Theory*, Macmillan press.
- Lane, J. Erik and Ersson, O, Svante (1997), *Comparative Political Economy: A Developmental Approach*, Canadian Sociology and Anthropology Association, Pinter Publisher.
- Weiss, L. (2014), *Infrastructural power, economic transformation, and globalization*, In John A. Hall & R. Schroeder (Eds), *An Anatomy of power: The social theory of Michael Mann*, Cambridge University Press: available at: <https://www.researchgate.net/publication/235785057>.

فهرست

- اقتصاد سیاسی سیاست خارجی دولت‌های نفت‌محور (با تأکید بر نظریه رابرت کاکس).... ۱
بهروز اسعدی، حسین پوراحمدی
- تحلیل ساختاری جایگاه کنش‌گران آینده اقتصاد سیاسی جهانی با محوریت اتحادیه اروپا در
دورنمای ۲۰۵۰؛ به روش مکتور..... ۴۱
حسین سلیمی، محدثه حیدری
- تعدیل ساختاری نئولیبرالیسم و تأثیرات آن بر عراق پس از ۲۰۰۳ م..... ۷۷
محمدحسین مرزه، رضا نجف‌زاده
- بررسی اثر فعالیت‌های تروریستی بر تقاضای گردشگری در کشورهای منتخب غرب آسیا ۱۱۱
سمیرا متقی، آناهیتا سیفی، اصغر ابوالحسنی، صلاح ابراهیمی
- تأثیر سند اقتصادی - صنعتی ساخت چین ۲۰۲۵ بر سیاست تجاری-اقتصادی اروپا (۲۰۲۰-
۲۰۱۵)..... ۱۳۷
مبارکه صداقتی، ارسلان قربانی شیخ‌نشین
- تحلیل توافق‌نامه ۲۵ ساله ایران و چین در پرتو تحولات سیاست خارجی چین ۱۷۵
نوذر شفیع
- تبیین فرصت‌های ژئواکونومیکی ج.ا. ایران در فضای پساجنگ سوریه..... ۲۰۱
افشین متقی، سعید رجبی
- تأثیر ایده خوداتکایی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران..... ۲۲۹
محمدرضا دهشیری، زهرا امامی، میلاد الهی‌نیا

- بررسی تأثیر احساسات منفی مشتریان بر تمایل به خرید کالاهای تولیدشده در کشور متخاصم با
توجه به نقش تعدیل‌گر کیفیت محصول (مطالعه موردی: برند آیفون در ایران).....۲۵۷
علیرضا حبیبی، قاسم‌علی یوسفی، علی میراحمدی
- اقتصاد سیاسی رانت و خصوصی‌سازی در ایران پس از انقلاب اسلامی.....۲۸۷
حدیث مرادی، سید شمس‌الدین صادقی، مسعود اخوان کاظمی
- مدیریت آب رودخانه‌های مرزی غرب ایران و تأثیر آن بر تعاملات اقتصاد سیاسی ایران و عراق
(مطالعه موردی طرح سامانه گرمسیری).....۳۲۱
علیرضا کیانی، حمیدرضا سعیدی‌نژاد، شهرام فتاحی، سیروس محبی
- مدیریت توسعه پایدار شهر کرمانشاه: رهیافت اقتصاد سیاسی.....۳۵۷
فرهاد دانش‌نیا، یوسف محمدی‌فر

اقتصاد سیاسی سیاست خارجی دولت‌های نفت‌محور (با تأکید بر نظریه رابرت کاکس)^۱

بهرروز اسعدی*

حسین پوراحمدی**

چکیده

با توجه به روند تحولات نظام اقتصاد سیاسی جهانی، درک صحیح از مقوله سیاست خارجی کشورهای با نظام اقتصادی نفت‌محور اهمیت دوچندان دارد. با وجود پژوهش‌های بسیاری که در پی شناخت چگونگی شکل‌گیری سیاست خارجی در این کشورها انجام شده است، تبیین سیاست خارجی این کشورها با توجه به فراوانی عوامل اثرگذار، بسیار دشوار است؛ اما به نظر می‌رسد نظرات کاکس بستر مناسبی را برای فهم و درک چگونگی شکل‌گیری سیاست خارجی در این کشورها ارائه می‌دهد. نوشتار پیش رو این پرسش کلیدی را مطرح می‌کند که نظام تولیدی نفت‌محور چه تأثیری بر سیاست خارجی دولت‌های نفت‌محور دارد؟ بر مبنای آراء کاکس به نظر می‌رسد ساختار تولید نفت‌محور با ایجاد روابط اجتماعی تولید و پیکربندی دولت، بر شکل‌گیری سیاست خارجی در این کشورها تأثیری اساسی دارد؛ به عبارت دیگر کنش سیاست خارجی در این کشورها در ادامه روابط اجتماعی تولید و در راستای بازتولید انحصار بهره‌مندی از نفت قرار دارد. از این رهگذر هدف پژوهش حاضر بررسی و فهم چگونگی رابطه نظام تولیدی نفت‌محور و سیاست خارجی است. یافته‌های نوشتار با تأکید بر نظرات کاکس و روش بنیادی اکتشافی، نشان می‌دهد که منافع و تمایلات طبقات و نیروهای اجتماعی مسلط در روابط اجتماعی تولید نفت‌محور، تأثیر اساسی بر کنش سیاست خارجی در کشورهای با نظام اقتصادی نفت‌محور دارد.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد سیاسی، سیاست خارجی، روابط اجتماعی تولید، نظام اقتصادی نفت‌محور، دولت نفت‌محور.

نوع مقاله: پژوهشی.

۱. نوشتار پیش رو مستخرج از رساله دکتری با نام اقتصاد سیاسی سیاست خارجی ج.ا. ایران، با راهنمایی دکتر پوراحمدی و مشاوره دکتر تاجیک و دکتر اطاعت است.

* دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده اقتصاد و سیاست، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

** استاد رشته روابط بین‌الملل، دانشکده اقتصاد و سیاست، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده

مسنول)، h-pourahmadi@sbu.ac.ir

مقدمه

فرایند جهانی‌شدن و تغییر دستور کار سیاست جهانی به سمت موضوعات اقتصادی و فرهنگی، تحولات بنیادینی در نیروها و مؤلفه‌های تعیین‌کننده در معادلات میان کشورها ایجاد کرده است. این تحولات وابستگی متقابل میان سطوح داخلی و خارجی را در ابعاد فروملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، گسترش داده و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری آن‌ها را شدت بخشیده است. در چنین فضایی از عرصه جهانی، تبیین و تحلیل سیاست خارجی، به دلیل پیچیدگی ناشی از فراوانی عوامل، بسیار دشوار شده است. سیاست خارجی به‌عنوان کارآمدترین شیوه در راستای هدایت منافع ملی در عرصه بین‌المللی و همچنین هماهنگی نظام داخلی با نظام بین‌المللی، به‌طور فزاینده‌ای از فضای اجتماعی و اقتصادی داخلی متأثر است. از این رو، براساس رویکرد اقتصاد سیاسی، ایدئولوژی سیاسی حاکم، تعامل نیروهای اجتماعی و اهداف حاکمیت سیاسی و عناصر عرصه اقتصادی ملی از یکسو و کارکرد و ساختار نظام اقتصاد سیاسی جهانی از سوی دیگر، عوامل مؤثر بر دیپلماسی و سیاست خارجی بازیگران هستند (پوراحمدی، ۱۳۸۱: ۱۰۵۴-۱۰۵۵).

در همین زمینه، در روند تحولات جهانی و با تعمیق روزافزون رابطه متقابل میان نظام اقتصادی و سیاست خارجی، تأثیر ساختار اقتصادی بر عرصه سیاست خارجی غیر قابل انکار شده است. این تأثیر و تأثر متقابل باعث شده سیاست‌گذاران دستگاه دیپلماسی بیش از هر چیز در صدد تطابق کنش سیاست خارجی با سیاست‌ها و اهداف نظام اقتصادی باشند. در همین راستا، سیاست خارجی در کشورهای تولیدکننده نفت نیز تا حد زیادی تحت تأثیر سیاست داخلی و فضای اقتصادی - اجتماعی قرار دارد. در این شرایط نیروهای اقتصادی داخلی (که از ساختار تولید نفت محور متأثر هستند)، به‌اندازه بازیگران قدرتمند نظام اقتصاد جهانی؛ بر ماهیت و سمت و سوی دیپلماسی این کشورها اثر می‌گذارند. در این کشورها نفت و منابع حاصل از فروش آن، عاملی تأثیرگذار بر نظام اقتصادی است که ضمن تأثر از معادلات ساختار نظام اقتصاد جهانی، بر تمامی شئون زندگی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و بین‌المللی تأثیرگذار است.

اقتصاد سیاسی سیاست خارجی دولت‌های نفت‌محور (با تأکید بر ...) (بهروز اسعدی و حسین پوراحمدی) ۳

به نظر می‌رسد در مطالعات حول شکل‌گیری سیاست خارجی، همچنان رابطه میان ساختار اقتصادی و سیاست خارجی جایگاه خود را نیافته است. پژوهش‌های یادشده گرچه این دو مقوله را متعامل قلمداد می‌کنند، اما به هر حال آن‌ها را به عنوان حوزه‌هایی مجزا فرض می‌کنند که تأثیرات گسترده‌ای بر یکدیگر دارند. در مطالعه سیاست خارجی کشورهای نفت‌محور، به طور کلی نفت پدیده‌ای جدا از نظام اقتصادی محاسبه شده که بیشترین تأثیر را بر ساختار اقتصادی و سیاست خارجی دارد. با توجه به اینکه این پژوهش‌ها درصدد درک رابطه نفت و سیاست خارجی به مثابه مقوله‌هایی مجزا از یکدیگر بوده‌اند، اغلب به بررسی تأثیرات متقابل قیمت نفت و سیاست خارجی بر یکدیگر پرداخته‌اند. آنچه از نظر نویسندگان نوشتار پیش رو در این مطالعات مورد غفلت واقع شده، مطالعه نفت در قالب ساختار تولید و به عبارت دیگر مطالعه ساختار تولید نفت‌محور و تأثیر آن بر کنش سیاست خارجی بوده است. بر این مبنا، به منظور شناخت سیاست خارجی دولت‌های نفت‌محور، ضروری است با بررسی نظام اقتصادی نفت‌محور، چگونگی رابطه این نظام اقتصادی را با ساختار دولت و سیاست خارجی تبیین کنیم.

نوشتار حاضر ضمن مفروض‌انگاشتن اهمیت فوق‌العاده نظام اقتصادی در شکل‌دهی به دیپلماسی این کشورها، در پاسخ به این پرسش که نظام تولید نفت‌محور چه تأثیری بر سیاست خارجی دولت‌های نفت‌محور دارد؟ استدلال می‌کند که ساختار اقتصادی نفت‌محور با ایجاد روابط اجتماعی تولید و پیکربندی دولت، نقشی تعیین‌کننده در شکل‌گیری کنش سیاست خارجی در این کشورها دارد؛ بنابراین در تحلیل نهایی، می‌توان گفت که سیاست خارجی دولت‌های نفت‌محور از نظام تولیدی نفت‌محور متأثر است و در امتداد روابط اجتماعی تولید قرار دارد. پرسش مبتنی بر چگونگی رابطه میان نظام تولیدی نفت‌محور و سیاست خارجی، به پژوهشی بنیادی اکتشافی شکل می‌دهد. بر این مبنا در جستار پیش رو و در تلاش برای پاسخ به پرسش پژوهش از نظرات رابرت کاکس استفاده خواهد شد، زیرا می‌تواند میان ساختار اقتصادی نفت‌محور و سیاست خارجی پل بزند. از نظر نویسندگان، نظریه کاکس به خوبی چنین پیوندی را ترسیم نموده و به ما برای فهم

چگونگی شکل‌گیری سیاست خارجی این کشورها کمک خواهد کرد؛ بنابراین هدف پژوهش حاضر شناخت سازوکار تأثیر نظام تولیدی نفت‌محور بر سیاست خارجی است. در این چارچوب نوشتار پیش رو ضمن بررسی و تشریح نظریه کاکس، با توجه به تفاوت مدل‌های اقتصادی بررسی‌شده به وسیله کاکس با نظام اقتصادی در این کشورها نظریه نظام تولید آسیایی را (به‌عنوان یک الگوی نظری کمکی) بررسی خواهد کرد؛ سپس به تبیین حالت روابط اجتماعی تولید نفت‌محور و نیز پیکربندی دولت نفت‌محور خواهد پرداخت. سرانجام شکل‌گیری سیاست خارجی در کشورهای با نظام اقتصادی نفت‌محور بررسی و تبیین می‌شود. در همین راستا، تلاش خواهد شد در انتهای پژوهش، الگویی کلی درباره رابطه نظام تولیدی نفت‌محور و سیاست خارجی ارائه شود.

پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر پژوهش‌های متعددی به بررسی کشورهای تولیدکننده نفت، با‌عنوان دولت رانتیر پرداخته‌اند. اندک مطالعاتی که در این زمینه رابطه میان نفت و سیاست خارجی را بررسی کرده، اغلب مسئله سیاست خارجی نفتی را مد نظر قرار داده و تأثیر جهت‌گیری‌های سیاست خارجی را در این کشورها بر تولید و قیمت نفت یا برعکس بررسی کرده‌اند. در این میان بررسی تأثیر ساختار تولید نفت‌محور بر سیاست خارجی مغفول مانده است. از بین پژوهش‌های انجام‌شده در ارتباط با این مسئله، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

زوارزاده و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله «جهت‌گیری‌های کلان در سیاست خارجی دولت‌های رانتیر در ایران»، سیاست خارجی ایران را از منظر الگوی دولت رانتیر بررسی کرده‌اند. در این مقاله گرچه الگوی اصلی دولت رانتیر است؛ اما در مورد جهت‌گیری‌ها از الگوهای مرسوم در روابط بین‌الملل استفاده شده است.

سیمبر و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله «سیاست خارجی دولت موقت؛ تحلیلی از چشم‌انداز اقتصاد سیاسی»، به تأثیر نیروهای اقتصادی و اجتماعی در شکل‌گیری سیاست خارجی پس از پیروزی انقلاب اسلامی پرداخته‌اند. نویسندگان گرچه ساختار اقتصادی

اقتصاد سیاسی سیاست خارجی دولت‌های نفت‌محور (با تأکید بر ...) (بهروز اسعدی و حسین پوراحمدی) ۵

نفت‌محور را بررسی نکرده‌اند، ولی تحلیلی مبسوط از ساختار سیاسی و نیروهای اقتصادی ارائه داده‌اند.

فیضی (۱۳۸۹) در مقاله «تعامل نفت و سیاست خارجی در ج.ا: رهیافت تنش‌زدایی»، از جنبه‌ای دیگر به رابطه این دو متغیر پرداخته است. از نظر ایشان رفتارهای خارجی و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی نقش بسزایی در افزایش قیمت نفت و افزایش صادرات نفت دارند. نویسنده تنها دوره اصلاحات را بررسی کرده و معتقد است که سیاست تنش‌زدایی در این دوران موجب بالارفتن قیمت نفت و افزایش صادرات ایران شده است. ساعی و پیام (۱۳۹۱) در مقاله «تأثیر درآمد نفت بر جهت‌گیری سیاست خارجی دولت نهم»، به‌طور مبسوطی به تأثیر درآمدهای نفتی بر شکل‌گیری سیاست خارجی دولت نهم پرداخته‌اند. نویسندگان در بخشی از پژوهش خود از نظریه لوزی پتروپلیتیک توماس فریدمن استفاده کرده‌اند و رفتارهای تهاجمی دولت نهم را ناشی از افزایش سرسام‌آور درآمدهای نفتی می‌دانند.

میرترابی (۱۳۹۱) در مقاله «هفت قاعده سیاست خارجی، براساس الگوی تعاملی ساختار - کارگزار» محدودیت‌ها و مقدمات را در سیاست خارجی کشورهای تولیدکننده نفت بررسی کرده است. ایشان، هفت قاعده سیاست خارجی نفتی را شناسایی کرده که شماری از آن‌ها ناشی از تأثیر ساختاری بازار نفت است و شماری دیگر در تأثیر نفت بر کارگزار یا دولت نفتی ریشه دارد.

در ارتباط با منابع لاتین، مقاله یا کتاب‌هایی که به‌طور مستقیم به این امر پردازند بسیار ناچیز است. شاید بتوان مهم‌ترین اثری را که در این رابطه در زبان لاتین نگاشته شده است، اثر توماس فریدمن دانست. فریدمن (Friedman, 2009) در اثر خود فرضیه‌ای را ارائه می‌دهد که هرگاه درآمدهای نفتی در کشورهای تولیدکننده نفت افزایش می‌یابد، به همان اندازه از انعطاف‌پذیری در سیاست خارجی این کشورها کم می‌شود، یا به عبارت دیگر صلح و درآمد نفتی، رابطه منفی مستقیم با یکدیگر دارند.

همان‌طور که در متون مورد بررسی مشخص شد، تاکنون هیچ اثری به‌طور خاص تأثیر

نظام تولیدی نفت‌محور را بر سیاست خارجی کشورهای با نظام اقتصادی نفت‌محور بررسی نکرده است؛ از سوی دیگر، استفاده از رویکرد رابرت کاکس در هیچ پژوهشی استفاده قرار نشده؛ بنابراین ضرورت چنین پژوهشی بسیار محسوس است.

رهیافت نظری: رویکرد کاکس

رویکرد انتقادی کاکس توجه ما را از نظام سیاسی اقتدارگریز، به سازمان اقتصاد سیاسی جهان و شکل‌های سلطه و هژمونی موجود در آن معطوف می‌سازد. براساس استدلال کاکس، تولید یک اولویت منطقی مسلم در راستای فراهم کردن اساس مادی برای هرگونه شکل دولت دارد. او تفسیری کاملاً مادی‌گرایانه از سرشت سیاست جهان به دست می‌دهد؛ ولی از بازگشت به دیدگاه تقلیل‌گرایانه بن‌نگره تولید دفاع نمی‌کند؛ البته تولید را در شکل دادن به جامعه، پرنفوذتر از دولت و ساختار نظم جهانی نمی‌داند. از نگاه کاکس، هر یک از این سطوح به‌طور مداوم و دورانی (circular) بر سطوح دیگر تأثیر می‌گذارند (Cox, 1986: 225).

از این‌رو، بر نقش محوری دولت تأکید می‌نماید. دولت‌ها شرایطی را خلق می‌کنند که حالت خاصی از روابط اجتماعی تولید بر روی دیگر حالت‌های موجود غلبه پیدا می‌کند و به‌صورت عمدی یا سهوی روابط سلطه - تحت سلطه (dominant and subordinate) و ساختار انباشت (structure of accumulation) را می‌سازد؛ بنابراین او نه تنها به تعیین‌کنندگی اقتصاد معتقد نیست، بلکه بر استقلال دولت نیز تأکید دارد. هرچند بر این باور است که اعمال آن به‌وسیله عناصر و عوامل داخلی و خارجی محدود می‌شود (Leysens, 2008: 47)؛ بنابراین تولید نه تنها از راه روابط قدرت اتفاق می‌افتد، بلکه در ادامه و در راستای بازتولید خود منابعی را ایجاد می‌کند که می‌تواند به اشکال دیگر قدرت تبدیل شود.

در رویکرد کاکس تولید به‌عنوان یک فرایند (process) پنداشته می‌شود و عملکرد آن باید به‌مثابه فرایند پیچیده اجتماعی درک شود (Zafirovski, 2002: 148). تولید به‌منزله یک پدیده اجتماعی موجود و عمل‌کننده داخل محیط جامعه و نه فقط به‌عنوان فرایند بازار، تلقی می‌شود. در نتیجه، تولید نه تنها به کار (فعالیت‌های اقتصادی) در جامعه اشاره می‌کند، بلکه

اقتصاد سیاسی سیاست خارجی دولت‌های نفت‌محور (با تأکید بر ...) (بهروز اسعدی و حسین پوراحمدی) ۷

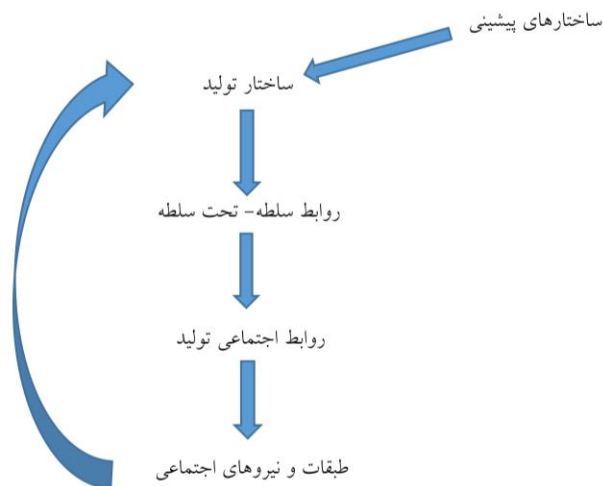
شامل ایده‌ها، نهادها و مناسبت‌های اجتماعی است که چارچوبی را شکل می‌دهند که تولید مادی داخل آن اتفاق می‌افتد (Leysens, 2008: 47).

کاکس برای توضیح روابط تولید از مفهوم کلی کار آغاز می‌کند. روابط تولید، روابط اجتماعی‌ای هستند که مسیرهای انجام کار را هدایت می‌کنند؛ به بیان دیگر، روابط تولید همه‌انواع کار را سامان‌دهی می‌کنند؛ بنابراین همه‌انواع متفاوت انسان‌ها داخل الگوی قابل تشخیصی از روابط تولید عمل می‌کنند (Cox, 1987: 13). براساس استدلال کاکس، ساختار تولید، روابط اجتماعی تولیدی (social relation of production) را ایجاد می‌کند. این روابط، به‌نوبه خود طبقات، جامعه مدنی و دولت را شکل می‌دهد. در همین چارچوب، روابط اجتماعی تولید در سه مسیر تحلیلی متمایز تحقق می‌یابند: اول، زمینه اجتماعی تولید که تعیین می‌کند «چه چیزهایی» و «چگونه» تولید شوند. اولی اولویت‌های یک جامعه را بیان می‌کند؛ دومی نیز روش غالبی که تولید را سازمان‌دهی می‌کند، نشان می‌دهد؛ بنابراین، اولین جنبه از روابط اجتماعی تولید، ساختار قدرت اجتماعی است؛ جنبه دوم شامل تقسیم‌کار و روابط اقتداری داخل فرایند تولید می‌شود. نقش‌های مکمل به‌واسطه ساختار اقتداری که فرایند تولید را هدایت می‌کند، به یکدیگر پیوند خورده‌اند؛ جنبه سوم، توزیع پاداش‌های تولید است که در بخشی به‌وسیله ساختار قدرت اجتماعی و در بخشی توسط مبارزه قدرت داخل فرایند تولید تعیین می‌شود؛ البته هر دو عامل به مبارزه قدرت تقلیل‌پذیر هستند. سه جنبه تحلیلی اشاره‌شده، به‌طور دیالکتیکی در یک کل تاریخی واحد به هم مرتبط هستند: روابط اجتماعی تولید (Cox, 1987: 11-13).

ماهیت سه‌گانه روابط تولید گفته‌شده، به برخی از عناصری که وجوه افتراق و تمایز روابط اجتماعی تولید را ممکن می‌سازند، اشاره دارد. این عناصر که وجه آبجکتیو هر حالت را مشخص می‌کنند، با یک زمینه بیناذهنی (intersubjective) هماهنگ هستند. نهادهای خاص نیز باعث تجسم و ثبات‌دادن این هماهنگی میان جنبه‌های آبجکتیو (objective) و سابجکتیو (subjective) هر حالت می‌شوند. تناسب میان این جنبه‌های عینی، ذهنی و نهادی، حالت روابط اجتماعی تولید را تعریف و ترسیم می‌کند.

روابط اجتماعی تولید پایه‌ای برای ساختار طبقاتی ایجاد می‌کند. به دیگر سخن، طبقات متأثر از ساختار تولید و حالت مسلط روابط اجتماعی تولید سامان می‌یابند؛ البته سازمان تولید تنها پتانسیل طبقات را ایجاد می‌کند، زیرا عوامل متعددی در شکل‌گیری طبقات دخیل هستند. از این رو طبقات نه تنها مقوله‌ای صرفاً اقتصادی نیستند؛ بلکه تنها زمانی وجود خواهند داشت که برپایه ادراک مشترک از مسائل و تمایل به اقدام مشترک در پرداختن به مسائل سازمان یابند. به‌طور کلی کاکس طبقات را نه ایستا و آبجکتیو، بلکه سیال و ساجکتیو تعریف می‌کرد (Budd, 2017: 21)؛ بنابراین به نظر می‌رسد اگرچه وجه عینی در شکل‌گیری طبقات وجود دارد، اما وجه ذهنی مهم‌تر است. در همین چارچوب ماهیت دولت با ساختار طبقاتی که دولت روی آن قرار دارد تعیین می‌شود؛ بنابراین ساختار تولید با ایجاد روابط اجتماعی تولیدی، ضمن ایجاد طبقات، برخی از آن‌ها را به نیروهای مسلط تبدیل می‌کند.

با توجه به اهمیت بازتولید ساختار تولید در تثبیت و بازتولید این طبقات، آن‌ها می‌کوشند تا با ایجاد اصول کلی، وظایف و محدودیت‌های دولت را تعیین نمایند؛ البته این به‌معنای دولت به‌عنوان ابزاری در دست طبقه مسلط نیست، بلکه به‌معنای ایجاد چارچوب رفتاری، هویت و دانش بخشی از کارگزاران دولت است. از این رو این طبقات تلاش می‌کنند تا با تنظیم و هدایت کنش‌های دولت، ضمن بازتولید نظام اقتصادی، منافع خود را تأمین نمایند. با توجه به اهمیت ساختار تولید در موقعیت این طبقات از یک‌سو و تأثیر این طبقات بر دولت و کنش‌های آن از دیگر سو، می‌توان گفت نظام اقتصادی بر کنش‌های دولت منشأ اثر است. در این میان، سیاست خارجی یکی از کنش‌های اساسی دولت است. طبقات مسلط متأثر از الزامات و نیازهای ساختار تولید و مطابق با منافع خود، کنش سیاست خارجی را تنظیم و هدایت می‌کنند؛ برای مثال، تبدیل سیاست خارجی مرکانتیلیستی به تجارت آزاد متأثر از منافع پیشگامان سرمایه‌داری بود. این سیاست تبلور هماهنگی سیاست‌گذاری‌های کلان انگلستان و حمایت از تجارت آزاد در قالب دکترین لسه‌فر و مخالفت با نظام توازن قوا و حمایت از سیاست خارجی کم‌هزینه براساس خلع سلاح و تجارت آزاد بود.



شکل ۱.

برای کاکس، طبقات و نیروهای اجتماعی حاصل از روابط اجتماعی تولید، پایه‌های اجتماعی اساسی را برای پیکربندی (configurations) دولت‌ها فراهم می‌کنند. هر دولتی از لحاظ تاریخی در محدوده سیاسی و اجتماعی خاصی شکل گرفته که ویژگی‌ها و حالت‌های عملیاتی خاصی را بر آن تحمیل می‌کند. براساس استدلال کاکس، مدل‌های روابط اجتماعی جدید، با اعمال قدرت دولت ایجاد می‌شوند. دولت‌ها همچنین انتخاب جوامع در رابطه با چگونگی توسعه‌شان را می‌سازند. رفتار دولت در این مسائل، به‌نوبه خود، مشروط به شیوه‌ای است که نظم جهانی بر دولت تحمیل می‌کند؛ بنابراین هر کوششی برای توضیح تغییرات روابط تولید باید به دولت‌ها و نظم جهانی اشاره کند (Budd, 2017: 44).

از نظر کاکس دولت فقط یکی از نیروهایی است که به نظم جهانی فعلی شکل می‌دهند. او استدلال می‌کند که فهم جامع نظم فعلی و خصوصیات ساختاری آن باید تعامل میان نیروهای اجتماعی، دولت‌ها و نظم‌های جهانی مد نظر قرار گیرند. براساس رویکرد او، دولت نقش میانجی اما مستقلی میان نیروهای اجتماعی که تولید به آن‌ها شکل می‌دهد و نظم جهانی که صورت‌بندی خاصی از قدرت را در خود جای می‌دهد ایفا می‌کند (برچیل و دیویتاک، ۱۳۹۳: ۲۲۱-۲۲۳). از این‌رو، ارتباط عملی میان تلاش دولت برای سازمان‌دهی

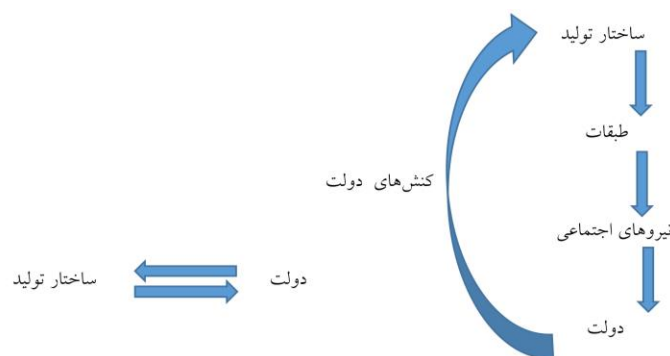
جامعه خود و تلاش آن برای حفظ خویش و پیگیری اهداف خود در سیستم بین دولتی وجود دارد؛ بنابراین اگرچه دولت‌ها از پایین (نیروهای اجتماعی) و بالا (نظم جهانی) محدود شده‌اند، اما با استقلال خاصی عمل می‌کنند.

به‌طور کلی، بر مبنای نظرات کاکس، نظام تولیدی در هر جامعه‌ای منجر به روابط اجتماعی تولید خاصی می‌شود. روابط اجتماعی تولید ضمن ایجاد روابط سلطه-تحت سلطه، به طبقات و نیروهای اجتماعی شکل می‌دهد که محصول آن پیکربندی دولت است. طبقات مسلط متأثر از الزامات ساختار تولید و همچنین منافع خود، کنش‌های دولت را تنظیم و هدایت می‌نمایند؛ بنابراین دولت که خود محصول روابط اجتماعی تولید و متأثر از نیروهای اجتماعی مسلط است، به‌طور مداوم در راستای بازتولید نظام تولید و روابط اجتماعی تولید کنش‌های مختلفی را انجام می‌دهد.

به دیگر سخن، طبقات و نیروهای اجتماعی مسلط که در پیکربندی دولت نقش اساسی را ایفا می‌نمایند و از طرف دیگر برآمده از روابط اجتماعی تولیدی هستند، کنش‌های دولت را به‌گونه‌ای تنظیم و هدایت می‌کنند که به بازتولید موقعیت خود و بنابراین بازتولید روابط اجتماعی تولید منجر شود. در این میان با توجه به رابطه متعامل و دورانی نظام تولیدی، دولت و نظم جهانی با یکدیگر در آراء کاکس، به‌نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین کنش‌های دولت، کنش سیاست خارجی است. لازم به ذکر است که کاکس در آثار خود به‌طور مستقیم از کنش سیاست خارجی سخن نمی‌گوید و تنها به رابطه دورانی سه ضلع روابط اجتماعی تولید، پیکربندی دولت و نظم جهانی می‌پردازد. در همین راستا و در اقدامی نوآورانه، در نوشتار پیش رو تلاش خواهد شد تا براساس الگوی کاکس، تأثیر روابط اجتماعی تولید به‌عنوان متغیر مستقل بر کنش سیاست خارجی به‌منزله متغیر وابسته تبیین گردد؛ بنابراین سیاست خارجی به‌مثابه یکی از کنش‌های دولت، بازتابی از منافع و تمایلات طبقات و نیروهای مسلط است که از راه روابط قدرت (وجه عینی)، نهادها و ایده‌ها در آن منعکس می‌شود؛ به عبارت دیگر، با توجه به تمایل و خواست طبقات مسلط به بازتولید ساختار تولید و نظر به تأثیر این طبقات بر دولت، این طبقات می‌کوشند سیاست خارجی را نیز در راستای بازتولید ساختار تولیدی هدایت کنند. از این منظر، نیروهای مسلط تلاش

اقتصاد سیاسی سیاست خارجی دولت‌های نفت‌محور (با تأکید بر ...) (بهرروز اسعدی و حسین پوراحمدی) ۱۱

می‌کنند تا در تعریف سیاست‌گذاری‌های کلان سیاست خارجی به‌گونه‌ای عمل کنند تا به تثبیت موقعیت آن‌ها در داخل بیانجامد. بر این اساس، سیاست خارجی به پیچیدگی روابط دولت و جامعه مربوط بوده و تحت تأثیر ساختار اقتصادی - اجتماعی داخل قرار دارد. براساس مدل کاکس، سیاست خارجی از یک سو با ساختارهای اقتصادی - اجتماعی داخل و از سوی دیگر با نظم جهانی در تعامل قرار دارد، به طوری که می‌توان گفت سیاست خارجی در بازتولید روابط تولید، تا حد زیادی از نظم جهانی و ساختار تولید جهانی متأثر است. براساس رویکرد کاکس، رابطه میان ساختار تولید، دولت و نظم جهانی، دورانی و مداوم است، به طوری که اگرچه نظام تولید داخلی در حال پیکربندی دولت و ایجاد نظم جهانی است، در مقابل نظم جهانی با واسطه دولت، به بازتولید نظام تولیدی و روابط اجتماعی تولید می‌پردازد؛ بنابراین، سیاست خارجی، متأثر از الزامات ساختار تولید و منافع طبقات مسلط، در هدایت و بازتولید روابط اجتماعی تولید اهمیتی کانونی دارد.



شکل ۲.

نظام تولید آسیایی (asian production system)

کاکس نظریه خود را در ارتباط با کشورهای غربی و جایی که نظام تولیدی سرمایه‌داری وجود دارد، طرح نموده است. از این رو بحث خود را با کار و تولید آغاز می‌کند که با شکل‌دهی به روابط اجتماعی تولید و طبقات، دولت را پیکربندی می‌نماید؛ اما به نظر می‌رسد نظام تولیدی در کشورهای دارای منابع انرژی و به‌طور خاص نفت، به دلیل تفاوت در نظام اقتصادی و ساختارهای پیشینی آن‌ها تا حدودی متفاوت است. دلیل اصلی این امر را

شاید بتوان در وجود منابع ثروت (نفت) خارج از فرایند تولید دانست؛ از سوی دیگر وجود ساختارهای پیشینی باعث شده، اعمال و رفتارهای اجتماعی در قالب این ساختارهای از پیش موجود عمل کنند. در این میان همان‌طور که کاکس نیز اشاره می‌کند، نقش دولت‌ها در خلق شرایط برای غلبه حالت خاصی از روابط اجتماعی تولید مهم است؛ بنابراین در این کشورها ساختار تولید و روابط اجتماعی تولید در مسیری رشد و توسعه یافتند که پیش از آن نیز دولت به بازتولید آن می‌پرداخت. با توجه به تفاوت نظام اقتصادی در جوامع شرقی (نفتی)، ضروری است در این بخش نظام تولید آسیایی را بررسی کنیم، زیرا برخی اندیشمندان خصوصیات جوامع نفت‌محور را منطبق با نظریه استبداد شرقی می‌دانند.

شیوه تولید آسیایی به همان اندازه که نظریه‌ای درمورد شیوه تولید است، نظریه دولت نیز هست. دولت در این نظریه به‌عنوان متغیر مستقل مورد تأکید قرار گرفته است. تفاوت اساسی این نظریه با فئودالیسم در آن است که ارزش اضافی در جامعه آسیایی به‌وسیله دولت غصب می‌شود، بنابراین دولت و ادارات آن استشارگران جامعه هستند (مارکس، ۱۳۸۸: ۴۸-۵۳). پژوهشگران نظام تولید آسیایی با پذیرش پیش‌فرض‌های بنیادین معرفت‌شناسانه، ساخت اقتصاد سیاسی را مهم‌ترین مؤلفه تأثیرگذار بر فرایندهای اجتماعی پنداشته‌اند که منشأ اثر سایر وجوه زندگی است و این ساخت نیز به‌نوبه خود متأثر از شرایط اقلیمی این جوامع، همچون کم‌آبی و فاصله زیاد واحدهای تولیدی به‌وجود آمده است. بدین‌سان استبداد شرقی به‌دلیل ضرورتی طبیعی - جغرافیایی که همان کمبود آب است، شکل گرفته و نظام سیاسی متناسب خویش را که دستگاه عظیم دیوان‌سالاری است، پدید آورده است. از این‌رو هرم قدرت جامعه شرقی از دو بخش حکومت‌گر و حکومت‌شونده تشکیل شده است (Wittfogel, 1957: 45-50). مناسبات اجتماعی - سیاسی و نیاز به توزیع منابع (آب) در این جوامع منجر به چیرگی فردی زورمند و پر قدرت شده، بدین ترتیب نظام‌های پاتریمونیالیستی (patrimonialism) و نئوپاتریمونیالیستی (neopatrimonialism) در این جوامع ایجاد شده‌اند (وبر، ۱۳۶۷: ۸۲-۹۵). به‌عبارت دیگر، ماهیت نظام سیاسی در این جوامع چنان تأثیری بر سطح زندگی اجتماعی و اقتصادی

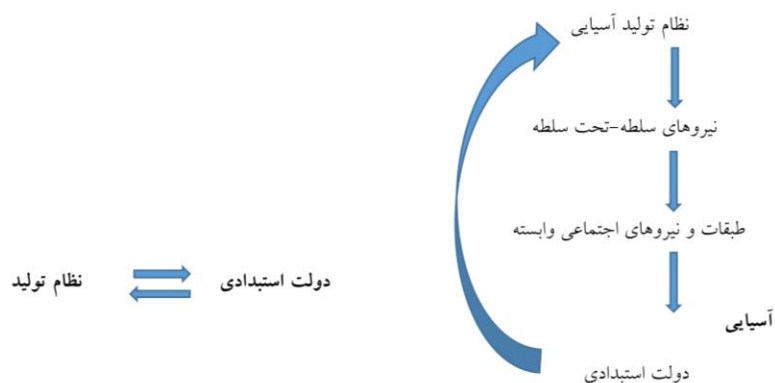
اقتصاد سیاسی سیاست خارجی دولت‌های نفت‌محور (با تأکید بر ...) (بهرروز اسعدی و حسین پوراحمدی) ۱۳

گذاشته که طبقات یا شئون مستقل امکان رشد و تأثیرگذاری بر حدود قطعی قدرت خودکامه را پیدا نکرده‌اند. در این چارچوب در این نظام‌ها، اصل وابستگی به خاندان پادشاه، احراز مناصب دیوانی و مالکیت بر اراضی، مبانی سه‌گانه قدرت طبقات بالا به‌شمار می‌رفت (بشیریه، ۱۳۸۸: ۴۷-۵۰).

در همین چارچوب در دوران جدید، نفت جایگزین آب شد؛ به این معنا که دولت با اتکا به درآمدهای نفتی منابع مالی مستقل از جامعه به‌دست آورد و شیوه تولید آسیایی که متکی بر استبداد آبی بود، جای خود را به استبداد نفتی داد (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۱۴۵-۱۸۵). از این‌رو کشورهای نفتی از منظری همان کشورهای شرقی هستند. اگر تمدن‌های شرقی تأسیسات آبیاری را در دست داشتند، کشورهای نفتی نیز بر مهم‌ترین عامل اقتصاد یعنی نفت استیلا دارند. اگر دولت‌های مستبد شرقی مانع رشد و استقلال فئودال‌ها می‌شدند و قدرت طبقات، وابسته به نزدیکی‌شان به حکومت بود، دارایی ثروتمندان در کشورهای نفتی نیز وابسته به نزدیکی‌شان به حکومت‌ها است (ماهرویان، ۱۳۸۱: ۶۹)؛ بنابراین طبقات اجتماعی در این جوامع متأثر از روابط تولید نفت‌محور و سلسله‌مراتب حاکمیت ساماندهی می‌شوند.

در این چارچوب و براساس نظرات کاکس، در نظام تولید آسیایی نیز ساختار و روابط اجتماعی تولید منجر به پیکربندی نوع خاصی از دولت می‌شود. ساختار تولید موجود در این کشورها به‌مثابه فرایند پیچیده اجتماعی، روابط سلطه - تحت سلطه را ایجاد می‌کند که از درون آن نیروها و طبقاتی پدیدار می‌شوند که ویژگی‌شان نزدیکی و وابستگی به دولت است؛ بنابراین شکل خاصی از دولت پیکربندی می‌شود. نقش دولت در این نوع از نظام‌های اقتصادی قانونی است. بدین ترتیب این دولت است که تعیین می‌کند چه چیزی و چگونه تولید شود، به تقسیم نیروی کار می‌پردازد و پاداش‌ها را توزیع می‌کند. در این نوع نظام ایده تولید از میان می‌رود و نهاد هماهنگ‌کننده ابعاد عینی و ذهنی، خود دولت و سایر نهادهایی است که دولت ایجاد می‌کند. در همین راستا و عطف به مباحث گفته‌شده، در ادامه تلاش خواهد شد تا با استفاده از چارچوب نظری نوشتار، روابط تولید نفت‌محور و نیز

پیکربندی دولت نفت محور بررسی و تبیین شود.



شکل ۳.

پیش از ورود به بحث روابط اجتماعی تولید در کشورهای با نظام اقتصادی نفت محور، ذکر یک نکته ضروری است؛ با توجه به شرایط خاص اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در این کشورها مشکل بتوان از نظریه‌های روابط بین‌الملل توقع فهم و توضیح کامل واقعیت را داشت؛ بنابراین نظریه کاکس و الگوی استخراج شده در نوشتار پیش رو، بسیار با تسامح مورد استناد و استفاده قرار می‌گیرد؛ بنابراین پژوهش حاضر ادعایی مبنی بر تطابق کامل نظریه و واقعیت ندارد.

ساختار تولید نفت محور: روابط تولید نفت محور (oil-based production relations)

در این بخش از نوشتار، تبیین روابط تولید نفت محور در دستور کار پژوهش قرار دارد. پیش از تبیین نظام تولید نفت محور، ذکر یک نکته ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به تفاوت‌های متعدّد میان کشورهای با نظام اقتصادی نفت محور و نیز گستردگی متغیرها و عناصر تأثیرگذار بر فرایند تولید در گستره این کشورها، در پژوهش حاضر کشورهای حوزه جنوب غرب آسیا مد نظر بوده‌اند. در همین زمینه اگرچه به کاربردن نظام تولید آسیایی برای توصیف شیوه تولید در تمامی کشورهای این حوزه نیز تا اندازه‌ای کلی گویی باشد، اما تلاش خواهد شد تا بر متغیرهای مشترک و عناصر مشابه تمرکز گردد. مسئله مهم این است که همان‌طور که می‌دانیم در این گونه پژوهش‌ها، متغیرهای متعددی اثرگذار هستند؛ بنابراین در

اقتصاد سیاسی سیاست خارجی دولت‌های نفت‌محور (با تأکید بر ...) (بهروز اسعدی و حسین پوراحمدی) ۱۵

صورتی که بخواهیم همه عناصر و مؤلفه‌ها را مدّ نظر قرار دهیم، تقریباً کاری ناممکن را آغاز کرده‌ایم؛ بنابراین تلاش خواهد شد با در نظر گرفتن متغیرها و مؤلفه‌های اساسی و با تکیه بر الگوی کاکس و استفاده از مدل نظام تولید آسیایی، عناصری را مدّ نظر قرار دهیم که این کشورها را به یکدیگر نزدیک کرده و موجب شکل‌گیری ساختارهای مشابهی شده که در اقتصاد سیاسی آن‌ها نقش بسزایی داشته‌اند؛ همچنین، این کشورها ساختارهای تاریخی، فرهنگی و ایدئولوژیک متفاوتی دارند؛ بنابراین شکل‌گیری ساختارهای سیاسی نیز در این کشورها تفاوت‌های شایانی با یکدیگر دارند. با وجود این تفاوت‌ها، متغیرهای اساسی و تأثیرگذار در این کشورها مشابه یکدیگر است. با توجه به پیش‌فرض‌های بنیادین معرفت‌شناسانه به نظر می‌رسد ساخت اقتصاد سیاسی نفت، مهم‌ترین مؤلفه تأثیرگذار بر فرایندهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در این کشورها و تعیین‌کننده سایر وجوه زندگی است؛ البته این ساخت به نوبه خود متأثر از شرایط اقلیمی و جغرافیایی این جوامع نیز هست. از این منظر، جغرافیا و نفت از مهم‌ترین عوامل اقتصاد سیاسی در این کشورها هستند. در همین چارچوب در این کشورها و جوامع پیش از ظهور نفت شیوه تولیدی خاصی جریان داشت که به نظام تولید آسیایی نزدیک است. این جوامع از آغاز شاهد حضور قدرت متمرکز سیاسی بودند که به عنوان متولّی امر زندگی اجتماعی مجالی برای رشد و آزادی عمل فردی، گروهی و طبقاتی باقی نگذاشت؛ بنابراین گذار به نظم جدید با محوریت طبقات اجتماعی حاصل نشد. از این رو در این جوامع و در نبود طبقات مستقل که نقشی مؤثر بر حدود دولت داشته باشند، همچنین فقدان مالکیت خصوصی بر زمین، شاهد ساختار قدرت استبدادی بوده‌ایم؛ بنابراین، دولت در مرکز تحلیل اقتصادهای این جوامع قرار می‌گیرد. در نتیجه و با توجه به اینکه، ویژگی مشترک همه روش‌های اصلی توسعه (و روش‌های منشعب از آن‌ها) در تاریخ معاصر، انباشت و گسترش تولید است و تنها تفاوت آن‌ها، روش آن‌ها در چگونگی انباشت است؛ به نظر می‌رسد روش انباشت در این کشورها متأثر از ساختارهای پیشینی و به ویژه اهمیت کانونی نفت و درآمدهای حاصل از آن، شباهت‌های اساسی با یکدیگر دارند.

با توجه به آراء کاکس، ساختارها نسبت به اعمال اجتماعی پیشینی هستند و رفتارهای اجتماعی در قالب این ساختارهای از پیش موجود عمل می‌کنند (Cox, 1987: 4)؛ بنابراین ساختارهای پیشینی در مناسبات و معادلات این جوامع منشأ اثر هستند. از این رو با ورود درآمدهای نفت، ساختار تولید در این کشورها در مسیری رشد و توسعه یافت که پیش از آن نیز دولت به بازتولید آن می‌پرداخت. در این راستا، جغرافیا و نفت مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری و تداوم حکومت‌های اقتدارگرا (authoritarian governments) بوده است. در این کشورها، زمین‌ها در اختیار دولت بوده، بنابراین فئودالیسم پدید نیامد. فقدان طبقات مستقل و عدم نیاز دولت به پشتیبانی طبقات منجر به ظهور طبقات متکی به دولت شد، بنابراین دولت بر طبقات چیرگی یافت. از آنجا که همه حقوق در انحصار دولت بود، پس همه وظایف نیز برعهده دولت قرار داشت. در چنین شرایطی بورژوازی رشد نکرد، صنایع به وجود نیامدند، انباشت سرمایه نیز تحقق نیافت. با توجه به عدم وجود طبقات و قانون، تحرک اجتماعی به اندازه‌ای (زیاد) بود که هرکس با هر موقعیت طبقاتی و اجتماعی می‌توانست پست و مقام به دست آورد (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۷-۹).

از آنجا که دولت مدرن پیوندی ناگسستنی با نظم سیاسی در جامعه سنتی دارد و به نوعی محصول تعاملات و مناسبات بازیگران سیاسی در نظم پیشامدرن است، در نبود طبقات مستقل، گذار به نظم جدید با محوریت طبقات اجتماعی حاصل نشد؛ البته همان‌طور که کاتوزیان اشاره می‌کند، طبقات اجتماعی در این جوامع همیشه وجود داشته‌اند؛ اما هیچ ضمانتی وجود نداشت که افراد یک طبقه اجتماعی در طول زندگی‌شان در همان طبقه باقی بمانند (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۲۸۷). بر همین اساس، هرچه دولت در این جوامع قدرتمندتر شده، جامعه تضعیف شده است. در نتیجه یک حوزه خصوصی که افراد و گروه‌ها بتوانند در آن برای کسب منافع فردی و گروهی بکوشند، شکل نگرفته است. در چنین ساختار و زمینه‌ای، ظهور منابع انرژی شکلی جدید به بازتولید نظم گذشته داد. دولت به تخصیص منابع پرداخت و نیروهای اجتماعی به جای شکل دادن به طبقات و فعالیت‌های جمعی به دسترسی به این منابع لایزال می‌اندیشیدند. بر این اساس، این منابع نوع جدیدی از روابط اجتماعی تولید را سامان‌دهی کرد که در نتیجه آن شکل جدیدی از روابط سلطه - تحت

اقتصاد سیاسی سیاست خارجی دولت‌های نفت‌محور (با تأکید بر ...) (بهرروز اسعدی و حسین پوراحمدی) ۱۷

سلطه و نیز طبقات ایجاد شد.

اهمیت نقش دولت در نظام اقتصادی نفت‌محور از این واقعیت سرچشمه می‌گیرد که دولت دریافت‌کننده اصلی درآمدها و توزیع‌کننده آنها است؛ بنابراین، دولت در مرکز تحلیل اقتصادهای نفت‌محور قرار می‌گیرد. وابستگی به این درآمدها نوع متمایزی از دولت را به وجود آورد که مشوق توزیع سیاسی منابع است. وابستگی به این منابع حوزه اختیارات دولت را توسعه داده و اقتدارش را تضعیف می‌کند تا برای کشورداری، متکی به جایگزینی بیشتر مخارج عمومی باشد، بنابراین ظرفیت دولت تضعیف می‌شود (کارل، ۱۳۸۸: ۴۲-۴۳). در مجموع ساختار تولید نتوانست منجر به شکل‌گیری طبقات و دیگر ساختارهای جامعه به‌عنوان حوزه‌هایی مجزا از دولت شود؛ اما به هر حال تولید به‌مثابه فرایند پیچیده اجتماعی نمادها و نهادهایی را در این جوامع ایجاد کرد که به رابطه میان دولت و جامعه شکل می‌داد. در همین چارچوب، ساختار تولید با سامان‌دهی روابط قدرت اجتماعی، ساختار اقتداری و توزیع محصول به‌عنوان وجه عینی، ایجاد اخلاق و عقلانیت تولید به‌منزله وجه ذهنی و نیز ایجاد نهادهای نوظهور، حالت روابط اجتماعی تولید نفت‌محور را ایجاد نمود.

ساختار قدرت اجتماعی

همان‌طور که گفته شد، روابط قدرت مسلط در جامعه تعیین می‌کند چه چیزی برای تولید اولویت دارد و چه کسی فرایند تولید را کنترل می‌کند. با توجه به اینکه این موضوع یک استدلال دورانی است، اگرچه ساختار تولید ساختار طبقات را ایجاد می‌کند، ولی تولید در یک زمینه از پیش موجود اجتماعی اتفاق می‌افتد؛ بنابراین وقتی پدیده نفت وارد نظام اقتصادی در این جوامع شد، در ساختارهای موجود استحاله شد؛ پس همچنان روابط قدرت مسلط در جامعه در اختیار دولت بود و دولت تعیین می‌کرد که چه چیزی و چگونه تولید شود. در همین چارچوب، دولت با اتکا به درآمدهای نفتی به‌نوعی طبقه‌سازی از بالا دست زد که به ظهور نوع جدیدی از قشربندی اجتماعی انجامید. یکی از ویژگی‌های این دولت‌ها نبود هرگونه تمایز میان تشکیلات سیاسی و اقتصادی است. از این‌رو نمی‌توان ساختار طبقاتی و اشکال تحصیل‌مازاد را بدون تصدیق نقش دولت به‌عنوان مالک وسایل

تولید دریافت (مطلبی و ملک‌پور، ۱۳۹۸: ۳۴). ساختار تولید در راستای بازتولید خود نظامی از ساختارهای نوظهور را ایجاد کرد. در این میان مجموعه نظامی - بوروکراتیک رو به گسترش و طبقات نزدیک به دولت، روی هم وابستگان دولت را تشکیل می‌دهند. این گروه برای حفظ درآمد و دارایی که متناسب با انتظارات فزاینده‌شان است، به دولت متکی هستند. در رده بعدی توده‌های شهری قرار دارند که برای کار، حداقل حقوق و سوبسیدها، چشم به دولت دوخته‌اند. گروه آخر را اکثریت عظیم روستاییان - حاشیه‌نشینان - تشکیل می‌دهند که از درآمدهای دولت بهره نخواهند برد (Katouzian, 2020: 49); بنابراین، قدرت سیاسی با استفاده از درآمدهای سرشار خود ضمن ممانعت از شکل‌گیری طبقه متوسط، ساختار اجتماعی با حجم گسترده توده‌ها را در جهت اهداف و منافع سیاسی هدایت و مدیریت می‌کند.

تقسیم کار

در نظام اقتصادی نفت‌محور، این دولت است که نقش نیروهای اجتماعی سلطه - تحت سلطه را تعیین می‌کند. افزایش بی‌دلیل و غیر مؤلد در درآمد وابستگان دولت موجب توسعه سریع شبکه بوروکراتیک و رشد هزینه‌های مصرفی می‌شود. در این میان عناصر ضعیف نیروی کار و گروه‌های حاشیه‌ای (غیر وابسته) به بهانه غیر ماهر بودن از سیستم حذف می‌شوند؛ همچنین این دولت‌ها به‌طور عمده بر نقش فناوری در تسهیل رشد اقتصادی تأکید دارند. بر این اساس تصور می‌شد نوآوری‌های فنی باعث جبران عقب‌ماندگی‌های آن‌ها خواهد شد؛ اما تجربه تداوم تفاوت قدرت تولیدی آن‌ها نشان داد که تفاوت آن‌ها همان اندازه که ناشی از فاصله عینی است، ناشی از فاصله ذهنی نیز هست (اسلیتر و تونکیس، ۱۳۸۶: ۲۱۱). در همین زمینه به نظر می‌رسد در ارتباط با فناوری در این جوامع عموماً نوعی تصور باطل از توسعه و مدرنیزاسیون وجود دارد؛ البته باید در نظر داشت که اغلب انگیزه اصلی در واردات و توسعه تکنولوژی، کنترل فرایند تولید است.

توزیع محصول

درآمدهای حاصل از فروش نفت، استقلال غیر عادی دولت را از نیروهای مؤلد طبقات

اقتصاد سیاسی سیاست خارجی دولت‌های نفت‌محور (با تأکید بر ...) (بهروز اسعدی و حسین پوراحمدی) ۱۹
اجتماعی فراهم می‌آورد. این درآمدها برای کل جامعه به صورت رفاه‌فزاينده درمی‌آید؛
همچنین به دولت در پرداخت‌ها انعطاف‌پذیری زیادی را می‌دهد؛ زیرا بابت هزینه‌کردن آن
ملزم به پاسخگویی نیست؛ بنابراین در این دولت‌ها سیاست هزینه‌جای سیاست تولید را
می‌گیرد. این دولت‌ها در واقع دولت‌های تخصیصی (allocation governments) هستند،
اگرچه شرایط زمینه‌ای خاص کشورها نقش مهمی در چگونگی توزیع درآمد دارد
(Basedau & Lacher, 2006: 3-7).

با توجه به اینکه در این نظام‌های اقتصادی، منبع ثروت بیرون از ساختار تولید قرار دارد،
دولت پس از تحصیل این ثروت، آن را در میان بخش‌های جامعه توزیع می‌کند که البته این
تخصیص به صورت نامناسب اتفاق می‌افتد. به همین خاطر غالباً در این کشورها با
پدیده‌هایی مانند فساد، اتلاف منابع و ناکارآمدی روبه‌رو هستیم. چنین سیاست‌های توزیعی
به تثبیت قدرت این دولت‌ها کمک می‌کند. این درآمدها به رهبران این کشورها کمک کرده
تا چالش‌های گروه‌های اجتماعی رقیب را تضعیف کرده و وفاداری سایر گروه‌ها را به دست
آورند (Benli, 2014: 78-79). این جنبه از روابط اجتماعی تولید نقش پررنگی در مدل روابط
اجتماعی تولید در این کشورها دارد.

ایده‌های بینادهنی

مشارکت‌کنندگان در یک مدل روابط اجتماعی تولید، یک تصویر ذهنی از حالت‌های ایدئال
به اشتراک می‌گذارند. این مجموعه از تصورات جمعی (معانی بین‌الذهانی) نگرش‌های
مشخصی به کار یا اخلاق روابط تولید ایجاد می‌کنند. جنبه دیگر از بحث ذهنی روابط
اجتماعی تولید شامل عادی‌سازی برای عمل گروهی خاص می‌شود (Cox, 1987: 22). در
همین چارچوب، در این جوامع گروه‌های برتر اجتماعی که روابط نزدیکی با دولت دارند
الگوهای ذهنی را ایجاد می‌کنند که ضمن اینکه روابط تولید را عقلانی و اخلاقی جلوه
می‌دهند، مدل موجود را نوع ایدئال و مطلوب به‌نمایش می‌گذارند. چنین ساختار اقتصادی
ذهنیت خاصی را پرورش می‌دهد که دلالت بر شکاف در رابطه علی کار - پاداش (causal
relationship of reward-work) دارد.

بر این اساس پاداش در این جوامع به کار و ریسک بستگی ندارد، بلکه به شانس یا موقعیت مربوط است. بدین‌سان اغلب مردم ترجیح می‌دهند کار تولیدی نکنند، در عوض می‌کوشند به چرخه توزیع منابع دسترسی پیدا کنند (Benli, 2014: 78)؛ بنابراین، کنش‌گران و نیروهای اجتماعی تلاش می‌کنند بازار را به واسطه چانه‌زنی‌ای که با دولت می‌کنند، از منطق طبیعی خود خارج کرده تا از این راه امتیازاتی را از دولت اخذ نمایند؛ بنابراین در کنار دولت غیر تولیدی، نیروهای اقتصادی و اجتماعی فرصت‌طلب نیز فعال شده و در پی دسترسی بیشتر به منابع خواهند بود و به‌طور کلی تلاش برای دستیابی به منابع به پدیده غالب تبدیل می‌شود.

نهادها

پیکربندی و تثبیت عناصر عینی و ذهنی به نهادهایی نیاز دارد که این عناصر را تجسم ببخشند. در واقع به‌وسیله نهادهاست که هر روش ممکن است به‌راحتی قابل تشخیص باشد؛ به عبارت دیگر نهادها قوانین بازی در جامعه هستند که سبب ساختارمندتر شدن مبادلات بشری شده و کنش متقابل انسان‌ها در درون آن‌ها تحقق می‌یابد (نورث، ۱۳۸۵: ۱۹-۲۳). در همین چارچوب و در راستای ایجاد و تثبیت عناصر عینی و ذهنی در این نظام‌ها، نهادهای جدیدی به‌وجود آمدند. بدین ترتیب الگویی منحصر به فرد از بوروکراسی شکل گرفت که در آن نهادهای تازه متولد شده نشانه چانه‌زنی میان نخبگان حاکم و گروه‌های اجتماعی برتر بودند.

این نهادها انعطاف‌پذیر بوده و اغلب مطابق با اختیارات و وضعیت افراد یا جناح‌ها تنظیم می‌شدند. در این شرایط نگرانی‌های تعادل قدرت در پیدایش طرح‌های بوروکراتیک مهم بودند. از این‌رو نهادها همگی در راستای چیدمان قدرت قرار داشتند. در این نظام‌ها، ترکیب منابع روبه رشد و سیالیت نهادی فرصت‌های مناسبی را در مکان و زمان مناسب برای تعداد محدودی از افراد ارائه می‌داد (Hertog, 2007: 544-546). در واقع نهادهای جدید به نوعی مهم‌ترین ابزار بازتولید روابط اجتماعی تولید و تثبیت قدرت گروه‌های مسلط بودند.

اقتصاد سیاسی سیاست خارجی دولت‌های نفت‌محور (با تأکید بر ...) (بهروز اسعدی و حسین پوراحمدی) ۲۱

تقابل میان ابعاد عینی، ذهنی و نهادی، حالت روابط اجتماعی تولید نفت‌محور را در این کشورها ایجاد کرد که در واقع منعکس‌کننده منافع طبقات و نیروهای اجتماعی مسلط بود. در مدل روابط اجتماعی نفت‌محور شکل جدیدی از دولت اقتدارگرا پدیدار شد که در آن به دلیل وجود درآمدهای سرشار نفتی و انباشت ثروت به وسیله دولت، سایر طبقات و نیروهای اجتماعی ذیل دولت تعریف می‌شدند. این ساختار متمرکز باعث شد تا حکومت به عنوان عنصر اصلی ساختار اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای در تحولات جامعه ایفا کند. در این شرایط و با افزایش درآمد نفت و عدم نیاز به درآمدهای مالیاتی، این حکومت‌ها اصولاً منافع و مصالح مشترکی با جوامع خود پیدا نکردند. نفت در این کشورها منجر به ایجاد ساختار سیاسی شد که با توزیع آگاهانه منابع در راستای افزایش و تثبیت قدرت سیاسی در مقابل نیروهای اجتماعی و اقتصادی گام برمی‌داشت؛ بنابراین، ساختار سیاسی مانع از بهره‌مندی سایر ساختارها از این منابع شد (سلطانی، ۱۳۹۱: ۱۰۸).

درآمدهای نفتی از یک‌سو، ضمن کاهش استقلال جامعه از دولت، امکان دموکراتیزه‌شدن از پایین را تضعیف کرد؛ از سوی دیگر، با ممانعت از توسعه اقتصادی و صنعتی، رفتارهای غیر مولد را برای حفظ وابستگی به دولت تداوم بخشید؛ به عبارت دیگر، نیروهای اجتماعی که از بطن ساختار تولید شکل گرفته باشند و بتوانند منجر به فعالیت جمعی اجتماعی شوند در این جوامع وجود ندارند؛ بنابراین تمرکز درآمدهای نفتی مانع از شکل‌گیری طبقات شد؛ از این‌رو روابط سلطه - تحت سلطه نه از راه ساختار تولید که برمبنای لایه‌های پنهان روابط با دولت ایجاد شد.

در این حالت از روابط اجتماعی تولید، کارگران به‌طور کلی نقش مهمی را بازی نمی‌کردند. تنها بخشی از آن‌ها که با دولت ارتباط داشتند، با عنوان نیروی کار ماهر و متخصص موقعیت خود را ارتقا داده و ثبات بخشیدند. سیاست‌های دولتی با عنوان صنعتی‌سازی همواره در حال تبدیل اصناف سنتی و کشاورزان به کارگران ساده بوده که منجر به نابودی کشاورزی و روابط تولید سنتی شده است. این موضوع منجر به گسترش فعالیت‌های شهری شده و ضمن افزایش شکاف میان شهر و روستا، موجب رشد مهاجرت

روستاییان به شهرها شده است (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۲۹۲).

صنعتی شدن در این کشورها با محوریت دولت به ظهور و تثبیت نوعی بورژوازی دولتی، نخبگان دیوانسالار و مدیران دولتی انجامید و عملاً مانع تحرک سرمایه‌داری صنعتی مستقل شد. استمرار قدرت آن‌ها منوط به ادامه تسلط دولت بر اقتصاد بود. آن‌ها با اشغال موقعیت‌های کلیدی در دستگاه حکومتی و در صنایع دولتی نقش محوری را در توسعه اقتصادی و اجتماعی ایفا کردند. در این شرایط، سرمایه‌های خصوصی به‌جای فعالیت در حوزه صنعت و تجارت به فعالیت‌های غیر مولد زودبازده، دلالی، رباخواری و بورس‌بازی سوق پیدا کرد و در نتیجه دولت خود متولی تجهیز منابع و انباشت سرمایه برای صنعتی شدن گردید.

در این کشورها، تلاش‌هایی نیز در رابطه با اقدامات اصلاحی شد، اگرچه نتایج حاصل از اصلاحات اقتصادی و مالی، تخصیص منافع حاصله به گروه‌های غیر مولد حاکم بر ساختار اجتماعی بود. در این چارچوب، سیاست‌های مالیاتی دولت هم‌سو با منافع این طبقات به کاهش مصارف تجملی طبقات بالا، افزایش سطح مصرف و استاندارد زندگی طبقات متوسط و پایین و توزیع عادلانه‌تر درآمد و ثروت کمک مؤثری نکرد. در همین راستا، دولت به‌طور دائم در حال تعادل‌بخشیدن به تعارضات میان نیروها بود و اجازه برتری به هیچ گروه و طبقه‌ای را نمی‌داد؛ همچنین در این جوامع دولت‌ها همواره کوشیده‌اند نقش پیشران توسعه را ایفا کنند.

در این مدل از روابط اجتماعی تولید، دولت تلاش می‌کند با برنامه‌ریزی و مدیریت منسجم و یکپارچه، به شکل‌گیری و توسعه صنایع و بخش‌های تولید در راستای اهداف و سیاست‌های کلان خود جهت‌دهی کند و کل نظام اقتصادی را جهت رسیدن به توسعه رهبری نماید. اگرچه در نهایت، تضادهای داخلی و بین‌المللی مانع از تداوم و تقویت فرایند انباشت سرمایه و صنعتی شدن به‌وسیله دولت با جهت‌گیری توسعه‌ای شده است (موثقی، ۱۳۸۵: ۲۱۱-۲۱۴).

به‌طور کلی در نظام اقتصادی نفت‌محور نیز همانند دیگر نظام‌های اقتصادی، روابط

اقتصاد سیاسی سیاست خارجی دولت‌های نفت‌محور (با تأکید بر ...) (بهرروز اسعدی و حسین پوراحمدی) ۲۳

تولید در یک محدوده معین عمل می‌کند که به وسیله دولت تشویق و حفظ شده است. اگرچه ساختار تولید در این کشورها به آن معنا و شکلی که در نظام‌های سرمایه‌داری وجود دارد، شکل نگرفت، اما عطف به الگوی کاکس، در هر جامعه‌ای انواع به هم پیوسته متعددی از روابط تولیدی وجود دارد که یکی از این اشکال مسلط شده، شکل هژمونیک و مشروع یافته و با شکل دهی به ساختار انباشت، فیزیولوژی قدرت را ترسیم می‌نماید.

از این منظر، در این جوامع نیز به هر حال، تولید به عنوان یک فرایند پیچیده اجتماعی نمادها و نهادهایی را ایجاد کرد که همکاری میان افراد را ممکن می‌ساخت و به رابطه میان دولت و جامعه شکل می‌داد. در واقع و با توجه به اینکه تولید در یک زمینه اجتماعی رخ می‌دهد، روابط تولید، آن روابط اجتماعی هستند که مسیرهای انجام کار و فرایند تولید را هدایت می‌کنند و همه انسان‌ها و نیروهای اجتماعی داخل آن الگو عمل می‌کنند؛ بنابراین ساختار تولید منجر به شکل‌گیری روابط سلطه - تحت سلطه در این جوامع شد که به ایجاد و تثبیت طبقات و نیروهای مسلط اجتماعی کمک کرد. از دیگر سو، در جوامع با نظام اقتصادی نفت‌محور، ساختارهای پیشینی نقش بسزایی در ایجاد روابط اجتماعی تولید دارند. در نتیجه فقدان طبقات مستقل و قدرتمند، روابط سلطه - تحت سلطه بر اساس نزدیکی افراد و گروه‌ها به ساختار سیاسی و دولت ایجاد شده است؛ بنابراین طبقات و نیروهای اجتماعی بر اساس روابطشان با ساختار سیاسی و حمایت دولت از آن‌ها ایجاد شده‌اند. در این مدل از روابط اجتماعی تولید، دولت و نزدیکان و حامیان آن نقشی اساسی را در ابعاد عینی، ذهنی و نهادی ایفا می‌کنند.

پیکربندی دولت نفت‌محور

در چارچوب نظریه کاکس، هر دولتی از لحاظ تاریخی در محدوده سیاسی و اجتماعی خاصی شکل گرفته که ویژگی‌ها و حالت‌های عملیاتی خاصی را بر آن تحمیل می‌کند. در ارتباط با کشورهای با نظام اقتصادی نفت‌محور نیز به هر حال نظام اقتصادی و فرایند تولید در پیکربندی و شکل دولت اهمیت کانونی دارد. اگرچه نقش ساختارهای پیشینی و زمینه‌های تاریخی در این جوامع نیز مهم است. در همین راستا، مؤلفه‌های گوناگونی در

فرایند دولت‌سازی در کشورهای نفت‌محور تأثیرگذار بوده است؛ اما یکی از مهم‌ترین آن‌ها نفت و درآمدهای حاصل از آن بوده که بنیان‌های دولت مدرن در این کشورها با تکیه بر آن بنا شد.

پیش از پیدایش پدیده نفت، این جوامع بیشتر از راه فرمانداران محلی مورد اعتماد پادشاه اداره می‌شدند. درآمدهای ملی آن‌ها به‌شدت از نظر استانداردهای دولت‌بودگی (statehood) مدرن کم بود، اگرچه تراکم خواسته‌های اجتماعی هم کوچک‌تر بود (Hertog, 2007: 542). هیچ قانون اساسی، هیچ سازوکار رسمی مشارکت سیاسی و هیچ تجربه‌ای از سیاست ملی وجود نداشت. جامعه به‌لحاظ جغرافیایی پراکنده بود و هیچ گروه اجتماعی و مستحکمی وجود نداشت که صدای تقاضاها را به دولت برساند. این جوامع فاقد طبقه کارگر بوده و بازرگانان به‌طور عمده به دولت وابسته بودند. درحالی که ساخت دولت پدرسالارانه قدیم بر خراج حاصل از درآمد کشاورزی و دیگر صنایع سنتی استوار بود، دولت پدرسالارانه جدید درآمد سرسام‌آور نفت را جایگزین آن کرد. درآمدی که به‌راحتی می‌توانست در غیاب پشتیبانی ملت، دولت را در تحقق مقاصدش یاری دهد و بیگانگی جامعه و دولت را افزایش دهد. بدین‌سان درآمد نفت به برقراری یک رابطه سرور - خادم کمک کرد (شرابی، ۱۳۹۵: ۴).

درآمدهای نفتی، اقتصاد جامعه را به‌طور کامل زیر سیطره دولت درآورد و دولت‌ها را از منابع مالی مورد نیاز برای حفظ قدرت مطمئن ساخت. دولت متکی به درآمدهای نفتی، به‌طور معمول ثبات دارد، زیرا وجود منابع فراوان وفاداری‌های سنتی را حفظ می‌کند؛ بنابراین نفت باعث شد دولت با تسلط بیشتری ابعاد عینی و ذهنی روابط اجتماعی تولید را جهت بازتولید خود مدیریت کند. تمایل به انباشت ثروت به‌وسیله دولت باعث شد که بازارهای داخلی این جوامع از حضور نیروهای رقیب سر باززنند. به‌طور کلی نخبگان سیاسی در این کشورها با تأکید بر رژیم‌های جایگزینی واردات، با اصلاحات بازار مخالف هستند؛ زیرا موفقیت‌های اولیه نیازمند تغییرات ساختاری و اجتماعی پیچیده هستند تا پایه‌های یک اقتصاد بازار را پی‌ریزی کنند (Chaudhry, 2011: 21).

اقتصاد سیاسی سیاست خارجی دولت‌های نفت‌محور (با تأکید بر ...) (بهرروز اسعدی و حسین پوراحمدی) ۲۵

با توجه به کسب ثروت حاصل از نفت، اهمیت نیروی کار و زمین در این جوامع کاهش یافت. تجارت نیز به معنای گذشته اهمیت نداشت. در عوض واردات کالاهای لوکس و مصرفی بود که مهم شده بود. طبیعت این جوامع، انباشت ثروت برای دولت را امری مشروع و قانونی می‌دانست، بنابراین منجر به قدرت گرفتن بیش از پیش دولت‌ها در این جوامع شد. در این میان رشد بوروکراسی دولتی موجب افزایش تقاضا برای آموزش شد که به صورت مهم‌ترین مجرای دستیابی به مقامات بالای دولتی درآمد. رابطه متقابل این تغییرات با سایر عوامل مادی و ایدئولوژیکی، جامعه مدنی را به حاشیه ساختار اقتصادی - اجتماعی راند (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۲۸۹). در این زمینه، دولت با تسلط بر زمینه اجتماعی تولید، موقعیت خود را تثبیت نموده و در عوض نیروها و گروه‌های اجتماعی مستقل را تضعیف می‌کرد. افزایش قیمت نفت، مسئله نیاز به ایجاد نهادهایی برای مدیریت منابع مالی را نمایان ساخت. از سوی دیگر و از چشم‌اندازی سیاسی با ایجاد مناصب و وزارتخانه‌های جدید، سهم درباریان و حامیان دولت نیز داده می‌شد؛ بنابراین الگویی منحصربه‌فرد از بوروکراسی در این جوامع شکل گرفت که در آن نهادهای نوظهور نشانه چانه‌زنی میان نخبگان درباری/ دولتی و حامیان بود؛ بنابراین نهادها و وزارتخانه‌های مختلف به منظور گسترش خانواده‌های سلطنتی/ دولتی به مناصب دولتی ایجاد شدند (Hertog, 2007: 542-543)؛ به عبارت دقیق‌تر، با توسعه بوروکراسی بعد دیگری از دولت‌سازی گسترش یافت و زمینه را برای تسلط اقتدارگرایانه دولت بر تمامی شئون اجتماعی فراهم ساخت.

در این کشورها شیوه‌ای از حکمرانی جریان داشت که در آن با حاکمی روبه‌رو هستیم که در مرکز قرار گرفته و شبکه‌ای از نخبگان زیردست او فعالیت می‌کنند و حاکم میان این نخبگان رقابت و تعادل ایجاد می‌کند. با گذار از دولت استبدادی به شکل جدید اقتدارطلبی، دولت با نهادهای عقلانی - حقوقی ترکیب شد. در این شکل جدید اگرچه این نهادها به صورت ظاهری وجود دارند، اما منطق حاکم بر آنها در واقع همان منطق پیشین است. در این شرایط، تمایز میان حوزه عمومی و خصوصی در جامعه از بین می‌رود (شکرچی، ۱۳۹۲). این نظام‌های جدید اقتدارگرا به‌طور قابل توجهی شخص‌گرا و حامی‌گرا هستند. به

همین جهت این نظام‌ها با سطوح بالایی از فرصت‌طلبی، فساد، اتلاف منابع، استبداد و بی‌ثباتی سیاسی در ارتباط هستند.

این دولت‌ها، نظامی شبیه به نظام‌های سیاسی پاتریمونیال-بوروکراتیک دارند که دارای دو خصلت به‌ظاهر متضاد اما مکمل هم هستند؛ یکی جنبه خودکامگی آن‌هاست و دیگری ویژگی بوروکراتیک بودن این نوع نظام‌هاست که آن‌ها را از دیگر نظام‌های سیاسی استبدادی متمایز کرده، برتری می‌دهد (زرین‌کوب و پاشازانوس، ۱۳۹۰: ۱۰۲). از آنجاکه طراحی نهادی از سیاست قدرت پیروی می‌کند، گاهی منجر به وجود موازی ساختارهای مشابه می‌شود. نهادهای موجود در بازی‌های سیاسی برای ساختن ثروت‌های شخصی و گسترش آن‌ها به‌کار گرفته شدند، بنابراین کنترل نهادهای جدید به جناح‌های خاصی سپرده شد. با این وجود، این کشورها فاقد سنت مدیریتی (اداری) بوروکراتیک بودند. این موضوع در ترکیب با سیاست خانوادگی بدین معنا بود که رشد بی‌سابقه بوروکراسی با عقلانی‌شدن همراه نبود. در همین زمینه، بیشتر مدیران بسیار بی‌تجربه بودند.

آن‌ها اگرچه در کار جدی بودند، ولی به‌دلیل فقدان آموزش، دانش و تجربه نتایج عملکردی نزدیک به صفر داشتند. ماهیت شخصی نهادها باعث شد بسیاری از مناصب فقط بار اضافی بر بوروکراسی تحمیل کنند. در این شرایط این مقامات (اقتدار) غیر رسمی بودند که اهمیت واقعی نهادها را تعیین کرده و به آن هویت می‌دادند، از این‌رو بخش‌هایی از بوروکراسی که مهم بودند، به‌وسیله حکومت یا افراد نزدیک به آن اداره می‌شدند (Hertog, 2007: 545-546). در واقع، باید گفت اقتدارگرایی جنبه بوروکراتیک به خود گرفت. در فقدان مکانیسم‌های بوروکراتیک عقلایی در تخصیص منابع، منافع تمایل داشته‌اند از راه کانال‌های غیر رسمی که به‌وسیله روابط فردی هدایت می‌شوند، جریان یابند و نابرابری را براساس درجه پیوستگی به مسیرهای اولیه و ثانویه توزیع ایجاد کنند.

دولت در این کشورها، به‌طور گسترده‌ای درصدد حفظ رضایت شهروندان خود از راه حمایت مالی منشعب از منابع درآمدی است. در همین زمینه، دو سازوکار جداگانه با نابرابری توزیعی وجود داشت: اول، حمایت گروهی گسترده و دوم، ارتباطات غیر رسمی و

اقتصاد سیاسی سیاست خارجی دولت‌های نفت‌محور (با تأکید بر ...) (بهرروز اسعدی و حسین پوراحمدی) ۲۷

نفوذ که میانجی دسترسی فردی به منابع و در نتیجه نابرابری‌های فردی می‌شوند. ترکیب خاص منابع دولتی فراوان و ظرفیت دولتی محدود، نوع خاصی از نفوذ غیر رسمی را ایجاد می‌کند که در ساختارهای این جوامع ریشه می‌کند (Mitchell & Gengler, 2019: 76-77).

در راستای سیاست‌های توزیعی، نخبگان به‌طور انتخابی منافع را توزیع کرده و شبکه‌های حامیان را ایجاد می‌کنند که به‌طور عمده در این میان بیشتر رهبران گروه‌های مهم سیاسی از این منافع بهره می‌برند. از راه این مکانیسم توزیع، درآمدهای نفتی بین بخش کمابیش کوچکی از جمعیت توزیع می‌شود و دسترسی از راه روابط شخصی به‌دست می‌آید (Basedau & Lacher, 2006: 11). بر اساس عملکرد اقتصادی دولت مدرن در تأمین رفاه و ثروت برای شهروندان، این مدل دولت تا زمانی باقی می‌ماند که هر دو طرف، یعنی دولت و شهروندان، به یک قرارداد نانوشته اجتماعی پایبند باشد. قراردادی که بر اساس آن مردم در قبال رفاهی که دولت برای آن‌ها تأمین می‌کند، از حقوق سیاسی خود می‌گذرند (شریف‌زادگان و قانونی، ۱۳۹۶: ۴).

به موازات تثبیت این نظم جدید، تعادل میان طبقات و نیروهای اجتماعی در این جوامع برهم خورد. نیروها/ طبقات سنتی در این جوامع که شامل اصناف و کشاورزان می‌شدند، به‌طور دائم تضعیف می‌شدند. در حالی که مدیران بوروکراسی جدید که به منابع دسترسی داشتند، قدرتمند می‌شدند و در راستای تثبیت و افزایش قدرت دولت می‌کوشیدند. در سوی دیگر اختلال الگوهای سنتی تعامل اجتماعی و سبک زندگی، تنش‌های بالقوه‌ای را ایجاد کرده بود. در حالی که نزدیکان دولت و حامیان آن‌ها از مزایای درآمدهای نفتی بهره‌مند می‌شدند، فشارهای ناشی از افزایش قیمت‌ها و سرعت تغییر شرایط، بر طبقات متوسط و پایین بود. این موضوعات منجر به واکنش نیروهای اجتماعی می‌شد.

در همین چارچوب، سیاست‌های توزیعی، هم رضایت و هم نارضایتی را به‌وجود می‌آورد. با توجه به اینکه شهروندان در تمامی سطوح، دریافت و استفاده از منابع را حق طبیعی خود می‌دانند، دستیابی به رضایت شهروندان بسیار دشوار است. اگرچه دولت‌ها می‌توانند از راه استانداردهای سازی و منطقی کردن مکانیسم‌های توزیعی این شرایط را بهبود

بخشند، اما دولت اغلب در مقابل این واکنش‌ها، مجبور به خرید رضایت گروه‌های ناراضی می‌شد. دولت‌ها با استفاده از منابع سرشار مالی و از راه نهادهای ایجادشده، سعی در کانالیزه کردن اعتراضات و خریدن رضایت مردم داشتند.

دولت‌های نفتی به‌طور معمول استراتژی‌های متفاوتی را برای حفظ شهروندان خود به‌منظور حفظ قدرت، توسعه می‌دهند. استراتژی اولیه معمولاً خریدن آن‌هاست. سیاستمداران وفاداری شهروندان را با آوردن مزایای مادی برای جامعه محلی به‌شکل شغل، وام‌ها، یا پول نقد تضمین می‌کنند. شهروندان نیز می‌کوشند تا با ایجاد ارتباط با مأموران دولتی به این منابع دسترسی پیدا کنند؛ افزون بر خریدن جمعیت و دامن‌زدن به شبکه‌های ولی‌نعمت - مرید، استراتژی دیگر سرمایه‌گذاری در یک نهاد امنیتی سرکوب‌گر است. در تئوری، هردو استراتژی (خرید و سرکوب) می‌توانند منجر به وضعیت‌های کمابیش پایدار شوند (Verkoren & Kamphuis, 2013: 508).

در ارتباط با فرایند توسعه نیز، عدم یکنواختی در صنعتی‌شدن منجر به توسعه ناموزون در این جوامع شد. در این کشورها، دولت‌ها کوشیدند تا در غیاب بورژوازی با طرح ایده‌های ملی‌گرایانه و حمایت‌گرایی ضمن حرکت به سمت صنعتی‌شدن و توسعه، در جهت مدیریت تضادهای داخلی گام بردارند؛ بنابراین با سرمایه‌گذاری در بخش عمومی و زیرساخت‌ها و به‌منظور حمایت از زندگی اقشار ضعیف، دخالت رسمی دولت در اقتصاد و گرایش به سمت نوعی ملی‌گرایی رفاهی (ناقص) شکل گرفت. شاید بتوان یکی از دلایل شکل‌نگرفتن فرایند توسعه در این کشورها را به این دلیل دانست که فرایند توسعه می‌تواند بر زمینه اجتماعی تولید، سیستم تقسیم‌کار و روابط اقتداری داخلی و همچنین نظام توزیع تأثیرگذار باشد. نتیجه این اثرگذاری می‌تواند به شکل‌گیری مدل دیگری از روابط اجتماعی تولید و در نتیجه پیکربندی نوع دیگری از دولت منجر شود.

براساس آنچه گفته شد، در نتیجه مدل روابط اجتماعی نفت‌محور در این جوامع، نوعی دولت تخصیصی و اقتدارگرا شکل می‌گیرد که به‌طور مداوم و در تمام کنش‌های خود در صدد بازتولید روابط اجتماعی تولید نفت‌محور در راستای تثبیت موقعیت و قدرت خود

است.

نظام تولیدی نفت‌محور و سیاست خارجی

عطف به آنچه گفته شد، نظام تولیدی در هر جامعه‌ای نوع خاصی از روابط اجتماعی تولید را ایجاد می‌کند که محصول آن پیکربندی دولت در آن جامعه است. دولت که نقش حلقه اتصال میان روابط اجتماعی تولید با نظم جهانی را ایفا می‌کند، کنش‌های خود را در راستای بازتولید ساختار تولید تنظیم می‌کند. در این میان یکی از مهم‌ترین کنش‌های دولت برای بازتولید روابط اجتماعی تولید، کنش سیاست خارجی است؛ به عبارت دیگر، سیاست خارجی که خود متأثر از روابط اجتماعی تولید است، در مقابل درصدد بازتولید نظام تولیدی و روابط اجتماعی تولید قرار دارد. با توجه به اینکه هدف هر دولتی بازتولید روابط تولید، نیروهای اجتماعی و نظامی است که بنیان‌های قدرت آن دولت را شکل داده‌اند، ضروری است که میان نیروهای شکل‌دهنده به قدرت، نهادها، کارکردها و اهداف آن در محیط داخلی و خارجی سازگاری وجود داشته باشد و منجر به بازتولید و تثبیت قدرت دولت شوند (Bisley, 2004: 37-38).

بر اساس الگوی کاکس، در کشورهای با نظام تولیدی سرمایه‌داری، روابط اجتماعی منشعب از نظام تولیدی سرمایه‌محور است، بنابراین دولت و سیاست خارجی نیز در خدمت روابط اجتماعی تولید و جذب سرمایه عمل می‌کند، بنابراین از این تعامل دوسویه توسعه مداوم پدیدار می‌شود. در کشورهایی که اقتصاد آن‌ها نفت‌محور است، نظام اقتصادی منجر به ایجاد روابط اجتماعی و پیکربندی دولتی خاص می‌شود که غیر تولیدی بوده و به نفت وابسته‌اند. بر این اساس نیروهای اجتماعی شکل گرفته در این کشورها که به دلیل نزدیکی و ارتباط با دولت به موقعیت مسلط در این جوامع دست یافته‌اند، پس از پیکربندی دولت می‌کوشند تا در راستای منافع و موقعیت خود به کنش سیاست خارجی شکل داده و آن را در مسیر بازتولید ساختار تولید و روابط اجتماعی تولید هدایت کنند.

سیاست خارجی این کشورها، انعکاس ماهیت دولت به معنای ساخت قدرت، ساختار اقتصادی و سیاست‌های ناشی از آن و ماهیت نیروهای اجتماعی و نوع رابطه آن‌ها با قدرت

مستقر در یک فضای متعامل است؛ بنابراین با تمرکز بر فرایند شکل‌گیری سیاست خارجی این کشورها، می‌توان دریافت که چگونه منافع طبقه مسلط و حاکم دقیقاً به سیاست خارجی آن‌ها تبدیل می‌شود.

در این چارچوب، نیروهایی که دولت را پیکربندی می‌نمایند، متأثر از الزامات ساختار تولید نفت‌محور و منافع خود به تنظیم و هدایت سیاست خارجی می‌پردازند. دولت نیز متأثر از جایگاه کانونی خود، نیازهایی دارد که با تنظیم کنش‌های خود از جمله کنش سیاست خارجی در صدد رفع آن‌ها برمی‌آید. در این میان، نقطه اشتراک الزامات ساختار تولید، منافع نیروهای مسلط و نیازهای دولت، تداوم دسترسی به درآمدهای نفتی است. به‌طور کلی درآمدهای نفتی اغلب برای تحوّل اقتصادی و اجتماعی و همچنین به‌منظور حفظ وضع موجود در روابط قدرت داخلی استفاده می‌شوند؛ بنابراین نفت در شکل تقویت مواضع و عملکرد ساختار سیاسی در قبال ساختار اجتماعی و هدایت هدف‌مند آن در راستای اهداف ساختار سیاسی عمل کرده و به تضعیف هرچه بیشتر ساختارهای اجتماعی انجامیده است.

جایگاه انحصاری طبقات و نیروهای اجتماعی مسلط در این جوامع، فرصت‌هایی را به‌وجود می‌آورد که ضامن همکاری آن‌ها با یکدیگر به‌عنوان ائتلاف مسلط است؛ همچنین این نیروها در این راستا نهادهایی را به‌وجود می‌آورند تا بتوانند از راه آن‌ها به بازتوزیع منابع بپردازند (نورث و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۲). غالباً این نیروها در فرایند سیاست خارجی در پی اتخاذ تصمیماتی هستند که با بازتولید روابط قدرت موجود موقعیت آن‌ها را تثبیت نماید. بر همین اساس سیاست خارجی این جوامع ضمن اتخاذ استراتژی تنش‌زدایی، متکی به نفت، امنیت‌محور، دشمن‌محور، غیر توسعه‌گرا، ایدئولوژیک، واردات‌محور و غیر تولیدی هستند؛ البته بایستی اشاره کنیم که این کشورها از الگوهای همانندی پیروی نمی‌کنند و تفاوت‌هایی نیز با یکدیگر دارند که به ماهیت ایدئولوژیک آن دولت، نژاد و قومیت، همگامی یا تضاد با جامعه جهانی و... بستگی دارد؛ ولی در این بخش تلاش شده است تا بر نیروها و عناصر تأثیرگذار در این کشورها تمرکز نماییم.

اقتصاد سیاسی سیاست خارجی دولت‌های نفت‌محور (با تأکید بر ...) (بهروز اسعدی و حسین پوراحمدی) ۳۱

رفتار سیاست خارجی در این کشورها در بخشی متأثر از ساختارهای پیشینی و تاریخی در این جوامع است. در همین چارچوب این رفتارها در راستای بازتولید اقتدار رسمی و تمامیت‌خواهی دولت و بی‌توجهی به گروه‌ها و نیروهای غیر دولتی قرار دارد که به صورت تاریخی در این جوامع وجود داشته است. اغلب در این کشورها بخش خصوصی تا اندازه‌ای قدرت ندارد که بخواهد به دنبال منافع خود خارج از کشور در پی اثرگذاری بر سیاست خارجی باشد. همین مسئله باعث شده تا طبقه حاکم منافع خود را در بیرون از مرزها و به ویژه در سمت کشورهای خریدار نفت جستجو کند. انحصار درآمد نفتی در دستان دولت، درجه بالایی از تمرکزگرایی را در این کشورها ایجاد کرده است؛ بنابراین نه تنها سیاست خارجی ملک‌طلق دولت بوده، بلکه بی‌توجه به وسعت سرزمینی به شدت مرکزگرا است. در همین راستا و از چشم‌انداز اقتصاد سیاسی، سیاست خارجی به عنوان ابزار اصلی به دست آوردن منابعی است که دولت را از داخل بی‌نیاز می‌کند. این منابع در فرایند سیاست خارجی به طور عمده دریافت‌کننده‌های خود را تقویت کرده و در قدرت حفظ می‌کنند (Pawelk, 1996: meeting in university). دولت، برای تنظیم روابط قدرت، تقسیم کار و به خصوص به منظور توزیع منابع و پرداخت هزینه‌های جاری به این درآمدها وابسته است؛ بنابراین سیاست خارجی کشورهای نفتی محل کسب درآمد دولتی است، در خدمت ثبات و گسترش منابع است و همچنین در راستای محافظت از درآمدهای نفتی قرار دارد. بر این اساس کنش سیاست خارجی در این کشورها در جهت بازتولید قدرت انحصاری دولت قرار دارد.

از مهم‌ترین نهادهای موجود در این کشورها، نهاد بوروکراسی است که همواره در سطوح مختلف اثرگذاری بالایی داشته است. با توجه به قدرت ساختاری که این نهاد دارد، با تأثیر بر رفتار سیاست خارجی در پی بازتولید جایگاه خود و تثبیت و گسترش خود در روابط قدرت هست؛ بنابراین با توجه به بهره‌مندی این نهاد از درآمدهای نفتی و افزایش توان مصرف و رفاه بالاتر نسبت به بقیه گروه‌های اجتماعی، می‌کوشند تا سیاست خارجی و اهداف آن را در راستای بازتولید موقعیت خود قرار دهند.

آن‌ها براساس درک این نکته که مزیت نسبی این کشورها جهت انباشت ثروت و دستیابی به رفاه و توسعه، فروش نفت و کسب درآمدهای حاصل از آن است، ایجاد روابط مناسب با کشورهای بزرگ و صنعتی را مد نظر خود قرار داده‌اند. در همین راستا، تلاش می‌کنند تا در جهت همگامی با نظم موجود بین‌المللی، ضمن پذیرش موقعیت خود در ساختار جهانی تولید، به بازتولید نظم موجود کمک کرده و موقعیت اقتصادی و سیاسی خود را در این نظم تثبیت نمایند.

مدیران این نهادها که اغلب غیر مولد و غیر ضروری هستند، در صورت کاهش فروش نفت، تسریع روند صنعتی شدن و افزایش قدرت بورژوازی، بخش زیادی از درآمد و موقعیت خود را ازدست خواهند داد؛ بنابراین با هدایت دستگاه سیاست خارجی در فرایند بوروکراتیک به سمت استمرار فروش نفت و تکیه بر درآمدهای آن، همچنین با ایجاد مشکلات بوروکراتیک و ایجاد موانع در مسیر تولید و تجارت سعی در تثبیت ساختار موجود دارند. مدیران بوروکراسی از راه ایده‌ها و نهادها، کارکرد خود را در سیستم ضروری جلوه می‌دهند و عدم حضور خود را سرآغاز مشکلات متعددی می‌دانند؛ البته این حضور هیچ‌گاه براساس نیاز واقعی سازمان‌دهی نمی‌شود، بلکه ایجاد تعمدی فقدان به‌مثابه کارکردی از این نظام اقتصادی، هنر این طبقه مسلط است (پالان، ۱۳۸۶: ۳۴۲). این مدیران که درصدد بازتولید روابط اجتماعی تولید هستند، در فضای بین‌المللی در راستای بازتولید این نظام حرکت می‌کنند. دولت نیز به‌منظور جذب حمایت گروه‌های حامی و مدیران نهادها بوروکراتیک نیاز به منابع مالی دارد که فروش نفت خام می‌تواند این درآمدها را تضمین نماید؛ بنابراین مدیران دولتی با تنظیم کنش سیاست خارجی، منافع خود را تبدیل به اصول سیاست خارجی می‌کنند.

سیاست خارجی مجموعه‌ای از عناصری دارد که می‌تواند به‌وسیله آن‌ها به ایجاد محیط لازم به‌منظور توسعه کشور اقدام نماید. در همین چارچوب هنگامی که با حوزه اقتصادی سیاست خارجی سر و کار داریم، می‌توان سه خط رفتاری را مشخص کرد که به‌طور مستقیم بر استراتژی توسعه کشور تأثیر بگذارند: ارتقاء تجارت، سیاست سرمایه‌گذاری و

اقتصاد سیاسی سیاست خارجی دولت‌های نفت‌محور (با تأکید بر ...) (بهرروز اسعدی و حسین پوراحمدی) ۳۳

مذاکرات اقتصادی، مالی و تجاری (Spohr & Dasilva, 2017: 158)؛ ولی سیاست خارجی در این کشورها، نه تنها در مسیر توسعه گام بر نمی‌دارد، بلکه غیر توسعه‌گرا یا حتی ضد توسعه است.

به نظر می‌رسد صرف نظر از مسائل فنی، دولت‌ها و نیروهای اجتماعی مسلط در جوامع نفت‌محور تمایلی به عبور از فاز واردات صنایع سنگین به توسعه صادرات ندارند. اگرچه حتی در توسعه صنایع سنگین نیز دستگاه سیاست خارجی تنها در پی توسعه صنایعی است که در انحصار دولت باقی می‌ماند و بخش خصوصی توان ورود و رقابت در این عرصه را ندارد. این مسئله از چند بُعد بر نیروهای داخلی مؤثر است. با واردات صنایع سنگین، وابستگی نیروی شاغل به دولت همچنان پابرجا می‌ماند. بخش خصوصی و نیروهای مستقل در جامعه نیز که توان رقابت در حوزه‌های کلان و صنایع سنگین را ندارند، امکان ورود به فاز توسعه صادرات و گسترش کسب و کارهای محلی و کوچک را برای انباشت ثروت نخواهند داشت؛ بنابراین به دلیل عدم توان اقتصادی و همچنین عدم شکل‌گیری تشکل‌های صنفی قدرتمند، توان ورود به عرصه مناسبات و معادلات سیاسی را نیز نخواهند داشت؛ از سوی دیگر، انگیزه اصلی واردات و توسعه تکنولوژی در این جوامع، کنترل فرایند تولید است.

صنعتی‌شدن برای این دولت‌ها نمایی دیگر از فرایند بوروکراتیک‌کردن است. با وجود نیروی کار فراوان در این جوامع، این دولت‌ها ترجیح می‌دهند تا در راستای مناسبات خود با قدرت‌های صنعتی، برخلاف منافع ملی و روند توسعه، در جهت این استراتژی حرکت کنند؛ همچنین این استراتژی با سیاست خارجی ملی‌گرای رفاهی همراه است. این دولت‌ها با این کار در پی ترویج و گسترش مصرف‌گرایی در جامعه به بهانه رفاه‌گرایی و بازتولید روابط اجتماعی موجود هستند؛ بنابراین سیاست خارجی این کشورها به‌طور عمده به‌جای صادرات‌محور بودن، واردات‌محور و مصرفی است.

یکی از نیروهای اجتماعی موجود در این جوامع که با این استراتژی همراهی می‌کند، نیروی بازار در این جوامع است که متشکل از نیروهای سنتی و جدید است. با توجه به

پیشینه تاریخی دولت در این جوامع و عدم شکل‌گیری بورژوازی و همچنین عدم صنعتی‌شدن، به واسطه وجود روابط فردی و گروهی، این نیروها از موقعیت مناسبی در روابط قدرت در این جوامع برخوردارند. این بخش از نیروهای اجتماعی اغلب به تجارت و به‌طور عمده به صادرات نفت و واردات کالاهای لوکس و مصرفی برای جامعه به‌ویژه برای مصرف طبقه متوسط جدید شهری مشغول هستند.

اگرچه بسیاری از کالاهایی که با این تجار وارد می‌شوند، با سرمایه‌گذاری مناسب قابلیت تولید در داخل این جوامع را دارند، ولی با توجه به امکان ازدست‌رفتن موقعیت این نیروها انجام نمی‌شود. این مورد با دو مسئله در ساختار این جوامع مرتبط است: یکی اینکه عدم واردات و تولید این محصولات در داخل، فرایند تقسیم کار و تسلط بر نیروی کار را از میان می‌برد؛ دوم اینکه به‌لحاظ تبلیغاتی، این محصولات در راستای رفاه طبقه متوسط شهری و نظام بوروکراتیک وارد می‌شود و می‌تواند در ایجاد رضایت عمومی نقش عمده‌ای را ایفا نماید.

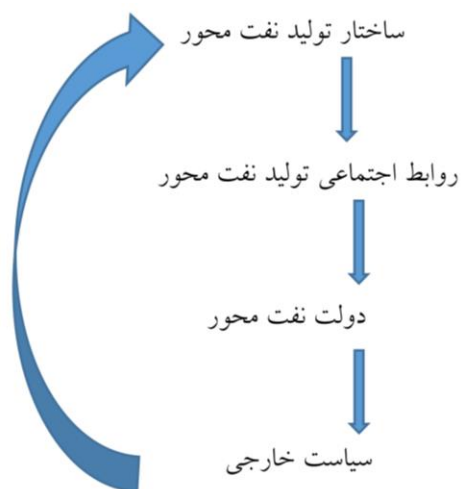
یکی از نهادها و ساختارهای نوظهور در این جوامع، نهادهای نظامی و امنیتی هستند که نقش مهمی را در ثبات قدرت برعهده دارند حضور دائمی این نیروها در روابط قدرت، نیاز به پذیرش افکار عمومی دارد؛ از سوی دیگر با توجه به اینکه هزینه‌های این نهاد از محل فروش نفت و درآمدهای آن ایجاد می‌شود، این نیروها همواره می‌کوشند تا با تأثیرگذاری بر سیاست‌های کلان و همچنین بر سیاست خارجی، موقعیت خود را تثبیت نمایند؛ بنابراین وجود دشمنان همیشگی، نیاز مبرم به نیروهای نظامی را توجیه می‌نماید؛ از سوی دیگر، در بسیاری از مواقع در این کشورها با ایجاد یک دشمن خارجی و استفاده از سیاست خارجی تدافعی، بر شکاف‌های داخلی سرپوش گذاشته می‌شود و به بهانه ایجاد امنیت و با استفاده از نیروهای نظامی و امنیتی وفادار به دولت، مخالفان دولت و روابط قدرت موجود را سرکوب می‌کنند. با توجه به اینکه هزینه این نیروها از منابع درآمدی فروش نفت حاصل می‌شود، این نیروها با امنیتی‌کردن بیشتر مسائل، دولت را از هرگونه سیاست خارجی که ثبات موجود را برهم بزند برحذر می‌دارند.

اقتصاد سیاسی سیاست خارجی دولت‌های نفت‌محور (با تأکید بر ...) (بهروز اسعدی و حسین پوراحمدی) ۳۵

جهت‌گیری‌های سیاست خارجی در این کشورها به موازات فراز و فرود قیمت نفت تغییر می‌کند، اما به‌طور عمده این دولت‌ها از رویکرد تنش‌زدایی در سیاست خارجی خود استفاده می‌کنند؛ زیرا منافع آن‌ها در گرو روابط صلح‌آمیز و دوستانه با دیگر کشورها و به‌خصوص قدرت‌های بزرگ است. با بهره‌گیری از این جهت‌گیری و با توجه به غیر تولیدی بودن نظام اقتصادی و نیاز مبرم سیستم به این منابع، درآمدهای دولت کاهش نمی‌یابد. بر همین اساس برخلاف سیاست داخلی، در سیاست خارجی اهل گفتگو، تساهل و مدارا هستند. اگرچه در این میان برخی مواقع در برخی از این کشورها شاهد بروز سیاست خارجی واگرایانه و تهاجمی نیز بوده‌ایم، اما به‌طور کلی و با توجه به نیاز دائمی دولت به این درآمدها جهت سیاست هزینه و خریدن رضایت عمومی در جامعه، تداوم این درآمدها برای این دولت‌ها بسیار حیاتی است.

موقعیت این کشورها در نظم جهانی و همراهی آن‌ها با دستور کار جهانی نیز، از جمله مسائل مهمی است که به سیاست خارجی این کشورها شکل می‌دهد. در دستور نظم جهانی، همه کشورها در راستای نظام بین‌المللی تولید، جایگاه و موقعیت خاص خود را دارند. بر همین اساس، در چارچوب این نظم، این کشورها نیز موقعیت تأمین‌کننده مواد اولیه و به‌خصوص تأمین انرژی را برعهده دارند؛ همچنین این کشورها مصرف‌کننده تولیدات صنعتی و مصرفی کشورهای بزرگ و صنعتی هستند؛ بنابراین از یک‌سو با توجه به نیاز این دولت‌ها به درآمدهای نفتی، این کشورها ناچار از همراهی با نظم مسلط جهانی هستند، از دیگر سو از طرف نظام بین‌المللی و هژمونی جهانی، در برابر هر نوع حرکتی که در این کشورها منجر به تغییر موقعیت آن‌ها در این نظم شود، مقاومت می‌شود.

اگرچه در ظاهر و در راستای اجرای برخی سیاست‌های جهانی (مانند اجماع واشنگتن)، سیاست‌های خصوصی‌سازی، تعدیل ساختاری و آزادسازی قیمت‌ها در سیاست‌های این کشورها گنجانده می‌شود، اما به‌طور کلی و به‌عنوان پیامد نهایی، این کشورهای همچنان تک‌محصولی و تولیدکننده عمده نفت باقی می‌مانند و صادرات غیر نفتی در این کشورها رشد چشم‌گیری نکرده است.



شکل ۴.

نتیجه‌گیری

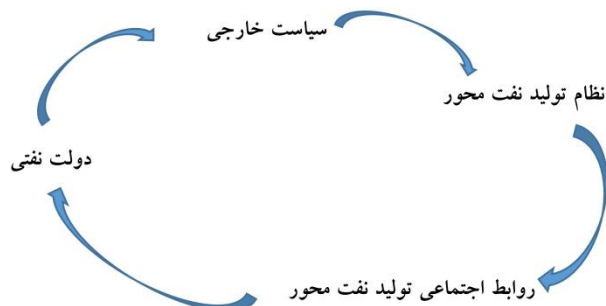
در نوشتار پیش رو تلاش شد تا از رهگذر بررسی رابطه میان نظام اقتصادی نفت‌محور و سیاست خارجی بر مبنای نظرات رابرت کاکس، نقش و تأثیر ساختار اقتصادی نفت‌محور در شکل‌دهی به سیاست خارجی بررسی شود. در این راستا با طرح نظریه کاکس ابتدا به بررسی تأثیر ساختار تولید نفت‌محور بر ایجاد روابط اجتماعی تولید و نیز بر پیکربندی دولت پرداخته شد؛ سپس کنش سیاست خارجی به عنوان محصول ساختار تولید و همچنین به عنوان یکی از اساسی‌ترین کنش‌های دولت در راستای بازتولید ساختار تولید تبیین شد. اکنون می‌توان در پاسخ به سؤال کلیدی نوشتار مبنی بر چگونگی تأثیر ساختار تولید نفت‌محور بر سیاست خارجی، گفت که نظام اقتصادی نفت‌محور با تأثیر بر روابط اجتماعی تولید و پیکربندی دولت، کنش سیاست خارجی را در راستای بازتولید ساختار تولید و دولت تنظیم می‌کند. به عبارت دیگر سیاست خارجی در امتداد نظام اقتصادی نفت‌محور قرار دارد و این منافع طبقات و نیروهای اجتماعی مسلط است که در رفتارهای سیاست خارجی عینیت می‌یابند.

در این چارچوب، ساختار تولید در جوامع نفت‌محور متأثر از ساختارهای پیشینی و زمینه تاریخی، منجر به روابط اجتماعی تولید غیر تولیدی و وابسته به نفت شد که حاصل

اقتصاد سیاسی سیاست خارجی دولت‌های نفت‌محور (با تأکید بر ...) (بهرروز اسعدی و حسین پوراحمدی) ۳۷

آن، ایجاد روابط سلطه - تحت سلطه بود که از دل آن طبقات وابسته به دولت بیرون آمد. این طبقات و نیروهای اجتماعی، نوع خاصی از دولت را در این جوامع پیکربندی کردند که در تداوم دولت‌های پیشین استبدادی قرار داشت. این دولت جدید اقتدارگرا که خود منشعب از نظام تولیدی و روابط اجتماعی تولید نفت‌محور است، کنش‌های متعددی را جهت بازتولید نظام تولید و روابط اجتماعی تولید انجام می‌دهد. در این میان کنش سیاست خارجی شاید از مهم‌ترین این کنش‌ها در جهت بازتولید ساختار تولید و موقعیت طبقات و نیروهای اجتماعی مسلط است، زیرا روابط این نیروها با نظم جهانی و نیروهای اجتماعی تولید بین‌المللی به وسیله سیاست خارجی است که هماهنگ می‌شود.

به‌باور نویسندگان رفتار سیاست خارجی در این کشورها براساس منافع و تمایلات طبقات و نیروهای شکل می‌گیرد که به تولید و بازتولید دولت می‌پردازند؛ بنابراین نیروهای اجتماعی مسلط می‌کوشند تا با گسترش نفوذ خود بر دستگاه دیپلماسی در راستای منافع و تمایلات خود گام بردارند. با توجه به اینکه طبقات و نیروهای اجتماعی مستقل و خودجوشی که ذاتاً مستقل، اقتصادی و از بطن جامعه باشند، در این جوامع شکل نگرفته؛ بنابراین تأثیری نیز بر سیاست خارجی ندارند. در عوض این نیروهای اجتماعی وابسته به دولت هستند که خواسته‌های خود را به‌عنوان نیازهای کلیت جامعه به سیاست خارجی تحمیل می‌کنند. در همین چارچوب، گروه حاکم و طبقات مسلط در این کشورها تلاش می‌کنند تا در تعریف سیاست‌گذاری‌های کلان سیاست خارجی به‌گونه‌ای عمل کنند تا به تثبیت موقعیت آن‌ها منتهی شود. این نیروها می‌کوشند تا با تأثیر بر کنش سیاست خارجی به بازتولید ساختار تولید و دولت بپردازند؛ بنابراین با اثرگذاری و هدایت همه رفتارهای سیاست خارجی از جمله جهت‌گیری کلی سیاست خارجی، دیپلماسی اقتصادی، توسعه، روابط تجاری و فناوری، جنگ و صلح و به‌طور کلی همه حوزه‌ها و سطوح، در جهت منافع گروهی گام برمی‌دارند. بر همین اساس، به‌نظر می‌رسد کنش سیاست خارجی در این کشورها در ادامه روابط اجتماعی تولید و در راستای بازتولید انحصار بهره‌مندی از نفت قرار دارد.



شکل ۵

منابع

- اسلیتر، دان؛ تونکیس، فرن (۱۳۸۶)، *جامعه بازاری: بازار و نظریه اجتماعی مدرن*، ترجمه حسین قاضیان، تهران: نشر نی.
- برچیل، اسکات؛ دیویتاک، ریچارد (۱۳۹۳)، *نظریه‌های روابط بین‌الملل*، ترجمه حمیرا مشیرزاده و روح ... طالبی آرانی، تهران: نشر میزان.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۸)، *موانع توسعه سیاسی در ایران*، تهران: گام نو.
- پالان، رونن (۱۳۸۶)، *اقتصاد سیاسی جهانی: نظریه‌های معاصر*، ترجمه حسین پوراحمدی و ایوب کریمی، تهران: نشر مهاجر.
- پوراحمدی، حسین (۱۳۸۱)، «اقتصاد سیاسی تعامل دولت و نظام جهانی در تدوین سیاست خارجی»، *فصلنامه سیاست خارجی*، ۱۶ (۴)، ۱۰۵۱-۱۰۸۲.
- زرین کوب، روزبه و پاشازانوس، حمیدرضا (۱۳۹۰)، «نظام سیاسی ساسانی (۳۲۵-۵۷۹ م) و نظریه پاتریمونیا - بوروکراتیک ماکس وبر»، *پژوهش‌های تاریخی*، دوره جدید، ۳ (۳)، ۹۹-۱۱۲.
- سلطانی، علیرضا (۱۳۹۱)، «نفت و فرایند دولت ملت‌سازی»، *فصلنامه سیاست*، ۴۲ (۲)، ۹۵-۱۱۲.
- شرابی، هشام (۱۳۹۵)، *پدرسالاری جدید*، ترجمه احمد موثقی، تهران: کویر.
- شریف‌زادگان، محمدحسین و قانونی، حسین (۱۳۹۶)، «تحلیل و مفهوم‌سازی نظری تأثیرات دولت رانتی بر عاملیت و ساختار جامعه و اقتصاد شهری در ایران»، *اقتصاد شهری*، ۲ (۱)، توالی ۲.
- شکرچی، احمد (۱۳۹۲)، «نسل‌های سه‌گانه نظریه دولت‌های رانتی»، *نشست دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی*، اردیبهشت.
- کاتوزیان، همایون (۱۳۷۴)، *اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی*، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.

- اقتصاد سیاسی سیاست خارجی دولت‌های نفت‌محور (با تأکید بر ...) (بهرروز اسعدی و حسین پوراحمدی) ۳۹
- کارل، تریلین (۱۳۸۸)، *معمای فراوانی: رونق نفتی و دولت‌های نفتی*، ترجمه جعفر خیرخواهان، تهران: نشر نی.
- مارکس، کارل (۱۳۸۸)، *صورت‌بندی‌های اقتصادی پیشاسرمایه‌داری*، ترجمه خسرو پارسا، تهران: نشر دیگر.
- ماهرویان، هوشنگ (۱۳۸۱)، «شیوه تولید آسیایی»، *فرهنگ توسعه*، (۴۶)، ۱۸-۲۴.
- مطلبی مسعود و ملک‌پور حمید (۱۳۹۸)، «اقتصاد رانتیری، دولت و طبقه متوسط فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه سپهر سیاست*، ۶ (۲۲)، ۲۳-۵۳.
- موثقی، احمد (۱۳۸۵)، «اقتصاد سیاسی ایران در دوره ج.ا.»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، (۷۱)، ۳۱۱-۳۵۴.
- نورث، داگلاس (۱۳۸۵)، «چارچوب مفهومی برای تفسیر تاریخ مکتوب بشری»، *اقتصاد سیاسی تحول همه‌جانبه*، ۱ (۳)، ۹۲-۱۵۱.
- نورث، داگلاس، جان ژوزف والیس، استیون بی. وب و باری آر. وینگاست (۱۳۹۴)، *سیاست، اقتصاد و مسائل توسعه در سایه خشونت*، ترجمه میردامادی، محسن و محمدحسین نعیمی‌پور، تهران: روزنه.
- وبر، ماکس (۱۳۶۷)، *مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی*، ترجمه احمد صدراتی، تهران: نشر مرکز.

References

- Basedau, M. & Lacher, W. (2006), *A Paradox of Plenty? Rent Distribution and Political Stability in Oil States*, GIGA Working Papers, (21), April.
- Bashirieh, H. (2009), *Barriers to Political Development in Iran*, Tehran: Gam No Publications (In Persian).
- Benli, Altunışık, M. (2014), "Rentier State Theory and the Arab Uprisings: An Appraisal", *Uluslararası İlişkiler*, 11 (42), 75-91.
- Bisley, N. (2004), *The end of the Cold War and the causes of Soviet collapse*, Palgrave mcmilan.
- Budd, A. (2017), *Class, States and International Relations: A critical appraisal of Robert Cox and neo-Gramscian theory*, Routledge.
- Burchill, S. & Devetak, R. (2014), *Theories of International Relations*, translated by Homeira Moshirzadeh and Roholah Talebi Arani, Tehran: Mizan Publishing (In Persian).
- Chaudhry, K. A. (2011), "Economic Liberalization and the Lineages of the Rentier State", *Comparative Politics*, 27 (1), 1-25.
- Cox, Robert W. (1986), "Social forces, State and World Order: Beyond International Relation Theory", In: *Neorealism and its Critics*, New York: Columbia University Press, 204-254.
- Cox, R. W. (1987), *Production, Power and World Order: Social Forces in the Making of History*, New York: Columbia University Press.
- Hertog, S. (2007), "Shaping the Saudi State: Human Agency's Shifting Role in Rentier- State Formation", *Middle East Study*, (39), 539-563.
- Karl, T. L. (2009), *The Paradox of Plenty: Oil booms and Petro-States*, translated by Jafar Khairkahan, Tehran: Ney Publishing (In Persian).
- Katouzian, H. (2020), "The significance of Economic History and the Fundamental Features of the Economic History of Iran", *International Journal of Economics and Politics*, 1 (2), 27-54.

- Katozian, H. (1995), *Iran's Political Economy from Constitutionalism to the End of the Pahlavi Dynasty*, translated by Mohammad Reza Nafisi and Kambiz Azizi, Tehran: Markaz Publishing (In Persian).
- Leysens, A. (2008), *The Critical Theory of Robert W. Cox Fugitive or Guru?*, PALGRAVE MACMILLAN.
- Mahroyan, H. (2002), "Mood of Asian Production", *Development Culture*, (46), 18-24 (In Persian).
- Marx, K. (2009), *Pre-capitalist socio-economic formations: a collection*, translated by Khosrow Parsa, Tehran: Dighar publication (In Persian).
- Mitchell, J. S. & Gengler, J. J. (2019), "What Money Can't Buy: Wealth, Inequality, and Economic Satisfaction in the Rentier State", *Political Research Quarterly*, 72 (1), 75-89.
- Motalebi of Masoud and Hamid Malekpour, (2019), "Rentier Economy, Government and Cultural Middle Class in the Islamic Republic of Iran", *Sepehr Siyasat Quarterly*, 6 (22), 23-53 (In Persian).
- Movasaghi, A. (2006), "Political Economy of Iran in the Islamic Republic", *Journal of the Faculty of Law and Political Science*, (71), 311-354 (In Persian).
- North, Douglass (2006), "A Conceptual Framework for the Interpretation of Written Human History", *The Political Economy of the Comprehensive Evolution*, 1 (3), 92-151 (In Persian).
- North, D., Wallis, J. J., Steven, Web, B. & Wingast, B. R. (2015), *Politics, Economy and Development Issues in the Shadow of Violence*, translated by Mirdamadi, Mohsen and Mohammad Hossein Naeimipour, Rozaneh Publications (In Persian).
- Palan, R. (2007), *Global Political Economy: Contemporary Theories*, translated by Hossein Pourahmadi and Ayub Karimi, Tehran: Mohajer Publishing (In Persian).
- Pawelk, P. (1996), *The Political Economy of foreign policies in the Middle East*, Meeting in University of Tubingen (FRG).
- Pourahmadi, H. (2002), "Political Economy of Government and World System Interaction in Foreign Policy Formulation", *Foreign Policy Quarterly*, 16 (4), 1051-1082 (In Persian).
- Sharabi, H. (2016), *New Patriarchy*, translated by Ahmad Movassaghi, Tehran: Kavir Publications (In Persian).
- Sharifzadegan, M. H. & Qanuni, H. (2017), "Analysis and theoretical conceptualization of the effects of rentier state on the agency and structure of society and urban economy in Iran", *Urban Economics*, Vol. 2, N. 1, Sequence 2 (In Persian).
- Shekarchi, A. (2013), "Triple Generations of Rentier State Theory", *Meeting of the Faculty of Literature and Humanities, Shahid Beheshti University*, May (In Persian).
- Slater, D. & Tokiss, F. (2007), *Market Society: Market and Modern Social Theory*, translated by Hossein Ghazian, Tehran: Ney Publishing (In Persian).
- Soltani, A. (2012), "Oil and the process of nation-state building", *Politics Quarterly*, 42 (2), 95-112 (In Persian).
- Spohr, A. P. & André Luiz Reis da Silva (2017), "Foreign Policy's Role in Promoting Development: The Brazilian and Turkish Cases", *Contexto Internacional*, 39 (1), 157-178
- Verkoren, W. & Kamphuis, B. (2013), "State Building in a Rentier State: How Development Policies Fail to Promote Democracy in Afghanistan", *International Institute of Social Studies, Development and Change*, 44 (3), 501-526
- Weber, M. (1988), *Basic Concepts of Sociology*, translated by Ahmad Sadrati, Tehran: Markaz Publishing (In Persian).
- Witfogel, Karl, A. (1957), *Oriental Despotism: A Comparative Study of Total Power*, new Haven & London: Yale University Press.
- Zafirovski, M. (2002), "The Social Construction of Production: an Application of Economic Sociology", *Management*, 5 (2), 147-174.
- Zarrinkoob, R. & Pashazanos, H. (2011), "Sassanid Political System (325-579 AD) and Max Weber's Patrimonial-Bureaucratic Theory", *Historical Research*, New Volume (3), 112-99 (In Persian).

تحلیل ساختاری جایگاه کنش گران آینده اقتصاد سیاسی جهانی با محوریت اتحادیه اروپا در دورنمای ۲۰۵۰؛ به روش مکتور

حسین سلیمی*

محدثه حیدری**

چکیده

در حال حاضر جهان شاهد گذار اقتصادی از قدرت‌های بزرگ غربی به سمت بازارهای نوظهور است. بحران‌های جدید به‌خصوص کووید ۱۹، پیشرفت‌های عظیم و هژمونی غرب با محوریت ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا را به چالش کشیده‌اند. درحالی‌که در آغاز هزاره، حرکت اتحادیه اروپا به سمت اتحادیه اقتصادی و سیاسی، یک‌روند غیرقابل مقاومت و برگشت‌ناپذیر تلقی می‌شد، با شیوع کووید ۱۹ و تشدید سایر بحران‌های موجود، در شرایط پیچیده‌تری قرار گرفت. در این نوشتار این پرسش‌ها مطرح شده‌اند که در دورنمای ۲۰۵۰، اولاً مهم‌ترین کنش گران اقتصاد سیاسی جهانی چه کشورهایی هستند؟ و دوماً اتحادیه اروپا چه جایگاهی در بین سایر کنش گران اقتصاد سیاسی جهانی دارد؟ به عبارتی هدف اصلی مقاله این است که با سنجش وزن سایر کنش گران در اقتصاد سیاسی جهانی مهم‌ترین رقبای اتحادیه در دورنمای ۲۰۵۰ را شناسایی کند و با استفاده از تحلیل نرم‌افزاری جایگاه اتحادیه را در بین این کنش گران مشخص سازد. در این نوشتار تلاش شده به دو پرسش مذکور با استفاده از برگزاری پتل خبرگی و روش تحلیل ساختاری مکتور (دو روش آینده‌پژوهی) و بهره‌گیری از بروزترین منابع موجود، پاسخ داده شود. سازمان‌دهی مقاله به این شیوه است که ابتدا مروری صورت گرفته بر چارچوب نظری مقاله که نهادگرایی است و سپس مهم‌ترین کنش گران آینده اقتصاد سیاسی جهانی بررسی شده‌اند. در ادامه تحلیل داده‌های پژوهش به وسیله نرم‌افزار مکتور (یکی از روش‌های مرسوم در مکتب لاپراسپکتیو (la prospective)) انجام شده و در نهایت جمع‌بندی ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد سیاسی جهانی، آینده‌پژوهی، لاپراسپکتیو، مکتور، اتحادیه اروپا، کنش گران اقتصادی.

نوع مقاله: پژوهشی.

* استاد روابط بین‌الملل، گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

** کاندیدای دکتری روابط بین‌الملل، گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)، Mohaddese_heidari@atu.ac.ir

مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ۱۴۰۱، دوره پنجم، شماره اول، ۴۱-۷۶.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۹

ناشر: دانشگاه رازی

© نویسندگان



مقدمه

تحولات گوناگون یک دهه اخیر در اقتصاد سیاسی جهانی، به‌خصوص پاندمی کووید ۱۹، سبب قوت گرفتن فرضیه چرخش قدرت اقتصادی از غرب به شرق شده است. گمانه‌زنی در مورد قدرت‌های آینده اقتصاد سیاسی جهانی در اکثر مراکز تحقیقاتی به چشم می‌خورد و درحالی‌که برخی از تحلیل‌گران صحبت از ظهور چین به‌عنوان یک قدرت برجسته اقتصادی می‌کنند، برخی دیگر همچنان به برتری غرب در دورنمای ۲۰۵۰ و بیدار شدن گول خفته اتحادیه اروپا معتقدند. در طی یک دهه اخیر سناریوهای متفاوت و بعضاً متناقضی در مورد آینده اتحادیه اروپا به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شرکای ایالات متحده مطرح شده است زیرا درحالی‌که در آغاز هزاره، مسیر اروپا به‌سوی اتحادیه اقتصادی و سیاسی روندی غیر قابل مقاومت و برگشت‌ناپذیر تلقی می‌شد که سطوح بی‌سابقه‌ای از صلح و رفاه را به همراه خواهد آورد.

امروزه از دیدگاه برخی از پژوهشگران، پروژه اروپا در معرض خطر قرار دارد و مشکلات طولانی‌مدت در منطقه یورو، هجوم مهاجران و پناهندگان و خروج انگلستان از اتحادیه، نقایص، ناسازگاری و آسیب‌پذیری آن را آشکار کرده است؛ بنابراین منطقه یورو و حتی کل اتحادیه اروپا در حال فروپاشی است. چارلز کویچان (Charles Kupchan) از جمله افرادی است که با صراحت اظهار می‌دارد: «اتحادیه اروپا در حال مرگ است» (Ferguson, 2020: 17). با این حال برخی از ناظران طرفدار همگرایی در مورد دورنمای اتحادیه اروپا همچنان خوش بین هستند، با این استدلال که پیش‌بینی‌های فروپاشی اتحادیه اروپا مبتنی بر ارزیابی‌های بسیار ضعیفی است که از واقعیت‌ها دور است؛ برای مثال، اندرو موراوچیک (Andrew Moravcsik) اتحادیه را «ابرقدرت نامرئی (invisible superpower)» جهان می‌نامد (Moravcsik, 2017: 8).

در نوشتار پیش رو درصدد هستیم با استفاده از برگزاری پنل خبرگان و یکی از متدهای آینده‌پژوهی (مکتور)، جایگاه اتحادیه اروپا را در مقایسه با سایر کنش‌گران اقتصاد سیاسی جهانی مورد بررسی خبرگی و نرم‌افزاری قرار دهیم؛ به عبارتی با تلفیق این دو روش در تلاشیم به سنجش پیش‌بینی‌های موجود در مورد آینده اتحادیه اروپا بپردازیم.

۱. پیشینه پژوهش

پرداختن به موضوع اقتصاد سیاسی جهانی و دورنمای اتحادیه اروپا امری است که در آثار بی‌شماری به چشم می‌خورد. در بین آثار موجود ۳۰ اثر پژوهشی مورد بررسی قرار گرفت. از جمله مهم‌ترین این آثار می‌توان اشاره داشت به کتاب راندال ژرمن (Randall M German) (۲۰۱۶) با عنوان *آینده اقتصاد سیاسی جهانی* که براساس مهم‌ترین شاخص‌های اقتصاد سیاسی جهانی به دورنمائی می‌پردازد. این کتاب ضمن توجه به وضعیت کنش‌گران مختلف در دهه‌های آتی، به اهمیت اقتصاد دیجیتال در تعیین میزان اثرگذاری یک کنش‌گر در اقتصاد سیاسی بین‌الملل و رشد تجارت‌های بزرگ است.

سناریوهای اقتصاد زیستی اتحادیه (۲۰۲۱) اثری دیگری است که توسط کمیسیون اروپا در سال ۲۰۲۱ منتشر شده است. در این سند، نویسندگان ۴ سناریو را برای اتحادیه اروپا مطرح می‌سازند و نهایتاً به این نتیجه دست می‌یابند که اتحادیه اروپا با بهره‌گیری از الگوی اقتصاد مدور به جای الگوی خطی، می‌تواند مسیر دستیابی به اهداف توافق پاریس را طی کند و با تکیه گسترده بر اقتصاد زیستی جایگاه قابل توجهی در دورنمای ۲۰۵۰ اقتصاد سیاسی جهانی ۲۰۵۰ داشته باشد.

جهان در خطر؛ آلمان و اروپا در دوران نامطمئن نوشته ولفگانگ ایشینگر (Wolfgang Ischinger)، در نوامبر ۲۰۲۰ به وسیله اندیشکده بروکینگز (Brookings) انتشار یافته است. در این سند، تغییر چرخه قدرت از غرب به شرق با محوریت چین بررسی قرار گرفته و اشاره شده به اینکه باورها و اصول لیبرالیسم حاکم بر اقتصاد بازار رنگ‌باخته و اقدامات کشورهای مثل روسیه گویای آن هستند که اروپا دیگر آن بهشت پسامدرنی که تصور می‌شد، نیست و این احتمال وجود دارد که جایگاه اتحادیه اروپا در دورنمای ۲۰۴۰ به‌خصوص با کناره‌گیری آنگلا مرکل (Angela Merkel)، با بحران روبه‌رو شود. این در حالی است که الگوی مستبدانه حاکم بر اقتصاد چین، سبب رشد این کشور در اقتصاد سیاسی جهانی خواهد شد.

اشتراک قدرت در اتحادیه اروپا؛ فعالیت‌های گذشته، موارد کنونی و مسیرهای آینده

(۲۰۲۱) کتابی است که در آن اشتراک قدرت به عنوان نوعی طرح نهادی، به منظور ترسیم چگونگی دسترسی دولت‌ها به منابع، ایجاد قوانین مشترک و... به عنوان مهم‌ترین عوامل اشتراک قدرت مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند. در این اثر، دو مفهوم کلیدی فدرالیسم و شکلی از اجتماع‌گرایی به عنوان دو شکل اصلی اشتراک قدرت در کشورهای عضو اتحادیه اروپا بررسی شده‌اند. مواردی مثل منازعات داخلی، مباحث فرهنگی، جنگ‌ها، روش‌های قانون‌گذاری و... به عنوان عوامل مانع‌زا یا تسهیل‌کننده اشتراک قدرت بحث شده‌اند. نکته جالب این اثر، بررسی تک‌تک کشورهای عضو اتحادیه از منظر ساختار قدرت حاکم و تحولاتی است که در قدرت ساختاری این کشورها ایجاد خواهد شد.

کتاب *راهنمای پالگریو* (Palgrave) بحران‌های اتحادیه اروپا (۲۰۲۱) نوشته ماریان ریدروولد، جارل تروندال به بررسی دقیق بحران‌های اتحادیه اروپا از گذشته تاکنون و تبعات این بحران‌ها برای آینده اتحادیه اروپا پرداخته است. پیش از آغاز به بحث در مورد بحران‌های اتحادیه اروپا چند رویکرد نظری مثل نهادگرایی لیبرال، بین‌دولت‌گرایی لیبرال، رئالیسم کلاسیک و نئورئالیسم به عنوان چارچوب‌هایی برای نگرستن به بحران‌های موجود در اتحادیه، بحث شده‌اند. سپس به اشکال مختلف بحران در نهادهای زیرمجموعه اتحادیه مثل پارلمان اروپا، کمیسیون اروپا، آژانس‌های اتحادیه و بانک مرکزی اروپایی اشاره شده است.

گذار انرژی و آینده گاز در اتحادیه اروپا (۲۰۲۰) که به وسیله گوچه میته (Gökçe Mete) نگارش یافته و در انتشارات مک میلان (Mack Millan) به چاپ رسیده، به جایگاه اتحادیه اروپا در اقتصاد سیاسی جهانی البته از منظر انرژی پرداخته است. سیاست‌های اتحادیه اروپا در حوزه انرژی، سوبسیدها و پروژه‌های مالی، شبکه‌های فراتلانتیکی انرژی، تأثیر این شبکه‌ها بر آینده اتحادیه، توافقات بین‌المللی موجود در این حوزه و نقش گاز در تحولات آتی بررسی شده‌اند. آنچه نوشتار پیش رو را نسبت به آثار پیش‌گفته متمایز می‌سازد، بهره‌گیری از روش مکتور و همین‌طور برگزاری پنل خبرگان جهت تبیین دیدگاه صاحب‌نظران مختلف در مورد آینده اتحادیه اروپاست.

تحلیل ساختاری جایگاه کنش‌گران آینده اقتصاد سیاسی جهانی با... (حسین سلیمی و محدثه حیدری) ۴۵

افزون بر این، در پژوهش حاضر، تلاش شده تا براساس چندین فاکتور کلیدی که در ادامه شرح داده خواهد شد وضعیت کنونی و دورنمای هریک از کنش‌گران مورد بررسی قرار گیرد. به عبارتی با ارائه یک تحلیل جامع از تحولات اقتصادی کنونی و آینده کنش‌گران سعی شده جایگاه آن‌ها به صورت همه‌جانبه مورد بحث و بررسی قرار گیرد و این مسئله مقاله حاضر را از آثار پیشین متمایز می‌سازد.

۲. مبانی نظری

لیبرالیسم یک مکتب فکری گسترده و متنوع است. با وجود اختلافات میان متفکران مختلف در این مکتب، یکسری اصول و مفروضات کلیدی در این رویکرد قابل تشخیص است. موراوچیک (Moravcsik) سه فرض اصلی نظریه لیبرال را مشخص می‌کند. نخست، افراد و گروه‌های خصوصی و نه دولت‌ها، بازیگران اصلی سیاست بین‌الملل هستند. دوم، دولت‌ها نماینده منافع برخی زیرمجموعه‌های جامعه داخلی هستند. سوم، ترکیب ترجیحات دولت‌ها رفتار آن‌ها را تعیین می‌کند. موراوچیک معتقد است، این سه مفروض الهام‌بخش سه نوع نظریه لیبرال است که وی آن‌ها را لیبرالیسم ایده‌ای یا مفهومی، تجاری و جمهوری‌خواه می‌نامد (Moravcsik, 1997: 27).

این مفروضات نظریه لیبرال، به‌ویژه فرض سوم - در اصل، «آنچه دولت‌ها می‌خواهند، تعیین‌کننده اولیه کاری است که انجام می‌دهند» - گویای تفاوت ایدئالیسم با نظریه‌های خردگرا است. در کانون این دو نظریه (نئورئالیسم و نئولیبرالیسم) این باور وجود دارد که رفتار دولت پیامدهای متصلبی دارد. سیاست قدرت و عدم قطعیت اطلاعاتی، دولت‌ها را مجبور می‌کند تا استراتژی‌هایی را انتخاب کنند که ممکن است با ترجیحات اولیه آن‌ها در تضاد اساسی باشد (Waltz, 1979: 60)؛ بنابراین ترجیحات دولت‌های مختلف به‌گونه‌ای تلقی می‌شوند که گویی اموری نامربوط، ثانویه یا درون‌زا هستند. درحالی‌که در ایدئالیسم «نظریه‌های ساختاری... فاقد تئوری ترجیحات نسبت به نتایج است.» (Powell, 1994: 318)

آنچه دولت‌ها انجام می‌دهند اساساً توسط ملاحظات استراتژیک از قبل تعیین می‌شود. لیبرال‌ها همچنین بر نقش نیرومندی که وابستگی متقابل در شکل‌دهی به ساختار

انگیزه‌های دولت‌ها و رفتار آن‌ها دارد، تأکید می‌کنند. آن‌ها معتقدند جریان کالاها، سرمایه، مواد اولیه و مردم به نفع همه کشورهای درگیر است. وابستگی متقابل همچنین می‌تواند برخی از تأثیرات آناژنی را کاهش دهد. وابستگی متقابل انگیزه‌های دولت‌ها را برای حل مشکلات مشترک و تحقق منافع مشترک از راه همکاری افزایش می‌دهد (Milner, 2009). آن‌ها همچنین بر نقشی که نهادهای بین‌المللی ایفا می‌کنند، تأکید دارند و معتقدند نهادها می‌توانند بر عدم قطعیت در مورد ترجیحات و اهداف دولتی که اغلب تلاش برای همکاری را تضعیف می‌کند، غلبه کنند (Keohane & Martin, 1995: 73). نهادها با گسترش افق‌های زمانی، ترویج عمل متقابل، کاهش هزینه‌های معاملاتی، معرفی مکانیسم‌های اجرایی و معتبرتر ساختن تعهدات، همکاری بین دولت‌ها را تسهیل می‌کنند. این نکته شایان ذکر است که در بین لیبرال‌ها دو دیدگاه متفاوت در مورد آینده اتحادیه اروپا به عنوان یک کنش‌گر نهادی مهم در سطح جهانی قابل مشاهده است. در حالی که برخی از لیبرال‌ها دیدگاه بدبینانه‌ای به آینده اتحادیه اروپا دارند و معتقدند روند واگرایی به دلیل پیچیدگی شدید ساختاری، بحران اعتماد، بحران یورو، ناتوانی اتحادیه در مدیریت مسئله مهاجران و... حتمی است.

طیف لیبرال‌های خوش‌بین پرهزینه بودن هرگونه شکاف بین کشورهای عضو و تعهد آن‌ها به اصول دموکراتیک را پیشران‌هایی توصیف می‌کنند که مانع از واگرایی اتحادیه خواهند شد و در عوض زمینه را برای ارتقای جایگاه اتحادیه اروپا در دورنمای اقتصاد سیاسی جهانی فراهم می‌سازند. در این نوشتار تلاش شده در بررسی قدرت اتحادیه اروپا به عنوان یک کنش‌گر اقتصاد سیاسی جهانی به تمامی پیشران‌های مطرح شده از سوی هر دو طیف لیبرال توجه شود.

۳. روش‌شناسی

روش مکتور^۱، یکی از مهم‌ترین روش‌هایی است که به منظور کمک به آینده‌پژوهان برای تحلیل ساختارهای پیچیده موجود در حوزه مطالعات راهبردی ابداع شده و کمتر در

1. MACTOR (Matrix of Alliances and Conflicts: Tactics, Objectives and Recommendations)

تحلیل ساختاری جایگاه کنش‌گران آینده اقتصاد سیاسی جهانی با... (حسین سلیمی و محدثه حیدری) ۴۷

مطالعات روابط بین‌الملل در جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفته است این روش، یک روش تحلیل ساختاری است که میشل گوده (M. Godet) سرآمد آن است. لازم به ذکر است که میشل گوده در آثار خود باهدف ارتباط دادن بین مدیریت استراتژیک و طراحی سناریو به ابتکار و ارائه روش‌هایی مانند میک‌مک و مکتور پرداخته است. وی معتقد است که بعد از تبیین و شناسایی مسئله، می‌توان با روش میک‌مک یا مکتور به بررسی جدی مسائل استراتژیک پرداخت. روش میک‌مک شامل شناسایی متغیرهای کلیدی داخلی و خارجی و روش مکتور شامل شناسایی بازیگران و اهداف کلیدی است. در واقع این روش‌ها با شناسایی و تبیین روابط بین متغیرها و بازیگران به ارائه دورنما و طراحی سناریوهایی برای موضوع مورد مطالعه کمک می‌کنند (Godet, 2005: 113).

جدول ۱. مراحل مختلف روش مکتور (Godet, 1991: 107)

تهیه جدول استراتژی بازیگران که شامل طرح‌ها، انگیزه‌ها، اهداف و موانع آن‌ها می‌شود؛
مشخص کردن مسائل استراتژیک و اهداف مرتبط با صحنه رقابت؛
تعیین موقعیت هر بازیگر در موضوع مورد رقابت و مشخص کردن همگرایی‌ها و واگرایی‌ها؛
رده‌بندی اهداف هر بازیگر و ارزیابی تاکتیک‌های ممکن با توجه به اولویت اهداف (ضمن توجه به همگرایی و واگرایی احتمالی)؛
ارزیابی روابط قدرت و ارائه توصیه‌های راهبردی برای هر بازیگر و طرح‌وتبیین پرسش‌هایی در خصوص آینده

در این روش دو هدف اصلی دنبال می‌شود. هدف نخست؛ طبقه‌بندی بازیگران براساس تأثیرگذاری و تأثیرپذیری نسبی آن‌ها از یکدیگر است که داده‌های مربوط به آن به کمک ماتریس اثرات مستقیم بازیگران بر یکدیگر فراهم می‌شود. هدف دوم شناسایی و موضع‌گیری هر یک از بازیگران نسبت به اهداف، اولویت‌ها یا مسائل کلیدی است. در پژوهش حاضر به‌صورت ویژه اهداف مبتنی بر پنل خبرگان و معطوف بر مؤلفه‌های است که کشورهای حائز آن می‌توانند سهم قابل توجهی از اقتصادی جهانی در افق ۲۰۵۰ را به خود اختصاص دهند؛ بنابراین به‌عنوان رقبای جدی‌تر برای اتحادیه اروپا تلقی می‌شوند. روابط میان بازیگران ممکن است یکی از حالت‌های زیر باشد:

۱- دو بازیگر تأثیری بر یکدیگر ندارند یا نفوذ یکی بر دیگری بسیار اندک است. در این صورت درایه مربوط به تأثیر بازیگر یک سطر از ماتریس بر بازیگر دیگر از یک ستون

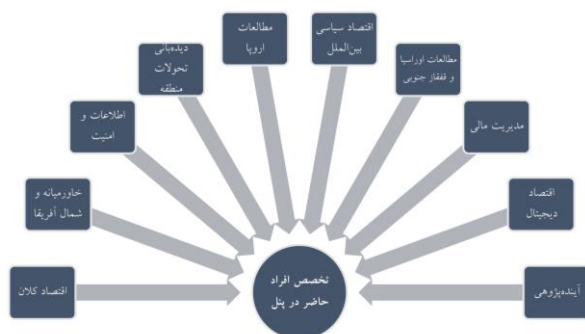
ماتریس عدد صفر در نظر گرفته می‌شود؛

۲- یک بازیگر ممکن است در فعالیت‌ها، برنامه‌ها یا اهداف بازیگر دوم تداخل ایجاد کند و این تداخل در سطح اندکی است. در این صورت درایه مربوط به این حالت را (درایه i که نشان‌دهنده تأثیر یا نفوذ بازیگر سطر i بر بازیگر سطر j است) با عدد «۱» جایگزین می‌کنیم؛

۳- یک بازیگر ممکن است سیاست‌های بازیگر دیگر را تهدید کند یا به خطر اندازد. در این صورت در درایه مربوطه عدد «۲» را قرار می‌دهیم؛

۴- در حالت بعدی یک بازیگر ممکن است کل مأموریت یا راهبردهای یک بازیگر دیگر را تهدید کند. در این صورت در درایه ماتریس مربوطه عدد «۳» را قرار می‌دهیم؛

در شدیدترین حالت ممکن است یک بازیگر هستی یک بازیگر دیگر را تهدید کند یا به مخاطره اندازد. برای مثال، هنگامی که دو بازیگر دولتی با یک هدف، مأموریت یا استراتژی سازمانی وجود داشته باشند، ممکن است رقابت میان آن‌ها به حدی جدی شود که هریک تلاش کنند دیگری را از طریق فرآیندهای سیاست‌گذارانه یا قانونی منحل اعلام کنند. در چنین حالتی در درایه مربوطه عدد «۴» قرار می‌گیرد.

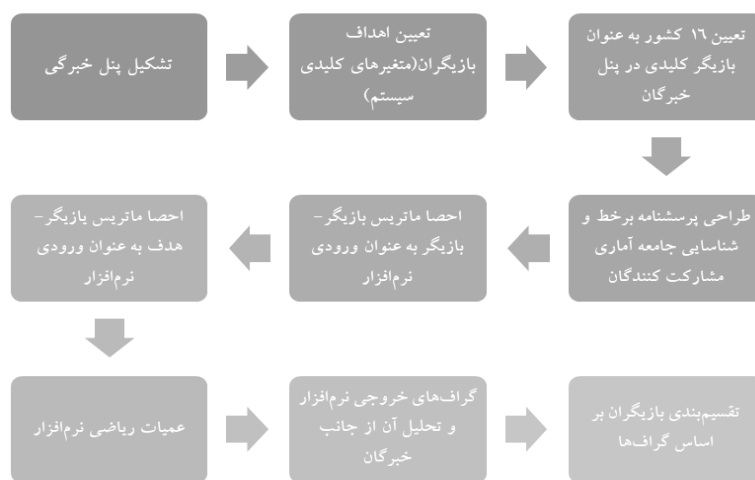


به‌منظور احصای روابط تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بازیگران نسبت به یکدیگر نیز لازم است ماتریس بازیگر-بازیگر تشکیل شود. در این نوشتار به جهت احصای این ماتریس از پنل

خبرگی متشکل از سی کارشناس خبره در حوزه روابط بین‌الملل، شاخه‌های مختلف اقتصاد، آینده‌پژوهی و مطالعات منطقه‌ای مسلط به وضعیت کشورهای مختلف، بهره‌گرفته شده است. با توجه به حساسیت داده‌هایی که لازم بود جمع‌آوری شود و لزوم تخصص افراد در حوزه اقتصاد سیاست جهانی با روش نمونه‌گیری هدفمند، به سراغ خبرگانی رفتیم که از صحت و میزان اطلاعات آن‌ها اطمینان کافی را داشتیم. این اطمینان از طریق ارائه

تحلیل ساختاری جایگاه کنش‌گران آینده اقتصاد سیاسی جهانی با... (حسین سلیمی و محدثه حیدری) ۴۹

ویژگی‌های هر یک از خبرگان به چارچوب مشخصی که گروه پژوهشی کافی می‌دانست احصا، شد. نهایتاً ماتریسی به دست آمد که به عنوان ورودی به نرم‌افزار استفاده شد. در ماتریس مذکور اثرات متقابل میان بازیگران بدون علامت (مثبت یا منفی) است که شدت اثرگذاری عناصر سطری بر عناصر ستونی را مشخص می‌کند و عدد صفر به معنی نبود اثر متقابل، اعداد صفر تا چهار بیانگر شدت اثرگذاری و نفوذ بازیگران بر یکدیگر است. همچنین لازم به ذکر است که در این ماتریس اثرات متقابل مستقیم میان بازیگران گردآوری می‌شود و در ادامه با ضرب ماتریسی، جمع سطری و ستونی و رتبه‌بندی بازیگران، مجموع اثرات غیرمستقیم بازیگران بر یکدیگر نیز به دست می‌آیند. این ماتریس برخلاف ماتریس اولی، علامت‌دار است به عبارت دیگر یک بازیگر ممکن است با یک هدف موافق یا مخالف باشد. اگرچه ممکن است این اهداف برای همه بازیگران مطلوب باشد اما میزان دسترسی امکانی و استعدادی نیز در این جدول مدنظر خبرگان قرار دارد.



شکل ۱. نمودار مراحل مکتور

۴. یافته‌ها

در جلسات پنل این نتیجه حاصل شد که جایگاه اتحادیه اروپا در آینده اقتصاد سیاسی جهانی اولاً بهتر است در قالب سه دسته کنش‌گر (کشورهای پیشرو در اتحادیه، کشورهای حوزه بالکان غربی و کشورهای ان.ام.اس. ۱۱) بررسی شود. دوماً، قدرت اقتصادی هر یک

از این کنش‌گران براساس چند فاکتور کلیدی میزان دسترسی به فناوری‌ها، قدرت ارزی، اقتصاد دیجیتال و هوش مصنوعی، جی‌دی‌پی، منابع انرژی و حجم سرمایه‌گذاری خارجی ارزیابی شود. سوماً به منظور بررسی آراء سایر خبرگان پرسش‌نامه طراحی شود و در اختیار خبرگانی که در پنل حضور ندارند، قرار گیرد.

در این راستا اولاً در پنل، بر پایه روش مکتور اطلاعات همه کنش‌گران مورد بحث و بررسی قرار گرفت و این نتیجه حاصل شد که از بین ۱۳۷ کنش‌گر اقتصاد جهانی، کنش‌گران ذیل مهم‌ترین‌ها در دورنمای ۲۰۵۰ هستند. سپس اطلاعات به دست آمده در قالب دو ماتریس در اختیار نرم‌افزار مکتور قرار گرفت و سپس چند خروجی گرفته شد. در ادامه مروری خواهیم داشت بر بخشی از اطلاعات ارائه شده به نرم‌افزار در مورد کنش‌گران مختلف اقتصاد جهانی و سپس خروجی مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

۴-۱. ایالات متحده

ایالات متحده آمریکا بزرگ‌ترین قدرت اقتصادی و نظامی جهان است. این کشور ۱۰۶ تریلیون دلار از ثروت جهان را در اختیار دارد که برابر با ۲۹/۴٪ از سهم کل جهان است. به لحاظ حجم، اقتصاد ایالات متحده ۲۳/۹٪ کل اندازه اقتصاد جهان را تشکیل می‌دهد. بزرگ‌ترین عامل اثرگذار در تولید ناخالص داخلی این کشور بخش خدمات اقتصادی است که شامل امور مالی، املاک و مستغلات، بیمه، خدمات حرفه‌ای و تجاری و بهداشت و درمان می‌شود (Visualcapitalist, 2020: 3).

ایالات متحده اقتصادی نسبتاً باز دارد به این معنا که سرمایه‌گذاری انعطاف‌پذیر تجاری و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را در کشور تسهیل می‌کند. به علاوه، این کشور قدرت برتر ژئوپلیتیک جهان است و اقتصاد آن در بسیاری از صنایع در حوزه فناوری پیشرو است، هرچند با تهدیدهای فزاینده‌ای مثل نابرابری اقتصادی، افزایش هزینه‌های خالص مراقبت‌های بهداشتی و ایمنی اجتماعی و بدتر شدن زیرساخت‌ها روبه‌رو است (CIA World Factbook, 23 Dec 2020: 17). به طور کلی، آنچه ایالات متحده را در آینده به عنوان یکی از قدرت‌های اقتصادی ننگ خواهد داشت چند عامل است: نخست فراوانی منابع

تحلیل ساختاری جایگاه کنش‌گران آینده اقتصاد سیاسی جهانی با... (حسین سلیمی و محدثه حیدری) ۵۱

طبیعی آن است. این کشور هزاران هکتار زمین حاصلخیز و آب شیرین دارد. همچنین دارای منابع فراوان نفت، زغال‌سنگ و گاز طبیعی است. ضمن اینکه ایالات متحده با دو خط ساحلی بزرگ که بندرهایی برای تجارت فراهم می‌کنند هم‌مرز است. دوم اینکه ایالات متحده با یک سیستم پولی نسبتاً قوی اداره می‌شود. این به آن یک مزیت نسبی نسبت به دومین اقتصاد بزرگ جهان یعنی اتحادیه اروپا می‌دهد (American Enterprise Institute, 10 Aug 2020: 2). سومین مزیت این است که ایالات متحده دو همسایه بزرگ توسعه یافته دارد که هیچ تخصصی با آن‌ها ندارد: کانادا و مکزیک؛ بنابراین لازم نیست منابع زیادی را صرف دفاع از مرزهای خود در برابر همسایگان کند. ایالات متحده با این دو کشور در چارچوب بزرگ‌ترین منطقه تجاری جهان، توافق‌نامه تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا) مناسبات تجاری دارد. چهارمین مزیت جمعیت زیاد و متنوع آن است که می‌تواند در آینده اقتصاد آن نقشی اساسی ایفا کند (U.S. Department of State, 10 Aug 2020: 3).

۴-۲. انگلیس

انگلیس در سال ۲۰۱۹ با تولید ناخالص داخلی ۲,۸۳ تریلیون دلار، جایگاه ششمین اقتصاد بزرگ جهان را داشته است. اقتصاد انگلیس توسط بخش خدمات بزرگ آن به‌ویژه در امور مالی، بیمه و خدمات تجاری هدایت می‌شود. روابط گسترده تجاری این کشور با قاره اروپا با قطع‌نامه برگزیت پس از رأی‌گیری در سال ۲۰۱۶ برای خروج از اتحادیه اروپا بسیار پیچیده شده است (World Bank, 23 Dec 2020: 1). سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) پیش‌بینی کرده است که اقتصاد انگلیس به دلیل تأثیر همه‌گیری کرونا و برگزیت سریع‌ترین رشد از زمان جنگ جهانی دوم، با چالش‌های اقتصادی عمیق‌تری نسبت به سایر کشورهای G7 روبه‌رو است. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) همچنین هشدار می‌دهد که انگلیس در نتیجه خروج از اتحادیه و همه‌گیری کرونا می‌تواند خسارت اقتصادی طولانی‌مدت‌تری نسبت به سایر کشورهای صنعتی G7 متحمل شود. در حالی که اعضای اصلی منطقه یورو می‌توانند ۰/۳٪ کاهش سالانه در تولید بالقوه اقتصادی را تجربه کنند، کاهش نرخ رشد انگلیس می‌تواند ۰/۵٪ در سال یعنی کمتر از مقدار پیش‌بینی شده باشد.

(The Guardian, 2021: 2)؛ اما در بلندمدت انگلیس با متوسط رشد سالانه ۱/۹٪ می‌تواند سریع‌ترین رشد اقتصادی G7 تا سال ۲۰۵۰ باشد. باز بودن فرصت برای کارگران با استعداد و توسعه روابط تجاری موفق با اقتصادهای در حال ظهور که در حال رشد سریع هستند، برای تحقق پتانسیل رشد بلندمدت انگلستان امری حیاتی است. طبق جدیدترین پیش‌بینی مؤسسه پرایس واترهاوس کوپر، رشد اقتصادی بلندمدت انگلیس می‌تواند از کشورهای اتحادیه اروپا مانند آلمان، فرانسه و ایتالیا جلوتر باشد. موقعیت انگلیس در مقایسه با سایر کشورهای G7 به دلیل پیش‌بینی سهم بزرگ‌تر جمعیت در سن کار نسبت به سایر اقتصادهای پیشرفته، پایدارتر است. (PWC, 2017).

۴-۳. کانادا

کانادا ۱/۷۴ تریلیون دلار تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۹ داشت (World Bank, 23 Dec 2020: 4). این کشور دارای یک بخش استخراج انرژی توسعه‌یافته است و سومین ذخایر نفت اثبات‌شده جهان را دارا است. کانادا همچنین دارای بخش‌های تولید و خدمات چشم‌گیری است که بیشتر در مناطق شهری نزدیک مرز ایالات متحده مستقر است. رابطه تجارت آزاد کانادا با ایالات متحده به این معنی است که سالانه سه چهارم صادرات کانادا به بازارهای ایالات متحده منتقل می‌شود. روابط نزدیک کانادا با ایالات متحده به این معنی است که این کشور عمدتاً به موازات بزرگ‌ترین اقتصاد جهان توسعه‌یافته است (CIA Factbook, 2021: 6). مطابق پیش‌بینی‌ها، کانادا که در حال حاضر هفدهمین اقتصاد بزرگ جهان است تا سال ۲۰۳۰ به رتبه هجدهم می‌رسد و تا سال ۲۰۵۰ به رتبه ۲۲ برسد. مزیت نسبی عمدتاً کانادا در بخش‌های خودرو، چوب و کاغذ و انرژی است. همچنین برنامه جمعیتی این کشور می‌تواند جایگاه آن را در آینده اقتصاد جهانی تغییر دهد (Global News, 2021: 5).

۴-۴. چین

در حال حاضر چین دومین تولید ناخالص داخلی اسمی جهان و بیشترین تولید را از نظر PPP دارد. با توجه به رشد سالانه که این کشور به‌طور مداوم در سال‌های اخیر داشته است،

تحلیل ساختاری جایگاه کنش‌گران آینده اقتصاد سیاسی جهانی با... (حسین سلیمی و محدثه حیدری) ۵۳

انتظار می‌رود از ایالات متحده پیشی بگیرد. چین ممکن است در مسیر تبدیل شدن به بزرگ‌ترین اقتصاد جهان با تولید ناخالص داخلی اسمی در سال‌های آینده باشد (World Bank, 2020: 4). چین به لطف یک سیاست صنعتی که مشوق تولید داخلی است، به صادرکننده شماره یک جهان تبدیل شده است. با وجود این مزایا، چین با چالش‌های مهمی مانند افزایش سریع جمعیت و تخریب شدید محیط‌زیستی روبه‌رو است (CIA World Factbook, 2020: 6). از آنجایی که قدرت اقتصادی توسط تولید ناخالص داخلی با برابری قدرت خرید (PPP) اندازه‌گیری می‌شود که برای تفاوت سطح قیمت در کشورها تنظیم می‌شود، چین در حال حاضر بزرگ‌ترین اقتصاد جهان را دارد. پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۵۰، تولید ناخالص داخلی این کشور ۷۰ تریلیون دلار یعنی ۸۰٪ بیشتر از آمریکا خواهد بود (Chinausfocus, Dec 09, 2020: 8). حجم تولید ناخالص داخلی چین در سال ۲۰۳۰ ۳۶۱۱۲ میلیارد دلار خواهد بود که این مبلغ در سال ۲۰۵۰ به ۶۱۰۷۹ میلیارد دلار خواهد رسید (Careeraddic, 2020: 9).

۴-۵. هند

انتظار می‌رود در سال ۲۰۵۰ هند به‌عنوان دومین کشور پرجمعیت جهان طی سه دهه آینده با رشد ۵ درصدی متوسط تولید ناخالص داخلی در سال، رشد چشم‌گیری داشته باشد و این کشور به یکی از سریع‌ترین رشد اقتصادی در جهان تبدیل شود. پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۵۰ میلادی، هند از آمریکا هم پیشی بگیرد و دومین اقتصاد بزرگ جهان شود. به‌گونه‌ای که ۱۵٪ از کل تولید ناخالص داخلی جهان را به خود اختصاص دهد. نتایج مثبت این رشد قبلاً تأثیراتی را برای ساکنان ایجاد کرده است (Careeraddic, 2020: 3). در مطالعه‌ای که در سال ۲۰۱۷ از سوی مجله پزشکی لانست (The Lancet) منتشر شد، هند پس از چین و ایالات متحده تا سال ۲۰۵۰ به سومین اقتصاد بزرگ جهان تبدیل خواهد شد. (Business today, 2020: 2). در سال‌های اخیر تلاش‌های مودی نخست‌وزیر هند باعث شده است که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با رشد ۱۳ درصدی به رکورد ۴۹/۹۷ میلیارد دلار در سال مالی ۲۰۱۹-۲۰۲۰ برسد و ۱۴/۶۷ میلیارد دلار فقط از سنگاپور تأمین شود.

اگرچه سرمایه‌گذاران خارجی می‌توانند در بازارهای عمومی هند سرمایه‌گذاری کنند، اما ابتکارات مختلف نخست‌وزیر، زمینه مناسبی را برای همگرایی فراهم کرده است. گوگل و فیس‌بوک در مجموع بیش از ۱۰ میلیارد دلار در jio platforms هند (بزرگ‌ترین اپراتور موبایل هند) سرمایه‌گذاری کرده‌اند تا بتوانند از ۷۰۰ میلیون کاربر اینترنت هند استفاده کنند. خطوط راه‌آهن هند یکی از بزرگ‌ترین خطوط راه‌آهن در جهان است که در سال ۲۰۱۹ درآمد ۲۷/۱۳ میلیارد دلاری داشته و بین سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۱۹ با رشد ۶/۲ درصدی رشد کرده است. خوداتکایی داخلی می‌تواند به صنعت خودروسازی هند کمک کند تا بر مشکلات زنجیره تأمین در آینده غلبه کند (cdr-capital, 2020: 4).

۴-۶. ژاپن

ژاپن در حال حاضر سومین اقتصاد بزرگ جهان است. تولید ناخالص داخلی این کشور در سال ۲۰۱۹ از مرز ۵ تریلیون دلار عبور کرد (World Bank, 2020: 3). تعامل قوی بین دولت و صنعت و دانش فنی پیشرفته باعث ایجاد اقتصاد تولیدی و صادرات محور در این کشور شده است. بسیاری از مشاغل عمده ژاپنی به‌عنوان شبکه شرکت‌های به‌هم‌پیوسته معروف به کیرتسو (keiretsu) سازمان‌یافته‌اند. پس از بحران دهه ۱۹۹۰ و تأثیر آن بر رکود بزرگ جهانی، طی سال‌های اخیر ژاپن تحت سیاست‌های نخست‌وزیر شینزو آبه رشد چشم‌گیری در اقتصاد داشته است (CIA World Factbook, 2020: 11). ژاپن با تمرکز بر طراحی محصول و تولید با ارزش افزوده بالاتر نقش اصلی را در تأسیس منطقه به‌عنوان یک نیروگاه تولید جهانی دارد. ژاپن امروز بعد از چین به‌عنوان دومین اقتصاد، مرکز تولید و صادرکننده بزرگ در آسیا و اقیانوسیه شناخته می‌شود. افزون بر پیشرفت اقتصادی، ژاپن همچنین به‌طور قابل توجهی سطح توسعه انسانی را افزایش داده است تا در میان کشورهای پیشرو آسیا و اقیانوسیه در حال حاضر ظاهر شود (PWC, 2020: 18).

۴-۷. برزیل

برزیل با تولید ناخالص داخلی ۱,۸۴ تریلیون دلار، نهمین اقتصاد بزرگ در جهان و بزرگ‌ترین اقتصاد در آمریکای جنوبی است (World Bank, 2020: 4). اقتصاد متنوع برزیل

تحلیل ساختاری جایگاه کنش‌گران آینده اقتصاد سیاسی جهانی با... (حسین سلیمی و محدثه حیدری) ۵۵

حوزه وسیعی از صنایع سنگین مانند تولید هواپیما و خودرو تا استخراج منابع معدنی و انرژی را در برمی‌گیرد. این کشور همچنین دارای یک بخش کشاورزی بزرگ است که آن را به یک صادرکننده عمده قهوه و دانه‌های سویا تبدیل می‌کند (CIA World Factbook, 2020: 3). این غول اقتصادی آمریکای جنوبی در آینده پنجمین اقتصاد بزرگ جهان می‌شود و از ژاپن، آلمان و روسیه پیشی می‌گیرد.

اقتصاد برزیل در چند دهه گذشته به لطف منابع طبیعی فراوان این کشور به سرعت رشد کرده اما برای کنترل فساد دولتی و تورمی که این کشور را در سال‌های اخیر گرفتار کرده، مشکل دارد. منابع طبیعی سرشار برزیل به رشد اقتصادی این کشور کمک کرده است. بعضی از این مشکلات باعث شده برزیل سریع‌تر از بسیاری کشورها خود را با فناوری روز وفق دهد. هرچند برزیل درگیر مشکلات اقتصادی است اما آینده‌ای روشن در انتظار آن است. این کشور یکی از غول‌های جهان در معدن و کشاورزی و تولیدات صنعتی است، بخش خدمات این کشور هم رو به رشد است. ضمن اینکه سرمایه‌گذاری چشم‌گیری در بخش گردشگری انجام داده است.

۴-۸ مکزیک

مکزیک با تولید ناخالص داخلی ۱,۲۷ تریلیون دلار در سال ۲۰۱۹ پانزدهمین اقتصاد بزرگ در جهان است (World Bank, 2020: 4). طی سه دهه گذشته، مکزیک تحت مجموعه‌ای از توافقات تجارت آزاد با ایالات متحده، کانادا و ۴۴ کشور دیگر به عنوان یک اقتصاد تولیدی ظهور کرده است. مکزیک دارای اقلام صادراتی از جمله لوازم الکترونیکی مصرفی، وسایل نقلیه و قطعات خودرو و همچنین محصولات نفتی و کشاورزی است. تجارت بین‌المللی مواد مخدر یک چالش مداوم برای توسعه مکزیک است که مستقیماً به خشونت و فساد در این کشور کمک کرده است. نهادهای قانونی ضعیف، تنظیم و ادغام اقتصاد غیررسمی بزرگ را که بیش از نیمی از نیروی کار مکزیک را به کار گرفته دشوار کرده است (CIA World Factbook, 2020: 3). پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد تا سال ۲۰۵۰، مکزیک آماده است تا هفتمین اقتصاد بزرگ جهان شود و با چهار پله صعود از یازدهمین جایگاه فعلی خود در

رده‌بندی، بالاتر رود. تمرکز بر تولید و صادرات باعث رشد عمده آن در سال‌های اخیر شده است، اگرچه شرایط اقتصادی فعلی مانع از رشد بالقوه شده است. مکزیک تا سال ۲۰۳۰ نهمین کشور پرجمعیت جهان خواهد بود. از نظر تولید ناخالص داخلی مکزیک یازدهمین اقتصاد بزرگ در جهان است تا سال ۲۰۳۰، نهمین و تا سال ۲۰۵۰ هفتم است و از کشورهای مانند ژاپن، آلمان، انگلستان پیشی می‌گیرد (Consulmex, 2020: 2).

۴-۹. روسیه

روسیه با تولید ناخالص داخلی ۱,۷۰ تریلیون دلار یازدهمین اقتصاد بزرگ جهان است (World Bank, 2020: 8). روسیه طی ۳۰ سال پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به سمت اقتصاد مبتنی بر بازار حرکت کرده است، اما مالکیت دولت و مداخله در آن هنوز هم رایج است. اقتصاد روسیه به عنوان صادرکننده برجسته نفت و گاز و همچنین سایر مواد معدنی و فلزات نسبت به نوسانات قیمت کالاهای جهانی بسیار حساس است (CIA World Factbook, 2020: 5). گفته می‌شود روسیه بزرگ‌ترین اقتصاد اروپا تا سال ۲۰۵۰ خواهد بود. روسیه در مسیر پیشی گرفتن از آلمان، بزرگ‌ترین اقتصاد اتحادیه اروپا قرار دارد و حتی ممکن است پیش از ۲۰۵۰ به بزرگ‌ترین اقتصاد اروپا تبدیل شود. دلیل این مسئله این است که اقتصاد آلمان در حال حاضر نزدیک به ظرفیت کامل کار می‌کند درحالی‌که بسیاری از ظرفیت‌های بالقوه روسیه هنوز بالفعل نشده است. با وجود سرعت اصلاحات ساختاری، بسیاری از بخش‌های اقتصاد روسیه به رشد سریع خود ادامه می‌دهند که همگرایی را پیش می‌برد. منابع طبیعی و مواد خام روسیه اغلب به عنوان «نفرین» و بلا برای اقتصاد این کشور توصیف شده است زیرا این منابع دولت را از ایجاد تغییرات عمیق منصرف می‌کنند؛ اما درآمد باقیمانده از صادرات هیدروکربن‌ها و مواد معدنی، صرف‌نظر از قیمت بازار کالا، به روسیه یک مزیت بزرگ نسبت به همسایگان بخشیده است (PwC, 2017: 33).

۴-۱۰. ترکیه

ترکیه با تولید ناخالص داخلی ۷۶۱,۴۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹، نوزدهمین اقتصاد بزرگ در جهان بوده است (World Bank, 23 Dec 2020: 2). ترکیه دارای اقتصادی کاملاً باز با

تحلیل ساختاری جایگاه کنش‌گران آینده اقتصاد سیاسی جهانی با... (حسین سلیمی و محدثه حیدری) ۵۷

بخش‌های بزرگ صنعتی و خدماتی است. صنایع عمده این کشور شامل الکترونیک، پتروشیمی و تولید خودرو است. آشفتگی سیاسی و منازعات مسلحانه منطقه‌ای منجر به برخی بی‌ثباتی در بازار مالی و ارز و عدم اطمینان در مورد آینده اقتصادی ترکیه در سال‌های اخیر شده است (CIA World Factbook, 2020: 3).

اقتصاد ترکیه و شرکت‌های آن به سرعت در حال رشد هستند. پیش‌بینی‌های پرایس واتر هاوس کوپر نشان می‌دهد که در سال ۲۰۵۰ ترکیه دوازدهمین اقتصاد بزرگ در جهان و ششمین اقتصاد بزرگ در اروپا خواهد بود. بسیاری از سرمایه‌گذاران در هلند و سایر کشورهای اتحادیه اروپا علاقه‌مند به سرمایه‌گذاری در ترکیه هستند. به همین ترتیب، بسیاری از شرکت‌های ترک علاقه‌مند به راه‌اندازی عملیات تجاری در اتحادیه اروپا و هلند هستند. شرکت‌های زیادی در هلند متعلق به کارآفرینانی با سابقه ترک هستند. این فرصت‌های تجاری متقابل با الحاق احتمالی ترکیه به اتحادیه اروپا بیشتر می‌شود (World Bank, 2020: 3).

۴-۱۱. اندونزی

اندونزی در حال حاضر شانزدهمین اقتصاد بزرگ جهان است. در سال ۲۰۱۹ تولید ناخالص داخلی این کشور ۱,۱۲ تریلیون دلار بوده است (World Bank, 2020: 2). اقتصاد اندونزی بزرگ‌ترین اقتصاد در جنوب شرقی آسیا است و بیشتر بر مبنای صنایع صادراتی کالا است. عمده صادرات این کشور شامل زغال‌سنگ و فرآورده‌های نفتی و همچنین کالاهای کشاورزی مناسب برای مصارف صنعتی مانند لاستیک و روغن نخل است. کسری بودجه ملی اندونزی حدود ۳٪ از تولید ناخالص داخلی این کشور است. این موضوع منجر به کاهش بار بدهی و افزایش درجه اعتبار این کشور در حوزه سرمایه‌گذاری شده است. با این حال، نابرابری بخشی و منطقه‌ای، کمبود زیرساخت‌ها و فساد دولتی همچنان مشکلاتی برای رشد اقتصاد اندونزی است (CIA World Factbook, 2020: 1).

گزارش مؤسسه پرایس واترهاوس کوپر، پیش‌بینی می‌کند تا سال ۲۰۵۰ اندونزی چهارمین اقتصاد قدرتمند جهان باشد. براساس این گزارش، پیش‌بینی‌شده اندونزی از

موقعیت فعلی خود به‌عنوان هشتمین اقتصاد بزرگ در جهان به چهارمین اقتصاد بزرگ، پس از چین، هند و ایالات متحده تبدیل شود و این نشان‌دهنده روند تسلط بر اقتصاد در حال ظهور در قرن ۲۱ است (PWC, 2020: 5).

۴-۱۲. تایلند

تایلند با ۵۴۳,۵۵ میلیارد دلار بیست و دومین اقتصاد بزرگ در جهان در سال ۲۰۱۹ بوده است. (CIA World Factbook, 20 Dec 2020: 3) اقتصاد تایلند از زیرساخت‌های باکیفیت بسیار بالا و همچنین سیاست‌های حامی سرمایه‌گذاری برخوردار است. تایلند وابستگی زیادی به صادرات دارد که حدود دوسوم تولید ناخالص داخلی آن را تشکیل می‌دهد. عمده صادرات آن شامل قطعات الکترونیکی، محصولات کشاورزی، وسایل نقلیه موتوری و قطعات و محصولات غذایی است. تایلند همچنین دارای صنعت گردشگری بین‌المللی قابل توجهی است. درحالی‌که بخش کشاورزی آن حدود ۱۰٪ اقتصاد آن را تشکیل می‌دهد، حدود ۳۰٪ کارگران خود را استخدام می‌کند (World Factbook, 20 Dec 2020: 4).

اصلاحات متمرکز بر تجارت، توسعه زیرساخت‌ها، تغییر جهت به سمت بخش‌های تولیدی با فن‌آوری بالا مانند خودرو و الکترونیک و ظهور یک کشور بخش خدمات قوی با هدایت مراقبت‌های بهداشتی و گردشگری از جمله عواملی هستند که تایلند را به‌عنوان مقصد اصلی سرمایه‌گذاری در آسیا و اقیانوسیه تبدیل کرده و خواهند کرد (PWC, 2021: 2).

۴-۱۳. نیجریه

نیجریه به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین اقتصادهای آفریقا، آماده رشدی جهشی تا سال ۲۰۵۰، با متوسط ۴/۲٪ نسبت است. گفته می‌شود این کشور تا سال ۲۰۵۰ با ۸ پله صعود از جایگاه ۲۲ به ۱۴ رتبه‌بندی جهانی دست خواهد یافت (Galloway, 2020: 7). اقتصاد نیجریه به‌شدت وابسته به صنعت نفت است. نیجریه بزرگ‌ترین صادرکننده نفت و گاز طبیعی در قاره آفریقا است. سایر صنایع استخراج منابع مثل زغال، قلع و معدنکاری فلزی نیز برای اقتصاد نیجریه مهم هستند. اقتصاد نیجریه باوجود رشد سریع در دهه‌های گذشته، با چالش‌های عمده‌ای مانند بیابان‌زایی، کمبود زیرساخت‌ها و فساد دولت مواجه است

تحلیل ساختاری جایگاه کنش‌گران آینده اقتصاد سیاسی جهانی با... (حسین سلیمی و محدثه حیدری) ۵۹

(Encyclopedia Britannica, 23Dec 2020: 1). با این حال، روحیه کارآفرینی مردم اقتصاد کشور را جلو می‌برد.

۴-۱۴. رژیم صهیونیستی

رژیم صهیونیستی یکی از مهم‌ترین شرکای اتحادیه اروپا، چین، ترکیه، کشورهای عربی و ایالات متحده آمریکا خواهد بود. شایان ذکر است که نرخ رشد رژیم صهیونیستی در طی دهه گذشته ۳/۵٪ بوده است که بخش اعظم این رشد نتیجه افزایش نرخ اشتغال است اما نرخ اشتغال در رژیم صهیونیستی در حالی افزایش یافته که نرخ بهره‌وری در آن همچنان پایین است. این دورنما وجود دارد که در صورت عدم اعمال اصلاحات در دهه پیش رو نرخ اشتغال رشد چندانی نداشته باشد (ECKSTEIN, 2020: 14). در نتیجه کمیته عالی اقتصادی در رژیم صهیونیستی تشکیل شده که هدف این کمیته رساندن سطح اشتغال به ۴/۸۰٪ است. میزان فقر در رژیم صهیونیستی نیز اکنون ۱۸/۶٪ است (ECKSTEIN, 2020: 2).

در صورت رفع موانع مذکور واحد اطلاعات اکونومیست پیش‌بینی می‌کند با توجه به سرمایه‌گذاری‌های زیادی که رژیم صهیونیستی در حوزه نمک‌زدایی و بازیافت آب انجام داده می‌تواند در آینده به‌خوبی بر مشکلات ناشی از بارندگی کم فائق آید و با توجه به تحقیقات بسیاری که در ابعاد نظامی و غیرنظامی کنونی در حوزه فناوری نیز پیش‌تاز خواهد بود. توسعه روابط تجاری با ژاپن، هند و چین نیز گویای رشد اقتصادی رژیم در آینده است. اکنون سطح روابط رژیم و چین به‌اندازه‌ای است که سبب شده ایالات متحده بارها به رژیم در مورد ادامه روابط با چین هشدار دهد. پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۳۰ جمعیت رژیم به ۱۱ میلیون نفر و در سال ۲۰۵۰ نیز به ۱۴ میلیون نفر برسد. تولید ناخالص داخلی نیز از ۴۱۷۶۲۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ به ۷۷۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۳۰ و ۲/۳ تریلیون دلار در سال ۲۰۵۰ برسد. سطح صادرات نیز از ۵۸۴۸/۳۰ میلیون دلار در سال ۲۰۲۰ به ۲۶۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۳۰ و ۹۲۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۵۰ برسد (Tradingeconomics, 2020: 2).

۴-۱۵. جمهوری اسلامی ایران

اقتصاد ایران دارای بخش‌هایی مثل هیدروکربن، کشاورزی و خدمات است که در آن دولت هم در تولید و هم خدمات مالی نقشی پررنگ دارد. جمهوری اسلامی ایران از لحاظ ذخایر اثبات‌شده گاز طبیعی و نفت به ترتیب جایگاه دوم و چهارم جهان را داراست. در دورنمای ۲۰ ساله کشور، رشد اقتصادی سالانه ۸٪ پیش‌بینی شده است. جمهوری اسلامی ایران در نتیجه بحران کرونا و نیز تحریم‌های سال‌های اخیر، رشد منفی در اقتصاد تجربه کرده است. فشارهای تورمی، کاهش ارزش پول ملی، افت تولید و کاهش درآمد ملی از جمله مسائلی است که اقتصاد ایران با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند. همه این مسائل گویای این است که اقتصاد جمهوری اسلامی تا سال ۲۰۵۰ فرازوفرودی را تجربه می‌کند.

پیش‌بینی مؤسسه «پرایس واتر هاوز کوپر» نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران از رتبه هجدهمین اقتصاد بزرگ جهان در سال ۲۰۱۶ می‌تواند تا سال ۲۰۳۰ به جایگاه شانزدهمین اقتصاد بزرگ جهان برسد. این در حالی است که جایگاه ایران تا سال ۲۰۵۰ کمی تعدیل خواهد شد و به هفدهمین اقتصاد بزرگ جهان تبدیل خواهد شد که در مجموع نسبت به وضعیت فعلی بهبودی چندانی نخواهد داشت. تولید ناخالص داخلی ایران براساس برابری قدرت خرید در سال ۲۰۳۰ بالغ بر ۲ تریلیون و ۳۵۴ میلیارد دلار خواهد بود. این رقم در سال ۲۰۵۰ به بالای ۳ تریلیون و ۹۰۰ میلیارد دلار خواهد رسید (ION, 2019: 22).

۴-۱۶. اتحادیه اروپا با محوریت کشورهای پیشرو

انگلستان، فرانسه و آلمان، سه قدرت شاخص اقتصادی اتحادیه اروپا توانستند رشد قابل توجهی در اقتصاد جهانی داشته باشند و در نتیجه اتحادیه به یکی از قدرت‌های اقتصاد سیاسی جهانی تبدیل شد. با خروج انگلستان که بر مبنای آمارهای مرکز تریدینگ اکونومیک در سال ۲۰۲۱ سرانه تولید ناخالص داخلی اش ۴۱۱۰۰۰۰ دلار بود (Tradingeconomic, 2021: 2)، اتحادیه اروپا یکی از وزن‌های اقتصادی خود را از دست داد. بر مبنای آمارهای مرکز یورواستات در سال ۲۰۲۰ میلادی با شیوع ویروس کووید ۱۹

تحلیل ساختاری جایگاه کنش‌گران آینده اقتصاد سیاسی جهانی با... (حسین سلیمی و محدثه حیدری) ۶۱

حجم اقتصاد اتحادیه در حدود ۶/۴٪ کوچک‌تر شد با این وجود، پیش‌بینی می‌شود در ۲۰۵۰ سهم اتحادیه اروپا از جی.دی.پی. جهانی در حدود ۹٪ (از ۱۶٪ سال ۲۰۱۸) افزایش یابد و کشور آلمان به عنوان یکی از بزرگ‌ترین قدرت‌های اقتصادی اتحادیه اروپا همچنان در ۲۰۵۰ لیدر کشورهای عضو اتحادیه اروپا به لحاظ اقتصادی باشد که تنها چالشی که با آن مواجه خواهد شد پیری جمعیت است (European Commission, 2020: 6).

پیش‌بینی می‌شود که جمعیت اتحادیه اروپا که اکنون ۴۴۰ میلیون نفر است در سال ۲۰۲۶ به ۴۴۹/۳ نفر برسد و سپس در سال ۲۰۵۰ جمعیت ۴۴۱/۲ نفری را در اتحادیه شاهد باشیم و در ۲۱۰۰ نیز جمعیت اتحادیه با ۶/۹٪ (۳۰/۸ میلیون نفر) به ۴۱۶/۱ نفر کاهش یابد (Ec.europe.eu, 2021: 3). نکته جالب آنکه جمعیت بالای ۸۰ سال اتحادیه تا سال ۲۱۰۰ افزایش قابل توجهی خواهد یافت و ۶۰/۸٪ جمعیت را افراد بالای ۸۰ سال تشکیل خواهند داد. این مسئله نشان‌دهنده یک روند تضعیف‌ساز است. در رابطه با حجم سرمایه‌گذاری خارجی لازم به ذکر است که در سال ۲۰۲۰ با تشدید پاندمی کووید ۱۹، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اتحادیه ۱۳٪ کاهش را در مقایسه با سال ۲۰۱۹ شاهد بود. در کشورهای عضو اتحادیه، آلمان با توجه به موفقیت نسبی در مهار برخی از تبعات کووید ۱۹، حجم سرمایه‌گذاری خارجی‌اش، روند کاهشی کندتری داشت (Teigland, 2021: 6).

براساس آمارهای مرکز پی‌دبلیو‌سی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۵۰، ۹٪ از جی.دی.پی. جهان را به خود اختصاص خواهد داد و پس از چین و ایالات متحده در جایگاه سوم قرار خواهد گرفت. آلمان به لحاظ جی.دی.پی. از جایگاه پنجم در اقتصاد جهانی در سال ۲۰۱۹ به جایگاه نهم در سال ۲۰۵۰ تنزل خواهد کرد و فرانسه نامش دیگر در بین ۱۰ کشور برتر اقتصادی جهان از نظر جی.دی.پی. نخواهد بود. این در حالی است که انگلستان همچنان در لیست ده کشور برتر اقتصاد جهانی به لحاظ جی.دی.پی. قرار خواهد داشت. در نتیجه می‌توان اذعان داشت که اتحادیه اروپا در چالش اقتصادی بزرگی با قدرت‌های نوظهور اقتصاد جهانی قرار خواهد گرفت بنابراین برای حفظ برتری خود باید توان رقابت با این قدرت‌های بزرگ را داشته باشد (PWC, 2017: 17).

۴-۱۷. کشورهای منطقه بالکان غربی (کشورهای در مسیر عضویت در اتحادیه)

شش کشور آلبانی، بوسنی، کوزوو، مقدونیه و مونته‌نگرو و صربستان کشورهای حوزه بالکان هستند که در تلاش‌اند تا به اتحادیه اروپا بپیوندند. کشورهای بالکان با داشتن موقعیت جغرافیایی مطلوب، نیروی کار ماهر و هزینه دستمزد کمتر از اروپای مرکزی دورنمای بسیار خوبی از نظر اقتصادی دارد. این منطقه توانسته است سرمایه مستقیم خارجی قابل توجهی را به خود جلب کند و پس از دو دهه ثبات در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ یک رشد اقتصادی قوی را تجربه کند که به دنبال این رشد اقتصادی، یک موافقت‌نامه رومینگ منطقه‌ای در سال ۲۰۲۱ اجرایی شد. براساس اطلاعات جامعه تجارت بین‌الملل، پتانسیل این ۶ کشور در حال بیدار شدن است.

یکی از مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی آن‌ها داشتن نیروی کار ماهر است که سبب شده مدیران ارشد ماهری در بازارهای مالی آن فعال باشند (Euractiv, 2021)؛ البته در مورد نیروی انسانی با وجود نیروی کار متخصص زیاد در این کشورها، مسئله پیرشدگی جمعیت همچون اتحادیه اروپا به قوت باقی است. عدم مدیریت صحیح مسئله مهاجرت و همین کاهش زادوولد در کشورهای مذکور دو عامل کاهش‌دهنده جمعیت تا ۲۰۵۰ خواهد بود (Balkaninsight, 2020). از نظر جی.دی.پی. پیش‌بینی می‌شود که کشورهای بالکان غربی در سه دهه پیش رو روند صعودی را طی کنند.

تولید ناخالص داخلی صربستان در سال ۲۰۱۹ تقریباً ۵۱/۴۸ میلیارد دلار بوده است که پیش‌بینی می‌شود در ۲۰۳۰ ۸۵/۰۲ میلیارد دلار برسد (Statista, 2021). براساس اطلاعات بانک جهانی بر اثر پاندمی کووید ۱۹ کشورهای حوزه بالکان شاهد افت تقاضا و در نتیجه اختلال در چرخه عرضه و تقاضا بوده است که با اتمام واکسیناسیون تا اواخر ۲۰۲۱ به نظر می‌رسد شاهد رشد جی.دی.پی. در کشورهای مذکور باشیم. در مجموع کشورهای حوزه بالکان غربی در دورنمای ۲۰۵۰ از جمله اقتصادهای نوظهور خواهند بود که می‌توانند یک وزنه قوی برای ارتقای جایگاه اتحادیه اروپا باشند (worldbank, 2021).

۴-۱۸. گروه ان.ام.اس. ۱۱

ان.ام.اس. ۱۱، یازده کشور از اروپای مرکزی و شرقی (کرواسی، جمهوری چک، استونی،

تحلیل ساختاری جایگاه کنش‌گران آینده اقتصاد سیاسی جهانی با... (حسین سلیمی و محدثه حیدری) ۶۳

مجارستان، لتونی، لیتوانی، لهستان، رومانی، جمهوری اسلواکی و اسلوانی) اعضای جدید اتحادیه هستند که به تازگی به آن پیوسته‌اند. یازده کشور مذکور در دو دهه گذشته بیشتر به رشد جبران عقب‌ماندگی خود پرداخته‌اند و بنابراین دریافت‌کنندگان اصلی جریان‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بوده‌اند. در واقع این اتفاقی است که در مقیاس بزرگ افتاده است. هر یک از کشورهای ان.ام.اس. ۱۱، جایگاه «منفی» توازن سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارند و در بیشتر آن‌ها سهم ورودی خالص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اکنون به حدود ۴۰٪ تولید ناخالص داخلی و در بلغارستان به نقطه اوج ۷۵٪ تولید ناخالص داخلی رسیده است. از همین جهت در مسیر همگرایی اتحادیه در حال حرکت هستند. می‌توان مشاهده کرد با توجه به مخارج تحقیق و توسعه، شکاف زیادی بین اعضای قدیمی و جدید اتحادیه اروپا وجود دارد که روند کاهش این شکاف بسیار کند است؛ بنابراین می‌توان گفت کشورهای ان.ام.اس. ۱۱ ممکن است در صورت نزدیک‌نشدن به شاخص‌های ۲۰۲۰ اروپایی نتوانند به ارتقاء جایگاه اتحادیه کمکی کنند.

براساس ارزش حجم سرمایه کشورهای ان.ام.اس. ۱۱، در حال نزدیک‌شدن به کشورهای قدیمی و قدرتمند اتحادیه و همگرایی اروپایی هستند بنابراین می‌توان در چشم‌انداز آینده برای رشد جایگاه جهانی اتحادیه کمک‌کننده باشند. کشورها به‌طور کلی بر افزایش یا کاهش ارزش جایگاه اتحادیه اروپا در آینده اقتصاد سیاسی مؤثر باشند. کشور لهستان یکی از مهم‌ترین اعضای این گروه است که پیش‌بینی می‌شود تا ۲۰۳۰ با طی کردن نرخ رشد سالانه ۳٪، سرانه جی.دی.پی. این کشور از ۱۲۴۰۰ یورو در سال ۲۰۱۹ به ۱۸۵۰۰ یورو به ازای هر نفر برسد.

۵. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش

در راستای تجزیه و تحلیل یافته‌های جلسات اولیه پنل خبرگی و منابع مراکز معتبر جهانی، ۴۰۰ پرسش کلیدی در پرس آنلاین طراحی شد و در اختیار همه اعم از خبرگان حاضر در پنل و سایرین قرار گرفت. در این بخش خلاصه‌ای از خروجی نرم‌افزار ارائه خواهد شد. این نکته لازم به ذکر است که در یک جدول میزان اثرگذاری

و اثرپذیری کنش‌گران نسبت به هم براساس خروجی نرم‌افزار ارائه شد که با توجه به حجم بالای جدول در اینجا حذف شده است. در جدول دوم امتیاز خبرگان در رابطه با نسبت کنش‌گران به اهداف مختلف ارائه شده است.

جدول ۲. نسبت کنش‌گران و اهداف

کشورها	انرژی گاز	جمعیت و بهره‌وری	میزان جذب سرمایه خارجی	میزان دستیابی به انرژی پاک	میزان دستیابی به فناوری	اقتصاد دیجیتال و هوش مصنوعی	ارز اثربخش بر امور مالی بین‌الملل	راهبردی مثل اوراسیا و خاورمیانه	مهم‌ترین آبراه‌های بین‌المللی نفوذ در مناطق	تسلط بر خطوط ترانزیتی و دسترسی به	امنیّت اقتصادی
چین	۱	۴	۲	۱	۲	۲	۱	۲	۲	۴	۴
هند	۱	۴	۴	-۱	۲	۱	۱	۲	۲	۲	۲
اندونزی	۱	۲	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱
برزیل	۱	۱	۱	-۱	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰
روسیه	۳	۲	۰	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
مکزیک	۱	۰	۱	۱	۱	۰	۱	۰	۰	۱	۱
ژاپن	۱	۲	۳	۱	۲	۳	۱	۰	۰	۱	۱
ایالات متّحده	۲	۲	۱	۲	۱	۴	۴	۴	۴	۲	۲
انگلیس	۱	۱	۲	۲	۲	۲	۲	۱	۱	۳	۳
کانادا	۱	۱	۱	۲	۴	۳	۳	۰	۰	۲	۲
نیجریه	۱	۰	۱	-۱	۳	-۱	-۲	-۱	-۱	۰	۰
ترکیه	۲	۰	۱	۰	۳	۱	-۱	۲	۲	۲	۲
تایلند	-۱	۰	-۱	۰	-۲	۰	۰	۰	۰	۱	۱
ایران	۳	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۲	۲	۰	۰

ادامهٔ جدول ۲. نسبت کنش‌گران و اهداف ۱

کشورها	انرژی گاز	جمعیت و بهره‌وری	میزان جذب سرمایه خارجی	میزان دستیابی به انرژی پاک	میزان دستیابی به فناوری	اقتصاد دیجیتال و هوش مصنوعی	ارز اثربخش بر امور مالی بین‌الملل	راهبردی مثل اوراسیا و خاورمیانه	مهم‌ترین آبراه‌های بین‌المللی نفوذ در مناطق	تسلط بر خطوط ترانزیتی و دسترسی به	امنیت اقتصادی
اسرائیل	۱	۰	-۱	۱	۲	۲	۱	۲	۰		
اتحادیه اروپا (کشورهای پیشرو)	۱	۱	۱	۳	۳	۳	۲	۱	۱		
کشورهای بالکان غربی	۱	۰	-۱	۱	۰	۰	۲	۱	۱		
Nms 11	۱	۱	-۱	۱	۲	۲	۰	۰	۱		

جمع سطری و ستونی اعداد مثبت و منفی جدول اول، نخستین شاخصی است که اطلاعاتی اولیه درباره میزان موافقت و مخالفت هریک از بازیگران با اهداف به دست می‌دهد. به عبارتی تحلیل‌های توصیفی بازیگران و اهداف را می‌توان از جدول زیر استخراج کرد. برای محاسبه نتایج اولیه، اعداد مثبت و منفی هریک از ستون‌ها جمع شده و نتایج را در دو ستون مجزا ارائه می‌دهیم. جمع سطری نیز بیانگر تعداد اهدافی است که یک بازیگر درباره آن نظر موافق یا مخالف دارد. با مراجعه به این جدول می‌توان مواضع هریک از بازیگران را نسبت به اهداف یا برعکس استخراج کرد.

در جدول ذیل برای مثال جمهوری اسلامی ایران در سیستم اقتصاد جهانی برای افق ۲۰۵۰ دارای پنج موضع مشخص است که در این میان دربارهٔ مؤلفهٔ جذب سرمایه خارجی موقعیت منفی دارد (فاقد توانایی امکانی و استعدادی است)؛ و نسبت به سایر مواضع موقعیت مثبتی دارد. افزون بر این با خوانش ستونی جدول ذیل درمی‌یابیم که برای مثال در رابطه با مؤلفهٔ انرژی گاز هفده بازیگر موافقت دارند و در نگاه پژوهش یعنی امکانات و

راهبردهای خود را برای دستیابی به آن جهت‌دهی کرده‌اند و یک بازیگر قدرتی (امکانی و استعدادی) برای نیل به آن ندارد.

براساس داده‌های به‌دست‌آمده در جدول اتحادیه اروپا با محوریت کشورهای پیشرو در همه حوزه‌ها دارای توانایی امکانی و استعدادی لازم برای تبدیل شدن به قدرت برتر در دورنمای ۲۰۵۰ اقتصاد سیاسی جهانی است؛ اما هر دو گروه ان.ام.اس. ۱۱ و کشورهای بالکان غربی در بعد جذب سرمایه‌گذاری خارجی به‌عنوان یکی از شاخص‌های توسعه در دورنمای ۲۰۵۰ امتیاز منفی کسب کردند که البته در صورت پیوستن کشورهای بالکان غربی به اتحادیه این ضعف برطرف می‌شود و این کشورها در مسیر توسعه بیشتر قرار خواهند گرفت. این نکته شایان ذکر است که انگلستان براساس این جدول به‌عنوان کنش‌گری ارزیابی شده که در دورنمای ۲۰۵۰ همه شاخص‌های توسعه را خواهد داشت در نتیجه برگزیت به‌عنوان یک مسئله تضعیف‌ساز برای اتحادیه اروپا قابل ارزیابی است زیرا خروج انگلستان سبب از دست رفتن یکی از وزن‌های مهم اقتصادی اتحادیه اروپا شده است. میزان سرمایه‌گذاری و نفوذ انگلستان در سایر مناطق به‌خصوص اوراسیا تسهیل‌کننده مسیر این کشور در افزایش قدرتش در اقتصاد سیاسی جهانی در دورنمای ۲۰۵۰ است.

جدول ۳. نسبت کنش‌گران و اهداف ۲

کشورها	انرژی گاز	جمعیت و بهره‌وری	میزان جذب سرمایه خارجی	میزان دستیابی به انرژی پاک	میزان دست‌یابی به فناوری	اقتصاد دیجیتال و هوش مصنوعی	ارز اثربخش بر امور مالی بین‌الملل	راهبردی مثل اوراسیا و خاورمیانه	مهم‌ترین آبراه‌های بین‌المللی نفوذ در مناطق	تسلط بر خطوط ترانزیتی و دسترسی به	امنیت اقتصادی
چین	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۴	۹
هند	۱	۱	۱	-۱	۱	۱	۱	۱	۱	۲	۹
اندونزی	۱	۱	۱	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۶
برزیل	۱	۱	۱	-۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۶

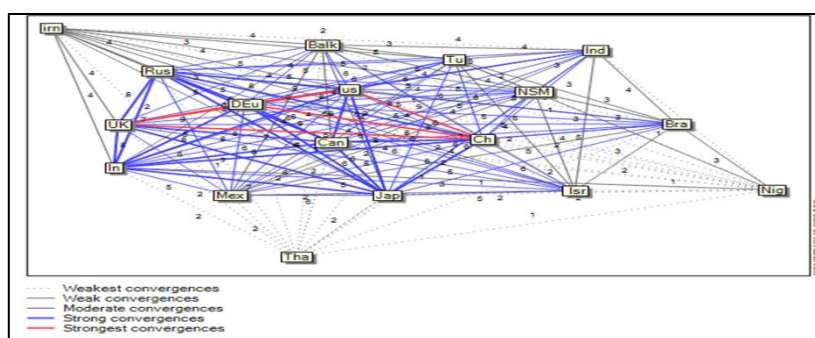
ادامه جدول ۳. نسبت کنش‌گران و اهداف ۲

کشورها	انرژی گاز	جمعیت و بهره‌وری	میزان جذب سرمایه خارجی	میزان دستیابی به انرژی پاک	میزان دستیابی به فناوری	اقتصاد دیجیتال و هوش مصنوعی	ارز اثربخش بر امور مالی بین‌الملل	راهبردی مثل اوراسیا و خاورمیانه	مهم‌ترین آبراه‌های بین‌المللی نفوذ در مناطق	تسلط بر خطوط ترانزیتی و دسترسی به	امنیت اقتصادی
روسیه	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۲	۸
مکزیک	۱	۰	۱	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۶
ژاپن	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۱	۸
ایالات متحده	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۲	۹
انگلیس	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۲	۹
کانادا	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۲	۸
نیجریه	۱	۰	۱	-۱	-۱	-۱	-۱	-۱	-۱	۰	۷
ترکیه	۱	۰	۱	۰	۱	-۱	۱	۱	۱	۲	۷
تایلند	-۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۳
ایران	۱	۰	-۱	۰	۱	۰	۱	۱	۱	۰	۵
اسرائیل	۱	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۶
اتحادیه اروپا (کشورهای پیشرو)	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۹
کشورهای بالکان غربی	۱	۰	-۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۶
Nms 11	۱	۱	-۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۷
بازیگران مخالف	۱۷	۱۱	۱۳	۱۱	۱۴	۱۳	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۷
بازیگران موافق	-۱	۰	-۳	-۳	-۱	-۱	-۲	-۱	-۱	-۱	۰
مواضع موجود	۱۸	۱۱	۱۶	۱۶	۱۵	۱۳	۱۵	۱۲	۱۲	۱۴	۱۴

برای تحلیل دقیق‌تر بازیگران ماتریس بازیگر - بازیگر مرتبه اول تشکیل شد. برای تشکیل این ماتریس، ماتریس پیشین را در خودش به صورت اسکالر ضرب کردیم و در پایان جمع اعداد مثبت یکی از درایه اول ماتریس نهایی و جمع اعداد منفی درایه دوم ماتریس نهایی را تشکیل دادند. این محاسبات پیچیدگی قابل توجهی دارد و در معنای کیفی

تحلیل ساختاری جایگاه کنش‌گران آینده اقتصاد سیاسی جهانی با... (حسین سلیمی و محدثه حیدری) ۶۹

به عبارتی هرچه قدر اعداد موجود در جدول بالاتر است نشان می‌دهد که سطح رقابت کنش‌گران در ۲۰۵۰ شدیدتر خواهد بود به این علت که هرکدام از کشورهای دارای بیشترین امتیاز تمایل به نقش‌آفرینی و تصاحب سهم بیشتر از اقتصاد سیاسی جهانی در افق ۲۰۵۰ خواهند داشت. براساس خروجی نرم‌افزار، اتحادیه اروپا بیشترین همگرایی را افزون بر آمریکا انگلستان و چین، با کانادا، هند، روسیه و ژاپن خواهد داشت. در راستای ترسیم جایگاه اتحادیه در ۲۰۵۰، لزوم توجه به این کنش‌گران و قدرت اقتصادی آن‌ها در دورنمای یادشده مطرح است.



شکل ۲. نمودار همگرایی بین کنش‌گران

۱-۵. ماتریس واگرایی بازیگران

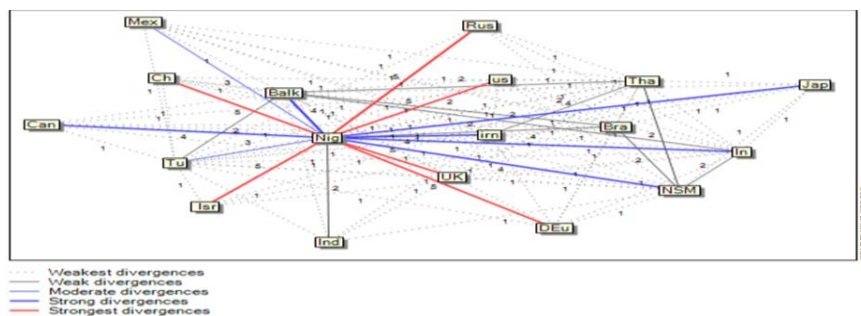
در ماتریس واگرایی میزان دور بودن اهداف کنش‌گران در دورنمای ۲۰۵۰ تعیین می‌شود. براساس جمع واگرایی‌های به دست آمده نیجریه بیشترین میزان واگرایی را با همه کنش‌گران دارد. هدف این ماتریس صرفاً تعیین کنش‌گرانی است که در ترسیم دورنما هیچ جایگاهی نخواهند داشت. در نتیجه سطح نقش‌آفرینی این کنش‌گر بسیار پایین برآورد شده است. به عبارتی براساس خروجی پیل خبرگی و نرم‌افزار مکتور، نیجریه عملاً نقشی در تحولات اقتصاد سیاسی جهانی در دورنمای ۲۰۵۰ نخواهد داشت.

جدول ۵. واگرایی کنش‌گران

IDAAA	Ch	In	Ind	Bra	Ru	Mex	Jap	US	UK	Can	Nig	Tu	Tba	IR	ISR	DEU	Balk	NSM11
۱	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۱	۱
۲	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۳	۱	۱	۱	۱	۱	۲	۲

ادامه جدول ۵. واگرایی کنش‌گران

IDAAA	Ch	In	Ind	Bra	Ru	Mex	Jap	US	UK	Can	Nig	Tu	Tha	IR	Ist	DEU	Balk	NSM11
اندونزی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲	۱	۱	۱	۰	۰	۱	۱
برزیل	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۱	۲	۱	۱	۱	۱	۱	۲	۲
روسیه	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۵	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰
مکزیک	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۳	۱	۱	۱	۰	۰	۱	۱
ژاپن	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۴	۱	۱	۱	۰	۰	۱	۱
آمریکا	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۵	۱	۱	۱	۰	۰	۱	۱
انگلستان	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۵	۱	۱	۱	۰	۰	۱	۱
کانادا	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۴	۱	۱	۱	۰	۰	۱	۱
نیجریه	۵	۴	۲	۲	۵	۳	۴	۵	۵	۴	۰	۳	۱	۴	۵	۵	۴	۴
ترکیه	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۳	۰	۱	۱	۱	۱	۲	۱
تایلند	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۲	۱	۱	۲	۲
ایران	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۴	۱	۲	۰	۰	۱	۰	۰
اسرائیل	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۵	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰
کشورها ی پیش روی	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۵	۱	۱	۱	۰	۰	۱	۱
کشورها ی حوزه بالکان	۱	۲	۱	۲	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۴	۲	۲	۰	۰	۱	۰	۰
ان.اس.ام. ۱۱	۱	۲	۱	۲	۱	۱	۲	۰	۰	۰	۴	۱	۲	۰	۰	۱	۰	۰
میزان واگرایی	۱۲	۲۰	۷	۱۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۲	۱۱	۶۵	۲۰	۲۰	۱۷	۹	۱۲	۲۰	۱۰



شکل ۳. واگرایی کنش‌گران

۲-۵. میزان اثرگذاری و اثرپذیری هریک از بازیگران

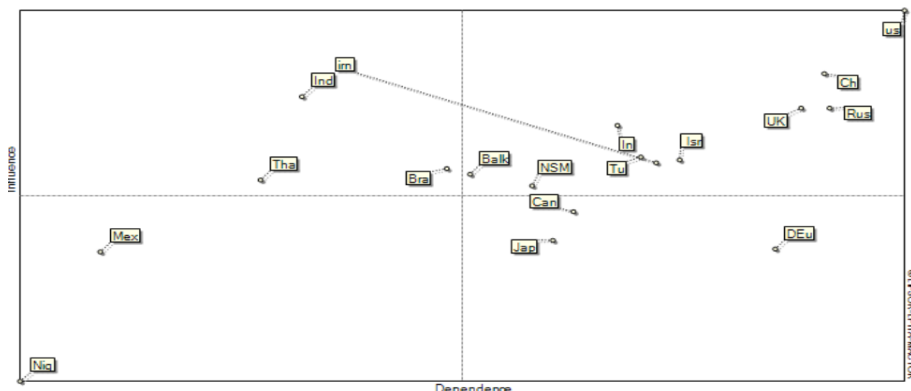
همان‌طور که پیش‌تر ارائه شد؛ یکی دیگر از ماتریس‌ها در رابطه با میزان اثرگذاری بازیگران

تحلیل ساختاری جایگاه کنش‌گران آینده اقتصاد سیاسی جهانی با... (حسین سلیمی و محدثه حیدری) ۷۱

بر یکدیگر و اثرپذیری آن‌ها از دیگر بازیگران است زیرا در عالم واقع ممکن است رسیدن به یک هدف برای یک بازیگر از اولویت بالایی برخوردار باشد اما قدرت نسبی پیشبرد نظر خود را نداشته باشد. به علاوه ممکن است یک بازیگر بیش از آن که بتواند بر سایرین اعمال نفوذ کند تحت نفوذ سایر بازیگران باشد؛ بنابراین نیازمند سازوکاری باشد که بتواند اهداف و قدرت نسبی هریک از بازیگران را به همراه یکدیگر در نظر بگیرد. برای رسیدن به این هدف باید جمع خالص اثرپذیری و اثرگذاری هریک از بازیگران را محاسبه کنیم.

جدول ۶. اثرگذاری و اثرپذیری کنش‌گران

IMAXI	NSMII	Balk	DEU	Isr	IR	Tha	Tu	Nig	Can	UK	US	Jap	Mex	Ru	Bra	Ind	In	Ch	MMDH
۳۹	۳	۲	۲	۳	۲	۱	۲	۲	۳	۴	۴	۳	۱	۳	۱	۱	۲	۰	چین
۳۹	۲	۲	۲	۴	۲	۱	۲	۲	۳	۳	۴	۲	۱	۴	۱	۱	۰	۳	هند
۳۹	۲	۲	۲	۳	۳	۱	۳	۲	۳	۳	۳	۲	۱	۳	۱	۰	۲	۳	اندونزی
۳۱	۲	۲	۲	۲	۲	۱	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۱	۲	۰	۱	۲	۲	برزیل
۴۱	۳	۲	۲	۴	۳	۱	۳	۲	۳	۳	۴	۳	۱	۰	۱	۱	۲	۳	روسیه
۴۳	۲	۲	۲	۳	۲	۱	۱	۱	۳	۳	۳	۱	۰	۳	۱	۱	۲	۳	مکزیک
۳۶	۳	۲	۲	۳	۲	۱	۱	۲	۳	۳	۳	۰	۱	۳	۱	۱	۲	۳	ژاپن
۴۲	۳	۲	۲	۴	۴	۱	۳	۲	۳	۰	۳	۳	۱	۴	۱	۱	۲	۳	آمریکا
۴۰	۲	۲	۲	۴	۳	۱	۳	۲	۰	۰	۴	۲	۱	۴	۱	۱	۲	۳	انگلستان
۳۵	۲	۲	۲	۳	۲	۱	۲	۲	۳	۳	۳	۲	۱	۳	۱	۱	۲	۳	کانادا
۳۹	۲	۲	۲	۴	۲	۱	۲	۰	۳	۳	۴	۲	۱	۴	۱	۱	۲	۳	نیجریه
۳۹	۲	۲	۲	۴	۳	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۲	۱	۴	۱	۱	۲	۳	ترکیه
۳۵	۳	۲	۲	۲	۲	۰	۱	۲	۱	۳	۳	۳	۱	۲	۱	۱	۲	۳	تایلند
۴۴	۳	۲	۲	۴	۰	۱	۳	۲	۳	۴	۴	۳	۱	۴	۱	۱	۲	۴	ایران
۴۰	۲	۲	۲	۰	۴	۱	۳	۱	۳	۳	۴	۲	۱	۴	۱	۱	۲	۴	اسرائیل
۴۱	۲	۲	۰	۴	۳	۱	۳	۲	۳	۳	۴	۲	۱	۴	۱	۱	۲	۳	کشورها ی‌پش روی
۴۰	۲	۰	۲	۴	۳	۱	۳	۱	۳	۳	۴	۲	۱	۴	۱	۱	۲	۳	کشورها ی‌حوزه پکن
۴۱	۰	۲	۲	۴	۳	۱	۳	۲	۳	۳	۴	۲	۱	۴	۱	۱	۲	۳	ان‌اس‌ام ۱۱
۶۹۵	۴۰	۳۴	۳۴	۵۹	۵۳	۱۷	۴۰	۳۰	۴۹	۵۲	۶۱	۳۸	۱۷	۵۹	۱۷	۱۷	۳۴	۵۲	DMA Xi



شکل ۴. نقشه اثرگذاری و اثرپذیری کنش‌گران

با انطباق آخرین خروجی نرم‌افزار و راهنمای خوانش خروجی به این نتیجه می‌رسیم که کشورهای واقع در ربع سمت راست بالا، بازیگران اصلی در شکل‌دهی به تصاویر بدیل برای آینده اقتصاد جهانی هستند و در دورنمای اقتصادی ۲۰۵۰، بیشترین سطح از تأثیرگذاری و اثرپذیری را در اقتصاد سیاسی جهانی خواهند داشت. بازیگران واقع در ربع بالا سمت چپ کنش‌گران غالب در اقتصاد سیاسی هستند و بازیگران واقع در ربع پایین سمت چپ تأثیر چندانی در اقتصاد سیاسی جهانی نخواهند داشت. بازیگران گوشه سمت راست پایین نمودار بازیگران تأثیرپذیر هستند. در بخش نتیجه‌گیری تبیین نمودار اثرگذاری و اثرپذیری نیز ارائه خواهد شد.

نتیجه‌گیری

در مجموع براساس داده‌های به‌دست‌آمده از پنل خبرگان و ماتریس‌های خروجی نرم‌افزار مکتور و با استناد به مهم‌ترین فکت‌ها و پیش‌بینی‌هایی که هر دو طیف لیبرال‌های خوش‌بین و بدبین در رابطه با آینده اتحادیه اروپا بیان می‌دارند. در ۲۰۵۰، ایالات متحده آمریکا، چین، روسیه، انگلستان، رژیم صهیونیستی، ترکیه، گروه ان.ام.اس.۱۱، کشورهای حوزه بالکان غربی به ترتیب از جمله کنش‌گران مهم (دوجانبه) اثرگذار و اثرپذیر در اقتصاد سیاسی جهانی خواهند بود. به عبارتی این‌ها کنش‌گرانی هستند که می‌توانند در اقتصاد سیاسی بین‌الملل، هنجارسازی کنند و قواعد اقتصادی و مهم‌ترین تحولات اقتصاد سیاسی جهانی را

تحلیل ساختاری جایگاه کنش‌گران آینده اقتصاد سیاسی جهانی با... (حسین سلیمی و محدثه حیدری) ۷۳

شکل دهند. با توجه به همسو بودن اهداف این کنش‌گران در اقتصاد سیاسی جهانی، رقابت اصلی نیز بین این کنش‌گران در جریان خواهد بود. بنابراین در عین حال که بر اقتصاد جهانی اثر گذارند، تحت نفوذ و تأثیرات سایر کنش‌گران رقیب نیز قرار خواهند گرفت. کشورهایی که در گوشه پایین، سمت چپ ماتریس واقع شده‌اند، از دیدگاه خبرگان به عنوان کنش‌گرانی شناسایی شده‌اند که عملاً در دورنمای ۲۰۵۰ اقتصاد سیاسی جهانی نقشی ندارند. به عبارتی این کشورها، کنش‌گران مغلوب بی اثر تلقی می‌شوند. با وجود اینکه داده‌های بسیاری گویای رشد قابل توجه نیجریه و مکزیک هستند. این دو کنش‌گر در بخش مغلوب بی اثر واقع شده‌اند که البته سطح بی اثر و مغلوب بودن در نیجریه بیشتر است. کشورهای هند، برزیل، اندونزی و حتی تایلند به عنوان کنش‌گرانی برآورد شده‌اند که میزان اثرگذاری بالایی در اقتصاد سیاسی جهانی در دورنمای ۲۰۵۰ دارند. به عبارتی میزان اثرگذاری آن‌ها به مراتب از تأثیرپذیری‌شان بیشتر است. همان‌طور که در ماتریس پیداست اتحادیه اروپا با محوریت کشورهای پیشرو و کانادا در قسمت پایین سمت راست واقع شده‌اند. این مسئله گویای آن است که این دو به عنوان کنش‌گرانی برآورد شده‌اند که میزان اثرپذیری آن‌ها بیشتر است. در رابطه با اتحادیه اروپا براساس خروجی نرم‌افزار مکتور، این نکته شایان ذکر است که اتحادیه با محوریت کشورهای پیش رو در لب مرز اثرپذیری و بازیگران دوجانبه قرار گرفته است اما کشورهای بالکان غربی و گروه ان.ام.اس. ۱۱ در قسمت بازیگران دوجانبه قرار دارند. در نتیجه پذیرش عضویت کشورهای بالکان غربی و افزایش نفوذ و حضور اتحادیه در ان.ام.اس. ۱۱، فاکتورهایی هستند که می‌توانند سبب رشد جایگاه اتحادیه در اقتصاد سیاسی جهانی در دورنمای ۲۰۵۰ شوند. از طرف دیگر به نظر می‌رسد با قرار گرفتن روسیه در بخش بازیگران دوجانبه و اثرگذار بودن این کنش‌گر در معادلات اقتصادی جهانی، در آینده همچنان شاهد رقابت‌های جدی بین روسیه و اتحادیه اروپا باشیم. افزون بر این، با توجه به افزایش حضور و نفوذ انگلستان در نقاط مختلف جهان و قدرت گرفتن این کشور در اقتصاد سیاسی جهانی، در صورتی که اتحادیه اروپا نتواند با خود توسعه‌بخشی و جلوگیری از پیش‌رانی‌هایی که لیبرال‌های بدبین بیان می‌دارند، مانع از تضعیف

خود به خصوص در دوران پسا کرونا شود، رشد چشم‌گیر انگلستان در بعد اقتصادی در دهه‌های آتی سبب ترغیب سایر کنش‌گران به واگرایی خواهد شد. اتحادیه در صورتی که بتواند تمامی اهداف مطرح شده در جدول ۳ را محقق سازد، همچنان توان رقابت با کنش‌گران دوجانبه را خواهد داشت و در صورتی که قادر به انجام این کار نباشد، در دورنمای ۲۰۵۰ سطح اثرپذیری بالایی نخواهد داشت. به‌طور کلی اتحادیه اروپا هر چند براساس ماتریس اول و دوم، پتانسیل و استعداد تبدیل شدن به دومین و یا سومین قدرت اقتصادی جهان را دارد اما عملاً افزایش تمایلات جدایی‌طلبانه و عدم استفاده از پتانسیل اقتصادی اعضای جدید، دو عامل مهمی هستند که می‌توانند حتی بقای اتحادیه را با چالش‌های جدی مواجه سازند.

در نهایت این نکته شایان ذکر است که با توجه به اینکه روش‌های مکت‌لاپراسپکتیو در روابط بین‌الملل و اقتصاد سیاسی بین‌الملل کمتر در جامعه علمی جمهوری اسلامی ایران مورد استفاده قرار گرفته‌اند. به‌نظر می‌رسد کاربرد روش‌های نوین در راستای تحلیل موضوعات مختلف می‌تواند سبب تولید خروجی‌های جالبی در هر دو رشته مطالعاتی شود.

References

- Aris, B. (February 8, 2017), PwC says Russia to be biggest European economy by 2050. Retrieved from: <https://www.intellinews.com/pwc-says-russia-to-be-biggest-european-economy-by-2050-115373/>
- Atlantic Council (September 15, 2021), Experts react: The US, UK, and Australia Struck a Nuclear Submarine deal. What does it Mean?.
- Atlantic Council (September 16, 2021), FAST THINKING: Can Australian nuclear subs help corner China?.
- Bell, W. (2017). *Foundations of futures studies: History, purposes, and knowledge*. Routledge.
- Brende Borge, (Nov 8, 2019), A new momentum for progress in the Western Balkans. Euractiv.
- Chadwick (2020), 'The future of the European project is at stake': EU in crosshairs of coronavirus pandemic, www.euronews.com.
- Chalmers, D., Jachtenfuchs, M., & Joerges, C. (Eds.). (2016), *The End of the Eurocrats' Dream*. Cambridge University Press.
- CIA World Factbook (Dec. 23, 2020), "CANADA". Retrieved from: <https://www.cia.gov/the-world-factbook/countries/canada/>
- CIA World Factbook. (Dec. 23, 2020), "INDONESIA". Retrieved from: <https://www.cia.gov/the-world-factbook/countries/indonesia/>
- CIA World Factbook. (Dec. 23, 2020). "JAPAN". Retrieved from: <https://www.cia.gov/the-world-factbook/countries/japan/>
- CIA World Factbook. (Dec. 23, 2020). "MEXICO". Retrieved from: <https://www.cia.gov/the-world-factbook/countries/mexico/>
- CIA World Factbook. (Dec. 23, 2020). "THAILAND". Retrieved from: <https://www.cia.gov/the-world-factbook/countries/thailand/>

- world-factbook/countries/thailand/
- CIA World Factbook. (Dec. 23, 2020), "TURKEY". Retrieved from: <https://www.cia.gov/the-world-factbook/countries/turkey/>
- CIA World Factbook. (Dec. 23, 2020). "UNITED KINGDOM". Retrieved from: <https://www.cia.gov/the-world-factbook/countries/united-kingdom/>
- CIA World Factbook. (Dec. 23, 2020), "CHINA". Retrieved from: <https://www.cia.gov/the-world-factbook/countries/china/>
- CIA World Factbook. (Dec. 23, 2020), "UNITED STATES". Retrieved from: <https://www.cia.gov/the-world-factbook/countries/united-states/>
- CIA World Factbook (September 20, 2020), "RUSSIA", Retrieved from: <https://www.cia.gov/the-world-factbook/countries/russia/>
- CIA World Factbook. (Dec. 23, 2020), "BRAZIL". Retrieved from: <https://www.cia.gov/the-world-factbook/countries/brazil/>
- Clinton, H. (1 October 2021), "US ratifies agreements for exporting arms to Britain and Australia", Atlantic Council. Retrieved from: <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/natosource/us-ratifies-agreements-for-exporting-arms-to-britain-and-australia/>
- Conde, C & Pataud, A (2020), COVID, O. (19). crisis response in MENA countries. Retrieved from: https://read.oecd-ilibrary.org/view/?ref=129_129919-4li7bq8asv&title=COVID-19-Crisis-Response-in-MENA-Countries
- Council on Foreign Relations (May 21, 2020), Military Confrontation in the South China Sea.
- Desjardins, J. (January 16, 2020), "All of the World's Wealth in One Visualization, Visual Capitalist". Retrieved from: <https://www.visualcapitalist.com/all-of-the-worlds-wealth-in-one-visualization/>
- Desjardins, J. (2020), All of the World's Wealth in One Visualization. Visual Capitalist.
- Di Pane, J. (Jun 8th, 2021). "Why This Dispute in South China Sea Matters to America". The Heritage Foundation. Retrieved from: <https://www.heritage.org/asia/commentary/why-dispute-south-china-sea-matters-america>
- European Commission (23 January 2019), "Mobility and transport". Retrieved from: https://transport.ec.europa.eu/index_en
- European Commission (2020), "2020 strategic foresight changing the course Towards a more". Retrieved from: https://ec.europa.eu/info/strategy/strategic-planning/strategic-foresight/2020-strategic-foresight-report_en
- Eurostat (2019), "International Trade in Goods." Last updated March 2019. Retrieved from: <https://ec.europa.eu/eurostat/statistics>.
- Eurostat (21, April 2021), "Western Balkans-EU - international trade in goods statistics". Retrieved from: https://ec.europa.eu/eurostat/statistics-explained/index.php?title=Western_Balkans-EU_-_international_trade_in_goods_statistics&oldid=542024.
- Funaiolo, M. P. (2021), Understanding China's 2021 Defense Budget. Centre for Strategic & International Studies (CSIS), 5.
- Germain, R. (Ed.). (2017), *Susan Strange and the future of global political economy: Power, control and transformation*. Routledge.
- Geoffrey Wood, Fossil Fuels in a Carbon Constrained World, in Geoffrey Wood and Keith Baker (eds.), *The Palgrave Handbook of Managing Fossil Fuels and Energy Transitions* (Palgrave Macmillan, 2019).
- Global, P. W. C. (2017), The long view: How will the global economic order change by 2050?. Retrieved from: <https://www.pwc.com/gx/en/world-2050/assets/pwc-world-in-2050-summary-report-feb-2017.pdf>
- Global, P. W. C. (2017), "The long view: How will the global economic order change by 2050?". Retrieved from: <https://www.pwc.com/gx/en/world-2050/assets/pwc-world-in-2050-summary-report-feb-2017.pdf>
- Godet, M (1991), From Anticipation to Action, Translated by Clare". Retrieved from: <http://en.lapropective.fr/dyn/anglais/ouvrages/from-anticipation.pdf>.

- Godet, M. (2006), "Creating Futures: Scenario Planning as a strategy". Retrieved from: https://issuu.com/asap1/docs/creating_futures_scenario_planning_strategic_mana
- Golder, M (2016), Far right parties in Europe. *Annual Review of Political Science*, 19, 477-497.
- Hawksworth, J., Audino, H., & Clarry, R. (2017), The long view: how will the global economic order change by 2050. URL: <https://www.pwc.Com>.
- Howard, M. (1978). War and the liberal conscience (pp. 73-115). Oxford. <https://www.cfr.org>.
- Hu Bo (June 12, 2020), China-US Military Confrontation in the South China Sea: Fact and Fiction. *The Diplomat*.
- Ischinger, W. (2020), *World in Danger: Germany and Europe in an Uncertain Time*. Brookings Institution Press.
- Judah, Tim (October 14, 2019), Bye-Bye, BALKANS: A Region in Critical Demographic Decline. *Balkan insight*.
- Katsaris, A. (November. 22, 2020), *India*. Retrieved from: <https://cdr-capital.com/articles/views/india>.
- Keohane, R. O. & Martin, L. L. (1995), The promise of institutionalist theory. *International security*, 20 (1), 39-51.
- Kupchan, C. (2010), As nationalism rises, will the European Union fall? *The Washington Post*, 29.
- Liu, X. (June 22, 2020). Ireland: the Youngest Country in the Ageing EU. *NewsLab*.
- Liu, Zh. (14 Nov, 2020), A harder US line? Potential Pentagon chief floated idea to sink China fleet in 72 hours. *South China Morning Post*.
- Mete (2019), Gökçe Energy Transitions and the Future of Gas in the EU, Subsidise or Decarbonise, *palg*
- Milner, H. V. & Moravcsik, A. (Eds.). (2009). *Power, interdependence, and nonstate actors in world politics*. Princeton University Press.
- Mitrany, D. (1948), The functional approach to world organization. *International Affairs (Royal Institute of International Affairs 1944-)*, 24 (3), 350-363
- Moran Andrew (13 Sep 2021). "The Most Powerful Countries that Will Rule the World in 2050". Retrieved from: <https://www.careeraddict.com/these-countries-will-dominate-the-world-in-2050>.
- Moravcsik, A. (1997). Taking preferences seriously: A liberal theory of international politics. *International organization*, 51 (4), 513-553.
- Newyork Times (15.6.2021). "China, Its Military Might Expanding, Accuses NATO of Hypocrisy". Retrieved from: <https://www.nytimes.com/2021/06/15/world/asia/china-nato-military.html>
- Powell, R. (1994). Anarchy in international relations theory: the neorealist-neoliberal debate. *International organization*, 48 (2), 313-344.
- Riddervold, M., Trondal, J. & Newsome, A. (Eds.). (2021), *The Palgrave handbook of EU crises*. Cham: Palgrave Macmillan.
- Tradingeconomics (2021), United Kingdom GDP per capita. Retrieved from: <https://tradingeconomics.com/united-kingdom/gdp-per-capita#:~:text=GDP%20per%20>
- Tradingeconomics (2021), Eu Industrial Production. Retrieved from: <https://tradingeconomics.com/euro-area/industrial-production>
- Waltz, Kenneth N. 1979. *Theory of International Politics*. Reading, Mass.: Addison-Wesley.
- White, David (MAY 2008). When the euro overtakes the dollar, IPE. Retrieved from: <https://www.ipe.com/when-the-euro-overtakes-the-dollar/27905.article>
- Young, O. R. (1982). Regime dynamics: the rise and fall of international regimes. *International organization*, 277-297.

تعدیل ساختاری نئولیبرالیسم و تأثیرات آن بر عراق پس از ۲۰۰۳ م

محمدحسین مرزه*

رضا نجف‌زاده**

چکیده

نئولیبرالیسم مجموعه‌ای است از سیاست‌های اقتصادی که نظام اقتصاد داخلی کشورها و نظام اقتصادی بین‌المللی را دستخوش تحولات گسترده‌ای نموده و مهم‌ترین مؤلفه‌های آن عبارت‌اند از: باور راسخ به بازار آزاد و نامحدود جهانی و مالکیت خصوصی. سیاست اقتصادی جدید در عراق در شرایط سیاسی که توسط اشغال ایالات متحده آمریکا تحمیل شده است در حال اجراست. این سیاست اقتصادی در عراق به سیاست سرمایه‌داری ایالات متحده آمریکا پیوند خورده است؛ بنابراین، تمام خصوصیات نئولیبرالی در یک مدل، یعنی حمله نظامی و اشغال، مرزبندی سیستم سیاسی وابسته به قدرت و تحمیل و به‌کارگیری یک مدل اقتصادی در برابر ما مشهود است. این سیاست‌ها با یک شوک شروع شده و با تعدیل ساختاری در حال ادامه است؛ به عبارت دیگر، این سیاست‌ها برآمده از نیازها و ضروریات اجتماعی نیستند، بلکه محصول یک تغییر سیاسی ناگهانی هستند که از راه اشغال و نه در طی رشد عینی جامعه و نیروهای داخلی یا در سطح تولید آن اتفاق افتاده است. این پژوهش ادعا نمی‌کند که عراق یک دولت با اقتصاد نئولیبرالیستی است بلکه به دنبال توصیف، تحلیل و انتقاد نتایج زیان‌بار سیاست‌های مدل اقتصادی نئولیبرال بر دولت و جامعه عراق است. نظام سرمایه‌داری جهانی با رهبری ایالات متحده آمریکا به وسیله ایجاد یک شوک به کشور عراق این دولت را در اقتصاد بازار باز و سرمایه‌داری جهانی ادغام کرد. این اقدام نه تنها در جهت اصلاح برای دولت عراق نبود بلکه به دلیل اینکه حاصل یک عمل ناگهانی شوک‌آور با اشغال عراق بود و همچنین حاصل نیازهای توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه عراق نبود، باعث چالش‌های متعددی در سطح سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از جمله بیکاری، فقر، فساد اداری و مالی، رشد تروریسم، بالارفتن بدهی‌های خارجی و داخلی، از بین رفتن بخش خصوصی داخلی، محو اتحادیه‌های صنفی، بالارفتن فاصله‌های طبقاتی، نارضایتی ملی و رفاه نسبی، خارج شدن ثروت‌های کشور با ایجاد بخش خصوصی کاذب و غیر شفاف، تثبیت هرچه بیشتر اقتصاد رانتی، بالارفتن هزینه‌ها در بخش عمومی به خصوص کارمندان شد.

کلیدواژه‌ها: نئولیبرالیسم، تعدیل ساختاری، اجماع واشنگتن، بدهی، CPA.

نوع مقاله: پژوهشی.

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
** استادیار علوم و اندیشه سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)، najafzadeh.reza@gamil.com

مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ۱۴۰۱، دوره پنجم، شماره اول، ۷۷-۱۰۹.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۶

ناشر: دانشگاه رازی

© نویسندگان



مقدمه

نولیبرالیسم در وهله نخست نظریه‌ای در مورد شیوه‌هایی در اقتصاد سیاسی است که بر اساس آن‌ها با گشودن راه برای تحقق آزادی‌هایی کارآفرینانه و مهارت‌های فردی در چهارچوبی نهادی که ویژگی آن حقوق مالکیت خصوصی قدرتمند، بازارهای آزاد و تجارت آزاد است، می‌توان رفاه و بهروزی انسان را افزایش داد (هاروی، ۱۳۸۶: ۸). «ذات و جوهر اساسی نولیبرالیسم به‌طور کامل عبارت است از تبعیت از ارزش‌های اقتصاد بازار و همچنین وجود یک جامعه بازار محور.» (Coburn, 2000: 138)

برنامه‌ها و سیاست‌های نئولیبرالی موسوم به «تعدیل ساختاری» ریشه در سیاست‌های ترویجی «اجماع واشنگتن» دارد که با همین نام پس از جنگ یا اشغال عراق بعد از ۲۰۰۳ به جدیت دنبال شد. بررسی تحولات چهارده گذشته نشان می‌دهد که در اغلب کشورهای کم‌توسعه اجراکننده این برنامه‌ها، یک دولت سرکوب‌گر که با ایجاد فضای امنیتی خفقان و ارباب، آثار اجتماعی و شوک ناشی از اجرای برنامه‌های اجماع واشنگتن را کنترل می‌کند از لوازم اجرای این برنامه‌ها بوده است.

سیاست تعدیل ساختاری فعلی در عراق با عنوان اصلاحات اقتصادی تقریباً مشابه تمام تجربیاتی است که در بسیاری از کشورها اتفاق رخ داده است. نسخه‌ها و شرایط صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در اینجا باروشنی بیشتری درباره همان روند اقتصادی تکرار می‌شود، یعنی همان ده سیاست راهبردی و کلان مانند کاهش هزینه‌های عمومی، انحلال بازسازی صنایع در بخش دولتی، حذف یارانه‌های دولتی برای کالاها و خدمات اساسی و حرکت به سمت اقتصاد بازار؛ همه این‌ها شرایط تعیین‌شده به‌وسیله مؤسسات مالی است که در سیاست‌های اقتصادی جدید توسط حکومت‌ها در عراق اتخاذ شده و ثروت عمومی به مالکیت گروهی از افراد یا احزاب یا سرمایه‌گذاران جدید منتقل شده است، یعنی در یک کلام: فقر میلیون‌ها عراقی در ازای تمرکز ثروت در دست افراد و شرکت‌هایی که غالباً زیر سایه احزاب سیاسی عراق - چه اسلامی و چه غیر اسلامی - زیست می‌کنند و سپس موضوع را به‌عنوان اصلاح تبلیغ می‌کنند. این سیاست، مظهر گفتمان نئولیبرال است که در

تعدیل ساختاری نئولیبرالیسم و تأثیرات آن بر عراق پس از ۲۰۰۳ م (محمدحسین مرزیه و رضانجفزاده) ۷۹

جهان با ظهور تاجریسم و ریگانیسم در اوایل دهه ۱۹۸۰ به شکل امروزی شده است. ما در این مقاله قصد داریم با مطالعه وضعیت فعلی عراق، یک مدل نظری درباره انعکاس مستقیم نئولیبرالیسم را نشان داده و می‌خواهیم تأکید کنیم که نتایج اشغال و سیاست جدید اقتصادی با واقعیت نظری متمایز است و آن‌ها کل جامعه را به یک میدان آزمایش تبدیل کرده‌اند تا از یکسو قدرت را با یک سیاست نئولیبرالی منطبق کنند و از دیگرسو شرایط اقتصادی و اجتماعی را متناسب با پروژه تحمیل شده تطبیق دهند. تغییر ساختار اقتصاد و از بین بردن وابستگی متقابل بین بخش‌های تولیدی، با شدیدترین بدترین اشکال تأثیرات اجتماعی، ناشی از این سیاست است.

تأثیرات اجتماعی این سیاست‌ها نباید فقط به شیوه‌ای توصیفی پرداخته شود و باید تحلیل انگیزه اصلی یا محور اصلی سیاست اقتصادی که منجر به این نتایج می‌شود، مورد بررسی قرار گیرد. سیاست اقتصادی نئولیبرال، سیاست بحران است، یعنی کاهش نرخ سود و دلیل آن بحران‌های سرمایه‌داری است که منجر به رکود و از به حاشیه رفتن میلیونی می‌شود.

تعدیل ساختاری

سیاست تعدیل ساختاری فعلی در عراق با عنوان اصلاحات اقتصادی تقریباً مشابه تمام تجربیاتی است که در بسیاری از کشورها اتفاق رخ داده است. نسخه‌ها و شرایط صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در اینجا باروشنی بیشتری درباره همان روند اقتصادی تکرار می‌شود، یعنی همان ده سیاست راهبردی و کلان مانند کاهش هزینه‌های عمومی، انحلال بازسازی صنایع در بخش دولتی، حذف یارانه‌های دولتی برای کالاها و خدمات اساسی و حرکت به سمت اقتصاد بازار؛ همه این‌ها شرایط تعیین شده به وسیله مؤسسات مالی است که در سیاست‌های اقتصادی جدید توسط حکومت‌ها در عراق اتخاذ شده و ثروت عمومی به مالکیت گروهی از افراد یا احزاب یا سرمایه‌گذاران جدید منتقل شده است، یعنی در یک کلام: فقر میلیون‌ها عراقی در ازای تمرکز ثروت در دست افراد و شرکت‌هایی که غالباً زیر سایه احزاب سیاسی عراق - چه اسلامی و چه غیر اسلامی - زیست می‌کنند و سپس

موضوع را به عنوان اصلاح تبلیغ می‌کنند. این سیاست، مظهر گفتمان نئولیبرال است که در جهان با ظهور تاجریسم و ریگانیسم در اوایل دهه ۱۹۸۰ به شکل امروزی شده است. در این مورد نائومی کلاین (Naomi Klein) به طور مستقیم اقتصاددانان نظم نوین جهانی، یعنی میلتون فریدمن (Milton Friedman)، برنده جایزه نوبل و نیز دیگر کارگزاران «مکتب اقتصادی شیکاگو» را هدف می‌گیرد و توضیح می‌دهد که چطور سیاست‌های اقتصادی آن‌ها در کشورهایی مثل شیلی در دوران دیکتاتوری پینوشه، روسیه در دوران یلتسین، آمریکای پس از طوفان کاترینا و عراق پس از اشغال نظامی توسط آمریکا، پیش برده شده است. پیش بردن این سیاست‌ها نه با روندی دموکراتیک که با سوءاستفاده از شوک‌زدگی مردم در اثر فاجعه صورت گرفته است.

کلاین تا آنجا پیش می‌رود که سعی می‌کند نشان دهد بعضی از این فاجعه‌ها اصلاً به قصد ایجاد شوک و پیش بردن این سیاست‌ها ایجاد شده‌اند، همچنین از پیشامدهای طبیعی نیز در جهت اهداف ایدئولوژیک بهره‌برداری شده است. کلاین در ابتدای مقدمه کتاب دکترین شک با آوردن نقل قولی از «دکترین نظامی آمریکا برای جنگ با عراق» می‌نویسد: «عملیات شوک و ارعاب شامل هراس‌آفرینی‌ها، ایجاد مخاطرات و ویرانگری‌هایی است که برای عامه مردم، نیز عناصر و بخش‌های مشخصی از جوامع تهدیدکننده ما و رهبران‌شان غیر قابل درک است. طبیعت نیز با گردبادها، توفان‌های سهمگین، زلزله‌ها، سیل‌ها، آتش‌سوزی‌های مهارنشده، قحطی‌ها و بیماری‌ها می‌تواند «شوک و ارعاب» ایجاد کند» (کلاین، ۱۳۸۹: ۱۷).

نظریه پردازان و مجریان سیاست‌های دکترین شوک معتقدند تنها یک «شوکی» و «گسست بزرگ» می‌تواند «لوح سفید و نانوشته‌ای» (tabula rasa) را برای آن‌ها ایجاد کند تا از آن برای ساختن دنیایی نو و اجرایی کردن برنامه‌های نولبرالی خود استفاده کنند. این نظریه اقتصاددانان بازار آزاد شباهت زیادی به نظریات دکتر ایوون کامرون (Ewen Cameron) رئیس «انستیتوی روان‌پزشکی دانشگاه مک‌گیل» کانادا و رئیس «انجمن روان‌پزشکی آمریکا» در دهه ۱۹۵۰ دارد. برخلاف فروید که باور داشت با گفتاردرمانی

تعدیل ساختاری نتولیرالیسم و تأثیرات آن بر عراق پس از ۲۰۰۳ م (محمدحسین مرزه و رضانجفزاده) ۸۱
می‌توان به علل ریشه‌ای مشکلات روانی پی برد، دکتر کامرون معتقد بود که با واردآوردن شوک به مغز انسان‌ها، می‌توان ذهن‌های معیوب را تھی کرد، از هر چیزی زدود و سپس شخصیت‌های جدیدی را بر «لوح‌های پاک نانوشته ترسیم کرد» (همان: ۱۱).

میلتون فریدمن مبدع نظریه شوک و نهادهای مالی بین‌المللی مثل «صندوق بین‌المللی پول» و «بانک جهانی» مجریان آن هستند. فریدمن استاد دانشگاه شیکاگو تأکید می‌کند که شوک باید قبل از آنکه مردم به خود بیایند اعمال شود. او معتقد است که دولت باید ظرف ۶ تا ۹ ماه تحولات اساسی مورد نظر اقتصاد بازار آزاد را پیاده کند. «صندوق بین‌المللی پول» هم راه‌حل‌های اجرایی و عملی خود را با اتکا به همین روش تجویز می‌کند. وی نتیجه‌گیری می‌کند که فریدمن و حامیانش، به‌دلیل ناتوانی از به کرسی نشاندن این سیاست‌ها از راه دموکراتیک، به قدرت شوک روی می‌آورند. پروفیسور میلتون فریدمن، نویسنده کتاب سرمایه‌داری و آزادی، مدعی بود که کل دوران زمامداری پینوشه - یعنی ۱۷ سال دیکتاتوری و صدها هزار قربانی و شکنجه - نه تخریبِ خشونت‌بار آزادی و دموکراسی که عکس آن بوده است (کلاین، ۱۳۸۹: ۱۳).

به‌طور دقیق سی سال پس از آنکه سه شکل مشخص شوک (شوک کودتای سازمان سیا، شوک‌های اقتصادی ابداعی میلتون فریدمن و شوک کشتار و شکنجه ابداعی دکتر ایوون کامرون و اجراشده به‌دست کودتاگران نظامی) را بر شیلی وارد آوردند، همین فرمول، با خشونت بس بیشتر، دوباره در عراق ظاهر شده است. نخست، با جنگ شروع کردند تا به گفته طراحان دکتترین نظامی عملیات «شوک و ارعاب»، جنگ «اراده، ادراکات و فهم دشمن را مهار کند و به معنای واقعی کلمه، دشمن را از نظر عمل یا عکس‌العمل عقیم سازد»؛ سپس، شوک‌درمانی ریشه‌ای اقتصاد از راه رسید و در حالی که کشور هنوز شعله‌ور بود، پل برمر، فرستاده ارشد ایالات متّحده، آن را بر عراق تحمیل کرد: «خصوصی‌سازی گسترده، تجارت خارجی کاملاً آزاد، وضع نرخ ثابت مالیاتی ۱۵ درصدی و دولتی که به شکلی چشم‌گیر کوچک شده بود».

علی عبدالامیر علاوی، وزیر موقت عراق در امور تجاری، در آن برهه گفت که

هم‌وطنانش «از اینکه مثل حیوانات آزمایشگاهی (در معرض انواع تجربه‌ها و آزمایش‌ها قرار گیرند خسته شده‌اند و حالشان به هم می‌خورد. به‌اندازه کافی به نظام اقتصادی ما شوک وارد آمده است؛ بنابراین، به این شوک‌درمانی اقتصادی نیاز نداریم». آنگاه که عراقی‌ها مقاومت نشان دادند، جمعشان کردند، به زندان افکندند و در آن‌حال، شوک‌های بیشتری بر جسم و ذهنشان وارد آوردند شوک‌هایی که در مقام مقایسه با شوک‌درمانی اقتصادی، شوک‌هایی استعاری و تمثیلی نبودند کلاین معتقد است که شکنجه و به‌کارگیری جوخه‌های اعدام و شکنجه‌های غیر جسمانی نظیر سرکوب نظام‌مند نهادهای دموکراتیک و استفاده از «صندوق بین‌المللی پول» از ابزار وام برای گوشمالی کشورها)، شریکی بی‌سروصدا در نهضت تهاجمی بازار آزاد جهانی - از شیلی و آرژانتین گرفته تا چین و عراق و روسیه - بوده است. (همان: ۲۴).

اگرچه این سیاست‌ها مختص عراق نیست، بلکه روند سرمایه‌داری جهانی است که از دهه‌ها قبل اعمال شده است؛ اما اعمال این سیاست در عراق با ویژگی‌های خاصی مشخص می‌شود که با کمی تساهل می‌تواند ویژگی‌های یک مدل را دارا باشد. سیاست اقتصادی جدید در عراق در شرایط سیاسی که توسط اشغال آمریکا تحمیل شده است در حال اجرا است؛ به عبارت دیگر، این سیاست‌ها برآمده از نیازها و ضروریات اجتماعی نیستند، بلکه محصول یک تغییر سیاسی هستند که از راه اشغال و نه در طی رشد عینی جامعه و نیروهای داخلی آن رخ داده است. این سیاست در عراق به سیاست سرمایه‌داری ایالات متحده آمریکا پیوند خورده است؛ بنابراین، تمام خصوصیات نئولیبرالی در یک مدل، یعنی حمله نظامی و اشغال، مرزبندی سیستم سیاسی وابسته به قدرت و تحمیل و به‌کارگیری یک مدل اقتصادی در برابر ما مشهود است.

برای درک شرایط داخلی، محیط جهانی و منطقه‌ای، کارکردهای سیاسی و اقتصادی که نظام‌های مکمل یا اپیزودها در کل سیستم سرمایه‌داری و نقش آن‌ها در تولید و توزیع این کشور انجام می‌دهند، باید یک پانل کلی ارائه دهیم. همچنین، نگاه به حرکت سرمایه به عنوان عوامل بیرونی مرتبط با بازارهای جهانی درک ناکافی است؛ زیرا حرکت کلی را

تعدیل ساختاری نتولیرالیسم و تأثیرات آن بر عراق پس از ۲۰۰۳ م (محمدحسین مرزیه و رضانجفزاده) ۸۳

نمی‌توان درک کرد مگر با درک پیوندهای یکپارچه در چرخه سرمایه، از جمله عراق به عنوان یکی از حلقه‌های این چرخه. نگاه به وضعیت محلی و نگاه چندجانبه به پروژه اقتصادی فعلی مجزا از عمق جهانی و سیاسی آن، منجر به دیدگاه تقلیل‌گرایانه‌ای می‌شود که منجر به درک علمی نمی‌شود.

ما از درک حکومت نه به عنوان یک موجودیت مستقل خارج از نیروهای اجتماعی بلکه به منزله نماینده منافع اقتصادی و سیاسی شروع می‌کنم، حکومت به عنوان دستگاهی است برای مدیریت منافع عمومی که بخشی اندکی از جامعه آن را کنترل می‌کند و کنترل آن‌ها بر بقیه افراد جامعه از راه یک دستگاه گسترده حکومتی تداوم می‌یابد. کل روابط اجتماعی بین انسان‌ها از طریق معاملات آن‌ها در زمینه تولید و گردش مایحتاج زندگی و معیشت حاصل می‌شود و سرمایه‌داری تولید، کنترل و مالکیت خود را به وسیله نماینده سیاسی خود، یعنی بورژوازی، دولت کنترل می‌کند. دستگاه‌ها، مقررات، قوانین و ساختارهای سیاسی و حقوقی و قانون‌گذاری ابزارهایی در دست دولت هستند که جامعه را ملزم به رعایت رژیم خاصی می‌کند.

راه‌اندازی مکانیزم بازار

سرمایه‌داری دولتی، با سازوکارهای عملی خود، با روندهای عمومی مالی و با جزئیاتی که هم‌زمان منجر به سرمایه خصوصی می‌شود، مطابقت دارد و سازگار است. اقتصاد بازار خود را در درجه ادغام و اتصال بین عناصر عملیاتی و مصرف‌کننده در بودجه‌های عمومی کشور و توسعه بخش خصوصی، به‌ویژه پس از تغییر چارچوب‌ها و سبک زندگی و جهانی‌سازی مصرف طی سال‌های پس از اشغال که ملت در حال واکنش علیه بقایای محرومیت و گرسنگی در دوران تحریم اقتصادی و درد آن بود نشان داد.

با توجه به تعداد اندک فرصت‌های سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی، به‌استثنای سرمایه‌گذاری مالی خصوصی که ارتباط تنگاتنگی با سرمایه‌گذاری تجاری مصرف‌کننده دارد، سود سرمایه انباشته و کل سرمایه در حال رشد و قسمت عمده انباشت سرمایه باید فعالیت تجاری جایگزین را پیدا کند؛ زیرا بازار موقت که خالی از تولید محلی است، به

بازارهای مناطق جغرافیایی تجاری مجاور عراق گسترش می‌یابد که این مناطق به منابع مالی خارجی تبدیل شده‌اند که در آن‌ها سود انباشته چرخه تجارت کوتاه‌مدت عراق را که پس‌انداز خارجی عراق نامیده می‌شود، جذب می‌کنند. (مظهر، ۲۰۱۳: ۱۵-۱۶)

جدول ۱. عدد تأسیسات در بخش خصوصی از سال ۲۰۰۳-۲۰۱۴

سال	تأسیسات بزرگ		تأسیسات متوسط		تأسیسات کوچک	
	عدد	کارگران	عدد	کارگران	عدد	کارگران
۲۰۰۳	۳۷۵	۱۵۳۳۱	۷۹	۹۴۰۷	۱۷۹۲۹	۵۰۲۰۷
۲۰۰۴	۴۰۳	۲۶۲۸۰	۹۲	۱۶۶۸	۱۷۵۹۹	۶۴۳۳۸
۲۰۰۵	۳۷۰	۱۸۷۱۹	۷۶	۱۶۹۷	۱۰۰۸۸	۳۶۳۷۹
۲۰۰۶	۳۳۴	۱۷۳۶۴	۵۲	۹۶۰	۱۱۶۲۰	۴۶۴۹۴
۲۰۰۷	۳۴۱	۱۷۱۰۰	۵۷	۱۱۱۷	۱۳۴۰۶	۵۳۶۷۹
۲۰۰۸	۳۹۲	۱۹۴۰۰	-	-	-	-
۲۰۰۹	۴۰۰	۲۰۶۰۰	۵۱	۸۷۱	۱۰۲۸۹	۲۷۷۸۰
۲۰۱۰	۴۰۶	۲۰۰۰۰	۵۶	۹۲۳	۱۱۱۳۱	۳۶۸۹۸
۲۰۱۱	۴۴۹	۲۳۷	۱۵۹	۲۴۳۱	۴۷۲۸۱	۱۴۵۳۸۵
۲۰۱۲	۵۴۸	۳۸۱۰۸	۲۱۸	۳۳۵۷	۳۴۶۶۹	۱۴۶۲۱۰
۲۰۱۳	۵۵۴	۳۱۷۴۱	۲۲۶	۳۳۲۵	۲۷۶۹۴	۹۱۹۵۹
۲۰۱۴	۵۱۹	۲۹۶۳۲	۱۲۰	۱۹۱۶	۲۱۸۰۹	۸۴۲۷۲

(جمهوریة العراق، وزارة التخطيط، الجهاز المركزي للإحصاء، المجموعة الإحصائية السنوية ۲۰۱۰-۲۰۱۱)

جدول ۲. کارمندان بخش عمومی عراق

سال	نوع کارمندی	عدد کارمند	مجموع کلی	هزینه (میلیون دلار)
۲۰۰۳	بازنشست	۶۵۰۰۰۰	۸۵۰۰۰۰	۲۰۰۰
	مستمر	۲۰۰۰۰۰		
۲۰۱۹	بازنشست	۴۶۱۰۶۶۶	۶۶۱۰۶۶۶	۴۳۰۰۰
	مستمر	۲۰۰۰۰۰۰		

(معطیات وزارة المالية العراقية و وزارة التخطيط العراقية از سال ۲۰۰۳-۲۰۱۹)

دو میلیارد دلار هزینه‌ای بود که بخش عمومی عراق در ۲۰۰۳ بابت ۸۵۰ هزار کارمند می‌کرد در حالی که این مبلغ در ۲۰۱۹ به ۴۳ میلیارد دلار رسید. با توجه به اینکه در بخش خصوصی و طبق گزارش سازمان جهانی کار (ILO) و وزارت برنامه و بودجه عراق فقط

تعدیل ساختاری نئولیبرالیسم و تأثیرات آن بر عراق پس از ۲۰۰۳ م (محمدحسین مرزه و رضانجفزاده) ۸۵

۱۷۲۹۲۴ نیروی کار مستمر در بخش خصوصی وجود دارد و ۲/۵ بیکار و ۸ میلیون کار جزئی، در نتیجه عدم اعتبار پروژه اقتصاد بازار نئولیبرال را به وضوح می توان در ضعف آن برای کاهش بیکاری و همچنین دخالت دولت به عنوان بخش عمومی به نفع سرمایه داری فراملی و ملی را لمس کرد.

بانک مرکزی عراق، به عنوان مسئول اجرایی سیاست های پولی در تمام جنبه ها و ابزارهای خود، افزون بر وظیفه خود، به ویژه پس از تصویب قانون (شماره ۵۶) در سال ۲۰۰۴ که به آن استقلال کاملی از حکومت داد، بسیاری از رویه ها و قواعد پولی را برای دولت در نظر گرفت که مهم ترین آن ها عبارت اند از:

الف: تعویض ارز: جایگزینی پول ملی در تاریخ ۲۰۰۴/۱۵/۰۴ به پایان رسید، زمانی که ۴ تریلیون دینار با پول جدید و قدیمی جایگزین شد.

ب: آزادسازی بخش مالی: بانک مرکزی با شروع ۲۰۰۴/۱/۳ اعلام کرد که تعیین نرخ بهره بانکی که در مؤسسات مالی که به مشتریان خود پرداخت یا دریافت می کنند را کنار گذاشت...

ج: صدور مجوز برای بانک های خارجی: تأییدیه اخذ مجوز به بانک های خارجی توسط بانک مرکزی برای ایجاد یک بخش بانکی رقابتی در عراق. (المعموری، ۲۰۱۱: ۱۴)

جدول ۳. دستورات رئیس دولت ائتلاف موقت (CPA) ^۱ پل برمر

شماره دستورات CPA	موضوع
مقدمه دستور شماره ۵۱	ایجاد اقتصاد بازار
دستور ۱۲/۳۸/۴۷/۵۴/۷۰/۵۴ (ماده ۲/۲)	تجارت آزاد
۷۶/۶۵/۵۱	خصوصی سازی و مقررات زدایی
۲۴ (ماده ۱، ۲ و ۴/۴) / ۲۷/۸۱ (ماده ۱/۵۷ و C) / ۶۶ (B)	بازار کشاورزی و امنیت
۸۳/۸۱/۸۰	حق ثبت اختراع، علامت تجاری و حق چاپ
آیین نامه ۳ و ۶ و ۷ CPA	تأثیر نهادهای مالی بین المللی
(دستور ۳۹ ماده ۴، ۶ و ۷/۲) / (دستور ۴۹ ماده ۳/۳)	سرمایه گذاری خارجی
(دستور ۵۶ ماده ۲/۲) / ۱۸ / (دستور ۵۶ ماده ۲۷) / ۷۴/۹۴	بازارهای مالی

(CPA <https://govinfo.library.unt.edu/cpa-iraq/regulations/>)

حال اگر سازوکار بازار ناجی اقتصاد است و ابزاری است که توسعه اقتصاد را بر عهده خواهد گرفت، چرا توسعه این اقتصاد به این سازوکار واگذار نشده است؟ چرا با اینکه هدف کاهش نقش اجتماعی دولت است دولت به نفع سرمایه‌داران مداخله می‌کند؟ چرا کار سرمایه‌گذار به قیمت از بین بردن الگویی اقتصادی که به دلیل ضروریات عینی مورد نیاز توسعه سرمایه‌داری برای دهه‌ها به تصویب رسیده است، تسهیل می‌شود؟ چرا سازوکار بازار که شامل پویایی توسعه و دفع برنامه‌ریزی است، مشکلات تغییر شکل ساختاری را حل نکرد؟ ما با نسخه نامطلوب قدیمی که در تئوری اقتصادی منتقل می‌شود روبه‌رو هستیم. سؤال این است که تا زمانی که روند به سمت اقتصاد بازار است، چرا ما نمی‌بینیم که سازوکارهای بازار نقشی در ترسیم مجدد روند اقتصادی عراق داشته باشد؟ چرا دولت فضا را برای بازار و اقتصاد آزاد تضمین می‌کند؟

با اشاره به اینکه صدها میلیارد بیهوده هزینه شده است و بدون اینکه بخش خصوصی فعالیت‌سازنده‌ای را آغاز کند که مسیر خاص و یا ویژگی‌های اقتصاد جدید را ترسیم کند. جدا از فعالیت‌های معمول، ما در کار بخش خصوصی که نشانه‌ای از روند گسترده جدیدی از فعالیت‌های اقتصادی است، مشاهده نکردیم. چرا سرمایه‌گذاران مطابق سازوکار بازار برای تأمین نیازهای رشد اقتصادی نقش اقتصادی نداشته‌اند؟ چرا دولت به نام مردم وام می‌گیرد و ریاضت اقتصادی را برای تأمین سرمایه به مردم تحمیل می‌کند و سپس پول را در اختیار سرمایه‌گذاران قرار می‌دهد؟

اقتصاد رانتی

اکثر اقتصاددانان دولتی تحقیقات خود را با حمله به اقتصاد رانتی آغاز می‌کنند و منظور از این امر درآمد حاصل از فروش نفت است، بدون اینکه نشان دهند چرا وجود این درآمد یک مشکل اقتصادی است. انباشت اولیه شرط استقرار صنعت سرمایه‌داری است، یعنی باید پیش ماده‌ای وجود داشته باشد که اقتصاد بتواند پایه مادی را برای صنعت، تولید و تجارت ایجاد کند. (السعدی، ۲۰۰۸: ۷۰-۷۱)

جهان سرمایه‌داری اولین انباشت را با تهاجم به آفریقا، آمریکا و جهان عقب‌مانده از نظر

تعدیل ساختاری نتولیرالیسم و تأثیرات آن بر عراق پس از ۲۰۰۳ م (محمدحسین مرزه و رضانجفزاده) ۸۷

صنعتی و نظامی آغاز کرد تا تجمع اولیه آغاز تولید سرمایه‌داری را تضمین کند. روند انباشت اولیه فقط یک بار در طول قرن پنجم و شانزدهم با طلوع تولید سرمایه‌داری رخ نداده است، بلکه فرآیندی گسترده و مداوم که سرمایه‌داری هر زمان که نرخ سود در معرض افت قرار می‌گیرد، به این روش به انباشت سرمایه خواهد پرداخت، همان‌گونه که سمیر امین در کتاب خود، انباشت در سطح جهانی می‌گوید: این عملیات با تأمین مازاد انجام می‌شود و با استفاده از غارت، تصرف و دزدی دریایی، یا با به‌دست گرفتن منابع و درآمدهای کشورهای، به وسیله دولت‌هایی که سیاست‌های نهادهای بین‌المللی را تسهیل می‌کنند و اطمینان از اینکه مردم همان‌طور که در عراق اتفاق می‌افتد، تحت سیاست‌های سرمایه‌داری و منافع آن‌ها قرار می‌گیرند.

حجم رانت‌ها در اقتصاد ایالات متحده بیش از تولید کالا و اقتصاد واقعی، به‌ویژه رانت فنآوری و رانت مالی ناشی از بازارهای پول است، بدون اینکه کسی اقتصاد آمریکا را یک اقتصاد رانتی بخواند و مازاد آن را محدودیت در نظر بگیرد. (مظهر، ۲۰۱۰: ۲۲)

این پرسش را می‌توان مطرح کرد: چرا وجود ثروت عظیم طبیعی که در ساخت، بهره‌برداری و صادرات دخیل است و مازاد مالی بالایی را به‌دست می‌آورد، یک سود برای اقتصاد و جامعه نیست؟ چرا اقتصاددانان اصرار دارند تا شرایط جامعه را متناسب یا مطابق با مدل‌های اقتصادی فرضی یا مدل‌های موجود در شرایط مختلف تاریخی سازگار کنند تا استانداردی را که باید به‌دست آورند در نظر بگیرند؟ بخش عمده‌ای از رانت می‌تواند به توسعه انسانی اختصاص یابد که در پژوهش‌های اقتصاددانان وفادار به سیاست دولت به‌هیچ وجه به آن اشاره نشده است. اگر بدانیم که برخی از تجارب توسعه، مانند تجربه مالزی، از نوسازی و توسعه آموزش آغاز شده است، آنگاه افترا و حمله به رانت مانند یک نفرین خواهد بود، اقدامی غیر قابل توجیه است و به‌جز هدف گمراه کردن و ترویج اصلاحات ادعایی هدف دیگری ندارد.

زیرساخت‌های اساسی، آموزش، سیستم بهداشتی، سیستم‌های ارتباطی، حمل و نقل و خدمات در عراق از عدم همگام‌شدن با الزامات رشد رنج می‌برند (جدول ۴) و این امر

مستلزم به کارگیری بودجه است و این منابع مالی می‌توانند از درآمد نفت تأمین شوند. نمایندگان اقتصاد بورژوازی در عراق موظف‌اند توضیحی علمی در مورد حمله خود به وجود مازاد و اقتصاد رانتی ارائه دهند و مازاد را به‌عنوان یک نفرین در نظر بگیرند.

جدول ۴. میزان محرومیت از نیازهای اساسی برحسب استان‌ها

ت	استان	آموزش	بهداشت	زیرساخت‌ها	مسکن	حمایت‌های اجتماعی و امنیتی	وضع اقتصادی خانواده	(میزان کلی محرومیت)
۱	دهوک	۴۰/۴	۳۹/۸	۳۰/۲	۳۰/۴	۳۵/۵	۴۳/۵	۳۳/۷
۲	نینوی	۳۰/۸	۲۸/۱	۵۵/۳	۲۳/۱	۲۹/۱	۴۷/۶	۳۳/۵
۳	السليمانية	۲۹/۸	۲۹/۲	۳۵/۶	۳۵/۰	۳۰/۳	۱۶/۶	۲۴/۶
۴	کرکوک	۲۲/۲	۲۹/۲	۶۱/۸	۱۳/۵	۳۳/۷	۲۱/۴	۲۰/۶
۵	أربيل	۳۳/۷	۳۸/۰	۳۲/۹	۳۱/۱	۳۱/۳	۲۱/۳	۲۵/۹
۶	ديالى	۱۶/۴	۳۰/۳	۸۳/۸	۱۸/۳	۴۹/۳	۴۲/۴	۳۲/۹
۷	الأنبار	۱۵/۱	۱۵/۸	۴۸/۲	۳/۹	۲۹/۵	۲۵/۹	۱۰/۳
۸	بغداد	۱۶/۷	۲۱/۱	۳۴/۳	۲۸/۲	۳۵/۹	۱۹/۹	۱۷/۸
۹	بابل	۴۰/۳	۲۳/۰	۷۴/۴	۳۵/۱	۲۷/۰	۳۶/۰	۳۴/۵
۱۰	کربلاء	۵۲/۱	۱۳/۱	۵۹/۵	۳۹/۰	۲۸/۱	۳۹/۱	۳۲/۷
۱۱	واسط	۳۲/۷	۳۷/۳	۵۹/۶	۳۴/۵	۲۶/۱	۳۹/۳	۳۵/۵
۱۲	صلاح‌الدین	۳۳/۶	۲۱/۷	۷۲/۳	۲۱/۰	۳۹/۹	۳۶/۷	۳۳/۱
۱۳	النجف	۳۸/۶	۱۸/۴	۴۰/۵	۳۳/۰	۲۹/۲	۴۰/۴	۲۹/۶
۱۴	القادسية	۳۹/۶	۳۹/۰	۶۳/۵	۴۶/۵	۳۴/۱	۴۴/۲	۴۴/۳
۱۵	المثنى	۴۶/۳	۲۶/۱	۶۳/۴	۳۹/۱	۳۵	۵۳/۰	۴۴/۳
۱۶	قارذی	۳۵/۸	۲۶/۴	۷۴/۷	۴۵/۲	۳۳/۶	۴۸/۷	۴۲/۱
۱۷	ميسان	۵۱/۷	۵۳/۱	۸۷/۹	۴۴/۵	۳۱/۳	۳۶/۸	۵۵/۸
۱۸	البصرة	۲۱/۶	۲۷/۲	۶۶/۴	۲۵/۵	۲۰/۰	۳۸/۰	۲۶/۳
	کل کشور	۲۷/۹	۲۶/۸	۵۲/۸	۲۸/۷	۳۲/۶	۳۲/۱	۲۷/۹

(وزارة التخطيط، قسم الدراسات والبحوث، علاء الدين جعفر، السكان ودرجة المحرومية في المحافظات،

(۲۰۱۰: ۴)

این جدول نشان می‌دهد استان‌هایی که نرخ فقر در آن‌ها بیشتر است، محروم‌تر هستند، بنابراین استان میسان با درجه محرومیت ۵۵/۸٪ در رتبه اول قرار گرفت، سپس استان‌های مثنی و قادسیه با نرخ ۳۴/۳٪، پس از آن‌ها استان ذی‌قار است. همچنین این توزیع نابرابر

تعدیل ساختاری نتولیرالیسم و تأثیرات آن بر عراق پس از ۲۰۰۳ م (محمدحسین مرزه و رضانجفزاده) ۸۹

ثروت در عراق بر اثر سیاست‌های سرمایه‌داری است که منجر به طبقاتی شدن جوامع از جمله عراق می‌شود. حقیقت این است که نفت ثروت است و یک سود عظیم برای توسعه و رشد به حساب می‌آید؛ اما استفاده سرمایه‌دارانه از آن چیزی به جز مشکلات و دشواری‌هایی را به وجود نمی‌آورد و سپس آن‌ها استقراض و بدهی را ترویج می‌دهند.

ساختار بندی و سرمایه گذاری، عدم عینیت و عدم اعتبار پروژه

دستورالعمل‌های کلی که سیاست اقتصادی جدید عراق بعد از ۲۰۰۳ بر اساس آن ساخته شد و حکومت شروع به اجرای آن کرد و اقتصاد را به سمت آن سوق داد، در واقع همان نکاتی است که در توافق‌نامه با صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۰۴ و شرایط تعیین شده توسط صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی وجود دارد و آن‌ها همان اصول اساسی هستند که به عنوان اصلاحات اقتصادی شناخته می‌شود. سیاست اقتصادی دولت به عنوان جزئیات رویه‌ای برای اجرای سیاست منعقد شده با بانک جهانی و صندوق پول است و بنابراین توضیحات موجود در متن آن و همچنین نظریه پردازان وفادار اقتصاد حکومت، مشغول به توجیه تصمیمات و شرایط مؤسسات مالی با تحریف واقعیت‌ها هستند.

تعدیل ساختار و خصوصی سازی، مستلزم تغییر سیاست‌های عمومی است (جدول ۵) و نه فقط رویه‌ها در سطح کارخانه‌ها یا مؤسسات؛ یعنی اجرای اصلاحات ساختاری مندرج در قالب صندوق بین‌المللی پول نیاز به تغییر ساختارها و قوانین، حذف کل مؤسسات و آزادسازی سرمایه گذاری برای دست کاری و تغییر در همه چیز وجود دارد.

جدول ۵. مجموع ایجاد انباشت سرمایه از سال (۲۰۰۴-۲۰۱۴) میلیون دینار

سال	بخش عمومی	میزان مشارکت بخش عمومی (%)	بخش خصوصی	میزان مشارکت بخش خصوصی (%)	مجموع انباشت سرمایه
۲۰۰۴	۲۴۸۷۷۱۸/۱	۷۸/۱	۳۷۰۰۸۸/۹	۱۲/۹	۲۸۵۷۸۰۷/۰
۲۰۰۵	۹۷۴۳۴۷۷/۱	۹۵/۷	۴۳۸۸۸۵/۱	۴/۳	۱۰۱۸۲۳۶۲/۲
۲۰۰۶	۱۶۰۱۳۳۹۵/۴	۹۴/۷	۸۹۷۷۵۹/۲	۵/۳	۱۶۹۱۱۱۵۴/۶
۲۰۰۷	۶۸۶۱۰۳۹/۹	۹۱/۲	۶۶۹۳۶۴/۶	۸/۸	۷۵۳۰۴۰۴/۴
۲۰۰۸	۲۲۴۵۵۱۰۳/۱	۹۶/۷	۷۸۵۴۳۶/۰	۳/۳	۲۳۲۴۰۵۳۹/۱

ادامه جدول ۵. مجموع ایجاد انباشت سرمایه از سال (۲۰۰۴-۲۰۱۴) میلیون دینار

سال	بخش عمومی	میزان مشارکت بخش عمومی (%)	بخش خصوصی	میزان مشارکت بخش خصوصی (%)	مجموع انباشت سرمایه
۲۰۰۹	۱۲۰۸۳۵۶۰/۰	۹۰/۰	۱۳۸۷۶۸۲/۰	۱۰	۱۳۴۷۱۲۴۲/۰
۲۰۱۰	۲۴۱۷۳۴۸۶/۲	۹۲/۱	۲۰۷۹۲۹۰/۵	۷/۹	۲۶۲۵۲۷۷/۷
۲۰۱۱	۳۵۵۵۷۷۷۹/۱	۹۴/۸	۱۹۶۷۴۹۰/۳	۵/۲	۳۷۲۵۵۲۶۹/۴
۲۰۱۲	۳۳۲۷۴۳۶۳/۶	۸۶/۳	۴۸۰۵۵۰۷/۵	۱۳/۷	۳۸۰۷۹۸۷۱/۱
۲۰۱۳	۴۸۳۳۵۹۷۲/۴	۸۲/۹	۹۹۷۷۵۳۹/۶	۱۷/۱	۵۸۳۱۳۵۱۲/۰
۲۰۱۴	۴۰۳۰۵۹۲۱/۸	۷۷/۶	۱۱۶۵۹۴۸۳/۴	۲۲/۴	۵۱۹۶۵۴۰۵/۰

(وزارة التخطيط والتعاون الإنمائي، الجهاز المركزي للإحصاء الحسابات القومية المجموعة الإحصائية لعام

۲۰۱۳)

با وجود تجارب مکرر تعدیل ساختاری و خصوصی‌سازی در ده‌ها کشور و نتایج مشابه، کاهش عملکرد اقتصادی و فقیر شدن توده‌ها؛ اما حکومت‌ها، از جمله حکومت‌هایی مثل عراق، همچنان سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی را اجرا می‌کنند نه از روی اجبار، بلکه به عنوان یک شریک در این سیاست، به دنبال به دست آوردن سهم خود از ثروت با هزینه‌های عمومی هستند، به طوری که حاکم مالک می‌شود، ثروت و قدرت را در دست خود جمع می‌کند و در ازای آن میلیون‌ها نفر را از ابزارهای دفاع از حقوق و دستاوردهای خود با روش حذف اتحادیه‌های صنفی محروم می‌کند. استراتژی کلی در قبال عراق را می‌توان در چارچوب آزادسازی اقتصادی تحمیل شده در موارد زیر خلاصه نمود:

الف: باز بودن کامل نهادهای اقتصادی عراق به جهان. (حداد، ۲۰۱۰: ۴۸)

ب: اتخاذ مشوق‌های قوی و جذاب مانند اعطای امتیازات و تسهیلات برای توسعه بخش خصوصی.

ج: اتخاذ بهترین استانداردها و رویه‌های بین‌المللی و تأمین حداقل نیازهای اجتماعی از جمله مسکن، کار و خدمات.

د: دستیابی به همگرایی و ادغام اقتصادی و مالی با نهادهای بین‌المللی.

تعدیل ساختاری نتولیرالیسم و تأثیرات آن بر عراق پس از ۲۰۰۳ م (محمدحسین مرزه و رضانجفزاده) ۹۱

جدول ۶. سرمایه‌گذاری‌های وارده به عراق در بخش‌ها از سال ۲۰۰۳-۲۰۱۵

ت	بخش (صنف)	عدد شرکت‌ها	عدد پروژه‌ها	عدد شغل‌ها	هزینه میلیون دلار	% از مجموع
۱	زغال، نفت و گاز	۳۳	۴۳	۹/۹۴۱	۳۴/۶۱۲	۴۳
۲	زمین و مستغلات	۱۷	۱۸	۲۵/۰۹۴	۳۱/۸۹۹	۳۹
۳	پتروشیمی	۳	۳	۳/۰۱۷	۶/۰۰۹	۷
۴	ساختمان و مصالح ساختمانی	۴	۸	۲/۲۱۶	۲/۰۳۵	۳
۵	مخابرات	۲۰	۲۳	۱/۲۴۴	۱/۵۲۳	۲
۶	معادن	۶	۶	۴/۸۴۷	۱/۱۰۱	۱
۷	هتل و توریسم	۹	۱۲	۱/۵۱۲	۱/۱۰۱	۱
۸	خدمات مالی	۳۰	۵۲	۸۵۸	۸۱۶	۱
۹	خدمات شغلی	۴۶	۵۱	۶۵۶	۴۴۵	۱
۱۰	انبار	۴	۴	۶۳۶	۳۲۱	۰/۴۰
۱۱	دیگر	۶۰	۷۶	۶/۲۵۶	۱۳۷۶	۲
۱۲	مجموع	۲۳۲	۲۹۶	۵۶/۲۷۷	۸۱/۲۲۶	

(المؤسسة العربية لضمان الاستثمار واثتمان الصادرات، الاستثمار الأجنبي المباشر الوارد الى الدول العربية والصادر منها، السنة الثالثة والثلاثون، العدد الفصلي الثاني، الكويت، (أبريل - يونيو ۲۰۱۵): ۲۱)

برای دستیابی به این هدف، اصلاحات پیشنهادی سلطه ائتلاف CPA پیرامون پنج

موضوع اصلی متمرکز شده است:

۱. سرمایه‌گذار خارجی همان حقوق شرکت‌های ملی را دارد که دارایی‌های عراق را به‌استثنای تولید نفت، اختیار استخراج تمام سود را در دست داشته باشند.

در عراق پل برمر، (قانون سرمایه‌گذاری خارجی) که سرمایه‌گذار خارجی را با سرمایه‌گذار عراقی برابر می‌داند؛ زیرا محدودیتی در ارزش پول سرمایه‌گذاری شده به‌وسیله خارجی‌ها در عراق ایجاد نمی‌کند؛ اما اجازه سرمایه‌گذاری در بخش سرمایه‌گذاری را می‌دهد. منابع طبیعی که مواد اولیه از آن‌ها استخراج می‌شود و همین امر در مورد شرکت‌های بیمه و بانک‌ها اعمال می‌شود. همچنین به سرمایه‌گذار خارجی اجازه داده می‌شود منابع مالی مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی را بدون تأخیر به خارج از کشور منتقل کند و طبق این قانون، سود ۱۰۰٪ آن‌ها دیگر نیازی به سرمایه‌گذاری مجدد یا پرداخت

مالیات ندارند، همچنین می‌توانند اجاره‌نامه‌ها یا قراردادهایی را برای مدت ۴۰ سال امضا کنند. سرمایه‌گذار خارجی ممکن است بخشی از پروژه‌های اقتصادی را داشته باشد؛ اما نه به‌طور کامل و برای درصدی از ۴۹٪ هزینه پروژه بیشتر نیست (العنکبی، ۲۰۱۳: ۴۸).

۲. اجازه‌دادن به بانک‌های خارجی برای خرید سهام در مؤسسات مالی عراق؛ این همان چیزی است که توسط قانون بانکداری (جريدة الواقع العراقية العدد (۲۹۷۸)، آذار/ ۲۰۰۴: ۴۱) مجاز به تأسیس بانک‌های خارجی یا شعب بانک‌های خارجی، بدون مالکیت خارجی ۵۰٪ مجاز شده است. بانک‌های محلی موجود یا جدید (قصیر، ۲۰۱۰: ۲۴).

۳. کار در خصوصی‌سازی پروژه‌های دولتی، به‌استثنای بخش نفت. فراخوان خصوصی‌سازی بر این فرض استوار است که آنچه برای کشورهای پیشرفته کار می‌کند بدون شک برای کشورهای در حال توسعه از جمله عراق نیز مفید خواهد بود، بدون توجه به هیچ مشکلی. از جمله بی‌ثباتی امنیت، بی‌ثباتی سیاسی، تشدید بیکاری و بسیاری از مشکلات و شرایط و داده‌های مختلف. (ظافر، ۲۰۰۷: ۴۸) برای عراق، آنچه بیشتر از همه متمایز است، ضعف بخش محلی است، واژه‌های جداشده از شرایط فعلی و واقعیت اقتصاد عراق. (حداد، ۲۰۱۰: ۴۸)

۴. (قانون استراتژی مالیاتی) حد بالای مالیات بر درآمد را برای شرکت‌ها و افراد تعیین کرده است. (الوقائق العراقية، ۲۸-۲۳) در (۱۵٪) و همچنین برخی مالیات‌ها را به حالت تعلیق درآورده و سایر مالیات‌ها را فعال می‌کند که باعث باز شدن مرزهای عراق برای کالاهای خارجی ناشی از جهانی‌شدن می‌شود، این قانون همچنین از مقامات اشغالگر و نیروهای کشورهایی که با آن‌ها کار می‌کنند، پیمانکاران فرعی که با هماهنگی نیروهای اشغالگر کار می‌کنند، وزارتخانه‌ها و دولت‌های نیروهای اشغالگر، پیمانکاران فرعی و اومانیست‌هایی که کمک فنی می‌کنند، مستثنا است. (حداد، ۲۰۱۰: ۴۸)

۵. افزایش میانگین تمایل به واردات عراق با کاهش عوارض گمرکی به (۵٪) و معافیت واردات بشردوستانه از آن‌ها، در صورت (قانون تعلیق حقوق گمرکی) این فرصت را برای ورود کالا و کالا از بندرها و کشورهای مختلف به عراق بدون کنترل فراهم شد. مرزها و گشودن دروازه‌های عراق برای واردات کالاها و محصولات فرومایه، از جمله محصولات

تعدیل ساختاری نئولیبرالیسم و تأثیرات آن بر عراق پس از ۲۰۰۳ م (محمدحسین مرزه و رضانجفزاده) ۹۳

نامناسب برای مصرف انسان، همان‌طور که این حمله و در نتیجه آن اشغال در سال‌های سلطه و نفوذ خود به دنبال پیوند منافع بسیاری با آن و بازار جهانی سرمایه‌داری بود. این امر ابتدا با اتکا به تاجران و بازرگانان بزرگ صورت گرفت که ثروت آن‌ها تحت حمایت رژیم قبلی رشد کرد و تا سقوط آن از راه علاقه به آن وابسته بودند. (همان: ۴۸)

سیاست‌های تعدیل ساختاری، یا آنچه ممکن است «برنامه‌های تعدیل اقتصادی بین‌المللی» خوانده شود، سیاست‌های نسبتاً جدید هستند؛ زیرا شروع آن‌ها به‌طور عمده به «بروز بحران بدهی خارجی» مربوط می‌شود که از سال ۱۹۸۲ کشورهای در حال توسعه را دربر گرفت؛ با اعلامیه مکزیک و سپس برخی از کشورهای آمریکایی. به‌ویژه لاتین و آفریقا، افزون بر کشورهایی از آسیا که قادر به پرداخت بدهی‌های خارجی خود نیستند بود؛ بنابراین، این یک سیاست ناشی از نیازهای توسعه اقتصادی و توسعه نیست.

بر این اساس، هزینه اجتماعی فقط از دست دادن شغل نخواهد بود؛ زیرا تأثیرات اجتماعی متوالی به همه زندگی افرادی که برای تأمین معاش خود به دستمزد یا حقوق بستگی دارند، گسترش خواهد یافت.

می‌توان با مراجعه به متون توافق‌نامه تعدیل ساختاری بین دولت عراق، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی نشان داد که همان نقاط توافق به‌عنوان مصالح پروژه اصلاح اقتصادی تصویب شده است. (مهدی حسین، ۱۹۷۷: ۱۱۶)

رشد اقتصادی به معنای سرمایه‌داری آن به معنای پایان انباشت سرمایه‌داری است و این واقعیت که نظریه‌پردازان حکومتی از واژه سرمایه‌دار یا طبقه کارگر استفاده نمی‌کنند، اصل موضوع را تغییر نمی‌دهد. سرمایه‌گذار که به‌منظور تولید و سود، کار مزدی را اداره می‌کند، یک سرمایه‌دار است و سرمایه‌داری معنایی جز این ندارد.

کل پروژه اصلاحات به اصطلاح اقتصادی تحکیم سرمایه‌داری در شکل نئولیبرالی آن است، یعنی استثمارگرترین نوع آن و استفاده از مفاهیمی چون اصطلاحات، رشد، توسعه، گمراه کردن و پنهان ماندن واقعیت‌ها است. افزون بر این، هیچ‌یک از ادعاهای مدافعان این پروژه از نظر اقتصادی قابل اثبات نیست و بنابراین اندازه‌گیری خاصی برای رشد نداریم که قابل اندازه‌گیری باشد.

رشد بخش خصوصی سرمایه‌داری در عراق همچنان محدود بود تا اینکه درآمد نفت در سرمایه در کوت‌های قبل ۲۰۰۳ به جریان درآمد و به گسترش صنایع دولتی و وام به بخش خصوصی تبدیل شد. با توجه به باز بودن بازار جهانی، ملاک ظرفیت اقتصادی صنعتی تبدیل به صادرات یا جایگزینی واردات می‌شود و توانایی رقابت با صنعت گسترده جهانی خواهد بود. ولی بخش صنعتی در عراق ظرفیت رقابت جهانی را ندارد که فقط از راه فناوری پیشرفته و انحصار بازار یا کار ارزان و ایمن در صنایع سنتی که توسط شرکت‌ها و برندهای بین‌المللی اداره می‌شود، به دست می‌آید، همان‌طور که در بنگلادش و برخی از کشورهای جنوب شرقی آسیا اتفاق می‌افتد. (الخفاجی، ۱۹۸۳: ۱۳)

پروژه اصلاحات اقتصادی بر تغییر ساختار و تغییر جهت اقتصادی متمرکز است؛ اما نمی‌گوید اقتصاد باید به کجا برسد؟ چه نوع پروژه‌هایی دستیابی به رشد را تضمین می‌کنند، یا می‌توان نشان داد که آن‌ها رشد را به سمت جلو سوق می‌دهند، یا چه صنعت یا محصولی خاص که عراق می‌تواند از مزیت صادرات آن برخوردار باشد؟ بیش از همه، ملاک رشد از نظر اقتصاددانان دولتی چیست؟

طرفداران اصلاحات در مورد تغییر ساختار، اصلاحات مالی، اصلاح مالیات، انحلال بخش عمومی، پایان دادن به مسئولیت اجتماعی دولت، هرگونه تکرار سیاست‌های پیشنهادی و آزمایش شده در بسیاری از کشورها و نه پروژه‌های توسعه یا پیشرفت صحبت می‌کنند. در نتیجه، پیشنهاد اقتصاددانان دولتی یک تبلیغ و توجیه است و نه یک توجیه اقتصادی جهانی.

تمام آنچه در جهان اتفاق می‌افتد تمرکز انحصارات در سرمایه‌های عظیم است، در حالی که این پروژه به دنبال از بین بردن انحصار دولت است. پس از یک و نیم دهه نظریه پردازی و تشویق برای پروژه، هیچ‌یک از اقتصاددانان دولتی با وجود هزینه‌های میلیاردی و هدر دادن ثروت عمومی، هیچ دلیلی بر موفقیت یک گام از آنچه به عنوان اصلاحات شناخته می‌شود، ارائه ندادند.

فقر

نتیجه سیاست‌های تورمی موجود در سیاست‌های تعدیل ساختاری فقر است، کاهش ارزش

تعدیل ساختاری نتولیرالیسم و تأثیرات آن بر عراق پس از ۲۰۰۳ م (محمدحسین مرزه و رضانجفزاده) ۹۵

واقعی دستمزد، کاهش و حذف یارانه برخی کالاها و خدمات دولتی و تحمیل یا افزایش هزینه‌های این خدمات، افزون بر کاهش ارزش ارز همراه با افزایش قیمت کالاهای وارداتی یا حاوی کالاهای ورودی وارداتی و همچنین وضع مالیات غیرمستقیم، سیاست‌های تعدیل ساختاری مستقیماً به افزایش فقر کمک می‌کند. (جرادی و قسیور، ۱۹۹۶: ۲۰)

از نظر صندوق و بانک، باید در مورد «افزایش نرخ فقر»، به‌عنوان یکی از نتایج سیاست‌های تنظیم ساختار، بین مناطق شهری و روستایی تمایز قائل شد. در مورد فقرای روستایی، فرض بر این است که سیاست‌های تعدیل ساختاری، با آزادسازی قیمت، تأثیر مثبتی بر متوسط درآمد افراد فقیر و افزایش کارایی دارند، در حالی که تأثیر منفی سیاست‌های تعدیل ساختاری (افزایش نسبت فقرا) به‌طور عمده مربوط به جمعیت شهری است. (یوکول هوانج، ۱۹۸۷: ۲۳)

به نظر می‌رسد این دیدگاه با واقعیت مطابقت ندارد، بر این اساس که کاهش ارزش پول منجر به افزایش قیمت نهاده‌های تولید محصولات کشاورزی مانند کود، قطعات یدکی تجهیزات و ماشین‌آلات کشاورزی، دستمزد حمل و نقل و... شده است؛ بنابراین ذینفع مورد انتظار از سیاست‌های تعدیل ساختاری محدود به سرمایه‌داران و زمین‌داران و شرکت‌های فراملیتی است. (دارام جای و دی الکتانتارا، ۱۹۹۳: ۵۶-۵۷)؛ دیدگاه اخیر از راه نتایج اعمال واقعی سیاست‌های تعدیل ساختاری که نشان داد (به‌ویژه در آمریکای لاتین و جنوب صحرای آفریقا) افزایش نرخ فقر در مناطق شهری را پشتیبانی می‌کند و می‌توان گفت که این درصد در مناطق روستایی کم است.

جدول ۷. میزان فقر در عراق ۲۰۰۷-۲۰۱۲ برحسب استان‌ها

استان	۲۰۰۷ (%)	۲۰۱۲ (%)	میزان تغییر
میسان	۲۵/۳	۴۲/۳	۱۷
نینوی	۲۳	۳۴/۵	۱۱/۵
القادسیة	۳۵	۴۴/۱	۹/۱
ذی قار	۳۲	۴۰/۹	۸/۹
المثنی	۴۸/۸	۵۲/۵	۳/۷
اربیل	۳/۴	۳/۶	۰/۲

استان‌هایی که فقر در آن‌ها بیشتر شد

ادامه جدول ۷: میزان فقر در عراق ۲۰۰۷-۲۰۱۲ برحسب استان‌ها

میزان تغییر	۲۰۱۲ (%)	۲۰۰۷ (%)	استان
-۰/۷	۹/۱	۹/۸	کرکوک
-۰/۸	۱۲	۱۲/۸	بغداد
-۱/۳	۲	۳/۳	السليمانية
-۰/۵	۵/۸	۹/۳	دهوک
-۵/۵	۱۵/۴	۲۰/۹	الانبار
-۸/۷	۲۶/۱	۳۴/۸	واسط
-۱۲/۶	۲۰/۵	۳۳/۱	ديالى
-۱۳/۶	۱۰/۸	۲۴/۴	النجف
-۱۷/۲	۱۴/۹	۳۲/۱	البصرة
-۲۳/۲	۱۶/۶	۳۹/۹	صلاح الدين
-۴۲/۲	۱۲/۴	۳۶/۹	کربلاء
-۲۶/۲	۱۴/۵	۴۱/۲	بابل
-۴	۱۸/۹	۲۲/۴	مجموع

استان‌هایی که فقر در آن‌ها کمتر شد

(جمهوریة العراق، استراتيجية التخفيف من الفقر في العراق للمدة من (۲۰۱۸-۲۰۲۲)، كانون الثاني ۲۰۱۸: ۹)

از تجزیه و تحلیل داده‌های جدول ۷ مشخص است که نرخ فقر در عراق از ۲۲/۴٪ در سال ۲۰۰۷ به ۱۸/۹٪ در ۲۰۱۲ کاهش یافته است، اما ۴۰٪ فقرا در سال ۲۰۰۷ در پنج استان (بغداد، بصره، نینوا، بابل و ذی‌قار) در سال ۲۰۱۲ به ۵۸٪ افزایش یافت. فقر در استان‌های میسان و نینوا بدتر شد، زیرا نرخ آن به بیش از ۱۰٪ و همچنین در استان‌های قادسیه و ذی‌قار به ۹٪ افزایش یافت و در استان المثنی ۷٪ افزایش یافت توجه داشته باشید که در مقایسه با بقیه استان‌های عراق بالاترین نرخ فقر است درصد فقر در استان‌های صلاح‌الدین، کربلا و بابل از (۳۹/۹٪، ۳۶/۹٪، ۴۱/۲٪) به (۱۶/۶٪، ۱۲/۴٪، ۱۴٪، ۵٪)، به ترتیب، برای سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۱۲.

تعدیل ساختاری نتولیرالیسم و تأثیرات آن بر عراق پس از ۲۰۰۳ م (محمدحسین مرزه و رضانجفزاده) ۹۷

جدول ۸. میزان فقر برحسب استان‌های عراق از سال ۲۰۱۲

ت	استان	میزان فقر			میزان شکاف فقر			میزان محرومیت
		شهر	روستا	مجموع	شهر	روستا	مجموع	
۱	دهوک	۴/۱	۱۰/۵	۵/۸	۰/۷	۱/۷	۰/۹	۵/۰
۲	نینوی	۲۷/۷	۴۴/۹	۳۴/۵	۶/۰	۱۰/۹	۸/۰	۷/۰
۳	السلیمانیه	۱/۴	۴/۸	۲/۰	۰/۳	۱/۰	۰/۴	۰/۰
۴	کرکوک	۶/۱	۱۵/۴	۹/۱	۱/۲	۲/۸	۱/۷	۳/۰
۵	أربیل	۲/۴	۹/۳	۳/۶	۰/۳	۱/۳	۰/۵	۶/۰
۶	دیالی	۱۵/۲	۲۵/۲	۲۰/۵	۲/۵	۵/۳	۴/۰	۲/۰
۷	الانبار	۱۲/۴	۱۸/۲	۱۵/۴	۱/۶	۳/۹	۲/۷	۵/۰
۸	بغداد	۱۰/۱	۲۵/۴	۱۲/۰	۱/۶	۴/۸	۲/۰	۵/۰
۹	بابل	۹/۷	۱۸/۷	۱۴/۵	۱/۸	۳/۳	۲/۶	۳/۰
۱۰	کربلاء	۱۲/۳	۱۲/۵	۱۲/۴	۲/۱	۱/۸	۲/۰	۳/۰
۱۱	واسط	۲۱/۳	۳۲/۸	۲۶/۱	۴/۸	۹/۰	۶/۵	۱۱/۰
۱۲	صلاح‌الدین	۱۱/۱	۲۱/۱	۱۶/۶	۱/۹	۴/۲	۳/۱	۲۰/۰
۱۳	النجف	۶/۴	۲۰/۵	۱۰/۸	۱/۲	۲/۸	۱/۷	۳/۰
۱۴	القادسیه	۳۲/۰	۶۰/۲	۴۴/۱	۶/۵	۲/۲۲	۱۲/۴	۳/۰
۱۵	المثنی	۳۸/۲	۶۳/۷	۵۲/۵	۸/۷	۱۸/۸	۱۴/۴	۱۲/۰
۱۶	ذی‌قار	۲۷/۸	۶۱/۰	۴۰/۹	۵/۲	۱۷/۹	۱۰/۲	۱۷/۰
۱۷	ميسان	۲۹/۱	۷۳/۳	۴۲/۳	۶/۶	۲۳/۸	۱۱/۸	۷/۰
۱۸	البصرة	۱۳/۷	۱۹/۶	۱۴/۹	۲/۵	۴/۱	۲/۸	۲۱/۰
	مجموع	۱۳/۵	۳۰/۷	۱۸/۹	۲/۵	۷/۶	۴/۱	۶/۰

(جمهوریة العراق، وزارة التخطيط، الجهاز المركزي للأحصاء، علی طریق الأهداف الألفية ۲۰۱۳، كانون الأول، ۲۰۱۳: ۴۲)

براساس جدول بالا، سطح فقر در میان مناطق عراق برای سال ۲۰۱۳، با توجه به موارد زیر از ۱ تا بیش از ۷۰٪ است:

۱- فقیرترین مناطق عراق (غماس در استان القادسیه، بنی‌هاشم در استان میسان، الهلال، نجمی، الورکا و السویر در استان المثنی) و نرخ فقر بین ۷۰-۷۷ و ۲۲۱،۹۷۳ نفر در آن زندگی می‌کنند.

- ۲- حلبچه، مرکز سلیمانیه، مرکز منطقه دربندیخان در استان سلیمانیه، فلسطین در استان بغداد و منطقه عین کاوا در اربیل که فقر آن‌ها کمتر از ۱٪ از قبلی است.
- ۳- ۴۰ منطقه فرعی وجود دارد که ۱۰٪ مناطق عراق را تشکیل می‌دهد، بیش از نیمی از فقرا را تشکیل می‌دهد که تعداد آن‌ها سه میلیون نفر است.
- ۴- مناطق توسعه یافته در فعالیت اقتصادی دارای نرخ فقر کمتر از ۱۰٪ هستند، مانند مناطق ام قصر و فاو که بندرهای اصلی در استان بصره هستند.
- ۵- استان نینوا بالاترین تعداد افراد فقیر را دارد که بالغ بر ۱۲۶۰۰۰ نفر است، نیمی از آن‌ها در مناطق مرکز موصل و مرکز منطقه تلعفر زندگی می‌کنند. استان بغداد در رتبه بندی فقر ششم است.
- مورد دوم در تعداد افراد فقیر است که تعداد آن‌ها ۷۸ هزار نفر است و در استان ذی‌قار به ۷۰ هزار نفر کاهش می‌یابد که ۳۶٪ آن‌ها در مرکز منطقه ناصریه شطره و غراف متمرکز هستند.
- ۶- درصد فقر در استان‌های مختلف به وضوح متفاوت است، برای مثال، در بغداد بین (کمتر از ۱-۴۹٪) و در استان میسان بین (۲۱-۷۳) است.
- نرخ فقر در عراق برای سال ۲۰۱۷ به ۲۲/۵٪ رسید و تعداد فقرا پس از بحران جنگ علیه تروریسم و کاهش قیمت نفت از جمله ۳۶٪ فقیران جدید به هشت میلیون فقیر افزایش یافت. نرخ فقر در استان‌های نینوا، صلاح‌الدین و انبار به ۴۱٪ افزایش یافت، این درصد در بغداد به ۱۲/۸٪ افزایش یافت و در استان‌های مرکزی (بابل، کربلا، واسط، نجف) به ۱۸/۶٪ رسید و در ۳۱/۵٪ در القادسیه و استان‌های جنوبی (مثنی، ذی‌قار، میسان و بصره)، در استان‌های کرکوک و دیالی ۱۸٪ و در منطقه کردستان ۱۲/۵٪ تخمین زده شده است.
- جدول ۷ و ۸ میزان فقر را بین سال ۲۰۰۷ و ۲۰۱۳ نشان می‌دهد که در این جدول میزان فقر از ۲۲/۴ در ۲۰۰۷ به ۱۸/۹ کاهش داد، ولی این کاهش به دلیل دخالت دولت و بخش عمومی همان‌طور که در جدول نشان داده شده و با بالارفتن قیمت نفت همراه و به‌طور موقت بود؛ زیرا به دلیل سیاست‌های ریاضت و کاهش قیمت نفت و به‌تازگی بالابردن قیمت دلار در مقابل دلار و طبق گزارش وزارت برنامه و بودجه عراق در سال ۲۰۲۱ فقر به

تعدیل ساختاری نتولیرالیسم و تأثیرات آن بر عراق پس از ۲۰۰۳ م (محمدحسین مرزیه و رضانجفزاده) ۹۹
 ۲۷٪ رسیده و در این وسط نقشی از بخش خصوصی برای رفع فقر دیده نمی‌شود؛ بلکه با
 این سیاست‌ها سرمایه‌داران که پول‌های خود را به دلار و ارزهای دیگر در خارج از عراق
 نگهداری می‌کنند، ثروتمندتر شدند؛ نیروی کار ارزان‌تر و فقیران، فقیرتر شدند.

بدهی

طبق گزارش اعضای کمیته مالی در پارلمان، مجموع بدهی داخلی و خارجی عراق در سال
 ۲۰۱۸ به ۹۰،۴۴۸ هزار میلیارد دینار عراقی رسید (جدول ۹ و ۱۰)؛ اگرچه اعضای کمیته
 مالی مانند نجیبه نجیب می‌گویند: «ما رقم مشخصی از بدهی‌های عراق نداریم.» طبق
 ادعاهای مشاوران دولت، بدهی‌های فعلی نتیجه وام‌های رژیم گذشته است و آنچه
 تنظیم‌شده سود مربوط به مبلغ اصلی است.

جدول ۹. رشد بدهی عمومی داخلی در عراق از سال (۲۰۱۸-۲۰۰۴)

سال	بدهی عمومی داخلی (میلیون دینار) (۱)	معدل تغییرات سالانه (%) (۲)
۲۰۰۴	۶۰۶۱۶۸۸	-
۲۰۰۵	۶۵۹۳۹۶۰	۸/۷۸
۲۰۰۶	۵۶۴۵۳۹۰	-۱۴/۳۸
۲۰۰۷	۵۱۹۳۷۰۵	-۸
۲۰۰۸	۴۴۵۵۵۶۹	-۱۴/۲۱
۲۰۰۹	۸۴۳۴۰۴۹	۸۹/۲۹
۲۰۱۰	۹۱۸۰۸۰۶	۸/۸۵
۲۰۱۱	۷۴۴۶۸۵۹	-۱۸/۸۸
۲۰۱۲	۶۵۴۷۵۱۹	-۱۲/۰۷
۲۰۱۳	۴۲۵۵۵۴۹	-۳۵
۲۰۱۴	۹۵۲۰۰۱۹	۱۲۳/۷۰
۲۰۱۵	۳۲۱۴۲۸۰۵	۲۳۷/۶۳
۲۰۱۶	۴۷۳۶۲۲۵۱	۴۷/۳۴
۲۰۱۷	۴۷۶۷۸۷۹۶	۰/۶۶
۲۰۱۸	۴۱۸۲۲۹۱۸	-۱۲/۲۸

(البنك المركزي العراقي، الموقع الاحصائي، القطاع المالي، اجمالي الدين العام الداخلي، للسنوات ۲۰۰۴-)

براساس داده‌های جدول، برای ما روشن است که بدهی عمومی داخلی در طی دوره (۲۰۰۴-۲۰۱۸) بین افزایش و سقوط در نوسان است، زیرا کل بدهی عمومی داخلی در سال ۲۰۰۴ بالغ بر (۶۰۶۱۶۸۸) میلیون دینار بوده است، بدهی عمومی داخلی در سال ۲۰۰۵ با نرخ تغییر (۸/۷۸٪) به (۶۵۹۳۹۶۰) میلیون دینار افزایش یافت، سپس بدهی عمومی برای یک دوره (۲۰۰۸-۲۰۰۸) کاهش یافت، جایی که در سال ۲۰۰۸ به (۴۴۵۵۵۶۹) میلیون دینار رسید با نرخ تغییر منفی (۱۴/۲۱٪)، در مقایسه با ۲۰۰۶ (۵۶۴۵۳۹۰) میلیون دینار. نرخ منفی تغییر (۱۴/۳۸٪)، به دلیل آزادی عراق از محاصره اقتصادی و محدودیت‌هایی که قبل از ۲۰۰۳ و افزایش صادرات نفت خام و افزایش قیمت آن‌ها که منجر به افزایش درآمدهای دولت و مزاد بودجه عمومی دولت شده است.

در سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۱۰، بدهی عمومی افزایش یافته است و دلیل این امر ناشی از کاهش درآمدهای دولت به دلیل کاهش قیمت نفت در نتیجه کاهش تقاضای جهانی نفت توسط کشورهای صنعتی به سبب پیامدهای بحران مالی جهانی است و بنابراین بر فعالیت اقتصادی از راه کاهش حجم تأثیر می‌گذارد که منجر به افزایش بدهی عمومی داخلی به (۸۴۳۴۰۴۹) میلیون دینار در سال ۲۰۰۹ با نرخ تغییر (۸۹/۲۹٪) شده است.

در مورد دوره ۲۰۱۱-۲۰۱۳، متوجه می‌شویم که کل بدهی عمومی شاهد و نزول مداوم، زیرا کل بدهی عمومی به ۴۲۵۵۵۴۹ میلیون دینار در سال ۲۰۱۳ با نرخ تغییر منفی (۳۵-) نسبت به سال ۲۰۱۱ که بالغ بر ۷۴۴۶۸۵۹ میلیون دینار و نرخ تغییر منفی ۱۸/۱۸٪ بوده است. برگزارشده توسط بانک مرکزی در پایان سال ۲۰۱۲، افزون بر کاهش وام‌های اعطاشده به وسیله بانک مرکزی به ادارات دولتی در طول سال جاری و همچنین افزایش درآمد نفت به عنوان یک نتیجه افزایش قیمت نفت در بازارهای جهانی، به ویژه پس از سال ۲۰۰۳، در حالی که بدهی عمومی داخلی در دوره ۲۰۱۴-۲۰۱۷ به طور قابل توجهی افزایش یافت، زیرا بدهی عمومی داخلی از ۹۵۲۰۰۱۹ میلیون دینار در سال ۲۰۱۴ با نرخ تغییر افزایش یافت ۱۲۳/۷۰٪ تا ۴۷۶۷۸۷۹۶ میلیون دینار در سال ۲۰۱۷، با نرخ تغییر ۰/۶۶٪.

دلیل اصلی افزایش بدهی عمومی داخلی در سال‌های اخیر به دلیل شوک مضاعف به

تعدیل ساختاری نتولیرالیسم و تأثیرات آن بر عراق پس از ۲۰۰۳ م (محمدحسین مرزیه و رضانجفزاده) ۱۰۱

اقتصاد عراق در نیمه دوم سال ۲۰۱۴ است که هم با کاهش قیمت نفت و هم در نتیجه کاهش سطح این نشان داده شد. قیمت‌ها، افزون بر افزایش هزینه‌های نظامی برای مبارزه با داعش. داعش تروریست که کل بودجه عراق را غنی کرده و کمبود نقدینگی آشکاری ایجاد کرده است، باعث کسری مالی در بودجه عمومی این کشور شد، به‌ویژه در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶، مجبور به دولت برای جبران شکاف مالی نشان‌دهنده کمبود نقدینگی به‌منظور پرداخت کسری بودجه برای سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶، به بدهی‌های داخلی و خارجی متوسل می‌شود، همان‌طور که برای سال ۲۰۱۸، حجم بدهی عمومی به ۴۱۸، ۲۲۹۱۸ میلیون دینار با نرخ تغییر منفی سالیانه ۱۲/۲۸٪- نسبت به سال ۲۰۱۷ و دلیل این امر بهبود شرایط امنیتی و اقتصادی عراق و افزایش قیمت نفت و افزایش درآمدهای دولت است.

جدول ۱۰. بدهی خارجی از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۸ (وزارت اقتصاد)

سال	مجموع بدهی عمومی خارجی (میلیون دلار) (۱)	مجموع بدهی عمومی خارجی (میلیون دینار) (۲)	معدل تغییرات سالیانه (%) (۳)
۲۰۰۴	۸۸۷۸۸	۱۲۹۶۳۰۴۸۰	-
۲۰۰۵	۷۱۲۸۰	۱۰۵۰۶۶۷۲۰	-۱۸/۹۴
۲۰۰۶	۵۸۵۳۲	۸۱۴۱۸۰۱۲	-۲۲/۵۰
۲۰۰۷	۵۹۲۵۲	۷۲۱۰۹۶۸۴	-۱۱/۴۳
۲۰۰۸	۴۶۶۳۷	۵۴۶۵۸۵۶۴	-۲۴/۲۰
۲۰۰۹	۴۵۰۱۵	۵۲۶۶۷۵۵۰	-۳/۶۴
۲۰۱۰	۴۷۵۱۹	۵۵۵۹۷۲۳۰	-۵/۵۶
۲۰۱۱	۴۵۱۵۹	۵۲۸۳۶۰۳۰	-۴/۹۶
۲۰۱۲	۴۴۱۹۹	۵۱۵۳۶۰۳۴	-۲/۴۶
۲۰۱۳	۴۲۸۰۳	۴۹۹۰۸۲۹۸	-۳/۱۵
۲۰۱۴	۴۳۲۰۴	۵۰۳۷۵۸۶۴	۰/۹۳
۲۰۱۵	۴۴۵۳۳	۵۲۶۳۸۰۰۶	۴/۴۹
۲۰۱۶	۴۴۱۹۲	۵۲۲۳۴۹۴۴	-۰/۷۶
۲۰۱۷	۷۱۷۸۵	۷۳۱۵۳۴۴۰	۴۰/۰۴
۲۰۱۸	۴۰۸۶۲	۴۸۶۲۵۷۸۰	-۳۳/۵۲

(وزارة المالية، دائرة الدين، قسم الدين الخارجي، للسنوات (۲۰۰۴-۲۰۱۸))

از داده‌های جدول ۱۰ مشخص است که بدهی خارجی در سال‌های اول مطالعه به دلیل ترک بدهی و سود قبل از ۲۰۰۳ بسیار زیاد بود، اما این بدهی در دوره ۲۰۰۴-۲۰۰۹ کاهش یافت. با کاهش کل بدهی خارجی در سال ۲۰۰۹ برای رسیدن به ۵۲۶۶۷۵۵۰ میلیون دینار، با نرخ تغییر سالانه منفی حدود ۳/۶۴٪ نسبت به سال ۲۰۰۴، به مبلغ ۱۲۹۶۳۰۴۸۰ میلیون دینار و دلیل این کاهش به دلیل رفع محاصره اقتصادی عراق و آزادسازی عراق از تحریم‌ها و محدودیت‌های اعمال شده قبل از سال ۲۰۰۳ و همچنین اجرای توافق‌نامه باشگاه پاریس که طبق آن ۸۰٪ بدهی خاموش شد.

بدهی‌های آن دوره افزون بر افزایش صادرات نفت خام و افزایش قیمت آن‌ها که منجر به افزایش درآمدهای نفتی و افزایش ذخایر خارجی و در نتیجه دستیابی به مازاد بودجه عمومی ایالت شد که منجر به افزایش توانایی دولت در پرداخت بدهی‌های خود، کاهش حجم بدهی‌های خارجی و کاهش بارهای خدمات بدهی، به‌ویژه بهره و ما در سال ۲۰۱۰ نیز افزایش حجم بدهی خارجی را یادداشت می‌کنیم، مبلغ ۵۵۵۹۷۲۳۰ میلیون دینار و نرخ تغییر سالانه ۵/۵۶٪، به دلیل افزایش وام‌های جدید برای تأمین کسری بدهی. تعادل حاصل از افزایش هزینه‌های دولت، افزون بر وام برای تأمین مالی وزارت برق. در طول دوره ۲۰۱۱-۲۰۱۳، کل بدهی خارجی ۵۲۸۳۶۰۳۰ میلیون دینار در سال ۲۰۱۱ نسبت به سال قبل با نرخ تغییر منفی سالانه ۴/۹۶٪- کاهش یافته و بدهی خارجی همچنان رو به کاهش است ۴۹۹۰۸۲۹۸ میلیون دینار در سال ۲۰۱۳. با نرخ تغییر منفی ۳/۱۵٪-، دلیل این کاهش به دلیل کاهش وام‌های جدید و برنامه‌ریزی مجدد وام‌ها در نتیجه افزایش قیمت نفت و افزایش درآمد دولت است که منجر به افزایش توانایی دولت در پرداخت بخشی از بدهی خارجی و منافع آن شد.

با توجه به دوره ۲۰۱۴-۲۰۱۷، ما یادآوری می‌کنیم که حجم بدهی خارجی در آن دوره شروع به افزایش کرد، زیرا در سال ۲۰۱۴، ۵۰۳۷۵۸۶۴ میلیون دینار با نرخ تغییر سالانه ۰/۹۳٪ بود. افزایش اندازه بدهی خارجی تا زمانی که به مبلغ ۷۳۱۵۳۴۴۰ میلیون دینار در سال ۲۰۱۷ رسید ادامه داشت. با نرخ تغییر سالانه ۴۰/۰۴٪، این افزایش به افزایش موجودی

تعدیل ساختاری نئولیبرالیسم و تأثیرات آن بر عراق پس از ۲۰۰۳ م (محمدحسین مرزیه و رضانجفزاده) ۱۰۳

وام‌های جدید (مانند وام صندوق بین‌المللی پول) و همچنین افزایش هزینه‌ها، به‌ویژه هزینه‌های نظامی، به‌دلیل شرایط جنگ با تروریسم از یک طرف و بازده مالی صادرات نفت که شهرت اصلی عراق به حساب می‌آید از طرف دیگر برای درآمد متکی است و همچنین هزینه‌های کلان ناشی از تخریب املاک و زیرساخت‌ها در مناطق آزادشده که باعث عدم تعادل داخلی و خارجی و کسری بزرگ و افزایش بودجه عمومی شد و دولت را مجبور به متوسل شدن دوباره کرد برای جبران کسری مالی در بودجه‌های دو سال فوق، از مؤسسات مالی بین‌المللی قرض بگیریید.

در سال ۲۰۱۸، بدهی عمومی خارجی به‌دلیل کاهش وام‌های جدید و برنامه‌ریزی مجدد وام‌ها و همچنین افزایش قیمت نفت و افزایش درآمد دولت؛ بنابراین، باید توجه داشت که باوجود لغو یا کاهش برخی از بدهی‌ها که حاصل شده است، منابعی از داخل بانک مرکزی عراق وجود دارد که نشان می‌دهد این بدهی‌ها و جبران خسارت زیاد هنوز مانعی برای بازسازی عراق از جدید است، زیرا اقتصاد عراق چنین نیست. این هنوز از افزایش مداوم نرخ فقر و زیرساخت‌های تخریب‌شده رنج می‌برد، این امر مستلزم درخواست از کشورها برای نوشتن بدهی‌های خود و در نظر گرفتن این بدهی‌ها به‌عنوان سهم خود در بازسازی عراق است. این بدهی‌ها تحت شرح بدهی‌های کلانی قرار دارند که قرار است به‌طور جهانی از بین برود و در عوض در تأمین مالی جنگ‌ها به کار گرفته شود.

با توجه به جدول‌های بدهی داخلی و خارجی افزایشی واضح را باوجود منابع فراوان در عراق می‌بینیم و این بدهی‌ها یکی از مهم‌ترین ابزارهای نئولیبرالیسم برای تحمیل سیاست‌های تعدیل ساختار اقتصادی در سطح جهان بوده است. این اظهارات که بدهی فعلی امتداد بدهی رژیم سابق است جعلی است و خود نشان‌دهنده اهداف سیاسی است که کشور عراق را در مقابل مقصر و متجاوز در مقابل تبریئه همه طرف‌های جنگ با این کشور قرار می‌دهد از جمله ائتلافی که پایه‌های زندگی را نابود کرد.

تمام بدهی‌های رژیم گذشته، از جمله بدهی‌های باشگاه پاریس و غرامت اغراق‌آمیز کویت، می‌توانست به مدت دو یا سه سال بدون درگیر شدن با صندوق بین‌المللی پول

به‌طور کامل از درآمد نفت پرداخت شود؛ اما این یک اشتباه نبوده بلکه یک سیاست هدفمند و آگاهانه است. از سال ۲۰۰۳، به‌ویژه از زمان رونق قیمت نفت، بازده مالی زیادی در عراق حاصل شده است که می‌توان طی چند سال تمام این بدهی‌ها را پرداخت کرد؛ بنابراین ما با ناتوانی دولت یا از بین رفتن اراده دولت روبه‌رو هستیم؛ بنابراین نمی‌توان انتظار راه‌حل مناسبی را از سوی دولت که به‌دنبال گرفتن وام مجدد است را داشته باشیم. اقتصاددانان رسمی عراق به‌بهانه اینکه این توافق‌نامه بدهی‌های باشگاه پاریس را کاهش می‌دهد، از توافق‌نامه با صندوق بین‌المللی پول و شرایط تعیین‌شده به‌وسیله آن دفاع کرده‌اند. از آن زمان، بدهی جمع شده و بسیار افزایش یافته است. اگر سیاست باشگاه پاریس در قبال کشورهای بدهکار را مرور کنیم، متوجه خواهیم شد که این سیاست با بدهی و کاهش بهره برای دهه‌های آینده از راه به‌اصطلاح کاهش بدهی در ارتباط است.

گزارش شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل می‌گوید. این روند زمان‌بندی مجدد، می‌تواند از مشکلات فوری جریان نقدینگی بکاهد؛ اما تعادل بدهی‌های کل را افزایش می‌دهد؛ برای مثال، حدود ۴۰٪ از بدهی بلندمدت و بدون امتیاز، شرایط بدهی کشورهای آفریقایی به باشگاه پاریس در پایان سال ۱۹۸۸، سود متراکم متعلق به روند برنامه‌ریزی باشگاه را نشان داد؛ بنابراین، روند برنامه‌ریزی فقط «یک ترفند محاسباتی» است و از نظر کاهش میزان بدهی کشورها به طلبکاران رسمی، کار کمی انجام می‌دهد.^۱

به‌دلیل بهره بدهی قدیمی، میلیاردها دلار دیگر بر بدهی جمع می‌شود و مقادیر جدید بدهی به آن اضافه می‌شود، همان‌طور که در حال حاضر وجود دارد. این چرخه معیوب اجتناب‌ناپذیر است و چاره‌ای نیست، به شرطی که سیاست اقتصادی دولت مطابق با همان طرح و مسیر دو دهه گذشته ادامه یابد. این سیاست‌های دولت دلیل بدهکاری و تشدید بدهی‌ها است.

۱. الحقوق الاقتصادية والاجتماعية والثقافية. آثار سياسات التكيف الهيكلية على التمتع الكامل بحقوق الإنسان. گزارشی از کارشناس مستقل فانتو شیرو مطابق گزارشگران گروه ۱۰۲/۱۹۹۸ و ۱۰۳/۱۹۹۷. مجلس اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل.

تعدیل ساختاری نئولیبرالیسم و تأثیرات آن بر عراق پس از ۲۰۰۳ م (محمدحسین مرزه و رضانجفزاده) ۱۰۵

فساد

فساد اداری و مالی یکی از مهم‌ترین مشکلاتی است که دولت‌ها در کشورهای مختلف با آن روبه‌رو شده‌اند و یک چالش آشکار برای توسعه اقتصادی و اجتماعی و یک پدیده مشترک است؛ و از بین رفتن مکانیزم‌های پاسخ‌گویی و مجازات با قانونی که منجر به تشدید پدیده فساد اداری می‌شود، این همان اتفاقی است که در کشورهایی که با مورد جنگ و تحریم اقتصادی قرار گرفتند اتفاق افتاد (اگر ژاپن و آلمان را مستثنا کنیم). این پدیده ارتباط چندانی با توسعه‌نیافتگی و عقب‌ماندگی ندارد بلکه در دولت‌های پیشرفته با نسبت‌های گوناگونی نیز وجود دارد به همان اندازه که مربوط به اخلاق اداری عمومی برگرفته از مبانی رفتار اخلاقی در جامعه مربوط است.

عراق یکی از کشورهایی بود که در معرض این پدیده قرار داشت و تحت اشغال آمریکا و انگلیس و کسانی که این اشغال را از برخی کشورهای همسایه تسهیل کردند در آن نقش داشتند و این پدیده پس از اشغال به شدت وخیم‌تر شده است و منجر به ادامه ویرانی در عراق شده است و با وجود گذشت سال‌ها از اشغال و خرج بیش از هزار میلیارد دلار هنوز هم دولت عراق مصرف‌گرا، واردکننده و دارای اقتصادی رانته است؛ برای مثال سال ۲۰۱۲ حدود ۱۱۲ میلیارد دلار بودجه عراق بود که معادل بودجه ۴ کشور همسایه و پول هزینه شده از ابتدای اشغال تا پایان سال ۲۰۱۱، حدود ۴۵۰ میلیارد دلار و با افزایش بودجه ۲۰۱۲، مبلغ ۵۶۲ میلیارد دلار می‌شود؛ اما نتایج حاصل از این هزینه در زمین غیرقابل لمس است و با واقعیت اوضاع مطابقت ندارد. (الاسدی، ۲۰۱۳)

جلوگیری از تنظیم مقررات، بخشی از الزامات اجرای این سیاست اقتصادی جدید است؛ همان‌طور که جلوگیری از تنظیم مقررات بخشی از الزامات کنترل و استبداد در روزهای رژیم قبلی بود. سیاست جدید موسوم به سیاست اصلاحات اقتصادی به دنبال تقویت سیاست‌های دولت‌ها، فساد گسترده و به دست آوردن ثروت عمومی و سپس انحلال اموال عمومی است، به عنوان گامی از سیاست تجدید ساختار که دولت به دنبال آن است و تلاش می‌کند آن را با دقت و بدون وقفه اجرا کند.

بسیاری از بی‌گناهان و غیرنظامیان به خاک و خون کشیده شده‌اند، کل شهرها تخریب شده‌اند و نمادهایی که میراث بشری را نشان می‌دهد با حدود ۵ هزار سال قدمت تاریخی، تخریب شده‌اند. با همه این فجایع و در حالی که فرزندان کارگران و زحمتکش‌ان در نیروهای مسلح در یک جنگ طولانی علیه تروریسم می‌جنگند، گفتمان قدرت عراق لحظه‌ای فراموش نکرد که به‌عنوان بخش و شریک نظام جهانی در خدمت منافع سرمایه‌داری قرار گیرد. بانک و صندوق بین‌المللی پول این سیاست را اتخاذ کرد که در طی یک و نیم دهه، منجر به بدهکاری گسترده، تخریب زیرساخت‌ها، توقف صنایع و گسترش فقر، بیکاری و جرم شد (نظمی، ۲۰۲۱: ۱۲-۱۶).

جدول ۱۱. رتبه‌بندی عراق در شاخص‌های فساد جهانی از سال ۲۰۰۳-۲۰۲۰

رتبه عراق	تعداد دولت‌ها	سال
۱۱۳	۱۳۰	۲۰۰۳
۱۲۹	۱۴۶	۲۰۰۴
۱۷۰	۱۹۴	۲۰۰۵
۱۶۰	۱۶۳	۲۰۰۶
۱۷۸	۱۸۰	۲۰۰۷
۱۷۸	۱۸۰	۲۰۰۸
۱۷۶	۱۸۰	۲۰۰۹
۱۷۵	۱۷۸	۲۰۱۰
۱۷۵	۱۸۳	۲۰۱۱
۱۶۰	۱۷۶	۲۰۱۲
۱۷۱	۱۷۵	۲۰۱۳
۱۷۰	۱۷۴	۲۰۱۴
۱۶۱	۱۸۰	۲۰۱۵
۱۶۶	۱۸۰	۲۰۱۶
۱۶۹	۱۸۰	۲۰۱۷
۱۶۸	۱۸۰	۲۰۱۸
۱۶۲	۱۸۰	۲۰۱۹
۱۶۰	۱۸۰	۲۰۲۰

تعدیل ساختاری نئولیبرالیسم و تأثیرات آن بر عراق پس از ۲۰۰۳ م (محمدحسین مرزه و رضانجفزاده) ۱۰۷

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب ذکر شده، سرمایه‌داری دولتی و نظام سرمایه‌داری جهانی با رهبری ایالات متحده آمریکا به وسیله ایجاد یک شوک به کشور عراق این دولت را در اقتصاد بازار باز و سرمایه‌داری جهانی ادغام کرد. این امر از راه سلطه ائتلاف موقت به ریاست پل برمر انجام شد. برمر با دستوراتی که صادر شد (که در جدول ۳ گفته شد) و با ایجاد اقتصاد بازار، تجارت آزاد، خصوصی‌سازی و مقررات زدایی، بازار کشاورزی و بازار امنیت، سرمایه‌گذاری خارجی، بازارهای مالی و همچنین با کمک نهادهای بین‌المللی از جمله صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی البته آن‌طوری که به نفع شرکت‌های فراملی و نظام سرمایه‌داری جهانی باشد و از راه امتیازدهی‌های خاص و قراردادن بخش خصوصی محلی یا بومی در یک سطح با شرکت‌های خصوصی خارجی و فراملی با شعار اصلاحات اقتصادی و تبدیل عراق به یک کشور مصرف‌گرا عمل ادغام اقتصاد این کشور را عملیاتی کرد.

این اصلاحات و دستوراتی که به عنوان قانون در عراق اجرا می‌شد و بعد از سال ۲۰۰۵ میلادی در قانون اساسی عراق به وسیله احزاب سیاسی (اسلامی و غیر اسلامی)، حکومت‌ها و سیاسیون عراقی به عنوان یک طبقه دارای منافع در این تعدیل ساختاری تصویب و تثبیت شد. این سیاست‌های به اصطلاح اصلاحی به دلیل اینکه حاصل یک عمل ناگهانی شوک‌آور از راه اشغال عراق بود و همچنین حاصل نیازهای توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه عراق نبود و سعی می‌کرد واسطه یک جهش از نظامی با ساختاری سوسیالیستی به یک نظام پیشرفته با ساختاری نئولیبرالی شود، باعث چالش‌های متعددی در سطح سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از جمله بیکاری، فقر، فساد اداری و مالی، رشد تروریسم، بالارفتن بدهی‌های خارجی و داخلی، از بین رفتن بخش خصوصی داخلی، محو اتحادیه‌های صنفی، بالارفتن فاصله‌های طبقاتی، نارضایتی ملی و رفاه نسبی، خارج شدن ثروت‌های کشور از راه ایجاد بخش خصوصی کاذب و غیر شفاف، تثبیت هرچه بیشتر اقتصاد رانتی، بالارفتن هزینه‌ها در بخش عمومی به خصوص کارمندان که با آمارها در جدول‌های این پژوهش ذکر شده نشان و توضیح داده شد.

References

- Abdullahzadeh, M. (1386), Discourses of Neoliberalism in International Political Economy: Internalized Neoliberalism, *Quarterly Journal of Political Economy*, 4 (14), 100-124.
- Al-Anbaki, M. (2013), Investment Law between Bremer and the Iraqi Government, *Al-Motamar newspaper*, Baghdad, Issue (2748) on May 22.
- Al-Asadi, Bushra M. H. & Hakim, M. M. (2013), Administrative and Financial Corruption and its Economic and Social Effects in Iraq, Research published in the *Arab Future magazine*, No. 409
- Al-Khafaji, E. (1983), *The State and Capitalist Development in Iraq*, The Arab Independent House. Cairo. first edition.
- Al-Mamouri, A. A. K. & Khudair A. A. (2011), Economic Policies in Iraq and the American Occupation, *Journal of the College of Administration and Economics*, (4).
- Al-Saadi, S. Z. (2007), *The new political economy in Iraq, the new culture*, Baghdad.
- Al-Saadi, S. Z. (2008), *The Power of Oil and its Disadvantages in the Iraqi Experience: The Historical Case of the Middle East*, The Arab Future Locality, Center for Arab Unity Studies, No. 335, 31st year.
- Al-Zamili, Q. K. A. (2019), *Mechanisms of Building a Civil State in Iraq after 2003 (Constituents-Obstacles)*, 1st Edition, Iraq Center for Studies, Baghdad.
- Boas, T. & Morse, J. (2009), *Neoliberalism: From New Liberal Philosophy to Anti-Liberal Slogan*, www.springer.com
- Brown, W. (2006), American Nightmare: Neoliberalism, Neoconservatism, and De-Democratization, *Political theory*, 34, 690.
- Coborn, D. (2000), Income Inequality, Social Cohesion and The health status of Populations: The Role of Neoliberalism, *Social Science & Medicine*.
- CPA <https://govinfo.library.unt.edu/cpa-iraq/regulations/>
- Dhafer, T. H. (2007), *Iraq and the American Occupation: A Study in the Future of Iraq*, *Journal of International Studies*, Issue Thirty-six, Center for International Studies, University of Baghdad.
- Dharam Gay and Kenithia, Hewitt de Alcantara, (1993), "The Crisis of the Eighties in Africa, Latin America and the Caribbean: An Overview", in the *International Monetary Fund and the Countries of the South*, ed., Dharam Gay, translated by Mubarak Ali Othman, Arab Research Center for Studies, Documentation and Publishing, Cairo
- Faris, J. & U. Kasuri (1996), *Social Protection Networks, Experiences of Some Arab Countries*, Paper Presented to the Symposium on the Social Effects of Economic Correction in Arab Countries, Abu Dhabi, United Arab Emirates January 17-18.
- Fayyad, A. H. (2008), *Ideas in Building the Modern Iraqi State*, Madarak Institute for the Study of the Mechanism of Intellectual Development, 1st Edition, Baghdad.
- Fine, B. (2006), *Social Capital and Political Economy*, translated by MK Sarvarian, first edition, Tehran, Research Institute for Strategic Studies.
- Haddad, H. O. (2010), AD, *The Economic Implications of the American Strategy in Iraq*, Pegohshahi Bayn Al-Malali Journal, No. 43, Center for International Studies, University of Baghdad.
- Harvey, D. (1386), *A Brief History of Neoliberalism*, translated by Mohammad Abdullahzadeh, first edition, Tehran, Akhtaran Publishing
- Klein, N. (1389), *Shock doctrine; The Rise of Catastrophic Capitalism*, translated by Mehrdad (Khalil) Shahabi and Mir Mahmoud Nabavi, first edition, published by Ameh.
- Mahdi Hussein, M. (1977), AD, *Introduction to the International Monetary Fund and the World Bank in the Economic Assignment of Developing Countries* (presentation, analysis and evaluation), *Economic Horizons*, Volume 18, Number 69, Abu Dhabi.
- Mazhar, M. S. Q. (2010), AD, *Introduction to the Political Economy of Iraq, the Rentier State from Economic to Market Democracy*, House of Wisdom, 1st Edition, Baghdad.
- Mazhar, M. S. Q. (2013), AD, *the central rentier economy and the impasse of market chaos, a vision in the current Iraqi economic scene*, House of Wisdom.

تعدیل ساختاری نتولیرالیسم و تأثیرات آن بر عراق پس از ۲۰۰۳ م (محمدحسین مرزیه و رضانجفزاده) ۱۰۹

- Momeni, F. (2007), Iran's economy during the period of structural adjustment, first edition, Tehran, Naghsh va Negar Publications.
- Nazmi, F. K. & H. Hassan (2021), the October protests in Iraq, the moribundity of the old and the impossibility of the new, second edition, Dar Al-Sutoor for Publishing and Distribution, Baghdad.
- Saei, A. (1386), Development in a conflicting school, Tehran, second edition, Nashr-e Qoms.
- Sedaghat, P. (1388), Neoliberal ideology (compilation and translation), Tehran, first edition, publishing house.
- Short, A. F. S. (2010), The Role of Investment in Attracting Foreign Investment in Iraq, Journal of Law, Issue Ten (the issue of the research of the Third Scientific Conference, Al-Mustansiriya University).
- Williamson, J. (2004), The washingtonas policy prescription for development, institute for international.
- Yukul Hwang and Peter Nicholas (1987), "The Social Costs of Adaptation", Finance and Development, 24 (2), Washington.

بررسی اثر فعالیت‌های تروریستی بر تقاضای گردشگری در کشورهای منتخب غرب آسیا

سمیرا متقی *

آناهیتا سیفی **، اصغر ابوالحسنی **، صلاح ابراهیمی ***

چکیده

صنعت گردشگری به‌عنوان یکی از عوامل دست‌یابی به رشد و توسعه اقتصادی مطرح است لکن فعالیت‌های تروریستی از راه آسیب‌رسانی به زیرساخت‌ها و منابع فیزیکی و انسانی و نیز اثرات غیر مستقیم از جمله کاهش میل به سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، افزایش هزینه تجارت و تضعیف آن، تشدید عدم قطعیت، امنیتی ترشدن فضا و افزایش مخارج نظامی و امنیتی و... منجر به خسارت به صنعت گردشگری یک کشور می‌شود. هدف این مطالعه بررسی اثر فعالیت‌های تروریستی بر تقاضای گردشگری در کشورهای منتخب غرب آسیا، طی دوره زمانی ۲۰۱۹-۱۹۹۰ به روش پانل دیتا است. نتایج پژوهش نشان داد اثر حوادث تروریستی بر تقاضای گردشگری منفی و معنی‌دار است در این حال، هر چه در کشوری تعداد تلفات تروریستی بیشتر باشد، شاهد کاهش تعداد گردشگران بین‌المللی ورودی به آن کشور هستیم؛ زیرا محیط‌هایی که امنیت روانی و جانی گردشگران در آن‌ها حفظ شود مطلوبیت بیشتری را نصیب گردشگران کرده، در اولویت انتخاب آن‌ها برای سفر قرار می‌گیرند.

کلیدواژه‌ها: تقاضای گردشگری، تروریسم، کشورهای غرب آسیا.

نوع مقاله: پژوهشی

* استادیار گروه اقتصاد، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسؤل)، samira.motaghi@pnu.ac.ir

** استادیار حقوق بین‌الملل، گروه مطالعات زنان، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

*** استاد گروه اقتصاد دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

دانشجوی دکتری اقتصاد، گروه علوم اقتصادی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران

اهواز، اهواز، ایران.



۱. مقدمه

صنعت گردشگری یکی از بزرگ‌ترین و پربازده‌ترین صنایع در دنیا است (Stita, 2021) که به‌طور مستقیم و غیر مستقیم فعالیت‌های اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در سال‌های اخیر، گردشگری به عنوان یک منبع درآمد در تجارت جهانی و عامل مهمی در تنظیم تراز پرداخت‌ها و همچنین ارزآوری و تقویت پول ملی مطرح بوده است (سازمان جهانی گردشگری، ۲۰۲۱). در سطح جهانی نیز گردشگری منجر به تسهیل فرآیند رشد اقتصادی و توزیع مجدد ثروت میان ملت‌های جهان بوده است؛ همچنین رشد صنعت گردشگری همواره اثرات زیست‌محیطی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی زیادی به دنبال داشته است (شاه‌امیری، ۱۳۹۷).

با وجودی که این صنعت رو به رشد، به عنوان سومین بخش بزرگ تجارت بین‌الملل در سال‌های ۲۰۱۸، ۱۰/۴٪ از تولید ناخالص داخلی جهانی را تشکیل می‌دهد در سال ۲۰۲۰ این صنعت سهمی معادل ۵/۵٪ از تولید ناخالص داخلی را پشتیبانی کرده است (Stita, 2021) هرچند براساس گزارش سازمان جهانی گردشگری به دلیل بروز پاندمی کرونا و اعمال محدودیت‌های گسترده سفر در سال ۲۰۲۰، جهان با کاهش بی‌سابقه تقاضای گردشگری روبه‌رو بوده؛ در این سال، این صنعت با کاهش ۷۴ درصدی گردشگران، بدترین سال خود را تجربه کرده است که این امر موجب کاهش بی‌سابقه تقاضا به میزان کمتر از ۱ میلیارد نفر در مقایسه با کاهش ۴ درصدی ثبت‌شده در طول بحران اقتصاد جهانی در سال ۲۰۰۹ بوده است. در سال ۲۰۲۱، این بحران ادامه یافته به طوری که فرانسه با کاهش ۵۴٪ (در مقایسه با سال ۲۰۱۹)، در گردشگران خارجی بالاترین مرتبه را به خود اختصاص داده است و سپس کشورهای جمهوری کره، مالزی و سوئیس با کاهش ۵۰٪، بلژیک با کاهش ۴۶٪ و عربستان سعودی با کاهش ۴۲ درصدی از گردشگران خارجی را ثبت کرده‌اند (سازمان جهانی گردشگری، ۲۰۲۱).

تحلیل داده‌های قبل از همه‌گیری کرونا از قبیل سهم گردشگری در اقتصاد جهانی، تعداد شاغلین و... نشان‌دهنده اهمیت فوق‌العاده این صنعت در جهان است. کشورهای مختلف جهان برای جذب گردشگران و بهره‌گیری از منافع آن در رقابت بوده و به برنامه‌ریزی و

بررسی اثر فعالیت‌های تروریستی بر تقاضای... (سمیرا متقی، آناهیتا سیفی، اصغر ابوالحسنی و صلاح ابراهیمی) ۱۱۳

اجرای راهبردهای مختلف برای افزایش گردشگران و توسعه این صنعت می‌پردازند. برای توسعه صنعت گردشگری، عوامل متعددی تأثیرگذارند که امنیت، یکی از شاخص‌ترین آن‌ها است. آسایش، راحتی و امنیت، از مسائل بسیار مهمی است که گردشگران را به نقاط مختلف دنیا جذب یا دفع می‌کند. بدون وجود امنیت در یک کشور، امکان شکل‌گیری جریان گردشگری انبوه وجود ندارد؛ چراکه امنیت نیاز اساسی و ابتدایی انسان است و بدون تضمین آن، هرچند سایر مؤلفه‌های گردشگری پررنگ باشند، کارایی و اثر خود را از دست می‌دهند و در سایه ناامنی، محو می‌شوند (متقی و همکاران، ۱۳۹۵).

ایجاد امنیت تنها به مقوله امنیت جانی، مالی و کاهش جرائم خیابانی محدود نمی‌شود، بلکه موضوع فراتر از آن است. کشورهای امنیتی و ثبات سیاسی لازم به منظور حمایت از جریان گردشگری برخوردار هستند، از پتانسیل‌های موجود در جاذبه‌های گردشگری می‌توانند حداکثر منابع اقتصادی - اجتماعی را ببرند و از طرف دیگر در افزایش مقبولیت و مشروعیت بین‌المللی در عرصه‌های سیاسی و معرفی مؤلفه‌های فرهنگی کشورشان به سایر کشورهای دنیا نیز گام مؤثری را بردارند. (حیدری چپانه و همکاران، ۱۳۸۹) یکی از موارد مهم و تأثیرگذار در امنیت پدیده تروریسم است. تروریسم یکی از دشمنان این صنعت بسیار مهم و تأثیرگذار بر اقتصاد جهانی است (Bandyopadhyay, 2016).

تخریب زیرساخت‌ها، تشدید عدم قطعیت، امنیتی‌تر شدن فضا، کاهش سرمایه‌گذاری و آسیب به بخش گردشگری از مهم‌ترین پیامدهای اقدامات گروه‌های تروریستی است که هزینه‌های اقتصادی زیادی را بر دولت تحمیل می‌کند (رضایی و همکاران، ۱۴۰۰). دنیای پس از ۱۱ سپتامبر فضای تردید و ناامنی را وارد زندگی عادی مردم کرد. این امر چالش‌های جدیدی را به‌لحاظ برنامه‌ریزی‌های آینده زندگی ایجاد کرد. هرچند فضای ناامنی در جوامع غربی به دلیل وجود تبلیغات و در مرکز توجه بودن ملموس‌تر جلوه داده می‌شود، اما این مسئله برای ملت‌های غرب آسیا، به عنوان یکی از محوری‌ترین اصول بقا مطرح است.

این امر افزون بر آثار روانی کوتاه‌مدت، از لحاظ نوع نگاه نسل‌های آینده به تنظیم روابط انسانی مبتنی بر بی‌اعتمادی و سوءظن نسبت به عوامل اصلی شکل‌گیری این جریان‌ها، در درازمدت نیز آثار عظیمی دارد. همان‌گونه که بارها سازمان‌های تروریستی وابسته به القاعده

اعلام کردند، یکی از اهداف اصلی آنان هدایت عملیات تروریستی در کشورهای اردن و عربستان سعودی به دلیل همکاری رژیم‌های آنان با دولت آمریکا بوده است. از این لحاظ هدایت عملیات تروریستی، منجر به تشدید جو بی‌اعتمادی بین دولت‌ها و ملت‌های منطقه غرب آسیا گشت. از سوی دیگر، گسترش فعالیت‌های تروریستی، تضاد سیاسی و فرهنگی بین جوامع را تشدید کرد و روابط ملت‌ها را تحت تأثیر قرار داد. این تضاد بیش از هر چیز میان جوامع غربی و اسلامی در حال افزایش است که آثار منفی آن برای نسل‌ها تداوم خواهد داشت و منجر به بی‌اعتمادی متقابل می‌شود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸).

از سویی پدیده تروریسم از جنبه اثرگذاری بر اقتصادهای ملی به تبع اقتصاد جهانی، تأثیرات اجتناب‌ناپذیری بر صلح و امنیت جهانی داشته است. در منطقه غرب آسیا این امر ضرر سنگینی بر اقتصاد بیمار وابسته منطقه داشته است؛ به گونه‌ای که حتی افزایش قیمت نفت و انرژی نیز نتوانسته است گامی در جهت بهبود برنامه‌های اقتصادی کشورهای این منطقه باشد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸).

از آنجاکه مسائل سیاسی و جریان‌های اقتصادی با گردشگری در ارتباط نزدیک هستند و بر کمیت و کیفیت آن اثر می‌گذارد؛ از دیگر سو اصطلاحات جغرافیایی، هویت، مکان و زمان انسان‌ها را تعریف می‌کنند. امروزه غرب آسیا تنها یک تعبیر ساده جغرافیایی نیست و به‌عنوان یکی از مناطق گردشگری جهان در سال‌های اخیر با منازعات و بحران‌های متعددی روبه‌رو بوده است و همچنین به علت اهمیت ژئوپولیتیک و نیز برخورداری از جاذبه‌های گردشگری در غرب آسیا و همچنین مطالعه تأثیر رویدادهای سیاسی از جمله تروریسم بر گردشگری این منطقه که کمتر مورد پژوهش قرار گرفته است ضروری به‌نظر می‌رسد؛ بنابراین مقاله حاضر به بررسی اثر حوادث تروریستی بر تقاضای گردشگری در متخبی از کشورهای غرب آسیا، طی دوره زمانی ۱۹۹۰-۲۰۱۹ به روش پانل دیتا می‌پردازد.

بر این اساس سازمان‌دهی مقاله به شرح ذیل است: ابتدا مروری بر وضعیت حوادث تروریستی در مناطق مختلف جهان خواهد شد. در ادامه ادبیات نظری و مطالعات تجربی در زمینه تقاضای گردشگری مرور می‌شود. در بخش بعد مدل پژوهش، سپس برآورد مدل و تفسیر نتایج ارائه و در بخش پایانی نیز نتیجه‌گیری و پیشنهادهای پژوهش بیان می‌شود.

بررسی اثر فعالیت‌های تروریستی بر تقاضای... (سمیرا متقی، آناهیتا سیفی، اصغر ابوالحسنی و صلاح ابراهیمی) ۱۱۵

۲. مبانی نظری: مروری بر تروریسم پس از جنگ جهانی دوم

با تسامح می‌توان گفت در جهان امروز، پدیده تروریسم به‌عنوان عامل محرکه تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جایگزین پدیده‌های سیاسی شناخته‌شده مثل انقلاب‌ها، جنگ‌ها کودتاها و شورش‌ها شده و حیات سیاسی را با چالش روبه‌رو نموده است (فیرحی و همکاران، ۱۳۸۷). هرچند تروریسم در همه اشکال و مظاهر به‌منزله تهدیدی جدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی به‌شمار می‌رود؛ ولی مبارزه با آن رعایت استانداردهای حقوق بشری را می‌طلبد. فعالیت‌های تروریسم قبل از ۱۱ سپتامبر در آمریکای لاتین، بخشی از اروپا و آسیای شرقی سهم بالایی داشته، اما پس از ۱۱ سپتامبر، بالاترین سهم از حملات تروریسم در غرب آسیا بوده است. (پایگاه اطلاعات جهانی تروریسم، ۲۰۱۸) افزون بر این، براساس آمار جدول ۱ طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۷ بیشترین تمرکز فعالیت‌های تروریستی در سوریه، عراق و افغانستان بوده است که عمده این تهدیدات از جانب گروه‌های افراطی مانند طالبان، القاعده و داعش بوده است.

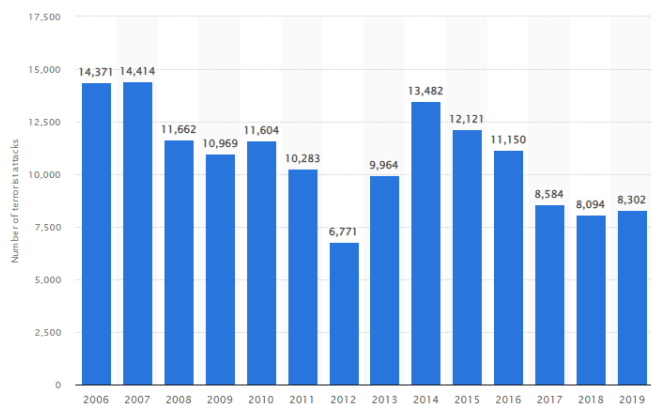
جدول ۱. تمرکز فعالیت‌های تروریستی در جهان قبل و بعد از ۱۱ سپتامبر

از سال ۱۹۷۰ تا ۱۱ سپتامبر		از ۱۱ سپتامبر تا سال ۲۰۱۴	
کشور	درصد از کل فعالیت‌های تروریستی	کشور	درصد از کل فعالیت‌های تروریستی
کلمبیا	۸/۸۸	عراق	۲۵/۷۷
پرو	۸/۳۵	هند	۹/۴۸
السالوادور	۷/۳۸	افغانستان	۹/۰۳
ایرلند شمالی	۵/۱۳	پاکستان	۷/۶۳
هند	۴/۶۱	تایلند	۵/۸۴
اسپانیا	۴/۱۴	فیلیپین	۳/۸۵
ترکیه	۳/۴۹	روسیه	۳/۶۵
شیلی	۳/۱۵	کلمبیا	۳/۲۲
سریلانکا	۳/۰۳	اسرائیل	۲/۸۹
فیلیپین	۲/۹۶	نپال	۲/۵۵

(پایگاه اطلاعات جهانی تروریسم، ۲۰۱۸)

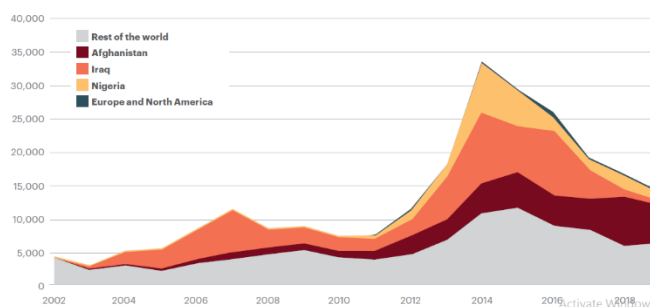
هرچند با توجه به گزارش شاخص جهانی تروریست ۲۰۲۰، قدرت و نفوذ داعش در

سال ۲۰۱۹ کاهش یافته و تلفات وابسته به این گروه‌ها از ۱۵۷۱ نفر به ۹۴۲ نفر رسیده است (GII, 2020). براساس آمار پایگاه اطلاعات جهانی تروریسم (۲۰۲۱)، تعداد فعالیت‌های تروریستی از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۹ در جهان متغیر بوده است.



نمودار ۱. تعداد حوادث مرتبط با فعالیت‌های تروریستی در جهان (منبع: statista research department, 2020)

همان‌طور که در نمودار (۱) نشان داده شده است؛ سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ به ترتیب ۱۴۳۷۱ و ۱۴۴۱۴ حمله تروریستی را که بالاترین حد از حمله تروریستی در سطح جهان بوده را به خود اختصاص داده‌اند؛ پس از آن در سال ۲۰۱۲ عملیات تروریستی با ۶۷۷۱ حمله در سطح جهانی به پایین‌ترین سطح خود رسید. در سال ۲۰۱۴ تعداد عملیات تروریستی نسبت به سال ۲۰۱۲ بیش از دو برابر شد که نشان‌دهنده جهش بزرگی در تعداد فعالیت‌های تروریستی در جهان با ۱۳۴۸۲ حمله بوده که به‌طور عمده ناشی از افزایش اقدامات تروریستی در کشورهای غرب آسیا مانند عراق و سوریه بوده است.



نمودار ۲. تعداد مرگ و میر ناشی از تروریسم ۲۰۰۲-۲۰۱۹ (start GTD, IEP calculation 2020)

بررسی اثر فعالیت‌های تروریستی بر تقاضای... (سمیرا متقی، آناهیتا سیفی، اصغر ابوالحسنی و صلاح ابراهیمی) ۱۱۷

همان‌طور که در نمودار ۲ نشان داده شده است، در دو دهه گذشته چندین مرحله متمایز در فعالیت تروریستی وجود داشته است. پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، بیشترین فعالیت‌های تروریستی در سطح جهان نزدیک به یک دهه در عراق و افغانستان متمرکز بود. پس از وقایع بهار عربی و ظهور داعش، موجی از تروریسم در سرتاسر غرب آسیا، به ویژه در سوریه و عراق افزایش یافت؛ که در سال ۲۰۱۴ در اوج خود، بیش از ۳۳۰۰۰ نفر در حملات تروریستی در یک سال کشته شدند.

در سال‌های اخیر شاهد کاهش موج تروریسم در سراسر جهان بودیم، به طوری که مرگ و میر ناشی از تروریسم از سال ۲۰۱۴ به بعد رو به کاهش است. بیشترین کاهش در عراق و سوریه رخ داده است که ناشی از پایان یافتن جنگ داخلی سوریه، فروپاشی داعش و افزایش هماهنگی مبارزه با تروریسم در سطح دولتی و بین‌المللی بوده است. با این وجود افغانستان با افزایش ۴۳۹ درصدی مرگ و میر ناشی از تروریسم در سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۹ روبه‌رو گردیده که این خود حاکی از بی‌ثباتی سیاسی، اجتماعی و ناامنی در این کشور است (GTI, 2020).

۳. پیشینه پژوهش

بر اساس مباحث اقتصاد خرد (microeconomics)، تقاضا، نیروی محرکه نیازی تلقی می‌شود که برای رضایت از آن، بنگاه‌ها در ازای دریافت پاداش مناسب، به فعالیت در تولید آن کالا و خدمات مشغول می‌شوند. بیشتر تحلیل‌های اقتصادی اساساً به علائم رفتار مصرف‌کننده توجه دارند و میزان مطلوبیت حاصل از خرید برای رفع نیازهای فرد را محاسبه می‌کنند، به طوری که نظریه رفتار مصرف‌کننده این فعالیت را مورد بررسی قرار می‌دهد؛ اما از آنجا که اقتصاددانان بیشتر به تقاضای کل توجه دارند، تقاضا را می‌توان مقدار محصولی تعریف کرد که در یک دوره زمانی معین، خریداران مایل و قادر به خرید آن در قیمت‌های داده شده می‌باشند؛ بنابراین، تابع تقاضای معمولی برای یک مصرف‌کننده، تعداد کالاهایی را که مصرف‌کننده به صورت تابعی از قیمت کالا و درآمد خود خریداری می‌نماید نشان می‌دهد. تئوری تقاضا مبتنی بر نظریه رفتار مصرف‌کننده است و می‌توان ادعا کرد که نقطه شروع نظریه رفتار مصرف‌کننده در تمام متن‌های اقتصادی، عقلایی رفتار کردن مصرف‌کننده است.

فرض بر این است که مصرف‌کننده از میان تمامی کالاها و خدمات موجود، آن‌هایی را انتخاب کند که در مجموع، حداکثر رضایت خاطر را برای وی ایجاد می‌کنند. این بیانگر این است که مصرف‌کننده از وجود تمام انتخاب‌های ممکن آگاهی دارد و قادر به ارزیابی آن‌ها است (Henderson et al., 1381)؛ از طرفی دیگر، انتخاب مصرف‌کننده محدود به بودجه وی بوده، در این شرایط فرد در پی یافتن بهترین انتخاب ممکن است. عموم نظریه‌پردازان اقتصادی معتقدند تحلیل رفتار مصرف‌کننده نیازمند آن است که مصرف‌کننده قادر به رتبه‌بندی کالاها براساس رجحان خویش باشد. مصرف‌کننده پس از رتبه‌بندی کالاها و خدمات براساس ذوق و سلیقه‌اش و با در نظر گرفتن محدودیت‌های درآمدی، ترکیبی را انتخاب می‌کند که بالاترین میزان مطلوبیت را برای وی داشته باشد.

نکته مهم و پیچیده ماهیت چندبعدی گردشگری، در پیچیدگی‌های تقاضای گردشگری منعکس شده است. به‌طور مشخص صنعت گردشگری به‌عنوان سیستم اقتصادی عرضه و تقاضا در نظر گرفته می‌شود که در آن نیازهای گردشگران با تنوع گسترده‌ای از کسب و کارها و فروش کالاها و خدمات تأمین می‌شود. از نظر اقتصادی، گردشگران به‌عنوان مصرف‌کننده هستند و انتظار می‌رود که رفتار این گروه در بازار گردشگری بتواند با استفاده از نظریه‌های مصرف‌کننده و تقاضا تجزیه و تحلیل شود؛ بنابراین هدف گردشگر نیز به‌دست آوردن حداکثر مطلوبیت و رضایت از سفر است.

تقاضای گردشگری را می‌توان برای گروهی از کشورها یا ایالتی خاص، منطقه و نواحی مختلف تجزیه و تحلیل کرد. هم‌چنین تقاضای گردشگری را می‌توان توسط برخی طبقه‌بندی‌ها، مانند نوع بازدید (برای مثال جهانگردی تجاری یا تعطیلاتی) یا نوع جهانگرد (ملیت، سال، جنسیت و...) تجزیه و تحلیل نمود؛ از دیگر سو تقاضای گردشگری را می‌توان در رابطه با انواع خاص محصولات جهانگردی مانند جهانگردی ورزشی یا اکوتوریسم یا اجزاء خاص محصولات جهانگردی مانند محل اقامت مانند محل اقامت و حمل و نقل، تجزیه و تحلیل کرد (Garrod, 2008).

تابع تقاضای گردشگری نشان‌دهنده رابطه بین تقاضای گردشگری و عوامل تأثیرگذار بر تقاضای آن است. گروه متغیرهایی که بر تقاضای گردشگری تأثیر می‌گذارند بستگی به

بررسی اثر فعالیت‌های تروریستی بر تقاضای... (سمیرا متقی، آناهیتا سیفی، اصغر ابوالحسنی و صلاح ابراهیمی) ۱۱۹

اهداف بازدید دارد. بازدیدهای گردشگری می‌تواند به دلایل متفاوتی مانند گذراندن تعطیلات، سفرهای کاری و تجاری، دیدار دوستان و آشنایان، سفرهای مذهبی، درمانی، ورزشی و... رخ دهد. تقاضا برای جهانگردی از طرق مختلف اندازه‌گیری می‌شود. اکثر مطالعاتی که تابع تقاضای گردشگری را بررسی کرده‌اند از تعداد گردشگر ورودی به عنوان متغیر وابسته یا میزان گردشگری استفاده کرده‌اند. همانند تابع تقاضای عمومی، متغیر درآمد برای توضیح تقاضای گردشگری مورد استفاده قرار گرفته شده است.

با توجه به سطح درآمدی یک کشور یا یک فرد گردشگری می‌تواند کالایی لوکس باشد یا نباشد ولی عموماً با توجه به ماهیت گردشگری، مطالعات زیادی نشان می‌دهند که کشش درآمدی گردشگری اکثر اوقات بیشتر یا نزدیک واحد بوده است (Walsh, 2000). بررسی قیمت در تابع تقاضای ساختار پیچیده تری نسبت به درآمد در مورد تقاضا دارد. تعریف قیمت گردشگری بسیار مشکل است، زیرا هزینه گردشگری تابعی از ترکیب کل کالاها و خدمات مصرف‌شده توسط هر گردشگر است. اگرچه کوشش‌هایی در زمینه بهبود شاخص گردشگری به عمل آمده، اما اطلاعاتی در زمینه قیمت گردشگری در دسترس نیست. نرخ ارز تقاضای گردشگری را صورت مستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهد و در بیشتر مطالعات در حوزه گردشگری به عنوان یک پراکسی قیمت (در مقصد یا کشور میزبان) در نظر گرفته می‌شود.

در کنار سایر عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر جریان بین‌المللی گردشگری، نرخ ارز نقش بالایی در توضیح روندهای گردشگری در دنیا ایفا کرده است (Eilat & Einav, 2004). با کاهش ارزش پول ملی یک کشور میزان مسافرت‌های خارجی به آن کشور ممکن است افزایش یابد. مسافرانی که از خارج به کشور مقصد می‌آیند، با افزایش قیمت دلار در کشور مبدأ، با دلارهایشان می‌توانند پول بیشتری به واحد کشور مقصد دریافت کنند و همین مسئله نیز می‌تواند رشد مسافرت‌های خارجی به کشور مقصد را افزایش دهد.

با گسترش فعالیت‌های تروریستی در جهان، رابطه گردشگری با حوادث تروریستی به یک بخش جذاب در مطالعات تجربی تبدیل شده است. تروریسم در مفهوم مدرن از کلمه فرانسوی "terror" که به معنی، ترس شدید و اضطراب که تأثیرات ویژه‌ای بر افراد ایجاد

می‌کند و به‌طور معمول به معنای واکنش ناخودآگاه است، تعریف شده است. تروریسم جهانی در جامعه امروز، به یک واقعیت شدید شده است. همان‌گونه که ساندلر و اندرس (Sandlers & Enders) (۲۰۰۲) بیان کرده‌اند، تروریسم استفاده یا تهدید به استفاده از خشونت‌های غیر رسمی برای دستیابی به اهداف سیاسی از راه ارباب یا ترس هدایت‌شده به یک مخاطب بزرگ است. به عبارتی هدفی سیاسی وجود دارد که اقدامات تروریستی برای رسیدن به آن طراحی شده است. هدف اصلی کوتاه‌مدت در فعالیت‌های تروریستی بی‌ثباتی اقتصادی است. حملات تروریستی (مانند بمب‌گذاری و ترور) به معنای دستیابی به این هدف کوتاه‌مدت است. اهداف سیاسی بلندمدت (برای مثال، توزیع مجدد قدرت و ثروت) از راه چنین حملات تروریستی محتمل است. مجموع این عوامل با ایجاد ناامنی، ورود گردشگران خارجی و همچنین سرمایه‌گذاری سایر کشورهای در بخش گردشگری کشور هدف را به‌صورت منفی تحت تأثیر قرار می‌دهد.

هارتز (Hartz) (۱۹۸۹)، استدلال می‌کند که گردشگران رفتار رفت و آمد خود را به مقاصد خطرناک به دلیل خطر تروریسم تغییر می‌دهند. اندرس و ساندلر (۱۹۹۱) در مطالعه‌ای رابطه‌ای علی بین تروریسم بین‌المللی و گردشگری در اسپانیا را بررسی کرده‌اند. داده‌های تحقیق به‌صورت سری زمانی ماهانه از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۸ و با روش خود رگرسیون برداری استفاده شده است. نتایج نشان داده است که علیت یک‌طرفه از تروریسم به گردشگری وجود دارد. صدیقی و همکاران (۲۰۰۱) بیان می‌کند که بی‌ثباتی سیاسی که ممکن است ناشی از حملات تروریستی باشد منجر به کاهش تعداد ورودی به برخی از مناطق گردشگری شود.

مطالعات چن و نوریکی (Chen & Noriegi) (۲۰۰۴)، فلویید (Floyd) و همکاران (۲۰۰۳) و کینگزبوری و بارون (Kingsbury & Brunn) (۲۰۰۴) نشان داده‌اند که تقاضای لغو سفر یا برنامه تعطیلات پس از حملات ۱۱ سپتامبر افزایش یافته است. الساریر (Alsarayreh) و همکاران (۲۰۱۰) اثر تروریسم را بر فعالیت‌های گردشگری بین‌المللی بررسی کرده‌اند. داده‌های اولیه از راه پرسش‌نامه از ۴۲ کشور مختلف جمع‌آوری شده است.

بررسی اثر فعالیت‌های تروریستی بر تقاضای... (سمیرا متقی، آناهیتا سیفی، اصغر ابوالحسنی و صلاح ابراهیمی) ۱۲۱

نتایج آماری نشان می‌دهد که اکثر پاسخ‌دهندگان بر این باورند که تروریسم فعالیت‌های گردشگری بین‌المللی را کاهش داده است. هندرسون (Henderson) و همکاران (۲۰۱۰) اثر تروریسم و گردشگری را به‌طور خاص به صنعت هتل سنگاپور بررسی کرده‌اند. در این مطالعه چهار مصاحبه با مقامات امنیتی هتل‌های استاندارد سنگاپور انجام شده است. نتایج نشان داده است که فعالیت‌های تروریستی تأثیر نامطلوبی بر جذب گردشگری داشته است. هتل‌ها اهدافی جذاب برای حملات تروریستی هستند؛ در نتیجه افزایش تدابیر امنیتی در هتل‌های گردشگری، بر جذب توریست اثر منفی داشته است.

رضا و جاوید (Raza & Jawaid) (۲۰۱۳) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه تروریسم و گردشگری در پاکستان طی دوره زمانی ۲۰۱۰-۱۹۸۰ با روش اتورگرسیون با وقعه توزیعی (Auto Regressive Distributed lag) پرداخت. نتایج نشان‌دهنده اثرات منفی تروریسم بر گردشگری هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت است. همچنین نتایج روش حداقل مربعات معمولی پویا (Dynamic Ordinary Least Squares method) نشان می‌دهد که این اثر منفی در آینده نیز باقی خواهند ماند. همچنین نتایج علیت تودا و یاماموتو نشان‌دهنده یک رابطه علی یک‌طرفه از تروریسم به گردشگری در پاکستان است.

عمده مطالعات در زمینه گردشگری بررسی اقتصادی گردشگری بوده است. کولیو (Culiuc) (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای به بررسی عوامل مؤثر بر تقاضا گردشگری در کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی طی دوره ۱۹۹۹-۲۰۱۱ به روش پانل دیتا پرداخت. نتایج این مطالعه نشان داد که درآمد سرانه، تجارت خارجی، نرخ ارز واقعی و آزادی اقتصادی اثر مثبت و معنی‌داری بر ورود گردشگری به کشورهای مورد مطالعه داشته است اما تورم اثر منفی بر ورود گردشگران خارجی به کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی داشته است.

دلونا و جاون (Deluna & Jeon) (۲۰۱۴) به بررسی عوامل مؤثر بر ورود گردشگری به فیلیپین طی دوره زمانی ۱۹۸۷-۲۰۱۱ با استفاده از مدل جاذبه پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد که تورم اثر منفی و درآمد سرانه، نرخ ارز، مخارج دولت و آزادی اقتصادی اثر

مثبت بر ورود گردشگر به فیلیپین طی دوره مورد مطالعه داشته است.

مارتین (Martin) (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای برآورد تقاضای گردشگری در صنعت هوانوردی مالاگرا را به روش سری زمانی ساختاری مورد بررسی قرار داده است. نتایج کلی این مطالعه نشان داد که ترافیک اثر منفی و مخارج دولتی برای زیرساخت‌های گردشگری اثر مثبت بر توسعه صنعت تقاضای گردشگری در بخش هوانوردی داشته است.

رسولی (۱۳۸۱) در مطالعه‌ای به شناسایی عوامل مؤثر بر تقاضای گردشگری ورودی به ایران با رویکرد اتو رگرسیون با وقفه توزیعی پرداخت. نتایج این مطالعه نشان داد که متغیرهای نرخ ارز، شاخص قیمت مصرف‌کننده و تجارت خارجی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تقاضای گردشگری در ایران بوده است. کاوه‌ئیان (۱۳۸۱) نیز در مطالعه‌ای دیگر با روش اثبات نشان داد که متغیرهای نرخ نسبی ارز در بازار رسمی، متغیر مجازی جنگ و انقلاب بیشترین تأثیر را بر تقاضای گردشگری بین‌المللی ایران داشته‌اند. نتایج این مطالعه بیان‌گر تأثیر منفی انقلاب و جنگ بر ورود گردشگران خارجی در ایران بوده است. راسخی‌نژاد (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای به صورت مقطعی و از روش تخمین هزینه سفر، به بررسی عوامل مؤثر بر تقاضای گردشگری داخلی پرداخت. نتایج این مطالعه نشان داد که عوامل مؤثر در تقاضای گردشگری به هزینه هر شب اقامت در هتل، درآمد خانوار، تعداد گردشگران ورودی، هزینه سفر، هزینه حمل و نقل و تفریحات و سرگرمی بستگی دارد.

یاوری و همکاران (۱۳۸۹) رابطه میان صنعت توریسم و رشد اقتصادی در کشورهای عضو کنفرانس اسلامی (OIC) بررسی کرده‌اند؛ بنابراین به منظور پاسخ دادن به این پرسش که «آیا بخش توریسم منجر به رشد اقتصادی کشورهای اسلامی خواهد شد و آیا می‌تواند به عنوان یک عامل مؤثر بر توسعه اقتصادی آن‌ها باشد یا خیر؟» مدل‌سازی داده‌ها و اطلاعات آماری در این تحقیق بر پایه مدل‌های پانل پویا و پانل ایستا قرار گرفته و رابطه میان توریسم و رشد اقتصادی در کشورهای اسلامی طی دوره زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۷ با استفاده از تخمین زن‌های، گشتاورهای تعمیم‌یافته، اثرات ثابت و اثرات تصادفی برآورد شده است. نتایج تجربی حاصل از این پژوهش، رابطه مثبت میان مخارج توریسم و رشد

بررسی اثر فعالیت‌های تروریستی بر تقاضای... (سمیرا متقی، آناهیتا سیفی، اصغر ابوالحسنی و صلاح ابراهیمی) ۱۳۳

اقتصادی (افزایش GDP سرانه) در این کشورها را تأیید می‌کند.

مؤمنی و صالحیان و غلامی‌پور (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای به تخمین تابع تقاضای گردشگری در استان‌های منتخب طی دوره زمانی ۱۳۸۴-۱۳۸۹ به روش پانل دیتا پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد که شاخص بهای کالا و خدمات مصرفی و نسبت قیمت هتل در شهر مقصد نسبت به شهر مبدأ مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تقاضای گردشگری در استان‌های منتخب بوده است.

خدایانه و حسنونند (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای رابطه میان گردشگری و رشد اقتصادی در منتخبی از کشورهای در حال توسعه (شامل کشورهای آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین) در دوره زمانی ۱۹۹۹-۲۰۱۱ و با استفاده از تخمین زن‌های اثرات ثابت و گشتاورهای تعمیم‌یافته سیستمی به کمک نرم‌افزار stata11 برآورد شده است. عواملی که باعث شد در مطالعه حاضر، روش گشتاورهای تعمیم‌یافته سیستمی را مورد استفاده قرار دهیم، وجود متغیرهای درون‌زا، وجود وقفه‌ای از متغیر وابسته و همچنین خودهمبستگی بین جملات خطا بود. نتایج تجربی حاصل از این تحقیق، رابطه مثبت بین توسعه گردشگری و رشد اقتصادی را در این کشورها تأیید می‌کند.

۴. روش پژوهش

مدلی که در این مطالعه مورد استفاده قرار می‌گیرد به صورت زیر است که از مطالعه دلونا و جاون (۲۰۱۴) اقتباس شده است:

$$Q_{it} = \beta_1 + \beta_2 \text{Terorr}_{it} + \beta_3 \text{GDP}_{it} + \beta_4 \text{Trade}_{it} + \beta_5 \text{EXCH}_{it} + \beta_6 \text{GOV}_{it} + \varepsilon_{it}$$

Q : تعداد ورودی گردشگران خارجی در کشور i و زمان t ; Terorr : تعداد حوادث تروریستی در کشور i و زمان t ; GDP : درآمد سرانه در کشور i و زمان t ; Exch : نرخ ارز در کشور i و زمان t ; Trade : تجارت خارجی در کشور i و زمان t ; GOV : مخارج دولت در زمینه گردشگری در کشور i و زمان t .

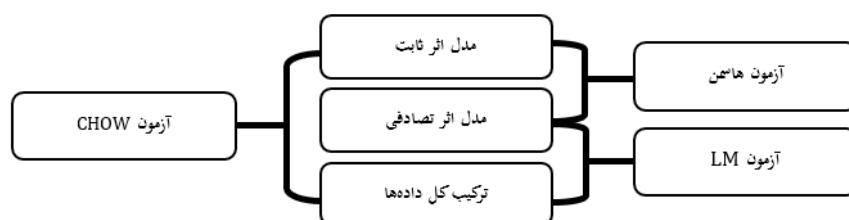
در مطالعات گردشگری از شکل لگاریتمی متغیرها استفاده می‌شود. دلیل این است که مدل یک کشش ثابت خواهد بود و ضرایب برآورد شده مستقیماً به عنوان کشش تفسیر می‌شوند. همچنین مدل‌های کشش ثابت برای توصیه‌های سیاستی مناسب‌تر هستند.

در این مطالعه برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش پانل دیتا استفاده خواهد شد. زمانی که از داده‌های پانلی استفاده می‌شود باید آزمون‌های مختلفی برای تشخیص روش تخمین مناسب انجام داد. رایج‌ترین آزمون در این زمینه آزمون چاو (Chow Test) و آزمون هاسمن (Hausman test) است. آزمون چاو برای تصمیم در مورد انتخاب روش حداقل مربعات معمولی (Ordinary Least Squares) یا مدل آثار ثابت به کار می‌رود. مفروضات این مدل به صورت زیر است:

$$H_0 = \mu_1 = \mu_2 = \dots = \mu_{n-1} = 0$$

$$H_1 = \text{Not}$$

پارامتر μ ضریب متغیر مجازی در مدل آثار ثابت است. در این آزمون، فرضیه صفر بیانگر یکسان بودن ضرایب و عرض از مبدأ در داده‌های مورد مطالعه است. از این رو، رد فرضیه صفر مبین استفاده از داده‌های پانلی و عدم رد فرضیه صفر بیانگر استفاده از روش حداقل مربعات معمولی ادغام شده است. اگر در آزمون چاو تشخیص داده شود که می‌توان برای تمام مقاطع یا زمان‌ها در مطالعه، عرض از مبدأهای جداگانه در نظر گرفت، آنگاه باید به آزمون انتخاب بین تخمین با اثرات تصادفی گروهی یا زمانی نیز مبادرت ورزید. فرض اصلی در الگوی اثرات ثابت این است که جزء خطا می‌تواند با متغیرهای توضیحی همبسته باشد در حالی که در الگوی اثرات تصادفی فرض می‌شود که همبستگی بین جزء خطا با متغیرهای توضیحی وجود ندارد. آزمون هاسمن نیز از معیار کای-دو استفاده می‌کند در صورتی که احتمال آماره آزمون بیش از ۰/۰۵- باشد، در سطح معنی داری ۰/۹۵٪ می‌توان اثرات تصادفی را به اثرات ثابت ترجیح داد؛ در غیر این صورت اثرات ثابت انتخاب می‌شود. فرایند بالا را به‌طور خلاصه می‌توان به شکل زیر نشان داد.



شکل ۱. آزمون‌های تشخیص در داده‌های ترکیبی

بررسی اثر فعالیت‌های تروریستی بر تقاضای... (سمیرا متقی، آناهیتا سیفی، اصغر ابوالحسنی و صلاح ابراهیمی) ۱۲۵

بررسی وجود هم‌جمعی متغیرها در داده‌های ترکیبی اهمیت ویژه‌ای دارد. در این مطالعه برای انجام آزمون هم‌جمعی داده‌های ترکیبی از روش کائو (Kao) (۱۹۹۹) استفاده می‌شود. کائو آزمون هم‌جمعی تعمیم‌یافته دیکی-فولر را با این فرض که بردارهای هم‌جمعی در هر مقطع همگن باشند، به صورت زیر ارائه کرد:

$$\hat{e}_{it} = \gamma \hat{e}_{it-1} + \sum_{j=1}^p J_j \Delta \hat{e}_{it-j} + v_{itp}$$

در رابطه بالا، e_{it} تخمین رابطه بلندمدت با روش داده‌های ترکیبی و p تعداد وقفه‌ها در آزمون ADF است که اندازه آن بستگی به رفع خودهمبستگی بین اجزاء خطا دارد. همچنین J_j ضریب متغیر تفاضل وقفه‌های آزمون و v_{itp} خطای معادله تخمین زده شده فوق است. به عبارت دیگر در این آزمون مانند آزمون‌های DF_t و DF_γ پس از رابطه بلندمدت، خطای تخمین محاسبه و سپس با استفاده از رابطه بالا آزمون ADF انجام می‌شود. فرضیات این آزمون مانند فرضیات آزمون‌های DF_t و DF_γ است و آماره‌ی آزمون دارای توزیع t استاندارد است به عبارت دیگر پس از محاسبه رابطه‌ی بالا معنی‌داری ضریب γ با استفاده از جدول توزیع t استاندارد آزمون می‌شود.

۵. برآورد مدل

نتایج آزمون‌های پایایی

به کارگیری روش‌های سنتی در اقتصادسنجی مبتنی بر فرض ایستا بودن متغیرها است؛ بنابراین برای جلوگیری از رخ دادن پدیده‌ی رگرسیون کاذب در هنگام برآورد الگو، ابتدا لازم است که ایستایی متغیرها مورد بررسی و آزمون قرار گیرد؛ برای بررسی پایایی متغیرها، آزمون لین و لوین (LL) که کاربرد بیشتری در بررسی ایستایی متغیرها در داده‌های ترکیبی دارد استفاده می‌شود. بررسی آزمون‌ها از طریق نرم‌افزار ایوبوز ۹ و از طریق معنی‌داری براساس Prob در سطح پنج درصد تعیین می‌گردد. با توجه به اینکه P-Value محاسبه‌شده کمتر از پنج درصد باشد، فرضیه‌ی وجود ریشه واحد برای آن متغیر رد می‌شود. نتایج آزمون ایستایی متغیرها در جدول (۲) نشان داده شده است.

جدول ۲. نتایج آزمون ایستایی متغیرها به روش لین و لوین (سطح)

متغیر	آماره آزمون	احتمال	ایستایی / نایستایی
Q	-۴/۳۲	۰/۰۰۰	ایستا
GDP	۱/۸۸	۰/۹۵	نایستا
TRADE	-۳/۷۶	۰/۰۰	ایستا
TERORR	۵/۳۹	۰/۹۹	نایستا
EXCH	-۸/۴۸	۰/۰۰	ایستا
GOV	-۰/۹۱	۰/۲۲	نایستا

براساس نتایج آزمون، متغیرهای تجارت خارج، تقاضای توریست و نرخ ارز ایستا هستند. سایر متغیرهای تحقیق نیز نایستا هستند. نتایج تفاضل مرتبه اول متغیرهای نایستا در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون ایستایی متغیرها به روش لین و لوین (تفاضل اول)

متغیر	آماره آزمون	احتمال	ایستایی / نایستایی
GDP	۱/۸۸	۰/۹۵	نایستا
TERORR	۵/۳۹	۰/۹۶	نایستا
GOV	-۰/۹۳	۰/۲۱	نایستا

براساس نتایج جدول (۳)، تفاضل مرتبه اول متغیرها درآمد سرانه، حوادث تروریستی و مخارج مصرفی دولتی درزمینه گردشگری ایستا شده است. از آنجاکه برخی متغیرهای تحقیق ایستا و برخی دیگر نایستا هستند، پیش از برآورد مدل برای بررسی وجود یا عدم وجود رگرسیون کاذب، آزمون هم‌جمعی انجام می‌شود. نتایج آزمون هم‌جمعی کائو در جدول (۴) نشان داده شده است.

جدول ۴. نتایج آزمون هم‌جمعی کائو

آماره آزمون	احتمال
-۵/۹۲	۰/۰۰۰

نتایج جدول (۴) نشان می‌دهد که فرضیه صفر آزمون کائو مبنی بر عدم هم‌جمعی رد می‌شود. به عبارتی یک رابطه هم‌جمعی بین متغیرهای مستقل و وابسته وجود دارد.

بررسی اثر فعالیت‌های تروریستی بر تقاضای... (سمیرا متقی، آناهیتا سیفی، اصغر ابوالحسنی و صلاح ابراهیمی) ۱۲۷

نتایج تخمین مدل

برای برآورد مدل ابتدا با استفاده از آزمون‌های تشخیصی (چاو و هاسمن) نوع مدل انتخاب می‌شود. برای آزمون چاو، ابتدا مدل اثر ثابت زمانی تخمین زده شده است؛ سپس آزمون چاو را انجام داده براساس آماره F لیمر استفاده از روش حداقل مربعات تجمیع شده رد خواهد شد. نتایج آزمون به صورت خلاصه در جدول (۵) آمده است.

جدول ۵. آزمون چاو برای تشخیص الگوی داده‌های ترکیبی یا تلفیقی

نتیجه	P-Value	مقدار محاسبه شده F	آزمون اثرات ثابت (چاو)
رد H_0	۰/۰۰۰۰	۸۹/۶۲	

برای انجام آزمون هاسمن ابتدا مدل را به صورت اثر تصادفی تخمین زده و سپس آزمون هاسمن انجام می‌شود. نتایج آزمون هاسمن در جدول (۶) آمده است که حاکی از استفاده از تأیید اثرات ثابت در برابر اثرات تصادفی است.

جدول ۶. آزمون هاسمن برای تشخیص الگوی اثرات ثابت یا تصادفی

نتیجه	P-Value	مقدار محاسبه شده F	آزمون هاسمن
رد H_0	۰/۰۰۰	۷۴/۲۱	

نتایج برآورد مدل در جدول (۷) به روش اثرات ثابت برآورد شده است.

جدول ۷. نتایج برآورد مدل

احتمال	اثرات ثابت		روش
	آماره T	ضریب	متغیر توضیحی
۰/۰۰۰	۶/۷۳	۰/۷۶	GDP
۰/۰۰۰	۶/۱۵	۰/۰۰۰۰۶۲۱	GOV
۰/۰۲۱۷	-۲/۳۸	-۰/۰۰۰۰۷۹	Terror1
۰/۰۸۶	۱/۷۵	۰/۰۰۲۶	TRADE
۰/۰۰۵۱	۲/۹۱	۰/۰۰۲۴۸	EXCH
۰/۰۰۰	۲/۳۴	-۲/۱۲	C

آزمون‌های آماری

R2 = ۰/۹۵ F-Statistic (Prob)= ۰/۰۰۰

نتایج جدول (۷) برای مدل اثرات ثابت نشان می‌دهد که مدل برآوری از نظر شاخص‌های آماری در وضعیت مناسبی قرار دارد. آماره F بیانگر معناداری کل رگرسیون است. به عبارتی این فرضیه که ضرایب متغیرهای مستقل مدل می‌توانند صفر باشند رد می‌شود و کل رگرسیون معنی‌دار است. ضریب تعیین نشان می‌دهد که ۹۶٪ از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل توضیح داده شده است که گویای برازش مناسب مدل است.

تغییر نرخ ارز بر قدرت نسبی خرید و بنابراین بر تقاضای گردشگری پزشکی مؤثر است، به گونه‌ای که با افزایش نرخ ارز و افزایش قدرت خرید پول کشور مبدأ ممکن است افراد بیشتری برای مسافرت به کشور مقصد انگیزه پیدا کنند؛ بنابراین با کاهش ارزش پول ملی یک کشور سفر به آن کشور ارزان‌تر می‌شود. گردشگران بین مقاصد گردشگری، کشوری را که نسبتاً ارزان‌تر از مقاصد دیگر است را انتخاب می‌کنند؛ بنابراین این نرخ با تقاضای گردشگری رابطه عکس دارد، بدین معنا که با افزایش این نرخ کشور مقصد گران‌تر بنابراین تقاضا برای گردشگری این مقصد کاهش می‌یابد.

با توجه به سایر نتایج این مطالعه همچنین تورم اثر منفی بر ورود گردشگران به کشورهای مورد مطالعه داشته است. همچنین GDP اثر مثبت و معنادار بر ورود گردشگری به کشورهای مورد مطالعه داشته است. درآمد متغیری است که عموماً در توضیح تقاضای گردشگری به کار می‌رود. تغییر در درآمد مصرف‌کننده می‌تواند باعث تغییر تقاضا برای کالاها و خدمات شود، افزایش درآمد حقیقی قدرت خرید مصرف‌کننده را افزایش داده و بنابراین باعث افزایش مصرف برخی از تولیدات برای ارائه به گردشگران خارجی شود.

براساس سایر نتایج این مطالعه، تجارت خارجی اثر مثبت و معناداری بر تقاضای گردشگری داشته است. براساس ادبیات موضوعی گردشگری، تجارت خارجی یکی از عوامل مؤثر بر تقاضای خارجی گردشگری به‌شمار می‌رود، به‌طوری که مسافرت‌های تجاری یکی از مؤلفه‌های مهم مسافرت بین‌المللی است. افزون بر این، گسترش حجم تجارت بین کشورهای مبدأ گردشگری و کشور مقصد اغلب منجر به تداوم مسافرت به کشور مقصد می‌شود؛ همچنین اثر مخارج دولت در زمینه گردشگری اثر مثبت و معناداری

بررسی اثر فعالیت‌های تروریستی بر تقاضای... (سمیرا متقی، آناهیتا سیفی، اصغر ابوالحسنی و صلاح ابراهیمی) ۱۳۹

بر جذب توریست داشته است. افزایش مخارج دولت در زمینه گردشگری با تقویت زیرساخت‌های گردشگری منجر بهبود وضعیت گردشگری و جذب بیشتر توریست از کشورهای دیگر می‌شود.

بر اساس نتایج جدول (۷)، متغیر تعداد تلفات تروریسم بر تقاضای گردشگری اثرگذار و با توجه به ضریب این تخمین که عددی منفی است نشان‌دهنده تأثیر منفی بر تقاضای گردشگری است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت، محیط‌هایی که امنیت جانی گردشگران در آن‌ها حفظ شود مطلوبیت بیشتری را نصیب گردشگران کرده، در اولویت انتخاب آن‌ها برای سفر قرار می‌گیرند و هرچه در کشوری تعداد تلفات تروریستی بیشتر باشد، شاهد کاهش تعداد گردشگران بین‌المللی ورودی به آن مناطق هستیم، از طرفی نیز تورها و کشورهای توریست فرست بر اینکه عواقب خطرات و کاهش اعتماد گردشگران را متحمل نشوند از فرستادن توریست به مناطق پرخطر جلوگیری می‌کنند که این خود باعث کاهش ورود گردشگر می‌شود؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که وجود گردشگری، تقاضای گردشگری را کاهش داده، بنابراین تقاضای گردشگر خارجی کاهش پیدا می‌کند.

میان گردشگری، ثبات و توسعه رابطه تعریف شده‌ای وجود دارد، زیرا توسعه زیرساخت‌های گردشگری تا حدود زیادی به سایر فعالیت‌های جاری و عمرانی یک منطقه، عوامل حمایت‌کننده، قوانین مقررات (امنیت)، اطلاع‌رسانی، هماهنگی سازمان‌های مرتبط و گسترش حمل و نقل در امور گردشگری وابسته است و هرگونه بروز ناامنی و به‌کارگیری خشونت در سطوح مختلف، زیان‌های جبران‌ناپذیری به این صنعت وارد می‌کند (رضایی و همکاران، ۱۴۰۰: ۶۹).

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

گردشگری ابزاری برای دیپلماسی عمومی و توسعه روابط بین‌الملل و پاسخ‌دهنده قدرتمندی است برای چالش‌های جهانی و تروریسم. گردشگری نه تنها از صلح بهره می‌برد، بلکه خود نیروی حیاتی برای گسترش صلح در بین ملت‌هاست. با توجه به تداوم یافتن اعمال تروریستی و تهدیدات مربوط به آن، بهبود امنیت نقش کلیدی برای توسعه گردشگری دارد.

درواقع بهبود امنیت در مناطق توریستی، یک عامل کلیدی جذاب برای تشویق گردشگران به یک سفر امن است. چه بسا امروزه گردشگران وقتی در مورد مکان مناسب برای گذراندن تعطیلات خود تصمیم می‌گیرند، افزون بر نرخ ارز، هزینه‌ها، مناظر و وضعیت آب‌وهوا و امکانات دیگر، وجود امنیت در آن مکان را در اولویت انتخاب خود قرار می‌دهند؛ بنابراین نقش امنیت در توسعه گردشگری با تأکید بر تروریسم بررسی شد.

امنیت و گردشگری، دو عنصر وابسته به یکدیگر، در فرآیند یک تعامل دوجانبه، تأثیر متقابل افزایشی یا کاهش‌ی نسبت به هم دارند. اثرات مستقیم تروریسم بر فرآیند، آسیب‌رسانی به زیرساخت‌ها و منابع فیزیکی و انسانی است و اثرات غیر مستقیم آن، شامل افزایش عدم قطعیت، کاهش سرمایه‌گذاری خارجی، تهدید فضای امنیتی و افزایش مخارج نظامی و امنیتی، افزایش هزینه تجارت و تضعیف آن و خسارت به صنعت گردشگری است. پارامترهای مختلفی بر توسعه اقتصادی کشورها تأثیرگذار است. از بین این پارامترهای تأثیرگذار، امنیت یکی از مهم‌ترین آنهاست. وجود امنیت در سطح داخلی و منطقه بر فرآیند توسعه اقتصادی تأثیر بسزایی دارد و دلیل موفقیت اصلی صنعت گردشگری است، چراکه آرامش، راحتی و امنیت از عوامل مؤثر در انتخاب مکان‌های جغرافیایی توسط گردشگر است. تروریسم به‌عنوان یکی از دشمنان اصلی این صنعت، بسیار مهم و تأثیرگذار بر اقتصاد جهانی است و نتیجه منطقی گسترش تروریسم، از بین رفتن صنعت تروریسم است.

وقوع جنگ، تروریسم و ناآرامی در منطقه غرب آسیا امری بسیار شایع بوده که اثرات زیان‌بار آن همواره گریبان‌گیر بسیاری از کشورهای منطقه بوده است. این اثرات زیان‌بار همواره خود را با اشکال مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی به کشورهای منطقه نشان داده است؛ اما در چند دهه اخیر با شکوفایی و رونق صنعت تروریسم و نقش انکارناپذیر آن در اقتصاد کشورهای جهان، در مناطق مختلف از جمله غرب آسیا، مورد توجه قرار گرفت؛ ولی با توجه به حضور تروریسم و مشکلات عدیده صنعت گردشگری در منطقه غرب آسیا، ضروری به نظر می‌رسد که صنعت گردشگری این منطقه به‌صورت دقیق‌تری بررسی شود.

بررسی اثر فعالیت‌های تروریستی بر تقاضای... (سمیرا متقی، آناهیتا سیفی، اصغر ابوالحسنی و صلاح ابراهیمی) ۱۳۱

از جمله شاخص‌هایی که بیشترین تأثیر را بر صنعت گردشگری غرب آسیا داشته، تروریسم است. همان‌طور که از نتایج می‌توان مشاهده نمود، تروریسم به‌عنوان یکی از فاکتورهای مهم در منطقه دارای آثار نامطلوب زیادی بر تقاضای گردشگری در کشورهای غرب آسیا است وجود تروریسم در یک کشور نه تنها موجب ناامنی در آن کشور می‌شود بلکه باعث به‌وجود آمدن تصویر منفی از کل منطقه که عموماً کشورهای مسلمان هستند می‌شود.

حملات تروریستی که هر از گاهی در کشورهای غرب آسیا مانند پاکستان، افغانستان و عراق به وقوع می‌پیوندد؛ باعث مخدوش شدن چهره کشورهای این منطقه می‌گردد که این امر تأثیر مخربی بر صنعت توریسم کشورهای منطقه دارد. هر انفجار تروریستی که در یکی از کشورهای غرب آسیا اتفاق می‌افتد، نتیجه ماه‌ها تبلیغات و شناسایی جاذبه‌ها و برگزاری سمینارهای توریستی را از میان برده؛ بنابراین کمتر گردشگری تمایل دارد وارد کشوری شود که از امنیت کامل برخوردار نیست و هر لحظه امکان انفجار وجود دارد. از طرفی، گروه‌های تروریستی، برای رسانه‌ای‌تر کردن اخبار حملات خود و نیز به‌وجود آوردن مشکلات بیشتر برای دولت‌ها و به‌منظور تحت فشار قرار دادن کشورها و تحمیل خواست‌های خود، در مواردی گردشگران خارجی را هدف اقدامات تروریستی قرار می‌دهند که این امر باعث به‌وجود آمدن شرایط وخیمی برای کشورهای منطقه غرب آسیا می‌گردد و تصویر بسیار نامطلوبی از کشورهای این منطقه در اذهان عمومی نقش می‌بندد که زدودن آن اگر غیر ممکن نباشد بسیار مشکل است و نیازمند فعالیت‌های دیپلماتیک گسترده‌ای است که آن نیز مستلزم تقبل هزینه‌های هنگفتی است.

از دیگر سو، تروریسم، ناامنی هزینه‌های معاملاتی در اقتصاد را افزایش می‌دهد برای مثال تمهیدات امنیتی برای تضمین ایمنی کارکنان و مشتریان ادارات و شرکت‌ها را بالا برده، اتلاف وقت در صف‌های طولانی و کنترل مدارک و وسایل اشخاص بیشتر شده و حق بیمه‌های برخی فعالیت‌های اقتصادی نیز به‌شدت افزایش می‌دهد. این موضوع افزون بر اثرات منفی بر رشد اقتصادی، سبب کاهش ورود توریست‌ها به یک کشور می‌شود؛ بنابراین

می‌توان بیان کرد که وجود تروریسم تقاضای گردشگری را کاهش داده بنابراین عایدی ناشی از تقاضای گردشگر خارجی کاهش پیدا می‌کند.

از آنجاکه در مورد امنیت آنچه بیش از اصل امنیت دارای اهمیت است، احساس امنیت (چه در زمینه سیاسی و اقتصادی و در چه زمینه اجتماعی و فرهنگی) است، با انتقال آگاهی‌های واقعی در مورد کشورهای غرب آسیا به متقاضیان بالقوه گردشگری و نیز با گسترش فعالیت‌های فرهنگی در خارج از کشور برای دور کردن چهره خشنی که از کشورهای منطقه غرب آسیا در ذهن مردم برخی از ممالک نقش بسته زمینه را برای افزایش احساس امنیت فراهم کرد که در این صورت شاهد ورود گردشگران خارجی به داخل کشورها خواهیم بود. همچنین تروریسم پدیده‌ای نیست که منحصر در مرزهای یک کشور باشد. امروزه بحث تروریسم بین‌الملل به‌عنوان یکی از جنبه‌های اساسی تروریسم مطرح است؛ بنابراین مقابله کامل با تروریسم همکاری کشورهای مختلف را می‌طلبد.

درباره کشورهای منطقه غرب آسیا نیز به‌دلیل در هم تنیدگی فرهنگی و اقتصادی و ویژگی‌های سیاسی خاص کشورهای این منطقه، لزوم همکاری آن‌ها جهت مقابله با تروریسم جزو ضروریات است؛ بنابراین با ایجاد اجلاس کشورهای آسیای غرب و تأکید بر نقش امنیت در منطقه با همکاری تمامی کشورهای منطقه آسیای غرب که اثر تروریسم بر تقاضای گردشگری و به‌تبع آن اقتصاد آن‌ها تأثیر گذاشته راه‌کارهایی از جمله ایجاد یک نیروی نظامی بین‌کشوری متشکل از افراد آموزش‌دیده چه در سطح عملیاتی چه فناوری، امنیت منطقه را بهبود داده و از آن حراست کنند تا دیدگاه صنعت گردشگری جهانی به منطقه مثبت گردد و گردشگری به‌عنوان یکی از پیشران‌های توسعه و رشد اقتصادی با ظرفیت کامل فعال گردد. همچنین توجه به حقوق اقلیت‌های مذهبی در کشورهای اسلامی، افزایش تعاملات بین قدرت‌های منطقه‌ای و همکاری‌های امنیتی بین دولت‌ها می‌تواند تا حد زیادی از تعداد حوادث تروریستی در این منطقه بکاهد.

منابع

بزازان، فاطمه و تاج‌علی، معصومه (۱۳۸۵). بررسی اثرات گردشگری در ایران، رساله کارشناسی‌ارشد،

بررسی اثر فعالیت‌های توریستی بر تقاضای... (سمیرا متقی، آناهیتا سیفی، اصغر ابوالحسنی و صلاح ابراهیمی) ۱۳۳

دانشکده علوم انسانی و اقتصاد دانشگاه الزهرا (س).

حیدری چپانه، رحیم و سلطانی، ناصر (۱۳۸۹). «تحلیلی بر نقش ثبات سیاسی و امنیت در توسعه صنعت گردشگری مطالعه موردی: منطقه خاورمیانه»، *مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*، ۲۵ (۲)، ۲۰۹-۲۲۸.

خدایانه، مسعود و حسونند، سمیه. (۱۳۹۳). «تأثیر گردشگری بر رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه: دو رویکرد پانل ایستا و پانل پویا»، *فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان*، ۲ (۶)، ۸۷-۱۰۲. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال‌الدین؛ سلیمی، حسین و گلستانی، گلناز (۱۳۸۸). *نقش توریسم در تهدیدات امنیت بین‌الملل*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی. راسخی نژاد، آرزو (۱۳۸۸). *تخمین تابع تقاضای گردشگری داخلی در ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.

رسولی، اسماعیل (۱۳۸۱). *تخمین تابع تقاضای جهانگردی ورودی به ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده اقتصاد.

رضایی، مریم؛ غیبی، فریده؛ مرادی، حوریه و بیرانوند راد، مریم (۱۴۰۰). «تأثیر امنیت بر صنعت گردشگری با تأکید بر توریسم»، *نشریه دانش انتظامی استان خراسان جنوبی*، ۹ (۱)، ۶۷-۸۴. شاه‌امیری، کاظم؛ خدایانه، مسعود و زرادنژاد، منصور (۱۳۹۸). *اثر تجارت خارجی بر تقاضای توریسم در ایران و شرکای تجاری (شامل ترکیه، هند و امارات)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی.

متقی، سمیرا؛ صادقی، محمد و دلالت، مراد (۱۳۹۵). «نقش امنیت در توسعه گردشگری بین‌المللی (نمونه مورد مطالعه: گردشگران خارجی یزد)»، *فصلنامه گردشگری شهری*، ۳ (۱)، ۷۷-۹۱. مؤمنی وصالیان، هوشنگ و غلامی‌پور، لیلا (۱۳۹۰). «تخمین تابع تقاضای گردشگری در استان‌های منتخب»، *علوم اقتصادی*، ۵ (۱۴)، ۱۶۲-۱۸۰.

هندرسون، جیمز و ریچارد، کوانت (۱۳۸۲). *تئوری اقتصاد خرد*، ترجمه مرتضی قره‌باغیان و جمشید پژویان، چاپ پنجم، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

یاوری، کاظم، رضا قلی‌زاده، مهدیه و مصطفوی، سید محمدحسن (۱۳۸۹). «تأثیر مخارج توریسم بر رشد اقتصادی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (OIC)»، *مجله تحقیقات اقتصادی*، ۴۵ (۲)، ۲۱۹.

References

Alipour, A. & Ghavidel, S. (2016), Estimation of tourism demand function in selected cities: A

- case study of Esfahan, *The Business and Management Review*, 7, 239-245.
- Alsarayreh, M. N., Jawabreh, O. A. A. & Helalat, S. S. (2010), The influence of terrorism on the international tourism activities. *European Journal of Social Sciences* 13 (1).
- Arellano, M. & Bover, O. (1995), Another look at instrumental variable estimation of error-components models. *Journal of Econometrics*. 68: 29-51.
- Bandyopadhyay, S. (2016), How Does Terrorism Affect trade? <http://www.stlouisfed.org/on-the-economy/2016/December/how-terrorism-affect-trade>.
- Bazazan, F. & Taj Ali, M. (1385), Investigating the effects of tourism in Iran, *Master's Thesis, Faculty of Humanities and Economics, Al-Zahra University* (S) (In Persian).
- Carballo, M. M., Araña, J. E., León, C. J. & Moreno-Gil, S. (2015), Economic valuation of tourism destination image. *Tourism Economics*, 21(4), 741-759.
- Culiuc, A. (2014), Determinants of international tourism.
- Dehghani Firouzabadi, S. J., Salimi, H. & Golestanian, G. (2008), "The role of terrorism in international security threats". Master's thesis, Allameh Tabatabai University (In Persian).
- Deluna Jr, R. & Jeon, N. (2014), Determinants of International Tourism Demand for the Philippines: An Augmented Gravity Model Approach.
- Elaine Tian, Y., "Andy" Lee, H. & Law, R. (2011), *A comparison of research topics in leading tourism journals*. *International Journal of Tourism Sciences*, 11(3), 108-126.
- Floyd, M.F., Gibson, H., Thapa, B. & Pennington-Gray, L. (2003), The effect of risk perceptions on intentions to travel in the aftermath of September 11. *Journal of Travel and Tourism Marketing* 15 (2/3), 19-38.
- Garrod, B. (2008), Understanding the relationship between tourism destination imagery and tourist photography. *Journal of Travel Research*.
- Hartz, C. (1989), Business Executives as International Terrorist Targets. In: Buckwalter, J.R. (Ed.), *International Terrorism: The Decade Ahead. The University of Illinois, Office of International Criminal Justice, Chicago*, 21-28.
- Heidari Chianeh, R. & Soltani, N. (2009), An analysis of the role of political stability and security in the development of the tourism industry, a case study: the Middle East region, *Journal of Geography and Environmental Planning, year 20*, 54 (2) (In Persian).
- Henderson, J.C., Shufen, C., Huifen, L. & Xiang, L.L. (2010), Tourism and terrorism: a hotel industry perspective. *Journal of Tourism, Hospitality and Culinary Arts* 2 (1).
- Henderson, J. & Richard, Q. (2012), *Microeconomic theory*. Translation by Karabaghians and Pezhovians. 5th edition, Rasa Cultural Services Institute (In Persian).
- Khodapanah, M. & Hasanvand, S. (2013), "The impact of tourism on economic growth in developing countries: two approaches: static panel and dynamic panel", *Quarterly magazine of strategic and macro policies*, 2 (6), 87-102 (In Persian).
- Kingsbury, P. T. & Brunn, S. D. (2004), Freud, tourism and terror: traversing the fantasies of post September 11 travel magazines. *Journal of Tourism and Travel Marketing* 15 (2-3), 39-61.
- Leitão, N. C. (2010), Does trade help to explain tourism demand? The case of Portugal. *Theoretical and Applied Economics*. 63-74.
- Martin, E. (2016), Estimating the tourism demand impact of public infrastructure investment: the case of Malaga airport expansion, *Tourism Economics*, 22 (2), 254-268.
- Miles, W. F. (2001), Auschwitz: Museum interpretation and darker tourism. *Annals of Tourism Research*, 29 (4), 1175-1178.
- Momeni Vasalian, H. & Gholamipour, L. (1390), "Estimation of tourism demand function in selected provinces", *Economic Sciences*, 5 (14), 162-180 (In Persian).
- Motaghi, S., Sadeghi, M. & Dalalat, M. (2015), "The role of security in the development of international tourism (case study: foreign tourists of Yazd). *Urban Tourism Quarterly*. 3 (1). 77-91 (In Persian).
- Pawaskar, P., & Goel, M. (2012). Tourism: the depth of its meaning. *International Journal of Research in Commerce, Economics and Management*, 2 (10), 26-32.
- Raskhi Nejad, A. (1388). "Estimation of domestic tourism demand function in Iran", *master's*

بررسی اثر فعالیت‌های تروریستی بر تقاضای... (سمیرا متقی، آناهیتا سیفی، اصغر ابوالحسنی و صلاح ابراهیمی) ۱۳۵

thesis, Tarbiat Modares University (In Persian).

Rasouli, I. (1381). Estimating the demand function of inbound tourism to Iran. *Master's thesis, Allameh Tabatabai University, Faculty of Economics (In Persian).*

Raza, S. A. & Jawaid, S. T. (2013). Terrorism and tourism: A conjunction and ramification in Pakistan, *Economic Modelling* 33: 65–70.

Rezaei, M., Ghaibi, F., Moradi, H. & Biranvand Rad, M. (1400), "The impact of security on the tourism industry with an emphasis on terrorism". *South Khorasan Provincial Police Science Journal*, 9 (1), 67-84 (In Persian).

Seddighi, M. W., Nuttall, A.L. & Theocharous, H. R. (2001). Does cultural background of tourists influence the destination choice? An empirical study with special reference to political instability. *Tourism Management* 22 (2), 181–191.

Shah Amiri, K., Khodapanah, M. & Zaradenjad, M. (2018), "Effect of foreign trade on tourism demand in Iran and its trading partners (including Turkey, India and the UAE), *master's thesis, Shahid Chamran University of Ahvaz, Faculty of Economics and social Sciences (In Persian).*

Tse, T. S. (2010). What do hospitality students find important about internships?. *Journal of Teaching in Travel & Tourism*, 10 (3), 251-264.

Yaori, Kazem, R. Qolizadeh, M. & Mustafavi, S. M. H. (1389), "The impact of tourism expenditures on the economic growth of the member countries of the Organization of the Islamic Conference (OIC), *Journal of Economic Research*, 45 (2) (In Persian).

تأثیر سند اقتصادی - صنعتی ساخت چین ۲۰۲۵ بر سیاست تجاری - اقتصادی اروپا (۲۰۲۰-۲۰۱۵)

مبارکه صداقتی*

ارسلان قربانی شیخ نشین**

چکیده

اروپا شریک تجاری و اقتصادی مهم جمهوری خلق چین است. همکاری‌های تولیدی و صنعتی روبه گسترش بین جمهوری خلق چین و کشورهای اروپایی برقرار است. سند اقتصادی-صنعتی جمهوری خلق چین به نام ساخت چین ۲۰۲۵، یک برنامه صنعتی برای دولت چین است که در سال ۲۰۱۵ توسط دولت شی جین پینگ منعقد شد و طبق زمان‌بندی این سند، دولت چین باید طی ده سال به یک قدرت جهانی در صنایع با فناوری پیشرفته و دانشبنیان تبدیل شود. اقدامات چین در راستای این سند که توسط بازار و دولت هدایت می‌شود سبب اتصال بیشتر آن کشور به زنجیره تأمین جهانی شد. با وجود استقلال دولت چین در پیشبرد اهداف سند، به انعطاف‌پذیری و کاهش محدودیت‌ها در قبال سرمایه‌گذاری و فعالیت شرکت‌های خارجی اشاره شده است. طبق اهداف سند، چین نیازمند به تجارب صنایع اروپا است و درهای خود را به سوی سرمایه‌گذاران و صنعت‌گران اروپایی باز کرد. چین متمرکز بر بازارهای اروپایی بوده و مذاکراتی با مقامات این کشورها داشته است. با روش توصیفی-تبیینی به این پرسش پاسخ داده شده است که سیاست‌های تجاری و اقتصادی جمهوری خلق چین در سند اقتصادی-صنعتی ساخت چین ۲۰۲۵ چه تأثیری بر سیاست‌های تجاری-اقتصادی اروپا در سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۰ داشته است؟ در پاسخ فرض بر این است که سند ساخت چین ۲۰۲۵، زمینه‌ساز ایجاد مکانیسم‌های چندجانبه، تنظیم قواعد و رویه‌هایی برای همکاری در حوزه‌های مختلف تولیدی و صنعتی بین چین و اروپا شده و شبکه‌ای از وابستگی‌های متقابل را بین آن‌ها به وجود آورده است.

کلیدواژه‌ها: ساخت چین ۲۰۲۵، چین، اروپا، وابستگی متقابل، سیاست تجاری.

نوع مقاله: پژوهشی.

* دانش‌آموخته روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

** استاد روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)،
arsalangh@yahoo.com



مقدمه

قاره اروپا شریک تجاری و اقتصادی بزرگ چین است. پیوندهای تجاری، همکاری‌های تولیدی و صنعتی روبه گسترش بین جمهوری خلق چین و کشورهای اروپایی برقرار است. طرفین به عنوان شرکای مهم و اصلی یکدیگر در اقتصاد و تولید محسوب می‌شوند. سرمایه‌گذاری‌هایی در سرزمین‌های یکدیگر انجام داده و حتی شرکت‌های خود را در آن کشورها مستقر نموده‌اند. هرچند که فرازوفرودهایی در رابطه با همکاری‌های متقابل چین و کشورهای اروپایی وجود دارد، اما مسیر همکاری مستمر و ممتد است. پکن در راستای پیشرفت توسعه و تولیدات خود به جهت رقابت بهتر در صنایع پیشرفته دنیا، برنامه‌ها و پروژه‌های بسیاری را دنبال می‌کند. برنامه‌هایی که می‌تواند چین را یاری کند تا به اهداف خود یعنی تقویت نوآوری چین برسد؛ برنامه‌هایی که بی‌شک جهان را نیز از خود متأثر و در پروژه‌های چینی سهمیم و درگیر می‌سازد. در جهانی که فناوری و نوآوری یک امر مهم تلقی می‌شود؛ چین به دنبال خودکفایی در فناوری‌های اصلی در گستره‌ای از صنایع اولویت‌دار است. وقتی که نوآوری و فناوری با جهان در پیوند است؛ بدون شک چین به دنیا متصل می‌شود.

سند اقتصادی جمهوری خلق چین به نام ساخت چین ۲۰۲۵ (Made In China 2025) یا به اختصار "MIC2025" یک برنامه صنعتی برای دولت چین است که در سال ۲۰۱۵ توسط دولت شی‌جین‌پینگ تصویب شد که در آن رئیس‌جمهور چین چشم‌انداز خود را برای چین از سال ۲۰۱۳ در راستای احیای مجدد ملت چین ترسیم نموده بود. هدف اصلی سیاست صنعتی در این سند تبدیل شدن جمهوری خلق چین به عنوان یک قدرت جهانی در صنایع با فناوری بالا، رباتیک، حمل‌ونقل با سوخت‌های نوین، هواپیماسازی و... است. برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ از ده بخش مهم که چین باید تا سال ۲۰۲۵ اهداف آن را محقق سازد تشکیل شده است. این ده بخش عبارت از این موارد هستند: ۱- تجهیزات دارویی و پزشکی؛ ۲- فناوری اطلاعات؛ ۳- تجهیزات هوافضا؛ ۴- تجهیزات ریلی؛ ۵- مهندسی اقیانوسی و کشتی‌های فوق پیشرفته؛ ۶- مواد جدید؛ ۷- تجهیزات نیرو؛ ۸- ماشین‌آلات کشاورزی؛ ۹- رباتیک؛ ۱۰- انرژی‌های سبز (تجدید پذیر) و وسایل نقلیه سبز (Isdp.eu

تأثیر سند اقتصادی - صنعتی ساخت چین ۲۰۲۵ بر... (مبارکه صداقتی و ارسلان قربانی شیخ‌نشین) ۱۳۹

(2018).

این برنامه چین یکی از سه فاز برنامه چینی تا صدمین سالگرد چین کمونیستی، یعنی سال ۲۰۴۹ است. فاز اول که این پروژه را دربر می‌گیرد به دنبال این است که چین را به جمع تولیدکنندگان قدرتمند جهان تبدیل کند. تولیدکننده‌ای که نه فقط به میزان کمی بالایی از تولیدات دست یابد؛ بلکه بتواند در زمینه کیفی نیز پیشرفت به سزایی داشته باشد. به عبارتی چین کارخانه جهان است؛ اما رهبران چین به ویژه شخص شی جین پینگ، رهبر انقلاب سوم جمهوری خلق چین معتقد است که تنها کمیت در تولیدات کافی نیست و تمرکز ویژه را بر نوآوری قرار داده است. پروژه ساخت چین ۲۰۲۵ به وسیله بازار و دولت هدایت خواهد شد. در این میان، با وجود استقلال دولت چین در پیشبرد این برنامه‌ها، اما در این سند به انعطاف‌پذیری و کاهش محدودیت‌ها در قبال سرمایه‌گذاری و فعالیت شرکت‌های خارجی اشاره شده و تمرکز دولت چین بر بازارهای اروپایی است و مذاکراتی با مقامات اروپایی از جمله آلمان به عنوان قطب صنعتی اروپا انجام گرفته است.

پرسش نوشتار پیش رو این است که سیاست‌های تجاری و اقتصادی جمهوری خلق چین در سند اقتصادی - صنعتی ساخت چین ۲۰۲۵ چه تأثیری بر سیاست‌های تجاری - اقتصادی اروپا در سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۰ داشته است؟ در پاسخ فرض بر این است که سند ساخت چین ۲۰۲۵، زمینه‌ساز ایجاد مکانیسم‌های چندجانبه، تنظیم قواعد و رویه‌هایی برای همکاری در حوزه‌های مختلف تولیدی و صنعتی بین چین و اروپا شده و شبکه‌ای از وابستگی‌های متقابل را بین آن‌ها به وجود آورده است.

در ادامه برای رسیدن به مقصود اصلی این مقاله، ابتدا به تمهیدات نظری پرداخته می‌شود و سپس نوآوری در نگاه چین، اهداف و اولویت‌های سند چین ۲۰۲۵ بررسی می‌شود، در بخش پایانی تأثیر سند اقتصادی - صنعتی ۲۰۲۵ چین بر روابط اقتصادی و تجاری با اروپا مورد مذاقه قرار می‌گیرد.

پیشینه پژوهش

پمپل و هیوم (۲۰۱۶) در مقاله خود تحت نام «ظهور چین و وابستگی متقابل اقتصادی»

نوشته‌اند که کشورهایی که از نظر اقتصادی به هم وابسته‌اند، تمایل به رفتار صلح‌آمیز و آرامش نسبت به یکدیگر دارند. هنگامی که تئوری وابستگی متقابل در مورد نمونه چین اعمال می‌شود، تز صلح‌گامی معتقد است که ادغام روزافزون چین با جهان و اقتصاد بین‌المللی وابستگی آن کشور به صادرات، سرمایه‌گذاری‌های خارجی، واردات و فناوری را به دنبال داشته است. همچنان سرمایه‌گذاری اوراق قرضه چین در ایالات متحده و اروپا موجب سروکار داشتن چین با قدرت‌های بزرگ شده است. البته این وابستگی متقابل در برابر یکدیگر احتمال نزاع آشکار میان این کشورها را کاهش می‌دهد.

سارلا (۲۰۱۷) در مقاله «خود تحت عنوان تحول چین و وابستگی متقابل اقتصادی جهانی» نوشته است که چین با وجود اختلافات اساسی در برخی موارد، یک شریک استراتژیک برای اتحادیه اروپا چه در امور اقتصادی و چه در امور اجتماعی است. به واسطه تنش‌های روبه‌رشد و غیرقابل‌پیش‌بینی بودن ژئوپلیتیک، دریچه‌ای برای فرصت و ایجاد روابط نزدیک‌تر بین اتحادیه اروپا و چین وجود دارد. این مشارکت برای دو طرف سودمند است. فرصت‌ها مانند توافق‌نامه‌های جامع در مورد حمایت سرمایه‌گذاری‌ها، همکاری‌های هوایی و دریایی و گفتگوها درباره امور انسان، حقوق و امور حقوقی است. چین در حال تغییر و تحول اساسی اما پیچیده به سمت رشد پایدار است؛ و انتظار می‌رود این گذار هم به نفع چین و هم به‌طور کلی، جهان باشد.

فیلیپ گیرتس در مقاله (۲۰۱۸) در مقاله «توضیحاتی در مورد بخش ماشین‌آلات در چین» می‌نویسد که چین در حال حاضر به‌شدت وابسته به فناوری پیشرفته وارداتی است؛ اما زیرساخت‌های گول‌پیکر، پروژه‌ها و روند شهرنشینی تقاضای فوری برای این فناوری‌ها را ایجاد می‌کند که می‌تواند توسط شرکت‌های اروپایی مایل به مشارکت در طرح ساخت چین ۲۰۲۵ برآورده شود. بحث این مقاله نشان می‌دهد که پیشرفت در امر فناوری مستلزم همکاری‌های بین‌المللی است و در یک زنجیره به هم متصل امکان تحقق چنین پیشرفتی میسر است. ضمن اینکه در بحث مقاله صنایع پیشرفته اروپایی یک ابزار مهم برای تحقق سند ساخت چین ۲۰۲۵ است.

تأثیر سند اقتصادی - صنعتی ساخت چین ۲۰۲۵ بر... (مبارکه صداقتی و ارسلان قربانی شیخ‌نشین) ۱۴۱

براید و چازتکی (۲۰۱۹) در اثر خود تحت نام «ساخت چین ۲۰۲۵ تهدیدی برای جهان است» می‌نویسند که دولت چین با ایجاد برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ درصدد است کشور را در تولید و فناوری پیشرفته جهانی مسلط کند. این برنامه یک سیاست صنعتی به رهبری دولت است. از نظر واشنگتن این برنامه می‌تواند یک خطر امنیتی باشد. درحالی که تعداد زیادی از کشورها از جمله کشورهای اروپایی به دنبال یافتن بهترین پاسخ‌ها در قبال رفتار چین هستند؛ آلمان یکی از مقاصد برتر سرمایه‌گذاری چین در اروپاست. دولت چین توانسته آلمان را به ایجاد یک نهاد بررسی سرمایه‌گذاری در اتحادیه اروپا متقاعد سازد. در این پژوهش نویسنده نشان می‌دهد که چگونه اروپا به دنبال یافتن یک پاسخ منطقی در برابر رشد سرمایه‌گذاری‌های چین در قاره سبز است. همچنین چین توانسته تا دولت آلمان را متقاعد به بررسی سرمایه‌گذاری‌های چینی در کل اتحادیه اروپایی سازد. در اینجا، چین را فعال در امر اقیانوس‌سازی نسبت به اروپایی‌ها می‌بینیم. به‌طور خاص و ویژه دولت چین به دنبال ایجاد یک نهاد از سوی اروپا به‌ویژه آلمان است تا سرمایه‌گذاری‌های خود در این قاره را عاری از روح خطر جلوه دهد. هرچند که به‌طور کلی عنوان این نوشتار خواستار این است که سند چینی را یک تهدید جهانی نشان دهد.

لی و ریمر (۲۰۱۹) در مقاله «چالش فراتر از افق ساخت چین ۲۰۲۵» ضمن تعریف این پروژه چین درزمینه صنعت، میزان سرمایه‌گذاری و ارتباط آن با کشورهای دیگر، از اثرات و چالش‌های منفی این سند بر کشورهای دیگر نوشته‌اند. چالش‌های مطرح‌شده برای کشورهای صنعتی دیگر به‌باور نویسندگان این است که اگر ساخت چین ۲۰۲۵ موفقیت‌آمیز باشد، سایر کشورهای صنعتی با کاهش نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، از دست دادن شغل‌ها و خروجی کمتر صنعتی مواجه خواهند شد.

در این پژوهش به ابعاد منفی سرمایه‌گذاری چین در کشورهای صنعتی اروپایی اشاره می‌شود و تأثیر مثبت همکاری‌های متقابل و درهم تنیدگی اقتصاد تولیدی و صنعتی شرکت‌های چین و اروپا نادیده گرفته می‌شود.

کلو مفا (۲۰۲۰) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان «گفتمان در مورد

استراتژی ساخت چین ۲۰۲۵ در آلمان» به تأثیر گفتمان و قدرت نرم چین در بهتر شدن وضعیت اقتصادی این کشور اشاره دارد. طبق نوشته او سند ساخت چین ۲۰۲۵، منجر به افزایش سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی چین در اروپا طی سال ۲۰۱۶ به‌ویژه در بخش‌های هدفمند شد. خرید و تملک یک ربات آلمانی به نام کوکا (Kuka) یکی از پیشروان جهانی در صنعت و نوآوری توسط شرکت چینی میدا (Midea) یک مورد بحرانی در اروپا را نشان می‌دهد و اروپا خواستار اقدامات حمایتی شد. در این پایان‌نامه از یک وضعیت بحرانی صحبت می‌شود. یک وضعیت که در آن چین طبق سند ساخت چین ۲۰۲۵، به‌دنبال سرمایه‌گذاری در بخش‌های مهم صنعتی و تولیدی اروپایی است و حتی شرکت‌هایش به‌دنبال تملک برخی از صنایع مهم اروپایی بوده‌اند. اروپا در چنین وضعیتی نگران است و خواستار اقدامات حمایتی از شرکت‌هایش در مقابل سرمایه‌داران چینی می‌شود؛ اما در پژوهش حاضر از اینکه اروپا از این سند منتفع شده است سخنی در میان نیست.

به‌لحاظ نوآوری، پژوهش حاضر ضمن بررسی اهداف سند، به مطالعه موردی سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۰ می‌پردازد. تمرکز اصلی پژوهش بر سیاست‌ها، نوع نگاه و اقدامات کشورهای اروپایی نسبت به این سند است. در بسیاری از پژوهش‌ها، این سند همواره به‌عنوان یک چالش برای کشورهای اروپایی است؛ اما در پژوهش حاضر از منظر همگرایی و همکاری‌هایی که در خلال این سند بین چین و اروپا شکل گرفته پرداخته می‌شود. اروپا ضمن استقبال از این پروژه چینی، به ایجاد توافق‌های سرمایه‌گذاری و توازن تجاری با چین می‌پردازد. پژوهش کنونی چگونگی درهم تنیدشدن صنایع چین و اروپا را از طریق همکاری‌های دولتی و غیردولتی (به‌طور خاص همکاری و پیوند شرکت‌های چندملیتی) مورد بررسی قرار می‌دهد.

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش از شیوه توصیفی - تحلیلی استفاده گردیده است. منابع معتبر علمی همچون کتب و مقالات دانشگاهی فارسی و انگلیسی، سایت‌ها و مجلات معتبر و قابل استناد، پایه و

تأثیر سند اقتصادی - صنعتی ساخت چین ۲۰۲۵ بر... (مبارکه صداقتی و ارسلان قربانی شیخ‌نشین) ۱۴۳

سند اعتبار این کار پژوهشی است.

چارچوب نظری: وابستگی متقابل

در دنیای جهانی شده معاصر، اصطلاح «وابستگی متقابل» برای توضیح یک وضعیت در جهان و سیاست است که در آن همه بازیگران از جمله کشورها و بازیگران غیردولتی به یکدیگر وابسته باشند. وابستگی متقابل در سیاست جهانی به شرایطی اشاره دارد که در آن میان بازیگران کشورهای مختلف اثرات متقابلی وجود دارد. در وابستگی متقابل اثرات متقابل معامله در میان بازیگران، هزینه‌بر است و سیاست‌ها و اقدامات یک بازیگر تأثیر زیادی بر سیاست‌ها و اقدامات سایر بازیگران دارد؛ بنابراین وابستگی متقابل نه فقط به معنای صلح و همکاری میان بازیگران، بلکه به معنای روابط همکاری و تعامل، میان آن‌ها نیز است (Rana, 2015: 291).

از اواخر دهه ۱۹۶۰ و در دهه ۱۹۷۰ تغییراتی عمده در ویژگی‌های نظام بین‌الملل ایجاد شد که نقش مسائل اقتصادی را پررنگ کرد. شاخصه‌های اساسی این نظام پیچیدگی و روابط متعدد و البته متداخل در کشاکش و همکاری است. به دلایل متعددی همچون خطر بروز جنگ هسته‌ای بین ابرقدرت‌ها، تحولات انقلابی در ارتباطات، حجم عظیم مبادلات اقتصادی و... نیاز به ابزار نظری جدیدی برای درک نظام بین‌الملل احساس می‌شد. نظریه وابستگی متقابل یک گزینه مناسب برای درک این تحولات جدید بود که ریشه در تفکر بین‌المللگرایانه یا انترناسیونالیستی دارد. اشخاصی همانند ادوارد مورس در کتاب‌ها و مقالاتش تحت عنوان وابستگی متقابل، رابرت کوهن و جوزف نای در کتاب «قدرت و وابستگی متقابل» و ریچارد کوپر در باب وابستگی متقابل اقتصادی تلاش داشتند تا یک نظریه نوین در رابطه با مسائل بین‌المللی ایجاد کنند و آسیب‌پذیری دولت‌ها و جوامع دنیا را در برابر حوادث و جریاناتی که در قلمرو دیگر کشورها رخ می‌دهند نشان دهند. به نظر ریچارد روزکرانس و همکارانش یک پیوند مستقیم و مثبت میان منافع دولت‌هاست. ریچارد کوپر نیز بر بعد اقتصادی وابستگی متقابل تأکید می‌کند (مشیرزاده، ۱۳۹۴: ۴۶-۴۹).

شرکت‌های چندملیتی از نظر طرفداران آن، موجب وابستگی متقابل میان بازیگران دولتی و غیردولتی می‌شوند و می‌توانند یکی از عناصر اثبات‌کننده و تقویت‌کننده نظریه وابستگی

متقابل باشند. طرفداران شرکت‌های چندملیتی یک رشته ادعاهای سامانمند و فرهنگی درباره فواید این شرکت‌ها مطرح می‌کنند. آن‌ها معتقدند که شرکت‌های چندملیتی به‌عنوان نیروهای همگراکننده اقتصادهای جهان محسوب می‌شوند و باعث کاهش سطح ملی‌گرایی و تنش‌های بین‌المللی می‌گردند. شرکت‌های چندملیتی اختلافات ملی را کاهش داده و به شکل‌گیری مفهوم شهروند جهانی با سلايق و عادات جدید کمک شایانی می‌کنند. افزون بر این، با گسترش بیشتر روندهای جهانی نسبت به افق‌های ملی و با کمک به ایجاد تحول و انقلاب در جریان‌های بین‌المللی سرمایه و ارتباطات، شرکت‌های چندملیتی دولت‌ها را مجبور به همکاری می‌کنند تا بتوانند این نیروهای جدید بین‌المللی را کنترل و تنظیم نمایند. به همین شکل، حامیان شرکت‌های چندملیتی ادعا می‌کنند رشد اقتصادی حاصل از اقتصاد جهانی باز، باعث ایجاد نظام سیاسی دمکراتیک و آزادتر در کشورهای که در گذشته رژیم‌های اقتدارگرا داشتند، خواهد شد. افزون بر آثار مثبت مستقیم شرکت‌های چندملیتی، ممکن است آثار مثبت این اقدام به دیگر بخش‌های تولیدی و صنعتی کشورهای میزبان تسری پیدا کند (بالام و وست ۱۳۹۷: ۲۰۸-۲۱۰).

رژیم‌های بین‌المللی از دیگر عناصری است که وابستگی متقابل را تشریح می‌کند. رژیم‌ها ممکن است به صورت کنوانسیون‌ها، موافقت‌نامه‌های بین‌المللی، معاهدات و نهادهای بین‌المللی شکل یابند. در این روند فرض بر آن است که دولت‌ها یک سلسله منافع مشترک و همسو دارند و برای رسیدن به نتایج خاص، خواهان همکاری با یکدیگرند. رژیم به وابستگی متقابل ارتباط دارد، زیرا واحدهایی که در وابستگی متقابل به سر می‌برند به همکاری و هماهنگی سیاست‌ها برای حصول به نتایج مثبت نیاز دارند. در نتیجه ایجاد رژیم می‌تواند به نمونه‌هایی از همگرایی کارکردی میان بازیگران منجر شود. رژیم‌ها را می‌توان در حوزه‌های موضوعی همچون اقتصاد، محیط‌زیست، حقوق بشر، کنترل تسلیحات، ارتباطات، امنیت، حمل‌ونقل و جز این‌ها مشاهده نمود. رژیم‌ها می‌توانند دوجانبه، چندجانبه، منطقه‌ای و جهانی باشند (قوام ۱۳۹۴: ۴۱-۴۲)؛ بنابراین دولت‌ها به منظور حصول امتیازات و برقراری توازن در همکاری‌های بین خود، به ایجاد توافق‌هایی

تأثیر سند اقتصادی - صنعتی ساخت چین ۲۰۲۵ بر... (مبارکه صداقتی و ارسلان قربانی شیخ‌نشین) ۱۴۵

دست می‌زنند تا مسیر مشخصی برای ادامه کار و فعالیت متقابل با خود داشته باشند. دلایل زیادی وجود دارد که ادامه همکاری‌های اقتصاد بین‌المللی را ممکن سازد. از جمله وابستگی‌های روزافزون اقتصادهای ملی به یکدیگر برای تهیه کالاهای ضروری، خدمات، مواد خام و بهبود وسایل حمل‌ونقل موجب کاهش چشم‌گیر هزینه‌های انتقال کالا، مواد خام و حتی افراد از یک نقطه به سایر نقاط دنیا شده است و همگان توافق دارند که بدون تعهد کشورها به باز کردن درها، هماهنگی سیاسی و همکاری در رابطه با تنظیم قواعد و نهادهای موردنیاز اقتصادی و تجاری، رشد تجارت و سرمایه‌گذاری امکان‌پذیر نیست. وابستگی متقابل رو به گسترش می‌تواند به سود تقویت همکاری‌های بین‌المللی عمل کند. رشد غیرمنتظره همگرایی میان کشورهای درزمینه راهبردهای لیبرالی و یکسان اقتصادی باعث ایجاد خوش‌بینی‌ها نسبت به همکاری‌های اقتصادی در آینده است (لارسون و اسکیدمور، ۱۳۹۳: ۳۵۵-۳۵۷).

لیبرال‌ها بر این باور هستند که تجارت و روابط اقتصادی منبع روابط صلح‌آمیز در میان ملت‌هاست. سود متقابل ناشی از تجارت و گسترش وابستگی متقابل در میان اقتصادهای ملی، همکاری را گسترش خواهد داد (قاسمی ۱۳۹۳: ۳۷-۳۸). در این نظریه که وابستگی متقابل در زیرمجموعه آن قرار دارد صلح از طریق همکاری‌های متقابل امکان‌پذیر است و امکان منازعه بسیار پایین است. براساس رویکرد وابستگی متقابل و تشریح وابستگی متقابل میان دولت‌ها در نتیجه گسترش صلح و همکاری به‌حداعلای خود می‌رسد. وابستگی متقابل در نظریات لیبرالیسم بر وابستگی اقتصادی جهانی تأکید دارد و با تضعیف کردن محوریت نقش دولت (و نه حذف آن) به میزان قابل‌توجهی از اهمیت نیروی نظامی کاسته است و روابط جدید قدرت بر مبنای وابستگی‌های مشترک به وجود می‌آید (قوام ۱۳۹۳: ۳۸-۳۹). با کم شدن اهمیت نیروی نظامی و پررنگ شدن مسائل اقتصادی ناشی از همکاری‌های متقابل امکان جنگ نیز تا حدود زیادی کم می‌شود. در واقع دولت‌ها این را درک کرده‌اند که برای تأمین منافع اقتصادی خویش نیازمند برقراری ارتباط و تبادل با سایرین هستند. در راستای مسائل پیچیده جهانی و وابستگی متقابل، دولت چین در دوره زمامداری

آقایشی بیش از هر زمانی به این نتیجه رسید که باید در فناوری‌هایش، تحولی بنیادین به لحاظ کیفیت و نوآوری ایجاد کند. بدین ترتیب چین نیاز دارد که از مرزهای ملی خود خارج شده و همچنین این مرزها را به سوی خارجی‌ها، فناوری‌ها و سرمایه‌گذاری‌هایشان بگشاید. برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ که با هدف ارتقای کیفیت و کمیت تولید به‌ویژه در صنایع راهبردی است؛ چین را به صنایع مهم و کلیدی کشورهای موفق و صنعتی دنیا پیوند می‌زند. از طریق این برنامه و احساس نیاز چینی‌ها به استفاده از تجارب دول صنعتی به‌ویژه اروپا، درهای چین رو به سرمایه‌گذاران، صنعتگران و شرکت‌های اروپایی باز شد. همچنین چین نیز در مسیر ارتقای فناوری خود، فعالیت شرکت‌های خود در اروپا را پیگیری می‌کند. شرکت‌های چندملیتی اروپایی که در چین حضور دارند، فرصت استفاده از ظرفیت‌ها و سرمایه‌های چینی را دارند و هم خود منتفع می‌گردند و هم کشور چین را از این فرصت بهره‌مند می‌سازند. شرکت‌های چندملیتی به‌عنوان بازیگران غیردولتی در چارچوب نظریه مذکور، به ارتقای سطح همکاری‌های اقتصادی، تولیدی و... میان دولت‌ها منجر می‌شوند و در این میان، افزایش همگرایی تجاری و تولیدی بین چین و اروپا مرهون وجود چنین شرکت‌هایی است که در راستای سند ساخت چین ۲۰۲۵، به افزایش سرمایه‌گذاری‌ها مشغول‌اند. اروپا ضمن ارتقای همکاری صنعتی و تولیدی خود با چین، به تنظیم یک توافق‌نامه سرمایه‌گذاری با این کشور در سال ۲۰۲۰ پرداخت که در راستای تعریف رژیم‌های بین‌المللی از اجزای چارچوب نظری مذکور قابل تبیین است.

در راستای نیازهای متقابل اقتصادی و تولیدی چین و اروپا، همکاری میان طرفین به‌ویژه در چارچوب سند ساخت چین ۲۰۲۵ افزایش یافته و با یک دید منطقی، چین و کشورهای اروپایی از ظرفیت‌های مرتبط با فناوری یکدیگر استفاده می‌کنند و در پس این امر بازارهای مصرف نیز برای آن‌ها ایجاد شده است. در نتیجه هم به امور اقتصادی و هم به ارتقای کیفیت و کمیت سطوح تولیدات طرفین مساعدت شده است.

نوآوری و سند ساخت چین ۲۰۲۵

نوآوری در فناوری سهم قابل توجهی در سیاست داخلی و خارجی چین در چند دهه اخیر

تأثیر سند اقتصادی - صنعتی ساخت چین ۲۰۲۵ بر... (مبارکه صداقتی و ارسلان قربانی شیخ‌نشین) ۱۴۷

داشته؛ کشوری که بزرگ‌ترین رادیوی جهان و یا تلسکوپ را ساخته و اولین ارتباطات کوانتومی جهان را به فضا ارسال نموده است. در میان دستاوردهای دیگر در سال‌های اخیر طرح برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ مطرح شده است. شیجین پینگ می‌خواهد چین به یکی از بزرگ‌ترین کشورهای جهان تبدیل شود. یک کشور نوآور تا سال ۲۰۲۰ و پیشرو در فن‌آوری تا سال ۲۰۴۹ از اهدافی است. تمایل دولت چین برای ادامه نقش در بازارهای جهانی در قالب ابتکارات اقتصادی و تجاری منعکس می‌شود. ظهور برنامه بلندپروازانه ساخت چین ۲۰۲۵ در دولت شی جین پینگ، با بخش‌های اولویت‌دار به دنبال بومی‌سازی فناوری‌ها و مارک‌ها، جایگزینی محصولات خارجی و به‌دست‌آوردن سهم بازار جهانی است (C.Economy, 2018: 118-119).

ساخت چین ۲۰۲۵ به ابتکار جمهوری خلق چین در سال ۲۰۱۵ به تصویب رسید. در چارچوب این سند، دولت چین برای دستیابی به هدف تشویق نوآوری‌های داخلی می‌خواهد فناوری‌های خارجی را با قطعات ساخته‌شده محلی جایگزین کند. به‌مانند برنامه صنعتی آلمان ۴/۰ (Germany industry 4.0 strategy)، برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ هم‌تراز با وزنه‌های سنگین صنعتی در کنار آلمان، کره جنوبی، ژاپن و ایالات متحده آمریکا معرفی شده است (Council on foreign relations, 2018). ابتکار ساخت چین ۲۰۲۵، جامع‌ترین و بلندپروازانه‌ترین برنامه صنعتی چین برای به‌روزرسانی تولیدات چینی است. این طرح شامل کل صنعت تولید از جمله فرآیندها، استانداردها، حقوق مالکیت معنوی و سرمایه انسانی است و همچنین تمرکز زیادی بر ادغام زنجیره‌های تولید و کارخانه دارد. در ادامه تحولات فناوری، شماری از صنایع، از بی‌وی دی (BYD) سازنده چینی وسایل نقلیه الکتریکی گرفته تا فناوری‌های هوآوی (Huawei)، تجهیزات مخابراتی شنزن، تحقیقات زنومیکس XRM و Bi و سازنده هواپیماهای بدون سرنشین DJI در دستور کار دولت چین است. منطقه شنزن در چین اکنون میزبان مجموعه‌ای از شرکت‌های ابتکاری است و این ایده که می‌گوید چین تنها می‌تواند تولیدات ارزان و کم‌ارزش را انجام دهد نفی می‌کند (Lee, 2015: 1-2).

رهنمودهای لازم برای طرح ساخت چین ۲۰۲۵ که هدف آن تقویت نوآوری در تولید

و ترویج است توسط وزارت صنعت و فناوری اطلاعات جمهوری خلق چین ارائه می‌شود. همکاری و مشارکت بیش از ۲۰ بخش از شورای دولتی چین در این طرح دیده می‌شود. شاید این برنامه جاه‌طلبانه باشد؛ اما کلیدی برای به‌روزرسانی صنعت چین است. مراکز نوآوری در چین قرار است تا سال ۲۰۲۰ به ۱۵ و در سال ۲۰۲۵ به ۴۰ مرکز برسد که به توسعه فناوری، تولید هوشمند و مواد جدید کمک خواهند کرد (HSU, 2017).

این طرح توسط وزارت صنعت و فناوری اطلاعات چین (MIT) تهیه شده و دارای اهداف خاصی است که نه تنها تا سال ۲۰۲۵ پیش‌بینی می‌شود، بلکه تا سال ۲۰۴۹ صدمین سالگرد تأسیس جمهوری خلق چین دنبال می‌گردد. فقط در طی چند سال، چین نه تنها به کارخانه جهان تبدیل شده، بلکه بهترین سیستم برای کارآفرینی و نوآوری در سطح جهانی است. ساخت چین ۲۰۲۵ از طرح صنعت جمهوری فدرال آلمان ۴,۰ الهام گرفته؛ اما ورژن یا نسخه چینی بسیار گسترده‌تر است. علت گسترده‌تر بودن این طرح این است که بر روی موارد کیفیت، سازگاری در محصولات نهایی، امنیت و حفاظت از محیط‌زیست و همچنین موارد دیگری برای توسعه کشور تمرکز دارد. این طرح یک تلاش منفرد نیست، بلکه در متن سیاست‌های به هم پیوسته‌ای است که دنبال می‌شود (Balderrama & Trejo 2018: 1-2). چین در این برنامه بر پیشرفت فناوری و نوآوری به‌عنوان محرک‌های رشد و بهره‌وری تأکید دارد. این طرح به ترویج اشکال متنوع مالکیت و کنترل دولت می‌پردازد و به شرکت‌های چینی برای دسترسی به بازارهای جهانی انعطاف‌پذیری می‌دهد. این طرح به این اشاره می‌کند که بخش تولیدی جمهوری خلق چین بزرگ است؛ اما قوی نیست. چین قصد دارد تا سال ۲۰۲۵، کیفیت ساخت، نوآوری و بهره‌وری نیروی کار را به دست آورد تا سال ۲۰۳۵ مصرف انرژی و منابع را کاهش دهد، توسعه شرکت‌ها و مراکز صنعتی را در سطح جهانی افزایش دهد و همچنین تا سال ۲۰۴۹ به‌طور متوسط با صنعت جهانی برابری کند (Congressional research service 2020). شرکت‌های دولتی و خصوصی به سرمایه‌گذاری در شرکت‌های خارجی به‌ویژه شرکت‌های نیمه‌هادی - برای دستیابی به فناوری پیشرفته تشویق شده‌اند (MC Bride & Chatzky, 2019). در این سند اقتصادی، چین

تأثیر سند اقتصادی - صنعتی ساخت چین ۲۰۲۵ بر... (مبارکه صداقتی و ارسالن قربانی شیخ‌نشین) ۱۴۹

شرکت‌ها و فعالان اقتصادی خود را به فعالیت‌های بین‌المللی و حضور در کشورهای خارجی تشویق می‌کند و بازارهای خود را به سوی شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران خارجی می‌گشاید. بر طبق نظریه وابستگی متقابل، در امر تجارت و تولید همکاری‌های گسترده میان کشورها برقرار است. بازیگران غیردولتی نیز در این فرآیند نقش پررنگی ایفا می‌کنند. در شرایطی که دولت همچنان بازیگر اصلی است؛ اما شاهدیم که چگونه برای ارتقای همکاری و هم‌گرایی از بازیگران غیردولتی نیز منتفع می‌شوند.

اولویت‌ها و اهداف

دولت چین اعلام کرد ساخت چین ۲۰۲۵ یک برنامه استراتژیک است که باهدف کاهش فاصله با قدرت‌های پیشرفته غربی و کاهش وابستگی چین در مورد فناوری‌های وارداتی طرح‌ریزی شده است. برای تحقق این برنامه وزارت صنعت و فناوری وظایف اصلی را باهدف بهبود ۱۰ بخش اصلی تولید تنظیم کرده است. این طرح ۱۰ صنعت اصلی با اولویت‌بندی را شامل می‌شود. ربات‌ها، انرژی‌های جدید و وسایل نقلیه سبز از این موارد هستند (TSE & Wuv, 2018: 1-6). در تصویر زیر این ده بخش نشان داده شده است:

Made in China 2025: Target Sectors



Graphic© Asia Briefing Ltd.

(source: www.china-briefing.com)

از این ده برنامه، پنج برنامه دارای اولویت بیشتری است، اولویت موجود در برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ شامل مواردی از جمله: ایجاد مراکز نوآوری جدید، ایجاد پایگاه‌های تحقیقاتی

جدید، اجرای پروژه‌های ساخت هوشمند، اجرای پروژه تولید سبز و تولید تجهیزات پیشرفته هستند.

اهداف ساخت چین ۲۰۲۵ عبارت‌اند از: ۱- فناوری اطلاعات پیشرفته جدید، از جمله هوش مصنوعی و محاسبات کوانتومی ۲- ماشین‌آلات خودکار ۳- تجهیزات هوافضا و هوانوردی ۴- تجهیزات دریایی و حمل‌ونقل با فناوری بالا ۵- تجهیزات مدرن حمل‌ونقل ریلی ۶- وسایل نقلیه خودران و دارای انرژی‌های جدید ۷- تجهیزات برق ۸- تجهیزات کشاورزی ۹- مواد جدید ۱۰- محصولات دارویی بیوفارما و پیشرفته (Supchina, 2018). این جاه‌طلبی چینی در چارچوب خط سیر توسعه کشور معنا پیدا می‌کند. کشورها معمولاً قصد دارند از صنایع پرکار دور شوند و با افزایش دستمزد از زنجیره ارزش افزوده صعود کنند، طرحی که چین را به یک نیروگاه پیشرفته تبدیل می‌کند که بر صنایع پیشرفته مانند رباتیک، فناوری اطلاعات پیشرفته، هواپیمایی و ماشین‌های انرژی جدید تسلط دارد. مفهوم صنعت آلمان ۴/۰ نشان می‌دهد که چگونه فناوری پیشرفته مانند حس‌گرهای بی‌سیم و رباتیک هنگامی که با اینترنت ترکیب می‌شوند می‌توانند از نظر بهره‌وری، کارایی و دقت به دست آورند. با این حال هدف دولت چین از طریق برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ این نیست که به جای اقتصاد کلانی مانند آلمان، ایالات متحده، کره جنوبی و ژاپن برسد تا جایی که به‌طور کامل جایگزین آن‌ها شود؛ بلکه این برنامه خواستار دستیابی به خودکفایی از طریق جایگزینی فناوری است. برنامه‌ای که چین را به یک قدرت تولیدی تبدیل می‌کند (شورای راهبردی روابط خارجی ۱۳۹۷).

به منظور تحقق ابتکار ساخت چین ۲۰۲۵، حمایت دولتی و یارانه‌ها توسط لی (Li Keqiang) نخست‌وزیر جمهوری خلق چین به سمت توسعه شرکت‌های چینی هدایت می‌شود. طرحی با بخش‌های رباتیک، هوش مصنوعی، اتومبیل‌های کم‌مصرف. در واقع صنایعی که انتظار می‌رود در دهه‌های آینده، اقتصاد جهانی را هدایت کند و مورد توجه جامعه بین‌المللی قرار گیرند (Crawford 2019: 1). در دنیایی که نوآوری جهانی شده است، چین به دنبال خودکفایی در فناوری‌های اصلی در گستره‌ای از صنایع دارای اولویت است.

تأثیر سند اقتصادی - صنعتی ساخت چین ۲۰۲۵ بر... (مبارکه صداقتی و ارسلان قربانی شیخ‌نشین) ۱۵۱

البته به طور ضمنی و اغلب صریح، هدف چین برای تبدیل شدن به یک ابرقدرت تولید دلالت بر بلندپروازی‌هایی نه تنها برای دست‌یابی به سایر اقتصادهای پیشرفته دارد بلکه برای رسیدن به موقعیت مسلط در این صنایع نیز تأکید دارد (B. kania. 2019: 4).

گسترش همگرایی و تولید فناوری اطلاعات یکی از بخش‌های مهم این برنامه است؛ که بر ایجاد سیستم تولید هوشمند در فرآیند اصلی و فرآیند کارخانه و کارگاه از طریق همکاری و صنعت و دانشگاه به تصویب می‌رسد؛ که بر این عناصر اهمیت منطقه، نوع صنعت و تجارت با زیرساخت‌ها و نیازهای کافی، تولید و فرآیند، مدیریت هوشمند و خدمات استوار است. همه تصدیق می‌کنند که چین، کشور شماره یک در تولید جهان است؛ با این حال این کشور به دلیل محدودیت‌های زیست‌محیطی و افزایش حقوق کارگران، با مشکلاتی مواجه است. برای حل این مشکل، دولت چین، سند «ساخت چین ۲۰۲۵» را یک ابتکار عمل برای ارتقای جامعه صنعتی خود معرفی کند. چین با تولیدات عظیم، اما نه با قدرت کیفی بالا، بزرگ‌ترین تولیدکننده است. این مطلب از بیانیه ساخت چین ۲۰۲۵ ذکر شده است. از طریق آن، می‌توان دریافت که چین از یک کشور کمیت‌گرا به سمت یک کشور کیفیت‌گرا در زمینه تولید حرکت می‌کند و دیگر چین، کشوری نیست که فقط پردازش و ساخت‌های ساده انجام بدهد (Ulalalab, 2016). چین اما برای اتصال بیشتر یا دنیا، طبق اهداف سند نیازمند ارتباط و تعامل بیشتر با بازیگران دولتی و فرادولتی است که در زمینه و حوزه اطلاعات و ارتباطات پیشرو و فعال هستند.

میزان سرمایه‌گذاری مرتبط با سند

برنامه ساخت چین ۲۰۲۵، برنامه استراتژیک ملی برای توسعه بیشتر بخش تولید این کشور است. جمهوری خلق چین به عنوان بخشی از برنامه‌های پنج‌ساله سیزدهم و چهاردهم قصد دارد از کارگاه‌های پرمشغله به نیروگاهی با فناوری بیشتر تبدیل شود. در سال ۲۰۱۸ دولت چین متعهد شد که تقریباً ۳۰ میلیارد دلار برای دستیابی به این طرح سرمایه‌گذاری کند. به دنبال همه‌گیری ویروس کووید حداقل ۱/۴ تریلیون رنمینبی (RMB- The Renminbi is the official currency of the people's Republic of china) دیگر نیز برای طرح‌های ساخت

چین ۲۰۲۵ سرمایه‌گذاری شد (En.wikipedia.org, 2021). در این میان، در سال ۲۰۱۸، ۵۸ درصد از ارزش سرمایه‌گذاری مستقیم چین در اروپا، به صنایع اصلی مورد نظر راهبرد ساخت چین ۲۰۲۵، نسبت داده شده است. توسعه اقتصادی چین موجب تقویت تقاضا برای محصولات پیشرفته‌تر و در نتیجه، ایجاد فرصت‌های قابل توجه تجاری برای شرکت‌های خارجی شده است. تجار و سیاستمداران خارجی، در حال حاضر به برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ و ارتقای زنجیره ارزش این کشور در نتیجه ارائه فرصت‌های بیشتر برای شرکت‌های خارجی واقف هستند (زنگلین و هولزمن، ۲۰۱۹: ۶۸).

پکن پشتیبانی مالی خود را از پروژه‌های مهم، همچون استراتژی ساخت چین ۲۰۲۵ خود را افزایش می‌دهد. طبق گفته وزارت صنعت و فناوری اطلاعات چین بخش‌هایی که نوآوری در تولید را تقویت می‌کنند از جمله اینترنت اشیا، لوازم‌خانگی هوشمند و لوازم الکترونیکی پیشرفته را شامل می‌شود. شین هوآ یکی از خبرگزاری‌های خلق چین گزارش داد که کل بودجه طرح احتمالاً از ۱۰ میلیارد یوآن (۱/۵ میلیارد دلار) فراتر خواهد رفت. جدا از بودجه در سطح مرکزی، مقامات محلی حمایت مالی خود را از پروژه‌های ساخت چین ۲۰۲۵ افزایش می‌دهند بیش از ۱۰ میلیارد یوآن از سال ۲۰۱۶ تا سال ۲۰۲۰ (english.gov.cn 2017)؛ بنابراین حمایت مالی و سرمایه‌گذاری در دستور کار دولت و شرکت‌های چینی در چارچوب سند ۲۰۲۵ است. با افزایش سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی چین در کشورهای اروپایی، این دولت‌ها به انتفاع اقتصادی می‌رسند و تنها نفع اقتصادی محدود به شرکت‌ها نبوده و بر میزان مبادلات تجاری و صنعتی کشورها نیز کمک کرده است.

در یک سیستم اقتصادی در جهان امروز، هم دولت و هم سایر بازیگران غیردولتی به اقتصادهای سرزمینی کمک می‌کنند. استقبال و درک دولت چین از حضور شرکت‌های خارجی در چین و متقابلاً شرکت‌های چینی در اروپا نشان می‌دهد که به موجب اهداف سند باید پیوندها و اتصالات بیشتری در ورای مرزهای چین شکل بگیرد. اتفاقی که در حال حاضر در سال‌های مورد بررسی پژوهش رخ داده مبین این نکته است که چین با وجود توجه و تمرکز بر خودکفایی و استقلال؛ اما در زنجیره تأمین صنایع دنیا حضور دارد و

تأثیر سند اقتصادی - صنعتی ساخت چین ۲۰۲۵ بر... (مبارکه صداقتی و ارسلان قربانی شیخ‌نشین) ۱۵۳

پیوندها را با سایرین عمیق‌تر می‌کند.

تأثیر سند اقتصادی-صنعتی ۲۰۲۵ چین بر روابط تجاری-اقتصادی با اروپا

چنانچه گفته شد ابعاد و اولویت‌های سرمایه‌گذاری سند ۲۰۲۵ می‌تواند بر کشورهای اروپایی اثرگذار باشد و با توجه به نقاط اشتراک و ابعاد همکاری موجود سند ساخت ۲۰۲۵ چین منجر به رابطه «برد-برد» بین طرفین شده است. با بررسی همکاری‌های ایجادشده و افزایش سطح تبادلات قبلی در راستای این سند، اروپا را با وجود احتیاط نسبت این سند، مشتاق و فرصت‌جو نیز می‌بینیم. فرصت‌های مهم تجاری و صنعتی ایجادشده برای اروپا و سیاست‌ها و اقدامات این کشورها نسبت به چین در ادامه یافته‌های پژوهش، نشان می‌دهد که در سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۰ که مدنظر پژوهش است، همکاری و همگرایی میان طرفین چین و اروپایی افزایش داشته است.

زمینه‌های همکاری با اروپا در قالب سند ساخت چین ۲۰۲۵

در این زمینه، بسیاری از شرکت‌های اروپایی در رابطه با صنایع (به‌عنوان مثال شرکت‌های صنعتی ریلی) تحت پوشش برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ هستند و با وجود وجود چالش‌هایی، فرصت‌های مهمی برای تجارت اروپایی‌ها وجود دارد. به‌عنوان مثال، در میان‌مدت، شرکت‌های اروپایی که تجهیزات پیشرفته، سرمایه، اجزای اصلی فناوری‌ها که چین قادر به تولید آن‌ها نیست را ارائه می‌دهند و می‌توانند از آن منتفع شوند. هم‌اکنون شرکت‌هایی که بسیاری از شرکت‌های چینی در صنایع مرتبط با ساخت چین ۲۰۲۵ داشته‌اند که با توجه به درک نیازهای مشتریان چینی، مشارکتی سازنده و ارزشمند قلمداد می‌شود. در بعضی زمینه‌ها، تجارت اروپایی می‌تواند با استفاده از امکانات خود در چین در زمینه قرارداد، تحقیق و توسعه برای شرکت‌های داخلی چین منتفع گردند. همچنین این شرکت‌های اروپایی می‌توانند به شرکت‌های چینی در تلفیق رباتیک صنعتی، حسگرها و نرم‌افزارهای پیشرفته ارائه خدمات کنند. در زمینه‌های نسل بعدی فناوری اطلاعات، رباتیک، تجهیزات پیشرفته ریلی، وسایل نقلیه، داروهای زیستی و تجهیزات پزشکی، با عملکرد بالا مرتبط با

برنامه تولیدات ساخت چین ۲۰۲۵، تجارت اروپا فرصت‌های فراوانی دارد (European Union Chamber of Commerce in China 2017).

طرح ساخت چین ۲۰۲۵، فرصت‌های جذابی را برای برخی از کشورهای اروپایی به منظور ایفای نقش مهم ایجاد کرده و شرکت‌های اروپایی بسیاری اقدام به آغاز همکاری با شرکت‌های چینی در زمینه ارائه اجزاء و فن‌آوری‌ها و مهارت‌های مدیریتی حیاتی در حوزه‌های مرتبط با این طرح هستند. تعهدات اعلام‌شده از سوی رئیس‌جمهور خلق چین در جریان سخنرانی‌اش در مجمع جهانی اقتصاد در داووس سوئیس در کنار تعهدات اعلام‌شده از سوی شورای حکومتی چین در ژانویه ۲۰۱۷، به منظور ترغیب سرمایه‌گذاری بنگاه‌های متکی به سرمایه‌گذاری‌های خارجی در صنایع تولیدی پیشرفته و تضمین رفتار برابر با این شرکت‌ها، در چارچوب سیاست‌ها و تجهیزات راهبردی مرتبط با طرح، امری مثبت بوده‌اند. به‌منظور تأمین منافع دوجانبه و نیز فراهم آوردن زمینه به‌فعالیت درآوردن تمامی ظرفیت‌های بالقوه چین در حوزه فن‌آوری‌ها، اتاق بازرگانی اروپا، امیدوار است که چین به این تعهدات به‌طور کامل عمل کند و شرکت‌های اروپایی نیز مجاز به شرکت در این فرآیند و رقابت به‌عنوان یک شریک کامل و برابر در یک بستر مبتنی بر رعایت عدالت در حوزه نوآوری باشند (مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری ۱۳۹۷). بر این اساس، اروپا نقش اصلی را در بلندپروازی‌های پکن در زمینه سند ساخت چین ۲۰۲۵ بازی می‌کند و با وجود افزایش نظارت، بیشتر معاملات چینی در اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۹ در بخش (فناوری ارتباطات و اطلاعات) (ICT) انجام‌شده است. افزون بر این، شرکت‌های اروپایی در سال‌های اخیر افزایش انتقال فناوری اجباری را تجربه کرده‌اند. از آنجاکه چین دسترسی خود به فناوری‌های ایالات متحده را به‌طور فزاینده‌ای محدود می‌کند؛ احتمالاً برای یافتن گزینه‌های دیگر به اروپا روی خواهد آورد (Arcesati, 2020: 15).

در چارچوب سند ساخت ۲۰۲۵، در تاریخ ۳۰ دسامبر ۲۰۲۰، اتحادیه اروپا و جمهوری خلق چین بر سر توافق‌نامه جامع سرمایه‌گذاری به توافق رسیدند. متن توافق‌نامه هنوز در دسترس نیست. اتحادیه اروپا انتظار دارد که این یک توازن بهتر در روابط تجاری اتحادیه اروپا با چین ایجاد کند. با توجه به اینکه چین، متعهد به دادن سطح بیشتری از دسترسی

تأثیر سند اقتصادی - صنعتی ساخت چین ۲۰۲۵ بر... (مبارکه صداقتی و ارسلان قربانی شیخ‌نشین) ۱۵۵

بازار (از جمله حذف محدودیت‌های کمی و الزامات مربوط به سرمایه‌گذاری مشترک) و رفتار عادلانه برای سرمایه‌گذاران اتحادیه اروپا شده که بیش از هر زمان دیگری بی‌سابقه است. این توافق همچنین مقررات توسعه پایدار را پوشش می‌دهد (Lexology, 2021).

داده‌های موجود حاکی از آن است که زمینه‌های همکاری طرفین در چارچوب این طرح مهیا است و ظرفیت‌های دو بازیگر اشتیاق به همکاری را نشان می‌دهد. تضمین‌های برابری و توازن در تجارت و تعادل در سرمایه‌گذاری‌ها از سوی چین به اروپایی‌ها به معنای این است که چینی‌ها در روند همکاری خود با کشورهای اروپایی، نگرانی‌ها را درک نموده و با دادن چنین تضمین‌هایی به دنبال فضا سازی مثبت در اذهان اروپایی هستند. تعهد چین مبنی بر تضمین رفتار برابر در قبال شرکت‌های چینی و اروپایی، در دید مثبت اروپا نسبت به سند ساخت چین ۲۰۲۵ بی‌تأثیر است. در چارچوب رژیم‌های بین‌المللی که از اجزای مطرح شده در نظریه وابستگی متقابل است؛ توافق‌های بین‌المللی راه رسیدن به منافع مشترک و گسترش همکاری‌های اقتصادی را هموارتر می‌سازد و تهدیدات ناشی از عدم برابری و توازن در همکاری‌ها را می‌کاهد. در شرایطی که دولت‌ها به دنبال منابع برد-برد هستند این توافق‌نامه‌ها، ابتکارات و تضمین‌های منعقد شده میان دولت‌ها کمک شایانی به مبادلات تجاری و تولیدی میان کشورها می‌کند.

شرکت‌های چندملیتی و پیوند چین و اروپا در سند ساخت ۲۰۲۵

از آنجا که طبق ابتکارات اقتصادی چین از جمله ساخت چین ۲۰۲۵، همکاری‌های برد - برد و انعطاف‌پذیری در سرمایه‌گذاری‌های خارجی ضرورت دارد؛ لذا دولت چین برای ارتقای صنعت و تولید خود، ذیل برنامه صنعتی ساخت چین ۲۰۲۵، همکاری‌های فرا دولتی را نیز در نظر مثبت دارد. شرکت‌های چندملیتی که در چین به همکاری‌های دیجیتال و تولیدی با شرکت‌های چینی می‌پردازند. البته شرکت‌های چندملیتی و سرمایه‌گذاری‌هایشان در چین به توسعه این کشور و به ویژه هم‌راستا با سند راهبردی - صنعتی ساخت چین ۲۰۲۵ کمک می‌کند.

شیجین پینگ درباره سند ساخت چین ۲۰۲۵ اعلام کرد که درهای چین به‌طور گسترده

باز می‌شود، محیط کسب و کار بهتر و بهتر می‌شود و شرکت‌های چندملیتی جهانی نیز بیشتر و بیشتر خواهد شد. از آنجا که جمهوری خلق چین از سال ۱۹۹۲ به مدت ۲۷ سال متوالی، بزرگ‌ترین دریافت‌کننده سرمایه‌گذاری خارجی در بین کشورهای در حال توسعه بوده، سرمایه‌گذاری شرکت‌های چندملیتی در توسعه چین، نقش اساسی داشته‌اند. در چهل سال گذشته نزدیک به یک میلیون شرکت سرمایه‌گذاری ۲/۱ تریلیون دلار در سرمایه‌گذاری فناوری تجهیزات پیشرفته، محصولات و خدمات باکیفیت بالا، مهارت‌های مدیریتی و منابع نوآوری به چین آورده‌اند. در واقع شرکت‌های چندملیتی، چین را به بقیه جهان مرتبط کرده‌اند. از طریق این تعاملات با جهان چین به توسعه طولانی مدت و سریع پی برده است. در مه سال ۲۰۱۹ میلادی بیش از ۳۰/۰۰۰ شرکت سرمایه‌گذاری خارجی تأسیس شده‌اند که میزان واقعی استفاده از سرمایه خارجی‌شان، ۶/۵٪ رشد داشته است. حقایق ثابت می‌کند که چین و شرکت‌های چندملیتی از روابط نزدیک‌تر برخوردار بوده و در جهت توسعه مشترک گام برمی‌دارند. تعامل بین چین و شرکت‌های چندملیتی کاملاً اثبات می‌کند که جستجوی نتیجه برد - برد از طریق گشودگی و همکاری بیشتر، راه صحیح توسعه در هر زمان است (Helsinkiimes, 2019).

دولت چین تلاش می‌کند، شرکت‌های خارجی را متقاعد کند تا پیشرفته‌ترین بخش‌های زنجیره ارزش خود را به چین انتقال دهند و بدین ترتیب بتوانند صنعت داخلی خود را ارتقا داده و به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، امکان ادغام این زنجیره‌های ارزش در اقتصاد داخلی را فراهم آورد. اندازه خالص بازار و طرح‌های وسوسه‌برانگیز تحت حمایت دولت چین برای شرکت‌های خارجی جذاب به نظر می‌رسند و در نتیجه، این شرکت‌ها به گسترش فعالیت‌های خود در این کشور مبادرت می‌ورزند. انتقال هر چه سریع‌تر کسب و کارهای خارجی به بازار چین می‌تواند برای آن‌ها بسیار سودمند واقع شود. کمک به ایجاد صنایع مورد نظر مطابق سیاست صنعتی چین نیز می‌تواند برای تأمین‌کنندگان خارجی سودبخش باشد (زنگلین و هولزمن ۲۰۱۹: ۶۵-۶۳).

مذاکرات برای توافق‌نامه سرمایه‌گذاری ۲۰۲۰، در سال ۲۰۱۳ آغاز شد. هدف از این

تأثیر سند اقتصادی - صنعتی ساخت چین ۲۰۲۵ بر... (مبارکه صداقتی و ارسلان قربانی شیخ‌نشین) ۱۵۷

مذاکرات، بهبود سرمایه‌گذاری برای سرمایه‌گذاران اروپایی و چینی با ایجاد حقوق سرمایه‌گذاری و تضمین عدم تبعیض، بهبود روش‌های شفافیت سازی در زمینه سرمایه‌گذاری، صدور مجوز سطح بالا و متعادل برای حفاظت از سرمایه‌گذاران و سرمایه‌گذاری‌ها، وضع قوانین در زمینه‌های محیطی و مربوط به نیروی کار در سرمایه‌گذاری‌های خارجی بوده است. متعاقباً در سال ۲۰۱۶ اتحادیه اروپا و چین یک استراتژی جدید در مورد روابط چین و اتحادیه برای پنج سال آینده ترسیم نمود که مسیر سند ساخت ۲۰۲۵ را تسهیل می‌کند. این استراتژی موجب رقابت عادلانه و مساوی در زمینه‌های همکاری می‌شود. این استراتژی همچنین شامل یک برنامه تجاری با تمرکز قوی و بهبود فرصت‌های دسترسی به بازار از جمله مذاکره در مورد توافق‌نامه جامع سرمایه‌گذاری است. در دستور کار همکاری اتحادیه اروپا و چین ۲۰۲۰، توافق‌نامه سرمایه‌گذاری اتحادیه اروپا و چین را به عنوان محور اصلی روابط دو جانبه بلندمدت دو طرف قرار می‌دهد (ec.eropea.eu, 2021). دسترسی آسان به بازارهای مصرف، از اصول تئوری وابستگی متقابل است که به بهبود و سودآوری همکاری‌هایی کمک می‌کند که این دو بازیگر در قالب سند ساخت چین ۲۰۲۵ در حال برنامه‌ریزی آن هستند.

اتحادیه اروپا و چین توافق‌نامه سرمایه‌گذاری در دسامبر ۲۰۲۰ را منعقد کردند که به شرکت‌های اروپایی، امکان دسترسی بیشتر به بازارهای چین را می‌دهد. شرکت‌های اروپایی اجازه فعالیت در چین در زمینه‌های اتومبیل‌های الکتریکی، سرویس‌های ابری مخابراتی و فعالیت‌های خاص مرتبط با حمل و نقل هوایی و دریایی را دارند. الزامات پیچیده سرمایه‌گذاری مشترک در بخش خودرو، بسیاری از خدمات مالی، بیمارستان‌های خصوصی، تبلیغات، خدمات املاک و مستغلات و محیط‌زیست مانند فاضلاب کاهش می‌یابد. شرکت‌هایی که می‌توانند از این مزایا بهره‌مند شوند شامل دایملر، بی.ام.و.، پژو، آلیانز و زیمنس هستند که همگی حضور گسترده در چین دارند. چین قوانینی را بر ممنوعیت انتقال اجباری فناوری از شرکت‌های خارجی را تصویب خواهد کرد و قول داده است تا در زمینه یارانه‌ها شفافیت بیشتری داشته باشد و شرکت‌های دولتی را از تبعیض علیه

سرمایه‌گذاران خارجی منع کند. امانوئل ماکرون رئیس‌جمهور فرانسه در این راستا گفت که روابط بین اتحادیه اروپا و چین تقویت شده است (Blenkinsop, 2020). برداشته‌شدن محدودیت‌های مرتبط با خارجی‌ها در چین در زمینه تولید و سرمایه‌گذاری یک گام روبه‌جلو برای تحقق اهداف مورد نظر سند ساخت چین ۲۰۲۵ است. انعطاف دولت چین در قبال سرمایه‌گذاران و کشورهای خارجی به‌ویژه کشورهای اتحادیه اروپایی، به تقویت همکاری‌های متقابل طرفین منجر شده است.

زمینه‌های ایجاد وابستگی متقابل بین چین و اروپا بر مبنای سند ساخت چین

۲۰۲۵

چنانچه ذکر گردید، برنامه راهبردی ساخت چین ۲۰۲۵، یکی از موارد مهم ارتقای صنعت و نوآوری چینی است که با همکاری و بهره‌مندی از علم سایر کشورها به‌ویژه اروپا دنبال می‌گردد. کشور چین سرمایه‌گذاری‌ها و تمرکز خوبی در کشورهای اروپایی در ارتباط با این برنامه داشته است. در ارتباط با برنامه ساخت چین ۲۰۲۵، ارتباطات و مراودات مرتبط با صنعت و تولید در بخش‌های مربوطه برنامه، بین جمهوری خلق چین و کشورهای اروپایی رقم وجود داشته که زمینه‌ساز وابستگی متقابل بین طرفین شده است. در بخش‌های مختلف و راهبردی، هم چین و هم اروپا، از این برنامه منتفع شده‌اند و همکاری و تعامل را توسعه داده‌اند و سرمایه‌گذاری‌های متقابل طرفین در سرزمین‌های یکدیگر اهمیت فراوانی دارد. به این خاطر هم برای چین و هم اروپا این سند راهبردی به‌عنوان یک فرصت در نظر گرفته شده است. در ادامه به بررسی پیشرفت برنامه راهبردی - صنعتی چین در سند ۲۰۲۵ در رابطه با اروپا پرداخته شده است.

همکاری متقابل در زمینه هواپیماسازی

صنعت هواپیمایی اروپا از ۵/۱ میلیون شغل پشتیبانی می‌کند. این صنعت به ۲,۴ درصد تولید ناخالص داخلی اروپا کمک می‌کند. این صنعت همچنین یکی از عوامل اصلی تحقیق و توسعه و ایجاد اشتغال در قاره اروپا است؛ و صادرات، تقریباً ۶۰٪ از درآمد اتحادیه است.

تأثیر سند اقتصادی - صنعتی ساخت چین ۲۰۲۵ بر... (مبارکه صداقتی و ارسلان قربانی شیخ‌نشین) ۱۵۹

برای این بخش کلیدی اقتصاد در اروپا، جمهوری خلق چین با بازار در حال رشد سریع خدمات و محصولات هواپیمایی یک بازار مهم استراتژیک است. طبق پیش‌بینی‌ها انتظار می‌رود که آسیای شرقی - به‌ویژه چین - حداقل تا ۲۰ سال آینده، بزرگ‌ترین بازار در حال رشد هواپیمایی داخلی باشد. از طرف دیگر، چین همچنین صنعت خود را فعالانه ارتقا می‌دهد. تحولاتی از نظر قطعات ساخته‌شده هواپیمایی به‌وسیله اتحادیه اروپا و افزایش فرکانس پرواز بین اروپا و چین، فرصتی منحصر به فرد برای گسترش صنعت اروپا در چین است. آن‌ها همچنین زمینه همکاری بیشتر بین اتحادیه اروپا و چین را در زمینه هواپیمایی کشوری فراهم می‌کنند.

اولین ابتکار همکاری چین و اروپا در زمینه‌های هواپیمایی به سال ۱۹۹۹ بازمی‌گردد. موفقیت در این مرحله منجر به ایجاد پروژه همکاری هواپیمایی اتحادیه اروپا و چین برای تعمیق همکاری و تفاهم متقابل شد. در حال حاضر پروژه مشارکت هواپیمایی اتحادیه اروپا و چین هدف خود را از طریق توسعه یک همکاری مشترک سودمند، به سطح بعدی می‌رساند. برنامه اتحادیه اروپا و چین در ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۵ آغاز شده است، برای مدت ۵ سال (۲۰۲۰-۲۰۱۵) با بودجه ۱۰ میلیون یورویی اروپا تنظیم شده است (EASA, 2021). بخش بالگردهای ایرباس با ۴۰ درصد سهم بازار، از اواخر سال ۲۰۱۷ در چین پیشگام است. در ژوئن ۲۰۱۶، یک کنسرسیوم چینی در توافق‌نامه‌ای که شامل ساخت مونتاژ نهایی H315 در چینگدائو - استان شاندونگ - است، ۱۰۰ هلی‌کوپتر سبک دوقلوی H315 را سفارش داد.

در ماه مه ۲۰۱۷، برای اولین بار در خارج از اروپا و در چین، یک سازنده غربی، مجمع نهایی هلی‌کوپتر -FAL- را تأسیس نمود. توافق تاریخی FAL براساس تلاش مشترک توسعه شرکت‌های ایرباس و آوی کوپتر چین، برای هلی‌کوپتر کاربرد متوسط H175 بنا شده است. در سال ۲۰۱۹، ایرباس و چین، همکاری طولانی‌مدت خود را با یک تفاهم‌نامه در مورد توسعه بیشتر همکاری‌های صنعتی تقویت کردند که در آن هر دو طرف توافق نمودند تا اقدامات عملی و جدید مربوط به هواپیمای تک راهرو در بدنه ایرباس را انجام دهند. امروز

ایرباس در ۸ مکان مختلف چین، به فعالیت‌های مرتبط با هلی‌کوپتر سازی می‌پردازد. شرکت ایرباس همچنین یکی از سهامداران عمده شرکت سی گیم (C GAME Company) یک شرکت تعمیر و نگهداری مستقر در شنزن (Shenzhen)، درست در شمال هنگ کنگ است که فعالیت‌های نگهداری و تعمیر بالگردهای این شرکت چینی را در این کشور انجام می‌دهد (Airbus, 2021). یک ارتباط مثبت و همکاری جویانه میان جمهوری خلق چین و اتحادیه اروپا در زمینه هوافضا وجود دارد و زمینه‌های بیشتر همکاری نیز امکان‌پذیر است؛ بنابراین به لحاظ پیشینه ارتباطی این دو کشور در رابطه با همکاری‌های صنعت هوانوردی باید گفت که همکاری و وابستگی متقابل وجود دارد.

چین بر طبق سند ساخت چین ۲۰۲۵ می‌خواهد هوایمایی تجاری خود که تأمین‌کننده ۱۰ درصد بازار قطعات داخلی است تا سال ۲۰۲۵ به حدی برساند که ۲۰ درصد از کل بازار جهانی هوایمایی را تشکیل دهد (Lee, 2018)؛ و به سمت تبدیل شدن به بزرگ‌ترین بازار هوانوردی دنیا است. پیشرفت چین در صنعت هوانوردی هم‌راستا با استراتژی ساخت چین است که هدف آن تولید و طراحی محصولات داخلی معرفی می‌شوند. چین، هوایمای کوماک سی ۹۱۹ را طراحی کرد تا با مدل‌های بوئینگ رقابت کند. با این حال ذکر این نکته جالب توجه است که بیشتر قسمت‌های این هواپیما مانند بال‌ها، دماغه، تثبیت‌کننده‌های افقی و عمودی و... طراحی داخلی است؛ اما کوماک از کارشناسان اروپایی به خصوص فرانسوی‌ها برای طراحی کابین و اتاقک موتور، دعوت به همکاری نموده است. موتور (CFM) این هواپیما که اروپایی است ۱۵ درصد کمتر سوخت مصرف می‌کند. این شرکت اروپایی با چین سال‌هاست که همکاری دارد و روابط خوبی با شرکت‌های هوایمایی در چین دارد و امروزه تأمین‌کننده تمامی قطعات شرکت‌های چینی است (سایت لست سکند، ۱۳۹۷). براساس محتوای سند ۲۰۲۵ پکن، هوایمای کوماک ۹۱۹ را به بخش جدایی‌ناپذیر طرح ساخت چین ۲۰۲۵ تبدیل کرد (Qiu & Hephher, 2020).

به دلیل نداشتن دانش کافی، کوماک ۹۱۹ در حال حاضر به شدت متکی به فناوری‌های غربی است؛ و مهم‌ترین اجزای این هواپیما در آمریکا و اروپا تولید می‌شود. به انضمام اینکه

تأثیر سند اقتصادی - صنعتی ساخت چین ۲۰۲۵ بر... (مبارکه صداقتی و ارسالن قربانی شیخ‌نشین) ۱۶۱

بسیاری از قطعات تولیدکنندگان آمریکایی توسط شرکت‌های تابعه در اروپا تولید می‌شوند. در حال حاضر درصد دقیق اجزای کوماک ۹۱۹ که از اروپا تهیه شده‌اند قابل تعیین نیست. هدف چین در محدوده سند ساخت چین ۲۰۲۵، ایجاد موتور چینی به‌عنوان یکی از پیشروترین تولیدکنندگان موتور جهانی است. با این حال کارشناسان یک مرحله راه‌اندازی طولانی‌مدت را برای چین پیش‌بینی می‌کنند (Reich et al., 2019: 2).

در تصویر زیر مشخص است که قطعات هواپیمای چینی توسط چه شرکت‌هایی تولید شده است. در این هواپیمای چینی، مشارکت آلمان، فرانسه و انگلستان از اروپا به چشم می‌خورد.



(Hurska, 2019)

در حال حاضر، بیشتر شرکت‌های بزرگ و مطرح طراحی و ساخت هواپیما و قطعات آن از جمله بوئینگ (Boeing)، ایرباس (Airbus)، رولزرویس (Rolls-Royce motor cars)، جنرال الکتریک (General Electric) در چین فعالیت دارند. در سال ۲۰۱۵، ارزش کل همکاری ایرباس و چین ۵۰۰ میلیون دلار بود. چین سریع‌ترین رشد بازار هواپیمایی در جهان را دارد و در حال تبدیل شدن به بزرگ‌ترین بازار جهان است. اخیراً چین اصلاحاتی را تصویب کرده که می‌خواهد فضای کم ارتفاع را باز کند و کنترل پرواز را به مقامات

هوایمایی کشوری منتقل کند. این زمینه را برای رشد مداوم در بازار هوایمهای تجاری چین فراهم می‌کند. به لطف همکاری نزدیک ایرباس و چین، اشتغال در صنعت هوافضا افزایش یافته است. ایرباس، منتظر ۵۰ سال دیگر همکاری نزدیک و سخت با چین است. هوایمایی تجاری ایرباس در سال ۱۹۹۴ وارد بازار چین شد.

امروز ایرباس تقریباً ۵۰٪ از فعالیت هوایمایی در چین را دارد و مهم‌ترین شرکت خارجی هوافضا در جمهوری خلق چین محسوب می‌شود. روابط میان ایرباس با چین فراتر از روابط تولیدکننده و خریدار است. افتتاح کارخانه هلیکوپترهای ایرباس H135 در چینگدائو (Chengdu) مثالی برای همکاری موفق چین و اروپا در زمینه هوافضا محسوب می‌شود. شرکت رولز-رویس نیز در نظر دارد به منظور عقد قرارداد مبنی بر عرضه هوایمایی پهن‌بیکر CR929، مونتاژ موتور جت در چین را راه‌اندازی کند (زنگلین و هولزمن ۲۰۱۹: ۶۶). با وجود تلاش چین برای استقلال در تولید هوایما و به‌طور کلی صنعت هوافضا؛ اما شاهدیم که چین چگونه از شرکت‌های بین‌المللی در صنایع هوایمایی خود بهره‌گرفته است. در همتندگی و پیوندی میان صنعت هوایی چین با صنایع هوایمایی بزرگ دنیا از جمله فرانسه وجود دارد که در سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۰ تقویت شده است. دولت چین در سند ساخت چین ۲۰۲۵، ضمن انگیزه‌داشتن سهم بزرگی از صنایع هوایی جهان، از تجارب، دانش و فناوری صنایع بزرگ هوایماسازی اروپایی بهره‌برده است. ضمن اینکه شرکت‌های اروپایی نیز در صنایع هوایمایی مستقر در چین، به افزایش فعالیت‌ها پرداخته‌اند.

همکاری در زمینه دارویی، پزشکی

صنعت زیستی، از جمله صنعت زیست دارویی برنامه ۵ ساله دوازدهم چین به‌عنوان یک فرصت نوظهور با اهمیت استراتژیک شناخته شده است. به‌عنوان مثال چین مدت‌ها می‌خواهد با بهبود توانایی خود در ایجاد نوآوری، شکاف بازیگران داخلی و شرکت‌های بین‌المللی زیست دارو را کاهش دهد. جمهوری خلق چین در بخش‌های فن‌آوری پزشکی بیوتکنولوژی، بر طبق برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ متعهد به دیجیتالی کردن و شبکه‌سازی

تأثیر سند اقتصادی - صنعتی ساخت چین ۲۰۲۵ بر... (مبارکه صداقتی و ارسلان قربانی شیخ‌نشین) ۱۶۳

تولید است. با این حال در زمینه پزشکی زیستی و به ویژه تولید داروهای شیمیایی جدید، جمهوری خلق چین به ویژه با کشور آلمان، همکاری‌هایی را صورت داده و تلاش می‌کند (Wang & Holst, 2015).

در پی بحران ناشی از همه‌گیری ویروس کرونا، اتحادیه اروپا این واقعیت را مطرح کرد که به تجهیزات پزشکی که توسط کشورهای خارج از اتحادیه تأمین می‌شود، وابسته است. تجهیزات حفاظت از جمله ماسک، تجهیزات تنفس مصنوعی و همچنین سایر محصولات در مبارزه با ویروس کرونا از اقلام مورد نیاز اتحادیه اروپا در دوران پاندمی کرونا است که توسط کشورهای خارج از اتحادیه تأمین می‌شود. نقشه‌برداری از تجارت اروپا در چهار دسته از محصولات اعم از داروها و تجهیزات پزشکی نشان می‌دهد که ۵ شریک تجاری اتحادیه اروپا، تقریباً ۷۵ درصد واردات اتحادیه اروپا را تأمین می‌کنند. شرکای اصلی واردات اتحادیه اروپا، سوئیس، انگلستان، ایالات متحده، سنگاپور و چین هستند (European parliament, 2020)؛ بنابراین اروپا در بحث مسائل بهداشت عمومی و اقلام پزشکی به کشور چین نیاز دارد و چین بر اساس سند ساخت چین ۲۰۲۵ درصدد گسترش «دیپلماسی سلامت» خود در جهان است و رابطه با اتحادیه اروپا در دستور کار این کشور قرار دارد. لذا در اینجا حوزه سلامت به عنوان یک متغیر اساسی در سند ۲۰۲۵ مطرح است که می‌تواند منجر به وابستگی متقابل چین و اروپا در حوزه بهداشت عمومی و سلامت گردد. این بحث در زمان بحران کووید ۱۹ و مطرح شدن «جاده ابریشم سلامت» (Health Silk Road) چین اهمیت دوجندانی پیدا کرده و زمینه‌های وابستگی طرفین را تقویت کرده است.

دیجیتال، فناوری اطلاعات و هوش مصنوعی

در عصر جدید پساجنگ سرد، چین و اتحادیه اروپا توجه ویژه‌ای به علم، فناوری، نوآوری و تحقیق و توسعه دارند. این توجه ویژه با هدف تحریک رشد اقتصادی در متن پیچیده وابستگی متقابل عصر حاضر، برای دستیابی به توسعه اقتصادی است. در نهایت این همکاری‌های اقتصادی به حفظ امنیت و پیشبرد حاکمیت جهانی کمک می‌کند. لذا کشورها و سازمان‌های بین‌المللی باید در همکاری‌های بین‌المللی شرکت کنند. توسعه مشارکت

اتحادیه اروپا و چین اثبات می‌کند که این نیاز تا چه حد قوی است. چین و اتحادیه اروپا برای دستیابی به اهداف ملی خود در بسیاری از زمینه‌های فناوری پیشرفته همکاری کردند. زمینه‌های اصلی همکاری دانش و فناوری چین و اتحادیه اروپا، فناوری اطلاعات، انرژی، توسعه پایدار و محیط‌زیست است (Li, 2017: 1-2). تحول اقتصادی در چین که توسط نوآوری در فناوری ایجاد شده، باعث گشودن فرصت‌های بزرگ است. شرکت سوئیدی-سوئدی ای.بی.بی. (ABB) با یک میراث قوی، متعهد و ریشه‌دار در چین، یک موقعیت ایدئال برای ادامه نوآوری و توسعه مشترک فناوری‌ها، محصولات، راه‌حل‌ها و برنامه‌ها در کل زنجیره ارزش است. دو شرکت چینی و اروپایی با همکاری و نوآوری از فناوری‌های ابری، هوش مصنوعی، اینترنت و تخصص‌های صنعتی استفاده خواهند کرد تا تحول پتانسیل دیجیتال صنایع را ایجاد کنند (Zurich, 2020).

تعدادی از شرکت‌های پیشرو اتوماسیون جهانی، از جمله زیمنس (Siemens)، جنرال الکتریک (General electric)، ققنوس کنتاکت (kuknos)، راکول اتوماسیون (Atomation)، راکول اتوماسیون (Rockwell)، اشنایدر الکتریک (Schneider electric) و ای.بی.بی. به‌طور فعال از تولیدکنندگان چینی، در امور مربوط به تولید هوشمند پشتیبانی می‌کنند. شرکت اروپایی زیمنس یکی از تولیدکنندگان برجسته فناوری ساخت هوشمند در چین، دارای رد پای قابل توجهی در کشور چین است و رابطه خوبی با دولت چین برقرار می‌کند. در فوریه ۲۰۱۵، زیمنس یک مرکز نوآوری در زمینه تولید هوشمند در چنگدو افتتاح کرد. در ماه سپتامبر زیمنس یک مرکز تحقیق و توسعه در سوژو افتتاح کرد که به راه‌حل‌های دیجیتالی اختصاص داده شده است. این شرکت با بائواستیل (Baosteel) نیز همکاری می‌کند و برای کمک به تولیدکنندگان چین در هوافضا، الکترونیک، غذا و نوشیدنی، آهن و فولاد، کشتی‌سازی و سایر صنایع سفارش‌هایی را امضا کرده است (Cao, 2021).

افزون بر این و باوجود نگرانی‌های اطلاعاتی و امنیتی در رابطه با گول فناوری چینی یعنی -هوآوی- در سراسر اروپا، اما همچنان ارائه‌کنندگان خدمات محلی، با شرکت‌های چینی از جمله هوآوی همکاری دارند. هوآوی یادداشت تفاهم همکاری با ارائه‌کنندگان

تأثیر سند اقتصادی - صنعتی ساخت چین ۲۰۲۵ بر... (مبارکه صداقتی و ارسلان قربانی شیخ‌نشین) ۱۶۵

بی‌سیم در هشت کشور اروپایی را امضا نمود و ارائه خدمات این‌چنینی را حداقل در ۱۲ کشور اروپایی آزمایش کرده است. شرکت چندملیتی اروپایی آلتیس (Altice) قراردادی با هوآوی برای ارتقای شبکه‌های جی ۵ (5G) این شرکت امضا کرده است. محصولات هوآوی در بازارهای خرده‌فروشی اروپا گسترش یافته و فعالانه در سراسر اروپا تبلیغات، لابی‌ها و مشاورانی را برای کمک به گسترش فعالیت در اروپا به کار گرفته است. این شرکت با تمرکز بر عرضه، حفظ، نگهداری و ارائه اطلاعات فنی به شرکت‌های بخش خصوصی و مؤسسات دولتی با اروپا برقرار کرده است (شورای راهبردی روابط خارجی، ۱۳۹۷).

با ورود اقتصاد چین به دوره جدید از رشد مصرف و نوآوری، شرکت‌های فرانسوی، تمرکز سرمایه‌گذاری‌های خود را از ساخت کارخانه‌های معمولی به ایجاد کارخانه‌هایی با فناوری بالا، امکانات نوآوری و خدمات در چین تغییر دادند. تحت سیاست‌های دولت چین، شرکت‌های خارجی به سرمایه‌گذاری در تولید با کیفیت بالا، هوشمند، راه‌اندازی مرکز تحقیق و توسعه و تقویت همکاری افراد داخلی تشویق می‌شوند. آن‌ها همچنین مجاز پیوستن به برنامه‌های ملی علم و فناوری چین خواهند بود. بین ژنگ (Yin zheng)، معاون اجرایی شرکت شنایدر گفت: (این شرکت در آینده بر سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، صنایع، ساختمان و مراکز داده در چین تمرکز خواهد کرد.) در ادامه شرکت‌های فرانسوی سرمایه‌گذاری‌های خود را افزایش دادند (zhong, 2019). شرکت تجهیزات الکتریکی اتوماسیون فرانسه شنایدر الکتریک متعهد شده است تا تلاش خود را برای تقویت تحول دیجیتال و هوشمند صنعت تولید چین افزایش دهد. رئیس و مدیرعامل شنایدر آقای جین پاسکال ترای کوره (Jean pascal Tricoire) اعلام کرد که چین دومین بازار بزرگ شنایدر است و شنایدر حضور قدرتمندی در چین دارد و در حال همکاری با شرکت‌های چینی تحت استراتژی ساخت چین ۲۰۲۵ برای ارتقاء تحول دیجیتال و صنعت تولید با بهبود بهره‌وری انرژی و کاهش هزینه‌ها است. شرکت شنایدر با تمرکز بر نوآوری به افزایش سرمایه‌گذاری‌های خود در چین ادامه خواهد داد (Feifei, 2017).

شرکت اروپایی زیمنس با همکاری مشترکان و شرکای خود برای ایجاد ارزش‌هایی در

اکوسیستم باز و فراگیر، از توسعه باکیفیت و پایدار اقتصاد و جامعه چین، حمایت و پشتیبانی می‌کند؛ چراکه چین وارد یک دوره جدیدی از توسعه می‌شود. زیمنس به چین کمک می‌کند که این کشور به سمت آینده بهتری حرکت کند. زیمنس به‌عنوان رهبر فناوری‌های پیشرفته، شریک استراتژیک منطقه خلیج بزرگ گواندونگ - هنگکنگ - ماکائو است. در ژوئن ۲۰۱۷ در پکن، زیمنس اولین مرکز تجربه دیجیتال‌سازی خود را در منطقه اقیانوسیه افتتاح کرد. در سال ۲۰۱۹، اولین نمایشگاه هوشمند زیمنس در منطقه خلیج بزرگ در - هنگ جین جوآی - باهدف پشتیبانی از اجرای استراتژی توسعه دیجیتال مبتنی بر نوآوری در منطقه افتتاح شد. در آوریل ۲۰۱۹، به‌عنوان سرویس کره ذهنی (mind sphere) در ابر علی‌بابا (alibaba) مستقر شد. تا سال مالی ۲۰۲۰، زیمنس با بیش از ۱۰۰ شرکت چینی، مانند -china power-، -CEEC-، -CINOPE group-، -CNBM-، -CIMC RAFFLES- و CNPC کار کرده‌اند تا فرصت‌ها را در بیش از ۱۰۰ کشور جهان و منطقه از ۶ قاره جستجو کنند. همچنین شرکت زیمنس، ۵ شرکت مرکز تجربی دیجیتال‌سازی را در پکن، شانگهای، سوژو و چنگدو ساخته است (new.siemens, 2021).

به‌طور مشترک مرکز نوآوری ساخت هوشمند با چین توسط شرکت زیمنس در چین‌گدائو ایجاد شد. از این طریق شرکت زیمنس در چین، امکان دسترسی به شرکت‌های تولیدی محلی و راه‌حل‌های پیشرفته برای ساخت چین ۲۰۲۵ را دارد. این شرکت در چین پیشرفته‌ترین و یکپارچه‌ترین راه‌حل‌های سازمانی دیجیتال برای تولیدکنندگان در منطقه را فراهم آورده است؛ به‌طوری‌که آن‌ها را قادر می‌سازد تا از دیجیتال‌سازی استفاده کنند (Zhang, 2016). لوتار هرمان (Lothar Herrmann) - مدیرعامل شرکت زیمنس در چین اعلام کرد:

«ما با دست‌یابی به پیشرفت‌های مشخص، چشم‌انداز دیجیتال‌سازی مشتریان خود را به واقعیت تبدیل کرده‌ایم. ما همچنان برای ایجاد ارزش مشترک با شرکای خود تلاش خواهیم کرد. با مرکز تجربه دیجیتال‌سازی، ما بهترین شیوه‌های رقمی‌سازی را برای «ساخت چین ۲۰۲۵» ارائه می‌دهیم. زیمنس شریک قابل‌اعتماد چین است.»

تأثیر سند اقتصادی - صنعتی ساخت چین ۲۰۲۵ بر... (مبارکه صداقتی و ارسلان قربانی شیخ‌نشین) ۱۶۷

مرکز دیجیتال‌سازی واقع در مرکز زمینس پکن، سناریوهای کاربردی مختلفی را شامل می‌شود که کل چرخه عمر محصول از طراحی تا برنامه‌ریزی تولید را پوشش می‌دهد (Zhu, 2016).

چین همه‌گیری کووید ۱۹ را فرصتی برای بازسازی اقتصاد خود، با اولویت قرار دادن دیجیتال‌سازی، همسو با اهداف و برنامه‌های موجود می‌داند. این بحران، تغییری در سیاست‌گذاری دولتی و صنعتی چین ایجاد نکرده است. نیاز چین به فناوری و دانش اروپا، به عنوان مثال در تولید هوشمند و اینترنت صنعتی، می‌تواند با مشروط ساختن دسترسی و مشارکت، برای پیشبرد منافع اتحادیه اروپا، استفاده شود. اتحادیه اروپا در صورت دستیابی به محبوبیت دیجیتال و فناوری، باید با شرکای خود در سراسر جهان متحد شود. سیستم نوآوری پر جنب و جوش چین، فرصت‌های فوق‌العاده را برای شرکت‌های اروپایی فراهم می‌کند؛ و کووید ۱۹، اهمیت نوآوری فرامرزی را در کانون توجهات قرار داده است. اروپا همچنین می‌تواند از جذب استعداد‌های بیشتر بهره‌مند شود؛ چراکه محققان چینی در ایالات متحده با موانع روبه‌رشد و روبه‌رو هستند (Arcesati, 2020).

کشور آلمان از نظر چین به عنوان نقطه مرجع اصلی در زمینه تولید هوشمند محسوب می‌شود. هم‌اکنون، اصطلاحات تولید هوشمند و انقلاب صنعتی چهارم در مذاکرات چین و آلمان به صورت مترادف هم به کار برده می‌شوند. پکن، آلمان را به عنوان شریک ایدئال خود قلمداد می‌کند و شرکت‌ها و کارشناسان آلمانی، اغلب به‌طور متقابل عمل می‌کنند. دولت آلمان چارچوب گسترده‌ای در خصوص همکاری بخش دولتی و خصوصی با چین تعیین کرده است. دامنه همکاری‌های این دو کشور در حوزه‌های متعددی از تحقیق و آموزش گرفته تا کاربرد فناوری بسط یافته است. سازمان‌های تحقیقاتی دانشگاهی و حتی غیردانشگاهی، نظیر انجمن فرانهورف، انجمن ماکس پلانک و انجمن هلمولتز در آلمان از بازیگران کلیدی ارتباطات فناوری چین و آلمان به‌شمار می‌روند.

در سپتامبر ۲۰۲۰، لیو هه معاون نخست‌وزیر چین به همراه اتحادیه اروپا خواستند تا در زمینه دیجیتال با همت و تفاهم عمل کنند تا به‌طور مشترک، چالش‌ها را برطرف کنند. فناوری و اقتصاد دیجیتال تأثیر به‌سزایی در توسعه اقتصادی و اجتماعی، شیوه‌های تولید و

زندگی و همچنین حاکمی جهانی داشته است. طرفین چین و اتحادیه اروپا موافقت کردند که ارتباطات و مبادلات بیشتری در زمینه دیجیتال در برابر بیماری کووید-۱۹ که باعث خسارت و آسیب شدید به اقتصاد جهانی شده است را افزایش دهند (Xinhuanet, 2020). تأکید و تمرکز مقامات چینی بر توسعه فناوری و دیجیتال تولیدات این کشور که از بخش‌های مهم و کلیدی سند ساخت چین ۲۰۲۵ است سبب گردید که در این زمینه چین فعالیت‌ها و اقدامات خود برای پیشرفت پروژه را افزایش دهد. بدین منظور دامنه همکاری‌های چین با کشورهای خارجی به‌ویژه کشورهای اروپایی و شرکت‌های آن‌ها افزایش یافت. همچنین از طرف اروپا نیز توجه و تمرکز چین به توسعه فناوری فرصتی خوب قلمداد و مورد استقبال قرار گرفت. توافق چین و اتحادیه اروپا در رابطه با افزایش مبادلات دوجانبه برای مهار بیماری کووید-۱۹، نشان‌گر درک طرفین از دنیای به هم وابسته امروزی است. بر طبق منطق وابستگی متقابل عنصر آسیب‌پذیری سبب می‌گردد که در صورت خسارت و آسیب یک کشور، سایرین نیز متضرر گردند؛ بنابراین با آسیب اقتصاد در هم‌تنیده امروز دنیا، چین و اروپا چاره‌ای جز افزایش همکاری و مبادلات در زمینه‌های مختلف را ندارند. البته بسیاری از این همکاری‌ها به‌ویژه در بخش اطلاعاتی و دیجیتال در همکاری‌های طرفین در سند ساخت چین ۲۰۲۵ نیز وجود دارد.

نتیجه‌گیری

در جهانی که نوآوری و فن‌آوری، امری مهم قلمداد می‌شود؛ چین به دنبال خودکفایی در فناوری‌های اصلی و راهبردی در گستره‌ای از صنایع اولویت‌دار است. با این حال فناوری‌های نوین با جهان در پیوند است و بنابراین چین را به دنیا متصل می‌سازد؛ بدین صورت این برنامه، تنها در مرزهای ملی چین دنبال نمی‌شود. شرکت‌های چینی براساس این برنامه دولتی برای دسترسی به بازارهای جهانی انعطاف‌پذیری بیشتری دارند. در منطق وابستگی متقابل، جهان از طریق فناوری ارتباطات و اطلاعات، در یک زنجیره به هم پیوسته‌ای قرار می‌گیرد؛ همان‌گونه که چین و اروپا در پس همکاری‌های متعدد اطلاعاتی در یک در هم‌تنیدگی روبه گسترش قرار دارند.

تأثیر سند اقتصادی - صنعتی ساخت چین ۲۰۲۵ بر... (مبارکه صداقتی و ارسلان قربانی شیخ‌نشین) ۱۶۹

جمهوری خلق چین بخش بزرگی از سرمایه‌گذاری خود در اروپا را به پیگیری و عملیاتی شدن این برنامه اختصاص داد. همچنین رهبران چین، درهای این کشور را در راستای تحقق برنامه‌های خود به روی کشورهای اروپایی، سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان آن‌ها گشودند. این برنامه چینی از جانب کشورها، به‌ویژه کشورهای صنعتی و پیشرفته اروپا، مورد استقبال قرار گرفته و برای آن‌ها فرصت‌های فراوانی را ایجاد نموده است. توافق‌ها و همکاری‌های مختلفی در زمینه‌های مختلف میان ملل اروپایی و چین امضا شده که به همکاری‌های متعدد طرفین تأکید دارد. شرکت‌های چندملیتی اروپایی در چین به گستره و میزان سرمایه‌گذاری‌هایشان افزودند. چین در اروپا بازار مصرفی خوبی را به دست آورد. همچنین این کشور در زمینه‌های مختلفی از دانش اروپایی‌ها بهره برده است. در تئوری وابستگی متقابل، گشودن درهای یک کشور به روی سایرین به جهت تحقق همکاری‌های اقتصادی، امری ضروری بوده که مورد توجه آقای جین پینگ نیز قرار گرفته است.

برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ که بر بهبود و ارتقای تولید صنایع مهم و راهبردی چین متمرکز است در زمینه‌های مختلف هوافضا، دارویی و پزشکی، دیجیتال، فناوری اطلاعات و هوش مصنوعی و همچنین مواد جدید و انرژی‌های تجدیدپذیر و سبز با اتحادیه اروپا، همکاری و تعاملات خوبی را در بازه زمانی ۲۰۲۰-۲۰۱۵ که مدنظر پژوهش حاضر است داشته است. در بخش هوافضا، چین از دانش اروپایی‌ها بهره برده و هواپیمای کوماک سی ۹۱۹ را با همکاری شرکت‌های اروپایی به‌ویژه فرانسه ساخته است. در بخش دارویی و پزشکی، جمهوری خلق چین یکی از تأمین‌کنندگان اصلی اتحادیه اروپا بوده و همچنین در زمینه پیشرفت دارویی با آلمان گفتگو و تعامل داشته است. در زمینه فناوری اطلاعات و هوش مصنوعی، طرفین در عصر جدید و درک متن پیچیده وابستگی متقابل، مشارکت در امور دیجیتالی را امری ضروری دانسته‌اند. به‌ویژه پس از همه‌گیری کووید ۱۹، چین مشتاق‌تر از گذشته، فرصتی را از طریق دیجیتال‌سازی برای بهبود اقتصاد خود یافت. با تنظیم قواعد و نهادهای موردنیاز اقتصادی و تجاری مطرح‌شده در نظریه وابستگی

متقابل، همکاری‌ها می‌توانند به صورت قوی و پویا میان ملل شکل بگیرند. توافق سال ۲۰۲۰ میان اتحادیه اروپا و جمهوری خلق چین در زمینه سرمایه‌گذاری، به توازن ارتباط اقتصادی و تجاری میان طرفین اشاره دارد. شفافیت دولت چین در امور مالی و عدم تبعیض دولتی علیه سرمایه‌داران خارجی، بی‌شک خارجی‌ها را به سرمایه‌گذاری و همکاری اقتصادی با چین تشویق می‌کند. یک رقابت عادلانه و مساوی میان چین و اتحادیه اروپا، هدف اصلی بسیاری از توافق‌های منعقد شده و طرف در زمینه قوانین مرتبط با سرمایه‌گذاری‌ها است. توافق‌های چندجانبه بین‌المللی به منظور بهبود وضع همکاری‌ها و انتفاع برابر، یک رژیم بین‌المللی هستند که در چارچوب نظریه وابستگی متقابل قابل بحث و تبیین است. در پس این توافق‌ها و چارچوب‌های ایجادشده، سرمایه‌گذاری‌های بیشتری انجام شده و تشویق می‌شوند که در آینده نیز به فعالیت و اقدامات تولیدی خود در جمهوری خلق چین ادامه دهند. در راستای نیاز متقابلی که طرفین دارند، کشورهای اتحادیه اروپایی و جمهوری خلق چین از ظرفیت‌ها و توانایی‌های تولیدی و صنعتی یکدیگر استفاده نمودند و میان آن‌ها پیوند و وابستگی متقابلی وجود دارد.

منابع

- بالام، دیوید؛ وست، مایکل (۱۳۹۷)، *درآمدی بر اقتصاد سیاسی بین‌الملل*، ترجمه ساعی، احمد؛ سیفی، عبدالمجید تهران، نشر قومس.
- زنگلین، ماکس جی و آنا هولز من (۲۰۱۹)، «سیر تکامل برنامه ساخت چین ۲۰۲۵ سیاست صنعتی چین به دنبال رهبری فناورانه جهانی» شماره ۸ جولای ۲۰۱۹، مؤسسه مطالعات چین مرکاتور (مریکس) مرکز همکاری‌های تحول و پیشرفت ریاست جمهوری. <http://cpdi.ir/>.
- لست سکند (۱۳۹۹)، کوماک: C919 هواپیمای چینی که با ایرباس و بوئینگ رقابت می‌کند! | لست سکند (<https://lastsecond.ir/blog/9174-comac-c919-china-airbus-boeing>).
- شورای راهبردی روابط خارجی. ۱۳۹۷. «معمای فناورانه هوای برای اروپا» <https://www.scfr.ir>.
- قوام، سید عبدالعلی (۱۳۹۳)، *روابط بین‌الملل نظریه‌ها و رویکردها*، چاپ نهم، تهران: سمت.
- لارسون، تامس و دیوید اسکیدمور (۱۳۹۳)، *اقتصاد سیاسی بین‌الملل: تلاش برای کسب قدرت و ثروت*، ترجمه احمد ساعی، چاپ ششم، تهران: قومس.

تأثیر سند اقتصادی - صنعتی ساخت چین ۲۰۲۵ بر ... (مبارکه صداقتی و ارسلان قربانی شیخ‌نشین) ۱۷۱

مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری، (۱۳۹۷) «صنایع کارخانه‌ای چین در سال ۲۰۲۵: اولویت سیاست‌های بخش صنعت بر نیروهای بازار»، ۱۳۹۷، از مجموعه مقالات چین، جلد اول: استراتژی‌های آینده چین. مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری. <http://css.ir>.
مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۴)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، چاپ دهم، تهران: سمت.

References

- Airbus (2021), Airbus in china. Airbus in China - Worldwide presence – Airbus.
- Arcesati, R. (2020), 3. competing with china in the digital age. Sep 15 2020. 3. Competing with China in the digital age | Merics.
- Arcsati, R. (2020) competing with china in the digital age. mercator institute for chinastudies. [https:// Merics.org/en/report/towards-principled-competition-europes-china-policy/3-competing-china-digital-age](https://Merics.org/en/report/towards-principled-competition-europes-china-policy/3-competing-china-digital-age).
- B.KANIA, E. (2019), Made in china 2025 explained adeep dive into china's techno-strategic ambitions for 2025 and beyond. <https://thediplomat.com/2019/02/made-in-2025-explained>.
- Balaaam, D. & Veseth, M. (1397), Introduction to intemational political economy. Translated by Saie, A & Seifi, A publisher: Ghoomes Tehran (in Persian)
- Balderrama, R. & Trejo, A. (2018), made in china 2025. <https://revista.drclas.harvard.edu/book/made-china-2025>.
- Blenkinsop, P. (2020), EU agrees investment deal with china to rebalance ties. EU agrees investment deal with China to rebalance ties | Reuters.
- CAO, D. (2021), what is china's smart manufacturing strategy? www.arcweb.com What Is China's Smart Manufacturing Strategy? | ARC Advisory (arcweb.com).
- Centers for srategic studies (1397) China's manufacturing industries in 2025: priority of industrial policy over market forces. CSS.IR (in Persian)
- China Briefing (2018), what is made in china 2025 and why has it made the world so nervous? <https://www.china-briefing.com/news/made-in-china-2025-explained>.
- Congressional research service (2020), Made in china 2025 industrial policies: issue for congress <https://Crsreports.congress.gov>. congressional Research service.
- Council on foreign Relations (2018), Why Does Everyone Hate Made in China 2025? (2018) council on foreign relations. <https://www.cfr.org/blog/why-does-every-one-hate-made-china-2025>.
- Countries and regions china (2021), <https://ec.europa.eu/trade/policy/countries-and-regions/countries/china>.
- Crawford, E. (2019), Made in china 2025: the industrial plan that china does'nt what anyone talking about. <https://www.pbs.org/wgbn/frontline/person/Emily-crawford>.
- EASA (2021), About the EU-china APP. European union Aviation safety Agency, <https://www.eu-china-app.org/about-eu-china-app>.
- Economy, E. (2018), the third revolution xi jinning and the new Chinese state. Aconcil on foreign policy. Oxford university pres. CIP data is on file at the Library of Congress ISBN 978- 0-19-086607-5.
- En.wikipedia.org (2021), made in china 2025. last edit: 14 july 2021. https://en.wikipedia.org/wiki/Made_in_China_2025.
- English.gov.cn (2017), China to invest big in 'made in china 2025' strategy. english. www.gov.cn/state_council/ministries/2017/10/12/content_281475904600274.htm.
- European parlment (2020), Eu imports and exports to medical equipment thinktank, https://www.europarl.europa.eu/thinktank/es/document.html?reference=EPRS_BRI%282020%29649387.
- EUROPEAN UNION CHAMBER OF COMMERCE IN CHINA (2017), China manufacturing

- 2025 putting industrial policy ahead of market forces www.europeanchamber.com.cn.
https://www.europeanchamber.com.cn/en/publications-archive/473/China_Manufacturing_2025_Putting_Industrial_Policy_Ahead_of_Market_Force.
- Extreme tech (2019), Report: china's new c919 jetliner Is Built with stolen technology. <https://www.extremetech.com/extreme/300313-report-chinas-new-comac-c919-jetliner-is-built-with-stolen-technology>.
- Feifei, F. (2017), French company to help manufacturing. China daily. French company to help manufacturing - Business - Chinadaily.com.cn.
- Geerts, F. (2018), Briefing on the machinery sector in china. European Association of the Machine Tool Industries. <https://www.machineopedia.com/blog/growth-of-machinery-sectors-in-china-where-future-lie/14>.
- Ghavam, seyed abdol-ali (1393), International Relations theories & Approaches. Publisher: Samt Tehran (in Persian)
- Helsinki times (2019), China to open its door wider for win-win cooperation.
- HSU, S. (2017), foreign firm wary of made in china 2025. But it may be china's best chance at innovations. <https://www.forbes.com/sites/sarahsu/2017/03/10/foreign-firms-wary-of-made-in-china-2025-but-it-may-be-chinas-best-chance-at-innovation/?sh=30c32a1224d2>
- Hurska, J. (2019), Report: china's new comac c919 jetliner with stolen Technology. Extremetech.com. <https://www.extremetech.com/extreme/300313-report-chinas-new-comac-c919-jetliner-is-built-with-stolen-technology>.
- Hveem, H & Pempel T.J (2016), china's rise and economic interdependence. ResearchGate. https://www.researchgate.net/publication/319305134_China's_rise_and_economic_interdependence.
- Isdp.eu (2018) Made in china 2025. institute for security & development policy. <https://isdp.eu/content/uploads/2018/06/Made-in-China-Backgrounder.pdf>.
- Lairson, D. & Skidmore, T. (1393), International political economy the struggle for power and wealth. Translated by Saie, A & Taghavi, M. Publisher: Ghoomes Tehran (in Persian)
- Lee, M. CH. & Reimer, W. (2019), challenge beyond the Horizon made in china 2025. REMIX Intrege Europe. https://projects2014-2020.interregeurope.eu/fileadmin/user_upload/tx_tevprojects/library/file_1558957819.pdf.
- Lee, A. (2018), china's aviation industry has a steep climb to "made in china 2025" goals. <https://www.scmp.com/China's-aviation-industry-has-a-steep-climb-to-Made-in-China-2025-goals> | South China Morning Post (scmp.com).
- Lee, CH. E. (2015), made in china 2025: a new era for Chinese-manufacturing. <https://knowledge.ckgsb.edu.cn/2015/09/02/technology/made-in-china-2025-a-new-era-for-chinese-manufacturing>.
- Lexology (2021), EU-China Investment Agreement expected to give EU companies unprecedented market access EU-China Investment Agreement expected to give EU companies unprecedented market access – Lexology.
- Li, Y. (2017), china-eu cooperation in the field of science and technology (s & t) <https://www.ippapublicpolicy.org/file/paper/5d117764154a1.pdf>.
- MC, B. & Chatzky, J. (2019), Is 'made in china 2025 a threat to global trade? Is 'Made in China 2025' a Threat to Global Trade? | Council on Foreign Relations (cfr.org).
- Moshirzadeh, H. (1394), development in international relations theories. Publisher: Samt Tehran (in Persian)
- Nan, Zh. (2019), french companies shift to high-tech in china..www.chinadaily.com.cn. French companies shift to high-tech in China - Chinadaily.com.cn,
- New.siemens (2021), siemens in china. Siemens in China | About us | Siemens CN. <https://new.siemens.com/cn/en/company/about/siemens-in-china.html>.
- Qiu, S. & Hephher, T. (2020), china's to challenge Boeing and Airbus falters. China's bid to challenge Boeing and Airbus falters | Reuters.
- Rana, W. (2015), Theory of Complex Interdependence: A Comparative Analysis of Realist and

تأثير سند اقتصادی - صنعتی ساخت چین ۲۰۲۵ بر... (مبارکه صداقتی و ارسالان قربانی شیخ‌نشین) ۱۷۳

- Neoliberal Thoughts .Vol.6. no 2 february 2015. International Journal of Business and Social Science. http://www.ijbssnet.com/journals/Vol_6_No_2_February_2015/33.pdf.
- Reich, CH. & Geor, G. & Natascha, B. (2019), Airplane manufacturer comac- can this newcomer take on the Airbus-Boeing duopoly?. <https://www.kfw-ipex-bank.de/pdf/Analyses-and-views/Market-analyses/2019-04-KfW-IPEX-Bank-Blitzlicht-Analyse-Flugzeughersteller-Comac.pdf>.
- Saarela, A. (2017), Transformation of china and global economic interdependence. European parliament.[https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/STUD/2017/570484/EXPO_STU\(2017\)_570484_EN.pdf](https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/STUD/2017/570484/EXPO_STU(2017)_570484_EN.pdf).
- Supchina (2018), Made in china 2025: the domestic tech plan That sparked an international beaklash. <https://supchina.com/2018/06/28/made/in-china-2025>.
- Tanius, M. E. (2018), The impact of economic interdependence on the probability of conflict between states the case of " American-chinese relationship on Taiwan since 1995" Review of Economics and Political Science Vol. 4 No. 1, 2019 pp. 38-53 Emerald Publishing Limited 2631-3561 DOI 10.1108/REPS-10-2018-010 <https://www.emerald.com>.
- TSE, A. & Annawu, J. (2018), why made in china 2025 triggered the wrath of president trump. <https://www.scmp.com/news/china/politics/article/2163570/why-made-china-2025-triggered-wrath-president-trump>.
- Ulalalab (2016), made in china a whole new trend of Chinese manufacturing 2025. <https://www.ulalalab.com/tag/affordable>.
- Wang J. & Holst, P. (2015), Made in china 2025- Chancen in life sciences undcare. Made in China 2025 – Chancen in Life Sciences und Healthcare - Investmentplattform China/ Deutschland. www.helsinki.fi/china-to-open-its-door-wider-of-win-win-cooperation.html.
- Xinhuanet (2020), Chinese vice premier stresses digital cooperation with EU. Chinese vice premier stresses digital cooperation with EU - Xinhua | English.news.cn (xinhuanet.com).
- Zhang, Z. (2016), siemens-cengdu to boost intelligent manufacturing. Press Releases | Press | Siemens China.
- Zhu, J. (2016), siemens opens its firs digitalization experience center of asia-pacific in Beijing. [www.Press Releases | Press | Siemens China](http://www.PressReleases|Press|SiemensChina) https://w1.siemens.com.cn/news_en/news_articles_en/3455.aspx.
- Zurich (2020), ABB in china-strong heritage and the future of industry. www.ABB.COM. ABB in China – strong heritage and the future of industry 33.

تحلیل توافق نامه ۲۵ ساله ایران و چین در پرتو تحولات سیاست خارجی چین

نوذر شفیعی*

چکیده

در سال ۱۳۹۹ سندی بین ایران و چین منعقد شد که در ادبیات عمومی به توافق نامه ۲۵ ساله ایران و چین معروف است و همکاری های دو کشور را برای یک دوره ۲۵ ساله در حوزه های مختلف «سیاسی»، «اجرایی»، «انسانی و فرهنگی»، «قضایی، امنیتی و دفاعی» و «منطقه ای و بین المللی» سامان می دهد. این مقاله در پی پاسخ به این سؤال است که توافق نامه ۲۵ ساله ایران و چین در پرتو تحولات سیاست خارجی چین چگونه قابل ارزیابی است؟ فرضیه مقاله که با روش کیفی و مبتنی بر رویکرد توصیفی - تحلیلی بررسی شده آن بود که با پایان جنگ سرد جهت گیری های سیاست خارجی چین از «عدم تعهد» به «توافق نامه مشارکت» تغییر کرده است و توافق نامه ۲۵ ساله ایران و چین نیز در قالب این تغییر رویکرد قابل ارزیابی است. پرداختن به این موضوع از آن نظر حائز اهمیت است که توافق نامه ۲۵ ساله ایران و چین به نوعی از منظر سیاست خارجی چین نیز بررسی شود. با این بررسی مشخص خواهد شد چینی ها چگونه در قالب یک سیاست هماهنگ و برنامه ریزی شده، استراتژی های خود را به مرحله اجرا درمی آورند. یافته های تجربی مقاله نشان داد که از سال ۱۹۹۳ به بعد تعداد شکای چین در قالب توافق نامه مشارکت روند صعودی داشته است به گونه ای که امروز پکن با بیش از یک صد کشور و سازمان منطقه ای توافق نامه مشارکت دارد. این به آن معنی است که دیپلماسی مشارکت در سال های اخیر به یک ابزار مهم در سیاست خارجی چین تبدیل شده است. یافته های نظری پژوهش نیز بیانگر آن است که جهت گیری سیاست خارجی کشورها ثابت نیست و در شرایط زمانی مختلف تحت تأثیر مقتضیات منافع ملی تغییر می کند.

کلیدواژه ها: توافق نامه ۲۵ ساله، اقتصاد سیاسی بین المللی، توافق نامه مشارکت، جهت گیری سیاست خارجی.

نوع مقاله: پژوهشی.

* دانشیار روابط بین الملل، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.
n.shafiee@ase.ui.ac.ir

مقدمه

اگرچه بحث توافق‌نامه ۲۵ ساله ایران و چین حدوداً از اوایل تابستان ۱۳۹۹ در محافل عمومی مطرح شد اما به‌طور طبیعی سندی به این اهمیت ریشه در گذشته‌های نسبتاً دورتر دارد. تا زمان نگارش این مقاله هنوز این سند نهایی نشده اما طیف گسترده‌ای از همکاری‌ها بین ایران و چین را دربر می‌گیرد. ریشه این توافق را باید در موافقت‌نامه مشارکت استراتژیک جامع بین ایران و چین جستجو کرد. این موافقت‌نامه در سال ۱۳۹۴ بین ایران و چین منعقد شد و شامل ۲۰ ماده در پنج حوزه همکاری است. در این ماده می‌خوانیم:

«نظر به اراده راسخ طرفین برای توسعه روابط دو کشور و با توجه به مکمل بودن ظرفیت‌های اقتصادی و همچنین وجود زمینه‌های مختلف همکاری در عرصه‌های انرژی، زیرساختی، صنعتی، فناوری و سایر زمینه‌های مشترک، دو طرف توافق می‌نمایند رایزنی‌ها و مذاکرات لازم جهت انعقاد قرارداد همکاری‌های جامع ۲۵ ساله را در دستور کار قرار دهند» (پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری، ۱۳۹۴).

متعاقب آن، در مرداد ۱۳۹۸ علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی اعلام کرد ایران یک برنامه همکاری ۲۵ ساله با چین تدوین کرده است. همچنین در شهریور سال ۱۳۹۸ اعلام شد که ایران پیش‌نویس اولیه درباره سند ۲۵ ساله را به مقامات چینی ارائه می‌دهد. در نهایت حسن روحانی رئیس‌جمهور پیش‌نویس نهایی برنامه ۲۵ ساله همکاری‌های جامع ایران و چین را ۳ تیر ۱۳۹۹ در جلسه هیئت دولت بررسی و تأیید کرد. در آن نشست به وزارت امور خارجه مأموریت داده شد که طی مذاکرات نهایی با طرف چینی، براساس منافع متقابل بلندمدت، این برنامه را به امضای طرفین برساند.

هدف این مقاله بررسی محتوای توافق‌نامه ۲۵ ساله ایران و چین نیست زیرا توافق‌نامه تا زمان نگارش این مقاله هنوز نهایی نشده و هرگونه اظهار نظر درباره آن فقط در حد حدس و گمان است. این مقاله در پی آن است که نشان دهد اساساً جایگاه چنین توافق‌نامه‌هایی در جهت‌گیری‌های سیاست خارجی چین کجاست؟

مروری اجمالی بر جهت‌گیری سیاست خارجی چین نشان می‌دهد که از سال ۱۹۴۹ تا به امروز، چین از سیاست اتحاد به عدم تعهد و از عدم تعهد به توافق‌نامه مشارکت تغییر

تحلیل توافق‌نامه ۲۵ ساله ایران و چین در پرتو تحولات سیاست خارجی چین (نوذر شفیعی) ۱۷۷

جهت داده است. در طول جنگ سرد چین ابتدا با شوروی پیمان اتحاد رسمی و سپس با آمریکا پیمان شبه‌اتحاد منعقد کرد. پس از این چین سیاست عدم تعهد را در پیش گرفت. دنگ شیائوپینگ در سال ۱۹۸۲ و طی کنگره دوازدهم حزب کمونیست رسماً سیاست عدم تعهد را اعلام کرد و اظهار داشت: «حفظ توانایی تصمیم‌گیری به‌طور مستقل همواره یکی از عناصر اصلی سیاست خارجی چین بوده است. عدم اتحاد و هماهنگی با هیچ‌یک از قدرت‌های اصلی، کلید چنین استقلالی قلمداد می‌شود» (Li & Ye, 2019).

سیاست عدم تعهد در ۱۹۹۲ و ۱۹۹۷ در چهاردهمین و پانزدهمین کنگره حزب دوباره تکرار شد. در کتاب سفید چین نیز با عنوان «توسعه مسالمت‌آمیز چین» که در سال ۲۰۱۱ منتشر شد، چین اعلام کرد که «با هیچ کشور یا گروهی وارد اتحاد نمی‌شود و نظام سیاسی و اجتماعی را مبنای روابط خود با دیگران قرار نمی‌دهد.» (Information Office of the State Council, 2011) «پس از اینکه شی جینپینگ در سال ۲۰۱۲ رهبری چین را به عهده گرفت، سیاست عدم تعهد حفظ شد ولی در عین حال در سال ۲۰۱۴ از وزارت امور خارجه خواست به‌طور خاص در پی ایجاد یک شبکه جهانی مشارکت باشد.» (Ministry of Foreign Affairs of the PRC, 2014) این سیاست اکنون به‌عنوان «مشارکت بدون تعهد» (Partnership without alignment) در دستور کار سیاست خارجی چین است.

اولین تجلی این سیاست با ورود پکن در نوامبر ۱۹۹۳ به «مشارکت استراتژیک بلندمدت و پایدار چین و برزیل مبتنی بر منافع متقابل» آغاز شد و با ارتقای همکاری چین و روسیه در آوریل ۱۹۹۶ از طریق «مشارکت هماهنگی استراتژیک مبتنی بر برابری و منافع» توسعه یافت. از آن زمان به بعد تعداد مشارکت‌ها به‌طور پیوسته افزایش یافته و در سال ۲۰۱۶ به ۷۸ مورد رسیده است. در حالی که دیپلماسی مشارکت چین در ابتدا بر قدرت‌های بزرگ و همسایگان منطقه‌ای متمرکز شده بود، تمرکز جغرافیایی آن از قرن بیست و یکم به طرز چشم‌گیری گسترش یافته است و کشورها و اتحادیه‌ها و مناطق دیگر را نیز دربر گرفته است. این دیپلماسی اکنون جمهوری اسلامی ایران را نیز دربر گرفته و توافق‌نامه همکاری ۲۵ ساله ایران و چین تجلی آن به‌شمار می‌رود.

۱. پیشینه پژوهش

درباره توافق‌نامه ۲۵ ساله ایران و چین کمتر مقاله‌ای در حد مجلات علمی نگارش شده است. با توجه به جدید بودن موضوع، ادبیات موجود بیشتر در حد مصاحبه، سرمقاله و سخنرانی‌های علمی است. به‌عنوان مثال مؤمنی (۱۳۹۹) در نوشتاری با عنوان «نگاه افراط و تفریط به قرارداد ایران و چین نداشته باشیم»، مطهرنیا (۱۳۹۹) در گفتاری با عنوان «قرارداد ۲۵ ساله تهران و پکن؛ پیروزی یا شکست/ جایگاه ایران در بازی چین و آمریکا کجاست؟»، دنیای اقتصاد (۱۳۹۹) در سرمقاله‌ای با عنوان «اهمیت استراتژیک ایران برای چین»، سلاح‌ورزی (۱۳۹۹) در نوشتاری با عنوان «استراتژی تقسیم منافع»، شریعتی‌نیا (۱۳۹۹) در مطلبی با عنوان «مسیر پیچیده اتحاد ایران و چین»، عامری (۱۳۹۹) در نوشتاری با عنوان «نگاه به شرق با چشمان باز؛ ملاحظات چند درخصوص قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین» و... به‌نوعی به توافق‌نامه ایران و چین پرداخته‌اند.

در همین حال ریونان و فنگ (Ruonan & Feng, 2017) در مقاله‌ای با عنوان «دیپلماسی مشارکت استراتژیک چین»، رو (Ru, 2015) در مقاله‌ای با عنوان «ایجاد شبکه مشارکت: به‌روزر کردن دیدگاه عدم تعهد چین»، باون (Bowen, 2012) در مقاله‌ای با عنوان «آیا چین از سیاست عدم تعهد دست برمی‌دارد؟»، فنگ (Feng, 2012) در مقاله‌ای با عنوان «تفکر جدید درباره اتحاد»، دگانگ (Degang, 2011) در مقاله‌ای با عنوان «دیپلماسی شبه‌اتحاد در عصر جدید» و... به‌نوعی درباره روندها و جهت‌گیری سیاست خارجی چین بحث کرده‌اند. با این حال هیچ‌یک از این نوشتارها یا گفتارها به‌طور مستقیم به موضوع این مقاله ارتباطی پیدا نمی‌کند. مقاله حاضر سعی دارد از نگاه چین به توافق‌نامه ۲۵ ساله نگاه کند. قصد آن است نشان داده شود توافق‌نامه ۲۵ ساله، در چارچوب جهت‌گیری سیاست خارجی چین چگونه قابل ارزیابی است.

۲. چارچوب نظری: رهیافت نقش

در کل هدف مطالعات سیاست خارجی تبیین و تفهیم فرایندهای سیاست خارجی و رفتار دولت‌ها در عرصه بین‌الملل است (Neack et al., 1995). در همین حال مطالعات سیاست

تحلیل توافق‌نامه ۲۵ ساله ایران و چین در پرتو تحولات سیاست خارجی چین (نوذر شفیعی) ۱۷۹

خارجی خود به رهیافت‌های مختلفی قابل تقسیم هستند. یکی از این رهیافت‌ها، تحلیل سیاست خارجی است. تحلیل سیاست خارجی یک پروسه تحقیقی است که در درجه اول به بررسی رفتار واحدهای بین‌المللی - معمولاً دولت‌ها - نسبت به محیط خارجی که در ورای مرزهای آن‌ها قرار دارد می‌پردازد. به عبارت دیگر تحلیل سیاست خارجی بر مطالعه نیات، اظهارات و اقدامات دولت‌ها نسبت به سایر بازیگران در روابط بین‌الملل و متقابلاً واکنش سایر بازیگران به این نیات، اظهارات و اقدامات متمرکز است (Germer, 1995).

از دل این نوع نگرش به سیاست خارجی، رهیافت دیگری شکل می‌گیرد که اصطلاحاً رهیافت تصمیم‌گیری خوانده می‌شود. رهیافت تصمیم‌گیری عمدتاً در پی بررسی عوامل تأثیرگذار به‌ویژه عوامل ادراکی - روانی بر تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی است. تحت تأثیر این عوامل است که برداشتی بنام «نقش ملی» شکل می‌گیرد و در ادبیات سیاست خارجی به نظریه یا رهیافت نقش معروف است.

نقش ملی جایگاهی است که تصمیم‌گیرندگان برای کشور خود در سطح بین‌المللی قائل هستند. واژگانی نظیر بی‌طرف، غیر متعهد، متحد، میانجی‌گر، مهاجم، مدافع و... همگی جلوه‌هایی از نقش ملی کشورها در عرصه بین‌المللی است. این نقش‌ها از تصمیمات و اعمال بازیگران مشخص می‌شود. به‌عنوان مثال وقتی یک دولت به‌عنوان میانجی‌گر قلمداد شود معنی‌اش آن است که آن دولت سیاست‌ها، تصمیمات و اهدافی مرتبط با وظائف و مسئولیت‌های میانجی‌گر را در سطح منطقه‌ای یا بین‌المللی اتخاذ کرده است.

بدین ترتیب رهیافت نقش یک چارچوب نظری است که به مطالعه رفتار دولت‌ها در چارچوب نقششان در روابط بین‌الملل می‌پردازد. در زمینه سیاست خارجی، برداشت و تصور تصمیم‌گیرندگان از وظائف، مسئولیت‌ها، تعهدات و... که دولتشان باید در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی اتخاذ و اجرا کند، به نقش ملی آن دولت جامه عمل می‌پوشد.

براساس رهیافت نقش دولت‌های جهان می‌توانند نقش‌های مختلفی بازی کنند که معروف‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از حامی آزادی، رهبر منطقه‌ای، حامی منطقه‌ای، مستقل فعال، ضد امپریالیست، مدافع عقیده، توسعه‌گر، الگو، صلح‌ساز، میانجی‌گر، پلیس، متحد وفادار،

ضد تروریست و... (Sekhri, 2009: 423). یک کشور ممکن است هم‌زمان چند نقش را ایفا کند؛ مثلاً یک دولت می‌تواند حامی آزادی، رهبر منطقه‌ای، حامی منطقه‌ای و ضد امپریالیست باشد. در عین حال نقش فقط مختص دولت‌ها نیست. سایر بازیگران مثل سازمان‌های بین‌المللی نیز می‌توانند نقش‌آفرینی کنند. به‌عنوان مثال پس از سال ۱۹۴۵ سازمان ملل نقش‌های مختلفی در سیستم بین‌الملل مثل صلح‌سازی، پاسداری از صلح، دیپلماسی پیشگیرانه و... ایفا کرده است (Holsti, 1987).

طی سال‌های اخیر در چین مباحث مختلفی پیرامون نقش ملی چین و متأثر از آن جهت‌گیری سیاست خارجی این کشور مطرح شده است. این مهم به شکل‌گیری دیدگاه‌های مختلف در محافل دانشگاهی، دیپلماتیک، نظامی و حتی رهبران عالی‌رتبه چین منجر شده است که در ذیل به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

۳. دیدگاه‌های مختلف درباره جهت‌گیری سیاست خارجی چین

با پایان جنگ سرد و متعاقب آن رشد روزافزون قدرت چین و چالش‌هایی که در ادامه آن بین پکن و واشنگتن اتفاق افتاد، این سؤال به‌طور جدی در محافل استراتژیک چین مطرح شد که آیا وقت آن نرسیده است که پکن سیاست موجود خود که سیاست عدم تعهد است را به الگوهای دیگری از جهت‌گیری سیاست خارجی تغییر دهد؟ (Ruonan & Feng, 2017: 160-169). این سؤال به مناظره‌های داغی در محافل استراتژیک چین تبدیل شد که در سه دسته قابل شناسایی هستند:

۳-۱. دیدگاه طرفداران حفظ وضع موجود

این دیدگاه یک نگرش ارتدوکس است که عموماً از سیاست عدم تعهد موجود دفاع می‌کند. آن‌ها اساساً نگرش دولت چین مبنی بر غیر متعهد ماندن را می‌پذیرند و فرض می‌کنند عدم تعهد برای تأمین منافع ملی چین انتخاب بهینه‌ای بوده و همچنان خواهد بود. استدلال طرفداران این دیدگاه عبارت‌اند از:

اول اینکه سیاست عدم تعهد محیط امنیتی مطلوبی را در سطح منطقه برای چین فراهم می‌کند. دوم اینکه سیاست عدم تعهد به دولت اجازه می‌دهد تا بر وظیفه اصلی خود یعنی

تحلیل توافق‌نامه ۲۵ ساله ایران و چین در پرتو تحولات سیاست خارجی چین (نوذر شفیعی) ۱۸۱

توسعه اقتصادی و انباشت قدرت متمرکز شود. سوم اینکه عدم تعهد با اصول اساسی استقلال و اعتماد به نفس و خوداتکایی که به‌طور تاریخی سیاست خارجی چین را هدایت کرده‌اند، انطباق دارد. چهارم اینکه به‌طور کلی اتحاد یک سیستم قدیمی است که فقط شانس درگیری نظامی را افزایش می‌دهد؛ به عبارت دیگر سیاست اتحاد، دولت‌ها را با چالشی بنام «معضل اتحاد» مواجه می‌سازد (Snyder, 1984: 471). به این معنی که هر اتحادی اعضا را وادار می‌کند اجباراً در مقابل دیگران قرار گیرند. این موضوع هم به استقلال عمل دولت‌ها لطمه می‌زند و هم آن‌ها را گرفتار می‌سازد. (Xu, 2016: 467)

پنجم اینکه سیستم اتحاد فراتر از قابلیت‌های چین است. با نگاه به حاشیه چین و فراتر از آن مشاهده می‌شود که نامزدهای اتحاد با چین اندک هستند. از میان کشورهای موجود، بسیاری از کشورهای فقیر یا در حال توسعه هستند که هزینه اتحاد با آن‌ها بسیار بیشتر از فایده آن است (Ru, 2015: 58-60). ششم اینکه یک سیستم اتحاد می‌تواند تنش‌ها را در شرق آسیا افزایش دهد و همسایگان منطقه را مجبور به همکاری با یکدیگر جهت موازنه سازی در برابر چین کند. (Bowen, 2012: 17-18)

هفتم اینکه کشورهای معدودی مایل به پرداخت هزینه مقابله با آمریکا از طریق اتحاد با چین هستند. افزون بر این اگر چین با کشورهای دیگر متحد شود بازهم قادر به تغییر توازن قدرت فعلی نخواهد بود. بنابراین ایجاد اتحاد امری کاملاً ضروری نیست (Feng, 2012a). هشتم اینکه اتحادهای نظامی سنتی مضیق هستند و فقط انواع محدودی از کمک و همکاری بین دولت‌ها را امکان‌پذیر می‌سازند. به همین دلیل آن‌ها برای پاسخ به تهدیدهای متنوع قرن بیست و یکم مناسب نیستند (Jianfei, 2012: 40-45). نهم و درنهایت محققان ارتدکس معتقدند که مشکلات امنیتی کنونی چین ناشی از عدم متحدان نیست بلکه به دلیل تعاملات پیچیده سیاست داخلی و بین‌المللی است.

۳-۲- دیدگاه تجدیدنظرطلبان

تجدیدنظرطلبان موضع رسمی دولت را که «عدم تعهد» است به چالش می‌کشند و از سیاست اتحاد برای جذب متحدان و شرکای امنیتی به منظور دفاع از ظهور چین و گسترش

نفوذ این کشور دفاع می‌کند. استدلال تجدیدنظرطلبان از این قرار است:

اول اینکه در اصل اتحاد تعهدات امنیتی متقابل بین دو یا چند دولت است و ابزاری اساسی بوده است که دولت‌ها از زمان‌های قدیم برای دستیابی به امنیت در یک سیستم بین‌المللی آنارشی از آن استفاده می‌کرده‌اند (Osgood, 1987: 12). دوم اینکه از سال ۲۰۰۹ هنگامی که دولت اوباما استراتژی «محور آسیا» یا «بازتوازن در آسیا» را اعلام کرد ایالات متحده تعهدات نظامی خود را با متحدان رسمی و شرکای غیررسمی خود در سراسر منطقه تقویت کرده است. این کشور همچنین در اختلافات ارضی در هر دو دریای شرق و جنوب چین درگیر شده است. همه این اقدامات تلاشی برای مهار چین است و فضای امنیتی را بر چین سنگین کرده است. از این رو سیاست عدم تعهد برای شرایط جدید مناسب نیست و پکن باید به سمت «اتحاد» تغییر جهت دهد (Feng, 2012: 135b).

سوم اینکه نظم بین‌المللی با توازن قدرت بین قدرت‌های بزرگ شکل می‌گیرد و یک سیاست اتحاد به چین کمک می‌کند تا شرکای استراتژیک خود را افزایش دهد (Xuetong, 2013). چهارم اینکه در طول تاریخ تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ همواره توأم با دارا بودن متحدان قوی بوده است. سیاست عدم تعهد اغلب یک سیاست موقت بوده و طولانی شدن آن در چین به نوعی تحریف تاریخ است. پنجم اینکه سیاست عدم تعهد اغلب برای کشورهای ضعیف در نظر گرفته می‌شود. چین به عنوان یک قدرت بزرگ که درگیر مسائل بین‌المللی مختلف است نمی‌تواند غیر متعهد باشد (Xuetong, 2013: 44-47).

ششم اینکه ترس از «معضل اتحاد» باعث می‌شود روابط با دوستان به ویژه همسایگان به صفر تنزل کند زیرا عدم اتحاد هم باعث ترس از خود در میان همسایگان می‌شود و هم آن‌ها را به سوی اتحاد با دیگران سوق می‌دهد. بنابراین چین که به اجرای استراتژی عدم اتحاد ادامه می‌دهد عملاً به‌طور فزاینده‌ای خود را در محاصره کشورهای همسایه‌ای می‌بیند که به آن بی‌اعتماد هستند و برای تضمین‌های امنیتی به ایالات متحده متوسل می‌شوند. افزون بر این اتحادها ذاتاً گامی به سوی رویارویی نیستند. اتحادهای دفاعی که همکاری بین‌المللی را در زمینه نگرانی‌های امنیتی تشویق می‌کنند، امنیت منطقه را تهدید نمی‌کنند.

تحلیل توافق‌نامه ۲۵ ساله ایران و چین در پرتو تحولات سیاست خارجی چین (نوذر شفیعی) ۱۸۳

همچنین اتحادها دست و پای دولت‌ها را نمی‌بندد بلکه در عوض برای دستیابی به منافع مشترک، دو یا چند کشور را در توافق محدودکننده متقابل به هم وصل می‌کنند. اتحادها همچنین با بی‌انگیزه کردن دولت‌های متفق برای اقدام علیه منافع یکدیگر، به ثبات جهانی کمک می‌کنند. هفتم اینکه چین در حال رشد به دوستان باکیفیت و قابل اعتماد نیاز دارد. گرچه نظم بین‌المللی فعلی برای رشد اقتصادی چین سودمند بوده است اما روابط استراتژیک چین را تقویت نکرده است. ایالات متحده هنوز هم پرمتمدترین کشور جهان است در حالی که چین هیچ متحد واقعی ندارد. از این رو اگر چین به سرعت با سایر کشورها متحد نشود توانایی تحقق منافع خود را در جهان و حتی در حیاط خلوت خود از دست خواهد داد. هشتم اینکه از زمان‌های بسیار دور، چین ارزش و سودمندی اتحادها را به رسمیت شناخته است. از این رو زمان آن فرارسیده است که چین مدرن از الگوی قدیمی خود برای فهم اتحادها استفاده کند و با کشورهایی که در ایجاد یک نظم نوین جهانی درک و نفع مشترک دارند وارد اتحاد شود (Shiping, 2010).

۳-۳. دیدگاه میانه‌روها

میانه‌روها به دنبال راه سوم برای حل معضل امنیتی چین هستند که بین یک اتحاد رسمی و سیاست عدم تعهد قرار دارند. از دید این‌ها ایالات متحده از جنبه‌های مختلف قدرت سخت و نرم خود برای جلوگیری از رشد و توسعه صلح‌آمیز چین استفاده می‌کند و به‌خودی خود چین قادر به جلوگیری از مهار ایالات متحده نیست. بنابراین چین باید به دنبال متحدینی برای خود برآید. از سوی دیگر کنار گذاشتن کامل استراتژی عدم تعهد نیز غیر واقع‌بینانه است؛ زیرا شرکای اتحاد بالقوه اندک هستند و هر اتحادی که تشکیل شود ضعیف است و احتمالاً می‌تواند یک واکنش جدی از سوی ایالات متحده برانگیزد. بنابراین راه میانه آن است که چین در یک محیط بین‌المللی در حال تغییر باید درجه خاصی از همکاری‌های امنیتی با سایر کشورها را توسعه دهد. این راه میانه می‌تواند جلوه‌های مختلفی داشته باشد:

ایجاد ائتلاف: اتحادها در زمان صلح شکل می‌گیرند و عموماً شخص ثالث را هدف

قرار می‌دهند اما ائتلاف‌ها در صورت بروز درگیری مسلحانه به صورت موقت تشکیل می‌شود تا به یک تهدید مشترک پاسخ دهد. از آنجا که ائتلاف‌ها ذاتاً از انسجام کمتر و انعطاف‌پذیری بیشتر برخوردارند به همین دلیل کشورهای عضو بیش از ایجاد قوانین الزام‌آور بر روی مذاکره در مورد مسائل مبتلابه تمرکز می‌کنند. برخی از محققان معتقدند که ائتلاف‌ها بیشتر از اتحادها دارای فایده هستند و در عین حال با توجه به روش‌های متنوع همکاری و تعامل می‌تواند بر عدم تعهد نیز ارجحیت داشته باشد (Feng, 2012: 62c).

شبه‌اتحاد: برخی از محققان ادعا می‌کنند که چین ممکن است به جای اتحادهای رسمی شبه‌اتحاد غیررسمی ایجاد کند. به عنوان مثال سان دگانگ معتقد است که شبه‌اتحادهای یک مکانیسم غیر رسمی و انعطاف‌پذیر برای همکاری بین دولت‌ها هستند. دو یا چند کشور ترتیب غیر رسمی را ایجاد می‌کنند که امنیت ملی رقیب را هدف قرار می‌دهد (Degang, 2011: 63). بین شبه‌اتحاد و اتحاد در سیاست خارجی اختلافات اساسی وجود دارد. اتحادها شامل معاهدات سخت‌گیرانه‌ای با تعهدات قانونی لازم‌الاجرا و شبه‌اتحادها ترتیبات غیر رسمی با اعتبار قانونی محدود هستند. اتحادهای رسمی به تعهدات امنیتی کتبی تکیه می‌کنند در حالی که توافق‌نامه‌های شبه‌اتحاد دارای یک کیفیت پویا هستند. افزون بر این ائتلاف‌ها غالباً از نظر ماهیت منحصربه‌فرد هستند در حالی که شبه‌اتحادها عضویت سیال دارند و موانع ورود به آن اندک هستند. سرانجام ساختارهای اتحادهای سنتی مطابق با منافع و ارزش‌ها مشترک شکل می‌گیرد در حالی که شبه‌اتحادها می‌توانند بین دولت‌های با ارزش‌های متفاوت اما منافع مشترک تشکیل شود.

به‌طور خاص سان دگانگ پیشنهاد می‌کند که چین باید سیاست خارجی مبتنی بر شبه‌اتحاد را دنبال کند و آن را «دیپلماسی شبه‌اتحاد سه حلقه» می‌نامند. براساس این مفهوم تشکیل شبه‌اتحاد در سازمان‌های چندجانبه مانند سازمان همکاری شانگهای حلقه اول را تشکیل می‌دهد. دوم ایجاد شبه‌اتحاد با کشورهای مهم شرق آسیا براساس الگوی جدید همکاری و سوم حفظ الگوی دیپلماسی دوستانه با بقیه کشورها است. سان معتقد است که «دیپلماسی شبه‌اتحاد سه حلقه» با از بین بردن انزوای چین در سیستم بین‌المللی، ظهور چین

تحلیل توافق‌نامه ۲۵ ساله ایران و چین در پرتو تحولات سیاست خارجی چین (نوذر شفیعی) ۱۸۵

از یک قدرت بزرگ به یک قدرت غالب را ارتقا خواهد داد (Degang, 2012: 73). هاپوون نیز یک استراتژی شبه‌اتحاد را پیشنهاد می‌کند که به موجب آن چین در آینده نزدیک نباید اتحادی ایجاد کند بلکه تلاش کند یک سری از «کمربندها» (Belts) را در حاشیه خود ایجاد کند از جمله کمر بند روابط دوستانه، کمر بند ثبات استراتژیک و کمر بند همکاری اقتصادی. وانگ تصور می‌کند که این سه کمر بند باعث ارتقاء تصویر چین به عنوان یک شریک قابل اعتماد برای دولت‌های همسایه و در عین حال ارتقای قدرت سخت و نرم آن می‌شود (Haiun, 2012).

مشارکت استراتژیک: سومین استراتژی جایگزین، مشارکت استراتژیک است که لزوماً طرف ثالث را هدف قرار نمی‌دهد و برخلاف اتحادها فاقد یک تعارض ذاتی درونی است. تانگ شپینگ استدلال می‌کند که مشارکت بین دولت‌ها نسبتاً متداول است و براساس علاقه متقابل شکل می‌گیرد (Shiping, 2010). در یک همکاری استراتژیک، دولت‌ها نسبتاً مستقل هستند و این استقلال بازیگران را قادر می‌سازد تا در صورت لزوم مشارکت‌ها را کنار بگذارند یا تغییر دهند. مشارکت‌های استراتژیک می‌توانند از تعهدات نظامی عاری باشند؛ همان‌طور که مشارکت فعلی چین و روسیه این‌گونه است. شیائوهویی معتقد است که ایجاد اتحاد با سنت‌های سیاست خارجی چین متناقض است اما ایجاد مشارکت یک عمل معقول است (Xiaohui, 2015: 73).

گزینه‌های پیش‌گفته از تفکر اتحاد متعارف متمایز است به این معنا که این گزینه‌ها تمایل دارند که محدودیت‌های الزام‌آور را که اتحادیه تحمیل می‌کند از بین ببرد در عین حال از کاستی‌های استراتژی عدم تعهد نیز دوری کند.

۴. توافق‌نامه‌های مشارکت به عنوان رویکرد غالب

در میان رهیافت‌های فوق امروزه دیدگاه میانه‌روها به‌ویژه کسانی که توافق‌نامه‌های مشارکت را پیشنهاد می‌دهند، در سیاست خارجی چین بر سایر رهیافت‌ها غلبه دارد؛ البته در روابط بین‌الملل مفهوم توافق‌نامه مشارکت همیشه روشن نیست. غالباً پیمان مشارکت به معنی «آنچه دولت‌ها تشکیل می‌دهند» است (Holslag, 2011: 295). مشارکت می‌تواند برای

توصیف اتحاد (به‌عنوان مثال مشارکت ماورا-اقیانوس اطلس)، همکاری اقتصادی مشترک (به‌عنوان مثال توافق‌نامه مشارکت اقتصادی) یا حتی گاهی تعامل بین رقبا استفاده شود. به‌عنوان مثال حتی روابط بین اسرائیل و فلسطین «مشارکت مشروط» (A conditional partnership) خوانده شده است (Jamal, 2000). با این حال، در نام‌گذاری سایر کشورها، مشارکت معنای خاصی دارد و فقط برای نوع خاصی از روابط اعمال می‌شود. به‌عنوان مثال ایالات متحده از آن به‌عنوان نوعی رابطه رسمی تر و ساختارمندتر از دپالوگ‌های مشترک بین دولتی استفاده می‌کند (Hamilton, 2014). اتحادیه اروپا از مشارکت به‌عنوان ابزاری برای اهداف خاص همکاری‌های اقتصادی استفاده می‌کند (Bang, 2017).

چین از مشارکت به‌عنوان راهی برای پیشبرد منافع ملی خود استفاده می‌کند اما آنچه چین را منحصر به فرد می‌کند این واقعیت است که چین شبکه‌های مشارکت را در مرکز استراتژی سیاست خارجی خود قرار داده است. تعداد کشورهایی که در قیاس با چین اهمیت بیشتری به ایجاد مشارکت داده‌اند، بسیار محدودند. تا پایان سال ۲۰۱۶ چین با ۷۸ کشور و ۵ سازمان منطقه‌ای (اتحادیه آفریقا، اتحادیه عرب، ASEAN، CELAC و اتحادیه اروپا) مشارکت برقرار کرده است که ۴۵٪ از ۱۷۴ کشوری است که روابط رسمی دیپلماتیک با چین دارند (جدول ۱)

جدول ۱. شبکه مشارکت استراتژیک چین در جهان ۱۹۹۳-۲۰۱۵ (ک ۲)

قاره	م.ج. ۱	م. ۱	م. ۳	کل
آفریقا	۲	۳	۷	۱۲
آمریکا	۵	۴	۲	۱۱
آسیا	۹	۱۰	۶	۲۴
اروپا	۱۰	۴	۸	۲۲
خاورمیانه	۱	۴	۰	۵
اقیانوسیه	۲	۱	۰	۳
کل	۲۹	۲۶	۲۳	۷۸

۱. مشارکت استراتژیک جامع

۲. مشارکت استراتژیک

۳. مشارکت

تحلیل توافق‌نامه ۲۵ ساله ایران و چین در پرتو تحولات سیاست خارجی چین (نوذر شفیعی) ۱۸۷

ک: اصطلاح «جامع» است و به همکاری در زمینه‌های اقتصادی، فناوری، فرهنگی و سیاسی اشاره دارد. این رابطه به صورت دوجانبه و چندجانبه است؛ به این معنی که کشورهای شریک در یک همکاری جامع ممکن است در برخورد با موضوعات چندجانبه، همکاری مشترک داشته باشند. یک رابطه جامع نیز چندلایه است از جمله همکاری دولت با دولت و دیپلماسی مردم با مردم. اصطلاح «استراتژیک» نیز به این معنی است که همکاری بین دو کشور نه تنها از اهمیت کلی برای روابط دوجانبه برخوردار است بلکه باثبات و طولانی‌مدت است و بر اختلافات ایدئولوژیک و نظام‌های سیاسی غلبه می‌کند. سرانجام، اصطلاح «مشارکت» به معنای همکاری دو کشور بر اساس احترام متقابل، اعتماد متقابل و برابری است. هر دو طرف در تلاش برای ایجاد یک رابطه برد-برد است که برای دو طرف سودمند است (Li & Ye, 2019: 5).

جدول ۲. عنوان‌های مشارکت چین با شرکا (Li & Ye, 2019: 15)

مشارکت توسعه نزدیک‌تر	مشارکت جامع استراتژیک هماهنگ
مشارکت همه‌جانبه دوستی و همکاری	مشارکت همکاری استراتژیک همه‌جانبه
مشارکت جامع دوستی و همکاری	مشارکت استراتژیک همه‌جانبه
همکاری همه‌جانبه همکاری	مشارکت جامع استراتژیک جهانی برای قرن بیست و یکم
مشارکت جامع همکاری	مشارکت جامع همکاری استراتژیک
مشارکت مهم همکاری	مشارکت جامع استراتژیک
مشارکت دوستانه	همکاری استراتژیک مبتنی بر منافع متقابل
مشارکت دوستانه برای توسعه مشترک	مشارکت استراتژیک نوآورانه
همکاری دوستانه و تعاونی بلندمدت	مشارکت استراتژیک هماهنگ
همکاری جامع	مشارکت استراتژیک همکاری
مشارکت همسایگی خوب و اعتماد متقابل	مشارکت استراتژیک
مشارکت جدید	همکاری استراتژیک

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود براساس جدول ۲، چین با هر کشوری نوع خاصی از مشارکت را امضا کرده است اما اگر بخواهیم آن‌ها را تلخیص کنیم به سه دسته قابل تقسیم هستند: مشارکت منظم، مشارکت استراتژیک، مشارکت استراتژیک جامع (جدول ۳ و شکل ۱). همکاری در چارچوب این مشارکت‌ها از مشارکت ساده شروع می‌شود به مشارکت

استراتژیک ارتقا می‌یابد و در نهایت به مشارکت استراتژیک جامع می‌رسد. «سطح»، «اهمیت» و «رسمیت» سه شاخص مهم برای نشان دادن کیفیت یک شراکت‌ها است.

جدول ۳. طبقه‌بندی مشارکت‌ها (Li, & Ye, 2019: 7)

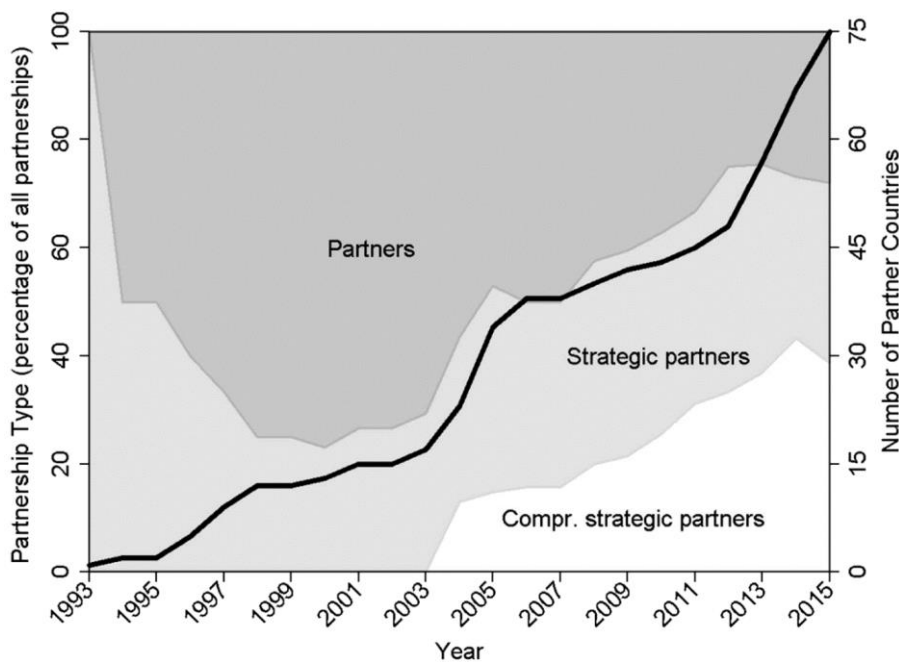
مشارکت استراتژیک جامع	روسیه-پاکستان-آلمان-بریتانیا-بلاروس-کامبوج-شیلی-لائوس-میانمار-جمهوری کنگو-تایلند-ویتنام-الجزایر-ارژانتین-استرالیا-برزیل-اکوادور-مصر-فرانسه-یونان-اندونزی-ایران-ایتالیا-مالزی-مکزیک-نیوزلند-پرو-لهستان-پرتغال-عربستان-صربستان-افریقای جنوبی-اسپانیا-ازبکستان-ونزوئلا-اتحادیه اروپا
مشارکت استراتژیک	دانمارک-ایرلند-سوئیس-افغانستان-بنگلادش-کره جنوبی-سری لانکا-انگولا-کانادا-کاستاریکا-جمهوری چک-فیجی-عراق-اردن-قزاقستان-قرقیزستان-مغولستان-نیجریه-قطر-سودان-تاجیکستان-ترکمنستان-امارات متحده عربی-اکراین-اتحادیه افریقا-آسه آن-برونئی-فیلیپین-ترکیه-هند
مشارکت (منظم)	بلژیک-بلغارستان-سالدیو-رومانی-سنگاپور-کرواسی-تیمور شرقی-اتیوپی-گابن-نپال-هلند-تانزانیا-مجارستان-جامائیکا-سنگال-اتحادیه عرب

به‌طور کلی مشارکت منظم با سطح تعامل نسبتاً کم مشخص می‌شوند. هدف آن اساساً تلاش دیپلماتیک برای سنجش امکان‌پذیر بودن یا نبودن همکاری آینده است؛ بنابراین، این توافق‌ها غالباً با تمایل به قرارداد دادن مناسبات آینده بر پایه‌ای محکم‌تر هدایت می‌شوند این در حالی است که «مشارکت استراتژیک» و «مشارکت استراتژیک جامع» معمولاً در سطوحی بالاتر و با برنامه‌های گسترده‌تر و سازوکارهای رسمی‌تر برای همکاری صورت می‌گیرد. بعلاوه در حالی که مشارکت‌های استراتژیک هنوز هم محدود به همکاری در برخی زمینه‌های مهم است و اغلب محدود به همکاری نزدیک‌تر اقتصادی است، موافقت‌نامه‌های استراتژیک جامع اغلب شامل برنامه‌های نسبتاً مفصل برای همکاری‌های دوجانبه و ایجاد کانال‌های ارتباطی خاص برای تسهیل مبادلات منظم بین سران است (Feng & Huang, 2014: 141-43).

دولت چین به‌ویژه در مورد ایجاد مشارکت‌های استراتژیک جامع محتاط است. از این رو قبل از دستیابی به توافق در مورد مشارکت استراتژیک جامع، باید سه شرط فراهم شود: اعتماد سیاسی، روابط اقتصادی متراکم، مبادلات فرهنگی و روابط خوب در سایر بخش‌ها.

تحلیل توافق‌نامه ۲۵ ساله ایران و چین در پرتو تحولات سیاست خارجی چین (نوذر شفیعی) ۱۸۹

افزون بر این، دیپلمات‌های چینی به‌طور کلی، آن کشورها را به‌عنوان شرکای بالقوه استراتژیک جامع که نقش مهمی در اقتصاد و سیاست بین‌الملل دارند، می‌دانند. به‌ویژه مشارکت‌های استراتژیک جامع بخشی از سیاست عملی چین است. در حقیقت، رهبری عالی، وزیر امور خارجه و دیپلمات‌های چین با همتایان خود از کشورهای همکار استراتژیک جامع در قبل، حین و بعد از رویدادهای بزرگ مانند جلسات شورای امنیت سازمان ملل ملاقات می‌کنند. با توجه به این توضیحات روشن است که ایران در گروه شرکای استراتژیک جامع با چین قرار دارد و این بیانگر آن است که ایران از سه شرط لازم مورد نظر چین برای شراکت استراتژیک برخوردار است.



شکل ۱. کشورهای شریک چین براساس نوع مشارکت (Strüver, 2017: 44)

۵. مزیت مشارکت در قیاس با سایر جهت‌گیری‌ها

ویلیکنز مشارکت را به‌عنوان یک چارچوب ساختاری برای همکاری بین دو یا چند طرف توصیف می‌کند که به‌صورت انعطاف‌پذیر و غیر الزام‌آور سازمان‌یافته و هدف آن امکان دستیابی به منافع مشترک و پرداختن به چالش‌های مشترک در حوزه‌های مختلف موضوعی

و تسهیل آن است (Wilkins, 2008: 263-264). از این منظر مشارکت چهار ویژگی برجسته دارد که آن را از سایر جهت‌گیری‌ها متمایز می‌کند:

اول اینکه مشارکت شامل چارچوبی ساختاری برای همکاری بین کشورها است که فراتر از تعامل دیپلماتیک عادی است و تبادل منظم بین نهادها و آژانس‌های مختلف دولت را فراهم می‌کند. ساختار نهادی این پیوندها مورد به مورد متفاوت است و معمولاً در بیانیه‌های مشترک که زمینه‌های همکاری آژانس‌های اصلی درگیر و سازوکارهای ایجادشده برای پیشرفت همکاری را مشخص می‌کند، تعبیه شده است (Parameswaran, 2014: 265). در مورد چین نمونه بارز این موارد شامل «جلسات منظم بین وزیران امور خارجه و دفاع چین و روسیه در چارچوب پیمان مشارکت دو کشور، جلسات سالانه کمیته هماهنگی و همکاری سطح عالی چین و برزیل و کمیسیون مختلط سطح بالا بین دولت‌های چین و ونزوئلا است (Niu, 2014: 183-194).

دوم اینکه روابط مبتنی بر مشارکت با انعطاف‌پذیری بالایی مشخص می‌شود. بدین معنی که شامل تعهدات رسمی مانند آنچه در اتحادها یا ائتلاف‌ها وجود دارد نمی‌شود. افزون بر این، از آنجاکه چنین مشارکت‌هایی به شدت نهادینه نشده‌اند، بنابراین هزینه‌های مربوط به ورود و خروج از آن نسبتاً کم و نمادین است. جان سیورسیاری (John Ciorciari) اظهار داشته است که در دوره پس از جنگ سرد، بیشتر کشورهای در حال توسعه این نوع «تعهد محدود» را ترجیح می‌دهند زیرا این امر به آن‌ها اجازه می‌دهد تا پاداش‌ها، مانند کمک‌های اقتصادی یا امنیتی را به دست آورند بدون آنکه خطراتی متوجه استقلال آن‌ها باشد (Nadkarni, 2010: 264). این موضوع از این نظر هم حائز اهمیت است که روابط مبتنی بر مشارکت الزاماً علیه کشور ثالثی نیز قلمداد نمی‌شود و حساسیت دیگران را بر نمی‌انگیزد (Wilkins, 2008: 364). این امر خصوصاً در مورد چین صدق می‌کند. در سال‌های اخیر، یکن کراراً تأکید کرده است که مشارکت‌ها نوع جدیدی از روابط دولت با دولت هستند و علیه هیچ کشور ثالثی نیستند (Goldstein, 2014: 136).

سوم اینکه مشارکت‌های استراتژیک به جای اینکه در پرتو تهدیدها شکل گیرد در پرتو

تحلیل توافق‌نامه ۲۵ ساله ایران و چین در پرتو تحولات سیاست خارجی چین (نوذر شفیعی) ۱۹۱

اهداف و منافع و خصوصیات مشترک شکل می‌گیرد. (Goldstein, 2014: 134) چارچوب‌های مشارکت شامل «همکاری بین کشورها از جمله همکاری تجاری، همکاری‌های اقتصادی، فرهنگی، علمی، بهداشتی، رفاهی و از جمله امنیتی است (Chidley, 2014: 154). همین امر در مورد توافق‌نامه‌های مشارکت مربوط به چین به عنوان یک طرف نیز صدق می‌کند. آن‌ها معمولاً بخش‌های مختلفی را برای همکاری شامل اقتصاد، سیاست، امنیت، علم و فناوری و فرهنگ به کار می‌گیرند. از میان این حوزه‌های مختلف، چندین نویسنده اعتراف می‌کنند که ارتقاء روابط اقتصادی شامل دسترسی به بازارها، فرصت‌های سرمایه‌گذاری و منابع طبیعی برای دولت چین از اهمیت اصلی برخوردار است. (Goldstein, 2014: 86)

چهارم اینکه برخلاف اتحاد، مشارکت‌ها نسبتاً فرایند محور هستند. آن‌ها غالباً ابزاری برای همکاری بین دولت‌ها برای دستیابی به همکاری (همکاری برای همکاری) هستند. یک جنبه اساسی در این زمینه، توانایی آن‌ها در کاهش عدم قطعیت‌ها در روابط، نه تنها در مقابل محیط بین‌المللی بلکه در بین شرکا است. (Wilkins, 2008: 363-364) همان‌گونه که در مورد نهادهای بین‌المللی صادق است، مشارکت‌ها نیز از طریق مبادله اطلاعات و مبادلات مکرر، رفتار کشورها را شفاف، انتظارات آن‌ها را معقول، نگرانی از فریب را کاهش و سطح اعتماد را افزایش می‌دهد (Sullivan, 1973: 101-102)

۶. معیارهای چین برای انتخاب شریک

به گفته وزیر امور خارجه چین، وانگ یی، ایجاد مشارکت ویژگی بارز دیپلماسی جدید چین است. او می‌گوید پس از پایان جنگ سرد ما به موقع تجربه و درس تاریخ را بکار گرفتیم و موفق شدیم به جای «متحدان» که از مختصات دوره جنگ سرد است، رویکرد جدیدی برای شکل‌گیری «شرکا» ایجاد کنیم (Wang, 2015: 7-8). معیارهایی که چین براساس آن دست به مشارکت با کشورها می‌زند عبارت‌اند از:

- به‌طور کلی کشورهایی که می‌توانند دسترسی به بازار، منابع و فرصت‌های سرمایه‌گذاری را فراهم کنند، بیشتر به‌عنوان شرکای چین انتخاب می‌شوند.

- هر چه پتانسیل چنین مشارکت‌هایی بیشتر باشد، احتمال اینکه یک کشور بتواند به یک شریک استراتژیک جامع تبدیل شود، بیشتر می‌شود.

- کشوری که مرزهای مشترک با چین دارد به احتمال زیاد به عنوان یک شریک استراتژیک جامع انتخاب می‌شود.

- با افزایش شکاف قدرت بین ایالات متحده و چین، چین برای ایجاد مشارکت با سایر کشورها انگیزه بیشتری پیدا می‌کند (Li & Ye, 2019:5).

عوامل یادشده را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

۶-۱. عوامل هدف - محور

منظور آن است که کشورهای شریک، مجموعه‌ای از اهداف مشترک را دنبال می‌کنند به گونه‌ای که تعقیب منافع یکی تعقیب منافع دیگری قلمداد می‌شود (Wilkins, 2014: 68). به همین دلیل است که گفته می‌شود در روابط مبتنی بر مشارکت، بازیگران قصد دارند شرکای مطلوب را براساس منافع متقابل شناسایی کنند. (Levi, 1970: 3) از این منظر برای چین عوامل هدف - محور شامل چهار متغیر جذابیت بالقوه بازار کشورها برای شرکت‌های چینی (Bennett & Stam, 2000: 179-204)، اهمیت کشورها به عنوان تأمین‌کنندگان جهانی مواد معدنی استراتژیک (Ross, 2015)، قابلیت‌های منطقه‌ای از جمله برتری قدرت مادی یک کشور نسبت به کل توانایی‌های منطقه فرعی که در آن مستقر هستند، روابط تجاری دوجانبه به ویژه اهمیت تجاری یک کشور برای چین و همچنین وابستگی تجاری آن کشور به چین (Barbieri & Keshk, 2012).

۶-۲. عوامل هویت - محور

منظور از آن ایدئولوژی و نوع نظام سیاسی است. ایدئولوژی در اینجا به‌طور گسترده به عنوان «مجموعه‌ای از ارزش‌ها، هنجار و باورهای نسبتاً ماندگار» شناخته می‌شوند (Levi, 1970: 4). طبق این دیدگاه، شرکای کشورها اغلب براساس ارزش‌های مشترک یا ایدئولوژی مشخص می‌شوند. (Wilkins, 2008: 364) ایدئولوژی باعث شکل‌گیری درک مشترک و در نتیجه هویت مشترک می‌شود. این مهم عمدتاً در قبال نظم سیاسی بین‌المللی

تحلیل توافق‌نامه ۲۵ ساله ایران و چین در پرتو تحولات سیاست خارجی چین (نوذر شفیعی) ۱۹۳

خودنمایی می‌کند. نوع نظام سیاسی نیز در ایجاد روابط مبتنی بر مشارکت اهمیت دارد. نظام‌های سیاسی به سه گونه قابل تقسیم‌اند: دیکتاتوری، اقتدارگرا، دموکراتیک. نظام‌های سیاسی متشابه همدیگر را جذب می‌کنند. به عبارت دیگر کشورهای با صفات داخلی مشابه تمایل بیشتری به مشارکت با یکدیگر نشان می‌دهند (Owen, 2005: 74).

از این منظر چین بین دو جنبه از ایدئولوژی تمایز قائل است: نوع نظام سیاسی که در معیار چینی‌ها از صفر (دمکراسی حداقلی) تا ده (دمکراسی ترکیبی) را شامل می‌شود (Hadenius & Teorell, 2005) افزون بر این، قوانین سوسیالیستی/ کمونیستی و میراث تاریخی و موقعیت یک کشور در اردوگاه سوسیالیست سابق. از نظر مواضع هنجاری نسبت به مبانی اساسی نظم بین‌المللی، این مطالعه بر رفتار رأی‌گیری ملی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد (UNGA) در مقابل نظم لیبرال به رهبری ایالات متحده تأکید دارد (La Porta et al., 1999: 222-79). بررسی‌ها نشان می‌دهد که برای چین پتانسیل بازار، قابلیت‌های منطقه‌ای، تولید مواد معدنی استراتژیک، وابستگی تجاری، هم‌سویی مواضع در قبال نظم بین‌المللی لیبرال و نوع نظام سیاسی به ترتیب بیشترین نقش را در انتخاب شرکا دارد (Strüver, 2017: 51).

اگر مبنای انتخاب شریک استراتژیک موارد فوق باشد، روشن می‌شود که ایران واجد شرایط شراکت استراتژیک با چین بوده است. از یک سو شکاف قدرت بین چین و آمریکا روزبه‌روز کمتر می‌شود و ایالات متحده تصور می‌کند که در آینده نزدیک چین موقعیت هژمونیک آمریکا را به چالش می‌کشد. به تعبیر کانرونگ، در بلندمدت روابط چین و آمریکا با چالش‌های مهمی روبه‌رو خواهد شد؛ زیرا آمریکا قدرت مستقر است و طرفدار حفظ وضع موجود است و برعکس، چین قدرت در حال ظهور است و در پی به‌چالش‌کشاندن وضع موجود است (Conrong, 2015). در چنین شرایطی پکن نیازمند نفوذ استراتژیک در مناطق ژئوپولیتیک جهان است. از این منظر ایران از اهمیت ژئوپولیتیک بالایی برای چین برخوردار است زیرا این کشور یکی از قدرتمندترین کشورها در خاورمیانه به‌شمار می‌رود و بر چند سیستم تابعه منطقه‌ای یعنی خاورمیانه، خلیج فارس، آسیای مرکزی و قفقاز و

جنوب آسیا تأثیرگذار است (Scott & Nader, 2012). این موضوع زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که آمریکا در چارچوب رهیافت تهاجمی خود سعی دارد نفوذ چین را در مناطقی استراتژیک جهان کاهش دهد. به همین دلیل چین در پرتوی توافق‌نامه ۲۵ ساله با ایران در پی بهره‌برداری از موقعیت استراتژیک ایران جهت خنثی کردن تلاش‌های آمریکا است.

از منظر مخالفت با نظم سیاسی بین‌الملل آمریکایی نیز دیدگاه ایران و چین به هم نزدیک است و به همین دلیل این عامل موجب شده است پکن در رقابت با آمریکا توجه ویژه‌ای به تهران داشته باشد (Fassih & Lee Myers, 2021). هردو کشور به‌نوعی تجدیدنظرطلب اصلاحی نسبت به نظم بین‌المللی لیبرال قلمداد می‌شوند. از دید دو کشور ایالات متحده در رأس نظم بین‌المللی لیبرال از نهادها و هنجارها و رژیم‌های بین‌المللی در راستای منافع خود و به زیان منافع کشورهای دیگر استفاده می‌کند. این برداشت مشترک باعث شده است تهران و پکن ابتدا در چارچوب شکل دادن به یک نظم آسیایی و سپس در چارچوب نظم بین‌المللی، هژمونی آمریکا را به چالش بکشانند (Saleh, 2021). در چارچوب این نگرش بدیهی است در صحن سازمان‌های بین‌المللی نیز، اغلب رأی ایران و چین هم‌سو است.

ایران از این منظر که یک بازار مهم برای کالاهای چین است، نیز برای پکن مهم قلمداد می‌شود. با افزایش تحریم‌های آمریکا علیه چین، پکن سعی کرده است با تقویت همکاری‌های اقتصادی با کشورهای حوزه «کمر بند و جاده»، تأثیرات کاهش حجم تجارت با آمریکا را جبران کند. (feng, 2019: 4) از این منظر ایران با بیش از هشتاد میلیون نفر جمعیت به همراه اقتصاد در حال نوسازی خود یک بازار مهم در مسیر کمر بند جاده برای چین است. حجم تجارت ایران و چین در سال ۱۳۹۹ حدود ۳۰ میلیارد دلار بوده که نزدیک به ۱۹ میلیارد دلار آن سهم صادرات ایران به چین (پسته، انواع خشکبار و ادویه، مواد اولیه معدنی و صنعتی، مصالح ساختمانی، متانول، پلی‌اتیلن، فرش، ظروف شیشه‌ای، شمش آهن، محصولات آهنی، خرما، انگور و میوه‌ها، مشتقات نفتی) است. سهم صادرات چین به ایران نیز حدود ۱۰ میلیارد دلار بوده که به‌طور عمده شامل

تحلیل توافق‌نامه ۲۵ ساله ایران و چین در پرتو تحولات سیاست خارجی چین (نوذر شفیعی) ۱۹۵

کالاهای ساخت چین (ماشین‌آلات و مواد اولیه صنعتی، تجهیزات پزشکی، حبوبات، مخمرها، کاغذ، چوب و تخته، پارچه و نخ، قطعات خودرو، انواع مفتول‌ها، لوازم ورزشی، دستگاه‌های داده‌پردازی، عینک و انواع مخمرها و بذر) بوده است (hamshahronline.ir). ایران در عین حال یکی از مهم‌ترین منابع تأمین‌کننده انرژی چین است. در سال ۱۴۰۰ ارزش صادرات نفتی ایران به چین بالغ بر شش و نیم میلیارد دلار بوده است (iranintl.com). بدون تردید در چارچوب سند همکاری ۲۵ ساله ایران و چین این ارقام به سرعت سیر صعودی پیدا خواهد کرد. با توجه به این شاخص‌ها، ایران می‌تواند کاندیدای یک مشارکت استراتژیک برای چین باشد و توافق‌نامه ۲۵ ساله نمود مهمی از این ادعا به‌شمار می‌رود.

نتیجه‌گیری

از دید چین شرایط زمانه تغییر یافته است. در دنیای کنونی، اتحادهای سفت و سخت دوره جنگ سرد، جذابیت خود را از دست داده‌اند. برای مدیریت روابط دوجانبه و کاهش عدم اطمینان در روابط خارجی باید شیوه‌های انعطاف‌پذیرتر و مبتنی بر منافع مشترک و متقابل در دستور کار قرار گیرد. به همین دلیل انعقاد موافقت‌نامه مشارکت به یکی از شیوه‌های نوین همکاری برای چین در روابط با سایر کشورها تبدیل شده است. از دید چین سیاست مشارکت می‌تواند از رقابت ایالات متحده و چین بر سر متحدان نظامی جلوگیری کند و اعتماد استراتژیک بین چین و کشورهای همسایه را تقویت کند و شرایطی را برای توسعه مسالمت‌آمیز چین و ثبات استراتژیک جهانی ایجاد کند.

بعضی هسته مشارکت را امنیتی می‌دانند، بعضی مشارکت‌ها را فراتر از توافقات امنیتی می‌دانند، بعضی هم مشارکت را تابع اهمیت موضوعی می‌دانند که در دستور همکاری است. درباره چین هر سه برداشت مصداق دارد. جوهره همکاری این کشور با کره شمالی، پاکستان و آسیای مرکزی عمدتاً امنیتی است. با روسیه فراتر از امنیت است، با کشورهای آسیای جنوب شرقی و اروپا عمدتاً جنبه اقتصادی دارد، با ایران نیز موضوعات متنوعی را دربر می‌گیرد.

از رفتار استراتژیک چین در انتخاب جهت‌گیری سیاست خارجی خود چنین استنباط

می‌شود که این کشور از ایدئولوژی گرایبی صرف خارج شده و منافع ملی را جایگزین آن کرده است؛ البته این روندی بوده که از دهه ۱۹۷۰ شروع شده و امروز ابعاد عمل‌گرایانه بیشتری پیدا کرده است. در این چارچوب چین که زمانی اتحاد یا شبه‌اتحاد و بعد از آن عدم تعهد را در راستای منافع ملی خود می‌دید امروز در حال عبور از اتحاد و عدم تعهد به توافق‌نامه مشارکت است. اقتضای شرایط و منافع ملی چین چنین تغییری را بر سیاستمداران این کشور تحمیل می‌کند.

چین که در حال بالارفتن از پلکان هژمونی است به‌خوبی می‌داند که سیاست اتحاد یا عدم تعهد نمی‌تواند آن را به سرمنزل مقصود برساند و لذا توافق‌نامه مشارکت راه‌حل میانی است که پکن در شرایط فعلی برای خود انتخاب کرده و چه‌بسا در مراحل بعد گزینه‌های دیگری را به‌عنوان جهت‌گیری سیاست خارجی خود برگزیند. این مهم نشان می‌دهد که تأمین منافع ملی چراغ راهنمای جهت‌گیری سیاست خارجی کشورها است و هر کشوری که شرایط زمانه و مقتضیات ملی خود را درست تشخیص ندهد، ممکن است فرصت‌ها را از دست دهد.

با توجه به موارد پیش‌گفته، ورود چین به شراکت استراتژیک جامع با ایران و متعاقب آن تلاش برای انعقاد توافق همکاری ۲۵ ساله نشان می‌دهد که منطق حاکم بر سیاست خارجی چین بر روی ایران هم در حال اجرا شدن است. از این رو اگرچه ایران بنابر ضرورت‌ها و اقتضائات خاص خود وارد تعاملات گسترده و عمیق با چین شده است اما به‌نظر می‌رسد مختصات همکاری دو کشور با‌عنوان مشارکت استراتژیک جامع در پکن طراحی شده است. به عبارت دیگر ممکن است رهبران ایران تمایل داشته باشند همکاری ایران با چین در شکل انعقاد توافق‌نامه اتحاد راهبردی متجلی گردد اما چنین اتحادی اساساً در دستور کار مقامات چینی نیست و به همین دلیل است که ایران نیز به همکاری در سطح مشارکت استراتژیک جامع تن داده است.

منابع

پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری، «متن کامل برنامه جامع مشارکت راهبردی جمهوری اسلامی ایران

تحلیل توافق‌نامه ۲۵ ساله ایران و چین در پرتو تحولات سیاست خارجی چین (نوذر شفیعی) ۱۹۷

و جمهوری خلق چین، سه‌شنبه ۳ بهمن ۱۳۹۴، قابل دسترس در: <http://www.president.ir/fa/> 91433

دنیای اقتصاد (۱۳۹۹)، «اهمیت استراتژیک ایران برای چین»، قابل دسترس در: <https://donya-e-eqtesad.com>

سلام‌ورزی، حسین (۱۳۹۹)، «استراتژی تقسیم منافع»، قابل دسترس در: <https://donya-e-eqtesad.com>

شریعتی‌نیا، محسن (۱۳۹۹)، «مسیر پیچیده اتحاد ایران و چین»، قابل دسترس در: <http://www.iras.ir/fa/doc/article/3949/>

عامری، داوود (۱۳۹۹) «نگاه به شرق با چشمان باز؛ ملاحظاتی چند درخصوص قرارداد ۲۵ ساله ایران و

چین»، قابل دسترس در: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1399/04/31/2311484/>

مطهرنیا، مهدی (۱۳۹۹)، «قرارداد ۲۵ ساله تهران و پکن؛ پیروزی یا شکست / جایگاه ایران در بازی چین و آمریکا کجاست؟»، قابل دسترس در: <https://www.ilna.news/>

مؤمنی، فرشاد (۱۳۹۹)، «نگاه افراط و تفریط به قرارداد ایران و چین نداشته باشیم»، قابل دسترس در: <http://ristip.sharif.ir/>

References

- Alignment Based on Interests or Ideology", *The Chinese Journal of International Politics*, 10 (1), Spring 2017, 31-65, <https://doi.org/10.1093/cjip/pow015>. <https://academic.oup.com/cjip/article/10/1/31/2958616>
- Ameri, D. (1399), "Looking East with Open Eyes; Some Considerations on the 25-Year Iran-China Agreement", available at: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1399/04/31/2311484/> (In Persian).
- Bang, J. (2017), "Why so many layers? China's state-speak and its classification of partnerships", *Foreign Policy Analysis*, Vol. 13 No. 2, pp. 380-397. <https://doi.org/10.1093/fpa/orw063>
- Barbieri, K. & Keshk, Omar M. G. (2012), "The Correlates of War Project Trade", *Dataset Codebook*, Version 3.0', 2012, <http://www.correlatesofwar.org/>;
- Bowen, Zh. (2012), "Will China Give Up its Non-alliance Policy?", *International Outlook*, (5), 17-18.
- Canrong, J. (2015), 'Zhongmei guanxi yi xianru "xiuxidide xianjing"' ('China and America Have Fallen into the Thucydides's Trap'), 27 February, 2015, <http://theory.rmlt.com.cn/2015/0227/373975.shtml>.
- Chidley, C. (2014), "Towards a Framework of Alignment in International Relations", *Politikon*, 41 (1), 141-57 <https://doi.org/10.1080/02589346.2014.885682>
- Ciorciari, J. D. (2010), *The Limits of Alignment: Southeast Asia and the Great Powers Since 1975*, Washington, D.C: Georgetown University Press.
- Degang, S. (2011), "On Quasi-Alliance Strategy", *World Economics and Politics*, (2), 55-79.
- Degang, S. (2012), "China's Quasi-alliance Diplomacy in the New Era", *World Economics and Politics*, (3), 57-81.
- Fassih, F. & lee Myers, S. (2021), "Defying US: China and Iran New Trade and Military Partnership", *The New York Times*, <https://www.nytimes.com/2020/07/11/>

world/asia/china-iran-trade-military-deal.html

- Feng and Huang, "China's strategic partnership diplomacy: engaging with a changing world", *European Strategic Partnership Observatory Working Paper 8, The Global Partnership Grid Series*, https://www.files.ethz.ch/isn/181324/China%E2%80%99s%20strategic%20partnership%20diplomacy_%20engaging%20with%20a%20changing%20world%20.pdf
- Feng, L. (2012), "Coalitions in International Politics", *Foreign Affairs Review*, (5), 56-67.
- Feng, N. (2019), 'Zhongmei guanxi 40 nian jiqi jingyan' ('40 Years of China-US Relations and Relevant Experience'), *Guoji luntan (International Forum)*, 21 (2).
- Feng, Zh. (2012), "China's New Thinking on Alliance", *Survival*, 51 (5), 135.
- Feng, Zh. (2008), "China's Rise Will Be Peaceful: How Unipolarity Matters", in Robert S. Ross and Zhu Feng, eds., *China's Ascent: Power, Security, and the Future of International Politics* (Ithaca: Cornell University Press, 2008), pp. 34-54.
- Gerner, D. J. (1995), "The Evolution of the Study of Foreign Policy" in *Foreign Policy Analysis: Continuity and Change in its Second Generation*. Englewood Cliffs, New Jersey: Prentice Hall.
- Goldstein, A. (2005) *Rising to the Challenge: China's Grand Strategy and International Security*, Stanford: Stanford University Press.
- Hadenius, A. & Teorell, J. (2005), "Assessing Alternative Indices of Democracy", Political Concepts: Committee on Concepts and Methods, *Working Paper Series*, No. 6. https://pdfs.semanticscholar.org/63a9/00d551f3afacdf15be493e16c2da13680ab7.pdf?_ga=2.11077428.1669199371.1593921495-751407085.1570263028
- Haiyun, W. (2012), "From 'Non-Alliance' to 'Quasi-Alliance': A Strategic Choice to Counterbalance U.S. Strategic Containment toward China", 2012, http://news.xinhuanet.com/world/2012-03/11/c_122815157.htm <http://news.hamshahrionline.ir/news/592065>.
- Hamilton, D. S. (2014), "The American way of partnership", *Technical report European Strategic Partnerships Observatory*, Madrid. http://www.egmontinstitute.be/content/uploads/2014/06/ESPO_WP6.pdf?type=pdf
- Holslag, J. (2011), "The elusive axis: assessing the EU China strategic partnership", *Journal of Common Market Studies*, Vol. 49 No. 2, pp. 293-313. <https://doi.org/10.1111/j.1468-5965.2010.02121.x>
- Holsti K. J. (1987), "National Role Conceptions in the Study of Foreign Policy" in Walker SG (Ed). *Role Theory and Foreign Policy Analysis*. Durham: Duke University: Duke Press Policy Studies.
- Information Office of the State Council (2011), "China's Peaceful Development", The People's Republic of China, September 2011, Beijing, <http://www.scio.gov.cn/zfbps/ndhf/2011/Document/1000031/1000031.htm>.iranintl.com/en/202202208353
- Jamal, A. (2000), "The Palestinians in the Israeli peace discourse: a conditional partnership", *Journal of Palestine Studies*, Vol. 30 No. 1, pp. 36-51.
- Jianfei, L. (2012), "Reflecting China's Foreign Relations in Recent Years", *Explorations and Controversies*, No. 4, pp. 40-5.
- La Porta, et al., (1999) "The Quality of Government", *Journal of Law, Economics and Organization*, Vol. 15, No. 1, pp. 222-79.
- Levi, Werner (1970) "Ideology, Interests, and Foreign Policy", *International Studies*

Quarterly, Vol. 14, No. 1.

- Li, Quan, Ye, Min (2019) "China's emerging partnership network: what, who, where, when and why", *International Trade, Politics and Development*, Volume 3 Issue 2, 15 July 2019, <https://www.emerald.com/insight/content/doi/10.1108/ITPD-05-2019-0004/full/html>
- Liu, Ruonan & Liu, Feng (2017) "Contending Ideas on China's Non-Alliance Strategy", *The Chinese Journal of International Politics*, Volume 10, Issue 2, Summer, Pp 151–171, <https://doi.org/10.1093/cjip/pox003>
- Momeni, Farshad (1399), "We have not had an extreme view of the Iran-China agreement", available at: <http://ristip.sharif.ir/> (In Persian).
- Ministry of Foreign Affairs of the PRC, "The Central Conference on Work Relating to Foreign Affairs Was Held in Beijing. Xi Jinping Delivered an Important Address at the Conference", 29 November, 2014, http://www.fmprc.gov.cn/mfa_eng/zxxx_662805/t1215680.shtml.
- Motaharnia, Mehdi (1399), "Tehran-Beijing 25-year contract; victory or defeat / Where is Iran's position in the Sino-US game?", Available at: <https://www.ilna.news/> (In Persian).
- Nadkarni, Vidya (2010) *Strategic Partnerships in Asia: Balancing Without Alliances*, London: Routledge.
- Neack L, Hey JAK, Haney PJ (1995) *Foreign Policy Analysis: Continuity and Change in its Second Generation*. Englewood Cliffs, New Jersey: Prentice Hall
- Niu, Haibin (2010) "Emerging Global Partnership: Brazil and China", *Revista Brasileira De Politica Internacional*, No. 53, pp. 183–92.
- Osgood, Robert E. (1987) *Alliance and American Foreign Policy*, Baltimore: The Johns Hopkins Press, 1968.
- Owen, John M. (2005) "When Do Ideologies Produce Alliances?", *International Studies Quarterly*, Vol. 49, No. 1.
- Parameswaran, Prashanth (2008) "Explaining US Strategic Partnerships in the Asia-Pacific Region" in Thomas S. Wilkins, "Russo-Chinese Strategic Partnership: A New Form of Security Cooperation?", *Contemporary Security Policy*, Vol. 29, No. 2 (2008), pp. 358–83
- Presidential Information Database, "Full text of the Comprehensive Strategic Plan for Partnership between the Islamic Republic of Iran and the People's Republic of China", Tuesday, February 24, 2016, available at: <http://www.president.ir/fa/91433> (In Persian).
- Ross, Michael L. (2015) Oil and Gas Data, 1932-2014 (V2)', 2015, <https://dataverse.harvard.edu/dataset.xhtml?persistentId=doi:10.7910/DVN/ZTPW0Y>
- Ru, Sun (2015) "Constructing a Network of Partnerships: an Updated Version of China's Non-alliance Policy", *World Knowledge*, No. 6 (2015), pp. 58–60.
- Ruonan, Liu & Feng, Liu (Contending Ideas on China's Non-Alliance Strategy, *The Chinese Journal of International Politics*, Volume 10, Issue 2, Summer 2017, Pages 151–171, <https://doi.org/10.1093/cjip/pox003>.
- Sale, Alam (2021), "The Iran-China Strategic Partnership and Changing Regional Order", Australian Institute of International Affairs, <https://www.internationalaffairs.org.au/australianoutlook/the-iran-china-strategic-partnership-and-changing-regional-order/>

- Scott, Harold, & Nader, Alireza (2012) "China and Iran: Economic, Political, Military Relations", RAND Corporation, <https://www.jstor.org/stable/10.7249/j.ctt1q60w8>
- Salavarzi, Hossein (1399), "Benefit Sharing Strategy", available at: <https://donya-e-eqtasad.com> (In Persian).
- Sekhri, Sofiane (2009) "The role approach as a theoretical framework for the analysis of foreign policy in third world countries", *African Journal of Political Science and International Relations*, Vol. 3 (10), pp. 423-432, October, 2009 Available online at <http://www.academicjournals.org/ajpsir> ISSN 1996-0832
- Shariatnia, Mohsen (1399), "The Complex Path of Iran-China Alliance", available at: <http://www.iras.ir/fa/doc/article/3949/> (In Persian).
- Shiping, Tang (2010) *A Theory of Security Strategy for Our Times: Defensive Realism*, New York: Palgrave Macmillan, 2010.
- Snyder, Glenn H. (1984) "The Security Dilemma in Alliance Politics", *World Politics*, Vol. 36, No. 4 (1984), pp. 461-95.
- Strüver, Georg (2017) "China's Partnership Diplomacy: International
- Sullivan, John D. (1973), "International Alliances", in Michael Haas, ed., *International Systems: A Behavioral Approach*, New York: Chandler Pub. Co.
- Wilkins, Thomas S (2012) "Alignment", Not "Alliance"—the Shifting Paradigm of International Security Cooperation: Toward a Conceptual Taxonomy of Alignment", *Review of International Studies*, Vol. 38, No. 1, pp. 53-76.
- Wilkins, Thomas S. (2008), "Russo-Chinese Strategic Partnership: A New Form of Security Cooperation?", *Contemporary Security Policy*, Vol. 29, No. 2, pp. 358-83;
- World Economy (1399), "Iran's Strategic Significance for China", available at: <https://donya-e-eqtasad.com> (In Persian).
- Xiaohui, S. (2015), "China's Foreign Policy: Making Partners but not Forming Alliances", *People's Daily*, 2 January, 2015.
- Xu, D. (2009), *C-Shape Encirclement: China's Breakthrough with Internal Concerns and External Dangers*, Shanghai: Wenhui chubanshe.
- Xu, J. (2016), "Debates in IR Academia and China's Policy Adjustments", *The Chinese Journal of International Politics*, Vol. 9, No. 4 (2016), pp. 459-85;
- Xuetong, Y. (2013), "From Keeping a Low Profile to Striving for Achievements: China's Rise is Unstoppable", *Weekly Journal of Chinese Economy*, (43), 7-44.
- Yang, J. (2003), "Key strategic opportunity and the historical mission of China's diplomacy", *Study of Mao Zedong and Deng Xiaoping Theories*, Vol. 4, pp. 60-67, in Li, Q. & Ye, M. (2019), China's emerging partnership network: what, who, where, when and why, *International Trade, Politics and Development*, 3 (2), 15 July 2019, <https://www.emerald.com/insight/content/doi/10.1108/ITPD-05-2019-0004/full/html>
- Yi, W. (2014) "A Successful Year for China's Diplomacy", Speech delivered by Foreign Minister Wang Yi at the Opening Ceremony of the Symposium on the International Developments and China's Diplomacy, 24-25 December, 2014, http://www.fmprc.gov.cn/mfa_eng/zxxx_662805/t1222886.shtml.
- Yi, W. (2015), "Toward a New Type of International Relations of Win-Win Cooperation", *China International Studies*, No. 3. https://www.fmprc.gov.cn/mfa_eng/wjb_663304/wjbz_663308/2461_663310/t1248487.shtml.

تبیین فرصت‌های ژئواکونومیکی ج.ا.ایران در فضای پساجنگ سوریه

افشین متقی *

سعید رجبی **

چکیده

کشورهای مختلف به فراخور ویژگی‌های متفاوت جغرافیایی که دارند، نقشی چندبعدی در راهبردهای سیاست خارجی بازیگران منطقه‌ای و جهانی ایفا می‌کنند. سوریه نیز از این قاعده مستثنا نیست و با توجه به اختصاصات مختلف جغرافیایی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی که دارد، جایگاهی چندبعدی در سپهر سیاست خارجی ج.ا.ایران ایفا کرده است. با وجود اینکه موقعیت راهبردی سوریه در محور مقاومت دیگر ابعاد اهمیت این کشور را متأثر ساخته است، با این حال سوریه از ظرفیت‌های ژئوکالچری و ژئواکونومیکی بالایی برخوردار است که در صورت توجه جدی می‌تواند به کنش‌گری فعال و چندسویه در راهبردهای سیاست خارجی ایران در آینده بدل شود. این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع مختلف کتابخانه‌ای، در پی پاسخ به این پرسش است که مهم‌ترین فرصت‌های ژئواکونومیکی ایران در فضای پساجنگ داخلی سوریه کدامند؟ یافته بیانگر آن است که سوریه دارای ظرفیت‌های ژئواکونومیکی مختلفی همچون قرارگیری در کریدور انرژی ایران-عراق-سوریه-اروپا (پرسین پایپ)، کریدور زمینی خلیج فارس-مدیترانه و همچنین محیط مناسبی برای سرمایه‌گذاری ایران در بخش‌های نفت و معادن، با توجه به نیاز سوریه به بازسازی‌های گسترده بعد از جنگ داخلی است. در واقع سوریه را می‌توان مکمل ژئواکونومیک ایران در حوزه صدور انرژی و همچنین دسترسی به بازارهای اروپایی دانست.

کلیدواژه‌ها: ژئواکونومی، ایران، سوریه، جنگ داخلی، بازسازی سوریه.

نوع مقاله: پژوهشی.

* دانشیار ژئوپلیتیک، گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. (نویسنده

مسئول)، A.mottaghi@khu.ac.ir

** دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

۱. مقدمه

سوریه در راهبردهای کلان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همواره مهره‌ای کلیدی بوده است. هرچند پیوند ایران و سوریه به پیش از سال‌های پیروزی انقلابی اسلامی ایران بازمی‌گردد، اما بعد از سال‌های نخستین پس از پیروزی انقلاب اسلامی بود که جمهوری عربی سوریه در راهبردهای سیاست خارجی منطقه‌ای ایران اهمیتی فراوانی یافت و تا به امروز نه تنها از اهمیتش کاسته نشده است بلکه جایگاهی چندبعدی و مهم در ماتریکس منطقه‌ای ج.ا. ایران کسب کرده است. اهمیت ژئوپلیتیکی سوریه، ابعاد مختلف ژئواستراتژیک، ژئوکالچری و ژئواکونومیکی دارد که هرکدام از این‌ها موضوعی مجزا و متفاوت به‌شمار می‌روند. از بعد ژئواستراتژیک سوریه مهره مهمی در حلقه متحدان منطقه‌ای ج.ا. ایران یا همان محور مقاومت به‌شمار می‌رود و به‌نوعی نقش عقبه پشتیبان حزب الله و حماس را ایفا می‌کند. در بعد ژئوکالچری ارتباط با کشوری عرب و مسلمان برای ج.ا. ایران که مورد هجوم جهان عرب واقع شده است اهمیت بالایی دارد. با این حال سوریه در گذشته به شکل محدود و احتمالاً در آینده اهمیت ژئواکونومیکی بالایی در راهبردها کلان سیاست خارجی ایران کسب خواهد کرد.

سوریه با توجه به ویژگی‌هایی جغرافیایی که دارد واجد مجموعه‌ای از ظرفیت‌های ژئواکونومیکی است که می‌تواند به‌عنوان مکمل ژئواکونومیک ایران در منطقه ایفای نقش کند. ظرفیت‌های اقتصادی سوریه تاکنون تحت‌الشعاع نگاه امنیتی ایران به مسائل منطقه‌ای قرار گرفته است با این حال مجموعه رخدادهایی زمینه تغییر نگاه ایران را سبب شده است از این رو بررسی ظرفیت‌ها و الزامات ژئواکونومیکی سوریه در فضای پساجنگ داخلی اهمیت می‌یابد. هرچند صحبت از آینده در جغرافیای آشوب‌زده خاورمیانه که به‌سرعت در حال تغییر است امری مشکل است اما شواهد و قرائن کنونی نشان از پیروزی حکومت اسد به‌عنوان متحد ج.ا. ایران و استقرار نسبی ثبات در این کشور دارد. با مفروض گرفتن تداوم این وضعیت، در این مقاله در پی تبیین مؤلفه‌های ژئواکونومیک ج.ا. ایران در این کشور در آینده است. اینکه سوریه چه جایگاهی در سیاست‌های اقتصادی جغرافیا پایه، یا راهبرد ژئواکونومیکی جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت. از این رو در ابتدا با ذکر مختصری از

تبیین فرصت‌های ژئواکونومیکی ج.ا.ایران در فضای پسا جنگ سوریه (افشین متقی و سعید رجبی) ۲۰۳

پیشینه پژوهش، مطالعات انجام شده در این حوزه را بررسی کرده سپس به واکاوی مفهومی ژئواکونومی به عنوان چارچوب نظری پژوهش خواهیم پرداخت. طرح یافته‌های پژوهش، تجزیه و تحلیل یافته‌ها و در پایان نتیجه‌گیری و ذکر منابع دیگر بخش‌های پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهند.

۲. پیشینه پژوهش

در ارتباط با اهمیت و جایگاه ژئوپلیتیکی سوریه در سیاست خارجی ج.ا.ایران ادبیات گسترده‌ای تولید شده است که در آن‌ها، مباحث مرتبط با نقش و جایگاه سوریه در محور مقاومت و جبهه مبارزه با اسرائیل غلبه دارند. افضل‌ی و همکاران، در مقاله‌ای با عنوان بررسی و تحلیل پیامدهای ژئوپلیتیکی بحران سوریه بر امنیت ملی ج.ا.ایران، ضمن پرداختن به این موضوع که کنش‌های ژئوپلیتیکی عاملی تعیین‌کننده در مناسبات خارجی و فرامرزی کشورها و نیز معادلات پیچیده نظام بین‌الملل است معتقدند تحولات سوریه الزاماتی جدیدی در سیاست خارجی کشورها از جمله ایران پدید آورده است. آن‌ها ضمن پرداختن به روابط تاریخی و اتحاد راهبردی ایران و سوریه به‌ویژه بعد از انقلاب اسلامی و جایگاه ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک سوریه برای ایران، معتقدند در صورت سقوط حکومت اسد و قدرت‌گیری رقبا و دشمنان محور مقاومت، جایگاه و نفوذ منطقه‌ای ایران تضعیف می‌شود و می‌تواند به صورتی دومینووار موجب فروپاشی سایر دولت‌ها و گروه‌های محور مقاومت شود (افضل‌ی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۴۵).

بحران سوریه و امنیت منطقه‌ای ج.ا.ایران از مرادی و شهرام‌نیا نیز در پی کنکاش تأثیرات بحران سوریه بر امنیت منطقه‌ای ایران است. نتایج بیانگر آن است که با تداوم بحران سوریه، امنیت منطقه‌ای ایران با تهدیداتی همچون؛ تضعیف محور مقاومت، شکل‌گیری منازعه گفتمانی و تشدید تنش‌های فرقه‌ای و مذهبی، برهم خوردن ساختار قدرت و موازنه قوا و بالا گرفتن رقابت تسلیحاتی در منطقه مواجه خواهد شد (مرادی و شهرام‌نیا، ۱۳۹۴: ۱۲۶). بازرگان و پوراحمدی میدی در مقاله‌ای با عنوان، ابعاد سیاسی و امنیتی حمایت از سوریه در سیاست خارجی ج.ا.ایران (۲۰۱۱-۲۰۱۷) معتقدند، سوریه به دلیل برخورداری از

عمق استراتژیک منطقه‌ای و اعمال بازدارندگی مقابل تهدیدهای موجود به‌ویژه اسرائیل، علوی (شیعی) بودن دولت سوریه و نقش مهمش در محور مقاومت، نه تنها دارای ابعاد ایدئولوژیک اسلامی - شیعی و مقاومتی است بلکه ابعاد مهم ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیک و امنیتی نیز دارد (بازرگان و پوراحمدی میبیدی، ۱۳۹۷: ۱۰۶).

با این حال مطالب اندکی درخصوص اهمیت ژئواکونومیکی سوریه در دسترس است. قصاب‌زاده و همکاران در مقاله‌ای با عنوان تحلیل ژئواکونومی ج.ا. ایران در معادلات جدید منطقه جنوب غرب آسیا، معتقد که ایران به لحاظ قرار گرفتن بین دو حوزه مهم دریای کاسپین و خلیج فارس و دارا بودن منابع سرشار انرژی نفت و گاز و سایر ذخایر زیرزمینی و قابلیت‌های اقتصادی دیگر، در قلمروهای ژئواکونومی جدید، دارای نقشی بی‌بدیل در منطقه جنوب غرب آسیا و خلیج فارس است اما از رهبری ژئوپلیتیکی منطقه و قدرت تأثیرگذاری بر سیاست انتقال انرژی برخوردار نیست (قصاب‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۳۱). از مهم‌ترین و نزدیک‌ترین پژوهش‌های در زمینه جایگاه ژئواکونومیک سوریه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌توان به کتاب *درمقابل همه احتمالات: پویایی پیچیده بازسازی سوریه* اشاره کرد که فصل دومش «ژئواکونومیک؛ ایران و روسیه در سوریه» به موضوع هم‌پوشانی و تعارضات ژئواکونومیکی ایران و روسیه در آن کشور پرداخته است. از نظر نگارندگان استراتژی ژئواکونومیکی ایران در قبال سوریه از دو عامل متأثر است. نخست: اولویت‌های نظامی مربوط به امنیت حزب‌الله و موضع‌گیری علیه اسرائیل؛ دوم، ملاحظات اقتصادی سیاسی به نفع سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران. در ادامه به‌منظور اثبات این دیدگاه ذکر شواهد و مثال‌های مختلف ذکر می‌شوند (Imady et al, 2019).

۳. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه در دسترس (مکتوب و اینترنتی) در پی ارائه تبیینی جامع از فرصت‌های ژئواکونومیکی پیش روی ج.ا. ایران در فضای پساجنگ داخلی در جمهوری عربی سوریه است.

۴. بنیادهای مفهومی پژوهش

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تغییرات عمده‌ای در حوزه مفهومی ژئوپلیتیک روی داد

تبیین فرصت‌های ژئواکونومیکی ج.ا.ایران در فضای پسا جنگ سوریه (افشین متقی و سعید رجبی) ۲۰۵

به گونه ای که ژئوپلیتیک از رهیافت‌های نظامی و ژئواستراتژیک، رویکردی ژئواکونومیک یافت (پوراحمدی و حسینی کرانی، ۱۳۸۸: ۱۰۴). ژئواکونومی به عنوان بخشی از دانش از ژئوپلیتیک کلاسیک تلقی می‌شود. به عبارت دقیق‌تر، می‌توان آن را به عنوان گستره‌ای از حوزه ژئوپلیتیک که بر روابط اقتصادی بین‌المللی اعمال می‌شود، درک کرد (Jaeger & Brites, 2020: 24). از نظر لوتواک، رقابت بین کشورها با خاتمه رویارویی استراتژیک بین ابرقدرت‌ها به پایان نمی‌رسد بلکه رقابت‌ها به طور فزاینده‌ای از حوزه استراتژیک و نظامی به حوزه‌های اقتصادی منتقل می‌شود (Scekic et al, 2016: 68) در این زمان، جهان شکل تازه‌ای یافت که درگیری‌های مسلکی در ابتدا نقش چندانی در آن نداشت؛ بنابراین به ارتباط میان اقتصاد و ژئوپلیتیک از نو اندیشیده شد. به صحنه آمدن واژه ژئواکونومی موجب شد برخی سیاست پردازان، از این مفهوم تعبیر جنگ اقتصادی داشته باشند و از این راه بر نقش اقتصاد در تحلیل سیاست دولت‌ها تأکید کنند (پاسکال و توال، ۱۳۸۱: ۱۰۱-۱۰۲).

ژئواکونومی می‌تواند به دو صورت متفاوت تعبیر شود اول رابطه بین سیاست‌های اقتصادی و تغییر در قدرت ملی و ژئوپلیتیک یا به عبارت دیگر نتایج ژئوپلیتیک پدیده‌های اقتصادی و دوم نتایج اقتصادی روندها در ژئوپلیتیک و قدرت ملی است (www.iiss.org/en/events). از نظر رابرت وارد و یوکا کوشینو، موسع‌ترین تعریف ژئواکونومی به معنای به کارگیری قدرت اقتصادی برای دستیابی به اهداف راهبردی است (www.scfr.ir).

هرچند تأثیر متقابل اقتصاد، سیاست و جغرافیا بر یکدیگر در طول تاریخ بشری همواره وجود داشته است و موقعیت جغرافیایی تعیین کننده وجود منابع طبیعی، قلمرو، فاصله، آب‌وهوا و سایر عوامل مهم در توسعه اقتصادی کشورها بوده است (Gasimli, 2015: 10)؛ اما اصطلاح «ژئواکونومی» برای نخستین بار توسط ادوارد لوتواک در سال ۱۹۹۰ در مقاله «از ژئوپلیتیک تا ژئواکونومی: منطق تعارض، دستور زبان تجارت» (From Geopolitics to GeoEconomics: Logic of Conflict, Grammar of Commerce) استفاده شد (Jaeger & Brites, 2020: 24). ادوارد ان. لوتواک در سال ۱۹۹۰، پارادایم ژئواکونومی را با مفهومی گسترده وارد روابط بین‌الملل، ژئوپلیتیک و سایر دانش‌های سیاسی مرتبط با تحلیل‌های

کلان بین‌المللی کرد.

این متفکر خبر از فرا آمدن نظام نوین بین‌المللی در دهه ۹۰ داد که در آن مؤلفه‌های اقتصادی جایگزین اهداف نظامی و ژئواستراتژیک می‌شوند به عقیده وی عامل منازعات و درگیری‌های قرن بیستم در قرن حاضر (بیست و یکم) دیگر موضوعات قرن گذشته نیست، بلکه در کنار هر تنش‌ی یک عامل اقتصادی خودنمایی می‌نماید (کمپ و هارکاوی، ۱۳۷۳: ۱۰۷). ژئواکونومی به استفاده از ابزارهای اقتصادی برای ارتقاء و دفاع از منافع ملی کشور و همچنین خلق مزیت‌های ژئوپلیتیکی اشاره دارد (Pu, 2016: 115). ژئواکونومی مقوله‌های رشد و توسعه اقتصادی، تجارت خارجی، سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی، بدهی خارجی، وابستگی اقتصادی و غیره را مورد بحث قرار می‌دهد (Scekic et al, 2016: 70).

ژئواکونومی یک مفهوم مورد مناقشه است. اصطلاح ژئواکونومی با وجود کاربرد زیاد، هنوز تعریف دقیق و مشخصی ندارد برخی ژئواکونومی را استفاده از قدرت ژئوپلیتیک یا نظامی برای رسیدن به اهداف اقتصادی می‌دانند، برخی دیگر تعریف موسعی دارند و آن را درهم تنیدگی اقتصاد بین‌الملل، ژئوپلیتیک و استراتژی می‌دانند، برخی دیگر بر تجارت و حمایت از صنایع داخلی بدون در نظر گرفتن جنبه‌های ژئوپلیتیکی تأکید می‌کنند، گروهی بر استفاده از این واژه را برای بررسی سنتی تجارت بین‌الملل و تحریم‌ها محدود می‌کنند (مختاری هشی، ۱۳۹۷: ۵۸). آنچه در تلاش‌های اخیر برای تعریف مفهوم ژئواکونومی معمول به نظر می‌رسد این است که تقریباً در رابطه با مفهوم ژئوپلیتیک مورد بحث قرار می‌گیرد (Moisio, 2019: 1). ژئواکونومی استفاده از ابزارهای اقتصادی برای دفاع از منافع ملی و تولید نتایج مفید ژئوپلیتیکی و تأثیر اقدامات اقتصادی سایر ملت‌ها بر اهداف ژئوپلیتیکی کشور است (blackwill & harris, 2016: 20).

ژئواکونومی از ترکیب سه عنصر جغرافیا، قدرت و اقتصاد شکل گرفته و به نظر می‌رسد سیاست که عامل مهمی در ژئوپلیتیک بوده، جای خود را به اقتصاد داده است (عزتی و ویسی، ۱۳۸۵: ۲۹). ژئواکونومی؛ مطالعه اثرگذاری عوامل یا زیربنای اقتصادی در محیط کشوری، منطقه‌ای یا جهانی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و رقابت‌های قدرتی و اثرگذاری این عوامل در ساختار شکل‌گیرنده ژئوپلیتیک منطقه‌ای و یا جهانی تعریف می‌شود

تبیین فرصت‌های ژئواکونومیکی ج.ا.ایران در فضای پساجنگ سوریه (افشین متقی و سعید رجبی) ۲۰۷

(مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۳۰). باوجود فراوانی تعاریف مفهوم ژئواکونومی، آنچه مبنای این کار پژوهشی است، ژئواکونومی را مجموعه‌ای از مقدمات و محذورات اقتصادی، جغرافیا پایه‌ای می‌داند که نه تنها به استراتژی کشورها جهت می‌دهد بلکه موجبات افزایش وزن ژئوپلیتیکی کشورها را نیز فراهم می‌کند.

۵. یافته‌های پژوهش

روابط سوریه و ایران که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل قرار داشتن دو کشور در دو اردوگاه شرق و غرب سرد بود، با اتخاذ موضع ضد آمریکایی و ضد صهیونیستی نظام جدید تهران، به سرعت بهبود یافت (Gelbart, 2010: 40) و سوریه به یکی از دوستان و متحدان منطقه‌ای ایران در قالب محور مقاومت بدل گشت. با این حال در تمامی این سال‌ها رویکرد ایدئولوژیک بر روابط دو کشور غلبه داشته و اقتصاد کمتر مورد توجه طرفین قرار گرفته است. مجموعه تحولاتی همچون تشدید تحریم‌ها بین‌المللی علیه ایران از یک سو و وقوع جنگ ویرانگر داخلی در سوریه که دو کشور را بشدت متأثر ساخت، الزامات نوینی پیش روی آن‌ها پدیدار ساخته است که لزوم بازتعریف روابط فی‌مابین را ناگزیر می‌سازد. درواقع با تغییر اوضاع و احوالی باید دیپلماسی اقتصادی جایگزین دیپلماسی امنیتی شود و الزامات اقتصادی جایگزین ملاحظات سیاسی - امنیتی شوند. دیپلماسی اقتصادی، استفاده از ابزارهای سیاست بین‌المللی برای به دست آوردن اهداف اقتصادی است (Colsear, 2004: 63). اتخاذ تحریم‌های گسترده علیه ج.ا.ایران زمینه‌ساز توجه به الزامات ژئواکونومیکی در سیاست خارجی کشور شد. در چنین جهان‌بینی اقتصادمحوری است که اختصاصات ژئواکونومیکی سوریه پدیدار می‌شوند. در ذیل به مهم‌ترین فرصت‌های ژئواکونومیکی ج.ا.ایران در سوریه پساجنگ داخلی خواهیم پرداخت.

۵-۱. ایجاد کردور انتقال انرژی به مدیترانه

ژئوپلیتیک با توجه به متغیرهای متفاوتی قابل بررسی است؛ با توجه به وجود منابع طبیعی موجود در یک منطقه، صنایع استخراج و توانایی بهره‌برداری از این منابع (Mercille, 2010: 329). درواقع منابع یکی از عناصر قدرت‌ساز ژئوپلیتیکی به‌شمار می‌روند و در بین منابع

مختلف، موضوع ژئوپلیتیک انرژی و امنیت استراتژیک منابع انرژی به‌عنوان مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده در تعیین استراتژی‌های جهانی و منطقه‌ای مطرح می‌شود (منیری و نصرتی، ۱۳۹۰: ۹۷). در فضای ژئواکونومیک فعلی جهان که انرژی، محور سیاست و استراتژی کشورهای بزرگ و صنعتی است، اصلی‌ترین فشار برای تصاحب آسان منابع آن، روی کشورهای اطراف حوزه خلیج فارس و سپس خزر است. ایران به‌دلیل قرارگرفتن میان این دو حوزه و داشتن رتبه دوم ذخایر نفت و گاز جهان به‌عنوان بازیگر تأثیرگذار نقش مهمی در استراتژی جهانی ژئوپلیتیک انرژی پیدا کرده است (گل‌افروز، ۱۳۹۴: ۲۲۴).

ایران از یک‌سو دومین کشور دارنده ذخایر گازی در جهان است به‌طوری که ذخایر گازی اثبات‌شده فعلی کشور ایران، ۲۸ تریلیون متر مکعب برآورد شده است که این مقدار، ۱۶٪ کل ذخایر گازی جهان را شامل می‌شود؛ از دیگر سو ایران همانند ترکیه موقعیت ژئوپلیتیک مناسبی در منطقه دارد. ایران سرزمینی میان دو منطقه سرشار از انرژی (دریای خزر و خلیج فارس) است. موقعیت خاص جغرافیایی و موقعیت ژئواکونومیک ایران این امکان را برای تهران فراهم ساخته که بتواند به‌عنوان گزینه انکارناپذیر و قطب ترانزیت انرژی منطقه نقش معتبری ایفا کند (موسوی شفائی و زمردی انباجی، ۱۳۹۶: ۱۶۳-۱۶۴).

ایران خواهان صادرات ذخایر گازی خود به اروپا است زیرا ایران نیز درصدد است به منظور بازیابی موقعیت ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک خود بازارهای مناسب را هدف قرار دهد که شرایط ذیل را داشته باشند؛ اولاً بازار هدف باید امنیت تقاضا را برای درازمدت تأمین کند تا بازگشت هزینه‌های سرمایه را شاهد باشد؛ دوم، سرمایه‌گذاری و اهداف اقتصادی و درآمدزایی طرح تأمین شود و هم اهداف برنامه و استراتژی‌های بلندمدت تحقق پیدا کند؛ سوم، بازار هدف باید امکان جذب سرمایه، فناوری و همکاری شرکت‌های بین‌المللی را برای توسعه ذخایر عظیم گاز کشور فراهم سازد؛ چهارم، بازار هدف باید تأثیرگذار در روابط بین‌المللی و در جهت تقویت امنیت ملی کشور باشد؛ پنجم، بازار هدف باید در جهت تقویت همبستگی و همگرایی کشور ما و کشور هدف باشد. کشورهای اروپایی با توجه به امکان تأمین سرمایه و فناوری و تأثیرگذاری در روابط بین‌الملل و کشورهای منطقه مناسب هستند؛ بنابراین صادرات گاز یک استراتژی ژئوپلیتیکی است که

تبیین فرصت‌های ژئواکونومیکی ج.ا.ایران در فضای پساجنگ سوریه (افشین متقی و سعید رجبی) ۲۰۹

منجر به افزایش همکاری و اشتراک منافع ایران با کشورهای منطقه و کشورهای اروپایی می‌شود (موسوی شفقانی و زمردی انباجی، ۱۳۹۶: ۱۶۸).

هرچند موضوع صادرات انرژی به بازارهای اروپایی از مطلوب‌ترین گزینه‌های پیش روی اقتصاد ایران ارزیابی می‌گردد. با این حال درخصوص مسیرهای انتقال نفت اختلاف نظر وجود دارد. در بین مسیرهای مختلفی که برای انتقال گاز ایران به اروپا وجود دارد هر کدام دارای مزایا و معایبی هستند. مسیر دریایی، مسیر ترکیه از رایج‌ترین گزینه‌های پیش روی ایران هستند، با این حال تهران در پی یافتن مسیری جایگزین است. در نهایت جمهوری اسلامی ایران که به دنبال مسیری مطمئن برای احداث خط لوله و صدور گاز به اروپا از طریق متحدان خود در منطقه است، مسیر عراق - سوریه که از متحدان استراتژیک ایران در منطقه هستند را برگزید و در نتیجه یادداشت تفاهم سه جانبه ای میان ایران - عراق (۶ مرداد ۱۳۹۰) - (سوریه در ۲۵ ژوئن ۲۰۱۱) در شهر بوشهر به امضا رسید؛ که قرار شد خط لوله‌ای با ظرفیت ۱۱۰ میلیون متر مکعب گاز در روز یا ۴۰ میلیارد متر مکعب گاز در سال، در ۲۰۱۶ افتتاح شود. هزینه خط لوله اسلامی ۲ تا ۲/۵ میلیارد دلار در مدت سه سال تخمین زده بود (موسوی شفقانی و زمردی انباجی، ۱۳۹۶: ۱۶۹).



نقشه ۱. مسیر زمینی انتقال نفت و گاز ایران و کشورهای پیرامون به مقصد اروپا (Lin, 2015:2)

نقشه بالا مسیرهای خطوط انرژی از خلیج فارس و دریای خزر که به مقصد اروپا

می‌روند را نشان می‌دهد. گذشتن خطوط لوله احتمالی ایران و قطر از سوریه بیانگر اهمیت این کشور در موضوع ترانزیت انرژی به اروپاست. دلیل اهمیت استراتژیک سوریه نزد بازیگران بین‌المللی؛ توانایی سوریه برای انتقال انرژی کشورهای ایران و عراق از طریق بندرهای بانیاس و طرطوس در سواحل مدیترانه به اروپاست (Nerguizian, 2012: 84). هرچند پیشنهاد احداث خط لوله انتقال گاز طبیعی قطر از طریق حلب سوریه و ترکیه به اروپا برای اولین بار در سال ۲۰۰۹ پیشنهاد شد. با این حال، اسد این پیشنهاد را در سال ۲۰۱۱ تضعیف کرد (Lin, 2015: 2). رئیس‌جمهوری سوریه در سال ۲۰۱۱ اعلام کرد، می‌خواهد قراردادی با عراق و ایران برای اجرای خط لوله اسلامی به سمت بازارهای اروپا منعقد کند (Ingpraja, 2020: 53).

سوریه همانند ترکیه، کشوری مهم در مسیر انتقال انرژی است البته در درجه‌ای کوچک‌تر. نکته اصلی و کلیدی آن است که ترکیه برای تکمیل استراتژی انرژی‌اش به سوریه نیاز دارد. سوریه دروازه ورود ترکیه به خاورمیانه است همان‌طور که دروازه ورود ایران به اروپا است؛ بنابراین نقش ترانزیتی سوریه را به‌خوبی می‌توان مشاهده کرد (موسوی شفائی و زمردی انباجی، ۱۳۹۶: ۱۶۹). سوریه دارای ساخت سیاسی متفاوت و متمایز نسبت به سایر کشورهای عرب منطقه است، زیرا تنها کشور عربی است که مناسبات مستقل منطقه‌ای و بین‌المللی دارد. این موقعیت راهبردی، چالش‌هایی همچون بی‌ثباتی و ناامنی را برای این کشور رقم زده است (Sutherland, 2013: 2).

شاید بتوان گفت کمتر عاملی همچون موقعیت سوریه در ترانزیت انرژی، بر تحولات اخیر این کشور تأثیر گذاشته است. ترکیه برای نیل هدف تبدیل شدن به کانون مبادلات انرژی اروپا، به دولتی کاملاً هم‌سو در سوریه نیازمند است، دولت بشار اسد با لغو قرارداد احداث خط لوله عرب که قرار بود گاز قطر را از عربستان و سوریه به خاک ترکیه منتقل کند؛ و امضای قرارداد احداث خط لوله اسلامی با ایران در مرداد ۱۳۹۰ شمسی، نشان داد که نه تنها شریک مطمئنی برای آنکارا نیست بلکه تهدیدی بزرگ برای سیاست تبدیل کردن آنکارا به کانون انرژی منطقه است (موسوی شفائی و زمردی انباجی، ۱۳۹۶: ۱۵۱). در مقابل

تبیین فرصت‌های ژئواکونومیک‌ی ج.ا.ایران در فضای پساجنگ سوریه (افشین متقی و سعید رجبی) ۲۱۱

ایران برای یافتن مسیری قابل اعتماد در بین کشورهای هم‌پیمان، در صدد حفظ وضع موجود در سوریه و تداوم روی کار بودن دولتی متمایل به تهران برای پیشبرد سیاست‌های انرژی محور خود نیاز دارد تا بتواند بر انحصار ترانزیتی ترکیه فائق بیاید و مسیری ایمن از نظر سیاسی به بازارهای انرژی جهان بیابد.

خط لوله ایران-عراق-سوریه (IIS) که برخی منابع غربی آن را خط لوله گاز اسلامی می‌نامند، یک خط لوله گاز طبیعی پیشنهادی است که از میدان گازی میعانات گازی پارس جنوبی از طریق ایران، عراق، سوریه به اروپا منتقل می‌شود. طول خط لوله ۵۶۰۰ کیلومتر و ظرفیت حمل و نقل در روزانه ۱۱۰ میلیارد متر مکعب است. سوریه روزانه ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ میلیون متر مکعب گاز طبیعی خریداری می‌کند. بخشی از گاز طبیعی از طریق سیستم حمل و نقل گاز عربستان به لبنان و اردن منتقل می‌شود. ایران قصد دارد LNG را از طریق بندر مدیترانه سوریه به اروپا صادر کند. این خط لوله رقیب خط لوله ناباکو است که از جمهوری آذربایجان به اروپا ختم می‌شود. خط لوله گاز اسلامی همچنین جایگزینی برای خط لوله قطر - ترکیه است که توسط قطر پیشنهاد شده بود تا از قطر به اروپا از طریق عربستان سعودی، اردن، سوریه و ترکیه منتقل شود (Guo et al, 2019: 832). در این مورد، ایران همان پروژه را انجام می‌دهد تا به اتحادیه اروپا کمک کند تا به عنوان تأمین‌کننده گاز طبیعی خود کمتر به روسیه وابسته باشد (Ingpraja, 2020: 55).

مسیر سوریه یک پروژه سیاسی است که برای ایران به لحاظ حمایت از یک متحد استراتژیک در خاورمیانه اهمیت دارد. وضعیت مبهم کنونی سوریه و ناامنی در عراق، آینده این مسیر را مبهم می‌نماید، زیرا اگر وضعیت کنونی درگیری‌ها در عراق و سوریه تداوم یابد، امنیت که مهم‌ترین پیش‌شرط برنامه‌های توسعه‌ای است از بین می‌رود و حتی اگر مشکل ناامنی نیز حل شود، بازهم مشکلات عمده زیرساختی برای انتقال گاز ایران وجود دارد. با این حال در شرایط کنونی به عنوان یکی از اولویت‌های صادرات گاز طبیعی ایران جهت تأمین بخشی از نیاز وارداتی گاز طبیعی عراق (هرچند اندک) به‌شمار می‌رود (ناجی میدانی و رحیمی، ۱۳۹۴: ۲۱۱-۲۱۲).

کشورهای عراق و سوریه دارای ظرفیت مصرف کمی هستند و گاز ایران را برای تحقق اهداف ترانزیتی خود پیگیری می‌کنند. مسیر عراق-سوریه صرفاً از جهت متنوع سازی مسیرهای انتقال انرژی ایران به حوزه غربی اهمیت دارد و گرنه با بررسی مؤلفه های اولویت سنجی، نسبت به ترکیه به دلیل هزینه سرمایه گذاری بسیار بالا با توجه به عبور از بستر دریای مدیترانه و سپس دریای آدریاتیک جهت اتصال به بازار اروپا، مزیت اقتصادی و فنی کمتری دارد (ناجی میدانی و رحیمی، ۱۳۹۴: ۲۱۱).

هرچند بسیاری از تحلیلگران معتقدند که این طرح (خط لوله گاز اسلامی) با چالش‌های مختلف ژئوپلیتیکی که تحقق آن را در آینده کوتاه مدت و میان مدت غیرممکن می‌کند، مواجه است (al-Khatteeb, 2013: 15)؛ اما با وجود اینکه انتقال گاز به مدیترانه از طریق عراق و سوریه، موانعی و مشکلاتی پیش رو دارد از جهاتی برای ایران حائز اهمیت است. ایران ناچار به تنوع بخشی به بازارهای صادراتی خود و مسیرهای انتقال انرژی اش است. تکیه صرف بر مسیر ترکیه، ایران را گروگان آنکارا خواهد ساخت. با وجود تمامی موانع اقتصادی، امنیتی و فنی پیش روی پروژه پرشین پایپ، احداث خط لوله ای موازی با مسیر ترکیه، در راستای منافع ملی کشور ارزیابی می‌شود. زیرا جدا از تعمیق پیوند کشورهای ایران، عراق و سوریه، ایران را تبدیل به کنش گری مستقل در حوزه انرژی می‌کند که ضمن بی‌نیازی از ترکیه و همچنین مسیرهای پرریسک دریایی (تنگه هرمز، باب المندب، سوئز)، مستقیماً، به بازارهای اروپایی متصل می‌گردد. تأمین انرژی اروپا، بر وزن ژئوپلیتیکی ایران خواهد افزود و حتی ایران را در معادلات پیش رو با مسکو در وضعیت بهتری قرار خواهد داد. جدای از این به تقویت جایگاه ایران و تضعیف رقبای منطقه ای ایران همچون قطر و ترکیه می‌انجامد.

۲-۵. بهره برداری اقتصادی از کریدور زمینی مقاومت

اهمیت کریدور خلیج فارس - مدیترانه جنبه تاریخی دارد و در دورانی بخشی از مسیر تجارت ادویه شرق به غرب بوده است. در آن زمان کالاهای تجاری از مبدأ هند و چین به بندرهای خلیج فارس حمل می‌شد، سپس از مسیر زمینی تا بنادر سرزمین شام در دریای

تبیین فرصت‌های ژئواکونومیکی ج.ا.ایران در فضای پسا جنگ سوریه (افشین متقی و سعید رجبی) ۲۱۳

مدیترانه حمل می‌شد و از آنجا به مقصد اروپا بارگیری می‌شد. این مسیر کوتاه زمینی که به‌نوعی کل شبه‌جزیره عربستان را دور می‌زند. همواره اهمیت ارتباطی بالای خود را حفظ کرده است. بریتانیا نیز در دوران جنگ جهانی اول، بعد از اضمحلال امپراتوری عثمانی قصد بسط نفوذ یا سلطه بریتانیا بر نوار عریضی از دریای مدیترانه تا خلیج فارس را داشت. بریتانیا قصد داشت خط آهنی از بندری در ساحل مدیترانه تا بین‌النهرین بکشد که راه زمینی شرق را برایش فراهم می‌آورد (فرامکین، ۱۳۸۸: ۱۳۹). این مسیر چند ویژگی شاخص داشت که همچنان نیز پابرجا هستند، کوتاه‌ترین مسیر دسترسی کشورهای حوزه خلیج فارس به دریای مدیترانه و سپس بازار اروپاست. مسیرهای پرمخاطره دریایی همچون تنگه هرمز، باب‌المندب کانال سوئز را دور می‌زند و در نهایت می‌تواند در حکم بستری برای تعمیق همگرایی اقتصادی و سرانجام همگرایی سیاسی کشورهای منطقه خصوصاً ایران، عراق و سوریه ایفای نقش کند.

در سال ۲۰۱۸ ایران اعلام کرد که قصد دارد یک خط راه‌آهن متصل به خلیج فارس به دریای مدیترانه از بصره عراق و از طریق مرز در ابوکمال، سپس به سوریه به دیرالزور متصل کند. بر این اساس، اگر راه‌آهن بین سه کشور متصل شود، این یک گام مهم دیگر برای اتصال خطوط راه‌آهن چین به دریای مدیترانه از طریق ایران، عراق و سوریه خواهد بود (Castro Torres, 2021: 11). در پایان آن سال، سه کشور پیش از موافقت اولیه برای ساخت خط راه‌آهن و بزرگراهی از بصره تا بندر لاذقیه سوریه در سواحل مدیترانه را امضا کردند.

مرحله اول ساده‌ترین مرحله بود و هدف آن این بود که ایران را از طریق یک خط آهن ۳۲ کیلومتری بین شهرهای شلمچه و بصره به عراق متصل کند. در سال ۲۰۲۱، ساخت این خط راه‌آهن بین دو شهر آغاز می‌شود و عراق به سیستم راه‌آهن ایران متصل می‌شود (Castro Torres, 2021: 11). این مرحله اول با استقبال گسترده مقامات ایرانی روبه‌رو شد و حسن روحانی؛ رئیس‌جمهور وقت تأکید کرد که راه‌آهن تغییرات قابل توجهی را در منطقه ایجاد خواهد کرد. به دنبال اعلام گشایش کنسولگری ایران در حلب به وسیله محمدجواد

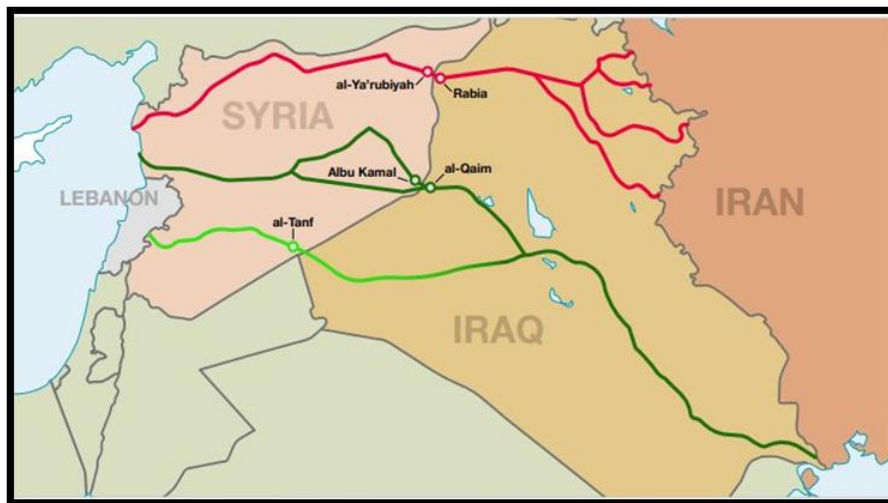
ظریف وزیر امور خارجه ایران، به نظر می‌رسد گام‌های بعدی به سمت دریای مدیترانه امکان‌پذیر است، زیرا ساخت آن‌ها در چارچوب تفاهم‌نامه‌ای است که اخیراً بین چین و ایران امضا شده است (Castro Torres, 2021: 11).

برنامه‌های بلندمدت ایران احتمالاً شامل ارتباط با مناطق مستعد برای گسترش دامنه نفوذش می‌شود، بنابراین به شبکه‌ای ارتباطی نیاز دارد که این مناطق را به هم متصل کند تا از طریق آن و با بهره‌گیری از ابزارهای دیپلماتیک، اطلاعاتی، نظامی و اقتصادی به‌عنوان بازیگری در درگیری‌های آتی نقش‌آفرینی کند. این امر مستلزم ایجاد یک پل زمینی است که می‌تواند قدرت آنچه را که ایرانیان آن را محور مقاومت می‌دانند افزایش دهد. شروع جنگ داخلی در سوریه، به ایران این فرصت و بهانه را داد تا وارد معادلات نظامی آن کشور شود. با حضور در سوریه، ایران می‌تواند کریدور زمینی ایجاد کند و از طریق آن به قدرت کنش‌گری‌اش در آن کشور بیفزاید (Uskowi, 2018: 1).

پس از تصرف شهر مرزی سوریه ابوکمال در نوامبر ۲۰۱۷، تهران کنترل یک مسیر مستقیم از ایران را از طریق استان‌های دیالی، صلاح‌الدین و انبار عراق در امتداد فرات تا قائم در مرز سوریه به دست آورد (Steinberg, 2021: 20). سوریه با موقعیت خاص ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک خود، به دلایلی گوناگون وزن بسیار زیادی به‌ویژه در آینده سیاست خارجی ایران خواهد داشت از جمله داشتن سواحل مدیترانه‌ای که از این طریق مسیر دستیابی ایران به بازارهای شمال آفریقا و اروپا را سهولت می‌بخشد و اینکه هزینه دستیابی ایران به آب‌های اقیانوس اطلس و آمریکای لاتین از طریق دریای مدیترانه را کاهش می‌دهد؛ اما برای اینکه بدانیم اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک این مسیر (موسوم به بزرگراه مقاومت) برای ایران چقدر زیاد است، کافی است نگاهی به نقشه جغرافیایی منطقه بیندازیم. ایجاد یک مسیر ترانزیتی از خاک ایران به مقصد بنادر لبنان و سوریه، بدان معناست اگر شرایط مناسب باشد، ایران می‌تواند کالاهای خود را با کمترین هزینه (و بدون عبور از تنگه «باب‌المنذب» و «کانال سوئز») به دریای مدیترانه برساند. ایران با این اقدام به‌نوعی خود را در مسیر پروژه یک کمربند یک راه چینی تعریف می‌کند و می‌تواند از

تبیین فرصت‌های ژئواکونومیکی ج.ا.ایران در فضای پساجنگ سوریه (افشین متقی و سعید رجبی) ۲۱۵

مزایای این پروژه بهره‌مند گردد. دور از واقعیت نخواهد بود که این پروژه را بتوان ابتکار یک کمربند یک راه ایرانی نام نهاد که سعی در تنوع‌بخشی به مسیرهای ارتباطی اش دارد.



نقشه ۲. مسیرهای ارتباطی زمینی ایران به مقصد بنادر شرق مدیترانه (Adesnik & Taleblu, 2019: 8)

هرچند ایران خودش کشوری در مسیر ارتباطی قدرت‌های بزرگ‌تر قرار دارد. یا این حال برای تکمیل این مزیت ارتباطی ایران نیاز به داشتن متحدانی منطقه‌ای همچون سوریه دارد که مزیت ارتباطی خود را تکمیل و عملیاتی نماید. از آنجاکه سیاست خارجی ژئواکونومی شامل استراتژی برای تسخیر سایر بازارهاست (Scekic et al, 2016: 70); بنابراین شاهد رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی برای تسخیر بازارها و یافتن بهترین مسیرهای ارتباطی هستیم. قدرت‌های نوظهور اقتصادی مانند چین، هند و روسیه ترجیح خواهند داد که کالاهای خود را از مسیر ایران انتقال دهند. هند برای صادرات کالاهای خود به منطقه مدیترانه می‌تواند از بندر چابهار و از مسیر ایران به بندر لاذقیه در سوریه استفاده کند.

چین نیز برای صادرات خود به منطقه مدیترانه و شمال آفریقا و توسعه طرح «یک کمربند، یک جاده» مسیر ایران را ترجیح خواهد داد. ترانزیت کالا از ایران می‌تواند هزینه حمل و نقل را برای کشورها کاهش و همچنین وزن ژئوپلیتیک ایران را افزایش دهد. مشارکت عراق و سوریه و تشکیل یک کنسرسیوم از این سه کشور برای ترانزیت کالا از

شرق به غرب آسیا و از آنجا به اروپا و آفریقا در واقع احیای جاده تاریخی ابریشم بوده و یک تحول بزرگ در تجارت بین‌الملل ایجاد خواهد کرد و منافع آن باعث افزایش امنیت منطقه خواهد شد. اگر موانع دولت عراق برطرف شود و امنیت سپس زیرساخت‌ها تأمین باشد قطعاً مسیر زمینی در عراق، ارزان‌ترین و کوتاه‌ترین راه میان ایران و سوریه است. تمایل ژئوپلیتیکی طبیعی ایران آن است که از عقبه کوهستانی خود به مناطق مسطح بین‌النهرین و شام گسترش یابد (Castro Torres, 2021: 16). کریدور زمینی تهران مدیترانه می‌تواند جدا از کارکرد نظامی و لجستیکی، کارکرد اقتصادی نیز پیدا کند. محور مقاومت باید به سمت همگرایی اقتصادی حرکت کند. پیوندهای اقتصادی می‌تواند نه تنها از تنش‌های منطقه‌ای بکاهد بلکه زمینه تعمیق پیوندهای کنش‌گران محور مقاومت را نیز فراهم کند. حرکت از ژئوپلیتیک به سمت ژئواکونومی توسط بازیگران محور مقاومت می‌تواند آن‌ها را بازیگری قدرتمندتر و منعطف‌تر بدل کند و بر وزن ژئوپلیتیکی آن‌ها را در معادلات آینده منطقه بیفزاید. برای نمونه هرچند سوریه بازار بزرگی نیست و حجم مراودات تجاری ایران و آن کشور پایین است اما اهمیت سوریه فقط به بازار داخلی آن محدود نیست و نباید به آن کشور فقط به چشم واردکننده نگاه کرد بلکه نکته مهم این است که هر کالا که در سوریه تولید نهایی شود قابلیت حضور در کشورهای اتحادیه عرب به‌ویژه جزیره العرب و شمال آفریقا، منطقه اوراسیا و نیز حوزه مدیترانه مانند یونان و... را دارد. همچنین حساسیتی که بر تجارت با ایران وجود دارد برای سوریه متصور نیست؛ بنابراین راهکاری برای عبور از تحریم‌های آمریکا محسوب می‌شود.

۳-۵. مشارکت در پروژه‌های عظیم بازسازی سوریه

درگیری‌های سوریه یکی از پیچیده‌ترین درگیری‌های اخیر تاریخ بشری است. عوامل مختلفی از قبیل تنوع قومی و مذهبی و پیچیدگی ساختار سیاسی و اجتماعی منجر به دشواری قابل توجهی در تحلیل این تعارض و همچنین عوامل خارجی و منطقه‌ای چندجانبه شد که به شدت بر بحران تأثیر گذاشتند (Mohammed et al, 2020: 520). این موضوع سبب تشدید و تداوم بحران برای قریب به یک دهه شده است. تداوم جنگ داخلی

تبیین فرصت‌های ژئواکونومیک‌ی ج.ا.ایران در فضای پسا جنگ سوریه (افشین متقی و سعید رجیبی) ۲۱۷

در سوریه خسارت سنگینی در همه زمینه‌ها بر جای گذاشت.

در بعد اقتصادی نابودی گسترده زیرساخت‌ها در این کشور را شاهد بودیم. برآوردهای متعددی از هزینه‌های بازسازی در سوریه ارائه شده است. به‌طور مثال بانک جهانی پیش‌بینی کرده است که حداقل ۲۲۶ میلیارد دلار لازم است تا سوریه به شرایط عادی بازگردد؛ اما عمده پیش‌بینی‌ها هزینه‌هایی بین ۲۰۰ تا ۳۵۰ میلیارد دلار را دربر می‌گیرد (Flanders & Delen, 2018: 3). در سوریه داده‌ها و اطلاعات موجود صرفاً بر مبنای درصد فیزیکی تخریب‌ها و تعداد افراد نیازمند کمک در بخش‌های مختلف ارائه شده و در مورد هزینه‌های مالی خسارت‌های ایجاد شده نیز صرفاً اطلاعات پراکنده‌ای وجود دارد. داده‌های گردآوری شده نیز تا حدود زیادی متکی بر گزارش‌های سازمان ملل، بانک جهانی، یونسف، نهادهای حقوق بشری، تحقیقات و پژوهش‌های نهادهای دولتی، تصاویر ماهواره‌ای و تحلیل رسانه‌های اجتماعی است (پژوهشکده مطالعات فناوری، ۱۳۹۸: ۶).

جدول ۱. خسارات جنگ داخلی سوریه در بخش‌های مختلف (پژوهشکده مطالعات فناوری ریاست

جمهوری، ۱۳۹۸: ۹)

حوزه	میزان خسارت (میلیون دلار)
مسکن	۱۵۴۰۰
سلامت	۵۳۰۰
آموزش	۱۰۰۰۰
میراث فرهنگی و گردشگری	۶۰۰
کشاورزی	۶۰۰۰
بازرگانی و صنعت	۶۰۰۰
نفت و گاز	۸۰۰۰
حمل و نقل	۱۹۹۴
جمع کل	۷۱۲۹۴

سوریه برای بازسازی نیاز به کمک دارد، اما بسیاری از کمک‌کنندگان سنتی بین‌المللی، با نظام سیاسی کنونی حاکم بر سوریه، هم‌سو نیستند. در مورد ایران، این کشور عدم علاقه بین‌المللی به اقتصاد سوریه را فرصتی برای ایجاد نفوذ پایدار در این کشور می‌داند

(Hatahet, 2019: 8). ایران به دلایل مختلف سیاسی و اقتصادی سعی در ورود به پروژه بازسازی سوریه دارد. از منظر سیاسی حضور در پروژه بازسازی سوریه بر وزن سیاسی تهران در معادلات آتی دمشق می‌افزاید و از نظر اقتصادی امتیازات زیادی متوجه طرف‌های ایرانی خواهد شد.

ایران می‌تواند از نفوذ سیاسی خود برای عقد قراردادهای گسترده با بخش دولتی سوریه استفاده کند، امکان صدور کالا و فناوری برای طرف‌های ایرانی فراهم می‌شود، تجارت خارجی ایران رونق پیدا می‌کند، همچنین می‌توان از بازار سوریه نیم‌نگاهی هم به بازارهای عربی_آفریقایی داشت. به احتمال زیاد ایران حوزه‌های اقتصادی مختلف خود را به مشارکت در بازسازی سوریه با شرایط تجاری تشویق می‌کند تا منابع دولتی بیشتری را برای بازسازی فراهم کند، بنابراین نفوذ خود را افزایش داده و به‌طور بالقوه برخی از سرمایه‌گذاری‌های خود را جبران می‌کند (CRU Policy Brief, 2019: 7).

تفاهم‌نامه‌هایی که تهران و مسکو با دمشق امضا کرده‌اند دو هدف اصلی دارد: هر دو دولت می‌خواهند هزینه‌های شرکت در جنگ را از طریق استخراج منابع و سهم شدن در پروژه‌های سرمایه‌گذاری سودآور جبران کنند. هر دو کشور به دنبال تأمین منافع استراتژیک بلندمدت خود با در اختیار گرفتن پایگاه‌های نظامی و کنترل بنادر، ارتباطات و بخش حمل و نقل آن کشور هستند. هر دو کشور تفاهم‌نامه سرمایه‌گذاری در سوریه امضا کرده‌اند. این دو بر بخش‌های نفت، گاز، مواد معدنی، برق، کشاورزی و گردشگری متمرکز هستند. در برخی موارد، ایران و روسیه بر سر امتیازهای سودآور، بیش از همه برای استخراج فسفات و در بخش نفت و گاز، با یکدیگر رقابت می‌کنند. تهران برای توسعه بندر لاذقیه، ساخت چندین نیروگاه و ایجاد سومین شبکه تلفن همراه با دمشق تفاهم‌نامه‌هایی امضا کرده است. ایران در تحقق پروژه‌های اقتصادی کندتر از روسیه عمل کرده است، اما همچنان به‌عنوان شریک تجاری اصلی و تأمین‌کننده فرآورده‌های نفتی تأثیرگذار است (Asseburg, 2020: 12). سرمایه‌گذاری در بخش انرژی سوریه، به سرمایه‌گذاران ایرانی و روسی اجازه می‌دهد که در ژئوپلیتیک خط لوله سهم باشند و در مسدود کردن یا شکل دادن به پروژه‌های

تبیین فرصت‌های ژئواکونومیک‌ی ج.ا.ایران در فضای پساجنگ سوریه (افشین متقی و سعید رجبی) ۲۱۹

آینده نقش‌آفرینی کنند (Hatahet, 2019: 12).

تهران و مسکو حمایت سیاسی مطلوبی برای مشارکت در پروژه بازسازی سوریه دارند اما روسیه و ایران منابع مالی را برای بازسازی سوریه در اختیار ندارند (مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۹۸: ۲). در این بین تنها گزینه کشورهای ثروتمند نوظهور، نظیر چین مطرح می‌شود. دلیل اصلی برای حضور چین در سوریه وجود دارد. اول، حضور شبه‌نظامیان اوغور و تهدید امنیتی آن‌ها در صورت بازگشت به استان سین کیانگ و دوم موقعیت ژئواستراتژیک سوریه در محل تلاقی مسیرهای ارتباطی غرب آسیا با آفریقا و اروپا (Hatahet, 2019: 9). دولت ایران می‌تواند با پیشنهاد تقویت کریدور خاورمیانه طرح کمربند و جاده به سمت اروپا، به دنبال جلب سرمایه‌گذاری بیشتر چین در ایران، عراق و سوریه باشد. در میان مدت، چنین رویکردی می‌تواند به ایران در مقابله با آثار منفی تحریم‌های ایالات متحده کمک کند، طرح کمربند راه چینی همچون شمشیری دولبه برای ایران عمل می‌کند، زیرا با وجود مزیت‌هایش، وابستگی اقتصادی ایران به چین را بیشتر می‌کند (CRU Policy Brief, 2019: 7).

هرچند برخی معتقدند که سوریه تحت رژیم اسد باید از تجربیات بازسازی ایران بعد از جنگ ۸ ساله و همچنین تجربه بازسازی عراق پس از جنگ خلیج فارس در ۱۹۹۰-۱۹۹۱ استفاده کند، زیرا هر دو کشور در مناطق خاصی از کشور ویرانی فاجعه‌باری تجربه کردند (Said & Yazigi, 2018: 8). با این حال، یک تفاوت مهم وجود دارد که باید در چنین مقایسه‌ای مورد توجه قرار گیرد: ایران و عراق همچنان کشورهای غنی از منابع باقی مانده بودند و توانایی تأمین هزینه بازسازی از محل درآمدهای نفتی را داشتند (Said & Yazigi, 2018: 9). از سوی دیگر، سرمایه‌گذاری در بازسازی سوریه بسیار خطرناک است، زیرا هنوز هیچ توافقنامه صلحی امضا نشده است و هیچ چشم‌انداز مشخصی از اجماع بین‌المللی درخصوص یافتن راه‌حلی سیاسی برای این بحران در دسترس نیست (Said & Yazigi, 2018: 9). از طرف دیگر، مداخله ایران در سوریه برای اقتصاد خود بسیار گران تمام شده است، به طوری که ایران تا اواسط سال ۲۰۱۸ حداقل ۳۰ میلیارد دلار برای کمک‌های نظامی

و اقتصادی از جمله تحویل نفت خام هزینه کرده است.

برای جبران این هزینه‌ها، تهران در طول جنگ از طریق برنامه‌های اعتباری و سرمایه‌گذاری موقعیت غالب را در روابط تجاری سوریه به دست آورد. در طول سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸، قراردادهای متعددی از سوی دولت مرکزی سوریه و سران استانداری‌ها و شهرداری‌ها برای بازسازی زیرساخت‌های برق در مناطق مختلف این کشور به شرکت‌های ایرانی تعلق گرفت (Daher, 2018: 20)؛ اما نشانه‌های واضحی وجود دارد که نشان می‌دهد روسیه و ایران برای اجرای پروژه‌های بازسازی وعده داده شده و تفاهم‌نامه‌هایی که با دولت سوریه منعقد کرده‌اند، تحت فشار قرار خواهند گرفت. مشارکت سایر بازیگران خارجی در بازسازی سوریه با مسائل وسیع‌تری مرتبط است - به ویژه رقابت ایالات متحده با ایران یا تحریم‌هایی که واشنگتن و بروکسل علیه سوریه اعمال کرده‌اند که احتمالاً بسیاری از شرکت‌های خارجی را خواهد ترساند (Daher, 2019: 2)؛ و بالطبع از برنامه بازسازی سوریه کناره‌گیری خواهند کرد.

۶. تجزیه و تحلیل

هیچ‌گاه نه در سیاست‌های اعلامی و نه در سیاست‌های اعمالی جمهوری اسلامی، اقتصاد به‌طور جدی مطرح نگردید و همیشه به‌عنوان متغیر درجه چندم دور نگاه داشته شد. تنها دلیلی که سبب شد رویکرد اقتصادی اندکی مورد توجه قرار بگیرد تحریم گسترده اقتصادی بود که ایران را به مرز ورشکستگی برد و سبب بازبینی در جایگاه و اهمیت اقتصاد در راهبردهای کلان کشور شد (حافظ‌نیا و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۵). غلبه چنین جهان‌بینی بر سیاست خارجی سبب می‌شود تا اختصاصات ژئواکونومیکی سوریه پدیدار شوند. سوریه در سیاست خارجی ایران همواره بازیگری ژئوپلیتیکی بوده است و نقش عقبه پشتیبان خط مقدم محور مقاومت را ایفا کرده است؛ اما جنگ داخلی در سوریه معادلات پیشین حاکم بر روابط قدرت‌های منطقه‌ای را به هم ریخت و سبب تشدید رقابت‌ها و هم‌آوردی‌های منطقه‌ای شد. ایران نیز با توجه به پیوندهای گسترده‌ای که با سوریه داشت وارد عرصه شد و سعی کرد از حفظ وضع موجود دفاع کند.

تبیین فرصت‌های ژئواکونومیکی ج.ا.ایران در فضای پساجنگ سوریه (افشین متقی و سعید رجبی) ۲۲۱

هرچند اهمیت سوریه برای ج.ا.ایران همواره در وهله نخست راهبردی و ایدئولوژیکی بوده است، اما بعد از تحریم‌های گسترده بین‌المللی که متوجه اقتصاد کشور و متحدان منطقه‌ای‌اش شد و با درس گرفتن از این تحولات، اقتصاد از اهمیت بیشتری در راهبردهای سیاست خارجی ایران نسبت به قبل برخوردار شد. در این راستا، متحدان منطقه‌ای تهران تنها بازیگران وفادار به تهران نیستند که همواره از سوی ایران پشتیبانی مالی شوند بلکه باید از پیوندهای راهبردی با آن‌ها سعی در کسب منافع اقتصادی و تقویت اقتصادی ایران به‌ویژه در شرایط تحریم نمود.

اهمیت سوریه پساجنگ از منظر ژئواکونومیکی تک‌بعدی و یک‌سویه نیست و ابعاد مختلفی را دربر می‌گیرد. سوریه مکمل جغرافیایی ایران برای رسیدن به بازارهای انرژی جهانی محسوب می‌شود. سوریه به‌عنوان مسیری برای ترانزیت انرژی به اروپا، می‌تواند ایران را وارد بازار انرژی جهانی کند. هرچند در حال حاضر حتی اگر ایران گاز صادراتی داشته باشد، مشارکت آن‌ها در هر خط لوله بین‌المللی به‌دلیل تحریم‌های شدید اقتصادی که توسط ایالات متحده و کشورهای اروپای غربی اعمال شده است تقریباً غیرممکن است (Ruchir Shah, 2009: 6)؛ اما پس از پایان یافتن دوران گذار کنونی و در یک شرایط پایدار که ایران از بند تحریم‌ها رها گشته باشد و امنیت در بین‌النهرین و شامات مستقر شده است. این مسیر از مطلوب‌ترین مسیرهای انتقال انرژی ایران به بازارهای اروپایی به‌شمار می‌آید. تحریم‌های گسترده بین‌المللی و مشکلاتی که پیش روی تهران جهت واردات و صادرات کالا پدیدار شد، تهران را مجاب ساخت که تلاش کند از مزیت کثرت همسایگان و همچنین اتکا به متحدان منطقه‌اش، راه برون‌رفتی از بحران‌های اقتصادی پیدا کند، در این راستا تهران سعی کرد مشکلات صدور کالا و ورود ارز به کشور را از طرق کشورهای واسطه‌ای حل کند و نفت خود را نیز با واسطه کشورهای دیگر صادر کند. عراق و افغانستان در این برنامه نقش محوری ایفا کردند و سبب شدند از شدت فشار تحریمی بر تهران کاسته شود؛ اما به پیروزی طالبان و به‌مخاطره‌افتادن بازار شرقی و با توجه به اینکه دورنمای مشخصی برای لغو تحریم‌های نمی‌توان متصور شد، ایران باید به دنبال جایگزینی مناسب

باشد. سوریه یکی از مطلوب‌ترین گزینه‌های پیش روی ایران به‌شمار می‌آید و می‌توان گفت شاید هیچ پروژه‌ای به‌اندازه‌ی ایجاد کریدورهای زمینی از خلیج فارس تا بندر لاذقیه سوریه نتواند این مشکل ایران را برطرف نماید. ایران به کمک خطوط ریلی و بزرگراهی که ایجاد خواهد کرد شبکه ارتباطی مطمئنی در دل متحدان منطقه‌ای‌اش ایجاد می‌کند که نه تنها پشتیبانش در شرایط مختلف خواهد بود بلکه خود را در دل پروژه‌های ارتباطی کلان همچون یک کمر بند یک راه چینی تعریف می‌کند و از این طریق می‌تواند بر توان بازیگری تهران در مقیاس منطقه‌ای و جهانی بیفزاید.

از سوی دیگر جنگ داخلی سوریه با وجود تمامی خسارت‌ها و آسیب‌هایی که به دنبال داشت فرصت بی‌نظیری برای کنش‌گری اقتصادی ایران در این کشور فراهم کرده است. ایران قادر است در فرادای جنگ حضور و مشارکت فعالی در پروژه بازسازی آن کشور ایفا کند. برخی از این کشورها مانند عراق و سوریه نیاز به سرمایه‌گذاری عظیمی در زیرساخت‌های خود پس از پایان جنگ دارند، وجود این تقاضا بازار بسیار مطلوبی برای صدور کالاها و خدمات فنی مهندسی شرکت‌های ایرانی خواهد بود. ایران می‌تواند دستاوردهای نظامی و سیاسی خود در سوریه را تبدیل به امتیازات اقتصادی کند. هرچند حضور ایران به در بازار پساجنگ سوریه، با حضور رقبای قدرتمندی همچون ترکیه، قطر، امارات متحده عربی و... که نه تنها توان اقتصادی بالایی دارند بلکه موانع و مشکلات تحریمی ایران را نیز ندارند، همراه خواهد بود؛ اما تهران می‌تواند بخشی از ضعف‌های اقتصادی خود را با نفوذ سیاسی که در هیئت حاکمه دمشق دارد بپوشاند. با وجود بسترهای جغرافیایی برای کنش‌گری اقتصادی ایران در سوریه، اما همچنان موانع اقتصادی و امنیتی پیش‌روی بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها وجود دارد.

۷. نتیجه‌گیری

ایران همواره کنش‌گری امنیت محور بوده است و اقتصاد همواره نقشی حاشیه‌ای در راهبردهای سیاست خارجی‌اش ایفا کرده است، اقتصاد تا جایی اهمیت پیدا می‌کرد که کشور بتواند هزینه‌های امنیتی خود و هم‌پیمانان منطقه‌ای‌اش را تأمین کند؛ اما تحریم‌های

تبیین فرصت‌های ژئواکونومیک‌ی ج.ا.ایران در فضای پسا جنگ سوریه (افشین متقی و سعید رجبی) ۲۲۳

گسترده بین‌المللی، لاجرم نگاه تهران به مسائل منطقه‌ای و جهانی تا حدودی دگرگون ساخت. همچنان که فروپاشی جنگ سرد و کنار رفتن رقابت‌های ایدئولوژیک شروع توجّه به الزامات ژئواکونومیک در سطح جهان بود، تحریم‌های اقتصادی این نقش را در سیاست خارجی ایران ایفا کرد. تهران متوجّه شد که امکان تأمین امنیت در طولانی مدت بدون وجود پیش‌نیازهای اقتصادی امکان‌پذیر نیست. توجّه به ژئواکونومی به نوعی رویکردی جبرگرایانه و تحمیلی بود که تهران را مجبور به در پیش گرفتن رویکردی اقتصادی برای افزایش قدرت ملی‌اش بود. به تعبیری دیگر کنش‌گری اقتصادی ایران در تلاش برای یافتن روزنه‌های برای فرار از تحریم‌ها خلاصه می‌شد. در این بین عراق و افغانستان نقش پررنگی ایفا کردند؛ اما سوریه نیز واجد پیش‌نیازهای ژئواکونومیک گسترده است که می‌تواند بخشی از نیازهای اقتصادی تهران را مرتفع نماید.

سوریه دارای ظرفیت‌های گسترده اقتصادی است که عملیاتی کردن آن‌ها می‌تواند مسیر اقتصادی تهران را تسهیل کند. جغرافیای سوریه بیش از هر فاکتور دیگری می‌تواند در صورت تأمین امنیتش دروازه‌های انرژی اروپا را بر روی ایران بگشاید. سواحل سوریه در دریای مدیترانه می‌تواند بهترین پایانه خروجی برای گاز صادراتی ایران به بازارهای اروپایی باشد. این مسیر جدا از کوتاهی از بین کشورهای محور مقاومت گذر می‌کند و در صورت تحقق یافتن به وابستگی متقابل این کشورها منجر می‌شود و موقعیت آن‌ها را به بهترین نحو تثبیت می‌کند. با این حال مانع اصلی در پیاده‌سازی این پروژه مسائل امنیتی دو کشور عراق و سوریه است که تا به امروز نیز همچنان پابرجا هستند. از آنجاکه از گذشته تا به امروز و حتی آینده قابل تصور، همواره حیات اقتصادی ایران به شیرهای نفت و گاز وابسته بوده است، لذا یافتن مسیرهایی مناسب برای اتصال به بازارهای انرژی جهان، همواره برای رشد و توسعه اقتصادی تهران حیاتی خواهد بود. تشدید تنش‌های اخیر ایران با صفحه ترکی، لزوم یافتن مسیر جایگزین انتقال انرژی را ناگزیر می‌سازد.

موضوعی که در سال‌های اخیر بیش از هر چیزی وزن ژئوپلیتیکی ایران و متحدانش را متأثر ساخته است نه مسائل نظامی و درگیری با ائتلاف‌های گسترده در مناطق مختلف بوده است بلکه مسائل اقتصادی و تحریم‌های گسترده بین‌المللی بوده است. تضعیف ایران

به‌عنوان هارتلند مقاومت، بی‌واسطه دیگر متحدانش را متأثر می‌سازد. البته ایران توانست با کمک برخی از شرکای منطقه‌ای‌اش بخشی از نیازهای خود را تأمین کند. با این حال تلاش برای گسترش این متحدان برای بحران‌های پیش رو اقدامی مهم و ضروری به‌شمار می‌آید. در این بین سوریه بهترین گزینه است با وجود کوچک‌بودن حجم اقتصاد این کشور، دسترسی به دریای مدیترانه و به‌تبع آن بازارهای اروپایی و آفریقایی، فاصله نزدیک تا مرزهای غربی ایران از مهم‌ترین امتیازات سوریه است. ایجاد کریدورهای زمینی اعم از جاده‌ای و ریلی، از ملزومات پیاده‌سازی این راهبرد خواهد بود. محور مقاومت باید از کریدوری راهبردی به کریدور اقتصادی بدل شود، آنگاه بر توان چانه‌زنی‌اش در معادلات منطقه‌ای افزوده خواهد شد.

امتیازات سوریه محدود به موارد نامبرده نیست بلکه نیاز این کشور به منابع مالی و فنی برای بازسازی حجم بالای خرابی‌های ناشی از جنگ داخلی، فرصت خوبی در اختیار تهران قرار می‌دهد که بتواند ثمرات اقتصادی مقاومت در سوریه را کسب نماید. ایران در غالب حوزه‌های آسیب‌دیده سوریه از تخصص و دانش و نیروی انسانی ماهر برخوردار است تا بتواند در بخشی‌های همچون نفت و معادن سوریه حضوری فعال داشته باشد. در این مورد ایران از امتیازات سیاسی گسترده‌ای در سوریه برخوردار است اما موانع دست و پاگیری پیش رو داد. به‌طور کلی دو مشکل اصلی در رویکرد ژئواکونومیکی ایران در قبال سوریه کنش‌گری ج.ا. ایران را محدود می‌کند در بحث ایجاد کریدورهای انرژی و ریلی با موضوع امنیت در کشورهای عراق و سوریه مواجه است و برای تبدیل محور مقاومت به قطبی اقتصادی و مشارکت فعال در بازسازی سوریه، با مشکلات اقتصادی ناشی از تحریم‌های بین‌المللی مواجه است که این موارد کنش‌گری تهران در سوریه را با وجود وجود بسترهای اقتصادی مناسب، محدود می‌کند.

References

- Adesnik, D. & Taleblu, B. B. (2019). Burning Bridge: The Iranian Land Corridor to the Mediterranean. Foundation for the Defense of Democracies.
- Afzali, R., Dastjerdi, K., Dashti Talesh, H., Mikael, M. H. (2016), investigation and analysis of the geopolitical consequences of the Syrian crisis on the national security of the Islamic Republic of Iran, *Geography*, 14 (50) (in Persian).

تبیین فرصت‌های ژئواکونومیکی ج.ا.ایران در فضای پساجنگ سوریه (افشین متقی و سعید رجیبی) ۲۲۵

- Al-Khatteeb, L. J. (2013). *The Geopolitics of Natural Gas; Natural gas in the Republic of Iraq*, Harvard University's Belfer Center and Rice University's Baker Institute Center for Energy Studies.
- Asimli, V. (2015). *Geo-economics*. Center for Strategic Studies under the President of the Republic of Azerbaijan.
- Asseburg, M. (2020). *Reconstruction in Syria: challenges and policy options for the EU and its member states*.
- Bazargan, A. & Pourahmadi Meibodi, H. (2017), *Political and security dimensions of supporting Syria in the foreign policy of the Islamic Republic of Iran (2011-2017)*, *International Policy Approaches*, 9 (3) (In Persian).
- Blackwill, R. D., Harris, J. & Harris, J. M. (2016). *War by other means*. Harvard University Press.
- CASTRO TORRES, José Ignacio. (2021), *The importance of land corridors (II): Iran's race to the Mediterranean Sea*. IEEE Analysis Paper 26/2021.
- CRU Policy Brief, (2019), *The geopolitics of Syria's reconstruction: a case of matryoshka*, Netherlands Institute of International Relations.
- Daher, J. (2018). *The political economic context of Syria's reconstruction: a prospective in light of a legacy of unequal development*.
- Daher, J. (2019). *The Paradox of Syria's Reconstruction*. Carnegie Middle East Center.
- Ezzati, Ezzatullah, Veysi, H. (2016), *Geopolitics and Geoeconomics Analysis of Iran-India Gas Pipeline*, *Geopolitics*, 2 (1) (In Persian).
- Frankin, D. (2009), *the peace that ruined all peaces*, translated by Hassan Afshar, Tehran, Mahi Publishing House (In Persian).
- Ghassabzadeh, M. Akhbari, M. & Hassanabadi, D. (2018), *Geoeconomic analysis of the Islamic Republic of Iran in the new equations of the Southwest Asia region, new attitudes in human geography*, 12 (1) (in Persian)
- Gol Afrooz, M. (2014), *The role of geopolitics of energy in the national security of the Islamic Republic of Iran*, *World Politics*, Volume 4, No 3 (In Persian).
- Guo, F. F., Huang, C. F., & Wu, X. L. (2019). *Strategic analysis on the construction of new energy corridor China-Pakistan-Iran-Turkey*. *Energy Reports*, 5, 828-841.
- Hafeznia, M., Ahmadipour, Z., Boyeh, Ch. (2013), *Explanation of the factors influencing the formation of geopolitical territories of the Islamic Republic of Iran*, *Iranian Journal of International Politics*, (1) (In Persian).
- Hatahet, S. (2019). *Russia and Iran: Economic Influence in Syria* (p. 3). Royal Institute of International Affairs. <http://www.iiss.org/en/events/geoeconomics%20seminars/geoeconomics%20seminars/archive/2012-4152/a-new-era-of-geo-economics>
<https://www.scfr.ir/fa/200/123731/%D8>
- Imady, O., Itani, F., van Veen, E. & Almanasfi, N. (2019). *Against All Odds: Intricate Dynamics of Syria's Reconstruction*. Centre for Syrian Studies (CSS) University of St Andrews.
- Ingrajia, A. P. (2020). *Political Implications of Turkey-Qatar Gas Pipeline Construction on European Union Energy Security*. *Journal of International Studies on Energy Affairs*, 1 (1), 43-61.
- Itani, F. (2019). *Geo-economics*. *Syria Studies*, 11 (1), 23-31.
- Jaeger, B. C., & Brites, P. V. P. (2020). *Geoeconomics in the light of International Political Economy: a theoretical discussion*. *Brazilian Journal of Political Economy*, 40, 22-36.
- Kemp, J. & Harkavy, R. (2013), *Strategic Geography of the Middle East*, translated by Seyyed

- Mahdi Hosseini Matin, Tehran: Research Center for Management Studies (In Persian).
- Lin, C. (2015). Syrian Buffer Zone–Turkey-Qatar Pipeline. ISPSW Strategy Series: Focus on Defense and International Security, Issue, (367), 1-5.
- Mercille, J (2008), The radical Geopolitics of US foreign policy, Geopolitical and Geoeconomics logics of power political Geography, no27(www.jstore.org/stable/19452).
- Mohammed, S. A., Alkerdi, A., Nagy, J. & Harsányi, E. (2020). Syrian crisis repercussions on the agricultural sector: Case study of wheat, cotton and olives. *Regional Science Policy & Practice*, 12 (3), 519-537.
- Moisio, S. (2019). Re-thinking geoeconomics: Towards a political geography of economic geographies. *Geography Compass*, 13 (10), e12466.
- Mojtahedzadeh, P. (2002), Iranian ideas and geopolitical transformations, Tehran, Ney Publishing (In Persian).
- Mokhtari Hashi, H. (2017), explanation of the concept of geoeconomics (geopolitical economy) and recommendations for Iran, *Geopolitics*, 14 (2) (In Persian).
- Moradi, A. & Shahram Nia, A. M. (2014), Syrian Crisis and Regional Security of the Islamic Republic of Iran, *Strategic Political Research*, 4 (15) (In Persian).
- Mousavi Shafai, S. M. & Zamordi Anbaji, Z. (2016), Gas geopolitics and Turkey's intervention in Syria, *Strategic Policy Research*, 6 (22) (In Persian).
- Naji Maidani, Ali Akbar, Rahimi, Gholam Ali (2014), Determining the priority of Iran's natural gas export markets, *Energy Economics Studies*, 11 (46) (In Persian).
- Nerguizian, A. (2012) "U.S and Iranian Strategic Competition", CSIS.
- Nosrati, H. & Moniri, K. (2013), Diplomacy and Energy Security, first edition, Tehran, Entekhab (In Persian).
- Pacion, M. (1985), progress in political Geography. Australia, Croon Helm.
- Pascal, L. & Toal, F. (2002), Geopolitical Keys; Translation: Hassan Sadouq Vanini, Tehran, Shahid Beheshti University (In Persian).
- Pour Ahmadi, H. & Hosseini Karani, S. R. (2008), Geopolitics of the Persian Gulf oil countries and the challenges of economic globalization (Iran, Saudi Arabia, Kuwait, United Arab Emirates, Qatar and Iran) *Geopolitics Quarterly*, 5 (1) (In Persian).
- Presidential Institute of Technology Studies (2018), examining the model of Iran's participation in the reconstruction of the countries affected by the war in Iraq, Syria and Yemen. (in Persian)
- Presidential Strategic Studies Center, (2019), the report of the Syrian research group in the hearing of the US House of Representatives Foreign Affairs Committee (October 16, 2019) (In Persian).
- Pu, X. (2016). One belt, one road: visions and challenges of China's geoeconomic strategy. *Mainland China Studies*, 59 (3), 111-132.
- Ronald C. (2004) trade and diplomacy: the belgium caase, international studies perspective, vol. 5, no.1.
- Ruchir Shah, Intern, Rice University and Ifri Energy program, (2009), The Geopolitics of Water and Oil in Turkey.
- Said, S. & Yazigi, J. (2018). The Reconstruction of Syria: Socially Just Re-integration and Peace Building Or Regime Re-consolidation?. Friedrich-Ebert-Stiftung, Department for Middle East and North Africa.
- Scekic, R., Draskovic, M. & Delibasic, M. (2016). Neoliberalism in geoeconomics: the case of Southeast Europe. *Journal of International Studies*, 9(1).

تبیین فرصت‌های ژئواکونومیکی ج.ا.ایران در فضای پساجنگ سوریه (افشین متقی و سعید رجیبی) ۲۲۷

Steinberg, G. (2021), The “Axis of Resistance Iran’s Expansion in the Middle East Is Hitting a Wall, SWP Research Paper”.

Sutherlin, J. W. (2013). “The Syria Dilemma: a U.S. Led Invasion or a U.N. Sponsored Resolution”. *Journal of International Humanities and Social Science*, (13), 1-10.

Taylor, P. (1994), *political geography*, England, scientific & technical.

Uskowi, N. (2018). *The Evolving Iranian Strategy in Syria: A Looming Conflict with Israel*. Atlantic Council.

تأثیر ایده خوداتکایی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

محمد رضا دهشیری*

زهرا امامی**، میلاد الهی نیا***

چکیده

امروزه خوداتکایی از مسائل مهم مورد تأکید در راهبردهای جمهوری اسلامی ایران است. عوامل متعددی موجب توجه و تأکید جمهوری اسلامی ایران بر خوداتکایی شده که جنگ تحمیلی و تحریم‌های بین‌المللی از آن جمله است. با این حال باید دید کاربرد این راهبرد چه تأثیری بر امنیت ملی خواهد داشت، زیرا از دیرباز، همواره مسئله امنیت ملی مهم‌ترین دغدغه دولت‌های گذشته و حال بوده و تحت تأثیر عوامل مختلفی بسط و قبض یافته است. از این رو سؤال پژوهش حاضر این است که ایده خوداتکایی چه تأثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارد؟ فرضیه نیز این است که عوامل زمینه‌ای خوداتکایی نظیر انسجام ملی، موقعیت عمده ژئوپلیتیک کشور، پیشینه تاریخی - تمدنی، اراده استقلال‌طلبی سیاسی، اعتماد متقابل مردم و حاکمان و ارتباط مؤثر و سازنده با بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی بر تحقق ایده خوداتکایی و به تبع تقویت امنیت ملی تأثیرگذار است. روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی و از روش پیمایشی بهره گرفته شده است. جامعه آماری از بین‌دانشگانی و پژوهشگران انتخاب و داده‌های جمع‌آوری شده با نرم‌افزار SPSS1 تجزیه و تحلیل شده‌اند و در نهایت داده‌های به دست آمده با روش توصیفی - تحلیلی و با عنایت به مکتب نظری کپنهاگ واکاوی شده است. یافته‌های پژوهش وجود رابطه‌ای معنادار بین متغیرهای زمینه‌ای و امنیت ملی را نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: خوداتکایی، امنیت، امنیت ملی، مکتب کپنهاگ.

نوع مقاله: پژوهشی.

* استاد روابط بین‌الملل، دانشکده روابط بین‌الملل، وزارت خارجه، تهران، ایران.
** کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، دانشگاه مفید، قم، ایران. (نویسنده مسئول)،
z.emami1393@yahoo.com
*** کارشناسی ارشد مطالعات خاورمیانه، دانشگاه مفید، قم، ایران.

مقدمه

شاید صحبت از خوداتکایی در عصر جهانی شدن و ارتباطات پیچیده و روزافزون کشورها تا حدی غیر واقع‌بینانه است، اما باید گفت هنوز بسیاری از دولت‌ها تمایل دارند به منابع، امکانات و توانمندی‌های داخلی خود متکی باشند. خوداتکایی ایده‌ای است که اغلب توسط کشورهای در حال توسعه مطرح می‌شود. جمهوری اسلامی ایران نیز از جمله کشورهایی است که سعی دارد در نظر و عمل به توانمندی‌ها و ظرفیت‌های خود متکی باشد. البته در این میان، تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران نیز نقش تأثیرگذاری بر پیش‌برد ایده خوداتکایی در تصمیم‌گیری‌های داخلی و حوزه سیاست خارجی داشته است. خوداتکایی جنبه‌های مختلفی دارد که مهم‌ترین جنبه‌های آن، اقتصادی و امنیتی است. به‌طور کلی، خوداتکایی به معنای تکیه نکردن بر امکانات سایر کشورها (اقتصادی و نظامی) برای بقای حیات ملی تلقی می‌شود که به‌غیر از جنبه مادی، شامل جنبه غیرمادی قدرت همچون فرهنگ نیز است. وضعیت موجود کشور نشان می‌دهد نخبگان جمهوری اسلامی ایران، کشور را به‌عنوان یک قدرت برتر طبیعی و لازم در خاورمیانه و حتی جهان اسلام می‌شناسند. این برداشت ایرانیان از مرکزیت منحصر به فرد ایران است که به تقویت حس قوی هویت ایرانی و آگاهی از نقش خود به‌عنوان یکی از قدرت‌های تاریخی منطقه کمک کرده است. حس غرور و اهمیت ایران، تحت تأثیر احساس قربانی‌بودن، ناامنی و حقارت ناشی از استثمار و سوءاستفاده تاریخی قدرت‌های خارجی از ایران قرار دارد. در واقع پندار خوداتکایی ایرانیان از تاریخ طولانی پیروزی‌ها و شکست‌های بی‌شمار برگرفته شده و تصور عمومی بر این است که ایران، روزگاری قدرت بزرگی بوده، اما پس از تضعیف از سوی غرب و به‌ویژه ایالات متحده تحقیر شده است. پیروزی انقلاب اسلامی، به تقویت حس استثنانگرایی ایران کمک کرد و ترکیبی از ایدئولوژی مذهبی و ملی‌گرایی قوی به وجود آورد.

جمهوری اسلامی ایران توانایی دارد تا فراتر از محدوده انقلاب، به‌عنوان ملتی که دنبال منافع غیر ایدئولوژیک خود است، فعالیت کند. با وجود این، نگرش‌ها و رفتارهای همچنان متأثر از تجربه تاریخی و هویتی‌اش به‌عنوان کشوری انقلابی و خواهان تغییر وضع موجود است (بهرامی مقدم و حیدری، ۱۳۹۹: ۱۳۸). از سوی دیگر باید به یکی از مهم‌ترین

تأثیر ایده خوداتکایی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (محمد رضا دهشیری، زهرا امامی و میلاد الهی‌نیا) ۲۳۱

موضوعات اساسی هر کشور، یعنی امنیت نیز توجه داشت. به عبارت دیگر باید مدنظر داشت آیا خوداتکایی با امنیت کشور رابطه دارد و آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد یا خیر؟ این مسئله‌ای است که در این پژوهش درصدد هستیم آن را بررسی کنیم.

درواقع، امنیت مهم‌ترین مسئله‌ای است که هر کشوری توجه خاصی به آن دارد. جمهوری اسلامی ایران نیز یکی از مهم‌ترین مسائل خود را در حوزه داخلی و در عرصه بین‌المللی، تأمین امنیت ملی می‌داند. با این حال باید دید چه رابطه‌ای بین خوداتکایی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران وجود دارد؟ آیا خوداتکایی باعث تهدید امنیت ملی می‌شود یا اینکه خوداتکایی به‌طور متقابل ضریب امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را افزایش می‌دهد؟ با عنایت به این مسائل، مقاله حاضر در تلاش است تا با تأسی از مفهوم امنیت و خوداتکایی مدلی برای تبیین مقوله امنیت ملی ایران طراحی کند و در چارچوب آن و با استفاده از روش پیمایشی و توصیفی - تحلیلی و توزیع پرسش‌نامه به این پرسش پاسخ دهد که ایده خوداتکایی چه تأثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارد؟

فرضیه پژوهش این است که عوامل زمینه‌ای نظیر انسجام ملی، موقعیت عمده ژئوپلیتیک کشور، پیشینه تاریخی - تمدنی، اراده استقلال‌طلبی سیاسی، اعتماد متقابل مردم و حاکمان و ارتباط مؤثر و سازنده با بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی بر تحقق ایده خوداتکایی و به تبع آن تقویت امنیت ملی تأثیرگذار است. در این راستا، تلاش شده است تا با درک موقعیت ژئوپلیتیکی و ساختار نظام سیاسی و اجتماعی ایران و توجه به وجود تنوع قومیتی، میزان مداخله کشور هم‌مرز، سیاست کشورهای مخالف، تأثیر نگاه ایدئولوژیکی، وجود انواع تحریم‌های اقتصادی، حضور قدرت‌های بزرگ در منطقه خاورمیانه و همچنین تأثیر عوامل داخلی چون میزان اعتقاد افراد به نظام سیاسی و ارتباط مسئولان با مردم و وحدت ملی مورد بررسی قرار گیرند.

۱. پیشینه پژوهش

امنیت ملی از جمله موضوعات مهمی است که بسیاری از پژوهشگران داخلی و خارجی به آن پرداخته‌اند، اما رابطه بین خوداتکایی و امنیت ملی کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است.

با این حال معبود آثاری در خصوص خوداتکایی و امنیت ملی ایران صورت گرفته که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

بهرامی مقدم و حیدری (۱۳۹۹)، در مقاله‌ای با عنوان «خوداتکایی: مفهوم و الگوی امنیتی جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی»، به دنبال پاسخ این سؤال‌اند که مهم‌ترین رویکرد امنیتی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی چه بوده است؟ نویسندگان با استفاده از روش کیفی و در چارچوب نظریه واقع‌گرایی تدافعی، نشان می‌دهند رویکرد امنیتی خوداتکایی جمهوری اسلامی ایران و عدم ائتلاف و اتحاد با سایر بازیگران، از یک سو توان بازدارندگی کشور را تقویت کرده و از سوی دیگر باعث سوءبرداشت‌های دولت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از اهداف و مقاصد این خوداتکایی امنیتی شده است.

روشنی و پورحسن (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای با عنوان «جایگاه سیاست خودکفایی تسلیحاتی در راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران»، به مبحث خوداتکایی ایران در حوزه نظامی پرداخته‌اند. نویسندگان در این نوشتار بیان می‌کنند تجربیات موجود در جنگ تحمیلی و تحریم‌های اعمالی بر صنایع نظامی و دفاعی جمهوری اسلامی، تلاش برای خودکفایی در تولید تسلیحات نظامی در دکترین دفاعی جمهوری اسلامی ایران جایگاه قابل توجهی یافته است. نویسندگان، از منظر جایگاه تسلیحات در دین اسلام به موضوع مقاله پرداخته‌اند و بر مبنای آیات و احادیث متعدد معتقدند خودکفایی نظامی در حکومت اسلامی امری ضروری است. جمهوری اسلامی نیز به عنوان یک نظام اسلامی باید این راهبرد را اتخاذ کند و در حوزه تسلیحات کاملاً خودکفا باشد (روشنی و پورحسن، ۱۳۹۷).

شیراوند و همکاران (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر راهبرد اقتصاد مقاومتی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، تأثیر تکیه بر تولید داخلی و اقتصاد داخلی را بر امنیت ملی مورد بررسی قرار داده‌اند. نویسندگان از جمله تأثیرات خوداتکایی اقتصادی بر امنیت ملی را افزایش توان نظامی می‌دانند. به عقیده آنان اقتصاد مقاومتی باعث ایجاد توان اقتصادی در داخل کشور می‌شود و این مسئله هم در تقلیل تهدیدات خارجی و هم ترمیم آسیب‌پذیری‌های داخلی و ارتقا ضریب امنیت ایجابی کشور نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. توان

تأثیر ایده خوداتکایی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (محمد رضا دهشیری، زهرا امامی و میلاد الهی‌نیا) ۲۳۳

اقتصادی نه تنها در حفظ استقلال و حاکمیت ملی نقش اساسی را بازی می‌کند، بلکه برای پیش‌برد اهداف سیاست خارجی به‌ویژه برای کشورهای دارای اهداف وسیع سیاسی و ایدئولوژیک مهم‌ترین عامل محسوب می‌شود، زیرا قدرت اقتصادی با تولید ثروت، منابع لازم را برای افزایش و حفظ قدرت نظامی ایجاد می‌کند (شیراوند و همکاران، ۱۳۹۸).

افزون بر آثار پیش‌گفته، آثار دیگری نیز وجود دارند که می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

جدول ۱. مطالعات پیشین در حوزه خوداتکایی و امنیت ملی ایران (طراحی شده توسط نویسندگان)

نام نویسنده	سال انتشار	عنوان اثر	محل انتشار
نادری و اقبالی	۱۳۹۴	بررسی رابطه امنیت ملی و اقتصاد مقاومتی	همایش ملی اقتصاد مقاومتی دانشگاه رازی
ساعدی و رستمی	۱۳۹۶	بررسی نقش اقتصاد مقاومتی در افزایش امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران	دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در حسابداری و علوم اقتصادی
موسوی زنوز	۱۳۹۳	رابطه امنیت ملی و تجارت بین‌الملل مطالعه موردی، امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تجارت بین‌الملل	مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی

با اینکه آثار یادشده به مطالعه و بررسی خوداتکایی جمهوری اسلامی ایران و رابطه آن با امنیت ملی پرداخته‌اند، اما این مطالعات تنها توصیفی و بر روش‌های کیفی مبتنی است. میزان سنجش و اندازه‌گیری در این آثار کم و نتایج آن تنها مبتنی بر توصیف رویدادهاست. از این نظر، پژوهش پیش‌رو که براساس روش کمی و آماری بوده و داده‌های آن با بهره‌گیری از نظریات نخبگان گردآوری شده است، ارزش علمی بیشتری دارد و نتایج واقعی‌تری ارائه می‌دهد.

۲. چارچوب نظری: مکتب کپنهاگ

از مهم‌ترین مکاتبی که به موضوع امنیت ملی پرداخته است، مکتب کپنهاگ است. «باری بوزان» (Barry Gordon Buzan) و «ال. ویور» (L. Weaver) اصلی‌ترین نظریه‌پردازان این مکتب نظری‌اند. پس از دهه ۱۹۸۰ و ناتوانی مکاتب رئالیسم و ایدئالیسم در پیش‌بینی جنگ سرد، بوزان و ویور تعریف جدیدی از امنیت ارائه کردند که با عنوان مکتب کپنهاگ شناخته

می‌شود. این مکتب تنها رهیافتی است که به مطالعات امنیتی می‌پردازد و امنیت را از حالت استراتژیکی دوران جنگ سرد خارج کرده و آن را زیرمجموعه روابط بین‌الملل قرار داده است. از جمله آثار در این حوزه می‌توان به کتاب کتب ۱. مردم، دولت‌ها و هراس؛ ۲. امنیت چارچوبی جدید برای تحلیل و ۳. امنیتی‌ساختن و ناامنی اشاره کرد. بوزان و ویور دو شخصیت مهم در این مکتب‌اند که در چارچوب رهیافت واقع‌گرایی قرار دارند. بوزان یک واقع‌گرا و ویور یک واقع‌گرای ساختاری است که این امر باعث تأثیر اندیشه‌های واقع‌گرایی و واقع‌گرایی ساختاری در مطالعات امنیتی کپنهاگ شده است (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۹: ۱۲۰-۱۱۹).

مکتب کپنهاگ تعریف موسعی از امنیت ارائه می‌کند، به‌ویژه امنیت اقتصادی و امنیت زیست‌محیطی را مورد تأمل قرار می‌دهد و تنها به امنیت نظامی توجه نمی‌کند. به عبارت دیگر، امنیت ابعاد گوناگونی دارد که باید همه این ابعاد بررسی شوند (بوزان، ۱۳۷۹: ۱۱). از منظر مکتب کپنهاگ، وجوه امنیت در ۵ بعد امنیت نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی بررسی می‌شود.

امنیت ملی، از مهم‌ترین مباحثی است که در مکتب کپنهاگ مطرح شده است. بوزان و دیگر اندیشمندان این مکتب، امنیت ملی را مرکز ثقل امنیت می‌دانند. بوزان بین امنیت ملی و امنیت حکومت تفکیک قائل می‌شود. به عقیده او امنیت ملی خاص جوامع غربی است درحالی که امنیت حکومت برای جهان سوم به کار می‌رود و این به دلیل ماهیت حکومت و ماهیت محیط در جوامع جهان سوم است (آزر و چونگ، ۱۳۸۸: ۴۸).

به‌باور بوزان تفکیک دولت‌هایی که مسائل مهم امنیتی آن‌ها جنبه داخلی دارد از دولت‌هایی که مسائل مهم امنیتی آن‌ها مربوط به خارج است برای درک امنیت ملی اهمیت دارد. هرچه دولت ضعیف‌تر باشد مفهوم امنیت ملی آن مبهم‌تر است. امنیت ملی اغلب به رابطه دولت با محیط خود برمی‌گردد. مفهوم امنیت ملی به جنبه خارجی وظایف امنیتی دولت اطلاق می‌شود. در اینجا بوزان بین دولت ضعیف (Powerless State) و دولت قوی (Powerful State) تفکیک قائل است و معتقد است امنیت در دولت ضعیف جنبه داخلی دارد، اما برای دولت قوی مفهوم امنیت ملی با حفظ استقلال، هویت سیاسی و بقا در مقابل

تأثیر ایده خوداتکایی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (محمدرضا دهشیری، زهرا امامی و میلاد الهی‌نیا) ۲۳۵

تهدیدات خارجی مرتبط است (بوزان، ۱۳۸۹: ۱۲۷-۱۲۰).

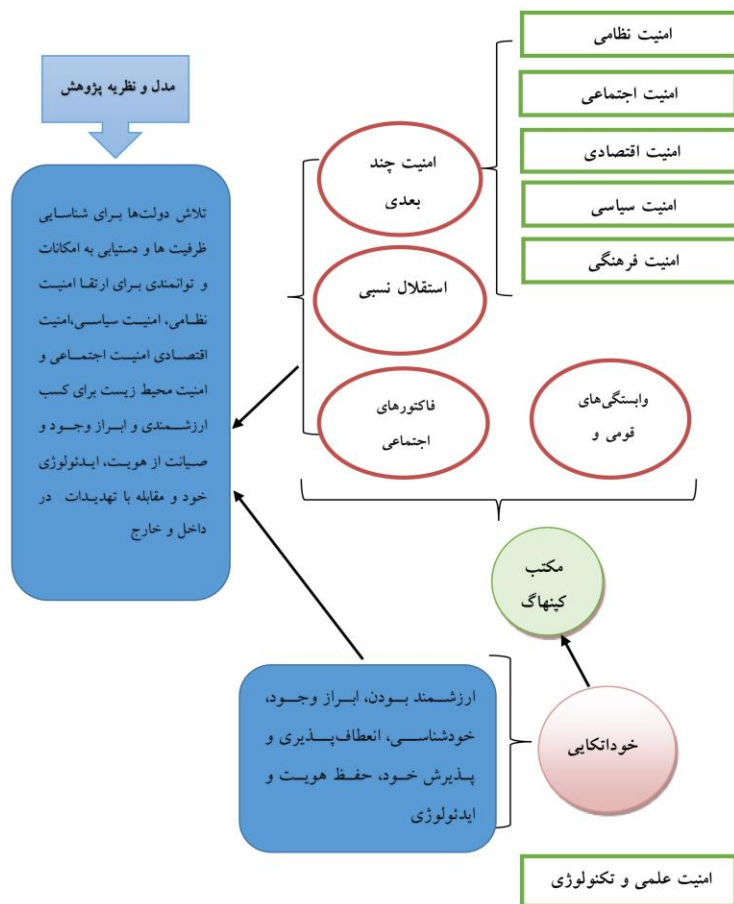
مکتب کپنهاگ فاکتورهای اجتماعی را در امنیت ملی حائز اهمیت می‌داند. این امر موضوع امنیت ملی را به هویت ملی ربط می‌دهد و باعث می‌شود هویت ملی به‌عنوان یک جز ترکیب‌کننده امنیت ملی به‌حساب آید؛ بنابراین اگر به‌طور سنتی نظریه امنیت ملی به حوزه نظامی وابسته بود، امروزه این امنیت ملت‌هاست که به‌عنوان مهم‌ترین به‌وجود آورندگان مفهوم هویت (Identity)، امنیت ملی را تعیین می‌کنند (چنا، ۲۰۰۸: ۴).

یکی دیگر از مؤلفه‌های اصلی مکتب کپنهاگ، استقلال نسبی است. براساس این معیار، مجموعه امنیتی جایی وجود دارد که روابط امنیتی، گروهی از کشورها را از دیگران جدا کرده و به یکدیگر پیوند زده است و بر کنش و واکنش‌های درونی شدید امنیتی و محدود و ضعیف خارجی حاکم باشد. اساساً یک مجموعه سطح پایین (برخلاف مجموعه سطح بالای مربوط به قدرت‌های بزرگ) متشکل از دولت‌های محلی است که قدرتشان چندان گسترده نیست و حتی در صورت گسترده بودن از دامنه کشورهای هم‌جوار فراتر نمی‌رود. محدودیت قدرت، عامل مهمی در موجودیت روش‌های خودبسنده امنیتی محلی بین دول همسایه و در نهایت استقلال نسبی یک مجموعه است (بوزان، ۱۹۹۱: ۱۹۵).

از دیگر موضوعاتی که مکتب کپنهاگ در یک مجموعه امنیتی مورد توجه قرار داده است، وابستگی‌های قومی و نژادی است. بوزان در مبحثی از امنیت منطقه‌ای، همبستگی‌های فرهنگی و نژادی را عاملی مهم می‌داند. این امر می‌تواند ایده امنیت ملی را سست و زمینه را برای مداخله کشورها در امور یکدیگر تسهیل کند. بوزان همبستگی‌های فرهنگی و نژادی را عامل مهمی در تشخیص مجموعه‌های امنیتی می‌داند. به عقیده او ویژگی‌های مشترک فرهنگی و قومی بین گروهی از دولت‌ها ممکن است باوجودی که آن‌ها توجه بیشتری به یکدیگر نشان دهند اما مداخلات متقابل در امور امنیتی یکدیگر را مشروع نمی‌دانند (همان، ۱۳۸۹: ۲۲۲).

به‌طور کلی مکتب کپنهاگ تلاش کرده است تا به «گسترش» و «تعمیق» تعریف امنیت از طریق بیان این موضوع بپردازد که تهدیدات غیر نظامی امنیت، ثبات و بقای کشورها و همچنین زندگی افراد را تضعیف می‌کند. به‌عبارت‌دیگر، مطرح کردن بحث امنیت

چندبعدی، امنیت بین‌الذهانی و امنیتی‌سازی، بیانگر این مطلب است که امنیت ملی جوامع تحت تأثیر عوامل مختلفی است که منشأ تهدید آن نه تنها عوامل نظامی بلکه می‌تواند عواملی دیگری باشد. از این نظر، تصمیمات و رویکردهای یک کشور در حوزه‌های مختلف می‌تواند ابعاد پنج‌گانه امنیت ملی را تحت تأثیر قرار دهد. خوداتکایی یکی از این رویکردها و استراتژی‌هایی است که در حوزه‌های مختلف، امنیت ملی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، در چارچوب مکتب کینهاگ با عنایت به مفاهیم امنیت چندبعدی و دیگر مؤلفه‌ها، می‌توان تأثیر خوداتکایی بر امنیت ملی ایران را تشریح کرد و نشان داد خوداتکایی با این سازوکارها چگونه بر امنیت ملی تأثیر می‌گذارد.



شکل ۱. مدل نظری مکتب کینهاگ در باب امنیت (ترسیم شده به وسیله نویسنده)

تأثیر ایده خوداتکایی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (محمد رضا دهشیری، زهرا امامی و میلاد الهی‌نیا) ۲۳۷

۳. ابعاد امنیت ملی

امنیت ملی در کشورهای در حال توسعه در طول جنگ سرد بیشتر متأثر از روابط و رقابت دو ابرقدرت بود. براساس این، بعد سخت‌افزاری امنیت (نظامی) بیشتر نمود داشته است، اما با پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی ابعاد نرم‌افزاری مطرح می‌شود. از این رو، باید گفت در کشورهای در حال توسعه، امنیت ملی به‌مثابه نقطه عطفی در عرصه تعاملات بین‌المللی، بیشتر بعد داخلی می‌یابد تا بعد خارجی. بنابراین، آنچه تهدیدی برای امنیت ملی این کشورها به‌شمار می‌رود، ریشه در ساختار داخلی و نه عوامل خارجی و ساختار برخاسته از تصمیمات بازیگران دارد. به عبارتی حفظ دولت و سپس کشور بر هر مؤلفه‌ای اولویت دارد. براساس این، ابعاد مهم امنیت ملی دارای دایره گسترده‌ای است و افزون بر بعد نظامی شامل ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و علمی و فناوری است.

۳-۱. امنیت نظامی

در مطالعات مختلف، اصطلاح امنیت نظامی (Military Security) به‌طور معمول به توانایی یک دولت در دفاع از خود و یا تهاجم به طرف دیگر اشاره می‌کند. در این تعریف، چنانچه دولت توانایی اجرای تصمیمات سیاسی خود را با استفاده از نیروی نظامی داشته باشد، اصطلاحاً با امنیت نظامی مترادف دانسته می‌شود. همچنین امنیت نظامی شرایطی است که در آن مصونیت کشور الف از اعمال یا تأثیرات خصمانه کشور «ب» تضمین شده است. امروزه امنیت نظامی از شکل‌های متعارف درگیری بین دولت‌های ملی تا مبارزه بین دولت‌ها و بازیگران غیردولتی گسترش یافته است (زیبرا، ۲۰۱۴: ۶۵).

بوزان امنیت نظامی را آثار متقابل توانایی‌های تهاجمی و تدافعی مسلحانه دولت‌ها و نیز برداشت آن‌ها از مقاصد یکدیگر می‌داند (بوزان، ۱۳۸۹: ۳۴). به‌طور کلی امنیت نظامی مصنوعیتی است که هم با ابزار نظامی به خطر می‌افتد و هم با ابزار نظامی تأمین می‌شود و همان‌طور که از نام آن برمی‌آید، جنس آن نظامی است (رشیدزاده و علیزاده، ۱۳۹۴: ۱۷۴).

۳-۲. امنیت اجتماعی

از آنجاکه اصولاً امنیت اجتماعی (Social Security) به الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، هویت

مذهبی و قومی و رسوم مربوط است، این ارزش‌ها اغلب از داخل کشور مورد تهدید قرار می‌گیرند. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های امنیت ملی در جوامع در حال توسعه توجه به رفاه و رشد شهروندان جامعه است که شغل مناسب، درآمد کافی، مسکن و ... را شامل می‌شود و در قالب نیازهای اولیه نمود می‌یابد. در واقع امنیت ملی یک جامعه در صورتی تضمین می‌شود که مردمان آن جوامع به واسطه فقدان دسترسی به نیازهای اولیه خود علیه هم و علیه دولت موضع نگیرند؛ موضوعی که در جوامع در حال توسعه و از جمله ایران مشاهده می‌شود. ۲۰٪ تا ۴۰٪ جمعیت جوامع در حال توسعه در کلان‌شهرهای این کشورها حاشیه‌نشین‌اند و این روند رو به افزایش است.

جوامع در حال توسعه بالاترین میزان نرخ بیکاری در جهان را دارند. در نتیجه میزان شورش‌های اجتماعی و ناامنی‌ها و توسل به جرائم علیه امنیت، اموال و اشخاص در این جوامع روند تصاعدی داشته است. به گونه‌ای که نرخ رشد این جریان در کشورهای در حال توسعه تقریباً به ۴۰٪ می‌رسد که سهم افراد بی‌خانمان بیش از ۸۰٪ است (فریدمن، ۱۹۸۸: ۵-۲)؛ بنابراین تا جامعه‌ای قادر به تأمین نیازهای اولیه مردمان خود نباشد، نمی‌تواند حمایت آن‌ها را در تعقیب منافع خارجی خود داشته باشد.

۳-۳. امنیت اقتصادی

از نظر بوزان، امنیت اقتصادی یکی از مهم‌ترین ابعاد در وابستگی متقابل است (دهشیری و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۸). به اعتقاد بوزان، عوامل اقتصادی در تعیین قدرت دولت‌های داخل یک مجموعه منطقه‌ای نقش دارند و نیز در ثبات داخلی و انسجام آن‌ها به عنوان نقش‌آفرینان صحنه سیاسی مؤثرند، اما در عین حال ممکن است مثل وضعیت آمریکا و کشورهای تولیدکننده نفت در انگیزش الگوهای منافع خارجی در مجموعه محیطی مؤثر باشند. آن‌ها می‌توانند همچنین بر چشم‌انداز هم‌گرایی منطقه‌ای اثر بگذارند که همین امر بر نحوه تحولات مجموعه مؤثر است (بوزان، ۱۳۸۹: ۲۲۷). براساس این، از دیدگاه مکتب کپنهاگ، نقش اقتصاد در وضعیت امنیتی یک مجموعه منطقه‌ای، نه به اندازه امنیت سیاسی و نظامی اما تا حد زیادی باعث تأثیرگذاری بر رفتارهای امنیتی واحدها می‌شود.

تأثیر ایده خوداتکایی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (محمد رضا دهشیری، زهرا امامی و میلاد الهی‌نیا) ۲۳۹

به‌طور کلی، جوامع باثبات اقتصادی، ضریب امنیت بالایی نسبت به جوامع با اقتصادهای ضعیف دارند. ثبات اقتصادی خود به مشروعیت و مقبولیت ساختار سیاسی منجر می‌شود. وابستگی به منابع طبیعی برای درآمد و رانت این منابع به شدت اقتصاد بسیاری از کشورهای در حال توسعه را در برابر تکانه‌های اقتصاد جهانی و تحریم‌ها آسیب‌پذیر می‌کند.

۳-۴. امنیت سیاسی

در حوزه امنیت سیاسی شاید برجسته‌ترین ابعاد امنیت سیاسی، بحث حاکمیت و نهادهای برآمده از آن باشد. تهدید سیاسی متوجه ثبات سازمانی دولت است. هدف از تهدید ممکن است از فشار بر حکومت در مورد سیاست خاصی گرفته تا واژگونی حکومت، تجزیه‌طلبی و برهم زدن بافت سیاسی دولت برای تضعیف آن پیش از تهاجم نظامی، متفاوت باشد. ایده دولت، به خصوص هویت ملی و ایدئولوژی سازمان‌دهنده و نهادهایی که نمود آن به‌شمار می‌آیند، اهداف عادی تهدید سیاسی است (بوزان، ۱۳۸۹: ۱۲۴). باید گفت امنیت سیاسی در رابطه با رژیم و مشروعیت آن در جامعه نیز است. ساختارهای دموکراتیک در جوامع توسعه‌یافته نشان داده‌اند امنیت سیاسی بالایی دارند. در حالی که ساختارهای اقتدارگرا در انواع مختلف خود در جوامع در حال توسعه همواره ثابت کرده‌اند یک پایه بحران داخلی است و مشروعیت لازم را برای تداوم ندارد. به‌ویژه در عصر جهانی‌شدن این ساختارها قابلیت انطباق پایینی دارند و اغلب در برابر امواج جهانی‌شدن ناکارآمدند (بهادور، ۲۰۱۱: ۳۷).

۳-۵. امنیت فرهنگی

سرمایه فرهنگی به‌عنوان صلاحیت در فرهنگ پایگاه‌ها، ایده‌ها و گرایش‌ها تعریف می‌شود و اغلب سازوکار مهمی در بازتولید سلسله‌مراتب اجتماعی در نظر گرفته می‌شود. از نگاه دومایس (Dumais) سرمایه فرهنگی عبارت است از: «شایستگی‌های زبانی و فرهنگی» (احمدی، ۱۳۹۰). دیوید تراسبی (David Thorosby) سرمایه فرهنگی را نوعی دارایی می‌داند که مجسم‌کننده، ذخیره‌کننده یا تأمین‌کننده ارزش فرهنگی افزون بر هرگونه ارزش

اقتصادی است که می‌تواند داشته باشد؛ با همین تعبیر هایس (Hayes) نیز اصطلاح سرمایه فرهنگی را بازنمایی جمع نیروهای غیراقتصادی می‌داند. داشتن سرمایه فرهنگی کارکردهای مختلفی دارد: اولاً کسب مشروعیت از طریق بقیه سرمایه‌ها، منوط به تبدیل شدن آن‌ها به سرمایه فرهنگی است. کسی که به واسطه سرمایه فرهنگی منزلت دارد، می‌تواند روایت خود را از دنیای اجتماعی بر دیگران تحمیل کند، ثانیاً داشتن سرمایه فرهنگی به این معناست که فرد می‌تواند خود را از الزامات زندگی روزمره جدا کند و نوعی گزینش دلخواه در عرصه فرهنگ انجام دهد. به بیان بوردیو (Bourdieu) «زیبایی‌شناسی محض» از اخلاق یا همان خلق و خوی فاصله گرفتن گزینشی از الزامات طبیعی و اجتماعی نشئت می‌گیرد. سه منبع عمده سرمایه فرهنگی از نظر بوردیو عبارت‌اند از: پرورش خانوادگی، آموزش رسمی و فرهنگ شغلی (بازگلی و صفری، ۱۴۰۰: ۴).

۳-۶. امنیت علمی و تکنولوژی

در دوره کنونی پژوهش‌های علمی ظرفیت‌های تغییر فناورانه را برای اقتصاد فراهم می‌کنند. اساساً هرکس صاحب دانش باشد در جهان برتری و قدرت دارد. دانش فناورانه در درجه اول منتهی به رشد اقتصادی در بعد عینی است و آموزش در جنبه ذهنی، ملتی خودآگاه به حقوق خود را پرورش می‌دهد که جز به نام‌های مردم‌سالار گرایش دیگری ندارند. کاربرد آموزش و تحقیق علمی نیازمند شناخت نسبت به محیط اطراف است و همین آموزش و دانش به سلطه بر محیط منجر می‌شود. نتیجه آموزش به اصل مهم دیگری می‌انجامد و آن مدیریت منابع به نحو بهینه است.

آنچه دانش را تبدیل به قدرت می‌کند، تجاری‌سازی آن است که بین تحقیقات و کاربرد آن‌ها پل می‌زند. در جوامع درحال توسعه یا آموزش در سطح ذهنی مانده یا اساساً در اولویت سیاست‌مداران نیست؛ زیرا دولت بر ملت ارجحیت دارد (هیل، ۱۹۸۷: ۷-۵). در جوامع درحال توسعه شیوه‌های تولید اقتصادی قدیمی و وابسته به انرژی فسیلی بحران امنیت زیست‌محیطی را برجسته کرده است. به‌ویژه اینکه برای کسب درآمد اقتصادی منابع طبیعی اولویت اصلی تولیدند که زیست‌بوم (Ecosystem) را تهدید می‌کند. گاه برای تأمین

تأثیر ایده خوداتکایی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (محمد رضا دهشیری، زهرا امامی و میلاد الهی‌نیا) ۲۴۱

منابع اقتصادی در این جوامع به‌ویژه در ارتباط با منابع آبی، رقابتی مخرب در منابع مشترک شکل می‌گیرد که یا به جنگ منتهی می‌شود یا در آینده بهره‌برداری از این منابع به فاجعه مشترکات می‌انجامد. این مسئله پیامدهای سیاسی حتی برای دولت‌های این جوامع دارد. درحالی که در این کشورها دولت نهایت تلاش برای به حداقل رساندن تغییرات سیاسی را دارد (پتراس، ۲۰۰۷: ۷). این مسئله زمانی حادتر می‌شود که بسیاری از کشورهای جهان به منابع طبیعی این کشورها وابسته باشند. این موضوع درخصوص تولیدات نفتی کشورهای حوزه خلیج فارس در آلودگی این خلیج و یا بهره‌برداری از منابع آبی هیرمند و یا استفاده از اروندرود مشهود است.

۴. خوداتکایی در نظام جمهوری اسلامی ایران

یکی از ویژگی‌های مهم فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه در دهه‌های اخیر، تأکید آن بر خوداتکایی یا خودکفایی است. این موضوع از ابتدای انقلاب اسلامی مطرح بوده و به تدریج افزون بر خودکفایی در حوزه سیاسی و نظامی (هم‌زمان با شکل‌گیری انقلاب اسلامی) سایر حوزه‌ها از جمله حوزه اقتصادی را نیز دربر گرفته است. عوامل متعددی موجب شده جمهوری اسلامی ایران چنین راهبردی اتخاذ کند که می‌توان مهم‌ترین آن‌ها را تجربه تاریخی استعمار، تجربه جنگ تحمیلی، تحریم‌های اقتصادی و تلاش غرب و آمریکا و برخی کشورهای منطقه برای براندازی نظام جمهوری اسلامی دانست.

از جمله مصادیق خوداتکایی جمهوری اسلامی ایران، در حوزه نظامی و امنیتی نمود پیدا می‌کند. در این رابطه ایران برنامه‌ریزی‌های متعددی با هدف ساخت تسلیحات و تجهیزات نظامی در داخل کرده است و در حوزه واردات، تنها به واردات تکنولوژی به‌جای تسلیحات توجه دارد. البته نباید نقش جنگ تحمیلی علیه ایران را در خوداتکایی نظامی و امنیتی نادیده گرفت. تجربه جنگ عراق و تحریم تسلیحاتی ایران از سوی کشورهای غربی نشان داد باید تولید تسلیحات مورد نیاز در اولویت قرار گیرد (سولمیرانو و ومان، ۲۰۱۰: ۱۵۶).

ایران تنها کشور خاورمیانه که هیچ نوع پیمان رسمی و غیر رسمی با هیچ‌کدام از ابرقدرت‌ها ندارد و به‌تنهایی بر توان نیروی انسانی و تسلیحاتی خود اتکا کرده است.

همچنین، جمهوری اسلامی ایران از نظر نیرو، توان و قدرت نظامی از جمله کشورهای برتر خاورمیانه است و هیچ‌یک از کشورهای منطقه از نظر توان و تعداد نیروی انسانی با آن برابری نمی‌کند. این مسئله تأییدکننده رویکرد خوداتکایی و خودکفایی در فرهنگ راهبردی کشور است (ترابی و رضایی، ۱۳۹۰: ۱۵۷).

حوزه دیگر خوداتکایی ایران، حوزه اقتصادی است که شاید بتوان اصلی‌ترین محرک آن را اعمال تحریم‌های بین‌المللی دانست که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دلایل مختلف آغاز و در مخالفت با برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران به بالاترین حد خود رسید. افزون بر تحریم‌های یک‌جانبه ایالات متحده آمریکا، برخی از قطعنامه‌های شورای امنیت نیز به‌طور واضح بر تحریم اقتصادی ایران و منع دولت‌ها از رابطه تجاری با ایران صحبت می‌کند. واکنش جمهوری اسلامی ایران به این تحریم‌ها، تکیه بر توان و منابع داخلی خود بوده است. یکی از راهکارهای اتخاذشده در عرصه اقتصادی، ایده اقتصاد مقاومتی است که اولین بار در سال ۱۳۸۹ توسط رهبری جمهوری اسلامی ایران مطرح و در بهمن ۱۳۹۲ به قوای سه‌گانه ابلاغ شد. در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی آمده است که هدف اقتصاد مقاومتی، تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله با رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، پیش‌رو و برون‌گراست (وب‌سایت رهبری، ۲۹ بهمن ۱۳۹۲).

در عمل کاهش واردات از خارج گواهی بر خوداتکایی اقتصادی ایران در سال‌های اخیر است. این امر صرف‌نظر از موضوع تحریم و کاهش مبادلات کشورهای خارجی با ایران، عزم جمهوری اسلامی ایران را برای کاهش واردات و افزایش تولید داخلی نشان می‌دهد. براساس آمار اتاق بازرگانی تهران، حجم واردات جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۵ حدود ۴۲,۷۰۱ میلیارد دلار بوده که این رقم در سال ۱۳۹۷ به ۴۱,۲۳۶ میلیارد دلار و در سال ۱۳۹۹ به ۳۸,۸۰۰ میلیارد دلار رسیده است (اتاق بازرگانی تهران، ۱۳۹۹).

به‌طور کلی، آنچه در سال‌های اخیر در گفتار و رفتار جمهوری اسلامی ایران نمایان است، تأکید بر خوداتکایی و خودکفایی در حوزه‌های مختلف است. صرف‌نظر از اینکه این

تأثیر ایده خوداتکایی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (محمدرضا دهشیری، زهرا امامی و میلاد الهی‌نیا) ۲۴۳
راهبرد تا چه میزان تحقق یافته و به موفقیت رسیده است، باید بررسی شود تأثیرات آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران چه میزان بوده و در چه زمینه‌ای امنیت ملی را تحت تأثیر قرار داده است.

۵. نظر جامعه نخبگانی درباره تأثیر خوداتکایی بر امنیت ملی ایران

با توجه به آنچه درباره امنیت موسع و ایده خوداتکایی بیان شد این پژوهش به لحاظ ماهیت داده‌ها کمی و روش گردآوری داده‌ها میدانی از طریق پرسش‌نامه به بررسی تأثیر خوداتکایی بر امنیت ملی ایران پرداخته است. برای به دست آوردن پایایی پرسش‌نامه از ضریب آلفای کرونباخ^۱ استفاده شد است. آلفای کرونباخ برای سنجش میزان سازگاری درونی گویه‌ای یک شاخص به کار می‌رود.

$$\alpha = \frac{k}{k-1} \left(1 - \frac{\sum S_i^2}{S_T^2}\right)$$

k = تعداد گویه‌ها یا پرسش‌های شاخص؛

S_i^2 = واریانس نمرات مربوط به گویه شماره i ام؛

S_T^2 = واریانس جمع نمره‌های هر پاسخ‌گو

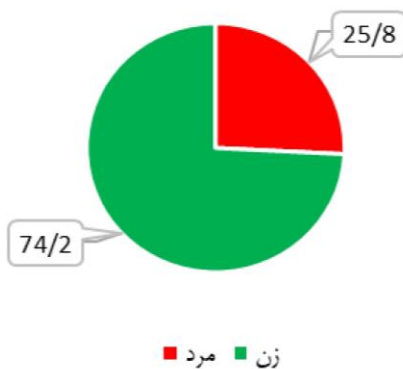
در صورتی که ضریب آلفا بیشتر از ۰/۷ باشد، آزمون از پایایی قابل قبولی برخوردار است. ضریب آلفای کرونباخ برای ۲۵ گویه پژوهش حاضر برابر با ۰/۹۰۴ است. با توجه به اینکه مقدار آلفا بیشتر از ۰/۷ است پرسش‌نامه اعتبار کافی دارد (دنیک، ۲۰۱۱: ۵۵-۵۳).

۶. تجزیه و تحلیل داده‌ها

۶-۱. تفکیک نمونه بر حسب متغیر جنسیت

تفکیک متغیر بر حسب جنسیت نشان می‌دهد ۲۴ نفر (۲۵/۸٪) از افراد نمونه زن و ۶۹ نفر (۷۴/۲٪) مرد است. جنسیت مرد بیشترین فراوانی را دارد.

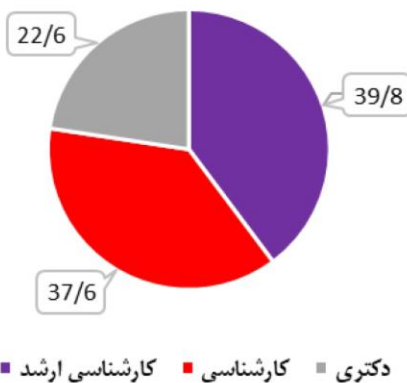
۱. ضریب کرونباخ آلفا برای سنجش میزان تک‌بعدی بودن نگرش‌ها، قضاوت‌ها و سایر مقولاتی که اندازه‌گیری آن‌ها آسان نیست به کار می‌رود. آلفای کرونباخ بر اساس میانگین کوواریانس (هم‌بستگی) سؤالات موجود در یک پرسش‌نامه به دست می‌آید.



نمودار ۱. درصد فراوانی نمونه براساس جنسیت

۶-۲. تفکیک نمونه برحسب متغیر تحصیلات

در این پژوهش، ۳۷ نفر (۳۹/۸٪) از افراد نمونه کارشناسی ارشد، ۳۵ نفر (۳۷/۶٪) کارشناسی و ۲۱ نفر (۲۲/۶٪) دکتری دارند. بیشترین فراوانی مربوط به سطح تحصیلات کارشناسی ارشد و کم‌ترین فراوانی دکتری است.



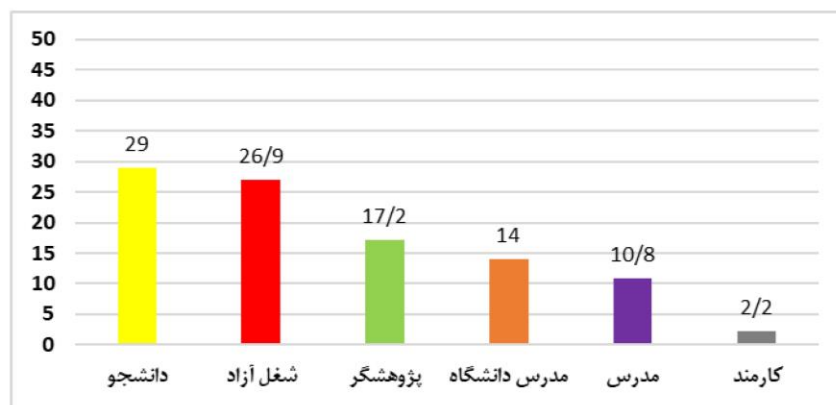
نمودار ۲. درصد فراوانی نمونه براساس تحصیلات

۶-۳. تفکیک نمونه برحسب وضعیت شغلی

براساس یافته‌ها، ۲۷ نفر (۲۹٪) از افراد نمونه دانشجوی، ۲۵ نفر (۲۶/۹٪) شغل آزاد، ۱۶ نفر (۱۷/۲٪) پژوهشگر، ۱۳ نفر (۱۴٪) مدرس دانشگاه، ۱۰ نفر (۱۰/۸٪) مدرس و ۲ نفر (۲/۲٪) کارمند هستند. بیشترین فراوانی مربوط به دانشجویان و کم‌ترین فراوانی مربوط به

تأثیر ایده خوداتکایی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (محمد رضا دهشیری، زهرا امامی و میلاد الهی نیا) ۲۴۵

شغل کارمند است.



نمودار ۳. درصد فراوانی نمونه براساس شغل

پرسش‌های پژوهش

این پژوهش شامل ۲۵ پرسش است و پاسخ مشارکت‌کنندگان به تفکیک هر پرسش توصیف شده است. برای دستیابی به داده‌های مورد انتظار در این تحقیق، با تعدادی از نخبگان دانشگاهی ارتباط برقرار شد و ۲۵ سؤال در حوزه خوداتکایی و امنیت ملی طرح و در مصاحبه میدانی از جامعه آماری مورد پرسش قرار گرفت.

پرسش ۱: براساس نظر پاسخ‌گویان درخصوص اینکه ظرفیت ژئوپلیتیکی ایران چه تأثیری بر پیش‌برد و تحقق ایده خوداتکایی و به تبع تأمین امنیت دارد این نتایج حاصل شده است: ۳۲ نفر (۳۴/۴٪) بسیار زیاد، ۳۱ نفر (۳۳/۳٪) زیاد، ۲۲ نفر (۲۳/۷٪) متوسط، ۴ نفر (۴/۳٪) کم و ۴ نفر (۴/۳٪) خیلی کم. جمهوری اسلامی ایران هم به لحاظ موقعیت استراتژیکی و هم از نظر منابع ژئوپلیتیکی در مجموعه امنیتی منطقه موقعیت بسیار مناسبی دارد. نتایج نشان می‌دهد چنانچه در ایده خوداتکایی به ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی توجه شود، باعث ارتقای امنیت ملی خواهد شد زیرا تأثیر به‌مراتب مستقیمی بر امنیت ملی دارد.

پرسش ۲: نظر پاسخ‌گویان درخصوص تأثیر جایگاه نهادهای مدنی بر پیش‌برد و تحقق ایده خوداتکایی و به تبع ارتقا امنیت ملی عبارت است از: ۱۲ نفر (۱۲/۹٪) خیلی کم و کم، ۱۸ نفر (۱۹/۴٪) متوسط، ۲۹ نفر (۳۱/۲٪) زیاد و ۳۴ نفر (۳۶/۶٪) بسیار زیاد. نهادهای مدنی

سازنده فرهنگ و اجتماع جامعه‌اند. در تحلیل نظری باید گفت نهادهای مدنی نقش واسط را در تأمین امنیت ملی ایفا می‌کنند. به این صورت که اگر نهادهای مدنی به‌خوبی و متناسب با شرایط و اقتضائات درونی جامعه فعال باشند، آنگاه فرهنگ ملی تحقق می‌یابد و در نتیجه با افول فرهنگ بیگانه در جامعه و تقویت فرهنگ ملی، امنیت ملی نیز تقویت می‌شود.

پرسش ۳: ارزیابی جایگاه تولیدات غیرنفتی در پیش‌برد و تحقق ایده خوداتکایی و به تبع تأمین امنیت ملی از نگاه پاسخ‌گویان چنین به‌دست آمد: ۶۸ نفر (۱/۷۳٪) زیاد و بسیار زیاد، ۱۱ نفر (۸/۱۱٪) متوسط، ۱۲ نفر (۹/۱۲٪) کم و ۲ نفر (۲/۲٪) خیلی کم. این امر نشان می‌دهد، خوداتکایی جمهوری اسلامی ایران در حوزه اقتصادی، تأثیر مستقیمی بر تأمین امنیت ملی دارد. بعد اقتصادی امنیت ملی در صورتی افزایش می‌یابد که وابستگی به تولیدات و صادرات نفتی کاهش یابد و در مقابل تولید فرآورده‌های غیرنفتی افزایش پیدا کند. همان‌طور که مکتب کپنهاگ اذعان دارد، اقتصاد یکی از جنبه‌های کلیدی در تأمین امنیت ملی است.

پرسش ۴: تنها ۲ نفر (۲/۲٪) معتقدند تأثیر فرهنگ تنوع قومی با رویکرد وحدت ملی در موفقیت خوداتکایی ایران و به تبع تقویت امنیت ملی خیلی کم است، نظر باقی پاسخ‌گویان عبارت است از: ۶ نفر (۵/۶٪) کم، ۲۳ نفر (۷/۲۴٪) متوسط، ۳۵ نفر (۶/۳۷٪) زیاد و ۲۷ نفر (۲۹٪) بسیار زیاد. همان‌طور که گفته شد، بحث فرهنگ و امنیت فرهنگی از مهم‌ترین مباحث مطرح در امنیت ملی است که در مکتب کپنهاگ به آن اشاره شده است. چنانچه نتایج نشان می‌دهد، فرهنگ تنوع قومی با رویکرد وحدت ملی می‌تواند موجب ارتقای امنیت ملی شود. در واقع رابطه مستقیمی بین افزایش وحدت ملی و ارتقای امنیت ملی وجود دارد.

پرسش ۵: نظر پاسخ‌گویان درخصوص تأثیر ارزش پول ملی بر موفقیت ایده خوداتکایی و به تبع ارتقا امنیت ملی عبارت است از: ۴۱ نفر (۱/۴۴٪) بسیار زیاد، ۲۴ نفر (۸/۲۵٪) زیاد، ۹ نفر (۷/۹٪) متوسط، ۱۳ نفر (۱۴٪) کم و ۶ نفر (۵/۶٪) خیلی کم.

پرسش ۶: از نگاه پاسخ‌گویان تأثیر اعتماد متقابل مردم و حاکمان بر تحقق ایده

تأثیر ایده خوداتکایی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (محمدرضا دهشیری، زهرا امامی و میلاد الهی‌نیا) ۲۴۷

خوداتکایی و به تبع تقویت امنیت ملی عبارت است از: ۹ نفر (۹/۷٪) بسیار کم و کم، ۱۳ نفر (۱۴٪) متوسط، ۱۶ نفر (۱۷/۲٪) زیاد و ۵۵ نفر (۵۹/۱٪) بسیار زیاد. نتایج نشان می‌دهد خوداتکایی زمانی تحقق می‌یابد که اعتماد متقابل بین مردم و حکومت وجود داشته باشد. زمانی که این امر محقق شود، به تبع امنیت ملی نیز افزایش خواهد یافت.

پرسش ۷: براساس نظر پاسخ‌گویان درخصوص تأثیر تولید بخش خصوصی بر ایده خوداتکایی و به تبع تقویت امنیت ملی این نتایج حاصل شده است: ۴۰ نفر (۴۳٪) بسیار زیاد، ۳۵ نفر (۳۷/۶٪) زیاد، ۱۲ نفر (۱۲/۹٪) متوسط، ۳ نفر (۳/۲٪) کم و ۳ نفر (۳/۲٪) خیلی کم. نتیجه این پرسش نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین افزایش تولید داخلی و امنیت ملی وجود دارد به طوری که اگر در ایده خوداتکایی، افزایش تولید در بخش خصوصی و نه تولیدات نفت متمرکز شود، امنیت ملی نیز ارتقا می‌یابد.

پرسش ۸: تنها ۲ نفر (۲/۲٪) معتقدند تأثیر امنیت مرزها بر پیش‌برد و تحقق ایده خوداتکایی در شهرهای مرزی و به تبع تقویت امنیت ملی خیلی کم است، نظر دیگر پاسخ‌گویان عبارت است از: ۴ نفر (۴/۳٪) کم، ۱۳ نفر (۱۴٪) متوسط، ۲۶ نفر (۲۸٪) زیاد و ۴۸ نفر (۵۱/۶٪) بسیار زیاد. امنیت مرزی جنبه‌ای از امنیت نظامی است؛ بنابراین در صورت تأمین امنیت مرزی، امنیت نظامی و به تبع آن امنیت ملی تأمین خواهد شد.

پرسش ۹: ۲۲ نفر (۲۳/۷٪) از پاسخ‌گویان معتقدند تحریم‌های اقتصادی بر تقویت ایده خوداتکایی تأثیر بسیار زیادی دارد، نتایج حاصل براساس نظر دیگر پاسخ‌گویان عبارت است از: ۲۲ نفر (۲۳/۷٪) زیاد، ۲۲ نفر (۲۳/۷٪) متوسط، ۱۴ نفر (۱۵/۱٪) کم و ۱۳ نفر (۱۴٪) خیلی کم. این نتایج نشان می‌دهد، تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر ایده خوداتکایی هرچند مهم، اما نسبت به سایر متغیرها کم‌تر است. در اینجا تعداد افرادی که به تأثیر کم‌تر تحریم‌ها اشاره کرده‌اند بیشتر می‌شود.

پرسش ۱۰: درخصوص تأثیر مصرف کالای خارجی بر تضعیف ایده خوداتکایی ملی نظر پاسخ‌گویان عبارت است از: ۹ نفر (۹/۷٪) خیلی کم، ۱۵ نفر (۱۶/۱٪) کم، ۲۴ نفر (۲۵/۸٪) متوسط، ۲۲ نفر (۲۳/۷٪) زیاد و ۲۳ نفر (۲۴/۷٪) بسیار زیاد. بیشتر نخبگان

(متوسط به بالا) معتقدند وابستگی به کالاهای خارجی رابطه معناداری با تضعیف امنیت ملی دارد به این صورت که با افزایش وابستگی، خوداتکایی تضعیف و امنیت ملی کاهش می‌یابد.

پرسش ۱۱: نظر پاسخ‌گویان درخصوص تأثیر گرایش به سیاست مستقل ملی بر تقویت ایده خوداتکایی و به تبع تقویت امنیت ملی عبارت است از: ۴۴ نفر (۴۷/۳٪) زیاد و بسیار زیاد، ۳۰ نفر (۳۲/۳٪) متوسط، ۱۴ نفر (۱۵/۱٪) کم و ۵ نفر (۵/۴٪) خیلی کم.

پرسش ۱۲: نظر پاسخ‌گویان درباره تأثیر سرمایه‌گذاری خارجی ایران در سایر کشورها بر میزان خوداتکایی و به تبع تقویت امنیت عبارت است از: فقط ۲ نفر (۲/۲٪) خیلی کم، ۸ نفر (۸/۶٪) کم، ۲۱ نفر (۲۲/۶٪) متوسط، ۳۲ نفر (۳۴/۴٪) زیاد و ۳۰ نفر (۳۲/۳٪) بسیار زیاد. براساس این، نفوذ سرمایه‌گذاری ایران در خارج، به‌جای سرمایه‌گذاری خارجی در داخل، تأثیر به‌مراتب بیشتری بر ارتقای امنیت ملی خواهد داشت.

پرسش ۱۳: درخصوص تأثیر ارتباطات سیاسی بین‌المللی بر پیش‌برد و موفقیت ایده خوداتکایی و به تبع تقویت امنیت ملی نظرهای پاسخ‌گویان چنین به‌دست آمد: ۴۹ نفر (۵۲/۷٪) بسیار زیاد، ۲۸ نفر (۳۰/۱٪) زیاد، ۱۴ نفر (۱۵/۱٪) متوسط و ۲ نفر (۲/۲٪) کم.

پرسش ۱۴: تأثیر ارتباطات فرهنگی بین‌المللی بر پیش‌برد و موفقیت ایده خوداتکایی و به تبع تقویت امنیت ملی را ۶۹ نفر (۷۴/۲٪) زیاد و بسیار زیاد، ۱۸ نفر (۱۹/۴٪) متوسط و ۶ نفر (۶/۵٪) کم ارزیابی کردند. نتایج نشان می‌دهد بیشتر نخبگان معتقدند هم‌بستگی فرهنگی ایران با سایر فرهنگ‌های مشترک جهانی می‌تواند ایده خوداتکایی را تقویت کند و در پی آن ضریب امنیت ملی را افزایش دهد.

پرسش ۱۵: تأثیر توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان بر تحقق ایده خوداتکایی و به تبع ارتقا امنیت ملی را ۵۲ نفر (۵۵/۹٪) بسیار زیاد، ۲۶ نفر (۲۸٪) زیاد، ۱۲ نفر (۱۲/۹٪) متوسط، ۲ نفر (۲/۲٪) کم و ۱ نفر (۱/۱٪) خیلی کم ارزیابی کردند.

پرسش ۱۶: تأثیر گسترش خطوط جاده‌ای و هوایی در داخل کشور بر تقویت ایده خوداتکایی و به تبع تأمین امنیت ملی را ۳۹ نفر (۴۱/۹٪) بسیار زیاد، ۳۳ نفر (۳۵/۵٪) زیاد،

تأثیر ایده خوداتکایی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (محمدرضا دهشیری، زهرا امامی و میلاد الهی‌نیا) ۲۴۹

۱۶ نفر (۱۷/۲٪) متوسط، ۳ نفر (۳/۲٪) کم و ۲ نفر (۲/۲٪) خیلی کم ارزیابی کردند.

پرسش ۱۷: تأثیر دانشگاه‌ها و مراکز علمی بر تحقق ایده خوداتکایی و به تبع تقویت

امنیت ملی را فقط ۱ نفر (۱/۱٪) خیلی کم، ۴ نفر (۴/۳٪) کم، ۱۲ نفر (۱۲/۹٪) متوسط، ۲۹

نفر (۳۱/۲٪) زیاد و ۴۷ نفر (۵۰/۵٪) بسیار زیاد ارزیابی کردند. اکثریت نخبگان معتقدند

چنانچه در تحقق ایده خوداتکایی بر مراکز علمی و دانشگاهی تمرکز شود، امنیت ملی

افزایش می‌یابد زیرا یکی از جنبه‌های امنیت ملی، امنیت علمی و تکنولوژی است.

پرسش ۱۸: درخصوص تأثیر شبکه‌های ارتباط مخابراتی و اینترنت و ... بر پیش برد ایده

خوداتکایی و به تبع تقویت امنیت ملی نظرهای پاسخ‌گویان چنین است: ۴۲ نفر (۴۵/۲٪)

بسیار زیاد، ۳۱ نفر (۳۳/۳٪) زیاد، ۱۳ نفر (۱۴٪) متوسط، ۵ نفر (۵/۴٪) کم و ۲ نفر (۲/۲٪)

خیلی کم.

پرسش ۱۹: تأثیر تعرفه کالاهای وارداتی بر تقویت خوداتکایی و به تبع تقویت امنیت

ملی را ۴۵ نفر (۴۸/۴٪) زیاد و بسیار زیاد، ۲۸ نفر (۳۰/۱٪) متوسط، ۱۱ نفر (۱۱/۸٪) کم و

۹ نفر (۹/۷٪) بسیار کم ارزیابی کردند.

پرسش ۲۰: درخصوص تأثیر رشد جمعیت بر تقویت ایده خوداتکایی و به تبع تقویت

امنیت ملی نظرهای پاسخ‌گویان عبارت است از: ۸ نفر (۸/۶٪) خیلی کم، ۹ نفر (۹/۷٪) کم،

۲۱ نفر (۲۲/۶٪) متوسط، ۲۸ نفر (۳۰/۱٪) زیاد و ۲۷ نفر (۲۹٪) بسیار زیاد. رشد جمعیتی از

پارامترهای مهم در حوزه امنیت اجتماعی محسوب می‌شود و در امنیت ملی نقش کلیدی

دارد. براساس این، اکثریت نخبگان معتقدند رابطه معناداری بین رشد جمعیت و تقویت ایده

خوداتکایی و به دنبال آن امنیت ملی وجود دارد.

پرسش ۲۱: تأثیر سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی با مشارکت شرکت‌های داخلی بر

تحقق ایده خوداتکایی و به تبع تقویت امنیت ملی را ۳۸ نفر (۴۰/۹٪) بسیار زیاد، ۳۲ نفر

(۳۴/۴٪) زیاد، ۱۹ نفر (۲۰/۴٪) متوسط، ۳ نفر (۳/۲٪) کم و ۱ نفر (۱/۱٪) خیلی کم ارزیابی

کردند. سرمایه‌گذاری خارجی در داخل زمانی به ایده خوداتکایی کمک می‌کند که بنگاه‌های

داخلی نیز در آن مشارکت داشته باشند در غیر این صورت موجب کاهش تحقق

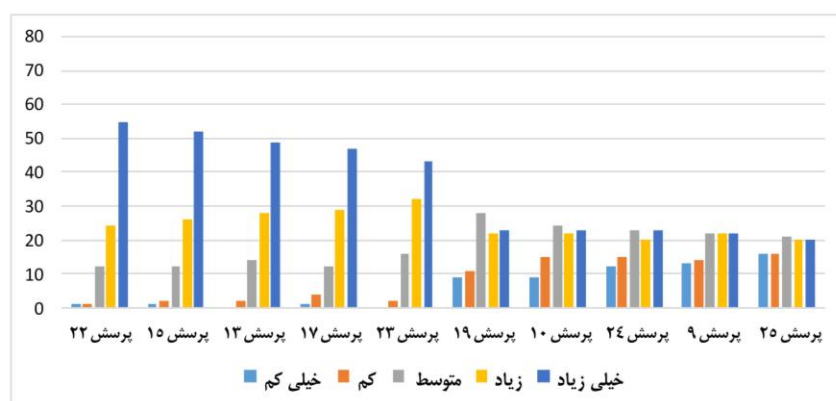
خوداتکایی خواهد شد.

پرسش ۲۲: درخصوص تأثیر توسعه زیرساخت‌های صنعتی و کشاورزی بر تحقق ایده خوداتکایی و به تبع تقویت امنیت ملی نظر پاسخ‌گویان عبارت است از: ۷۹ نفر (۸۴/۹٪) زیاد و بسیار زیاد، ۱۲ نفر (۱۲/۹٪) متوسط، ۱ نفر (۱/۱٪) کم و ۱ نفر (۱/۱٪) بسیار کم.

پرسش ۲۳: تأثیر مشارکت در اتحادیه‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بر خوداتکایی و به تبع تقویت امنیت ملی را ۳۸ نفر (۴۰/۹٪) بسیار زیاد، ۳۲ نفر (۳۴/۴٪) زیاد، ۱۹ نفر (۲۰/۴٪) متوسط، ۳ نفر (۳/۲٪) کم و ۱ نفر (۱/۱٪) خیلی کم ارزیابی کردند.

پرسش ۲۴: تأثیر مجلس شورای اسلامی بر تحقق ایده خوداتکایی به تبع تقویت امنیت ملی را ۴۳ نفر (۴۶/۲٪) زیاد و بسیار زیاد، ۲۳ نفر (۲۴/۷٪) متوسط، ۱۵ نفر (۱۶/۱٪) کم و ۱۲ نفر (۱۲/۹٪) خیلی کم ارزیابی کردند.

پرسش ۲۵: تأثیر انحصارگرایی تولید داخلی بر پیش‌برد و تحقق ایده خوداتکایی به تبع امنیت ملی را ۲۰ نفر (۲۱/۵٪) بسیار زیاد، ۲۰ نفر (۲۱/۵٪) زیاد، ۲۱ نفر (۲۲/۶٪) متوسط، ۱۶ نفر (۱۷/۲٪) کم و ۱۶ نفر (۱۷/۲٪) خیلی کم ارزیابی کردند.



نمودار ۴. نمودار پاسخ به سؤال‌ها

براساس نمودار بالا با توجه به ترکیب فراوانی گزینه‌ها (از خیلی زیاد (امتیاز ۵) تا خیلی کم (امتیاز ۱)) از نظر پاسخ‌گویان (۹۳ نفر) توسعه زیرساخت‌های صنعتی و کشاورزی (پرسش ۲۲) بیشترین و انحصارگرایی تولید داخلی (پرسش ۲۵) کم‌ترین تأثیر را در تحقق

- تأثیر ایده خوداتکایی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (محمدرضا دهشیری، زهرا امامی و میلاد الهی‌نیا) ۲۵۱
- ایده خوداتکایی و به تبع تقویت امنیت ملی دارند. ترتیب پنج مؤلفه دیگر بعد از مورد نخست که مربوط به بیشترین فراوانی است عبارت‌اند از:
- ۶۹ نفر (۷۴/۲٪) تأثیر ارتباطات فرهنگی بین‌المللی؛
 - ۶۸ نفر (۷۳/۱٪) جایگاه تولیدات غیرنفتی؛
 - ۵۲ نفر (۵۵/۹٪) تأثیر توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان؛
 - ۴۳ نفر (۴۶/۲٪) تأثیر مجلس شورای اسلامی.
- و پنج مؤلفه از کم‌اثرگذارترین موارد عبارت‌اند از:
- یک نفر (۱/۱٪) تأثیر دانشگاه‌ها و مراکز علمی؛
 - دو نفر (۲/۲٪) سرمایه‌گذاری خارجی ایران در سایر کشورها؛
 - دو نفر (۲/۲٪) تأثیر فرهنگ تنوع قومی با رویکرد وحدت ملی؛
 - دو نفر (۲/۲٪) امنیت مرزها.

۷. آزمون نرمال بودن

در این مرحله از پژوهش برای بررسی پرسش‌های تحقیق ابتدا باید نرمال یا غیر نرمال بودن توزیع داده‌ها را مشخص کرد. در این پژوهش به منظور بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف (Kolmogorov-Smirnov) استفاده می‌شود. نتیجه این آزمون در جدول ۲ نشان داده شده است.

فرض صفر (H_0): توزیع متغیر نرمال است.

فرض صفر (H_1): توزیع متغیر نرمال نیست.

جدول ۲. نتایج آزمون کولموگروف - اسمیرنوف

نتیجه	سطح معناداری	بیشترین تفاوت‌ها			آماره k.s
		منفی	مثبت	قدر مطلق	
نرمال است	۰/۲۰۰	-۰/۰۷۴	۰/۰۵۴	۰/۰۷۴	۰/۰۷۴

با توجه به جدول ۲ از آنجا که سطح معناداری آزمون نرمال بودن توزیع داده‌های متغیر پژوهش ۰/۲۰۰ بیشتر از ۰/۰۵ است ($\alpha = 0/05$ و $\text{sig} > 0/05$) بنابراین فرض صفر رد

نمی‌شود و به احتمال ۹۵٪ می‌توان گفت توزیع داده‌ها متغیر نرمال است؛ بنابراین می‌توان برای بررسی فرضیه تحقیق از آزمون پارامتری t استفاده کرد.

۱-۷. آزمون فرضیه پژوهش

فرض صفر (H_0): تأثیر عوامل زمینه‌ای بر تحقق ایده خوداتکایی و به تبع تأمین امنیت ملی متوسط یا کم‌تر از حد متوسط (امتیاز ۳) است.

فرض صفر (H_1): تأثیر عوامل زمینه‌ای بر تحقق ایده خوداتکایی و به تبع تأمین امنیت ملی بیش از حد متوسط (امتیاز ۳) است.

$$\begin{cases} H_0: \mu \leq 3 \\ H_1: \mu > 3 \end{cases}$$

جدول ۳. آزمون T1 جامعه فرضیه پژوهش

فاصله اطمینان ۹۵٪	تفاوت میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	t	انحراف از معیار	میانگین
حد پایین / حد بالا	۰/۸۹۸۹۲	۰/۰۰۰	۹۲	۱۴/۴۵۳	۰/۵۹۹۸۱	۳/۸۹۸۹

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌کنید، میانگین متغیر عوامل زمینه‌ای تحقق ایده خوداتکایی و به تبع تأمین امنیت ملی برابر با ۳/۸۹۸ و انحراف از معیار نمونه آماری برابر با ۰/۵۹۹ است. با توجه به کدگذاری انجام‌شده (خیلی کم ۱، کم ۲، متوسط ۳، زیاد ۴ و بسیار زیاد ۵) مشخص می‌شود که بیشتر پاسخ‌گویان در پاسخ به پرسش‌ها تأثیر عوامل زمینه‌ای در تحقق ایده خوداتکایی و به تبع تأمین امنیت ملی بیشتر گزینه‌های زیاد و خیلی زیاد را انتخاب کردند. برای بررسی میانگین جامعه آماری با متوسط میانگین (معادل ۳) از آزمون $t1$ جامعه استفاده شد. با توجه به مقدار مثبت $t(14/453)$ و سطح معناداری (۰/۰۰۰)، فرض صفر رد می‌شود و می‌توان گفت متغیر تأثیر عوامل زمینه‌ای بیش از حد متوسط در تحقق ایده خوداتکایی و به تبع تأمین امنیت ملی تأثیر گذارند. در واقع رابطه معناداری بین متغیرهای زمینه‌ای و امنیت ملی وجود دارد به طوری که تحقق ایده خوداتکایی در هریک از این موارد امنیت ملی ایران را ارتقا می‌دهد و به تبع وابستگی خارجی به هریک از آن‌ها باعث کاهش و تهدید امنیت ملی می‌شود.

نتیجه‌گیری

در نوشتار پیش رو با استفاده از ابزارهای مناسب (توصیفی - تحلیلی)، اثرگذاری مؤلفه‌های امنیت به‌ویژه در ارتباط با ایران بررسی شد. این زمینه به‌صورت پارامترهای مستقل / وابسته طبقه‌بندی شده و سپس با استفاده از ابزار پنل دلفی ماتریس اثر متقابل پارامترها استخراج شد. خروجی حاصل عوامل پیشران و پیوندی بین امنیت به‌طورکلی و امنیت ملی را مشخص کرد و به‌دنبال آن تحلیل این پارامترها و چگونگی هم‌گرایی آن‌ها برای تقویت امنیت ملی بررسی شد. به‌منظور نهایی کردن مجموعه عوامل کلیدی اولیه به‌دست‌آمده از پیمایش کتابخانه‌ای بر آن شدیم تا با طراحی پرسش‌نامه‌ای مدون با یک روش‌شناسی نوین و کاربردی مبتنی بر مدل‌های علمی نسبت به نظرسنجی در این خصوص اقدام کردیم و از راهکارهایی برای صحت‌سنجی آرا و نظرها بهره گرفتیم.

در این راستا از نخبگان، سیاست‌گذاران، مدیران و صاحب‌نظران در حوزه مطالعات امنیتی دعوت شد تا با بررسی پرسش‌نامه پیش رو محقق را در انجام این پژوهش یاری رسانند. یافته‌ها در نهایت نشان داد از نظر پرسش‌شوندگان توسعه زیرساخت‌های صنعتی و کشاورزی، ارتباطات فرهنگی بین‌المللی، جایگاه تولیدات غیرنفتی، توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان در صدر توجهات قرار دارد و انحصارگرایی تولید داخلی، دانشگاه‌ها و مراکز علمی، سرمایه‌گذاری خارجی ایران در سایر کشورها، فرهنگ تنوع قومی با رویکرد وحدت ملی در کم‌ترین جایگاه قرار گرفته است. این امر نشان می‌دهد خوداتکایی در حوزه اقتصادی بیشترین تأثیر را در تأمین امنیت ملی دارد. چنانچه جمهوری اسلامی ایران بتواند در حوزه اقتصادی متکی بر صادرات نفتی نباشد و تولیدات غیرنفتی را افزایش و زیرساخت‌های صنعتی را گسترش دهد، آنگاه از نظر اقتصادی وابستگی آن به بازار جهانی کاهش خواهد یافت.

از نظر مکتب‌کپنهاگ، یکی از مؤلفه‌های تأمین امنیت ملی، قدرت است که اقتصاد داخلی نیز از جنبه‌های قدرت هر کشور تلقی می‌شود. براساس این، عدم وابستگی اقتصادی می‌تواند موجب ارتقای امنیت ملی شود. همچنین نتایج حاکی از آن است که تأثیر

خودکفایی در حوزه فرهنگی تأثیر چندانی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ندارد؛ بلکه برعکس، چنانچه در یک مجموعه امنیتی، جمهوری اسلامی ایران بتواند ارتباطات فرهنگی اش را با فرهنگ و نژادهای مشترک خود توسعه دهد، تحقق امنیت ملی بهتر امکان‌پذیر می‌شود.

به‌طور کلی باید گفت رابطه معناداری بین خوداتکایی و امنیت ملی وجود دارد و فرضیه تحقیق مبنی بر تأثیر انسجام ملی، موقعیت عمده ژئوپلیتیک کشور، پیشینه تاریخی - تمدنی، اراده استقلال‌طلبی سیاسی، اعتماد متقابل مردم و حاکمان و ارتباط مؤثر و سازنده با بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی بر تحقق ایده خوداتکایی و به تبع تقویت امنیت ملی اثبات شد. هر یک از موارد فوق، بیشترین تأثیرگذاری را از نظر نخبگان داشته‌اند. با وجود این، پژوهش حاضر به دلیل کمبود منابع اطلاعاتی، محدودیت پاسخ‌دهندگان و دراختیار نداشتن ابزارهای کافی، نتوانسته است برخی دیگر از تأثیرات خوداتکایی بر امنیت ملی به‌ویژه در حوزه‌های نظامی و سیاسی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. براساس این، در تکمیل این پژوهش، سایر پژوهشگران می‌توانند تأثیر خوداتکایی جمهوری اسلامی ایران را بر امنیت ملی نظامی و سیاسی بررسی کنند.

منابع

- آزر، ادوارد و این مون، چونگ (۱۳۸۸)، امنیت ملی در جهان سوم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بازگلی، حمیدرضا و صفری، محمود (۱۴۰۰)، شناسایی و رتبه‌بندی عوامل اثرگذار و اثرپذیر بر توسعه سرمایه فرهنگی در نظام آموزش و پرورش، مجله مدیریت فرهنگی، ۴ (۵۱)، ۱-۱۹.
- بهرامی مقدم، سجاد و حیدری، مهدیه (۱۳۹۹)، خوداتکایی: مفهوم و الگوی امنیتی جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۱۰ (۳۴)، ۱۲۹-۱۴۴.
- بوزان، باری (۱۳۷۹)، گفتگوی علمی: آشنایی با مکتب کپنهاک در حوزه مطالعات امنیتی، فصلنامه مطالعات راهبردی، (۹)، ۹-۱۶.
- بوزان، باری (۱۳۸۹)، مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: چاپخش.
- ترابی، قاسم و رضایی، علیرضا (۱۳۹۰) فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران: زمینه‌های ایجابی، شاخص‌های اساسی، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۴ (۴)، ۱۳۵-۱۶۲.

تأثیر ایده خوداتکایی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (محمد رضا دهشیری، زهرا امامی و میلاد الهی‌نیا) ۲۵۵
دهشیری، محمد رضا؛ حسینی، سید محمد؛ شیراوند، صارم و حسینی، سید مصطفی (۱۳۹۶)، تأثیر
امنیت منطقه‌ای بر رفتار شناختی مجموعه‌های امنیتی مناطق، *فصلنامه سیاست جهانی*، ۶ (۱)، ۴۳-
۷۸.

رشیدزاده، فتح‌الله و عزیزاده، محمدجواد (۱۳۹۴)، دکترین، اهداف و سیاست‌های امنیت نظامی ج.ا.ا.
بر اساس گفتمان ولایت فقیه، قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام، *فصلنامه امنیت ملی*، ۴ (۱۶)،
۱۶۷-۱۹۷.

روشنی، علی و پورحسن، ناصر (۱۳۹۷)، جایگاه سیاست خودکفایی تسلیحاتی در راهبرد دفاعی
جمهوری اسلامی ایران، *کنفرانس ملی اندیشه‌های نوین و خلاق در مدیریت، حسابداری، مطالعات
حقوقی و اجتماعی*.

ساعدی، فرشاد و رستمی، سمیرا (۱۳۹۶)، بررسی نقش اقتصاد مقاومتی در افزایش امنیت ملی جمهوری
اسلامی ایران، *همایش ملی علوم انسانی*.

شیراوند، سارم؛ عمرانی، ابوذر؛ معبودی‌نژاد، فرشته و دیده‌دورا، ذوالفقار (۱۳۹۸)، تأثیر راهبرد اقتصاد
مقاومتی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی انقلاب اسلامی*، ۲
(۵)، ۱۲۱-۱۴۳.

عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۹)، *نظریه‌های امنیت*، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی
ابرار معاصر.

موسوی زنونز، موسی. (۱۳۹۳). رابطه امنیت ملی و تجارت بین‌الملل مطالعه موردی، امنیت اقتصادی
جمهوری اسلامی ایران در پرتو تجارت بین‌الملل، *مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، ۵
(۱۴)، ۱۰۹-۱۴۲.

نادری، مسعود و اقبالی، مرضیه (۱۳۹۴)، بررسی رابطه امنیت ملی و اقتصاد مقاومتی، *همایش ملی اقتصاد
مقاومتی چالش‌ها، واقعیت‌ها، راهکارها*، ۲۷۶-۲۸۹.

References

- Abdullah Khani, A. (2010). *Security Theories*, Abrar-e-Moaser Cultural Institute of International Studies and Research (In Persian).
- Azer, E., Chong I. (2009). *National Security in the Third World*, Tehran, Research Institute for Strategic Studies (In Persian).
- Bahadur, J. (2011). "Globalization and Human Aspect of Development in Developing Countries: Evidence from Panel Data", *Journal of Globalization Studies*, Vol. 2, No. 1.
- Bahrami Moghadam, S., Heidari, M. (2020). "Self-reliance: The concept and security model of the Islamic Republic of Iran after the victory of the Islamic Revolution", *Journal of the Islamic Revolution*, Vol. 10, (34) (In Persian).
- Bazgoli, H., Safari, M. (2021). "Identification and Ranking of Influential and Influenced Factors on the Development of Cultural Capital in the Education System", *Journal of Cultural*

- Management*, 4(51) (In Persian).
- Bouzan, B. (1991). "New Patterns of Global Security in the Twenty-First Century", *International Affairs (Royal Institute of International Affairs 1944-1991)*, 67(3).
- Bouzan, B. (2000). "Scientific Dialogue: Introduction to the Copenhagen School in the Field of Security Studies", *Quarterly Journal of Strategic Studies*, (9) (In Persian).
- Bouzan, B. (2010). *People, Governments and Fear*, Translated by the Institute for Strategic Studies, Tehran (In Persian).
- Dehshiri, M. R. et. al. (2017). "The Impact of Regional Security on the Cognitive Behavior of Regional Security Complexes", *World Politics Quarterly*, 6, (1) (In Persian).
- Leadership W. (2014). "Communique of Resistance Economy Policies", Available at: <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=25370>.
- Mousavi Zanouz, M. (1393). "The Relationship between National Security and International Trade Case Study, Economic Security of the Islamic Republic of Iran in the Light of International Trade", *Strategic Studies in Public Policy*, 5(14) (In Persian).
- Naderi, Massoud and Eghbali, Marzieh (2015). "A Study of the Relationship between National Security and Resistance Economics", *National Conference on Resistance Economics Challenges, Facts, Solutions* (In Persian).
- Petras, J. (2000). "Development and Revolution: Contradictions South Africa and IRAN", *State University of New York at Binghamton*, (3).
- Rashidzadeh, F., Alizadeh, M. J. (2015). Doctrine, Objectives and Policies of Military Security of the Islamic Republic of Iran Based on the Discourse of Velayat-e Faqih, Constitution and General Policies of the System, *National Security Quarterly*, 4, (16) (In Persian).
- Roshani, Ali and Pourhassan, Nasser (2018). "The place of weapons self-sufficiency policy in the defense strategy of the Islamic Republic of Iran", National Conference of New and Creative Thoughts in Management, Accounting, Legal and Social Studies (In Persian).
- Saedi, F., Rostami, S. (2017). *A Study on the Role of Resistance Economy in Increasing the National Security of the Islamic Republic of Iran*, National Conference on Humanities (In Persian).
- Shiravand, S. et. al. (2017). "The Impact of Resistance Economy Strategy on the National Security of the Islamic Republic of Iran", *Quarterly Journal of Strategic Research of the Islamic Revolution*, 2 (5) (In Persian).
- Solmirano, C., P. D. Wezeman (2010). "Military Spending and Arms Procurement in the Gulf States, Stockholm", *International Peace Research Institute Press*, (6).
- Stephen, H. (1987). "Basic Design Principles for National Research", *Technology in Society*, Vol. 10, (2).
- Szpyra, R. (2014). "Military Security within the Framework of Security Studies: Research Results", *The Quarterly Journal*, (3).
- Tavakol M., Dennick R. M. (2011). "Sense of Cronbach's Alpha", *International Journal of Medical Education*, (2).
- Tehran Chamber of Commerce (Import Volume Statistics in 2016), available at: https://www.tccim.ir/ImpExpStats_TariffCustomCountry.aspx?mode=do.
- Torabi, Gh., Rezaei, A. (2011). "Strategic Culture of the Islamic Republic of Iran: Positive Backgrounds, Basic Indicators", *Quarterly Journal of Strategic Studies*, 14 (4) (In Persian).

بررسی تأثیر احساسات منفی مشتریان بر تمایل به خرید کالاهای تولیدشده در کشور متخاصم با توجه به نقش تعدیل گر کیفیت محصول (مطالعه موردی: برند آیفون در ایران)

علیرضا حبیبی*

قاسم علی یوسفی**، علی میراحمدی***

چکیده

هدف نوشتار پیش رو بررسی تأثیر احساسات منفی مانند خشم، ترس، تحقیر و انزجار بر تمایل مشتریان به خرید کالاهای کشورهای متخاصم، با توجه به نقش تعدیل گر کیفیت محصول است. در این پژوهش از روش مدل معادلات ساختاری و نرم افزار اسمارت پی.ال.اس. ۲ استفاده شده و جامعه آماری آن، دارندگان گوشی های آیفون در ایران هستند که ۳۸۴ نفر برای نمونه و با روش نمونه گیری تصادفی ساده از میان آنها انتخاب شده اند. یافته های پژوهش بیانگر تأثیر معنادار احساسات منفی خشم، تحقیر و انزجار بر کاهش تمایل به خرید و عدم تأثیر احساس ترس بر تمایل به خرید گوشی های همراه آیفون آمریکایی به عنوان کشور متخاصم است؛ همچنین کیفیت گوشی های آیفون می تواند اثر احساس خشم دارندگان گوشی آیفون بر تمایل به خرید آن محصولات را کاهش دهد؛ اما متغیر کیفیت نمی تواند در ارتباط با متغیرهای مستقل مانند ترس، تحقیر و انزجار بر متغیر وابسته تمایل به خرید نقش تعدیل گر داشته باشد. در بخش نتیجه گیری، با استفاده از تفاوت میان احساسات منفی پیش گفته بر مشتریان به لحاظ روانی و نظریه انتساب، کاربرد یافته های حاصل از این پژوهش در تعیین راهبرد برای شرکت های بین المللی و همچنین سیاست گذاری در کشورهایی که مایل به محدود کردن حضور اقتصادی کشورهای متخاصم در بازار خود هستند، بررسی شده است.

کلیدواژه ها: محصولات کشور متخاصم، احساسات منفی خریداران، کیفیت محصول، تمایل به خرید، برند آیفون.

نوع مقاله: پژوهشی.

* استادیار مدیریت بازرگانی، گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده علوم و فنون، دانشگاه بین المللی اهل بیت (ع)، تهران، ایران. (نویسنده

مسئول)، habibi@abu.ac.ir

** کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی، گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده علوم و فنون، دانشگاه بین المللی اهل بیت (ع)، تهران، ایران

*** کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی، گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

مقدمه

امروزه حفظ مشتریان نقش بسزایی در حفظ بقای تمامی سازمان‌ها دارد. از این‌رو مطالعه رفتار مصرف‌کنندگان کالاها یا خدمات برای هر سازمانی از اهمیت بی‌بدیلی برخوردار است و بدون شک، پیش‌بینی، تغییر و حفظ نگرش آن‌ها نسبت به سازمان امر مهمی تلقی می‌شود. حفظ مشتریان، برای شرکت‌های بین‌المللی نیز با وجود چگونگی روابط میان کشورها به دلیل اهمیت بازرگانی بین‌الملل و گسترش آن به عنوان یک استراتژی جذاب مهم است؛ اما در این میان، درگیری‌های سیاسی، جنگ‌ها، دخالت دولت‌ها در امور یکدیگر، در گذشته و زمان حال با عنوان بحران‌های بین‌المللی (International crisis) این موضوع را با مشکلات زیادی روبه‌رو ساخته است. از این‌رو در ذیل عنوان بحران‌های بین‌المللی، اصطلاح کشور متخاصم نیز در واژه‌های بازرگانی بین‌الملل شکل گرفته است. در پی پیدایش این اصطلاح، برندهای تجاری مرتبط با کشور متخاصم یا مقابله‌گر، از نظر مصرف‌کنندگان کشور مقصد تحریم می‌شوند؛ برای مثال می‌توان اختلاف ژاپن و چین در مورد وضعیت جزایر سنکاکو/ دیاویو که در سال ۲۰۱۲ رخ داد را در نظر گرفت که این اختلاف خود منجر به کاهش فروش ۳۵ درصدی اتومبیل‌های ژاپنی در چین شد (Antonetti et al., 2019).

شهرت یک برند یا شرکت سازنده آن برند از شهرت کشوری متأثر است که از آن سرچشمه می‌گیرد و تخریب شهرت کشور بر شهرت برند محصول تولیدشده در آن کشور نیز تأثیر بسزایی دارد. از این‌رو نگرش مصرف‌کنندگان به یک کشور به عنوان کشور مقابله‌گر سبب بروز احساسات منفی نسبت به آن شده تا جایی که از خرید و استفاده کالا و خدمات ارائه‌شده به وسیله آن کشور تا حدی توان سرباز می‌زنند.

بحران‌های بین‌المللی که باعث ایجاد مقابله‌گری بین کشورها می‌شود زنگ هشدار را برای شرکت‌های فعال و خواهان فعالیت در زمینه تجارت بین دو کشور مبدأ و مقصد دارای بحران به صدا درمی‌آورد؛ زیرا توجه به رفتار مصرف‌کنندگان کشور مقصد، آینده تجاری آن‌ها را روشن خواهد ساخت. بخش عمده‌ای از پژوهش‌های مرتبط با رفتار مصرف‌کننده، نشان می‌دهند که اطلاعات مربوط به کشور مبدأ، احتمالاً اثر قابل توجهی را بر ارزیابی

بررسی تأثیر احساسات منفی مشتریان بر تمایل به خرید... (علیرضا حبیبی؛ قاسم علی یوسفی و علی میراحمدی) ۲۵۹

مصرف کنندگان کشور مقصد از منظر کیفیت محصول و موارد مرتبط به آن و در نهایت انتخاب آنان می‌گذارد. گرایش‌های منفی در خصوص محصولات خارجی می‌تواند از عوامل متفاوتی مانند سیاسی، نظامی، اقتصادی پیشین یا در حال حاضر یا وقایع دیپلماتیک به وجود آید که منجر به مقابله‌گری مصرف‌کننده تبدیل شود (Antonetti et al., 2019).

در حوزه نظری مطالعه رفتار مصرف‌کننده در قبال کالاهای خارجی به‌ویژه برای شرکت‌هایی که قصد تجارت با کشور هدف را دارند، اهمیت بسزایی دارد. زمانی که احساسات منفی در میان مردم دو کشور به واسطه باورهای مقابله‌جویانه شکل می‌گیرد، متغیرهایی مانند رفتار مصرف‌کنندگان نیز از آن تأثیر می‌پذیرد؛ بنابراین بررسی احساساتی که از باورهای مقابله‌جویانه سرچشمه می‌گیرد و بر عامل یادشده تأثیر می‌گذارد، مهم است. مطالعه این موضوع چه از منظر نظری و چه کاربری، برای شرکت‌هایی که در جریان یا خواهان مبادلات بازرگانی با کشورهای دیگر هستند، اهمیت دارد؛ زیرا شناسایی و میزان تأثیر عوامل مؤثر بر رفتار مصرف‌کنندگان در کشورهای هدف سبب می‌شود که راه‌حل مناسبی برای مقابله با مشکلات احتمالی متأثر از احساسات منفی در مصرف‌کنندگان را بیابند. اهمیت کاربردی این موضوع را می‌توان در مثال ذکرشده در مورد اختلاف ژاپن و چین به‌خوبی مشاهده کرد.

نمونه این نوع از احساسات منفی را می‌توان در مورد رابطه ایران و آمریکا دید که علت مقابله‌گری مردم کشور جمهوری اسلامی ایران نسبت به کشور آمریکا را می‌توان در روابط گذشته و حتی زمان کنونی این دو کشور به‌خوبی مشاهده کرد. این مقابله‌گری در زمان انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ شروع و با رویدادهایی همچون تسخیر سفارت آمریکا به‌وسیله دانشجویان کشور جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۵۸، عملیات طمس کشور آمریکا در سال ۱۳۵۹، حمایت آمریکا از صدام حسین در طول هشت سال جنگ تحمیلی و انهدام هواپیمای ایرباس شماره ۶۵۵ کشور جمهوری اسلامی ایران به‌وسیله ناوگان کشور آمریکا در سال ۱۳۶۷ به اوج خود رسید تا جایی که مردم کشور جمهوری اسلامی ایران، کشور آمریکا را «شیطان بزرگ» نامیده و مقابله‌گری شکل آشکاری را به خود گرفت (بهایی و پیسانی، ۲۰۰۹).

در دهه اخیر نیز می‌توان به انتخابات امریکا در سال ۲۰۱۶ و دولت جدید آن و سیاست‌های اتخاذشده آن نسبت به این کشور و تهدیدها و تحریم‌های اقتصادی، مسئله انرژی هسته‌ای، برجام و همچنین رقابت شدید دو کشور در سطح منطقه اشاره کرد (چیت‌سازیان و شفیع، ۱۳۹۶). با توجه به مطالب ذکرشده و پژوهش‌های اندکی که در این زمینه صورت گرفته، مسئله اصلی این پژوهش مطالعه تأثیر احساسات منفی مردم ایران نسبت به خرید کالاهای کشورهای متخاصم آمریکاست با مطالعه موردی گوشی‌های همراه آیفون است.

پیشینه نظری پژوهش

در این بخش به بررسی مفاهیم مقابله‌گری و احساسات منفی خشم، ترس، تحقیر و انزجار در دسته‌های احساسات تهدیدکننده (خشم، ترس) و افراط‌گرایانه (تحقیر و انزجار) و رابطه آن‌ها با مقابله‌گری و سپس مفهوم کیفیت محصول و تمایل به خرید پرداخته می‌شود.

مقابله‌گری

در دهه اخیر مقابله‌گری مصرف‌کنندگان یکی از مهم‌ترین موضوعات بازاریابی در حوزه خرید محصولات کشورهای خارجی است (Kaeeni & Heidarzadeh, 2014). برای نخستین بار مفهوم مقابله‌گری مصرف‌کننده در سال ۱۹۹۸ وارد ادبیات بازاریابی شد (Klein et al., 1998). آن‌ها بیان داشتند که مقابله‌گری مصرف‌کننده، اثری معکوس بر تمایلات خرید آن‌ها از محصولات کشور متخاصم دارد. آن‌ها مقابله‌گری را به معنی آثار بی‌زاری مرتبط با رویدادهای نظامی، سیاسی یا اقتصادی قبلی یا جاری می‌دانستند. آن‌ها بر این باور بودند که مقابله‌گری تنفری است سرچشمه گرفته از بحران‌های ناشی از مسائل سیاسی، اقتصادی یا نظامی که در گذشته وجود داشته‌اند یا تاکنون باقی مانده‌اند (Narang, 2016).

غالب مطالعات در حوزه مقابله‌گری مصرف‌کنندگان به بررسی گرایش‌های اعضاء یک کشور هنگام خرید محصولات کشور دیگر پرداخته‌اند (Akdoğan et al., 2012). برای مقابله‌گری چهار بُعد ارائه شده است: مقابله‌گری اقتصادی، مقابله‌گری سرچشمه گرفته‌شده

بررسی تأثیر احساسات منفی مشتریان بر تمایل به خرید... (علیرضا حبیبی؛ قاسم علی یوسفی و علی میراحمدی) ۲۶۱

از ذهن اشخاص، جنگ و همچنین اعتقادات و نگرش‌های دینی (Amine, 2008). پژوهش‌ها بیانگر آن هستند که مصرف‌کنندگان از خرید کالاهای برخی از کشورها (مبدأ) نه به دلیل کیفیتشان، بلکه به سبب مقابله‌گری که با آن کشور دارند، سرباز می‌زنند؛ بنابراین مقابله‌گری خود معیاری برای تمایز محصولات خارجی از هم برای مصرف‌کنندگان است (Richardson, 2012)؛ بنابراین مقابله‌گری را می‌توان به سه دسته عمومی، نژادی و اقتصادی تقسیم نمود (عباسی، ۱۳۹۵). در بیشتر اوقات مصرف‌کننده با توقف حمایت از برند (Grégoire et al., 2009; Park et al., 2013; Zarantonello et al., 2016)، تبلیغات منفی (Christodoulides et al., 2012; Nyer & Gopinath, 2005; Presi et al., 2014) یا شکایت از برند و اعتراض به آن (Funches et al., 2009) اقدام به واکنش می‌کنند.

احساسات تهدیدکننده و مقابله‌گری

هارملینگ و همکاران احساسات خشم و ترس را به دو دسته جداگانه تقسیم کرده‌اند: دسته اول احساسات منفی مجادله‌ای به‌مانند خشم هستند که با تمایل به تلافی نمودن و مجازات مرجع مشکل، همراه می‌یابد؛ دسته دوم احساسات منفی انزوایی به‌مانند ترس هستند که با تمایل به فاصله گرفتن از منبع مشکل همراه است (Harmeling et al., 2015; Roseman et al., 1994). این در حالی است که آنتونتی و همکاران احساس خشم و ترس را در یک گروه (احساسات تهدیدکننده) قرار داده‌اند (Antonetti et al., 2019)؛ اما آنچه مشخص است در بیشتر پژوهش‌ها صورت گرفته احساس خشم و ترس واکنشی در برابر باورهای مقابله‌گری است؛ ولی با این تفاوت که خشم فرد را به مبارزه با علت آن سوق می‌دهد، در حالی که ترس فرد را به دوری از آن هدایت می‌کند و خود این امر نشان‌دهنده تأثیر این احساسات بر رفتار مصرف‌کنندگان در مقابل کشورهای مقابله‌گر است (Bougie et al., 2003; Harmeling et al., 2015)

درک دیگران به‌عنوان یک تهدید یا به‌منزله مانعی برای دستیابی به اهداف خاص، خود سبب ایجاد احساسات گسترده منفی در میان افراد می‌شود (Kuppens et al., 2003)؛ بنابراین آنتونتی و همکارانش احساس خشم و ترس را بنا به این دلیل، در دسته احساسات تهدیدکننده قرار داده و این‌گونه احساسات را به‌طور عمده ناشی و متمرکز بر درک کشور

هدف به عنوان یک دشمن می‌دانند که می‌تواند بر توانایی گروه در دستیابی به نتایج مهم جمعی تأثیر بگذارد (Antonetti et al., 2019).

همانند پژوهش‌های کلاین و همکاران (۱۹۹۸)، بیشتر تحقیقات صورت گرفته در این زمینه، مقابله‌گری را ضدیت عمومی تعریف کرده‌اند و برای اندازه‌گیری متغیر خشم، به یک یا دو مورد اکتفا کرده‌اند (Harmeling et al., 2015). اگرچه در این رویکرد احساسات و ادراکات در همان متغیر یکپارچه شده است؛ ولی با این حال خشم، احساس بسیار پیچیده‌ای است که معنی آن بسته به موقعیت آن متفاوت است؛ ولی نکات مشترکی دارد، این احساس یکی از احساسات ناخوشایند، همراه با رفتار پرخاشگرانه، به منظور آسیب‌رساندن (جسمی یا مالی) به یک فرد متخلف مطرح می‌شود. زمانی که در مورد کشورهای مقابله‌گر صحبت می‌کنیم، منشأ و نگرش درباره احساس خشم و ترس شکلی دیگر به خود می‌گیرند؛ اما در پژوهش‌های صورت گرفته، احساس خشم به صورت مکرر بررسی شده است (Antonetti et al., 2019). این متغیر سبب می‌شود که افراد به عنوان ابزاری برای یافتن راه‌حل مورد نظرشان، فرد دیگری را مورد نکوهش یا حمله قرار دهند و از طرفی احتمال صلح را برقرار می‌سازد (Romani et al., 2013).

به‌طور کلی، دیدن کشور مقابله‌گر به عنوان یک عامل تهدیدکننده باعث ایجاد احساس خشم و ترس در میان مصرف‌کنندگان شده و خود این امر تأثیر منفی بر رفتار آنان می‌گذارد و سبب نپذیرفتن محصولات مرتبط با این کشور خارجی می‌شود (Harmeling et al., 2015; Klein et al., 1998).

احساسات افراط‌گرایانه و مقابله‌گری

تحقیق و انزجار در توضیح اثرات باورهای مقابله‌گر بر رفتار مصرف‌کنندگان نقش کلیدی دارند و کمتر بررسی شده‌اند؛ بنابراین آنتونتی و همکاران این نوع از احساسات را در دسته احساسات افراط‌گرایانه و تشدیدی قرار داده‌اند (Antonetti et al., 2019).

مغایرت بین گروهی خود سبب ایجاد این نوع از احساسات می‌شود که مفاهیم منفی عمیق‌تری درباره ماهیت کشور مقابل را به همراه دارد. احساسات افراطی (تحقیق و انزجار) دارای نقش آسیب‌زننده به درک ماهیت کشور بیگانه است که منجر به دیدن کشورهای

بررسی تأثیر احساسات منفی مشتریان بر تمایل به خرید... (علیرضا حبیبی؛ قاسم علی یوسفی و علی میراحمدی) ۲۶۳

دیگر به عنوان کشورهای فاسد و بدسیرت می‌شود و بدین ترتیب عمل صلح و آشتی را برخلاف احساس خشم، بسیار دشوار می‌سازد؛ زیرا احساس خشم راه‌ها را برای مصالحه هموار نگه می‌دارد؛ ولی احساساتی مانند تحقیر و انزجار روابط اجتماعی را مسموم ساخته و باعث درگیری و طردشدن می‌شود (Fischer & Roseman, 2007).

این موضوع از دید بازاریابان و مدیران به این معنی است که برای غلبه بر مقابله‌گری، احساسات انزجار و تحقیر نسبت به احساسات خشم و ترس مانع بسیار جدی‌تری هست (Romani et al., 2013). در بحران‌های بین‌الملل، درگیری‌های شدید بین گروهی که با درگیری‌های نظامی بلندمدت در ارتباط است یا به عبارت دیگر همان مقابله‌گری جنگی، احساسات منفی تحقیر و انزجار را با خود به همراه دارد. در چنین شرایطی کشور مقابل به عنوان عامل تهدیدکننده‌ای شمرده شده و موجب ادراک یا احساس منفی مردم از ماهیت کشور مقابل (مقابله‌گر) می‌گردد (Antonetti et al., 2019).

برای فهم بهتر احساس تحقیر در این حوزه باید به سه ویژگی آن توجه کرد:

اول، این احساس دلالت بر ارزیابی وضعیتی منفی دارد که افراد هنگامی که نسبت به کسی احساس تحقیر می‌کنند، به این تمایل دارند که از نظر اخلاقی، برتری بیشتری نسبت به او داشته باشند.

دوم، احساس تحقیر سبب می‌شود که افراد از لحاظ اجتماعی دیگران را نپذیرند، بنابراین شرایطی را برای جدایی دائمی‌تری ایجاد می‌کنند.

سوم، در حالی که خشم باعث می‌شود که افراد به عنوان وسیله‌ای برای یافتن راه‌حل، از شخص دیگری انتقاد یا حمله کنند، احساس تحقیر نوعی عکس‌العمل عمدی را به وسیله تمایل به آسیب‌رساندن و نپذیرفتن دائمی دیگران از لحاظ اجتماعی در افراد تحریک می‌کند (Fischer & Roseman, 2007; Fiske et al., 2002; Romani et al., 2013)؛ بنابراین تحقیر بعدی از نفرت درون‌گروهی است که بسیار خطرناک‌تر از خشم در زمینه مقابله‌گری است (Antonetti et al., 2019; Halperin, 2014).

کیفیت محصول

برای زمان طولانی چنین باوری وجود داشت که تطابق با مشخصات همان کیفیت است

ولی با گذشت زمان چنین مشخص شد که کیفیت درحقیقت ابعاد همبسته و در عین حال غیر یکسان زیادی دارد (سی موون و مینور، ۱۳۸۸: ۱۰۰). مصرف‌کنندگان به شدت خواستار افزایش کیفیت محصولات هستند، از این رو سازمان‌ها باید برای حفظ رضایت‌مندی مشتریان خود به منظور باقی ماندن در دنیای تجارت و مقابله با تهدیدات رقیبان در سطح داخلی و بین‌المللی به توسعه مداوم کیفیت محصولات خود تمرکز داشته باشند (Shen et al., 2000).

سازمان‌ها بدون تردید، بهبود کیفیت محصول را عامل مهمی برای توسعه محصولاتشان تلقی می‌نمایند (Millson & Wilemon, 2008). درحقیقت سازمانی که به دنبال دستیابی به یک مزیت رقابتی پایدار در سطح بین‌المللی است، کوشش خود را در بهبود کیفیت محصولاتش به کار می‌گیرد؛ زیرا این بهبود کیفیت یکی از عوامل مهم در دنیای رقابت جهانی به‌شمار می‌آید (Zaim & Şevkli, 2002).

صاحب‌نظران در مورد مفهوم کیفیت تعاریف متعددی ارائه داده‌اند، اما همه بر این باورند که کیفیت، میزان انطباق مشخصات محصول ارائه‌شده با طرح اولیه و خواسته‌های مصرف‌کنندگان است؛ به عبارت دیگر می‌توان چنین بیان کرد که کیفیت، درحقیقت برآورده‌سازی خواسته‌های مصرف‌کنندگان یا بیشتر از آن است (محمد مقدم و همکاران، ۱۳۸۷).

آنچه مصرف‌کننده درباره کیفیت محصول مد نظر دارد، امری مهم تلقی می‌گردد. بیشترین بحث درباره ادراک مصرف‌کنندگان را ویژگی‌های کیفی که مصرف‌کننده در نظر گرفته است، شامل می‌شود و این دیدگاه به عواملی که در ذهن مصرف‌کننده و ترجیحات وی ریشه نموده است برمی‌گردد (Ottesen, 2006). در رویکرد سنتی، کیفیت محصولات را براساس مشخصات فیزیکی به‌مانند دوام و قابلیت جلب اعتماد مشتری مشخص می‌نمایند. در حالی که امروزه شرکت‌ها به این نتیجه دست یافته‌اند که بهترین محصولات در دنیای کنونی اگر توانایی برطرف‌سازی خواسته‌ها و انتظارات مشتریان را نداشته باشند، ارزشی را ارائه نمی‌دهند؛ یا به عبارتی دارای کیفیت مطلوب نیستند؛ بنابراین در رویکرد امروزی، بازاریابان باید به صفاتی به‌مانند کارایی، دوام و قیمت مناسب محصول و ترکیب این موارد

بررسی تأثیر احساسات منفی مشتریان بر تمایل به خرید... (علیرضا حبیبی؛ قاسم علی یوسفی و علی میراحمدی) ۲۶۵

باهم در راستای ارائه محصول با کیفیت توجه نمایند (روستا و همکاران، ۱۳۸۶).

تمایل به خرید

وقتی صحبت از توسعه صنعتی در کشورهای در حال توسعه است، توجه به عامل مهم درک رفتار مصرف کننده و شیوه تأثیر گذاری آن بحثی مهم پنداشته می شود. به خوبی مشخص است که سازمان ها تنها زمانی می توانند رابطه معنادار و منطقی بین صنعت و مشتریان خود پیدا کنند که رفتار مصرف کننده خویش را به خوبی درک نموده باشند. از این رو سازمان هایی در صنعت از دیگر رقبای خود جلوتر حرکت می کنند که درک درست و مناسب بیشتری از مشتریان خویش دارند.

این سازمان ها اهداف، خط مشی و استراتژی خود را بر اساس این ادراکات تنظیم می نمایند. بیشتر برنامه های سازمان ها به صورتی تنظیم می گردند که افزون بر تمرکز بر وفاداری مصرف کنندگان، توانایی افزایش خریدهای مکرر آن ها را نیز داشته باشند؛ به عبارتی فعالیت هایی که سازمان در حفظ و نگهداری مصرف کننده خویش انجام می دهد، به تمایل به خرید اشاره دارد. تمایل به خرید را می توان احتمال تمایل یک مشتری به انجام تصمیم خرید مشخص و معلوم دانست. این اصطلاح به میزان گرایش مصرف کننده به خریداری خدمات یا کالای سازمان در آینده توجه دارد. پس به خوبی مشخص می شود که چرا مدیران در فعالیت های بازاریابی به طور مداوم از تمایل به خرید مشتریان بهره می جویند (حسینی، ۱۳۹۱).

یکی از عواملی که توانایی تأثیر بر رفتار خرید مصرف کننده را دارد، نگرش وی است. نگرش را می توان فرایندهای احساسی، ادراکی، شناختی و انگیزشی در نظر گرفت. در برخی موارد از مقیاس خرید برای مشخص کردن احتمال میزان خرید محصولات در مدت زمان مشخصی استفاده می شود. نکته قابل اهمیت این است که مقیاس های ارادی نسبت به نوع رفتاری شان تأثیر بیشتری دارند، زیرا مشتریان ممکن است به دلیل اجبار دست به خرید بزنند (Hu, 2010). می توان چنین گفت که زمانی که یک مشتری تمایل به خرید کردن دارد، در حقیقت تعهدی در رفتار او صورت گرفته است.

مطلبی که می‌توان به‌خوبی در اینجا مشاهده کرد، علاقه و تمایلی است که مشتریان در هنگام فعالیت خرید از خود نشان می‌دهند. شرط لازم برای تمایل به خرید وجود انگیزه کافی در اشخاص است؛ از این‌رو، سازمان‌ها نیز تلاش خود را برافزایش تمایل مشتریان به خرید قرار داده‌اند. جان آنتیل با در نظر گرفتن متغیرهای خصوصیات اطلاعات، ویژگی‌های کالا و شرایط و موقعیت که از مشتری به‌دست می‌آید، به‌دنبال تبیین این عوامل بر تمایل به خرید مشتریان بوده است. در سال ۲۰۰۰ مدل رفتار مصرف‌کننده‌ای که دارای سه مرحله ورودی، فرایند و خروجی بود، از طرف شیفمن مطرح شد؛ در این مدل عوامل پیش‌گفته به‌عنوان ورودی در هنگام تصمیم‌گیری برای خرید تأثیرگذار هستند. در مرحله بعدی که فرایند هست، عوامل شناختی در نظر گرفته شده است؛ سپس چیزی که در تفکر مشتری ایجاد می‌شود، رفتار پس از خرید را دربر می‌گیرد که همان خروجی است. از نظر شیفمن در تصمیم‌گیری و فرایند تمایل به خرید تجربه نقش بسزایی دارد (کاتلر، ۱۳۸۹).

پیشینه پژوهش

در این قسمت پژوهش‌های صورت‌گرفته داخلی و خارجی در حوزه مطالعه حاضر بررسی می‌شود:

مطالعات خارجی: آنتونتی و همکاران (۲۰۱۹) به این نتیجه دست یافتند که احساسات منفی شدید تحقیر و انزجار، نقش کلیدی در توضیح اثرات باورهای مقابله‌جویانه بر رفتار را بازی می‌کنند و به‌جای ارزیابی احساسات منفی به‌طور کلی، مدیران باید واکنش‌های احساسی خاصی را که از کشور تحت آزمون استنباط شده است، در نظر بگیرند.

Cheah و همکاران (۲۰۱۶) نتیجه گرفتند که مقابله‌گری شدید نسبت به ژاپنی‌ها باعث عدم تمایل مصرف‌کنندگان چینی برای خرید محصولات ژاپنی شده است. مهم‌تر اینکه نتایج نشان داد که ساخت داخل بودن محصولات چندملیتی با برند ژاپنی و حس تعلق خاطر به وطن، مقابله‌گری مصرف‌کنندگان چینی نسبت به ژاپن را ملایم‌تر نکرده است؛ همچنین دریافتند در صورت وجود مقابله‌گری شدید میان دو ملت، ملی‌گرایی نقش قابل توجهی در اثرگذاری بر دیگر ساختارها ندارد.

بررسی تأثیر احساسات منفی مشتریان بر تمایل به خرید... (علیرضا حبیبی؛ قاسم علی یوسفی و علی میراحمدی) ۲۶۷

De Nisco و همکاران (۲۰۱۶) بیان داشته‌اند که مقابله‌گری اقتصادی تأثیری بر تصویر کلی از کشور متخاصم و ارزیابی محصولات آن کشور ندارد؛ اما بر پذیرش کالای وارداتی اثری منفی دارد. این پژوهش همچنین ارتباط بین ملی‌گرایی و مقابله‌گری اقتصادی را تأیید می‌کند؛ بنابراین مصرف‌کنندگانی که نسبت به کشوری بیگانه احساس خشم دارند، نسبت به تولیدات داخلی حسّ بهتری داشته و از گزینه خارجی اجتناب می‌کنند.

Farah و Abosag (۲۰۱۴) بر این باور هستند که مقابله‌جویی بر قصد تحریم تأثیرگذار بوده و قصد تحریم‌ها بر تصویر برند و وفاداری آن تأثیر منفی می‌گذارد. در نهایت هیچ اثر مقابله‌جویی بر کیفیت محصول دیده نشد.

Fetscherin و Heinrich (۲۰۱۴) روابط مصرف‌کننده - برند را بررسی کرده و ماتریس احساس ارتباط برند را مطرح کرده‌اند که در آن به مفاهیم مرتبط با روابط مصرف‌کننده برند پرداخته شده است. این مدل بر ابعاد احساسی روابط مصرف‌کننده برند تأکید می‌ورزد. از نظر آن‌ها روابط مصرف‌کننده برند را می‌توان در دو محور نشان داد. محور استحکام روابط (از ضعیف تا شدید) و محور احساس نسبت به برند (از منفی تا مثبت).

مطالعات داخلی: آرامی و خیری (۱۳۹۶) نشان دادند که مقابله‌گری مصرف‌کننده بر قضاوت محصول و تمایل به خرید تأثیر دارد؛ همچنین قومیت‌گرایی مصرف‌کننده بر مقابله‌گری مصرف‌کننده و تمایل به خرید اثرگذار است. شهرت شرکت خارجی بر مقابله‌گری مصرف‌کننده تأثیر می‌گذارد. از دیگر یافته‌های آن می‌توان به این مورد اشاره کرد که نگرش نسبت به کالاهای خارجی بر ارزیابی آن‌ها تأثیر می‌گذارد. نتیجه کلی بیانگر این است که قضاوت محصول بر تمایل به خرید و اقدام به خرید تأثیر دارد.

عباسی (۱۳۹۵) بر این باور است که مقابله‌گری عمومی بر تصمیمات خرید اثر مستقیم و معناداری دارد؛ از طرفی مقابله‌گری اقتصادی دارای اثر غیر مستقیم معنادار و با میانجی‌گری کامل درگیری ذهنی خرید روی تصمیمات خرید است و مقابله‌گری قومی - نژادی نیز با میانجی‌گری جزئی درگیری ذهنی خرید اثر مستقیم و غیر مستقیم معناداری روی تصمیمات خرید دارد.

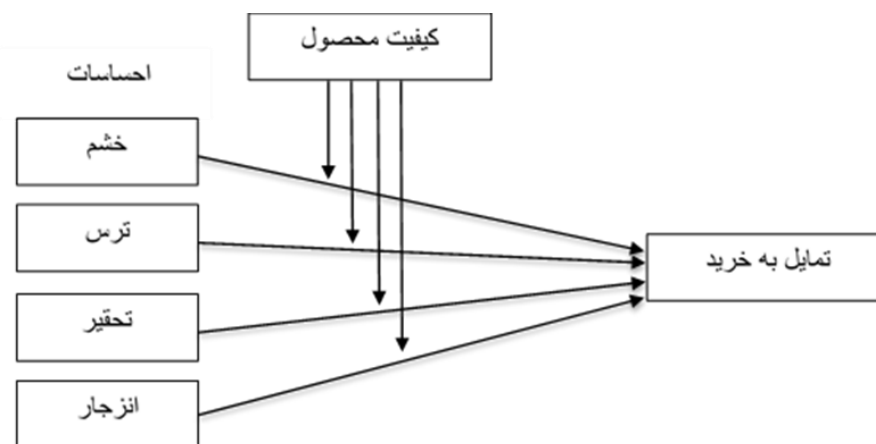
مهدیه و چوپتراش (۱۳۹۳) به این نتیجه رسیدند که بین تصمیم‌گیری خرید و ابعاد

درگیری ذهنی (علاقه مندی به محصول، ارزش مبتنی بر لذت، ارزش نمادین، اهمیت و ریسک و احتمال ریسک) رابطه معناداری وجود دارد.

بهمنی (۱۳۹۱) نشان داد مصرف‌کنندگان در خرید کالای خارجی یا ایرانی در طبقات مختلف کالایی متفاوت عمل می‌کنند. طبق این نتایج، ۸۳٪ پاسخگویان براساس معیارهای شناختی و عقلانی به خرید اقدام می‌کنند؛ از سوی دیگر ۹۰٪ پاسخگویانی که کالای خارجی را ترجیح می‌دهند، مهم‌ترین دلیل تمایل خود به کالاهای خارجی را دوام و کیفیت این کالاها می‌دانند.

حقیقی و همکاران (۱۳۹۲) نتیجه گرفتند که تفاوت ادراکی از کیفیت کالاهای داخلی در بین کالاهای مختلف وجود دارد و نسبت به کالاهای مصرفی و ضروری ساخت کشور ایران در مقایسه با کالاهای بادوام و لوکس نظر مثبتی وجود دارد. ملی‌گرایی مصرفی نیز بر ادراک افراد از کیفیت و قصد خرید طبقات کالایی گوناگون داخلی اثرگذار است. در نهایت اثر کشور مبدأ تأیید شد، اما رابطه متقابل ملی‌گرایی مصرفی و اثر کشور سازنده تأیید نگردید.

با توجه به مبانی نظری، پیشینه پژوهش و مدل مفهومی پژوهش (Antonetti et al., 2019) و (Bahae & Pisani, 2009)، مدل مفهومی حاضر نوشتار پیش رو با نوآوری نقش تعدیل‌گری کیفیت محصول شکل زیر است:



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

بررسی تأثیر احساسات منفی مشتریان بر تمایل به خرید... (علیرضا حبیبی؛ قاسم علی یوسفی و علی میراحمدی) ۲۶۹

روش‌شناسی پژوهش

از آنجاکه نوشتار پیش رو روابط و وضعیت موجود را بررسی می‌کند، پژوهش توصیفی - پیمایشی تلقی می‌گردد. از طرفی چون یافته‌های آن قابلیت استفاده برای حل مسائل را دارد، هدف آن کاربردی است. ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه و با مقیاس پنج‌گزینه‌ای لیکرت است. جامعه آماری این پژوهش خریداران ایرانی گوشی آیفون هستند. حجم نمونه آماری براساس جدول مورگان (Morgan) و فرمول آماری حداقل میزان حجم نمونه برای مدل معادلات ساختاری با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده برای تعمیم‌پذیری بیشتر ۳۸۴ نفر تعیین شده است. از نمونه‌گیری تصادفی ساده به‌علت برابری شانس برابر افراد در جامعه آماری برای انتخاب‌شدن و همگن بودن مقوله مورد بررسی استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها از راه مدل معادلات ساختاری و نرم‌افزارهای اس.پی.اس.اس. نسخه ۲۵ و اسمارت پی.ال.اس. نسخه ۲ صورت گرفته است.

براساس مدل مفهومی ارائه‌شده، فرضیات پژوهش این‌چنین است:

۱H: احساس خشم نسبت به کشور ایالات متحده آمریکا، بر تمایل به خرید برند آیفون در جمهوری اسلامی ایران مؤثر است.

۲H: احساس ترس نسبت به کشور ایالات متحده آمریکا، بر تمایل به خرید برند آیفون در جمهوری اسلامی ایران مؤثر است.

۳H: احساس تحقیر نسبت به کشور ایالات متحده آمریکا، بر تمایل به خرید برند آیفون در جمهوری اسلامی ایران مؤثر است.

۴H: احساس انزجار نسبت به کشور ایالات متحده آمریکا، بر تمایل به خرید برند آیفون در جمهوری اسلامی ایران مؤثر است.

۵H: کیفیت محصول در رابطه احساس خشم و تمایل به خرید برند آیفون در جمهوری اسلامی ایران، نقش تعدیل‌گری دارد.

۶H: کیفیت محصول در رابطه احساس ترس و تمایل به خرید برند آیفون در جمهوری اسلامی ایران، نقش تعدیل‌گری دارد.

۷H: کیفیت محصول در رابطه احساس تحقیر و تمایل به خرید برند آیفون در

جمهوری اسلامی ایران، نقش تعدیل‌گری دارد.

۸H: کیفیت محصول در رابطه احساس انزجار و تمایل به خرید برند آیفون در

جمهوری اسلامی ایران، نقش تعدیل‌گری دارد.

داده‌های پژوهش از راه پرسش‌نامه تطابق داده‌شده پژوهش‌های آنتونتی و همکاران (۲۰۱۹) و کلاین و همکاران (۱۹۹۸) جمع‌آوری شده است. پرسش‌نامه‌ای با ۳ پرسش جمعیت‌شناختی (چندگزینه‌ای) و ۲۴ سؤال برای متغیرهای پژوهش، به ترتیب خشم با چهار سؤال، ترس با چهار سؤال، تحقیر با سه سؤال، انزجار با چهار سؤال، کیفیت محصول با چهار سؤال برگرفته از (Antonetti et al., 2019) و تمایل به خرید با پنج سؤال برگرفته از (Klein et al., 1998)، در مقیاس ۱ تا ۵ لیکرت بوده است. روایی و پایایی ابزار به ترتیب با استفاده از نظر کارشناسان در این حوزه و آلفای کرونباخ، ضریب ترکیبی، شاخص متوسط واریانس استخراج‌شده و روایی افتراقی بررسی شده است.

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، مقادیر آلفای کرونباخ بین ۰/۷۷۱ و ۰/۸۵۴ است؛ همچنین مقادیر ضریب ترکیبی بین ۰/۸۵۳ و ۰/۹۰۴ است که به معنی پایایی مناسب سازه‌ها است. در بررسی روایی مدل باید به بررسی روایی متغیرها و معرف‌ها پرداخت. برای بررسی روایی متغیرها از شاخص متوسط واریانس استخراج‌شده (AVE) استفاده می‌شود که مقادیر بالای ۰/۵ نشان‌دهنده روایی مناسب است. همان‌گونه که در جدول ۱ مشاهده می‌کنید، مقدار متوسط واریانس استخراج برای سازه‌های نوشتار پیش رو بین ۰/۵۸۴ و ۰/۷۶۰ است که از مقدار حداقلی ۰/۵ بیشتر است که نشان‌دهنده روایی مناسب سازه‌ها است.

جدول ۱. پایایی و متوسط واریانس استخراج‌شده متغیرهای پژوهش

سازه‌ها	آلفای کرونباخ	ضریب ترکیبی	AVE
خشم	۰/۸۰۴۵۰۳	۰/۸۷۱۶۱۷	۰/۶۳۰۱۲۴
انزجار	۰/۸۴۵۴۷۶	۰/۸۹۷۳۴۱	۰/۶۸۳۰۷۴
ترس	۰/۸۵۴۷۲۶	۰/۸۹۷۳۴۱	۰/۶۸۶۷۱۴
تحقیر	۰/۸۴۲۹۰۸	۰/۹۰۴۷۶۶	۰/۷۶۰۰۲۵
کیفیت محصول	۰/۷۷۱۲۷۰	۰/۸۵۳۵۵۴	۰/۵۹۳۰۶۹
تمایل به خرید	۰/۸۲۱۲۵۰	۰/۸۷۴۸۸۵	۰/۵۸۴۱۰۱

بررسی تأثیر احساسات منفی مشتریان بر تمایل به خرید... (علیرضا حبیبی؛ قاسم علی یوسفی و علی میراحمدی) ۲۷۱

برای اینکه پایایی معرف‌ها در روش حداقل مربعات جزئی (Partial Least Square) بررسی شود، از آزمون بار عاملی (Factor loading) استفاده شده است که در این آن باید بار عاملی معرف‌ها بیشتر از ۰/۷ باشد. ضرایب بارهای عاملی سؤالات پرسش‌نامه پژوهش در جدول ۲ به خوبی قابل مشاهده است.

همان‌طور که در جدول ۲ دیده می‌شود، بیشتر معرف‌ها دارای بار عاملی بالاتر از مقدار حداقلی ۰/۷ هستند و فقط یکی از آن‌ها دارای بار عاملی کمتر از ۰/۷ است که با در نظر گرفتن قاعده بایدو^۱ (آذر و همکاران، ۱۳۹۱) و متوسط واریانس استخراج شده سازه‌های آن (که بالاتر از ۰/۵ است) می‌توان این معرف را نیز حفظ نمود (لازم به ذکر است این ضرایب بارهای عاملی در جدول ۲ (بارهای عرضی) نیز قابل مشاهده است (اعداد پررنگ شده)).

جدول ۲. بارهای عرضی معرف‌های پژوهش^۲

WB	PQ	HU	FE	DI	AN	
-۰/۲۹۵۹۸۳	-۰/۲۰۷۲۵۴	۰/۰۰۳۷۷۳	۰/۰۱۹۱۹۳	۰/۱۶۶۲۰۳	۰/۸۵۱۱۰۱	AN 1
-۰/۲۹۵۴۲۱	-۰/۳۰۵۱۱۱	۰/۰۳۱۴۳۰	۰/۰۹۲۱۵۲	۰/۲۱۲۲۵۴	۰/۸۲۸۸۰۹	AN 2
-۰/۲۳۵۴۹۰	-۰/۲۴۵۲۴۱	-۰/۰۶۹۴۱۶	۰/۰۶۷۹۸۷	۰/۱۴۸۴۱۹	۰/۷۴۶۹۰۵	AN 3
-۰/۲۰۶۱۲۵	-۰/۳۰۵۰۱۷	-۰/۰۶۹۲۳۲	-۰/۰۳۳۷۵۶	۰/۰۹۳۹۴۷	۰/۷۴۲۵۱۶	AN 4
-۰/۴۶۴۶۰۹	-۰/۴۴۸۷۸۵	۰/۰۸۳۹۴۴	۰/۲۶۰۳۵۰	۰/۸۷۸۶۱۱	۰/۱۷۶۰۷۳	DI 1
-۰/۳۴۴۰۵۱	-۰/۴۵۴۶۲۷	۰/۰۱۳۳۹۹	۰/۱۷۳۱۳۷	۰/۸۰۰۲۳۳	۰/۱۹۴۰۰۸	DI 2
-۰/۳۶۳۸۷۶	-۰/۴۳۳۹۹۹	۰/۰۱۱۳۶۰	۰/۲۵۵۵۵۰	۰/۷۹۳۶۹۴	۰/۱۷۰۳۹۳	DI 3
-۰/۳۷۲۶۷۴	-۰/۳۶۸۲۸۰	۰/۰۵۲۱۶۶	۰/۱۸۳۳۵۵	۰/۸۳۰۶۷۱	۰/۱۲۷۴۳۹	DI 4
-۰/۱۸۰۱۲۷	-۰/۱۶۳۶۷۵	۰/۱۰۰۴۳۳	۰/۸۳۰۷۲۰	۰/۱۸۴۳۶۷	۰/۰۶۱۱۳۷	4 FE
-۰/۲۴۴۵۳۲	-۰/۱۶۳۹۴۱	۰/۱۴۱۹۲۴	۰/۸۸۱۵۷۶	۰/۲۴۴۲۷۳	-۰/۰۳۷۵۳۷	FE 1
-۰/۲۰۳۵۴۷	-۰/۱۵۹۷۹۵	۰/۰۶۰۱۳۴	۰/۸۴۲۴۰۷	۰/۲۵۲۳۴۲	۰/۱۲۰۳۹۶	FE 2
-۰/۰۷۸۱۹۱	-۰/۱۱۸۱۹۷	۰/۰۴۰۹۵۷	۰/۷۵۴۹۴۱	۰/۱۸۶۱۲۲۲	۷/۰۰۵۰۲۶۷	FE 3
-۰/۱۸۳۲۳۲	-۰/۰۱۹۹۵۰	۰/۸۸۳۱۶۰	۰/۰۴۷۹۹۶	۰/۰۲۹۵۲۳	-۰/۰۲۹۰۱۵	HU 1

۱. بایدو بیان می‌کند که اگر سازه‌ای دارای معرف با بار عاملی کمتر از ۰/۷ باشد ولی متوسط واریانس استخراج شده آن بالاتر از ۰/۵ باشد، می‌توان آن معرف را حفظ نمود. برای اطلاع بیشتر به عادل آذر و همکاران (۱۳۹۱) مراجعه نمایید.

۲. AN: نماد متغیر هشتم؛ DI: نماد متغیر انزجار؛ FE: نماد متغیر ترس؛ HU: نماد متغیر تحقیر؛ PQ: نماد متغیر کیفیت محصول و WB: نماد متغیر تمایل به خرید است.

بررسی تأثیر احساسات منفی مشتریان بر تمایل به خرید... (علیرضا حبیبی؛ قاسم علی یوسفی و علی میراحمدی) ۲۷۳

یافته‌های پژوهش

نتایج پژوهش را می‌توان در دو بخش توصیفی و استنباطی مشاهده نمود:

نتایج توصیفی

در جدول زیر آمار توصیفی نمونه ارائه شده است. نتایج نشان می‌دهد که بیشتر اعضای نمونه را مردان تشکیل می‌دهند (۵۳/۹٪). بیش از ۷۱٪ از افرادی که در نوشتار پیش رو شرکت کرده‌اند، حداقل دارای مدرک کارشناسی هستند. بزرگ‌ترین بخش از جامعه آماری را تشکیل می‌دهند. نتایج نشان می‌دهد ۷۴٪ از افرادی که در پژوهش شرکت کرده‌اند، سنی کمتر از ۳۵ سال دارند که جوان‌بودن بیشتر افراد حاضر در جستار است.

جدول ۴. آمار توصیفی نمونه آماری

ردیف	جنسیت	سن	تحصیلات
۱	مرد: ۲۰۷	بین ۱۸ تا ۲۵: ۱۱۸	پایین‌تر از دیپلم: ۲۰
۲	زن: ۱۷۷	بین ۲۶ تا ۳۰: ۸۵	دیپلم: ۴۳
۳		۳۱ تا ۳۵: ۸۷	کاردانی: ۴۵
۴		۳۶ تا ۴۰: ۵۹	کارشناسی: ۱۶۳
۵		۴۱ تا ۴۵: ۲۳	کارشناسی‌ارشد: ۹۳
۶		۴۶ تا ۵۰: ۱۱	دکتر: ۲۰
۷		۵۱ به بالا: ۵	

آزمون نرمال‌بودن داده‌ها (Normality Test)

برای بررسی نرمال بودن متغیرهای پژوهش به دلیل اینکه آزمون‌های آماری به میزان زیادی تحت تأثیر حجم نمونه هستند و در نمونه‌های با حجم بالا میل به نشان‌دادن نرمال‌بودن دارند، از شاخص‌های چولگی و کشیدگی (Skewness and Kurtosis) استفاده شده است. با ملاحظه جدول ۵ با توجه به اینکه همه مقادیر چولگی و کشیدگی متغیرهای پژوهش بین ۲- تا ۲+ قرار دارد، می‌توان گفت که متغیرهای پژوهش دارای توزیع نرمال هستند.

جدول ۵. آزمون نرمال بودن

متغیر	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
خشتم	۱۳/۴۲۱۹	۳/۴۱۰۰۴	-۱/۶۸	-۶۴۰
انزجار	۱۳/۰۵۲۱	۴/۰۴۸۳۲	/۰۸۹	-۱/۰۲۰
تحقیر	۱۰/۵۰۲۶	۲/۹۳۱۷۷	-/۴۱۹	-/۹۰۴
ترس	۱۴/۲۱۰۹	۳/۴۲۱۶۰	-/۵۵۲	-/۷۷۵
کیفیت محصول	۱۲/۷۶۸۲	۳/۷۰۷۴۴	/۰۹۵	-/۸۴۰
تمایل به خرید	۱۷/۴۱۹	۴/۵۷۳۵۹	-/۰۵۶	-۱/۳۶۹

آزمون کیفیت مدل ساختاری (Structural Equations)

در تحلیل مدل‌های ساختاری به کمک رویکرد حداقل مربعات جزئی، سه معیار اصلی برای آزمون مدل‌های ساختاری وجود دارد: شاخص ضریب تعیین R^2 ، شاخص Q^2 ، برازش کلی (Goodness of Fit) GOF.

معیار R^2

ضریب تعیین R^2 ، معیاری اساسی برای ارزیابی متغیرهای مکنون درون‌زا است. این شاخص میزان درصد تغییرات متغیر درون‌زا به وسیله متغیر برون‌زا را نشان می‌دهد. مقادیر ۰/۶۷، ۰/۳۳ و ۰/۱۹ برای متغیرهای مکنون درون‌زا (وابسته) در مدل مسیر ساختاری (درونی) به ترتیب قابل توجه، متوسط و ضعیف توصیف شده است. نتایج این آزمون در جدول ۶ قابل مشاهده است.

معیار Q^2

معیار Q^2 را تنها می‌توان زمانی محاسبه کرد که شاخص‌های سازه‌های درون‌زای مدل از نوع انعکاسی باشند و زمانی که میزان آن در مورد یک سازه درون‌زا صفر یا کمتر از آن شود، بیانگر این است که روابط بین سازه‌های دیگر مدل و آن سازه درون‌زا به خوبی تبیین نشده و در نتیجه مدل مطرح شده نیاز به اصلاح دارد. Henseler و همکاران (۲۰۰۹) درباره شدت قدرت پیش‌بینی مدل در سازه‌های درون‌زا سه مقدار ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ را تعیین نموده‌اند که به ترتیب نشان‌دهنده قدرت پیش‌بینی ضعیف، متوسط و قوی یک سازه در قبال

بررسی تأثیر احساسات منفی مشتریان بر تمایل به خرید... (علیرضا حبیبی؛ قاسم علی یوسفی و علی میراحمدی) ۲۷۵
 شاخص‌های آن سازه است. جدول ۶ مقادیر معیار Q^2 را برای متغیر تمایل به خرید که تنها
 متغیر درون‌زای مدل است، نشان می‌دهد.

بررسی برازش بخش کلی

در مدل‌سازی معادلات ساختاری به کمک روش PLS برخلاف روش کواریانس محور
 (CB-SEM) شاخصی برای سنجش کل مدل موجود نیست؛ ولی به وسیله Tenenhaus
 همکاران (۲۰۰۴) شاخصی به نام نیکویی برازش (GOF) مطرح شده است. این شاخص
 هر دو مدل اندازه‌گیری و ساختاری را بررسی می‌کند و به عنوان معیاری برای سنجش
 عملکرد کلی مدل به کار می‌رود. بازه این شاخص بین صفر و یک است و Wetzels و
 همکاران (۲۰۰۹) سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ را به ترتیب به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط
 و قوی برای آن مطرح می‌کنند. این شاخص به وسیله R^2 و میانگین مقادیر اشتراک
 (Communality) اندازه‌گیری می‌شود.

جدول ۶. GOF

$$GOF = \sqrt{\text{communalities} \times R^2}$$

GOF	R Square	معیار Q^2	Communality	متغیر
	-	-	۰/۶۳۰۱۲۴	خشم
	-	-	۰/۶۸۳۰۷۴	انزجار
	-	-	۰/۶۸۶۷۱۴	ترس
۰/۵۵۰	-	-	۰/۷۶۰۰۲۵	تحقیر
	-	-	۰/۵۹۳۰۶۹	کیفیت محصول
	۰/۴۶۱۲۱۳	۰/۲۶۸۹۱۳	۰/۵۸۴۱۰۱	تمایل به خرید
	۰/۴۶۱	۰/۲۶۸۹۱۳	۰/۶۵۶	متوسط

با توجه به سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ که به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی
 برای GOF معرفی شده است (Wetzels et al., 2009) و حصول مقدار ۰/۵۵ برازش مدل کلی
 به صورت قوی تأیید می‌شود.

آزمون فرضیه‌های پژوهش

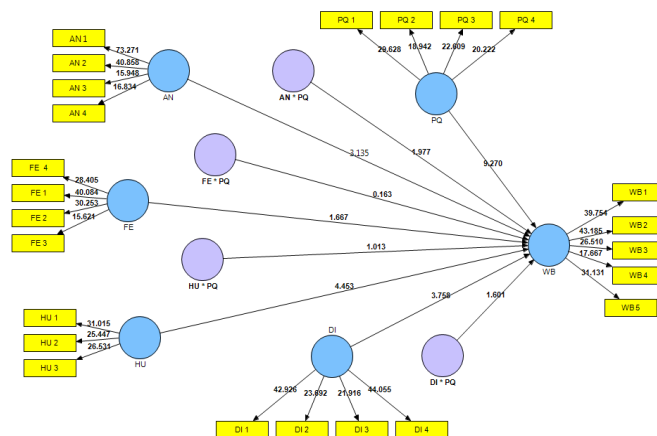
ضرایب معناداری T

در این قسمت با استفاده از الگوریتم بوت استارپ آماره T (T-Value) محاسبه شده است. در صورتی که آماره T مقدار آن از ۱/۹۶ بیشتر گردد، بیانگر درستی رابطه بین سازه‌ها و در نتیجه تأیید فرضیه‌های پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ است (اعداد معناداری در سطوح اطمینان ۹۹٪ و ۹۹/۹٪ به ترتیب ۲/۵۸ و ۳/۲۷ هست). نتایج این الگوریتم در شکل ۲ نشان داده شده است.

ضرایب مسیر

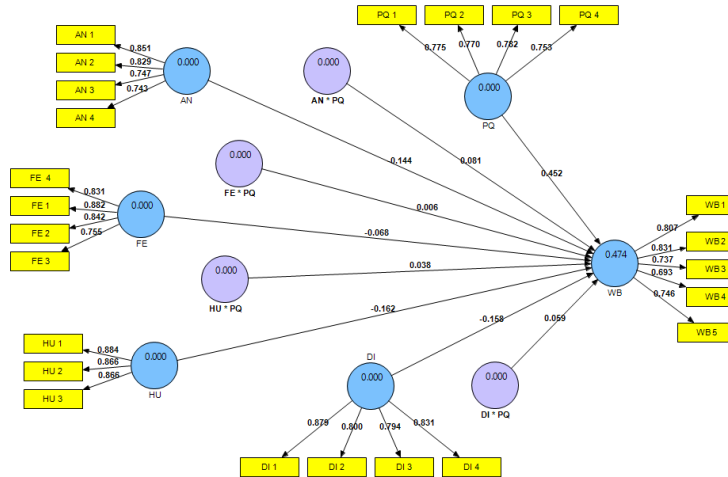
برای محاسبه ضرایب استاندارد مسیر بین سازه‌ها باید از الگوریتم پی.ال.اس. استفاده شود. ضرایب استاندارد شده بین متغیر مستقل و وابسته بیانگر این مطلب است که متغیر مستقل چه میزان درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌نماید. شکل ۳ ضرایب استاندارد شده مسیرهای مربوط به هر یک از فرضیه‌ها را نشان می‌دهد.

با توجه به نتایج به دست آمده از تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، نتایج فرضیات پژوهش به طور کلی در قالب جدول ۷ آمده است. لازم به ذکر است که روابطی که در آن مقدار آماره تی آن‌ها بیشتر از ۱/۹۶ باشد؛ تأیید می‌شوند و روابطی که مقدار آماره تی آن‌ها کمتر از ۱/۹۶ باشد، تأیید نمی‌گردند.



شکل ۲. آماره t بین متغیرهای اصلی پژوهش

بررسی تأثیر احساسات منفی مشتریان بر تمایل به خرید... (علیرضا حبیبی؛ قاسم علی یوسفی و علی میراحمدی) ۲۷۷



شکل ۳. ضریب مسیر بین متغیرهای اصلی پژوهش

جدول ۷. تأیید یا رد فرضیه‌ها

نتیجه	Sig	T-value	B	فرضیه‌های پژوهش
تأیید	**	۳/۱۳۵	-۰/۱۴۴	احساس خشم نسبت به کشور ایالات متحده آمریکا، بر تمایل به خرید آیفون در جمهوری اسلامی ایران تأثیر معنی داری دارد.
رد		۱/۶۶۷	-۰/۰۶۸	احساس ترس نسبت به کشور ایالات متحده آمریکا، بر تمایل به خرید آیفون در جمهوری اسلامی ایران تأثیر معنی داری دارد.
تأیید	**	۴/۴۵۳	-۰/۱۶۲	احساس تحقیر نسبت به کشور ایالات متحده آمریکا، بر تمایل به خرید آیفون در جمهوری اسلامی ایران تأثیر معنی داری دارد.
تأیید	**	۳/۷۵۹	-۰/۱۵۸	احساس انزجار نسبت به کشور ایالات متحده آمریکا، بر تمایل به خرید آیفون در جمهوری اسلامی ایران تأثیر معنی داری دارد.
تأیید	**	۱/۹۷۷	۰/۰۸۱	کیفیت محصول در رابطه احساس خشم و تمایل به خرید برند آیفون در جمهوری اسلامی ایران، نقش تعدیل‌گری دارد.
رد		۰/۱۶۳	۰/۰۰۶	کیفیت محصول در رابطه احساس ترس و تمایل به خرید برند آیفون در جمهوری اسلامی ایران، نقش تعدیل‌گری دارد.
رد		۱/۰۱۳	۰/۰۳۸	کیفیت محصول در رابطه احساس تحقیر و تمایل به خرید برند آیفون در جمهوری اسلامی ایران، نقش تعدیل‌گری دارد.
رد		۱/۶۰۱	۰/۰۵۹	کیفیت محصول در رابطه احساس انزجار و تمایل به خرید برند آیفون در جمهوری اسلامی ایران، نقش تعدیل‌گری دارد.

*** p < 0.01. **p < 0.05. *p < 0.1.

بحث و نتیجه‌گیری

به‌طور کلی با توجه به نتایج آماری به‌دست‌آمده می‌توان چنین اظهار داشت که هم‌راستا با نظریه انتساب (Attribution Theory) ارائه‌شده به‌وسیله (Weiner's, 1985)، خرید کالاهای تولیدشده در کشور متخاصم به عوامل درونی (مانند احساسات) و عوامل بیرونی مانند کیفیت محصولات تولیدشده در کشور متخاصم و عوامل کلان سیاسی و اقتصادی مابین کشورها بستگی دارد. از نتایج پژوهش می‌توان به اثر منفی احساس خشم بر تمایل به خرید کالاهای کشورهای مقابل‌گر اشاره کرد. تأیید تأثیر خشم بر تمایل به خرید بدین معنی است که میزان قابل توجهی از احساس خشم در مصرف‌کنندگان نسبت به کشورهای مقابل‌گر وجود دارد و در نتیجه باعث پرهیز از خرید محصول کشور مقابل‌گر می‌شود. احساس خشم به‌عنوان احساسی تهدیدکننده و مجادله‌ای که واکنشی به باورهای مقابل‌گری است، شخص مصرف‌کننده را به مبارزه و تلافی نمودن با علت آن تشویق می‌کند و تأثیر منفی بر رفتار آن‌ها می‌گذارد. فرد که تنها راه تلافی را در نپذیرفتن محصولات کشور مقابل‌گر می‌بیند؛ بنابراین، با این روش از خرید محصولات آن کشور اجتناب به عمل می‌آورد (Harmeling, et al., 2015). از این‌رو کاهش و مقابله با این احساس برای بازاربازان و شرکت‌های بین‌المللی امری مهم به‌شمار می‌آید.

نتیجه این فرضیه با پژوهش هارملینگ و همکاران (۲۰۱۵) و بهایی و پیسانیش (۲۰۰۹) هم‌خوانی دارد. این نتیجه مؤید آن است که هر قدر مصرف‌کنندگان ایرانی در تصویر ذهنی خود خشمگین‌تر از آمریکا به‌عنوان یک کشور ابرقدرت استعمارگر سیاسی، اقتصادی و فناورانه باشند، به خرید کالاهای آمریکایی تمایل کمتری خواهند داشت؛ همچنین از اثبات این فرضیه می‌توان نتیجه گرفت که هر چه از دخالت‌های آمریکا در حوزه سیاست‌های خصمانه به‌مثابه مؤلفه‌ای که بیشتر از دیگر حوزه‌ها در رابطه ایران و آمریکا مؤثر بوده کاسته شود، تمایل به خرید کالاهای آمریکایی مانند گوشی‌های آیفون در ایران افزایش می‌یابد. احساس منفی ترس بر تمایل به خرید کالاهای کشورهای مقابل‌گر تأثیر معناداری ندارد. رد این فرضیه گواه این است که احساس ترس در مصرف‌کنندگان نسبت به کشور مقابل‌گر وجود ندارد و می‌توان از تأثیر ناچیز این احساس بر تمایل به خرید محصولات کشورهای

بررسی تأثیر احساسات منفی مشتریان بر تمایل به خرید... (علیرضا حبیبی؛ قاسم علی یوسفی و علی میراحمدی) ۲۷۹

مقابله‌گر چشم‌پوشی کرد. نتیجه این فرضیه با پژوهش آنتونتی و همکاران (۲۰۱۹) هم‌خوانی دارد. نتیجه فرضیه مؤید آن است که ترس از کشور متخاصم موجب خرید کالاهای حتی با کیفیت آن کشور نخواهد شد. ایستادگی ایرانیان در مقابل تجاوز استعمارگران در هشت سال جنگ تحمیلی و همچنین بیش از یک دهه تحریم‌های ظالمانه علیه اقتصاد ایران، نشان از عزم راسخ مردم برای رسیدن به اهداف والای انقلاب دارد.

هر دو احساس تحقیر و انزجار بر تمایل به خرید کالاهای کشورهای مقابله‌گر تأثیر معنادار و منفی دارد. تأیید این دو فرضیه را می‌توان چنین تحلیل کرد که در میان مصرف‌کنندگان نسبت به کشور مقابله‌گر میزان قابل توجهی از این دو احساس موجود است. این دو احساس که در پژوهش‌های پیشین نقش کلیدی را در توضیح مقابله‌گری دارند و هر دو در دسته احساسات افراط‌گرایانه قرار گرفته‌اند (Antonetti et al., 2019)، مفاهیم منفی عمیق‌تری درباره ماهیت کشور مقابله‌گر را بیان می‌دارند.

بروز این احساسات به‌طور معمول با رویدادهای جنگی همراه است و برخلاف احساس خشم که امیدی برای مصالحه در آن دیده می‌شود، این دو احساس ماهیت کشور متخاصم را هدف قرار گرفته و با فاسد نشان‌دادن و مسموم‌سازی روابط اجتماعی، سبب طرد و درگیری می‌شوند. از این سو، استراتژیست‌ها باید این دو احساس را جدی‌بپندارند (Romani et al., 2013 ; Fischer & Roseman, 2007). نتایج این دو فرضیه با پژوهش‌های آنتونتی و همکاران (۲۰۱۹)، رومانی و همکاران (۲۰۱۳) و بهایی و پیسانی (۲۰۰۹) هم‌خوانی دارد.

کیفیت محصول تنها در رابطه بین خشم و تمایل به خرید کالاهای کشورهای مقابله‌گر نقش تعدیل‌گری دارد. تأیید تنها این فرضیه از فرضیات تعدیل‌گری را می‌توان به این علت دانست که احساس خشم همان‌طوری که در پیشینه نظری بیان شد؛ راه را برای ایجاد مصالحه و راه‌حل باز نگه می‌دارد (Fischer & Roseman, 2007). بنابراین کیفیت محصول را می‌توان به راه‌حلی برای این مصالحه در رابطه خشم و تمایل به خرید کالاهای کشورهای مقابله‌گری دانست. نتایج این فرضیه اندکی با پژوهش پارک و همکاران (۲۰۱۳) هم‌خوانی دارد.

براساس نتایج پیش‌گفته می‌توان چنین پیشنهادهای را بیان داشت که سازمان‌ها و شرکت‌های فعال در حوزه تجارت بین‌الملل برای غلبه بر تأثیرات این احساسات بر تمایل به خرید باید از راهبردهای ارتباطی استفاده نمایند. این‌گونه که سازمان‌ها یا شرکت‌های بین‌المللی خود را متعهد به بازار بین‌المللی نمایند و اقدام به سرمایه‌گذاری مشترک یا فروش از راه شرکای محلی در آن کشور کنند.

سازمان یا شرکت فعال در حوزه تجارت بین‌الملل، در صورت اجبار و امکان می‌تواند بازار خود را براساس میزان و نوع احساس منفی در آن کشور دسته‌بندی کند و تنها بازار کشورهای را که دارای احساس خشم و نه انزجار و تنفر نسبت به کشور خود یا کشور مبدأ هستند را مورد هدف قرار دهند. در این صورت هزینه و زمان بازاریابی و ارتقا برند به‌هدر نمی‌رود؛ اما زمانی که مقابله‌گری مصرف‌کننده به دلیل میزان قابل توجهی از احساسات افراط‌گرایانه (تحقیر و انزجار) باشد، سازمان یا شرکت فعال در حوزه بین‌الملل باید به ایجاد فاصله بین برند و کشورش (راهبرد استقلال) بپردازد. نکته قابل توجه دیگر از نتایج پژوهش حاضر این است که بهبود و توسعه کیفیت محصول خود راه‌حلی برای مقابله با احساس خشم است.

پیشنهادهایی که برای پژوهش‌های آتی می‌توان در نظر گرفت این است که احساسات منفی و صنایع دیگر نیز در راستای این موضوع بررسی شوند. متغیرهای دیگری که توانایی تعدیل یا میانجی در رابطه‌های این پژوهش را دارا هستند، جست‌وجو و مطالعه شوند تا مدل مفهومی جامع‌تری در این زمینه ایجاد گردد. از محدودیت‌های نوشتار پیش رو می‌توان به همکاری ضعیف و عدم علاقه کافی جامعه آماری، بازه زمانی محدود، نبود مطالعات داخلی دسته اول برای موضوع مربوطه اشاره کرد.

پیشنهادها

براساس عرف در عرصه بازرگانی بین‌الملل، کشورها اقدام به دسته‌بندی شرکای بازرگانی یا تجاری خود می‌نمایند و متناسب با این دسته‌بندی، از ابزارهای بازرگانی بین‌الملل در تجارت با دیگر کشورها استفاده می‌نمایند. دسته‌بندی کشورها با معیارهای متفاوتی از جمله

بررسی تأثیر احساسات منفی مشتریان بر تمایل به خرید... (علیرضا حبیبی؛ قاسم علی یوسفی و علی میراحمدی) ۲۸۱

روابط سیاسی صورت می‌پذیرد. به‌طور معمول هر یک از کشورهای جهان سه دسته کلی را برای شرکای تجاری خود در نظر می‌گیرند که عبارت‌اند از «کشورهای دارای توافق تجاری دوجانبه یا چندجانبه»، «کشورهای معمولی» و «کشورهای متخاصم».

کشورهای دارای توافق تجاری دوجانبه یا چندجانبه شامل کشورهای است که در اولویت روابط اقتصادی و بازرگانی قرار دارند. کشورهای دیگر به‌شرط عدم دشمنی و برقراری روابط بازرگانی و تجاری معمولی، در دسته دوم قرار خواهند گرفت؛ اما در صورت وجود دشمنی بین کشورها، آن‌ها در دسته کشورهای متخاصم قرار می‌گیرند. ابزارهای بازرگانی که در دست دولت‌ها قرار دارند، از جمله «منع واردات»، «افزایش تعرفه واردات کالا»، «الزام به دریافت مجوزهای دولتی» از جمله سیاست‌هایی است که کشورهای جهان در مورد دسته کشورهای متخاصم در نظر می‌گیرند. واردات به‌صورت قاچاق گوشی‌های همراه آیفون (به‌عنوان کالای تولیدشده در کشور متخاصم)، باوجود اعمال سیاست‌های بازرگانی اعمال‌شده به‌وسیله قانون‌گذاران در ایران مؤید این مطلب است که مجریان باید در کنار اعمال قانون‌های بازرگانی، از آموزش در مورد سیاست‌های خصمانه که به شکل‌گیری احساسات منفی و در نتیجه عدم تمایل به خرید کالا منجر می‌شود، بهره ببرند.

منابع

- آذر، عادل. غلام‌زاده، رسول و قنوتی، مهدی (۱۳۹۱)، *مدل‌سازی مسیری - ساختاری در مدیریت: کاربرد نرم‌افزار smart-pls*، تهران، انتشارات نگاه دانش.
- آرامی، فخرالسادات؛ خیری، بهرام (۱۳۹۶)، بررسی تأثیر مقابله‌گری و قومیت‌گرایی بر اقدام به خرید مصرف‌کنندگان، دومین همایش بین‌المللی انسجام مدیریت و اقتصاد در توسعه، تهران، دانشگاه اسوه، دانشگاه تهران.
- بهمنی، مهرزاد (۱۳۹۱)، بررسی میزان ملی‌گرایی مصرفی، اعتماد به تبلیغات و تمایل به مصرف کالاهای داخلی در بین شهروندان ۲۸ شهر کشور، *فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی*، ۱۹(۳): ۱۸۲-۱۵۹.
- چیت‌سازیان، محمدرضا و شفیع، نوذر (۱۳۹۶) چشم‌انداز روابط ایران و آمریکا تا سال ۲۰۳۰: سناریوهای ممکن، *فصلنامه علمی پژوهشی سیاست جهانی*، ۶(۴): ۶۵-۴۱.

- حسینی، میرزا حسن (۱۳۹۱)، تبیین ارزیابی تمایل و وفاداری مشتریان بالقوه به خرید از فروشگاه‌های اینترنتی، فصلنامه مطالعات مدیریت راهبردی، ۳ (۱۲): ۱۶۷-۱۸۸.
- حقیقی، محمد. حسنقلی‌پور، طهمورث و محمد زاده، زهرا (۱۳۹۲)، رابطه ملکی‌گرایی مصرفی و اثر کشور مبدأ در ادراک افراد از کیفیت طبقات کالایی مختلف در شهر مشهد، بررسی‌های بازرگانی، ۱۱ (۵۹): ۲۲-۱۲.
- روستا، احمد. دنوس، داور و ابراهیمی، عبدالحمید (۱۳۸۶)، مدیریت بازاریابی، تهران: سمت.
- سی موون، جان؛ و.اس؛ و مینور، میشل (۱۳۸۸). رفتار مصرف‌کننده، ترجمه کامبیز حیدرزاده. قزوین: انتشارات دانشگاه آزاد قزوین.
- عباسی، فائزه (۱۳۹۵)، تحلیل تأثیر خصومت مصرف‌کننده بر تصمیمات خرید، مجله مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ۸ (۲): ۳۹۵-۴۱۲.
- کاتلر، فیلیپ (۱۳۸۹)، مدیریت بازاریابی (تجزیه و تحلیل، برنامه ریزی، اجرا و کنترل)، ترجمه بهمن فروزنده، تهران: آموخته.
- محمدمقدم، یوسف. محبی، علی و جوادیان، رضا (۱۳۸۷)، کاربرد مدیریت کیفیت جامع در بهبود کیفیت آموزشی دانشگاه علوم انتظامی، فصلنامه دانش انتظامی، ۱۰ (۳ و ۴)، ۱۸۱-۲۰۴.

References

- Abbasi, F. (2017). Analyzing the effect of consumer hostility on purchasing decisions. *Journal of Business Management*, 8 (2): 395-412 (In Persian).
- Abosag, I., & Farah, M. F. (2014). The influence of religiously motivated consumer boycotts on brand image, loyalty and product judgment. *European Journal of Marketing*, 48(11/12), 2262-2283.
- Abraham, V. (2013). A Cross-Cultural Investigation of the Effect of Consumer Animosity on Purchase Involvement. *International journal of business and social science*, 4 (4): 32-44.
- Akdogan, S., Ozgener, S., Kaplan, M. & Coskun, A. (2012). The Effects of Consumer Ethnocentrism and Consumer Animosity on the Repurchase Intent: The Moderating Role of Consumer Loyalty. *Emerging Markets Journal*, 2 (15): 1-12.
- Amine, L. S. (2008). Country-of-origin, animosity and consumer response: Marketing implications of anti-Americanism and Francophobia. *International Business Review*, 17 (4), 402-422.
- Antonetti, P., Manika, D., & Katsikeas, C. (2019). Why consumer animosity reduces product quality perceptions: The role of extreme emotions in international crises. *International Business Review*, 28(4), 739-753.
- Arami, F., & Kheiri, B. (2018). Investigating the effect of confrontation and ethnicity on consumers' purchasing Behaviour. The Second International Conference on Management Cohesion and Development Economics, Tehran (In Persian).
- Azar, A., Ghanavati, M., & Gholamzadeh, R. (2013). Structural Equation Modeling in Management: Application of smart-pls software. *Negah Danesh* (In Persian).
- Bahae, M., & Pisani, M. J. (2009). Iranian consumer animosity and U.S. products: A witch's brew or elixir? *International Business Review*, 18(2), 199-210.
- Bahmani, M. (2012). Examining consumer nationalism, trust in advertising and tendency to consume domestic goods among citizens of 28 cities. *Journal of Communication Research*, 71

بررسی تأثیر احساسات منفی مشتریان بر تمایل به خرید... (علیرضا حبیبی؛ قاسم علی یوسفی و علی میراحمدی) ۲۸۳

(In Persian).

- Bougie, R., Pieters, R., & Zeelenberg, M. (2003). Angry customers don't come back, they get back: The experience and behavioral implications of anger and dissatisfaction in services. *Journal of the Academy of Marketing Science*, 31(4), 377-393.
- Bradsher, K. (2012). In China protests, Japanese car sales suffer. *The New York Times*, 9
- Cheah, I. & Phau, I. & Kea, G. & Huang, Y. A., (2016), 'Modelling effects of consumer animosity: Consumers' willingness to buy foreign and hybrid products". *Journal of Retailing and Consumer Services*, 30, 184- 192.
- Chitsazan, M. r., & Shafie, N. (2018). Vision of Iran-US relations until 2030: Possible scenarios. *Journal of World Politics*, 6(4) (In Persian).
- Christodoulides, G., Jevons, C., & Bonhomme, J. (2012). Memo to marketers: Quantitative evidence for change. *Journal of Advertising Research*, 52 (1), 53-64.
- Cohen, J. (1988). *Statistical Power Analysis for the Behavioral Sciences* (2nd Edition). Hillsdale, NJ: Lawrence Earlbaum Associates.
- Cottrell, C. A., & Neuberg, S. L. (2005). Different emotional reactions to different groups: A sociofunctional threat-based approach to "prejudice". *Journal of Personality and Social Psychology*, 88(5), 770-789.
- De Nisco, A., Mainolfi, G., Marino, V., & Napolitano, M. R. (2016). Effect of economic animosity on consumer ethnocentrism and product-country images. A binational study on the perception of Germany during the Euro crisis. *European Management Journal*, 34(1), 59-68.
- Fetscherin, M., & Heinrich, D. (2015). Consumer brand relationships research: A bibliometric citation meta-analysis. *Journal of Business Research*, 68(2), 380-390.
- Fischer, A. H., & Roseman, I. J. (2007). Beat them or ban them: The characteristics and social functions of anger and contempt. *Journal of Personality and Social Psychology*, 93(1), 103-115.
- Fiske, S. T., Cuddy, A. J. C., Glick, P., & Xu, J. (2002). A model of (often mixed) stereotype content: Competence and warmth respectively follow from perceived status and competition. *Journal of Personality and Social Psychology*, 82(6), 878-902.
- Frozandeh, B. (2011). *Marketing management (analysis, planning, implementation and control)*. Amokhteh Publisher (In Persian).
- Funches, V., Markley, M., & Davis, L. (2009). Reprisal, retribution & requital: Investigating customer retaliation. *Journal of Business Research*, 62(2), 231-238.
- Gregoire, Y., Tripp, T., & Legoux, R. (2009). When customer love turns into lasting hate: the effects of relationship strength & time on customer revenge & avoidance. *Journal of Marketing*, 73.18-32.
- Haghigi, M., Hassangolipor, T., & Mohammadzadeh, Z. (2014). The relationship between consumer nationalism and the effect of the country of origin on people's perception of the quality of different commodity classes in Mashhad. *Business Reviews*, 11(59) (In Persian).
- Halperin, E. (2014). Emotion, emotion regulation, and conflict resolution. *Emotion Review*, 6(1), 68-76.
- Harmeling, C. M., Magnusson, P., & Singh, N. (2015). Beyond anger: A deeper look at consumer animosity. *Journal of International Business Studies*, 108(4), 676-693.
- Hawkins, D. L., Mothersbaugh, D. L. & Best, R. J. (2007). *Consumer Behavior, Building Marketing Strategy*. New York: Mc Graw- Hill.
- Heidarzadeh, K. (2010). *Consumer Behaviour*. Islamic Azad University (In Persian).
- Henseler, J. a. R., Christian M. and Sinkovics, Rudolf R. (2009). The Use of Partial Least Squares Path Modeling in International Marketing. *Advances in International Marketing (AIM)*, 20, 277-320.
- Hosseini, M. H. (2013). Explain the assessment of the intention and loyalty of potential customers to purchase from online stores. *Journal of Strategic Management Studies*, 3(12) (In Persian).
- Hu, Y. (2010). An investigation on the linkage between purchase intention and service quality in the E-commerce context, *International Conference on Innovative Computing and*

Communication and 2010 *Asia-Pacific Conference on Information Technology and Ocean Engineering*, 304 - 307.

- Kaeni, A. A. & Heidarzadeh, K., (2014), "Exploring the moderating effect of consumer Animosity and ethnocentrism on process of accepting Foreign products among islamic countries". *International Journal of Research in Social Sciences*. Vol. 3, No 5.
- Kalwani, M.U., & Silk, A. J. (1982). On The Reliability and Predictive Validity of Purchase Intention Measures, *Journal of Marketing Science*, 1, 86-243.
- Klein, J. G., Ettenson, R., & Morris, M. D. (1998). The animosity model of foreign product purchase: An empirical test in the People's Republic of China. *Journal of Marketing*, 62(1), 89-100.
- Kuppens, P., Van Mechelen, I., Smits, D. J., & De Boeck, P. (2003). The appraisal basis of anger: Specificity, necessity and sufficiency of components. *Emotion*, 3(3), 254-269.
- Mahdieh, O. & Chobtarash, N. (2013). Consumer Involvement and purchasing decisions (Case Study Cellular). *Marketing management*, (22): 131-151 (In Persian).
- Millson, M.R & Wilemon, D (2008). Impact of new product development (NPD) proficiency and NPD entry strategies on product quality and risk. *R&D Management*, 38, (5), 491-509.
- Moghadam, Y. M., Mohebi, A., & javadian, R. (2009). Application of total quality management in improving the educational quality of the University of Law Enforcement Sciences. *Quarterly Journal of Law Enforcement Knowledge*, 10(3) (In Persian).
- Narang, R., (2016), "Understanding purchase intention towards Chinese products: Role of ethnocentrism, animosity, status and self-esteem". *Journal of Retailing and Consumer Services*, 32, PP. 253-261.
- Nyer, P. & Gopinath, M. (2005). Effects of complaining versus negative word of mouth on subsequent changes in satisfaction: The role of public commitment. *Psychology & Marketing*, 22, 937-953.
- Ottesen, G. (2006). Do upstream actors in the food chain know end-users' quality perceptions? Findings from the Norwegian salmon farming industry. *International Journal of Supply Chain Management*, 11(5), 456-463.
- Park, C., Eisingerich, A., & Park, J. (2013). Attachment-aversion (AA) model of customer-brand relationships. *Journal of Consumer Psychology*, 23, 229-248.
- Presi, C., Saridakis, C. & Hartmans, S. (2014). User-generated content behavior of the dissatisfied service customer. *European Journal of Marketing*, 48. (9/10), 1600-1625.
- Richardson, Jr., C.W. (2012). Consumer Demographics as Antecedents in the Animosity Model of Foreign Product Purchase. *International Journal of Business and Social Science*, 3 (4): 13-21.
- Romani, S., Grappi, S., & Bagozzi, R. P. (2013). My anger is your gain, my contempt your loss: Explaining consumer responses to corporate wrongdoing. *Psychology & Marketing*, 30(12), 1029-1042.
- Roosta, A., Venous, D., & Ebrahimi, A. (2008). *Marketing Management*. Samt (In Persian).
- Roseman, I. J., Wiest, C., & Swartz, T. S. (1994). Phenomenology, behaviors, and goals differentiate discrete emotions. *Journal of Personality and Social Psychology*, 67 (2), 206-221.
- Shen, X.X. Tan, K.C. Xie, M. (2000). Benchmarking in QFD for quality improvement. *Benchmarking: an International Journal*, 7 (4), 282-291.
- Soper, D.S. (2020). *A-priori Sample Size Calculator for Structural Equation Models* [Software]. Available from <http://www.danielsoper.com/statcalc>
- Tenenhaus, M., Amato, S., & Esposito Vinzi, V. (2004). A global goodness-of-fit index for PLS structural equation modelling. In *Proceedings of the XLII SIS scientific meeting*, 1, (2), 739-742.
- The Economist (2013). *Who really owns the Senkaku islands?* <http://www.economist.com/blogs/economist-explains/2013/12/economist-explains-1>.
- Westland, J.C. (2010). Lower bounds on sample size in structural equation modeling. *Electronic Commerce Research and Applications*, 9(6), 476-487.
- Wetzels, M., Odekerken-Schröder, G., & Van Oppen, C. (2009). Using PLS path modeling for

بررسی تأثیر احساسات منفی مشتریان بر تمایل به خرید... (علیرضا حبیبی؛ قاسم علی یوسفی و علی میراحمدی) ۲۸۵

assessing hierarchical construct models: Guidelines and empirical illustration. *MIS quarterly*, 177-195. Zalim, S & Sevil, M. (2000). The methodology of quality function deployment with crisp and fuzzy approaches and application in the turkish shampoo industry. *Journal of Economic and Social Research*. 4(1), 27-53.

Zarantonello, L., Romani, S., Grappi, S., & Bagozzi, R. (2016). Brand hate. *Journal of Product & Brand Management*, 25 (1), 11-25.

اقتصاد سیاسی رانت و خصوصی سازی در ایران پس از انقلاب اسلامی

حدیث مرادی*

سید شمس‌الدین صادقی**، مسعود اخوان کاظمی***

چکیده

موضوع مهمی که در سال‌های اخیر در کشور مورد توجه کارشناسان سیاسی و اقتصادی و همچنین مردم قرار گرفته است موضوع عدم موفقیت خصوصی سازی در کشور و تحقق نیافتن واگذاری اموال دولتی به بخش خصوصی (مردم) و انتقال گسترده اموال ملی به بخش موسوم به شبه دولتی است. نگاهی به روند خصوصی سازی در ایران پس از گذشت سی سال، نشان می‌دهد پس از چند سال کشمکش بر سر کوتاه کردن دست دولت از اقتصاد نه تنها مردم مالکیت شرکت‌های بزرگ اقتصادی کشور را برعهده ندارند؛ بلکه اداره آن‌ها از دست دولت نیز خارج شده و در کنار بخش دولتی و خصوصی، بخش قدرتمندی به نام شبه دولتی شکل گرفته است. در این مقاله سعی گردیده با روش تحلیلی - توصیفی و براساس نظریه «خشونت و نظم‌های اجتماعی» داگلاس نورث، جان جوزف والیس و باری وینگاست که بر مبنای توزیع آگاهانه رانت در میان فرادستان در نظم دسترسی محدود بنا شده است به این سؤال پاسخ دهد که علت انحراف خصوصی سازی و واگذاری اموال دولتی که سرمایه ملی محسوب می‌گردند به بخش شبه دولتی (نهادهای عمومی غیر دولتی و نظامی) به چه علت بوده است. بر این اساس می‌توان گفت در نظم‌های دسترسی محدود ائتلاف غالب برای کنترل نظم اجماعی و جلوگیری از نارضایتی اعضای خود (کنترل خشونت) مجبور به اعطای امتیازات سیاسی و اقتصادی (رانت) به این اعضا هستند. در نظریه نورث و همکارانش رانت به معنای منفی آن مد نظر نبوده و آن‌ها معتقدند در نظم دسترسی محدود، اعطای رانت و کنترل خشونت می‌تواند زمینه‌ساز توسعه و رشد اقتصادی گردد. بر این اساس در ایران نیز واگذاری اموال به بخش‌هایی که نه دولتی محسوب می‌شوند و نه خصوصی در چارچوب نظم دسترسی محدود رخ داده است.

کلیدواژه‌ها: خشونت و نظم‌های اجتماعی، رانت، خصوصی سازی، شبه دولتی، اصل ۴۴ قانون اساسی.

نوع مقاله: پژوهشی.

* کاندیدای دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه،

ایران. (نویسنده مسؤل)، Hadis.moradi93@yahoo.com

** دانشیار علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

*** دانشیار علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.



مقدمه

پس از پایان جنگ جهانی دوم نظریات متعددی در خصوص توسعه و راه‌های آن ارائه شد که نظریات مدرنیزاسیون (۱۹۵۰)، وابستگی (۱۹۶۰)، نئوکلاسیک (۱۹۷۰)، نئولیبرالیسم (۱۹۸۰)، نئونهادگرایی (۱۹۸۰) و پسامارکسیسم مهم‌ترین این نظریات بوده‌اند که همچنان نیز طرفداران خود را در میان اندیشمندان حوزه توسعه دارا می‌باشند. می‌توان گفت پس از جنگ جهانی دوم، رویکرد اغلب دولت‌ها، ملی کردن خدمات و توجه به نقش دولت در اقتصاد و مالکیت بر آن بود؛ اما در سال‌های آخر دهه ۶۰ و آغاز دهه ۷۰ میلادی، افت کلی رشد اقتصادی به دلیل مشکلات برآمده از تأثیر دولت در اقتصاد، موجب شد که متفکران به دنبال راه حل خروج از رکود باشند (استار، ۱۹۹۸). در این رابطه، پیتر دراگر نخستین بار در سال ۱۹۶۸ با اشاره به مفهوم اصلی خصوصی‌سازی اذعان کرد که دولت‌ها باید مالکیت خدماتی که برعهده دارند را به بخش خصوصی که صاحبان آن مردم هستند، ارائه کنند.

در ادامه دهه ۸۰ میلادی، اجرای موفق سیاست خصوصی‌سازی توسط دولت‌های مختلف موجب شد که این موضوع به رکن اساسی سیاست عمومی همه دولت‌های بعدی درآمده و نقش خود را تثبیت کند. به‌طور مثال، از سال ۱۹۸۰ تا اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی، بسیاری از شرکت‌ها و بخش‌های دولتی در بسیاری از کشورهای اروپایی از جمله فرانسه و انگلیس به بخش خصوصی واگذار شدند و سیر پیشرفت اقتصادی روند صعودی به خود گرفت (پارکر، ۲۰۱۲). این تجربیات خصوصی‌سازی را به یکی از عناصر استاندارد برنامه‌های تعدیل ساختاری صندوق بین‌المللی پول تبدیل کرد و این صندوق بدون توجه به شرایط سیاسی حاکم بر کشورهای در حال توسعه این الگو را به آنان پیشنهاد داد.

در ایران خصوصی‌سازی از سال ۱۳۷۰ در دستور کار دولت سازندگی قرار گرفت و به یکی از مهم‌ترین محورهای سیاست‌های تعدیل اقتصادی بدل شد و با تصویب و ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی رشد فزاینده‌ای یافت؛ اما اکنون پس از سه دهه از آغاز خصوصی‌سازی در ایران آمار و داده‌ها نشان از عدم تحقق اهداف تعریف‌شده دارند. در این پژوهش سعی می‌گردد بر پایه نظریه «نظم اجتماعی و کنترل خشونت»، نورث (North)، والیس (Wallis) و وینگاست (Weingast) و به‌ویژه با تکیه بر موضوع تقسیم

اقتصاد سیاسی رانت و خصوصی‌سازی در... (حدیث مرادی، سید شمس‌الدین صادقی و مسعود اخوان کاظمی) ۲۸۹
آگاهانه رانت و با روش تحلیل - توصیفی به بررسی دلایل اصلی عدم تحقق خصوصی‌سازی در ایران پرداخته شود.

بیان مسئله و پرسش پژوهش

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و حاکم شدن سیاست‌های انقلابی بر کشور، بحث ملی‌گرایی اقتصادی (مصادره اموال و همچنین ملی اعلام کردن بسیاری از کارخانه‌ها) موجب حرکت به سمت اقتصادی کاملاً دولتی گردید. جنگ نیز این امر را تقویت کرد اما پس از پایان جنگ تحمیلی و روی کار آمدن دولت سازندگی در راستای کاهش تصدی‌گری دولت (کاهش هزینه‌ها و پرداخت بدهی‌ها) و همچنین افزایش نقش مردم در اقتصاد، خصوصی‌سازی در کشور آغاز و پس از تصویب و ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی شتاب فزاینده‌ای یافت.

پرسش اصلی مطرح در این پژوهش این است که چرا خصوصی‌سازی واقعی در ایران شکل نگرفت و به‌جای رشد بخش خصوصی واقعی (بخش‌هایی که تعلق مالی - بودجه‌ای و سیاسی) به حکومت ندارند، بخش‌های عمومی غیر دولتی که وابستگی مالی و سیاسی گسترده‌ای دارند رشد کرده و بسیاری از منابع از دولت (قوه مجریه) به دیگر نهادهای وابسته منتقل گردیده است. فرض اصلی آن است که در ایران نظم دسترسی محدود پایه (غلبه سیاست بر اقتصاد) وجود داشته و براساس آن ائتلاف غالب برای اعاده نظم اجتماعی و کنترل خشونت (کنترل جریان‌هایی که ممکن است ائتلاف غالب را ترک کرده و دست به خشونت علیه نظم موجود بزنند) به توزیع آگاهانه رانت در میان اعضاء می‌پردازد و خصوصی‌سازی نیز در همین راستا به‌مثابه رانت توزیع شده است.

مروری بر ادبیات نظری پژوهش

پژوهش حاضر دو حوزه مهم در اقتصادی سیاسی یعنی رانت و خصوصی‌سازی را در خود جای داده است که می‌توان گفت هر یک از این دو حوزه زمینه کاری بسیاری از پژوهش‌ها بوده‌اند. واژه رانت جویی اولین بار توسط آلن کروگر (Krueger) در سال ۱۹۷۴ در مقاله مشهور او بنام «اقتصاد سیاسی جامعه رانت جو» مطرح شد مقاله کروگر توجه

خاصی به کشورهای جهان سوم دارد و برآوردهای کلی کاهش رفاه حاصل از رانت و مجوزهای وارداتی در دو کشور هند و ترکیه را محاسبه نمود؛ اما خود کروگر در مقاله‌اش اشاره می‌کند که نظریه در اصل مربوط به تالوک بوده و در سال ۱۹۶۷ در مقاله وی با نام هزینه‌های رفاهی تعرفه‌ها، انحصارگرایی و اختلاس، بسیاری از مسائل مهم تئوری رانت جویی مطرح می‌شود (Fischer, 2004: 21-25).

تولسن (Tuisen)، بوکانان (Buchanan)، تالوک (Tullok) و ساموئلز (Samuels) رانت جویی را به معنای توصیف فعالیت‌های افراد یا گروهی می‌دانند که به دنبال انتقال ثروت از طریق حمایت دولت هستند. نورث و همکارانش نیز دولت را در نقش توزیع گر رانت قرار می‌دهند. یکی از جنبه‌های مهم نقش دولت در اقتصاد این است که دولت توسط بازیگران مختلف اقتصادی که می‌خواهند دولت به نفع آن‌ها عمل کند مورد استفاده قرار می‌گیرد. نظریه پردازانی همچون راوکینز (Rowkins)، اسکاچپول (Skocpol)، ببلاوی (Bebawi) و لوسیانی (Luciani) برای بررسی عدم توسعه کشورهای خاورمیانه معمولاً از نظریه «دولت تحصیل دار یا دولت رانتیر» بر پایه استقلال دولت از جامعه مدنی و بی‌نیازی در ایجاد دموکراسی، تبدیل شدن دولت به توزیع کننده رانت، عدم پاسخگویی حکومت به مردم و قدرت انحصاری دولت در استفاده از منابع رانتی استفاده کرده‌اند.

در ایران نیز به‌طور معمول توجه به پدیده رانت بیشتر خود را در قالب نظریه «دولت رانتیر یا تحصیلدار» که معتقد به نقش رانت حاصل از فروش منابع طبیعی در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی کشورهاست نشان می‌دهد، حاجی یوسفی و مهدوی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان ایرانی این حوزه هستند؛ اما بررسی نحوه توزیع رانت در داخل کشورها خود منجر به شکل‌گیری نظریه‌های دیگری به‌ویژه بر پایه فساد شده است. لمبسدروف (Lambsdorf) (۲۰۰۵) در کتاب (Institutional Economic of Corruption and Reform) به بحث فساد در داخل کشورها می‌پردازد که بخشی از آن شامل رانت می‌گردد. مارو (Maro)، رز-آکرمن (Rose-Ackerman) و تانزی (Tanzi) از جمله نویسندگانی هستند که رانت را در حوزه فساد (Corruption) بررسی کرده‌اند.

در حوزه نهادگرایی نوین از سال ۲۰۰۶ به بعد با انتشار گزارش ۶۰ صفحه‌ای نورث،

اقتصاد سیاسی رانت و خصوصی‌سازی در... (حدیث مرادی، سید شمس‌الدین صادقی و مسعود اخوان کاظمی) ۲۹۱

وینگاست و والیس تحت عنوان «مدلی مفهومی برای تفسیر تاریخ مکتوب (ضبط‌شده) بشر» توسط اداره ملی تحقیقات اقتصادی آمریکا (NBER) نظریه نظم‌های اجتماعی و کنترل خشونت بر پایه سه نظم دسترسی اولیه، محدود و باز به صورت رسمی وارد نظریات سیاسی شد. در این نظریه به رانت و توزیع آن در عرصه داخلی کشورها در راستای حفظ قدرت ائتلاف غالب توجه ویژه‌ای می‌شود و نگاه به رانت از دولت رانتیر و تأکید بر ورود رانت خارج از سیستم به داخل کشور به نحوه استفاده و توزیع رانت پرداخته می‌شود.

در ایران رضا زمانی در رساله دکتری خود با عنوان «مطالعه فرایند توسعه اقتصادی ایران طی یک صد سال اخیر با استفاده از رهیافت نظم اجتماعی نورث، والیس و وینگاست» به خصوصی‌سازی پس از پیروزی انقلاب در قالب نقش نظم اجتماعی که دولت‌ها در آن قرار داشته به صورت خلاصه پرداخته شده است، محور مد نظر در رساله زمانی درباره فرایند توسعه، توازن دوگانه سیاسی و اقتصادی و حفظ تعادل برای حفظ نظم است؛ اما در نوشتار پیش رو تا حد امکان سعی گردیده بر تمایز رانت از نظر نورث و همکارانش و عدم تأکید آن‌ها بر صرف منفی بودن و غیر مولد بودن رانت در نظم دسترسی محدود و همچنین عدم کارایی به کار بردن نهادهای نظم دسترسی باز در نظم دسترسی محدود پرداخته شود.

همچنین زمانی در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل تغییرات نظم اجتماعی ایران از انقلاب مشروطه (۱۲۸۵) تا انقلاب (۱۳۵۷)» نیز رهیافت نورث و همکارانش را برای بررسی مقطعی از تحولات سیاسی ایران به کار برده است. محسن رنانی نیز در مقاله‌ای کوتاه با عنوان «نظم شکن در شکن» از این رهیافت برای مطالعه وضعیت سیاسی ایران از زمان مشروطه تا اواخر دولت یازدهم بهره برده است و به خصوصی‌سازی پرداخته.

۱. چارچوب نظری

نظریه خشونت و نظم‌های اجتماعی نورث، والیس و وینگاست درباره نقش تهدید به خشونت در شکل‌گیری نظم اجتماعی است. آن‌ها با این فرض اساسی شروع می‌کنند که هدف اولیه هر نوع نظم اجتماعی مهار خشونت و اعمال زور است. آن‌ها جوامع بشری را به سه گروه تقسیم می‌کنند: ۱- حکومت‌های اولیه ۲- حکومت طبیعی با نظم دسترسی

محدود ۳- حکومت نظم دسترسی باز. حکومت اولیه همان حکومت‌های دوران انسان‌های اولیه و عصر شکار است که چندان به آن پرداخته نمی‌شود، حکومت طبیعی یا نظم دسترسی محدود که دارای سه مرحله شکننده، پایه و بالغ است، نظام دسترسی باز که سازمان‌های قدرتمند و یکپارچه نظامی و پلیس را فرع بر نظام سیاسی ایجاد می‌کند (نورث و همکاران، ۱۳۹۶). نورث و همکارانش از میان سه نظم اجتماعی یعنی اولیه، نظم دسترسی محدود و نظم دسترسی باز به صورت مبسوط به شرح و تفصیل نظم دسترسی محدود و مراحل سه‌گانه آن پرداخته‌اند.

۱-۱. نگاه متفاوت به رانت

رویکرد نورث و همکارانش نسبت به رانت به صورت معناداری با ادبیاتی که روی آفات رانت جویی تأکید می‌کند (بوکانان، تالوک، تویسون و کروگر) و خط‌مشی‌های مستقیماً غیر مولد (DUP) رانت متفاوت است. از چشم‌انداز نظام دسترسی محدود، رویکرد آفت‌آمیز دانستن رانت جویی یعنی تمرکز بر سیاست‌های مستقیماً غیر مولد که خشونت را نادیده می‌گیرد و به صورت ضمنی فرض را بر آن می‌گذارد که ایجاد رانت‌ها ارتباطی با ماهیت زیرین جامعه‌ای که رانت در آن پدیدار می‌شود ندارد. نکته مهم این است در نظام دسترسی محدود اصطلاح رانت به مفهوم رانت‌های غیر مولد نیست بلکه امری است که رفتار افراد را پیش‌بینی‌پذیر می‌کند.

آنچه نظم دسترسی محدود را تضمین می‌کند بهره‌مندی سازمان‌ها از تداوم رانت‌های ناشی از همکاری است. این نحوه فهم از رانت وجه تمایز چهارچوب نظام دسترسی محدود از دیگر مدل‌هایی است که صرفاً بر حداکثر سازی رانت طبقه حاکم از هر منبع ممکن تمرکز دارند. رویکرد مستقیماً نامولد دانستن رانت‌های ائتلاف مسلط، خشونت را نادیده می‌گیرد نورث و همکارانش به صراحت اعلام می‌کنند حاصل پژوهش‌های آنان نشان می‌دهد نتیجه حذف رانت که غالباً یک اقتصاد بازار رقابتی آن‌گونه که چشم‌انداز سیاست‌های مستقیماً غیر مولد مطرح می‌کنند، نیست بلکه جامعه‌ای دچار هرج و مرج و خشونت است (نورث و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۹۵). در نظام‌های دسترسی محدود (هر سه

اقتصاد سیاسی رانت و خصوصی‌سازی در... (حدیث مرادی، سید شمس‌الدین صادقی و مسعود اخوان کاظمی) ۲۹۳

پیوستار) ایجاد رانت تا آنجا که ابزار ایجاد ثبات باشد، نشانه و نه علت معضل برای توسعه محسوب می‌شود. تلاش برای حذف نهادها و سیاست‌هایی که از ایجاد رانت به لحاظ اقتصادی غیر مولد و فساد پشیمانی می‌کنند باید به روش‌هایی انجام بگیرد که به وقوع مجدد بی‌ثباتی و خشونت که در یک نظام دسترسی محدود توسعه را از ریل خارج می‌سازد نینجامد (نورث و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۹۶)؛ بنابراین نگاه نظریه خشونت و نظم‌های اجتماعی به رانت به عنوان موضوعی غیر قابل اجتناب در نظم دسترسی محدود است و حذف آن تنها زمینه‌ساز وقوع بحران و بی‌ثباتی خواهد بود. نورث و همکارانش معتقدند چهارچوب مفهومی آن‌ها نشان می‌دهد در جامعه نظم دسترسی محدود آنچه در صورت ریشه‌کن کردن رانت جایگزین واقعیت موجود خواهد شد نه یک اقتصاد مبتنی بر بازار رقابتی، آن‌گونه که دیدگاه مستقیماً نامولد دانستن رانت مطرح می‌کند، بلکه جامعه‌ای گرفتار در بی‌نظمی و خشونت است. در این جوامع رانت جامعه را به جلو حرکت می‌دهد (همان: ۴۹۷).

۱-۲. رانت و توسعه

از نظر نورث و همکارانش مسئله اصلی توسعه ایجاد اصلاحاتی درون چهارچوب نظام دسترسی محدود است. مسئله اول توسعه بر حرکت نظام دسترسی محدود از شکننده به پایه و از پایه به بالغ و از بالغ به شرایط آستانه‌ای ورود است. تلاش برای از قلم انداختن این گام‌ها و به جای آن تمرکز بر گذار از یک نظم دسترسی محدود به یک نظام دسترسی باز بیشتر می‌تواند به شکست منجر شود تا موفقیت. در نهایت از نظر نورث و همکارانش خلق و حفظ سازمان‌هایی بادوام‌تر و مستقل از ائتلاف مسلط، راه توسعه است.

ایجاد رانت و محدودیت‌ها برای رقابت می‌تواند بسته به سطح توسعه یک کشور آثار خوب یا بد بگذارد. برای توسعه‌های میان‌مدت در یک نظام دسترسی محدود، آنچه موضوعیت دارد این است که آیا آن رانت‌ها انگیزه‌هایی برای یادگیری، افزایش بازدهی و انباشت ظرفیت تولید ایجاد می‌کنند یا خیر. در بسیاری از کشورهای نظم دسترسی محدود آثار مثبت رانت افزون بر بازداشتن از خشونت بر تولید را نیز مشاهده می‌کنیم (نورث و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۰۵).

۱-۳. عملکرد متفاوت نهادهای متعلق به نظام دسترسی باز در نظام‌های دسترسی

محدود

در نظریه خشونت و نظم‌های اجتماعی نهادهای متعلق به نظام دسترسی باز در نظام‌های دسترسی محدود عملکردی متفاوت دارند. نظام‌های دسترسی محدود به خصوص از نیمه قرن بیستم به این سو غالباً نهادهایی را از روی نظام‌های دسترسی باز گزیده‌برداری می‌کنند. وام‌دهندگان بین‌المللی به عنوان بخشی از بسته‌های اصلاحی، این کشورها را به چنین کاری ترغیب کرده‌اند اما کار ویژه این نهادها در بافتار نظام دسترسی محدود متفاوت از کار درمی‌آید.

برای مثال بیشتر نظام‌های دسترسی محدود دارای بانک و بسیاری از بازارهای سهام هستند، اما آن‌ها نمی‌توانند به ابزاری برای تجمیع پس‌اندازهای انبوه شهروندان، سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها و گشودن فرصت‌های کسب‌وکار به روی تمامی شهروندان تبدیل شوند. بازارهای سرمایه توسعه‌نیافته‌اند و نوعاً وام‌هایشان را به خودی‌ها، فرادستان و دولت می‌دهند حال آنکه از تأمین مالی تازه‌واردان و کارآفرینان جدید سرباز می‌زنند. در نظام‌های دسترسی محدود نهادها روی کاغذ شبیه به نهادهای نظام دسترسی باز به نظر می‌رسند اما در واقع به عنوان بخشی از نظام‌های دسترسی محدود عمل می‌کنند و دسترسی را محدود نگه می‌دارند (نورث و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۰۰).

۱-۴. توجه به شرایط متفاوت هر جامعه

نظم دسترسی محدود از عوامل برون‌زا و درون‌زا تأثیر می‌پذیرد. وقایع مختلف، تغییرات در فناوری، جهانی‌شدن، خشونت از ناحیه همسایگان و سایر کشورها همگی وقایعی خارج از ظرفیت تبیینی چهارچوب نظام دسترسی محدود به‌شمار می‌روند. نظام‌های دسترسی محدود پایه تفاوت‌های چشم‌گیری با یکدیگر دارند و از دولت نظامیان، دولت تک‌حزبی تا دموکراسی‌های انتخاباتی دوحزبی و چندحزبی در میان آن‌ها دیده می‌شود.

اجماع واشنگتن در دهه ۲۰۰۰ در واقع تحت تأثیر تلاش‌هایی برای جای‌گذاری مستقیم نهادهای نظام‌های دسترسی باز یعنی حقوق مالکیت، ورود به بازارها، خصوصی‌سازی،

اقتصاد سیاسی رانت و خصوصی سازی در... (حدیث مرادی، سید شمس‌الدین صادقی و مسعود اخوان کاظمی) ۲۹۵

نهادهای حکمرانی خوب و این گونه موارد در نظام‌های دسترسی محدود بود. این اصلاحات چون منطق نظام دسترسی محدود را نادیده می‌گیرند غالباً در ایجاد توسعه شکست می‌خورند و گه گاه شکل خشونت را وخیم‌تر می‌کنند (همان: ۴۹۱-۴۹۲).

۱-۵. چگونگی ارتباط میان شکل دولت، نظم اجتماعی و کنترل خشونت در

نظریه نورث

از نظر نورث همه جوامع با مسئله خشونت مواجه‌اند در هیچ جامعه‌ای حل مشکل خشونت با حذف خشونت میسر نمی‌شود و باید خشونت را مهار یا مدیریت کرد. روش برخورد با خشونت در نهادها و سازمان‌ها حک شده است.

۱-۵-۱. نظم دسترسی باز

در جوامع دسترسی باز (جوامع توسعه یافته)، خشونت از طریق نهادها و حاکمیت برابر قانون محدود می‌شود. نهادها قواعدی وضع می‌کنند که با تغییر پاداش‌های دریافتی، از رفتار خشونت‌آمیز مستقیماً سازمان‌ها و گروه‌ها را از کاربرد خشونت بازمی‌دارند. نهادها همچنین مجازات‌هایی برای اعمال خشونت در نظر می‌گیرند.

۱-۵-۲. نظم دسترسی محدود

در نظم دسترسی محدود فارغ از اینکه دولت در مرحله شکننده، پایه و یا بالغ قرار داشته باشد در آن سه اصل رانت، محدود کردن دسترسی و تلاش برای کاهش خشونت وجود دارد. در چهارچوب نظم دسترسی محدود، سازمان‌ها نیز نقشی قانونی ایفا می‌کنند اما در فقدان حاکمیت کامل قانون، رانت و محدود کردن دسترسی، جایگزین قانون می‌گردد. چهارچوب مفهومی نورث تأکید دارد که جوامع در حال توسعه، خشونت را از طریق دخل و تصرف نظام سیاسی در منافع اقتصادی به منظور خلق رانت مهار می‌کنند. در نظریه نورث و همکارانش در نظم دسترسی محدود با توزیع رانت می‌توان اعتماد متقابل را ایجاد کرد و با شکل دادن به اعتماد متقابل و درگیر کردن منافع، خشونت را کنترل کرد. رانت در نظریه خشونت و نظم اجتماعی آن چیزی است که اعضا معتقدند در شرایط خشونت به آن دست

نخواهند یافت.

اما تفاوت این سه نظم را می‌توان در میزان محدود کردن دسترسی دانست.

۱-۵-۳. نظم دسترسی محدود شکننده

در نظم دسترسی محدود شکننده ائتلاف مسلط به سختی می‌تواند از بقای خود در برابر خشونت داخلی و خارجی حفاظت کند. این جوامع حمایت از سازمان‌هایی که بتوانند در طول زمان دوام بیاورند را دشوار می‌یابند. در این نظام هر جناح از ائتلاف مسلط دسترسی مستقیم به خشونت دارد و ظرفیت اعمال خشونت عامل تعیین‌کننده اصلی در نحوه توزیع رانت و منافع شمرده می‌شود. از نظر نورث و همکارانش در نظم دسترسی محدود شکننده سازمان‌های اقتصادی و سازمان‌های سیاسی به‌روشنی قابل تشخیص نیستند (نورث و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۰).

۱-۵-۴. نظم دسترسی محدود پایه

در دامنه پایه از جوامع دسترسی محدود در مقایسه با نظام‌های دسترسی محدود شکننده، دولت به‌خوبی استقرار یافته است و دولت رسمی (مجموعه‌ای از سازمان‌ها) غالباً مهم‌ترین سازمان قابل دوام به حساب می‌آید اگرچه در چهارچوب ائتلاف مسلط، سازمان‌هایی غیر دولتی نیز اغلب وجود دارند. نظام‌های دسترسی محدود پایه برخلاف نظام‌های دسترسی محدود شکننده، ساختارهای سازمانی کاملاً باثباتی برای دولت ایجاد کرده‌اند. نظام دسترسی محدود پایه از سازمان خارج از مدار خود ائتلاف حمایت نمی‌کند حتی اگر این سازمان‌ها متعلق به نخبگان قدرت باشند. در نظم دسترسی محدود پایه همه سازمان‌های اقتصادی خصوصی یا دولتی با ائتلاف در ارتباط‌اند (همان: ۳۱).

۱-۵-۵. نظم دسترسی محدود بالغ

در گستره بالغ از جوامع دارای نظام دسترسی محدود، ائتلاف مسلط تنوع گسترده‌ای از سازمان‌های خارج و نیز داخل دولت را مورد حمایت قرار می‌دهند اما همچنان این نظام، دسترسی به سازمان‌های خصوصی مورد تأیید و حمایت دولت را محدود می‌سازد. در

اقتصاد سیاسی رانت و خصوصی سازی در... (حدیث مرادی، سید شمس‌الدین صادقی و مسعود اخوان کاظمی) ۲۹۷

نظام‌های دسترسی محدود بالغ دولت دارای ساختارهای نهادی پایداری است و می‌تواند از طیف گسترده‌ای از سازمان‌های متعلق به نخبگان قدرت که جدای از دولت وجود دارند پشتیبانی کند. در نظام دسترسی محدود بالغ سازمان‌های اقتصادی شامل تعداد فراوانی بنگاه خصوصی و چند بنگاه چندملیتی هستند و ورود به بازار همچنان محدود است (همان: ۳۲). بی‌نظمی و خشونت به صورت معمول زمانی رخ می‌دهد که نخبگان قدرت در یک نظام دسترسی محدود درباره نحوه جابه‌جایی در قدرت‌های نسبی به توافق دست نیابند و چه بسا کارشان به منازعه ختم گردد و برخی از نخبگان قدرت که بر این باورند که نیرومندتر از آن چیزی هستند که دیگران در موردشان می‌اندیشند، خواهان رانت بیشتر بوده و ائتلاف را دچار بی‌نظمی می‌کنند (همان: ۳۶).

۲. نظم‌های اجتماعی در ایران

نورث نظم دسترسی محدود را دخل و تصرف نظام سیاسی در اقتصاد می‌داند بنابراین برای تعیین نظم اجتماعی و تأثیر آن در هر دوره باید به مهم‌ترین مباحث سیاسی نیز اشاره کرد. آن‌ها نظام جوامع توسعه‌نیافته و یا در حال توسعه را با عنوان نظام دسترسی محدود توصیف می‌کنند و تفاوت این جوامع در قرار گرفتن در سه مرحله شکننده، پایه و بالغ است.

۲-۱. دوران نظم دسترسی شکننده

در بازه زمانی اوایل پیروزی انقلاب اختلافات در حوزه تأسیس حکومت، کشور را به سطوح دولت طبیعی شکننده رساند زیرا ائتلاف شکل گرفته به سختی می‌توانست از بقای خود در برابر خشونت داخلی و خارجی حفاظت کند به گونه‌ای که در کردستان، ترکمن صحرا، خوزستان، سیستان و بلوچستان درگیری‌های قومی و تهدیدهایی علیه ائتلاف غالب تجربه شد. وضعیت شکننده نظم اجتماعی از سوی دیگر با شکل‌گیری تحریم‌های آمریکا علیه ایران و تلاش کشورهای غربی برای فشار بر ایران نیز تقویت می‌شد. جنگ و تفاوت دیدگاه درباره جنگ ایران و عراق، رقابت‌های سیاسی و استیضاح رئیس‌جمهور در سال ۶۰ را به همراه داشت. ترور شخصیت‌های سیاسی تشدید شد و دومین رئیس‌جمهور

منتخب نیز ترور گردید اما با این وجود ظرفیت نظم اجتماعی با وجود جنگ خارجی و ترورهای داخلی به سطحی رسید که از توانایی حفاظت از نهادهای سیاسی (قانون اساسی، ریاست جمهوری - مجلس) برخوردار شود. در این دوره ائتلاف غالب به دلایل مهمی از جمله احتمال فروپاشی، امکان حمایت از هیچ سازمان و گروهی غیر از خود را نداشت و بیشترین انرژی آن صرف اجماع و تضاد میان اعضا می‌شد.

پس تعیین نوع نظام سیاسی، تصویب قانون اساسی به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای سیاسی ایران با اولویت بخشیدن به قسمتی از اعضای ائتلاف، اقدام مهمی برای گذر از نظم شکننده بود. افتتاح مجلس اول نیز منجر به شکل‌گیری دومین نهاد سیاسی در ایران شد. در نهایت در سال ۶۰ و با انتخاب سومین رئیس‌جمهور (پس از برکناری و ترور دو رئیس‌جمهور پیشین) سومین نهاد سیاسی در ایران تثبیت گردید و با استقرار دیگر نهادهای نظامی، سیاسی و اقتصادی دوره گذار از وضعیت طبیعی شکننده به پایه‌ای در ایران آغاز شد. در جریان تضادهای سیاسی - اجتماعی اوایل انقلاب میان گروه‌های مختلف که به جنگ‌های داخلی، ترور، اعلام استقلال در برخی استان‌ها منجر شد و کشور در مرحله وضعیت طبیعی شکننده قرار گرفت، اولین سازوکار مدیریت تضادهای اجتماعی که در دستور کار نظام سیاسی قرار گرفت محدود کردن سطح دسترسی به سازمان‌های سیاسی و اقتصادی بود (زمانی، ۱۳۹۲)؛ بنابراین اولین واکنش در قبال بحران‌های تهدیدکننده و تلاش برای کنترل خشونت، اتخاذ سیاست دسترسی محدود بود.

۲-۲. دوران گذار به نظم دسترسی محدود پایه

در ابتدای دهه ۱۳۶۰ دو اتفاق مهم روی داد: ۱- از یک سو ائتلاف مسلط با خروج دو جریان از ائتلاف یعنی لیبرال‌ها و گروه‌های موسوم به چپ توانست خود را بازیابی کند. از سوی دیگر عبور از سال‌های اول انقلاب امکان تسلط دولت مرکزی بر مناطق مختلف به‌ویژه مناطق مرزی را افزایش داد ۲- نهادهای سیاسی یعنی قانون اساسی، قوای سه‌گانه و انتخابات تثبیت شده بودند؛ بنابراین در این دوره که فرایند گذار از نظم دسترسی محدود شکننده طی شده و نظم دسترسی پایه در حال استقرار بود ائتلاف مسلط امکان حمایت از سازمان‌های

اقتصاد سیاسی رانت و خصوصی‌سازی در... (حدیث مرادی، سید شمس‌الدین صادقی و مسعود اخوان کاظمی) ۲۹۹

مربوط به خود را پیدا کرد. شرایط اقتصادی کشور در سال‌های ابتدایی دهه ۶۰ لزوم مداخله دولت در بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی را می‌طلبد.

در دوره ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۸ و وجود تفکر بازتوزیعی اقتصادی طبق مقررات مرتبط با ملی‌کردن‌ها، سهم دولت در صنایع از $39/5$ به $70/7$ درصد سرمایه افزایش یافت. در حالی که سهم بخش خصوصی از $44/6$ درصد به $13/4$ درصد سقوط کرد و قلمرو تعاونی و صنایع دستی همچنان در 14 درصد ثابت ماند و در واقع بخش خصوصی به صنایع دستی، دادوستدهای کوچک و نیز چند کارخانه کوچک محدود شد (موثقی، ۱۳۸۵: ۳۲۱-۳۲۲).

بنابراین پیش از تثبیت و تحکیم دولت جدید و اقتدار آن، این گروه‌های صاحب منافع جدید بودند که تثبیت و مستقر شدند (موثقی، ۱۳۸۵: ۳۲۴). در عمل طی دوره‌ای که تثبیت نظام به عنوان مهم‌ترین مؤلفه تصمیم‌گیری، خودنمایی می‌کرد، از یک سو مؤلفه‌های ایدئولوژیک در ساماندهی نظام مدیریتی و اداری کشور نقشی پررنگ داشت و از سوی دیگر ملی‌سازی‌ها در کنار ابهام‌آفرینی در رژیم حقوقی، زمینه‌های توسعه بخش خصوصی را به شدت محدود می‌کرد و روند فرار سرمایه‌ها و نیروی انسانی را تقویت می‌نمود. (گروه کارشناسان معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۸۳).

۲-۳. دوران ثبات نظم دسترسی محدود پایه

از سال ۱۳۶۸ با اتمام جنگ و بازبینی قانون اساسی به عنوان مهم‌ترین نهاد سیاسی، ائتلاف غالب وارد مرحله تثبیت نظم دسترسی محدود گردید. دولت و نهادهای مختلف به صورت کامل استقرار یافتند. دولت (حکومت) به عنوان مجموعه‌ای از سازمان‌های قابل دوام و باثبات استقرار یافت. اگرچه در چهارچوب ائتلاف مسلط، سازمان‌هایی غیر دولتی نیز وجود داشتند اما دولت در چهارچوب نظام دسترسی محدود پایه از سازمان خارج از مدار خود ائتلاف حمایت نمی‌کرد. اصل 44 قانون اساسی نیز بسیاری از فعالیت‌ها، صنایع مادر و زیربنایی را در اختیار بخش دولتی قرار داد. خسارات ناشی از جنگ بر زیربناها و مراکز تولید، دولت را بر آن داشت تا به عنوان متولی نظام اقتصادی عهده‌دار بازسازی خسارات وارده گردیده و همین موضوع نیز عاملی بود تا نقش دولت و گروه‌های وابسته به آن در

اقتصاد پررنگ تر گردد. قرار گرفتن تکنوکرات‌ها در رأس قوه مجریه و سپس ایجاد حزب کارگزاران با اندیشه‌های اقتصادی لیبرالیستی منجر به تغییر دیگری در ائتلاف و ورود گروهی دیگر به این ائتلاف بود. در این دوره یکی از نکات مهم مورد نظر نورث در خصوص نظم دسترسی محدود رخ داد.

نورث و همکارانش در نظریه خشونت و نظم‌های اجتماعی معتقدند نهادهای متعلق به نظام دسترسی باز در نظام‌های دسترسی محدود عملکردی متفاوت دارند و هرچند به‌ظاهر شبیه نظم دسترسی باز طراحی می‌گردند اما عملکرد این نهادها در نهایت در چارچوب نظم دسترسی محدود منجر به نتایجی متفاوت می‌گردد. سیاست تعدیل اقتصادی به‌ویژه خصوصی‌سازی که به‌طور چشم‌گیری توسط کشورهای توسعه‌یافته اجرا شده بود منجر گردید سیاست‌های سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی از قبیل صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی بر اجرای این سیاست‌ها به‌عنوان یکی از برنامه‌های اساسی اصلاح ساختار اقتصادی در کشورهای در حال توسعه به‌طور جدی پیگیری و اجرا شود.

از سال ۶۸، سیاست‌های اقتصادی دولت از استراتژی بازتوزیع فاصله گرفت و به استراتژی رشد نزدیک شد این استراتژی جدید در ایران سیاست‌های تعدیلی، اصلاحات اقتصادی و آزادسازی اقتصادی نامیده شدند. (حاتمی، ۱۳۸۹ ص ۱۰-۹). مبنای قانونی اتخاذ سیاست خصوصی‌سازی در ایران تبصره سی و دوم قانون برنامه اول توسعه بود. صنعت بانکداری، صنعت بیمه، بخش بهداشت و درمان و بخش آموزش از جمله قانون‌هایی بودند که از پایان جنگ بدین سو رفته‌رفته مشمول سیاست خصوصی‌سازی شدند (مالجو، ۱۳۸۱: ۱۴).

بر مبنای برنامه اول توسعه (۱۳۷۱ تا ۱۳۷۳) مقرر شد ۳۹۷ شرکت که زیرمجموعه وزارت صنایع و سایر وزارتخانه‌ها بودند به بخش خصوصی واگذار شوند. در فاصله سال‌های ۱۳۷۰ تا ۷۳، واگذاری‌ها به سه روش بورس، مزایده و مذاکره صورت گرفت. طی سال‌های ۷۰ تا ۷۵ دولت هاشمی رفسنجانی حدود ۳۳۲ میلیارد تومان از سهام شرکت‌های دولتی را واگذار کرده که نکته قابل تأمل همه این واگذاری‌ها، واگذاری مذاکره‌ای است که

اقتصاد سیاسی رانت و خصوصی سازی در... (حدیث مرادی، سید شمس‌الدین صادقی و مسعود اخوان کاظمی) ۳۰۱

عملاً اموال دولتی را به بهای توافق شده بین نماینده دولت و خریدار مورد نظر (افراد صاحب نفوذ و سازمان‌ها) واگذار شده است (روزنامه فرهیختگان، ۹۸/۲/۲۶).

نکته مهم در موضوع خصوصی سازی در دوران هاشمی رفسنجانی آن است که هنگامی که خصوصی سازی در ایران آغاز گردید بنا بر آمار، بخش خصوصی مستقل در ایران تنها ۱۳/۴ درصد از اقتصاد ایران را در دست داشت، از سوی دیگر با توجه به آنکه مبنای نظم دسترسی محدود، ایجاد محدودیت برای دسترسی همگانی است و ائتلاف قادر به انجام ریسک و واگذاری سهام به نهادها و گروه‌هایی که امکان ایجاد خشونت و تهدید نظم را داشتند نبود بنابراین در همان آغاز خصوصی سازی در این دوران مبنای آن قرار گرفت تا بسیاری از این شرکت‌ها به مدیرانشان واگذار شوند تا این مدیران بتوانند به عنوان طبقه جدید در بخش خصوصی به وجود آیند (سعیدی، روزنامه سازندگی، ۹۷/۱۰/۱۴).

۲-۴. دوران گذار به نظم دسترسی بالغ

رضا زمانی در رساله دکتری خود با عنوان «مطالعه فرایند توسعه اقتصادی ایران طی یکصد سال اخیر با استفاده از رهیافت نظم اجتماعی نورث، والیس و وینگاست» و زمانی در مقاله‌ای با عنوان «نظم شکن در شکن» که موضوع خشونت و نظم اجتماعی در ایران را بررسی کرده‌اند دولت اصلاحات را براساس ایجاد برخی اصلاحات سیاسی و نیز تقویت جامعه مدنی واجد شرایط گذار از نظم دسترسی پایه به بالغ می‌دانند. در این دوران توسعه هم‌زمان سیاسی و اقتصادی کشور (تعادل دوگانه) امکان رشد بخش خصوصی خارج از ائتلاف را نیز فراهم کرد. در این دوران همچنان ائتلاف در توازن به سر برده و اعضا در قدرتی متعادل به سر می‌بردند. از سوی دیگر به علت کاهش فشارهای خارجی امکان حضور در اقتصاد بین‌الملل فراهم شده و بخش خصوصی غیر وابسته نیز تا حدودی تحت حمایت ائتلاف قرار گرفت؛ اما با توجه به محدودیت عمده خصوصی سازی در این دوره نمی‌توان آن را دارای تأثیرات بزرگ و ماندگار بر تولد بخش خصوصی واقعی و ادامه حیات آن دانست. در مجموع خصوصی سازی در کل واگذاری‌ها در فاصله سال‌های ۷۰ تا ۷۹ بالغ بر ۸۰۰ میلیارد تومان برآورد شده است که رقم بسیار کمی را نشان می‌دهد.

از اواخر دهه ۱۳۷۰ بخش غیردولتی اجازه یافت به بخش‌هایی همچون بانکداری خصوصی، بیمه‌های خصوصی، خطوط هوایی خصوصی، آموزش خصوصی، راه‌آهن خصوصی و غیره که همگی براساس قانون اساسی در اختیار دولت قرار داشتند راه یابد. این شیوه ورود بخش خصوصی «رشد بخش خصوصی بدون خصوصی سازی» نامیده شد (میدری، ۱۳۸۹). با این وجود دولت‌های هفتم و هشتم با واگذاری سهام به ارزش ۲۴۴۲۳ میلیارد ریال تنها ۸٪ از خصوصی سازی را در ایران اجرایی کرد (میدری، ۱۳۸۹، سازمان خصوصی سازی، ۱۳۸۷).

۲-۵. بازگشت به نظم دسترسی محدود پایه

انتخاب محمود احمدی‌نژاد به عنوان رئیس‌جمهور منجر به افزایش اعتماد میان اعضای ائتلاف غالب و جایگزینی روند خصوصی سازی شرکت‌های دولتی به جای رشد بخش خصوصی بدون خصوصی سازی گردید. در این دوره ائتلاف حمایت خود را تنها به بخش خصوصی وابسته به خود معطوف کرده و دسترسی همگانی به منابع اقتصادی را باهدف جلوگیری از روند تشکیل یک نهاد تهدیدکننده و درنهایت جلوگیری از بروز خشونت و همچنین حفظ ائتلاف به کار گرفت. خصوصی سازی در ایران از سال ۱۳۸۴ به واسطه ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی روندی کاملاً متفاوت به خود گرفت که می‌توان آن را در دو گروه جای داد: ۱- رشد بی سابقه واگذاری‌ها ۲- افزایش حضور نهادهای شبه‌دولتی (غیر دولتی عمومی و بخش‌های مالی و تعاونی‌های مسکن نیروهای مسلح) در تملک صنایع واگذارشده.

مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۸۳ تفسیری کاملاً متفاوت از اصل ۴۴ ارائه داد و درنهایت نیز ابلاغیه اصل ۴۴ قانون اساسی از سوی رهبری در سال ۱۳۸۴ ابلاغ گردید. بند «ج» سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی که در سال ۸۵ ابلاغ شد از اصطلاح «بنگاه‌های عمومی غیردولتی» استفاده کرده و آن‌ها را از «بنگاه‌های دولتی» جدا کرده و ردیف بخش‌های خصوصی و تعاونی قرار داده است. در بخشی از این ابلاغیه آمده است: «واگذاری ۸۰٪ از سهام بنگاه‌های دولتی مشمول صدر اصل ۴۴ به بخش‌های

اقتصاد سیاسی رانت و خصوصی سازی در... (حدیث مرادی، سید شمس الدین صادقی و مسعود اخوان کاظمی) ۳۰۳

خصوصی شرکت های تعاونی سهامی عام و بنگاه های عمومی غیردولتی؛ بنابراین در تفسیریه اصل ۴۴ قانون اساسی راه برای ورود بنگاه های و نهادهای عمومی غیر دولتی در کنار بخش خصوصی باز شده است (ابلاغیه سیاست های کلی بند ج اصل چهارم و چهارم قانون اساسی، ۸۵/۴/۱۰).

بر اساس آمارهای موجود شاهد رشد ۲۳۷۴ درصدی در ارزش واگذاری ها در دولت نهم نسبت به دولت هشتم و رشد ۳۱۲۰ درصدی این ارزش در دولت دهم (دوره سه ساله ۱۳۸۸-۱۳۹۰) نسبت به دولت هشتم هستیم. با توجه به اینکه ارزش کل واگذاری ها از ابتدای سال ۸۰ تا پایان سال ۹۰ برابر با ۱/۱۴۹/۸۹۴ میلیارد ریال بوده، سهم دولت هشتم از این واگذاری ها ۱/۷ درصد و سهم دولت های نهم و دهم به ترتیب ۴۲/۷ و ۵۵/۶ درصد بوده است (احمدوند، روزنامه ایران، ۹۱/۶/۲۶)؛ اما نکته مهم در این دوران تأثیر وضع تحریم ها بر کشور و آغاز پرونده هسته ای بود که عملاً تهدید و خشونت خارجی، ائتلاف غالب را به سمت لزوم اتحاد درونی بیشتر و نیز استفاده از توان اقتصادی اعضا و کنار گذاردن مجدد بخش خصوصی سوق داد. افزایش بی سابقه خصوصی سازی و واگذاری به بخش های موسوم به شبه دولتی در گزارش مرکز پژوهش های مجلس در مهر سال ۸۸ با عنوان «گذر از اقتصاد دولتی به شبه دولتی» مورد انتقاد گسترده قرار گرفت و این مرکز نگرانی خود از حذف بخش خصوصی و عدم توان این بخش برای رقابت را بیان کرد (مرکز پژوهش های مجلس، مهرماه ۱۳۸۸).

۲-۶. ادامه نظم دسترسی محدود پایه

دولت های یازدهم و دوازدهم نیز روند خصوصی سازی با محوریت حمایت از بخش خصوصی وابسته به ائتلاف ادامه داد. این دو دولت در دو موقعیت اقدام به تلاش برای تقویت بخش خصوصی غیر وابسته نمود: ۱- در سال ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۶ به مدت دو سال با تصویب برجام (برنامه جامع اقدام مشترک) و رفع تحریم های هسته ای (کاهش فشار و تهدید بر ائتلاف غالب) ۲- از ابتدای سال ۹۹، به علت عدم کامیابی سازمان خصوصی سازی در تحقق اهداف خود با عرضه سهام در بازار سرمایه، محور جدیدی را برای

خصوصی‌سازی آغاز کرد، با این وجود با خروج آمریکا از برجام و در نهایت بازگشت تحریم‌های گسترده نفتی و بانکی به کشور و تهدید گسترده اعضای ائتلاف غالب چه از سوی عرصه بین‌المللی و چه بر اثر مشکلات اقتصادی داخلی، هردوی این تلاش‌ها با شکست مواجه گردید. تا پیش از دولت یازدهم در مجموع ۱۰۰ هزار میلیارد تومان طی دوره ۱۲ ساله واگذار شد. براساس آمارهای سازمان خصوصی‌سازی ایران، طی سال‌های ۹۳ تا ۹۶، ۱۵ هزار و ۴۳۳ میلیارد تومان سهام شرکت‌های دولتی در قالب خصوصی‌سازی واگذار شده است که ۲۶۰۰ میلیارد تومان آن در قالب رد دیون بوده است. بر این اساس همان شیوه رد دیون دولت‌های قبلی در دولت روحانی نیز تکرار شده است (سازمان خصوصی‌سازی، ۱۳۹۷).

گزارش عملکرد سازمان خصوصی‌سازی در سال ۱۳۹۴ ماهیت اصلی خریداران سهام‌های واگذارشده خصوصی‌سازی در ایران را مشخص می‌کند. رئیس وقت سازمان خصوصی‌سازی از جمله ایرادات وارد بر عملکرد خصوصی‌سازی در کشور را ماهیت خریداران سهام واگذار شده و سهم پایین بخش خصوصی واقعی عنوان می‌کند. این سهم از سال ۱۳۸۰ تا پایان ۱۳۹۴، تنها ۱۸ درصد بوده است در حالی که سهم نهادهای نظامی، نهادهای عمومی غیردولتی و نهادهای انقلابی از کل واگذاری‌ها در دوره ۱۳۸۰ تا پایان ۱۳۹۴، ۴۶٪ اعلام شده است. (سازمان خصوصی‌سازی، ۱۳۹۵: ۲۲)؛ بنابراین آن‌گونه که مؤمنی و حاجی‌نوروزی می‌نویسند حاکمیت ضعیف قانون، محدود کردن ورود غیر فرادستان به قالب‌های سازمانی با اعطای رانت، امتیازات و مجوزها به خودی‌ها، تأثیر ائتلاف غالب بر بازارها، حمایت از حقوق مالکیت فرادستان و عدم امنیت حقوق غیر فرادستان، دست‌کاری قیمت‌ها و مخدوش کردن فضای رقابت به نفع گروهی خاص، درجه بالای انحصار در اقتصاد و ... از جمله مواردی است که در ساختار سیاسی - اقتصادی دولت‌ها در ایران همواره دیده شده است.

فرایند خصوصی‌سازی در حالی در کشور شتاب گرفت که فساد در کشور دارای سطوح گسترده‌ای بود شاخص ادراک فساد که درجه فساد موجود در میان مقامات اداری و

اقتصاد سیاسی رانت و خصوصی سازی در... (حدیث مرادی، سید شمس‌الدین صادقی و مسعود اخوان کاظمی) ۳۰۵
سیاستمداران را نشان می‌دهد، همواره نمره ایران را بد ارزیابی کرده است (مؤمنی و حاجی نوروزی، ۱۳۹۶).

نتیجه نهایی خصوصی سازی در ایران را می‌توان با بررسی ۵ شرکت اول از لیست ۱۰۰ شرکت برتر سال که سازمان مدیریت دولتی آن را منتشر می‌کند دریافت جدول ۱ (سال‌های مالی ۹۴ تا ۹۷ بررسی گردیده‌اند):

جدول ۱. (www.imi.ir)

رتبه	سال ۹۴	سهام‌دار عمده	نوع مالکیت
۱	بانک ملی ایران	بانک ملی	دولتی
۲	شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس	سهام عدالت - دولت	شبه دولتی
۳	بانک ملت	سهام عدالت - دولت	شبه دولتی
۴	شرکت سرمایه‌گذاری غدیر	تأمین اجتماعی نیروهای مسلح	شبه دولتی
۵	شرکت ایران خودرو	ایدرو وزارت صنعت	دولتی
رتبه	سال ۹۵	سهام‌دار عمده	نوع مالکیت
۱	بانک ملت	سهام عدالت - دولت	شبه دولتی
۲	شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس	سهام عدالت - دولت	شبه دولتی
۳	شرکت ایران خودرو	ایدرو وزارت صنعت	دولتی
۴	بانک پارسیان	ستاد اجرایی فرمان امام	شبه دولتی
۵	شرکت پالایش نفت اصفهان		
رتبه	سال ۹۶	سهام‌دار عمده	نوع مالکیت
۱	شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس	سهام عدالت - دولت	شبه دولتی
۲	بانک پارسیان	ستاد اجرایی فرمان امام	شبه دولتی
۳	شرکت پالایش نفت اصفهان		
۴	شرکت سایپا	وزارت صنعت، صنایع بازشستگی فولاد (وزارت کار)	دولتی
۵	بانک صادرات		
رتبه	سال ۹۷	سهام‌دار عمده	نوع مالکیت
۱	شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس	سهام عدالت - دولت	شبه دولتی
۲	شرکت پالایش نفت اصفهان		
۳	شرکت پالایش نفت بندرعباس	سهام عدالت - ستاد اجرایی فرمان امام	شبه دولتی
۴	بانک ملت	سهام عدالت - دولت	شبه دولتی
۵	شرکت فولاد مبارکه	سهام عدالت - ایمیدرو	شبه دولتی

می‌توان جریان‌های عمده بهره‌مند از رانت‌های عرضه‌شده در کشور به‌ویژه خصوصی‌سازی را براساس بررسی لیست صد شرکت برتر اقتصادی ایران در سال ۱۳۹۶ (به صورت ویژه) بررسی کرد. وضعیت مالکیت صد شرکت برتر اقتصاد ایران در رتبه‌بندی سازمان مدیریت صنعتی در سال ۹۶ نتیجه جالب توجهی دارد. گزارش سال ۹۷ سازمان مدیریت صنعتی نشان می‌دهد از بین ۵۰۰ شرکت برتر ایران (ازلحاظ درآمدی، فروش و دارایی) در گروه ۱۰۰ شرکت برتر اول، ۲۸ شرکت خصوصی، ۶۰ شرکت خصولتی و ۱۲ شرکت دولتی است. در گروه ۱۰۰ شرکت برتر دوم، ۴۷ شرکت خصوصی، ۳۱ شرکت خصولتی و ۲۲ شرکت دولتی است.

در گروه ۱۰۰ شرکت برتر سوم، ۵۲ شرکت خصوصی، ۳۲ شرکت خصولتی و ۱۶ شرکت دولتی است. در گروه ۱۰۰ شرکت برتر چهارم، ۵۵ شرکت خصوصی، ۳۳ شرکت خصولتی و ۱۲ شرکت دولتی است. همچنین در گروه ۱۰۰ شرکت پنجم ۴۹ شرکت خصوصی، ۳۹ خصولتی و ۱۲ شرکت نیز دولتی هستند. به بیان ساده‌تر، بعد از دو دهه خصوصی‌سازی در ایران، غالب شرکت‌های برتر ایران از لحاظ درآمد و فروش، در مالکیت بخش خصولتی و دولتی هستند. (روزنامه فرهیختگان، ۱۳۹۸)؛ بنابراین الگوی فعلی مالکیت صنایع و شرکت‌های مختلف در ایران را براساس سهامداران عمده می‌توان به شکل زیر ترسیم کرد:

۱- هلدینگ‌های بزرگ وابسته به دولت ۲- نهادهای انقلابی و عمومی غیر دولتی ۳- بنیادهای تعاون (نهادهای مالی) نیروهای مسلح و ۴- بخش خصوصی

۳. اعطای رانت و حفظ نظم اجتماعی در ایران

براساس نظریه نورث و همکارانش در خصوص مقوله رانت و همچنین حفظ نظم اجتماعی باید به سه موضوع اشاره کرد:

۳-۱. عملکرد متفاوت نهادها

نورث و همکارانش نظم دسترسی محدود را موضوع تکامل نهادها می‌دانند. از نظر آن‌ها نهادهای متعلق به نظام دسترسی باز در نظام‌های دسترسی محدود کارایی نداشته و همچنان

اقتصاد سیاسی رانت و خصوصی سازی در... (حدیث مرادی، سید شمس الدین صادقی و مسعود اخوان کاظمی) ۳۰۷

با محوریت محدود کردن دسترسی اجرایی خواهند شد؛ بنابراین خصوصی سازی از جمله موارد رشد اقتصادی است که در کشورهای دسترسی باز که در آنها حاکمیت قانون، مالکیت خصوصی و رقابت برای کسب و کار در قالب نهادهای مستقر تضمین می گردد، زمینه ساز رشد بخش خصوصی مستقل خواهد شد؛ اما در ایران به عنوان کشوری که براساس نظم دسترسی محدود همچنان حاکمیت قانون (حاکمیت قانون بر ائتلاف غالب، قانونی شدن امتیازات فرادستان و همچنین دیگر موارد مد نظر در نظریه نورث) تحقق نیافته است قطع به یقین خصوصی سازی تنها براساس نظم دسترسی محدود عمل کرده و منجر به تقویت بخش خصوصی وابسته به ائتلاف خواهد شد.

۱- مالکیت خصوصی: جایگاه ایران در شاخص مالکیت خصوصی را می توان براساس (شاخص حقوق مالکیت IPRI) بررسی کرد. حفاظت از حقوق مالکیت شامل تسهیل قراردادهای خصوصی و محدود کردن اجبار، تهدید و سلب مالکیت توسط دولت است. دولت ها به شیوه های متعدد می توانند حقوق مالکیت و قراردادهای اتباع و شهروندان خود را نقض کنند که می توان به موارد زیر اشاره کرد: سلب مالکیت مستقیم دارایی ها، نکول (عدم پرداخت) بدهی مردم، کاهش ارزش پول، ممنوع کردن هرگونه معامله غیر از معاملاتی که به صورت رسمی به قیمت های تثبیت شده انجام می گیرد و قصور در ارائه زیرساخت های قانونی که بی طرفانه قراردادهای اجرا کرده و مشاجرات مربوط به حقوق مالکیت را فیصله بخشد (رنانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۴-۳۵).

گزارش شاخص بین المللی حقوق مالکیت هر ساله توسط اتحادیه حقوق مالکیت تهیه و منتشر می گردد. شاخص بین المللی حقوق مالکیت (IPRI) براساس سه زیر شاخص که عبارت اند: محیط حقوقی و سیاسی، مالکیت فیزیکی و مالکیت فکری به بررسی وضعیت حقوق مالکیت کشورها می پردازد و مواردی مانند استقلال قضایی، حاکمیت قانون، ثبات سیاسی، کنترل فساد، ثبت اموال و دسترسی به وام را مورد بررسی قرار می دهد. این شاخص تنها شاخص در جهان است که به اندازه گیری حقوق مالکیت فکری و فیزیکی می پردازد (International Prevention Research Institute). هر چند این شاخص بین المللی از سال ۲۰۰۷ کار خود را آغاز کرد اما آمار مرتبط با ایران از سال ۲۰۱۱ منتشر گردید. در زیر

رتبه ایران از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۹ مشاهده می‌شود (جدول ۲):

جدول ۲.

سال	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹
رتبه ایران	۱۰۴	۱۰۷	۱۱۱	ایران حذف شده است	۹۹	۹۹	۹۱	۹۱	۱۰۳
تعداد کشورها	۱۲۲	۱۲۳	۱۳۱	---	۱۲۱	۱۲۴	۱۲۷	۱۲۵	۱۲۹

۲- حاکمیت قانون: پروژه جهانی عدالت (World Justice Project, wjp)، سازمان چندرشته‌ای مستقلی است که به منظور پیش‌برد حاکمیت قانون در سراسر دنیا تشکیل شده است. حاکمیت قانون بنیان‌های اساسی یکسانی را برای جوامع فراهم می‌کند. این پروژه براساس ابعاد زیر حاکمیت قانون را بررسی می‌کند: ۱. محدودیت بر قدرت دولت (براساس ابزارهایی مانند میزان قدرت نهادهای حکومتی و مقامات و نمایندگان و همچنین میزان محدودیت‌های اعمال‌شده برای آنان و نیز پاسخگویی نهادهای حکومتی به مردم را بررسی می‌کند) ۲. فقدان فساد اداری (فاکتور دوم میزان فساد در دولت یا فقدان آن را تعیین می‌کند. این عامل سه نوع فساد را بررسی می‌کند: ۱. رشوه‌خواری؛ ۲. نفوذ نابه‌جا در منافع خصوصی و عمومی؛ ۳. میزان اختلاس از منابع عمومی یا سایر منابع. در این فاکتور اشکال فساد در نیروهای مسلح (ارتش و پلیس)، قوه مجریه، قوه قضاییه و مجلس بررسی شده است. اعلام شده است که مواردی همچون عدم استفاده مقامات دولتی، قضایی و قانون‌گذار و نیروهای مسلح از حوزه دولتی و کاری خود برای سود شخصی مد نظر است) ۳- دولت باز، باز بودن دولت و انتشار قوانین و تمام قراردادهای دولتی را اندازه‌گیری می‌کند یعنی تا چه میزان دولت اطلاعات را به اشتراک می‌گذارد (حق دسترسی عمومی به اطلاعات و شفافیت اطلاعات) ۴- حقوق بنیادی ۵- نظم و امنیت ۶- اجرای قانون ۷- عدالت مدنی ۸- عدالت کیفری (World Justice Project Rule of Law Index). در سایت این سازمان رتبه ایران از سال ۲۰۱۵ قرار داده شده است:

جدول ۳.

سال	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷-۲۰۱۸	۲۰۱۹	۲۰۲۰
رتبه ایران	۸۸	۸۶	۸۰	۱۰۴	۱۰۹
تعداد کشورها	۱۰۲	۱۱۳	۱۱۳	۱۲۶	۱۲۸

اقتصاد سیاسی رانت و خصوصی‌سازی در... (حدیث مرادی، سید شمس‌الدین صادقی و مسعود اخوان کاظمی) ۳۰۹

می‌توان گفت بسیاری از ملاک‌های مد نظر، برای تحقق کامل اهدافی که برای نهادها و همچنین برنامه‌های مختلف مانند خصوصی‌سازی تعیین می‌شوند تنها در یک نظم دسترسی باز به نتیجه خواهد رسید؛ بنابراین خصوصی‌سازی در سایه حاکمیت قانون و تحقق شاخص‌های مالکیت خصوصی که از ویژگی‌های نظم دسترسی باز هستند، تحقق خواهد یافت، در حالی که براساس نظریه نورث، حاکمیت قانون و مالکیت خصوصی، جزء شاخص‌ها و ویژگی‌های نظم دسترسی محدود نیستند، بر این اساس نمی‌توان انتظار داشت نهادهای طراحی‌شده برای یک نظم دسترسی باز همان نتیجه را در نظم دسترسی محدود تکرار نمایند. خصوصی‌سازی به‌عنوان یک برنامه راهبردی اجراشده در نظم دسترسی باز هنگامی که در یک نظم دسترسی محدود قرار گیرد، براساس اصول همین نظم یعنی امکان حمایت اعضای ائتلاف از بخش خصوصی وابسته به خود اجرایی خواهد شد و منتج به تسلط بخش خصوصی مستقل نخواهد گردید.

۳-۲. رانت و توسعه در ایران

در نظریه خشونت و نظم اجتماعی نگاه به رانت نگاه صرفاً منفی، غیر مولد و ضد توسعه‌ای نیست؛ بنابراین در نظام دسترسی محدود، اصطلاح رانت به مفهوم رانت‌های غیر مولد نیست بلکه امری است که رفتار سازمان‌ها را پیش‌بینی‌پذیر می‌کند و اصولاً امری ضد توسعه محسوب نمی‌گردد. از نظر نورث و همکارانش ایجاد رانت و محدودیت‌ها برای رقابت می‌تواند بسته به سطح توسعه یک کشور آثار خوب یا بد بگذارد. برای توسعه‌های میان‌مدت در یک نظام دسترسی محدود، آنچه موضوعیت دارد این است که آیا رانت‌ها انگیزه‌هایی برای افزایش بازدهی و انباشت ظرفیت تولید ایجاد می‌کنند یا خیر. در بسیاری از کشورهای نظم دسترسی محدود، آثار مثبت رانت افزون بر بازداشتن از خشونت بر تولید را نیز مشاهده می‌کنیم (نورث و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۰۵). همچنین نورث و همکارانش معتقدند چهارچوب مفهومی آن‌ها نشان می‌دهد در جامعه نظم دسترسی محدود آنچه در صورت ریشه‌کن کردن رانت جایگزین واقعیت موجود خواهد شد نه یک اقتصاد مبتنی بر بازار رقابتی (آن‌گونه که دیدگاه مستقیماً نامولد دانستن رانت مطرح می‌کند) بلکه جامعه‌ای

گرفتار در بی‌نظمی و خشونت است.

در کره جنوبی استراتژی توسعه صنعتی در چارچوب نظم اجتماعی دسترسی محدود بود به گونه‌ای که غالب رانت‌های اقتصادی به طرفداران حکومت داده می‌شد، تخصیص وام با نرخ‌های بهره پایین، ممانعت از ورود شرکت‌های جدید به صنایع انحصاری، تخصیص اعتبارات ارزان‌قیمت به شرکت‌های حامی ائتلاف غالب در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۶۰ مانند صنایع سنگین و صنایع پتروشیمی بود. در نتیجه امر چابول‌ها (همان شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی غیر انتفاعی مانند سامسونگ) با حمایت ائتلاف غالب در کره جنوبی ایجاد و رشد کردند، وام‌های سنگین بانک‌ها به چابول‌ها اعطا می‌شد و چابول‌ها از راه ارتباط با دولت ضمن شکل‌گیری توسعه اقتصادی، زمینه‌های مشروعیت دولت را فراهم می‌کردند، اما با رشد جامعه مدنی و تقویت حاکمیت قانون، قدرت انحصاری چابول‌ها کاهش یافت و از سال ۱۹۹۷ اصلاح نظام مالی چابول‌ها در دستور کار بود، به گونه‌ای که این شرکت‌ها به جای رانت‌های دسترسی محدود، به سمت رانت‌های نوآوری و خلاقیت حرکت کرده‌اند (زمانی، ۱۳۹۸: ۸۴-۸۵).

بر اساس نظریه نورث در ایران نیز اختصاص قسمت عمده‌ای از سهام شرکت‌های دولتی به بخش‌های وابسته به ائتلاف غالب می‌تواند زمینه‌ساز انباشت سرمایه و تولید گردد. در مقطع نظم دسترسی محدود با توجه به آنکه شرکت‌های خصوصی قدرتمند مستقل از ائتلاف، شکل نگرفته و در صورت وجود نیز حمایت نخواهند شد، اختصاص رانت به مجموعه ۱- هلدینگ‌های بزرگ وابسته به دولت؛ ۲- نهادهای انقلابی و عمومی غیر دولتی؛ ۳- بنیادهای تعاون (نهادهای مالی) نیروهای مسلح که بیشترین سهم از خصوصی‌سازی در ایران را داشته‌اند (در ایران براساس آمار سازمان مدیریت صنعتی در میان صد شرکت برتر در سال مالی ۹۶، از ۱۰۰ شرکت برتر ۶۰ شرکت شبه دولتی بوده‌اند اما نکته اساسی آن است که بیشتر شرکت‌های شبه دولتی در پروژه‌های نفتی، بانکی، پتروشیمی، خودروسازی و در مجموع زیرساختی حضور یافته و این نهادها در شرایط تحریم کشور روند رشد این بخش‌ها را برعهده داشته‌اند) می‌تواند زمینه‌ساز انباشت سرمایه در این شرکت‌ها باشد؛ اما اختصاص رانت باید دو شرط را داشته باشد اول آنکه رانت از حالت انحصاری و بدون قید

اقتصاد سیاسی رانت و خصوصی سازی در... (حدیث مرادی، سید شمس‌الدین صادقی و مسعود اخوان کاظمی) ۳۱۱

زمان و همچنین بدون توجه به سطح عملکرد باید به سمت رانت‌های محدود به قید زمان و متناسب با سطح عملکرد تغییر کند، ادامه اختصاص رانت به صورت نامحدود و دائمی، برای ورود به بازارهای رقابتی و رشد اقتصادی بلندمدت مشکل‌ساز می‌شوند.

از سوی دیگر می‌توان گفت در ایران ادامه روند انحصارگرایی بدون توجه به عملکرد بخش‌های خصوصی وابسته و حتی محدودتر کردن دامنه دسترسی می‌تواند از یک سو منجر به قدرت گرفتن برخی از اعضای ائتلاف و برهم خوردن تعادل و از سوی دیگر امکان بازگشت به نظم دسترسی محدود شکننده شود. وضعیت ایران در پس از انقلاب اسلامی، امکان شکل‌گیری بخش خصوصی وابسته به ائتلاف را تسهیل کرده است اما تعداد زیادی از این شرکت‌ها امکان فعالیت بدون رانت‌های انحصاری مانند وام و تسهیلات را ندارند و همین امر زمینه انباشت سرمایه را با مشکل روبه‌رو خواهد کرد حال آنکه اختصاص قید عملکرد، می‌تواند رفته‌رفته شرکت‌های زیان‌ده را از چرخه دریافت رانت خارج کند.

در وضعیت کنونی ایران، رانت دو شرایط را شکل خواهد داد: اگر رانت‌ها به لحاظ اقتصادی مولد و دارای سه ویژگی شوند: ۱- همیشگی نباشند؛ ۲- پیوندهایی با عملکرد مؤسسه‌ای که آن‌ها را دریافت کرده‌اند داشته باشند و ۳- محدود به عملکرد شوند (نورث و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۰۵)، شاهد انباشت سرمایه در شرکت‌های شبه‌دولتی و مولد شدن آن‌ها خواهیم بود. رقابت اعضای ائتلاف برای دریافت رانت (با قید عملکرد) خود زمینه‌ساز هدایت کشور به سمت گام اساسی در رسیدن به نظم دسترسی بالغ یعنی ایجاد رقابت میان اعضای ائتلاف برای دریافت رانت و خروج از دریافت انحصاری رانت خواهد بود؛ اما اگر شیوه اختصاص انحصاری رانت بدون توجه به مولد بودن و نوع عملکرد دریافت‌کنندگان ادامه یابد از یک سو برخی از اعضای ائتلاف با توجه به قدرت خود خواهان دریافت رانت بیشتری شده و همین امر ممکن است تهدیدی علیه ائتلاف گردد و از سوی دیگر امکان توسعه و رشد کشور در بلندمدت با محدودیت مواجه خواهد شد.

دیوید دالر معتقد است باید رقابت میان خود اعضای ائتلاف غالب حکم‌فرما گردد و اعضای ائتلاف برای به دست آوردن رانت با یکدیگر رقابت کنند. او مهم‌ترین راه برای

کاهش میزان رانت را حرکت از نظم دسترسی محدود پایه به نظم دسترسی بالغ می‌داند و این امر در ابتدا از طریق تغییر کارکرد قانونی برای نخبگان و در مرحله اول ایجاد رقابت میان آن‌ها و سپس میان تمام بخش‌های جامعه امکان‌پذیر است. این امر زمانی رخ می‌دهد که نخبگان عضو ائتلاف به این امر معتقد باشند رقابت میان آن‌ها منافع پیشین آن‌ها را تهدید نمی‌کند. نظم دسترسی محدود شکننده باید بر ایجاد امکاناتی به منظور حرکت به سمت نظم دسترسی محدود پایه، نظیر ایجاد خدمات و بنگاه‌های دولتی تخصصی‌تر تمرکز کند. نظم‌های دسترسی محدود پایه باید بر ایجاد شرایط تمرکز کنند که قادر به پرورش و حفظ سازمان‌های خصوصی هستند. در نهایت نظم‌های دسترسی محدود بالغ باید تمرکز خود را معطوف به فراهم کردن شرایط آستانه‌ای یعنی برقراری حاکمیت قانون برای فرادستان، ایجاد سازمان‌های دائمی که معطوف به اشخاص مؤسس نباشند و در نهایت کنترل نهادهای مستعد خشونت کند (دالر، ۲۰۰۵).

۳-۳. شرایط اجتماعی و خاص هر جامعه مبنای توزیع رانت و جلوگیری از

خشونت

نورث و همکارانش همچنین بر عوامل درون‌زا و برون‌زا در روند نظم دسترسی محدود تأکید دارند. با شروع جنگ و حمله ناگهانی عراق، مراکز صنعتی، انرژی و تجاری در اقصی نقاط کشور به ویژه جنوب غربی ایران به شدت آسیب دید و یا در معرض آسیب و تهدید قرار گرفت. در این دوره با وجود قیمت بالای نفت در بازارهای جهانی، درآمدهای نفتی ج.ا. به دلیل کاهش صادرات نفت و تحریم خرید نفت ایران توسط غرب، تنزل یافته بود (رتوفی، ۱۳۸۷: ۳۵) همچنین شکل‌گیری تحریم‌های تجاری و مالی علیه ایران را می‌توان یکی از دلایل مهم شرایط اقتصادی کشور دانست. تحریم‌هایی که از همان زمان پیروزی انقلاب به فراخور زمان‌های مختلف، اجرایی شده‌اند. با تحریم‌های مالی در واقع جریان بدهی و دارایی سرمایه‌ای ایران تحت تأثیر قرار گرفت. ایران عمدتاً برای توسعه پروژه‌ها و سرمایه‌گذاری در بخش نفت به استقراض نیازمند است. از جمله مهم‌ترین ابزار در اختیار آمریکا برای تحریم مالی ایران محروم نمودن آن‌ها برای تأمین مالی از طریق بانک

اقتصاد سیاسی رانت و خصوصی سازی در... (حدیث مرادی، سید شمس‌الدین صادقی و مسعود اخوان کاظمی) ۳۱۳

صادرات-واردات، اعتبارات صادراتی، ضمانت‌نامه، وام و بیمه می‌توان نام برد (یاوری، ص ۳۵).

بدین ترتیب جمهوری اسلامی ایران، با پدیده‌ی محدودیت دسترسی به سرمایه، تکنولوژی و نیروی ماهر در اقتصاد سیاسی خود مواجه شده و از دیگر سو ضرورت بازسازی اقتصاد کشور و خنثی‌سازی فشارهای ساختاری غرب اجتناب‌ناپذیر است. شرایطی بین‌المللی یادشده و در تنگنا قرار گرفتن اقتصاد ملی زمینه‌شکل‌گیری نوع جدیدی از روابط اقتصادی-اجتماعی در اقتصاد سیاسی ایران از جمله به کارگیری ظرفیت بخش‌های نوین نظیر نظامیان برای پر کردن خلأ سرمایه، دانش و تکنولوژی لازم جهت بازسازی و پیش برد برنامه‌های اقتصادی کشور را فراهم نمود.

واقعیت آن است که جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ به تدریج هم بنا به دلایل ایدئولوژیک و هم به خاطر شرایط تحمیل شده در روزهای ابتدایی انقلاب اسلامی و درنهایت به دلیل تقابل‌های شکل گرفته با ایالات متحده آمریکا به عنوان هژمون اصلی نظام سرمایه‌داری، به تدریج در تقابل با نظام جهانی و اقتصاد بین‌الملل قرار گرفت. با اینکه دوران ۱۶ ساله اول شرایط اقتصاد سیاسی ایران مسیر ورود نظامیان به اقتصاد را هموار ساخت و از آن‌ها در حوزه‌های بازسازی سازندگی بهره‌برداری کرد اما شرایط اقتصادی و نوع تحریم‌ها، همچنان امکان تقویت بخش خصوصی غیر وابسته را هرچند به صورت محدود فراهم می‌کرد، اما از سال ۱۳۸۴ به بعد شرایط حاد بین‌المللی در نتیجه تغییر روند سیاست خارجی و تغییر مسیر سیاست‌های اقتصادی در داخل، یک بازگشت از خط توسعه را شکل داد و گسترش تحریم‌ها و منجر به افزایش روند حضور نظامیان و همچنین نهادهای عمومی غیردولتی در اقتصاد بود (وهابی، ۱۳۹۴). افزایش شدید تحریم‌ها (نفتی و بانکی) به ویژه پس از خروج آمریکا از برجام، همچنان دولت را نیازمند حضور بخش‌های اقتصادی وابسته به ائتلاف کرده است.

۳-۴. رانت و کنترل خشونت

نوع خشونت با توجه به نوع نظم دسترسی محدود، متفاوت خواهد بود و هر چه جامعه از

نظم دسترسی شکننده به نظم دسترسی بالغ حرکت کند از میزان خشونت کاسته خواهد شد. در نظم دسترسی شکننده خشونت معطوف به جنگ داخلی و خارجی و تهدید مستقیم ائتلاف غالب است مانند آنچه ایران در اوایل انقلاب تجربه کرده است؛ اما در نظم دسترسی محدود پایه مانند شرایط فعلی ایران خشونت به اشکال مختلفی بروز خواهد کرد و می‌تواند به شکل غیر مستقیم قدرت ائتلاف را به چالش بکشد.

در نظم دسترسی محدود پایه مانند وضعیت فعلی ایران، قرار دادن محدودیت در دسترسی اقتصادی و عدم امکان حمایت از بخش خصوصی مستقل به دلیل نگرانی اعضای ائتلاف از شکل‌گیری جریانی قدرتمند و غیر وابسته و همچنین تهدید نظم موجود و ایجاد خشونت از سوی این جریان مالی رخ می‌دهد همچنین فراهم آوردن امکان دستیابی شرکت‌ها و مراکز وابسته به ائتلاف به منابع مالی جهت درگیر کردن این اعضا در سود و منافع مشترک، ایجاد اعتماد میان آن‌ها و در نهایت پیش‌بینی‌پذیر کردن رفتار اعضای ائتلاف صورت می‌گیرد. بر این اساس تلاش برای حذف نهادها و سیاست‌هایی که از ایجاد رانت به لحاظ اقتصادی غیر خلاق و انحصاری پشتیبانی می‌کنند باید به‌روشنایی انجام بگیرد که به وقوع مجدد بی‌ثباتی و خشونت که در یک نظام دسترسی محدود توسعه را از ریل خارج می‌سازد منجر نشود؛ بنابراین سخن گفتن از حذف یک‌باره رانت به نهادهای وابسته به اعضای ائتلاف غالب بدون دستیابی جامعه به مراحل آستانه‌ای یعنی ۱- نظام‌های دسترسی محدود دامنه روابطی را که در آن‌ها حاکمیت قانون به‌طور مؤثری حفظ شده است را افزایش می‌دهند، ۲- تعداد بیشتری از سازمان‌های دارای ظرفیت خشونت را به روابطی وارد می‌سازند که به نحو موفقیت‌آمیزی از خشونت بالفعل می‌کاهند و ۳- امکان مبادله غیر شخصی میان نخبگان قدرت پدید آید، تنها منجر به خشونت و از میان رفتن نظم مستقر خواهد شد.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش سعی شد بر مبنای نظریه نظم‌های اجتماعی نورث، والیس و وینگاست، به مسئله خصوصی‌سازی در ایران و دلایل انحراف آن از اهداف اصلی یعنی انتقال اموال

اقتصاد سیاسی رانت و خصوصی‌سازی در... (حدیث مرادی، سید شمس‌الدین صادقی و مسعود اخوان کاظمی) ۳۱۵

دولتی به بخش خصوصی پرداخته شود.

۱. پس از وقوع انقلاب، شکل‌گیری تهدیدهای خارجی و داخلی و وجود خشونت، ائتلاف غالب به سمت محدود کردن دسترسی حرکت کرد. خصوصی‌سازی که از ابتدای دهه ۷۰ آغاز شد براساس نظریه نورث و همکارانش مصداق به‌کارگیری نهادهای متعلق به نظم دسترسی باز در نظم دسترسی محدود بود که منجر به نتایج قابل انتظار نگردید. خصوصی‌سازی نیز از جمله برنامه‌های توسعه‌ای است که در کشورهای توسعه‌یافته به رشد بخش خصوصی مستقل و خلاق منجر شده است اما اجرای آن در کشوری که در آن نظم دسترسی محدود برقرار است و ائتلاف غالب برای حفظ نظم و جلوگیری از خشونت (شکل‌گیری جریانی قدرتمند در خارج از ائتلاف، غیر قابل پیش‌بینی شدن رفتار اعضای ائتلاف و یا جنگ داخلی)، دسترسی اقتصادی را محدود کرده و تنها به حمایت از بخش‌های وابسته به خود می‌پردازد تنها منجر به رشد بخش وابسته به ائتلاف خواهد شد که در ایران بخش خصولتی یا شبه‌دولتی نامیده می‌شود؛ بنابراین به‌صورت غیر قابل اجتناب، شاهد دست یافتن شرکت‌های وابسته به ائتلاف به سهام شرکت‌های خصوصی‌سازی شده خواهیم بود. امری که به‌صورت کم و زیاد در تمامی دولت‌ها دنبال شد و در تمامی مراحل و ادوار خصوصی‌سازی در ایران، محدود کردن دسترسی وجود داشته است.

۲. براساس نظریه خشونت و نظم اجتماعی موضوع اصلی توسعه ایجاد اصلاحاتی درون چارچوب نظام دسترسی محدود است؛ بنابراین باید به شرایط ویژه هر جامعه توجه و موضوع رشد درون نظام دسترسی محدود دنبال گردد. در نظم دسترسی محدود پایه که ایران در آن قرار دارد رشد و اصلاح مورد نیاز جامعه برای توسعه نه حرکت یک‌باره به سمت نظم دسترسی باز و حذف رانت، بلکه امکان حمایت ائتلاف از بخش خصوصی غیر وابسته است زیرا این امر منجر به گذار به نظم دسترسی محدود بالغ خواهد شد. مسئله اول توسعه بر حرکت نظام دسترسی محدود از شکننده به پایه و از پایه به بالغ و از بالغ به شرایط آستانه‌ای ورود است. تلاش برای از قلم‌انداختن این گام‌ها و به‌جای آن تمرکز بر گذار از یک نظم دسترسی محدود به یک نظام دسترسی باز بیشتر می‌تواند به شکست و

وقوع خشونت منجر گردد.

۳. پس از انقلاب ایران همواره شرایط خاصی از منظر تهدیدات خارجی و تحریم داشته است بنابراین می‌توان گفت یکی از مواردی که باید در نظم دسترسی محدود و تأثیر آن در محدودتر شدن دسترسی و نیاز ائتلاف به حمایت گسترده از اعضای خود به آن توجه شود نقش عوامل تهدیدکننده درون‌زا و برون‌زا است. عاملی که از همان ابتدای پیروزی انقلاب وضعیت اقتصادی ایران را تحت تأثیر قرار داده و آن را نیازمند بهره‌گیری از توان‌بخش‌های مختلف ائتلاف برای حل مشکلات اقتصادی کرده است.

منابع

- ابلاغیه رهبر معظم انقلاب درباره سیاست‌های کلی بند ج اصل چهارم و چهار قانون اساسی، ۱۰ / ۴ / ۸۵ پوری حسینی، عبدالله؛ میر علی‌اشرف. «چرا بیشتر مزایده‌های خصوصی‌سازی شکست می‌خورد؟»، *دنیای اقتصاد*، ۱۱ / ۱۰ / ۹۶.
- حاتمی، عباس. (۱۳۸۷)، «دولت و اقتصاد در ایران پس از انقلاب: تأثیر سیاست‌های بازتوزیعی بر جدال‌های هرمنوتیکی، طبقاتی و پیدایش دولت غیر یکپارچه در ایران»، *فصلنامه سیاست*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۳۸ (۲)، ۱۱۷-۸۹.
- رجبی‌نژاد، مهسا (۱۳۹۸). «وضعیت ایران در شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت سال ۲۰۱۹». *معاونت بررسی‌های اقتصادی*.
- رمضانی باصری، عباس و میرفردی، اصغر (۱۳۹۳). «تبیین نهادگرایی و گرایش آن به توسعه»، *مجله اقتصادی*، ۱۴ (۳ و ۴)، ۱۲۱-۱۳۸.
- رثوفی، حمیدرضا (۱۳۸۷). «اقتصاد ایران در دوران جنگ تحمیلی»، *فصلنامه مطالعات جنگ ایران و عراق*، ۶ (۲۴).
- رنانی، محسن (۱۳۹۵). «نظم شکن در شکن»، *فصلنامه فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی*، ۱۱ (۴۰).
- رنانی، محسن؛ صمدی، علی حسین و دلالی اصفهانی، رحیم (۱۳۹۰)، «تأثیر حفاظت از حقوق مالکیت بر رشد اقتصادی ایران»، *مجله علمی پژوهشی سیاست‌گذاری اقتصادی*، ۳ (۶)، ۳۳-۶۰.
- روزنامه ایران، گفتگو با رئیس سازمان خصوصی‌سازی «۹۸ درصد واگذاری‌ها در دولت احمدی‌نژاد انجام شد»، ۲۶ / ۶ / ۹۱. شماره ۵۱۷۶
- زمانی، رضا. (۱۳۹۲)، *مطالعه فرایند توسعه اقتصادی ایران طی یک صد سال اخیر با استفاده از رهیافت*

اقتصاد سیاسی رانت و خصوصی‌سازی در... (حدیث مرادی، سید شمس‌الدین صادقی و مسعود اخوان کاظمی) ۳۱۷

نظم اجتماعی نورث، والیس و وینگاست، رساله جهت اخذ مدرک دکتری، تهران: گروه اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبایی.

زمانی، رضا (۱۳۹۸). «تحلیل تغییرات نظم اجتماعی ایران از انقلاب مشروطه (۱۲۸۵) تا انقلاب (۱۳۵۷)»، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، ۱۹ (۳)، ۷۵-۱۱۸.

عباسی، بیژن و امیری، مینا. (۱۳۹۵). «نقش نهادهای عمومی غیر دولتی در خصوصی‌سازی ایران و آثار آن»، فصلنامه علمی پژوهشی برنامه و بودجه. سال بیست و یکم. شماره ۳. صص ۳۳-۴۸

گروه کارشناسان وزارت اقتصاد و دارایی (۱۳۸۳)، ربع قرن نشیب و فراز: بررسی تحولات اقتصادی کشور طی سال‌های ۱۳۵۱-۱۳۸۲، تهران: پایگان.

گزارش عملکرد (۱۳۸۰). سازمان خصوصی‌سازی، شماره ۱.

گزارش عملکرد (۱۳۸۴)، سازمان خصوصی‌سازی، معاونت مطالعات و ارزیابی

گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس در خصوص روند خصوصی‌سازی. (۱۳۸۸)، گذر از اقتصاد دولتی به شبه‌دولتی، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.

مالجو، محمد. (۱۳۸۱)، «اعتراض جامعه مدنی به‌مثابه بدیلی برای سیاست خصوصی‌سازی در ایران»، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، ۲ (۶)، ۱۳-۲۷.

مؤتقی، احمد (۱۳۸۵)، «اقتصاد سیاسی ایران در دوره جمهوری اسلامی ایران»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، (۷۱)، ۳۱۱-۳۵۳.

مؤمنی، فرشاد و حاجی‌نوروزی، شیما (۱۳۹۶). «اقتصاد سیاسی خصوصی‌سازی همراه با فساد». فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، ۱۷ (۶۷)، ۲۲۱-۲۵۲.

میدری، احمد (۱۳۸۹)، «شرایط سیاسی و ساختار مالکیت در سه دهه اخیر در ایران»، فصلنامه فرهنگی و اجتماعی گفتگو، شماره ۵۴

نورث، داگلاس؛ والیس جان جوزف و وینگاست، باری (۲۰۰۶)، «چارچوب مفهومی برای تفسیر تاریخ مکتوب بشری»، ترجمه جعفر خیرخواهان، اقتصاد سیاسی. ۱ (۳)،

نورث داگلاس؛ والیس، جان جوزف و وینگاست، باری (۱۳۹۵)، در سایه خشونت (سیاست، اقتصاد و توسعه)، ترجمه محسن میردامادی و محمدحسین نعیمی‌پور، چاپ اول، تهران: روزنه.

نورث داگلاس؛ والیس، جان جوزف و وینگاست، باری (۱۳۹۶)، خشونت و نظم‌های اجتماعی، ترجمه جعفر خیرخواهان و رضا مجیدزاده. چاپ اول، تهران: روزنه.

وهایی، مهرداد. (۱۳۹۴). «جایگاه سپاه در اقتصاد ایران»، نشریه میهن، سه شنبه، ۱ دی ۱۳۹۴، ۲۲ دسامبر ۲۰۱۵، دوره جدید، شماره ۶.

یاوری، کاظم و محسنی رضا. (۱۳۸۹). «آثار تحریم‌های تجاری و مالی بر اقتصاد ایران: تجزیه و تحلیل تاریخی» مجلس و پژوهش، ۱۶ (۶۱)، ۱۰-۵۳.

References

- Abbasi B, Akbari M. "The Role and Impacts of Non-governmental Institution in Privatization in Iran". JPBUD. 2016; 21 (3) :23-48. (In Persian).
- Abdollahpouri Hosseini Mir Ali Ashraf, (11/10/1396) (In Persian). "Why do most privatization auctions fail?", *The World of Economy Magazine*
- Clark, j. (1992) "Democratizing development: NGO and the state", *development in practice*, pp 151-162.
- Dollar, David. "Globalization, Poverty, and Inequality since 1980," *World Bank*.
- Fischer. Pius (2004), "*Rent-Seeking, institutions reforms in Africa*", PHD thesis university Konstanz Germany.
- Hatami. Abaas. (2008), "The State and Economy in Post Revolutionary Iran: The Impact of Redistributive, Economic Policies The Emergence of The non Monolithic State". *Political Quarterly*, 38(2 Volume 38, Issue 2 - Serial Number 1000272, September 200. (In Persian). info.worldbank.org
- International Prevention Research Institute (<https://i-pri.org>)
- International Prevention Research Institute (<https://i-pri.org>)
- International Prevention Research Institute (<https://i-pri.org>)
- Lambsdorf, Johan Graf (2007), "*The Institutional Economics of Corruption and Reform*", Cambridge University Press.
- Maljoo M. "Civil Protest as an Alternative for Privatization in Iran". *refahj*. 2003; 2 (6) :13-26 (In Persian).
- Mo, Jongryn and Barry Weingast, (2012). "Political Economy of Korea's Transition", 2008.
- Momeni, F., Hajinorozi S. (2017). "Political Economy of Privatization with Corruption". *Economics Research*, 17(67), 221-252. doi: 10.22054/joer.2018.8568. (In Persian).
- Movasaghi. ahmad, (2006), "Political Economy of Iran, in The Islamic Republic". *Law & Political science*, Volume 71, Issue 0, April 2006 (In Persian).
- North. Douglas, John Joseph Wallis, and Barry Wingest (2006). "A Conceptual Framework for Interpreting Recorded Human History." Translated by Jafar Khairkhahan, *political economy*. first year. Number three. (In Persian).
- North. Douglas, Wallis and Wingest. (2015). "*In the shadow of violence (politics, economy and development)*". Translated by Mohsen Mirdamadi and Mohammad Hossein Naimipour, Tehran, Rozeneh Publications. (In Persian).
- North. Douglas., Wallis and Wingest. (2016). "*Violence and social orders*". Translated by Jafar Khairkhahan and Reza Majidzadeh. First edition. Tehran, Rozeneh Publications. (In Persian).
- Parker, D. (2012), "The Official History of Privatization". Vol. II: *Popular Capitalism, 1987-97*. New York: Routledge
- Rajabi nejad. Mahsa (1398). "Iran" s status in International Property Rights" Index 2019. (In Persian).
- Ramzani Basri Abbas and Asghar Mirfardi. (2013). "Explaining institutionalism and its tendency towards development". *Economic magazine*, 14th year. No. 3 and 4. (In Persian).
- Raofi, Hamidreza. (1387). "Economy of Iran during the imposed war", *Iran-Iraq War Studies*

اقتصاد سیاسی رانت و خصوصی سازی در... (حدیث مرادی، سید شمس الدین صادقی و مسعود اخوان کاظمی) ۳۱۹

Quarterly, Year 6, Number 24

Renani, Mohsen. (2016). "Disrupting order in violation" *Cultural, Economic, Social Quarterly*, Year 11, Number 40. (In Persian).

Renani, Mohsen, Ali Hussein Samadi and Rahim Esfahani "Property Rights and Economic Growth: A Case of Islamic Republic of Iran", *The Journal of Economic Policy*, Volume 3, Issue 6 - Serial Number 6, September 2010, Pages 33-60. (In Persian).

Starr, P. (1998). "The Meaning of Privatization", *Law and Policy Review*, 6(1), 6-41. Observer The advice of the Supreme Leader of the Revolution about the general policies Article 44 of the Constitution, 10 / 4 / 85. (In Persian).

The Worldwide Governance Indicators (WGI) project reports index, World Bank Group,

Wahhabi, Mehrdad. (2014). " Sepah's position in Iran's economy " *Mihan magazine*, Tuesday, January 1, 2015, December 22, 2015, new issue, number 6. (In Persian).

World Justice Project Rule of Law Index WJP Rule of Law Index, <https://worldjusticeproject.org>

Yavari, Kazem and Mohseni Reza. (2009). "Effects of commercial and financial sanctions on Iran's economy: a historical analysis" *Majles and Research*, year 16, number 61 (pp. 10-53). (In Persian).

Zamani, Reza. (2012). "*The study of Iran's economic development process during the last one hundred years using the social order approach of North, Wallis and Wingest*". Dissertation for obtaining a PhD degree, Tehran: Department of Economics, Allameh Tabatabai University. (In Persian).

مدیریت آب رودخانه‌های مرزی غرب ایران و تأثیر آن بر تعاملات اقتصاد سیاسی ایران و عراق (مطالعه موردی طرح سامانه گرمسیری)

علیرضا کیانی*

حمیدرضا سعیدی نژاد**، شهرام فتاحی***، سیروس محبی****

چکیده

تغییرات آب‌وهوایی، افزایش جمعیت، رشد و توسعه صنایع و استفاده نامناسب از منابع آب موجود، باعث شده که بحران آب و چالش‌های امنیتی ناشی از آن به یکی از مهم‌ترین موضوعات امروز جامعه جهانی تبدیل شود. در چنین شرایطی توجه روزافزون به وضعیت رودخانه‌های مرزی، اهمیت فزاینده‌ای پیدا می‌کند و این مسئله باعث افزایش مشاجرات و منازعات هیدروپلیتیکی میان کشورها شده است. کشور ایران به‌واسطه داشتن رودخانه‌های مرزی مشترک از این قاعده مستثنا نیست؛ بنابراین چند سالی است که برنامه‌ریزی برای مدیریت و بهره‌وری بیشتر از منابع آب رودخانه‌های مرزی خود را آغاز نموده است. یکی از این برنامه‌ها، طرح موسوم به «سامانه گرمسیری غرب کشور» است. هدف پژوهش حاضر شناسایی تهدیدها و آسیب‌های ناشی از کاهش آب‌های ورودی به خاک عراق پس از اجرای این طرح با استفاده از مفهوم موسع امنیت در مکتب کپنهاک است. پرسش اصلی پژوهش عبارت است از «مدیریت آب رودخانه‌های مرزی غرب کشور موسوم به طرح سامانه گرمسیری چگونه مناسبات اقتصادی، سیاسی و امنیتی دو کشور ایران و عراق را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟» در نوشتار پیش رو از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده و گردآوری اطلاعات و داده‌ها با مشاهده میدانی، مصاحبه، اسناد و اینترنت انجام گرفته است. فرضیه اصلی پژوهش این است که «مدیریت آب رودخانه‌های مرزی و اجرای طرح‌های بزرگ آبی غرب کشور موجب تنش و منازعه سیاسی امنیتی و برهم‌خوردن تعاملات اقتصادی بین دو کشور ایران و عراق می‌گردد.» شواهد حکایت از آن دارد که اجرای این پروژه باعث توسعه و امنیت پایدار و جلوگیری از مهاجرت ساکنان مناطق مرزی می‌شود، اما برای جلوگیری از تهدیدهای احتمالی اقتصادی و سیاسی امنیتی ناشی از کاهش آب ورودی به کشور عراق و همچنین انتقال آب بین حوضه‌ای باید تمهیدات و تدابیر لازم از سوی دستگاه دیپلماسی و دیگر نهادها و سازمان‌های مربوطه به عمل آید که در پایان پیشنهادهایی در این مورد ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: ایران و عراق، هیدروپلیتیک، سامانه گرمسیری، تعاملات اقتصاد سیاسی، امنیت موسع.

نوع مقاله: پژوهشی.

- * دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.
 ** استادیار علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. (نویسنده مسئول)،
 Saeedynezhad48@gmail.com
 *** استادیار علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.
 **** استادیار علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

مقدمه و بیان مسئله

آب از سرمایه‌های حیاتی در هر کشور است. منطقه خاورمیانه از جمله مناطقی است که با مشکل و کمبود آب روبه‌رو است. این مشکل با توسعه و بهره‌برداری کشورها از منابع آبی مشترک روندی افزایشی و تصاعدی دارد. به همین سبب بعضی از کارشناسان معتقدند تا سال ۲۰۲۵ مناطقی از جهان با بحران و قحطی آب مواجه می‌شوند که خاورمیانه نیز در زمره این مناطق است. بر همین اساس کارشناسان امور آب و بعضی از دولت‌مردان جنگ آینده را جنگ آب می‌دانند. کامالاهریس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا به تازگی ضمن اذعان به لشکرکشی آمریکا در جنگ‌های گذشته برای نفت اعلام کرد: «برای سال‌ها و نسل‌ها، جنگ‌ها بر سر نفت بوده است. در آینده نه‌چندان دور جنگ‌ها بر سر آب خواهد بود.» (روزنامه فرهیختگان، ۱۴۰۰/۱/۲۵، کد خبر: ۵۳۴۲۸) این صریح‌ترین موضع‌گیری یکی از مقامات عالی‌رتبه آمریکا درباره تغییر دلیل اصلی جنگ‌ها در آینده است. پطروس غالی دبیر کل پیشین سازمان ملل متحد گفته است: جنگ‌های آینده خاورمیانه به خاطر نفت نخواهد بود؛ بلکه بیشتر به خاطر آب خواهد بود که پیوسته مقدار آن در این منطقه کاهش می‌یابد (جعفری ولدانی، ۱۳۸۸).

از اوایل دهه ۱۹۸۰ دستگاه‌های اطلاعاتی آمریکا اعلام داشتند که لااقل در ده نقطه جهان احتمال جنگ بر سر مسئله نقصان آب‌های مشترک و توزیع ناعادلانه آن‌ها وجود دارد که بیشتر این مناطق در خاورمیانه است (فغانی، ۱۳۷۸: ۴). با تداوم روند یادشده، چنین برداشت می‌شود که در آینده نه‌چندان دور آب در منطقه خلیج فارس به عنوان یک ماده حیاتی و استراتژیک به تدریج همانند نفت متغیری اثرگذار بر امنیت ملی کشورهای منطقه و یکی از عوامل پایداری تنش در منطقه خواهد بود و سیاست کشورهای منطقه را تحت تأثیر خود قرار داده و روابط آنان را براساس این متغیر جدید شکل خواهد بخشید (بلوچ و عادل، ۱۳۹۳).

براساس استانداردهای بین‌المللی برای آنکه یک کشور از نظر مقدار آب با مشکلی روبه‌رو نباشد، سرانه آب سالیانه هر فرد باید ده‌هزار متر مکعب باشد؛ در عمل میانگین سهم فرد از جمعیت هفت میلیاردی دنیا به‌طور متوسط هفت‌هزار متر مکعب در سال است که

مدیریت آب رودخانه‌های مرزی غرب... (علیرضا کیانی؛ حمیدرضا سعیدی نژاد؛ شهرام فتاحی و سیروس محبی) ۳۳۳

این میزان هرساله در حال کاهش است (ببری، ۱۵:۲۰۰۵). کشورهای با سرانه بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ متر مکعب دچار کمبود مزمن و کشورهای پایین‌تر از حد نصاب یادشده به‌طور مداوم با فشار یا تنش کمبود آب روبه‌رو می‌شوند (فالکن مارک و دیوید سترند، ۱۹۸۹). در حالی که ۱٪ از جمعیت جهان در ایران ساکن هستند، اما تنها ۰.۳٪ از منابع آب شیرین را در اختیار دارد و آن‌هم با توزیع مکانی و زمانی نامناسب، در این راستا بررسی چالش‌های اساسی که مدیریت آب کشور در دهه آتی با آن روبه‌رو است، بسیار حیاتی است (زرگپور، ۱۳۹۰: ۱۰۰).

چنین وضعیتی زنگ خطر و هشدار بسیار جدی برای مسئولین در سطوح مختلف حاکمیتی است که به برنامه‌ریزی کلان و اساسی برای استفاده مناسب از منابع موجود آبی و پیش‌بینی‌های لازم برای جلوگیری از بحران‌های ناشی از کمبود آب بپردازند. به‌طوری که سالانه ازراه بیش از هجده رودخانه کوچک و بزرگ در غرب کشور، حدود هفت میلیارد متر مکعب آب وارد خاک عراق می‌شود (نیرومندفر و شهیدی، ۱۳۹۷). در چنین وضعیتی بیش از ۵۰٪ زمین‌های کشاورزی مناطق مرزی غرب کشور بی‌بهره از این منابع آبی یا به‌صورت دیم کشت می‌شوند و یا بایر شده‌اند؛ بنابراین در راستای تأمین آب کشاورزی، آب شرب و آب مورد نیاز صنایع شهرها و روستاهای مرزی غرب کشور (به‌ویژه استان‌های کرمانشاه و ایلام)، برنامه‌ریزی برای مدیریت آب رودخانه‌های مرزی طراحی و در دست اجرا قرار گرفت؛ که این طرح ضمن امنیت‌ساز بودن و ایجاد توسعه پایدار در این مناطق، به‌علت انتقال آب بین حوضه‌ای از یک‌سو و کاهش احتمالی آب به کشور عراق که پیامد آن بحران زیست‌محیطی و کاهش امنیت غذایی است، موضع‌گیری و عکس‌العمل مقامات دولت مرکزی و اقلیم کردستان، کشاورزان و فعالان محیط‌زیست آن کشور و حتی برخی از ساکنان نواحی مرزی داخل کشور ایران را به‌دنبال خواهد داشت که در این رابطه از تحریک کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مخالف رابطه دوستانه دو کشور نیز نباید غافل شد.

در نتیجه با توجه به پیچیدگی موضوع، اجرای این طرح باید در چارچوب مقررات بین‌المللی آب‌های مشترک و توافقات دوجانبه بین دو کشور ایران و عراق صورت پذیرد؛ البته اینجا نقش دیپلماسی فعال آب برای کاهش آثار و پیامدهای منفی احتمالی طرح بسیار

مهم است. در نوشتار پیش رو پس از بیان مقدمه و طرح مسئله به ضرورت و اهمیت پژوهش، ادبیات و پیشینه و چارچوب نظری پرداخته شده است و در ادامه یافته‌های پژوهش، تجزیه و تحلیل، بررسی و آزمون فرضیه، پاسخ پرسش اصلی و در نهایت نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها آمده است.

ضرورت و اهمیت پژوهش

برخورداری از آب سالم برای نیازهای انسانی از عوامل اساسی و به‌منزله عامل تمدن بشری شناخته شده است؛ به‌طوری که همواره مورد احترام جوامع بوده و رودخانه‌های مختلف در سراسر جهان، نزد جمعیت ساکن در آن نواحی اهمیت بالایی داشته و مورد تقدس بوده‌اند. چنان‌که خداوند متعال نیز آب را مایه حیات هر موجود زنده‌ای قرار داده است و می‌فرماید: ﴿وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا﴾ (انبیاء: ۳۰). هیچ کشوری بدون اطمینان از داشتن آب نمی‌تواند ثبات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود را حفظ کند و بدون کاهش میزان آلودگی جوی، امنیت نسل‌های آتی از نظر آب و غذا مبهم و بدین‌وسیله توسعه پایدار فقط در حد یک شعار باقی می‌ماند. در میان کشورهای مجاور، ایران با عراق از نظر جریان‌ات آب‌های سطحی، بیشترین پیوند توپوگرافی و تداخل حوضه آبریز را دارد و به‌دلیل قرار گرفتن ایران در بالادست و داشتن موقعیت کوهستانی، سالیانه میلیاردها متر مکعب آب کشور به سرزمین عراق جریان می‌یابد.

هرچند ایران هیچ‌گاه قائل به حاکمیت مطلق خود بر آب رودخانه‌هایی که از این کشور سرچشمه گرفته و وارد خاک عراق می‌شود، نبوده و در هیچ زمانی تهدید به قطع جریان آب رودخانه‌های خود به خاک عراق نکرده است، اما این واقعیت را نباید نادیده گرفت که نیازهای حال و آینده کشور ایران و به‌ویژه مناطق مرزی غرب کشور و مهاجرت گسترده ساکنین این مناطق به شهرهای مرکزی و به‌دنبال آن ایجاد مشکلات امنیتی، اقتصادی، زیست‌محیطی و... و از همه مهم‌تر ایجاد توسعه پایدار در کشور، مسئولین را به اتخاذ تدابیر و سیاست‌هایی در چند سال اخیر در راستای مدیریت و کنترل آب‌های مرزی سوق داده است؛ البته این تصمیمات با رعایت اصول و حقوق بین‌المللی آب رودخانه‌های مشترک و

مدیریت آب رودخانه‌های مرزی غرب... (علیرضا کیانی؛ حمیدرضا سعیدی نژاد؛ شهرام فتاحی و سیروس محبی) ۳۲۵

در چارچوب حاکمیت و صلاحیت‌های قانونی، از جمله توجه به اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور و با رعایت قراردادهای دوجانبه و حسن هم‌جواری با کشورهای همسایه انجام خواهد گرفت و این مسئله اقدام جدید و خارج از رویه‌ای نیست. در این راستا پروژه‌های متعددی برای مدیریت و بهره‌برداری از رودخانه‌های کشور، از جمله رودخانه‌های مرزی استان‌های غرب کشور در دست اجرا و بهره‌برداری است که بزرگ‌ترین و مهم‌ترین آن‌ها طرح آبی موسوم به «سامانه گرمسیری» است که در پژوهش حاضر ابعاد مختلف آن بررسی می‌شود.

اجرای کامل این طرح بزرگ آبی ضمن ایجاد تحولی اساسی در زندگی و اقتصاد مردم مناطق مرزی، موجب توسعه پایدار، شکل‌گیری سرمایه اجتماعی برای کشور و در نتیجه بالارفتن ضریب امنیت ملی می‌شود؛ اما در مقابل به دلیل نارضایتی بخشی از ساکنان پیرامون رودخانه‌های مرزی در داخل کشور نسبت به انتقال آب به نواحی و مناطق دیگر از یکسو و کاهش آب ورودی به خاک عراق از دیگر سو، تهدیداتی علیه امنیت ملی کشور در ابعاد مختلف شکل خواهد گرفت که پرداختن به چگونگی شکل‌گیری و نوع این تهدیدها و ارائه راهکارهای مناسب برای کاهش آثار و پیامدهای منفی این طرح از جمله ضرورت‌های پرداختن به این مسئله است که در پژوهش حاضر پیگیری می‌شود.

پیشینه پژوهش

منابع موجود درباره آب رودخانه‌های مرزی مشترک را می‌توان به چهار دسته به شرح ذیل تقسیم نمود: منابعی که به‌طور عمده به جنبه‌های حقوقی آب‌های مشترک و قراردادهای چندجانبه و دوجانبه‌ای که در مورد حل اختلاف بر سر تقسیم منابع آبی نوشته‌اند؛ که در این رابطه می‌توان به تألیفات و آثار نویسندگانی مانند ضیایی بیگدلی (۱۳۹۷)، جعفری ولدانی (۱۳۶۵ و ۱۳۸۸)، حافظ‌نیا (۱۳۹۳ و ۱۳۹۷) و رشیدی (۱۳۹۹) اشاره کرد.

دسته دوم منابعی هستند که افزون بر توجه به اهمیت منابع آبی به آثار و پیامدهای ناشی از بحران کم‌آبی در جهان، از جمله گسست امنیت و مشکلات زیست‌محیطی در سطوح محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی پرداخته‌اند، آثار مؤلفانی مانند رستمی و نادری (۱۳۹۲)، اخوان

کاظمی و همکاران (۱۳۹۸)، بزی و همکاران (۱۳۹۸)، شفقتی و همکاران (۱۳۹۲)، صادقی (۱۳۹۵) و کاویانی‌راد (۱۳۹۷) از این دسته هستند.

دسته بعدی آثاری هستند که بر موارد خاصی از اختلاف ایران با همسایگان در شرق، شمال شرقی و جنوب کشور در مورد بهره‌برداری از رودخانه‌های مرزی مشترک تأکید دارند. در این منابع رودخانه‌های مرزی غرب کشور کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. از جمله این منابع می‌توان به پژوهش عبدی و مختاری (۱۳۸۴)، صالح‌آبادی (۱۳۹۳) و مقاله مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با عنوان بررسی تاریخی اختلافات ایران و عراق در مورد اروندرود در سال ۱۳۸۸ اشاره کرد.

گروه دیگر منابع که ارتباط بیشتری با پژوهش مورد نظر دارد، منابعی هستند که به‌طور عمده در خصوص هیدروپلیتیک حوضه‌های مشترک آبی بین ایران و عراق هستند. این دسته از آثار دارای اطلاعات بسیار مفید و قابل استفاده‌ای درباره اختلاف‌های دو کشور ایران و عراق در مورد رودخانه‌های مرزی مشترک هستند، اما یا تاریخ تدوین آن‌ها مربوط به گذشته بوده یا به‌طور مستقیم به مباحث مربوط به طرح آبی رودخانه‌های مرزی غرب کشور موسوم به سامانه گرمسیری نمی‌پردازند. در حالی که بحث اصلی نوشتار پیش رو همین سامانه گرمسیری است. برخی از این مقالات به‌وسیله نویسندگانی مانند نامی و محمدپور (۱۳۹۸)، نیرومندفر و شهیدی (۱۳۹۷)، موسوی‌نیا (۱۳۹۶) و محمودی و همکاران (۱۳۹۳) تألیف و تدوین شده‌اند.

در مجموع تفاوت عمده پژوهش مورد نظر با دیگر منابع موجود در این زمینه عبارت است از اینکه اولاً نوشتار پیش رو به موضوعی می‌پردازد که با وجودی که چند سالی از شروع آن می‌گذرد، ولی هنوز به‌اتمام نرسیده است، در حالی که منابع موجود به‌طور عمده مربوط به طرح‌های گذشته هستند. دوم اینکه منابع قبلی بیشتر به جنبه‌های تاریخی و حقوقی منابع آب‌های مشترک و همچنین ماهیت آب و امنیت آن به‌صورت عام و کلی می‌پردازند، اما پژوهش حاضر بیشتر به آثار و پیامدهای سیاسی، اجتماعی و همچنین تهدیدهای ناشی از اجرای طرح آبی رودخانه‌های مرزی غرب کشور برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران پرداخته است.

مدیریت آب رودخانه‌های مرزی غرب... (علیرضا کیانی؛ حمیدرضا سعیدی نژاد؛ شهرام فتاحی و سیروس محبی) ۳۲۷

سوم اینکه حوزه مطالعاتی جستار پیش رو به‌طور عمده استان‌های ایلام و کرمانشاه است نه کل استان‌های مرزی غرب کشور؛ و تفاوت چهارم نتایج یافته‌های پژوهش حاضر در چارچوب مفهوم امنیت از دیدگاه نظریه‌پردازان مکتب کپنهاگ است که در ابعاد پنج‌گانه نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی هم در بعد داخلی و در بین ساکنان نواحی مرزی غرب کشور و هم در خارج از مرز و در رابطه با دولت مرکزی عراق، اقلیم کردستان و گروه‌های مخالف ایران که در آن کشور مستقر هستند و حتی برخی کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای که رابطه خوبی با جمهوری اسلامی ایران ندارند، تجزیه و تحلیل می‌شود. موضوعی که در هیچ‌کدام از منابع موجود در مورد رودخانه‌های مرزی ایران با همسایگان وجود ندارند.

چارچوب نظری

امنیت یکی از مباحث محوری در علم سیاست و حوزه سیاست‌گذاری در هر نظام سیاسی است که همواره از ابعاد مختلفی تهدید می‌شود. امنیت پدیده‌ای کیفی است که برحسب درجه‌بندی‌های به‌طور عمده ذهنی، قابل توصیف است.

اغلب امنیت به معنای نبود تهدیدات و خطرات تعریف می‌شود (انگرس، ۲۰۰۹: ۱). امروزه امنیت، صلح و ثبات در همه زمینه‌ها برای همه انسان‌ها، امری لازم و حیاتی به‌شمار می‌رود و مکاتب گوناگونی وجود دارد که هر یک دیدگاه خاصی به مسائل امنیتی دارند و از میان مکاتب و دیدگاه‌های امنیتی، مکتب کپنهاگ که با نوشته‌های «باری بوزان» (Barry Buzan) از جمله در کتاب مردم، دولت و هراس شکل گرفت، کوشیده تا مطالعات امنیتی را از روابط نظامی کشورها فراتر ببرد. مکتب کپنهاگ تأکید خاصی بر جنبه‌های اجتماعی، امنیت داشته و سعی دارد رویکرد سنتی به امنیت را به چالش بکشد و موضوعات و ابعاد تازه‌ای را به آن بیفزاید. نظریه یادشده برخلاف نظریه‌های لیبرالیسم و واقع‌گرایی دارای دیدگاهی تنگ‌نظرانه درباره امنیت نیست و موضوعات امنیتی را به محور نظامی و جنگ و صلح تقلیل نمی‌دهد. از سوی دیگر، مانند نظریه‌های جدید (نظریه انتقادی و پست‌مدرنیسم) فقط در پی انتقاد و چالش اندیشه‌های قدیمی نیست (آدمی، ۱۳۹۱).

محورهای مهم مکتب کپنهاک از نظر باری بوزان بر سه اصل استوار است، اول سطح تحلیل آن جهانی نیست و بیشتر به تحلیل منطقه‌ای گرایش دارد. دوم بخش‌ها و ابعاد امنیت از نظر وی متعدّد هستند و تنها نظامی‌گری را شامل نمی‌شود. سوم در خصوص «امنیتی کردن» موضوعات دیدگاه خاصی را دنبال می‌کنند و معتقد است که برای پرهیز از اینکه هر تهدید ساده‌ای را امنیتی ببینیم و آن را تا سطح ملی بالا ببریم، لازم است تا معیار مشخصی برای تمیز تهدید امنیت ملی از غیر آن داشته باشیم و از جمله این معیارها نخست موضوع پدیدآمده باید حیات جمعی شهروندان را به مخاطره بیندازد و دوم خارج از قوانین و قواعد موجود باشد.

باری بوزان می‌گوید: میزان موفقیت در امنیتی‌شدن یک موضوع به دو شرط بستگی دارد، اول مشروعیت داشتن تهدیدات وجودی برای شکستن قوانین و دوم پذیرش آن از سوی مخاطبان از روی رضایت یا اجبار یا ترکیبی از رضایت و اجبار (باری بوزان، ۱۳۷۹). محورهای اساسی مکتب کپنهاک عبارت‌اند از: ۱- مطرح‌شدن امنیت به‌عنوان مفهومی بین‌ذهنی؛ ۲- دولت به‌عنوان مرجع امنیت؛ ۳- امنیتی و غیر امنیتی ساختن موضوع؛ ۴- امنیت ملی به‌عنوان مرکز ثقل امنیت (عبداله‌خانی، ۱۳۸۳: ۱۳۶).

باری بوزان بنیان‌گذار مکتب مطالعات امنیتی کپنهاک و همکارانش، ابعاد امنیتی را در پنج بعد نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و زیست‌محیطی گسترش می‌دهند. آن‌ها برخلاف رویکردهای پیشین در مورد امنیت که آن را امری عینی و واقعی تصور می‌کردند، بیان می‌دارند که امنیت مسئله‌ای بین‌ذهنی است که بر تصمیم‌بازیران مبتنی خواهد بود. بدین ترتیب ممکن است برداشت و ادراکات امنیتی مختلف و متفاوتی از سوی بازیگران مختلف در مورد موضوعی خاص، رخ بدهد؛ از سوی دیگر برداشت و ارزیابی دیگران در مورد امنیتی‌ساختن موضوعی به‌وسیله یک بازیگر اهمیت می‌یابد؛ زیرا این برداشت و ارزیابی آن‌ها در نهایت بر چگونگی تصمیم‌گیری و پاسخ‌های آن‌ها تأثیرگذار خواهد بود (عبداله‌خانی، ۱۳۸۳: ۱۳۶-۱۳۷). باری بوزان نظریه‌پرداز این مکتب، معتقد است که فرمول غرب برای حل بحران‌های متداخل خاورمیانه بی‌معنی و حتی تشدیدکننده ناامنی است. به نظر او مقوله‌هایی مانند تداخل جریان‌های قومی، ملی، دینی، مذهبی و بین‌المللی، با

مدیریت آب رودخانه‌های مرزی غرب... (علیرضا کیانی؛ حمیدرضا سعیدی نژاد؛ شهرام فتاحی و سیروس محبی) ۳۳۹

سرعت و به‌سادگی خاورمیانه را نظاره‌گر نزاع‌های خونین ساخته است. باری بوزان با توسل به تاریخ نیم‌قرن اخیر، خاورمیانه را منطقه‌ای کشمکش‌ساز و محلّ دائمی درگیری بین قدرت‌ها و گروه‌های متخاصم می‌داند و همین کشمکش به قدرت‌های دیگر نیز رخصت می‌دهد میدان منازعه خود را به این منطقه انتقال دهند.

نظریه‌پردازان مکتب کپنهاک در مورد تغییرات اقلیمی و بحران آب و ارتباط آن با مسائل امنیتی می‌گویند، جنگ‌ها به‌عنوان مهم‌ترین حوادثی که امنیت جوامع بشری را به‌مخاطره می‌اندازد، تنها چند سال به طول می‌انجامد یا حوادث و وقایع اجتماعی، اقتصادی و... مدت کوتاهی در اوج تأثیرگذاری بر جوامع بشری بوده و پس از مدتی به حالت تعلیق بازمی‌گردند؛ اما تغییرات اقلیمی موجب ایجاد بی‌ثباتی می‌شوند و گاه قرن‌ها طول خواهند کشید؛ بنابراین دیدگاه مکتب کپنهاک بحران آب را از آن جهت امنیتی می‌داند که می‌تواند حیات نوع بشر را جدای از اینکه در چه سرزمینی زندگی می‌کند، به‌خطر اندازد و از این‌رو دولت‌ها، بازیگران اقتصادی و جوامع محلی را در امورات منابع طبیعی و به‌ویژه مسائل آبی ملزم به همکاری می‌داند (ابوطالبی، ۱۳۹۵). در نتیجه با توجه به اهمیت و نقش آب در سیاست بین‌المللی به‌صورت عام و وضعیت کشور عراق به‌طور خاص، تلاش می‌شود در پژوهش حاضر با بهره‌گیری از چارچوب نظری مکتب کپنهاک، آثار و پیامدهای اجرای طرح آبی «سامانه گرمسیری غرب کشور» در ابعاد و سطوح مختلف داخلی و روابط دو کشور ایران و عراق تحلیل و بررسی شود.

در این قسمت باید یادآور شد که حقوق بین‌المللی حاکم بر رودخانه‌های مرزی از رسایی لازم برخوردار نبوده و نیستند. به‌گونه‌ای که عدم شفافیت و نبود قواعد و اصول پذیرفته‌شده بین‌المللی در خصوص استفاده از آب‌های فرامرزی و مشترک بین چند کشور، باعث اختلاف نظر بین کشورها شده است. در همین راستا برخی کشورها با استناد بر اصل حاکمیت مطلق هر کشور بر منابع ملی موجود در قلمرو خود، این اصل را بر منابع آب و از جمله رودهایی که از این کشورها به‌سوی دیگر کشورهای پایین‌دست جریان دارد نیز تسری می‌دهند. در صورتی که دیگر کشورها به‌ویژه کشورهای پایین‌دست، اصل مالکیت

بر آب را رد کرده و بر اصل حاکمیت مشاع یا حاکمیت سرزمینی محدود در مورد منابع آبی مشترک تأکید می‌کنند و معتقدند که استفاده کشورهای بالادست از منابع آب رودهای فرامرزی خود نباید باعث ضرر و زیان به کشورهای پایین دست شود (اسمیت، ۱۹۵۱: ۱۵۹). اختلاف بر سر کمیت منابع آب و کاهش این منابع به‌دشواری قابل حل است و در بسیاری از این موارد، عاملی برای درگیری و منازعه میان کشورها است؛ همچنین نبود قوانین و مقررات بین‌المللی و سازمانی شفاف و تغییرناپذیر برای تقسیم منابع آب رودهای بین‌المللی نیز احتمال درگیری و منازعه میان کشورها را بیشتر افزایش داده است (علیزاده، ۱۳۸۳).

مفاهیم

طرح سامانه گرمسیری

طرح سامانه گرمسیری نام بزرگ‌ترین طرح آبی در مدیریت آب رودخانه‌های مرزی غرب ایران است که شامل پروژه‌های متعدد سدسازی، حفر تونل، کانال‌کشی و زه‌کشی، لوله‌گذاری، ایستگاه پمپاژ آب و... می‌شود که بعضی از این پروژه‌ها مانند حفر تونل ۴۸ کیلومتری نوسود به گفته وزیر پیشین نیرو «حمید چیت‌چیان» بزرگ‌ترین تونل خاورمیانه و دومین تونل آبی دنیا است.

طرح با سامانه انتقال آب به طول حدود ۴۵۰ کیلومتر و در پهنه‌ای به گستره حدود ۱۰۰۰۰۰ هکتار از اراضی دشت‌های گرمسیری واقع در استان‌های کرمانشاه و ایلام در حال اجرا است که در ادامه پژوهش به ویژگی‌های آن اشاره شده است.

هیدروپلیتیک

هیدروپلیتیک به مطالعه اثر تصمیم‌گیری‌های مربوط به آب که در شکل‌گیری سیاسی روابط دولت‌ها با یکدیگر و مردم و دولت حتی در یک کشور دخیل است، می‌پردازد. کمبود آب یا اجازه عبور آب از مرزهای بین‌المللی به‌گونه‌ای روزافزون در سیاست کشورها تأثیرگذار است (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۳۱). حافظ‌نیا بیان می‌کند هیدروپلیتیک نقش آب را در مناسبات و مناقشات اجتماعی انسان‌ها و دولت‌ها مطالعه می‌کند، اعم از آنکه در داخل کشورها یا در سطح منطقه‌ای و جهانی و بین‌المللی باشد (حافظ‌نیا و همکاران، ۱۳۸۵).

مدیریت آب رودخانه‌های مرزی غرب... (علیرضا کیانی؛ حمیدرضا سعیدی نژاد؛ شهرام فتاحی و سیروس محبی) ۳۳۱

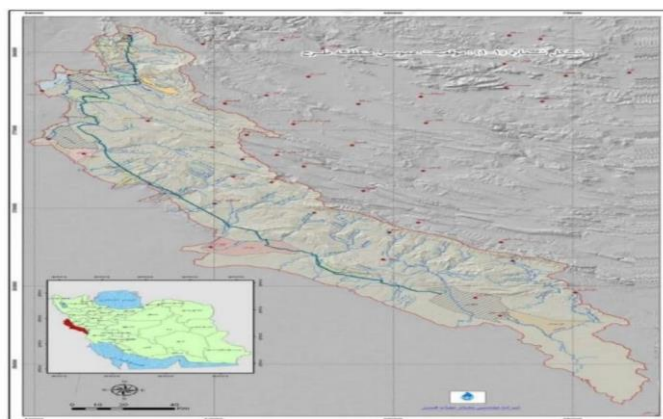
رودخانه‌های بین‌المللی

آبراهی است که قسمت‌های مختلف آن در قلمرو چند کشور واقع شده است که اگر این گونه رودخانه‌ها قلمرو دو یا چند کشور را از یکدیگر جدا سازند، به آن‌ها رودخانه‌های هم‌جوار یا موازی می‌گویند و اگر از قلمرو دو یا چند کشور بگذرند، آن‌ها را رودخانه‌های پیاپی یا متوالی می‌نامند (سایت سلامت نیوز، ۱۳۹۵/۱/۱۹، کد خبر: ۱۷۹۳۹۶).

یافته‌های پژوهش

۱. محدوده مطالعاتی پژوهش حاضر

از نظر موقعیت جغرافیایی، منطقه گرمسیری در غرب و جنوب غربی ایران که در ناحیه‌ای بین عرض جغرافیایی ۴۸-۳۱ تا ۵۴-۳۴ شمالی و طول‌های جغرافیایی ۲۳-۴۵ تا ۵۴-۴۷ شرقی واقع شده است، پهنا‌ی به وسعت ۲۸۰،۰۰۰ هکتار که تمامی یا بخش‌هایی از شهرستان سرپل ذهاب، قصر شیرین، گیلان غرب، ثلاث باباجانی و دالاهو در استان کرمانشاه و شهرستان‌های ایوان، ایلام، آبدانان، مهران و دهلران در استان ایلام را دربر می‌گیرد و بخش‌های کوچکی از آن در استان خوزستان قرار دارد. سامانه انتقال آب به طول حدود ۴۰۰ کیلومتر و در پهنا‌ی به گستره حدود ۱۰۰۰۰۰ هکتار از اراضی دشت‌های واقع در استان‌های کرمانشاه و ایلام اجرا می‌شود (شکل ۱). تکمیل این طرح به صورت مرحله‌ای در دست اجرا است (شرکت سهامی آب منطقه‌ای کرمانشاه، ۱۳۹۱).



شکل ۱. محدوده طرح سامانه گرمسیری (منبع: شرکت سهامی آب منطقه‌ای کرمانشاه، ۱۳۹۱)

۲. رودخانه‌های مرزی ایران در غرب کشور

در میان کشورهای همسایه، ایران با کشور عراق دارای بیشترین پیوند توپوگرافی و تداخل حوضه آبریز از نظر جریان آب‌های سطحی است و به‌علت قرار گرفتن ایران در بالادست و داشتن موقعیت کوهستانی، سالانه میلیاردها متر مکعب آب از کشور ایران به عراق جریان می‌یابد (پایگاه خبری طبس، ۱۳۹۶/۴/۴) و این رودخانه‌ها به‌طور کلی به دو دسته رودخانه‌های با آب‌دهی کم تا متوسط و رودخانه‌های با آب‌دهی زیاد تقسیم‌بندی می‌شوند. در بخش رودخانه‌ای با آب‌دهی کم تا متوسط، رودخانه‌هایی همچون قوره‌تو، کنگیر، میمه، دویرج و... وجود دارند که عموماً از استان ایلام سرچشمه گرفته و به‌طور متوالی هستند. رودخانه‌های که خط مرز دو کشور را قطع می‌کنند، متوالی و رودخانه‌های در امتداد مرز دو کشور را محاذی می‌گویند. در بخش رودخانه‌های با آب‌دهی زیاد رودخانه‌های زاب و سیروان قرار دارند، رودخانه زاب و سیروان در مجموع آورد متوسط سالانه ۳-۴ میلیارد متر مکعب آب را از کشور خارج می‌کنند. هیچ‌کدام رودخانه از غرب کشور حدود هفت میلیارد متر مکعب (این میزان بیش از نُه میلیارد متر مکعب برآورد می‌شود) آب از ایران خارج نموده و به عراق می‌ریزند (نامی و محمدپور، ۱۳۸۹)؛ البته اگر برخی از رودخانه‌های فصلی پرآب را نیز در نظر بگیریم، آمار رودخانه‌ها بالای ۲۵ مورد است که در جدول ۱ بیان شده است.

جدول ۱. رودخانه‌های مرزی ایران در غرب کشور

ردیف	نام رودخانه	درازا در ایران (کیلومتر)	ریزشگاه (عراق)	میزان خروجی آب (میلیون متر مکعب)	طول خط مرزی (کیلومتر)	استان
۱	سیروان	۹۵	دریاچه سد دربندیخان و رود دیاله	۲۵۲۴	۳۰	کردستان و کرمانشاه
۲	الوند (حلوان)	۱۳۰	رودخانه دیاله	۴۹۶	۵/۵	کرمانشاه
۳	آب نفت	۱۴۰	رود هران	۵۷	-	کرمانشاه و ایلام
۴	کنگیر (سومار)	۱۴۰	رود هران	۱۳۴	-	کرمانشاه

مدیریت آب رودخانه‌های مرزی غرب... (علیرضا کیانی؛ حمیدرضا سعیدی نژاد؛ شهرام فتاحی و سیروس محبی) ۳۳۳

ادامه جدول ۱. رودخانه‌های مرزی ایران در غرب کشور

ردیف	نام رودخانه	درازا در ایران (کیلومتر)	ریزشگاه (عراق)	میزان خروجی آب (میلیون متر مکعب)	طول خط مرزی (کیلومتر)	استان
۵	کانی کبود	-	-	۴	۲۴/۵	کرمانشاه
۶	لیله	۸۰	سد دربندیخان	۲۳۵	-	کرمانشاه
۷	هانی گرمه	--	-	۶	-	کرمانشاه
۸	دزآور	-	-	۴	-	کرمانشاه
۹	زمکان (زیمکان)	۱۷۰	سد دربندیخان	۲۹۵	-	کرمانشاه
۱۰	زاب کوچک	۱۵۵	دریاچه سد دوکان	۲۱۴۴/۴	۴۵	آذربایجان غربی
۱۱	هواسان (ذهاب شمالی)	-	-	۱۲۰	-	کرمانشاه
۱۲	قوره تو	۴۵	-	۴۵	۳۴	کرمانشاه
۱۳	مره خیل (لران)	-	-	۲۱	-	کرمانشاه
۱۴	آب زرشک	-	-	-	-	کرمانشاه
۱۵	کنگه‌کش (کنگاکوش)	۷۹	دشت بعقوبه	۶۸/۴	۷/۵	کرمانشاه
۱۶	چنگوله	۸۲	دجله	۱۶۷	-	ایلام
۱۷	میمه	-	-	۱۶۳/۹	۲/۵	ایلام
۱۸	دویرج (تله‌زی)	۲۰۲	-	۱۴۸/۲	۲/۵	ایلام
۱۹	کنجان چم	۶۹	-	۱۷۹/۷	۲۱	ایلام
۲۰	گاوی	-	-	۳۴/۶	-	ایلام
۲۱	گدار خوش	-	-	۱۵۱/۳	-	ایلام
۲۲	قزلچه‌سو	۲۸	-	۸۱/۹	۱/۵	کردستان
۲۳	تلخاب	۵۰۰	-	-	۴	ایلام
۲۴	رودخانه سده (سد)	۲۰۰	-	-	-	ایلام

(شرکت سهامی آب منطقه غرب استان کرمانشاه، ۱۳۹۱ و اطلس مرزهای ایران ۱۳۸۵)

۳. تاریخچه طرح سامانه گرمسیری آب‌های غرب کشور

به گفته اسدالله رازانی، استاندار وقت کرمانشاه در سال ۱۳۹۴ در گفتگو با باشگاه خبرنگاران جوان سابقه مطالعه انتقال آب رودخانه بزرگ سیروان در چارچوب رژیم حقوقی مربوط به رودخانه‌های مرزی، به دشت‌های گرمسیری استان کرمانشاه، [و البته ایلام و بخش کوچکی

از خوزستان] به سال ۱۳۱۸ (حدود هشت دهه قبل) برمی‌گردد. این طرح بزرگ در نظام جمهوری اسلامی رنگ واقعیت به خود گرفت و عملیات اجرایی آن آغاز شد (باشگاه خبرنگاران جوان، کرمانشاه، ۱۳۹۵/۱۱/۳۰، کد خبر: ۵۴۲۸۱۲۷).

مطالعات جامع طرح انتقال آب و همچنین اصلی‌ترین مانع آن، یعنی حفر تونل زاگرس (نوسود) در سال ۱۳۶۵ به‌طور جدی در دستور کار قرار گرفت؛ اما به دلیل توپوگرافی خشن و وجود ارتفاعات بلند و پیچیده منطقه، عملاً انجام مطالعات زیرسطحی و حفاری گمانه‌های ژئوپلیتیکی مسیر با مشکل روبه‌رو و در بعضی محدوده‌ها غیر ممکن شد. تا اینکه پس از سفر رهبر معظم انقلاب اسلامی در مهرماه سال ۱۳۹۰ به استان کرمانشاه، تأمین اعتبار طرح از صندوق توسعه ملی مورد موافقت ایشان قرار گرفت و مقرر شد مبلغ هشت میلیارد دلار طی چهار سال برای این پروژه بزرگ آبی در نظر گرفته شود، در این راستا اجرای طرح سامانه گرمسیری آب‌های مرزی غرب کشور در دستور کار جدی دولت‌مردان قرار گرفت (خبرگزاری ایرنا، ۱۳۹۹/۱۱/۳۰، کد خبر: ۸۲۴۳۴۵۰۱) بخشی از این طرح سال ۱۳۹۸ در جریان سفر رئیس‌جمهور وقت ایران (حسن روحانی) به استان کرمانشاه بهره‌برداری شد و پس از آن، بخش‌های دیگر طرح به‌تناوب در حال اجرا بوده است. نکته قابل توجه این است که مراحل مختلف طراحی و اجرای «سامانه گرمسیری غرب کشور» به‌وسیله متخصصان و شرکت‌های ایرانی، به‌ویژه قرارگاه خاتم‌الانبیاء در حال اجرا است.

۴. طرح «سامانه گرمسیری» و برخی از ویژگی‌های آن

طرح «سامانه گرمسیری» نام یکی از مهم‌ترین پروژه‌های توسعه پایدار آب و خاک در استان‌های غربی کشور است. طرح گرمسیری یکی از سه حوضه آبریزی در غرب کشور و در کنار حوضه‌های آبریزی سیروان و زاب است. این طرح از آغاز در استان‌های کردستان و کرمانشاه، در طول مسیر و تا مقصد در استان ایلام و احیاناً بخش کوچکی از خوزستان حدود ۴۰۰ تا ۴۶۵ کیلومتر طول دارد. طرح یادشده در مسیر خود از ابتدا تا انتها، ۱۰۵ کیلومتر تونل دارد که بزرگ‌ترین و مهم‌ترین آن تونل نوسود یا زاگرس با ۴۸ کیلومتر طول

مدیریت آب رودخانه‌های مرزی غرب... (علیرضا کیانی؛ حمیدرضا سعیدی نژاد؛ شهرام فتاحی و سیروس محبی) ۳۳۵

است (جدول ۲).

چیت چیان وزیر سابق نیرو در مراسم افتتاح تونل در سال ۱۳۹۶ درباره اهمیت آن می‌گوید: این پروژه از افتخارات مهندسی کشور به شمار می‌رود و همه کارشناسان بر این باورند که یک نمونه بی‌نظیر در این عرصه، نه تنها در کشور بلکه در جهان است. وی افزود اگر تونل حفر شده میان کشورهای سوئیس و ایتالیا را فاکتور بگیریم، پروژه تونل زاگرس بزرگ‌ترین پروژه انتقال آب دنیا است (خبرگزاری ایسنا کرمانشاه، ۱۳۹۶/۲/۸، کد خبر: ۶۶۹۵۰). این تونل به وسیله مهندسان و کارشناسان ایرانی با محوریت قرارگاه خاتم‌الانبیاء و در مدت حدود سیزده سال به سرانجام رسید. طرح سامانه گرمسیری دارای حدود پانزده سد اصلی از جمله سد مهم داریان روی رودخانه سیروان، بندهای فراوان انحراف آب، ایجاد ایستگاه‌های پمپاژ آب و صدها کیلومتر کانال‌کشی، زه‌کشی و لوله‌گذاری است؛ که آن را به یکی از بزرگ‌ترین سامانه‌های انتقال آب در دنیا تبدیل کرده است (جدول ۳).

رئیس‌جمهور وقت (حسن روحانی) در مراسم افتتاح بخشی از طرح در تاریخ ۱۳۹۸/۰۲/۱۱ می‌گوید: امروز خدا را سپاسگزارم که در شرایطی به این منطقه آمده‌ام که مهندسین، کارگران و مدیران ما کاری عظیم را به ثمر رساندند و پروژه آب‌های گرمسیری کرمانشاه، منطقه غرب کشور را متحول خواهد کرد. ایشان ادامه دادند که مجموعه طرح‌های آبی - خاکی که امروز در استان کرمانشاه افتتاح شد بزرگ‌ترین طرح افتتاحیه منابع آب و خاک در تاریخ کشور است. وی خاطر نشان کرد، طرح آب‌های گرمسیری غرب کشور طرحی بسیار عظیم و سرنوشت‌ساز برای امنیت و توسعه منطقه است و تحولات بزرگی را ایجاد خواهد کرد. من از سال ۱۳۸۲ آرزوی فرارسیدن روزی را داشتم تا طرح آب‌های گرمسیری غرب کشور افتتاح شود (خبرگزاری صدا و سیما ۱۳۹۸/۲/۱۱، کد خبر: ۲۴۱۵۳۴۸).

از دیگر مزایای طرح سامانه گرمسیری افزون بر آبیاری مساحت زیادی از زمین‌های کشاورزی استان‌های کرمانشاه، ایلام و بخش کوچکی از خوزستان کمک به حل مشکل آب شرب شهرها و روستاهای این مسیر است. حمید چیت‌چیان پیش‌تر در سال ۱۳۹۵

هنگام بازدید از پروژه‌های در دست اجرای طرح می‌گوید: افتتاح و بهره‌برداری از این طرح فقط مربوط به حوزه آب نیست، بلکه اشتغال، تولید، کشاورزی و صنایع تکمیلی نیز با اجرای آن رونق می‌یابد و منجر به گسترش شبکه راه‌ها نیز می‌شود. وی طرح سامانه گرمسیری را نقطه اول کریستال توسعه خطاب کرد و گفت: توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شروع شکل‌گیری تحول بزرگ‌تری در منطقه خواهد بود (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۶/۲/۸، کد خبر: ۶۹۹۵۰). با توجه به مفهوم وسیع امنیت که فراتر از امنیت صرف نظامی است. پروژه بزرگ آبی غرب کشور می‌تواند نوعی امنیت پایدار اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حفظ محیط‌زیست را بر مناطق مرزی غرب کشور حاکم نماید.

جدول ۲. مشخصات فنی و عمومی تونل نوسود (منبع: شرکت مهندسی مشاور مهتاب قدس، ۱۳۹۱)

مشخصات تونل	واحد	قطعه اول الف	قطعه اول ب	قطعه جنوبی لیله	قطعه دوم الف	قطعه دوم ب	دسترسی
طول	متر	۱۳۷۳۰	۸۷۹۰	۶۰۰۰	۴۷۴۱	۱۵۰۰۰	۹۰۵
قطر حفاری	متر	۵/۲۷	۶/۱۲	۶/۱۲	۶/۷۳	۶/۷۳	۷/۲
قطر نهایی	متر	۴/۵	۵/۴	۵/۴	۶	۶	۶
شیب تونل	درصد	۰/۱۰۸	۰/۰۸۳	-۰/۰۸۳	۰/۰۸۳	۰/۰۸۳	-۱۱/۴۷
دبی انتقال تونل	متر مکعب بر ثانیه	۳۵	۴۳	۴۳	۵۰	۵۰	۵

جدول ۳. بسته‌های اجرا شده در محدوده گرمسیری (همان: ۱۳۹۱)

۱	سامانه انتقال آب از ازگله تا حلوان	۸	بند انحرافی حلوان	۱۵	تونل تلخاب
۲	سامانه از حلوان تا کنگاکوش	۹	ایستگاه پمپاژ هواسان	۱۶	تونل شماره ۲
۳	سامانه از کنگاکوش تا چشمه ملک	۱۰	ایستگاه پمپاژ امام حسن	۱۷	تونل سرپل ذهاب
۴	سامانه از چشمه ملک تا دهلران	۱۱	ایستگاه پمپاژ بین مسیر	۱۸	سد چنگریان
۵	شبکه‌های آبیاری و زه‌کشی بخش اول کرمانشاه	۱۲	تونل بازی‌دراز	۱۹	سد چشمه ملک
۶	شبکه‌های آبیاری و زه‌کشی بخش دوم کرمانشاه	۱۳	تونل حلوان به امام حسن	۲۰	سد امام حسن
۷	شبکه‌های آبیاری و زه‌کشی ایلام	۱۴	تونل بلند کنجانچم	۲۱	سد چنگوله

روش پژوهش

نوع پژوهش کاربردی و روش آن توصیفی، تحلیلی است. در نوشتار پیش رو داده‌ها از راه

مدیریت آب رودخانه‌های مرزی غرب... (علیرضا کیانی؛ حمیدرضا سعیدی نژاد؛ شهرام فتاحی و سیروس محبی) ۳۳۷

مشاهده میدانی، مصاحبه، اسناد و اینترنت به دست آمده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها بر مبنای چارچوب نظری مکتب کپنهاک و در آرا نظریه پردازانی مانند باری بوزان، اولی ویور و دووید انجام می‌گیرد. اندیشه‌های باری بوزان و همکارانش چارچوب مناسبی برای تجزیه و تحلیل فرصت‌ها و چالش‌های ناشی از اجرای طرح سامانه گرمسیری آب رودخانه‌های مرزی غرب کشور پیش رو قرار می‌دهد.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

در این بخش از پژوهش تأثیر متغیر مستقل یعنی مدیریت و کنترل آب رودخانه‌های مرزی غرب کشور بر متغیر وابسته، یعنی شکل‌گیری تهدیداتی در ابعاد و سطوح مختلف علیه امنیت پایدار ملی جمهوری اسلامی ایران بررسی می‌شود.

الف: در سطح داخلی (شهروند - حکومت)

در این قسمت بخشی از فرضیه پژوهش که عبارت است از واکنش منفی ساکنان پیرامون رودخانه‌های مرزی در داخل کشور که به انتقال آب به مناطق دیگر و بعضی از مخاطرات مادی و معنوی ناشی از این مسئله پرداخته، بررسی و تجزیه و تحلیل شده است. بازیگران امنیتی‌ساز داخلی که از ظرفیت لازم برای تبدیل نمودن برخی از پدیده‌های مربوط به سامانه گرمسیری به یک موضوع امنیتی برخوردارند، به‌طور عمده ساکنان شهرستان‌های مرزی منطقه اورامانات در استان کرمانشاه هستند.

این افراد شامل شخصیت‌های سیاسی، علمی و فرهنگی، فعالان محیط‌زیست و حتی باغداران و جوانان می‌شوند. عمده موضوعات تهدیدزا در این نواحی عبارت‌اند از آسیب‌ندیدن چشمه پرآب و تاریخی «بل»، آثار فرهنگی و باستانی پیرامون پروژه‌های آبی از جمله سد داریان، حق‌آبه باغات و زمین‌های کشاورزی ساکنان دو سوی رودخانه سیروان، سهم جوانان منطقه از اشتغال در پروژه‌های آبی و بازسازی جاده‌ها و تأسیسات آسیب‌دیده در مسیر اجرای طرح. پایگاه‌های خبری - تحلیلی و مطبوعات محلی و فعالان فضای مجازی نیز به‌عنوان بازیگران کاربردی با تکرار و تأکید بر مواضع بازیگران امنیتی‌ساز در راستای شکل‌گیری یک فضای امنیتی در مورد موضوعات پیش‌گفته مؤثر هستند.

یکی از مشکلات موجود در ابتدای شروع به کار سامانه گرمسیری، آسیب‌ندیدن چشمه تاریخی و پرآب بل (کانی‌بل) که در محوطه احداث سد داریان قرار گرفته بود، است. این موضوع از منظر نظری دارای دو شرط لازم برای امنیتی‌شدن، یعنی مشروعیت‌داشتن خواسته‌نخبگان و فعالان محیط‌زیست و پذیرش این درخواست از سوی مخاطبان است. این چشمه در دو کیلومتری روستای تاریخی هجیج از توابع شهرستان پاره که مرقد یکی از امامزادگان نیز آنجا است، واقع شده است. چشمه بل گذشته از آبدهی زیاد باکیفیت و شیرین از نظر تاریخی و فرهنگی نیز برای مردم ارزش بالایی دارد و آسیب‌دیدن آن غیر قابل قبول است. در نتیجه تلاش شده که به یک موضوع امنیتی تبدیل گردد؛ البته اعتراضات و موضع‌گیری‌ها تنها معطوف به نجات و جلوگیری از آسیب‌رساندن به چشمه بوده است. پس از هشدارها و تصویرسازی‌های صورت‌گرفته در آذرماه ۱۳۹۴ و پیش از آبرگیری سد داریان، مردم برای دفاع از خواسته خود اعتراض کردند و در این راستا کمپین نجات چشمه بل را تشکیل دادند. یکی از افراد محلی این کمپین می‌گوید: این ظلم آشکار به مردم اورامان است. این هم به بی‌توجهی و کم‌کاری مسئولینی که از طرح اطلاع‌داشته و از حق مردم دفاع نکرده‌اند، برمی‌گردد. این‌ها در برابر مردم مسئول و باید در قیامت جواب پس دهند (پایگاه خبری - تحلیلی پاره‌پرس، ۱۳۹۴/۶/۱۷). هرچند با تلاش و کوشش مهندسان و متخصصان سد داریان از غرق‌شدن چشمه تاریخی بل جلوگیری شد و تا حدود زیادی موضوع از حالت امنیتی‌شده خارج و از آن امنیت‌زدایی گردید و در ظاهر به حوزه سیاست روزمره و عادی برگردانده شد، اما هنوز افرادی به بهانه اینکه در این طرح نجات، دبی آب چشمه ۳۵٪ کاهش یافته یا با آبرگیری سد از کیفیت آب چشمه کاسته شده است، به دنبال امنیتی‌نمودن مجدد آن هستند که مسئولان امر می‌توانند با اطلاع‌رسانی به‌موقع و تبیین اقدامات صورت‌گرفته از این مسئله جلوگیری نمایند.

از دیگر خواسته‌ها و انتظارات مردم منطقه اورامانات در استان کرمانشاه که اگر از آن‌ها غفلت شود، زمینه امنیتی‌شدن را دارند، می‌توان به حق‌آبه باغات و زمین‌های کشاورزی آن‌ها از سامانه گرمسیری، جلوگیری از آسیب‌رساندن به اکوسیستم و محیط‌زیست منطقه،

مدیریت آب رودخانه‌های مرزی غرب... (علیرضا کیانی؛ حمیدرضا سعیدی نژاد؛ شهرام فتاحی و سیروس محبی) ۳۳۹

بازسازی جاده‌ها و تأسیساتی که در حین عملیات پروژه‌های آبی تخریب شده‌اند و سهم جوانان بومی این نواحی برای اشتغال در امور اجرایی و فنی - مهندسی پروژه‌های مختلف این طرح است. شهاب نادری نماینده سابق شهرستان‌های پاره، جوانرود، روانسر و ثلاث باباجانی در مجلس شورای اسلامی با انتقاد شدید از عملکرد وزارت نیرو در جریان اجرای طرح سامانه گرمسیری آب رودخانه‌های مرزی غرب کشور می‌گوید: «برای اینجانب فروش آب اورامانات پذیرفتنی نیست. در سفر مقام معظم رهبری به استان کرمانشاه مقرر شد هزار و صد هکتار از باغ‌های تابعه سد داریان تحت سیستم آبیاری قطره‌ای قرار گیرد، اما متأسفانه تاکنون محقق نشده است. ایشان درباره به‌کارگیری جوانان بیکار منطقه و سهم اشتغال آن‌ها در پروژه سامانه گرمسیری از جمله نیروگاه سد داریان هشدار می‌دهد که امروز یک جوان بیکار در نقطه مرزی اورامانات برای کشور مشکلات امنیتی ایجاد می‌کند و یک جوان بیکار در مرکز استان، مشکلات اجتماعی به‌بار می‌آورد و این دو موضوع باهم تفاوت دارند. وزیر نیرو بداند که حوزه اورامانات با وجود کم‌برخورداری، جوانان متدین، انقلابی و وفادار به نظام دارد؛ اما با نهایت تأسف، عملکرد وزران باعث رنجش مردم مرزدار اورامانات شده است» (روزنامه همشهری، ۱۳۹۷/۵/۲۷، کد خبر: ۲۷۴۱۶).

این‌ها تنها بخشی از دغدغه‌ها و خواسته‌های ساکنان نواحی مرزی داخل کشور در منطقه اورامانات استان کرمانشاه و پیرامون رودخانه سیروان و تأسیسات مربوط به سامانه گرمسیری آب‌های مرزی غرب کشور بود که باید تا حد امکان حل و فصل شوند و اگر هم مانع جدی برای برآوردن بعضی از درخواست‌ها وجود دارد، با اقناع نخبگان و افکار عمومی مردم آن نواحی از تبدیل شدن چنین موضوعاتی به یک تهدید وجودی علیه امنیت ملی کشور همانند آنچه در برخی از استان‌های جنوبی کشور اتفاق افتاد، جلوگیری نمایند.

ب: تهدیدات ناشی از اجرای سامانه گرمسیری در سطح منطقه‌ای (حکومت - حکومت)

بخش اصلی فرضیه پژوهش که عبارت است از «کاهش آب ورودی به کشور عراق موجب شکل‌گیری تهدیداتی علیه امنیت ملی ایران در ابعاد مختلف می‌گردد» در این قسمت

بررسی می‌شود. از میان سه سطح تحلیل ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، مکتب کپنهاک، به تحلیل منطقه‌ای گرایش بیشتری دارد. در سطح منطقه‌ای حیطه قلمرو تحلیل نسبت به سطح جهانی محدود شده و روندها و قدرت‌های منطقه‌ای بیشتر مد نظر هستند. نکته قابل تأملی که در نظریه بوزان وجود دارد و در تحلیل تهدیدهای ناشی از پروژه‌های آبی غرب کشور باید مورد توجه قرار گیرد، این است که امکان بروز تعارض بین فهم بازیگر و واقعیت بیرون وجود دارد و باید به حل تعارض‌ها اقدام کرد و برای این منظور اصلاح فهم و تلاش برای درک بیشتر واقعیت راه‌گشا است؛ برای مثال در حالی که هدف ایران از پروژه‌های آبی غربی کشور بهره‌برداری مناسب از منابع آبی است، سیاستمداران عراقی تصور می‌کنند که ایرانی‌ها با این اقدام افزون بر کنترل آب‌های مرزی و فشار بر آن کشور، به دنبال تقویت موقعیت ژئوپلیتیکی خود و یک نوع برتری طلبی هستند؛ که لازم است از راه‌های دیپلماسی این‌گونه برداشت‌های ذهنی اشتباه را در بین مقامات عراقی اصلاح کرد.

بازیگران امنیتی‌کننده و کارکردی کشور عراق که ممکن است، اقدام ایران در مدیریت آب‌های مرزی را تهدیدی علیه خود تلقی نموده و بخواهند واکنش تهدیدآمیز از خود نشان دهند عبارت‌اند از: مقامات سیاسی و اجتماعی، نخبگان علمی و فعالان محیط‌زیست در دولت مرکزی و اقلیم کردستان، گروهک‌های مخالف ایران که در عراق پایگاه دارند و عوامل برخی از کشورها مانند عربستان سعودی و رژیم اسرائیل.

بخشی از مواضع و اقدامات مردم و مقامات عراقی در خصوص آب‌های مرزی غرب کشور

مردم کردنشین شهرهای خانقین، کلار، مندلی و... که بیشتر از شیعیان متمایل به ایران هستند، ادعا دارند که کاهش آب ورودی رودخانه‌هایی مانند الوند، موجب تنگناهای معیشتی مردم شده و بر اکوسیستم منطقه اثر ناگواری گذاشته است. به گونه‌ای که موجب از بین رفتن باغات و حتی کشاورزی معیشتی آن‌ها شده است و این مسئله عرصه را برای فرصت‌طلبان و معاندان جمهوری اسلامی در عراق فراهم آورده تا با نصب پلاکاردهایی اقدام تهران را به بستن آب از سوی کوفیان تشبیه کنند (نقل از فتاحی استاد دانشگاه،

مدیریت آب رودخانه‌های مرزی غرب... (علیرضا کیانی؛ حمیدرضا سعیدی نژاد؛ شهرام فتاحی و سیروس محبی) ۳۴۱

(۱۴۰۰/۶/۱۵).

جلال طالبانی رئیس‌جمهور وقت عراق در دی‌ماه سال ۱۳۸۶ در اقدام غیر منتظره سیاسی و پرسش‌برانگیزی اعلام کرد که توافق نامه الجزایر را لغو شده می‌داند. این اظهارات با واکنش تند مقامات جمهوری اسلامی ایران روبه‌رو شده به گونه‌ای که رئیس‌جمهور عراق از سخنان خود عقب‌نشینی نمودند (جعفری ولدانی، ۱۳۸۷). وزیر بازرگانی عراق در سال ۱۳۹۱ اذعان کرد که ایران مانع سرازیرشدن آب ۴۹ رودخانه کوچک به عراق شده و تأکید کرده است که این وزارت‌خانه تصمیم گرفته است که تا زمان حل این مسئله، هیچ قراردادی با جمهوری اسلامی ایران به امضا نرساند (پایگاه خبری انتخاب، ۱۳۹۱/۶/۸، کد خبر: ۲۰۳۶۱).

محمد رشید الحمدانی، وزیر منابع آب عراق: «ایرانیان هیچ پاسخی [پاسخ مثبتی] به خواسته‌های ما نداده‌اند و همچنان آب رودخانه‌های سیروان، کارون، کرخه و الوند را قطع کرده و به ساکنان استان دیاله که به آب ورودی ایران متکی هستند، خسارات زیادی وارد کرده است.» ایشان تهدید کرد، عراق در صورت عدم همکاری ایران در مورد حقوق آبی خود به سازمان ملل شکایت خواهد کرد (روزنامه اعتماد، ۱۴۰۰/۴/۲۱ کد خبر: ۲۸۲۱۰۸). روستاییان و فعالان محیط‌زیست عراق اعلام کردند به دلیل کنترل تمام آب رودخانه سیروان به وسیله ایرانی‌ها، آبی به این سوی مرز نمی‌رسد. روستاییان عراقی می‌گویند دو سال است که تأثیر کاهش حجم آب از ایران را احساس کرده‌اند (روزنامه آفتاب یزد، ۱۴۰۰/۶/۱۷ کد خبر: ۱۹۵۱۹۱). ایده‌پور فرماندار شهرستان مرزی پاوه می‌گوید: هوشیار زیباری وزیر خارجه سابق عراق طی شکایتی مراتب اعتراض خویش را متوجه سدا داریان نموده و خواستار پیگیری موضوع شد (پایگاه خبری - تحلیلی پاوه‌پرس: ۱۳۹۶/۱۲/۱۸).

تحلیل نظری مواضع تهدیدآمیز مقامات عراقی در چارچوب

موضع‌گیری و سخنان تند و صریح مقامات و نخبگان سیاسی، احزاب و فعالان محیط‌زیست عراق، حکایت از اهمیت بالا و حیاتی بودن آب ورودی از ایران برای آن‌ها دارد. تا جایی که در بیشتر ملاقات مقامات عالی‌رتبه دو کشور این موضوع را به‌روشنی یا

با اشاره مطرح می‌کنند و آن‌ها به دلیل احتمال تأثیرگذاری بر تصمیم مقامات ایرانی برای کوتاه‌آمدن در پروژه‌های آبی حاضرند به تهدیدات سیاسی، اقتصادی، حقوقی و زیست‌محیطی و شاید در آینده نظامی متوسل شوند. هرچند تمام ادعاهای آن‌ها در مورد کنترل آب‌های مرزی غرب کشور به وسیله ایران واقعیت ندارد؛ اما به قول باری بوزان امنیت پیش از اینکه یک امر واقعی و عینی باشد، امری بین‌ذهنی است که به وسیله بازیگران امنیتی‌ساز ساخته می‌شود و همین مسئله بین‌ذهنی بودن امنیت کافی است که آن‌ها مسئله کمبود و بحران آب را به عنوان تهدید وجودی مطرح نموده و علیه ایران از آن استفاده نمایند؛ زیرا تهدید وجودی به عنوان هدف مرجع اولین شرط برای امنیتی‌شدن یک موضوع است. شرط دوم تلاش بازیگران امنیتی‌ساز، یعنی مقامات و نخبگان سیاسی، احزاب، فعالان محیط‌زیست و... برای امنیتی‌کردن موضوع آب است و شرط سوم بازیگران کارکردی که عبارت‌اند از رسانه‌های ارتباط جمعی، مطبوعات، فضای مجازی، مؤسسات مطالعاتی و... که با تکرار گفتمان حاکم در میان بازیگران امنیتی‌ساز در جریان امنیتی‌شدن موضوع کمبود آب شرکت می‌کنند؛ به عبارت دیگر بازیگر کارکردی به عنوان عامل بیرونی تأثیرگذار در سیر امنیتی‌شدن، تنش آبی میان دو کشور دخالت می‌کنند. نکته قابل تأمل این است که از نظر باری بوزان و همکاران، زمانی که بازیگران امنیتی‌کننده نمی‌توانند موضوعی را به صورت مستقیم امنیتی جلوه دهند، با بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی بازیگران کارکردی برای دستیابی به این هدف می‌کوشند.

پس از هدف مرجع (آب)، بازیگران امنیتی‌کننده (مقامات و...) و بازیگران کارکردی (رسانه‌های ارتباط جمعی و...) که از نظر بوزان سه مورد از منظومه پنج‌گانه برای امنیتی‌شدن یک موضوع هستند، نوبت به دو بخش دیگر یعنی مخاطبان هدف و شرایط تسهیل‌کننده می‌رسد. مخاطبان هدف تنها توده مردم و عوام نیستند؛ بلکه در صورت گسترش حتی می‌تواند تصمیم‌گیرندگان سیاسی، نخبگان دیوان‌سالار (بوروکرات) و افسران ارتش را نیز شامل شود و از نظر باری بوزان مخاطبان هدف هرچه محدودتر باشند، امکان امنیتی‌شدن موضوع بهتر امکان‌پذیر خواهد بود. اقدامات گروه‌هایی از مردم شهرستان‌های استان دیاله عراق در نصب پلاکارد علیه ایران و همچنین ایجاد مزاحمت برای کاروان‌های زیارتی در

مدیریت آب رودخانه‌های مرزی غرب... (علیرضا کیانی؛ حمیدرضا سعیدی نژاد؛ شهرام فتاحی و سیروس محبی) ۳۴۳

گذشته به بهانهٔ مسدود شدن آب رودخانهٔ الوند از سوی ایرانی‌ها در همین راستا قابل ارزیابی است و اما شرایط تسهیل‌کننده به‌عنوان آخرین مرحله از امنیتی‌شدن یک موضوع، شامل شرایط داخلی، منطقه‌ای یا جهانی می‌شود که به بازیگران امنیتی‌کننده در تعیین موضوع‌های مناسب برای تبدیل شدن به اهداف مرجع و تهدیدهای وجودی کمک می‌کند؛ برای مثال وضعیت داخلی ایران از نظر اقتصادی به‌واسطهٔ شرایط تحریمی و نیاز به ارتباط تجاری و اقتصادی با کشورهایمانند عراق در تصمیمات و موضع‌گیری مقامات آن کشور نسبت به اجرای پروژه‌های آبی در غرب کشور مؤثر است یا استفادهٔ ابزاری مقامات و فعالان سیاسی اقلیم کردستان عراق از گروهک‌های مخالف جمهوری اسلامی در آن منطقه برای فشار بر ایران قابل توجه است.

نگاهی به گذشتهٔ عراق در تهدید سدها و استفاده از قدرت نظامی برای رسیدن به هدف مانند اقدام آن کشور در بمباران سد کنجان‌چم در تاریخ ۱۳۵۲/۱۱/۲۱ در استان ایلام به بهانهٔ اینکه احداث این سد مانع ورود آب به خاک آن کشور می‌شود را نباید نادیده گرفت (یاری و اکبری، ۱۳۹۵) یا تهدید داعش در زمان اشغال موصل به قطع آب و برق بغداد با انفجار سد موصل همگی محتمل بودن چنین تهدیداتی را تا حدی جدی نموده است. توصیهٔ یکی از فرماندهان نظامی غرب کشور در خصوص ضرورت احتمالی دفاع نظامی از سدها و دیگر تأسیسات آبی منطقه و سنگربندی اطراف این محدوده‌ها در جای خود قابل توجه است (نقل از حسین‌آبادی استاد دانشگاه، ۱۳۹۹/۱۱/۱۲).

ج: سطح سوم تحلیل (بین‌المللی)

آنچه بیشتر در این سطح متصور است، کشاندن موضوع پروژه‌های آبی غرب کشور به مجامع بین‌المللی مانند دیوان دادگستری لاهه از سوی کشور عراق است. افزون بر آن، حمایت برخی قدرت‌های فرامنطقه‌ای مانند آمریکا و کشورهای منطقه‌ای مانند رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی از کشور عراق در این مورد دور از ذهن نیست.

- امنیت‌زدایی در مکتب کپنهاک

امنیت‌زدایی سیری است که در چارچوب آن موضوع‌های خاص از حوزهٔ فراسیاسی و

امنیتی خارج و به حوزه سیاست روزمره و عادی بازگردانده می‌شود؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود هم در بُعد داخلی و هم بُعد خارجی مسئولان ذی‌ربط از وزارت کشور، وزارت خارجه، وزارت نیرو، سازمان محیط‌زیست و... تلاش نمایند که با تدبیر و مواجهه کارآمد با چالش‌های محتمل بر اثر اجرای سامانه گرمسیری آب‌های مرزی غرب کشور را در برنامه‌ریزی‌های خود لحاظ کنند و اگر به مرحله امنیتی شدن و تهدید وجودی رسیده‌اند، از آن‌ها امنیت‌زدایی شود و اگر هم در حالت عادی هستند، اجازه ندهند که امنیتی گردند. در ادامه ضمن برشمردن تهدیدهای ناشی از اجرای سامانه گرمسیری آب‌های مرزی غرب کشور در ابعاد مختلف پیشنهادهایی در راستای امنیتی‌زدایی از موضوع طرح می‌گردد.

۱- نگرانی و اعتراض برخی از ساکنین نواحی مرزی داخل کشور به انتقال آب حوضه سیروان به مناطق دیگر یا لحاظ‌نشدن حق‌آبه باغات و زمین‌های کشاورزی آن‌ها در مسیر رودخانه سیروان، عدم به‌کارگیری و اشتغال جوانان متخصص بیکار در پروژه‌های در دست اجرا، آسیب‌دیدن آثار باستانی و فرهنگی از جمله چشمه تاریخی بل که بسیار مورد توجه مردم است و همچنین خسارات وارده به تأسیسات شهری و روستایی مانند جاده‌ها که همه این خواسته در جای خود باید مورد توجه قرار گیرند.

۲- این طرح اگر خوب مدیریت نشود، ابزار تبلیغی مناسبی در اختیار مخالفان جمهوری اسلامی ایران قرار می‌دهد. تا با تبلیغات ضد ایرانی خود جنبه و وجه عام‌پسندی بدهند؛ زیرا عمده بهره‌برداران مستقیم از آب رودخانه‌های مرزی غرب کشور (در عراق) کردها و شیعیان ساکن در نواحی شرق و جنوب شرق آن کشور هستند که روابط حسنه‌ای با ایران دارند.

۳- دشمنان منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای می‌کوشند با تبلیغات منفی خود، زمینه طرح‌ریزی و سازمان‌دهی توطئه‌هایی علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با حمایت از گروه‌های تروریستی و ضد انقلاب مستقر در خاک عراق را فراهم نمایند؛ که این امر فعال‌شدن گرایش‌های واگرای قومی را به دنبال خواهد داشت.

۴- فاصله گرفتن مسئولین عراقی و اقلیم کردستان از ایران تحت تأثیر بحران آب که افزون بر خسارت اقتصادی به تقویت حضور بیشتر، کنش‌گران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای مانند رژیم

مدیریت آب رودخانه‌های مرزی غرب... (علیرضا کیانی؛ حمیدرضا سعیدی نژاد؛ شهرام فتاحی و سیروس محبی) ۳۴۵

صهونیستی و ترکیه در آنجا شده و کاهش روابط سیاسی و همکاری‌های منطقه‌ای ایران را به دنبال دارد.

۵- ایجاد ناامنی در مراکز و اماکن دیپلماسی، اقتصادی و فرهنگی ایران در عراق و حتی تعرض به برخی از کاروان‌های زیارتی در بخشی از مبادی ورودی عراق یا هدف قراردادن مهندسان و متخصصان شاغل در پروژه‌های آن کشور مانند حمله به پیمانکاران و مهندسين ایرانی پروژه احداث خطوط انتقال گاز ایران به عراق در داخل خاک آن کشور در چند سال گذشته از جمله این مخاطرات است.

۶- شکل‌گیری بحران زیست‌محیطی و تقویت پدیده ریزگردها که به قول باری بوزان چندان مشکل نیست که تصور کنیم در آینده نه‌چندان دور، تهدیدات زیست‌محیطی به حد تهدیدات نظامی برسد (بوزان، ۱۳۸۹: ۱۵۸). به‌ویژه پیوند ژئوپلیتیک و هیدروپلیتیک در مناطق مرزی غرب ایران با کشور عراق، احتمال اینکه موضوعات و رویدادهای اجتماعی و زیست‌محیطی به‌سرعت جنبه امنیتی به خود بگیرد را بالا می‌برد.

۷- ممکن است این‌گونه طرح‌ها در آینده به‌دست برخی از مسئولین عراقی برای ایجاد تنش و درگیری مرزی بین دو کشور بهانه بدهد؛ مانند آنچه رژیم بعث عراق در سال ۱۳۵۹ انجام داد. اظهارات چند سال پیش جلال طالبانی درمورد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر در این راستا قابل فهم است.

۸- کمبود منابع آب بر اثر خشک‌سالی‌های طولانی‌مدت، اگر تبدیل به بحران کم‌آبی شود، ممکن است سبب مهاجرت ساکنان نواحی مرزی کشور عراق به داخل ایران گردد؛ که این مسئله موجب ایجاد تنش، درگیری، برهم‌خوردن نظم و امنیت استان‌های مرزی شده و دارای تبعات فرهنگی و اجتماعی است و نیز می‌تواند زمینه سوءاستفاده گروه‌های ضد انقلاب و جریان‌ات تروریستی را فراهم نماید.

۹- دشمنان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دو ملت ایران و عراق همواره به دنبال دامن‌زدن به برخی از اختلافات مرزی و ارضی، مذهبی و سیاسی بین دو کشور برای تخریب روابط بوده و هستند. در نتیجه باید مواظب بود که اقداماتی مانند پروژه‌های آبی غرب کشور این بهانه را به‌دست دشمنان دو ملت ندهد.

۱۰- شکایت عراق به مجامع بین‌المللی مانند دیوان دادگستری لاهه برای فشار بر ایران، چنان‌که «مهدی الحمدانی» وزیر منابع آب عراق تاکنون چندین مرتبه این تهدید را تکرار کرده است و می‌گوید: کارت فشار ما این است که به دیوان بین‌المللی دادگستری متوسل شویم جایی که کشورهای بالادست حق قطع آب از (کشورهای پایین دست) را ندارند (<https://bourseon.com>)؛ البته اینجا هم ردپایی از تخریب روابط دو کشور به وسیله بیگانگان مانند مشاوران هلندی دولت عراق در مذاکرات آبی مشاهده می‌شود که باید مورد توجه قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

حضور میدانی و تجربه زیسته نگارنده زمینه‌ساز تمهید نگاه فراگیر و پیچیده به مقوله آب و مدیریت منابع آبی در مناطق غربی کشور در چارچوب پژوهش حاضر بوده است. در مناطق مختلف اجرای پروژه‌های آبی شاهد اقدامات بسیار چشم‌گیر متخصصان کشور در به‌ثمررساندن طرح‌هایی بوده‌ایم که به گفته مقامات کشوری در دنیا کم‌نظیر و آرزوی صدساله نسل‌های مختلف کشور بوده که تحقق یافت. افتتاح بخش‌هایی از طرح و در دست اجرا بودن بقیه آن به آبرسانی به هزاران هکتار از زمین‌های دیم یا کم‌آب استان‌های مرزی غرب کشور انجامیده است.

طرح سامانه گرمسیری آب‌های غرب کشور افزون بر تأمین آب کشاورزی، آب شرب شهرها و روستاهای مسیر را تأمین و باعث رونق صنایع تبدیلی، گردشگری، پروژه آبیان، احداث جاده‌های مواصلاتی، اشتغال و به‌دنبال آن جلوگیری از مهاجرت مرزنشینان شده و می‌تواند در تحقق توسعه و امنیت پایدار منطقه مؤثر باشد. همه این‌ها نشانگر این اصل مسلم است که دسترسی پایدار به منابع آب به‌عنوان سرمایه ملی، تحت تأثیر مؤلفه‌های متعددی از جمله طرح‌های توسعه‌ای و طرح‌های فنی مدیریت و انتقال منابع آب و مسائل سیاسی، امنیتی است؛ اما نکته مهم این است که در برنامه‌ریزی مربوطه به آب رودخانه‌های مرزی، باید ضمن رعایت اصل حسن هم‌جواری، به حق‌آبه کشورهای همسایه براساس اصل منصفانه و عادلانه استفاده از منابع مشترک آبی توجه داشت و به‌نظر می‌رسد که کشور

مدیریت آب رودخانه‌های مرزی غرب... (علیرضا کیانی؛ حمیدرضا سعیدی نژاد؛ شهرام فتاحی و سیروس محبی) ۳۴۷

ایران همواره به این قاعده پایبند بوده و با وجود خشک‌سالی‌های یک دهه گذشته، هیچ‌گاه مانع ورود آب به کشور همسایه عراق نشده است و طرح آبی اخیر نیز مانع ورود آب به خاک عراق نمی‌شود.

هرچند مقامات عراقی با گسترش و توسعه کشاورزی خود از منابع آب ورودی از ایران به آن کشور، به‌جای بازسازی تأسیسات فرسوده آبی خود، همواره دنبال بهانه‌جویی بوده و سیاست فشار بر ایران را درپیش می‌گیرند. در نوشتار پیش رو سعی شده با بهره‌گیری از منابع مختلف، دیدگاه مردم و نخبگان محلی ساکن در نواحی مرزی داخل کشور و همچنین مردم، نخبگان، مقامات دولت مرکزی و اقلیم کردستان عراق، بخشی از آثار و پیامدهای منفی اجرای طرح در ابعاد مختلف امنیتی برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را در چارچوب نظری مکتب کپنهاک و مفهوم موسع امنیت از دیدگاه اندیشمندان این نظریه توضیح داده و احصاء شود؛ همچنین برای پاسخ به پرسش‌های مطرح‌شده در پژوهش که مربوط به چگونگی و نوع تهدیدها و مخاطرات محتمل پروژه یادشده بود، اعتراضات، انتقادات، موضع‌گیری‌ها و اقدامات مردم، مقامات سیاسی و فعالان اجتماعی و محیط‌زیست نسبت به اجرای این طرح در بین ساکنان محلی داخل ایران و در کشور عراق بررسی شد. براساس شواهد و تجربیات سال‌های اخیر در داخل و خارج از کشور، فرضیه پژوهش حاضر درخصوص شکل‌گیری تهدیدات نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی علیه امنیت ملی کشور در پرتو اجرای طرح سامانه گرمسیری قابل توجه و تأمل است... امید است با تلاش‌های دیپلماتیک و تدابیر سیاسی، امنیتی و نظامی تبعات منفی طرح یادشده مدیریت گردد. درضمن با توجه به اینکه هنوز زمان زیادی از اجرای این پروژه بزرگ آبی نگذشته است، پیش‌برد پژوهش حاضر با محدودیت و دشواری‌هایی روبه‌رو بود. پرداختن به دیگر ابعاد و زوایای طرح در قالب توسعه تحقیقات و بررسی‌های بیشتر آینده‌پژوهانه پیرامون موضوع ضرورت دوچندان دارد و پژوهش حاضر آغازگر بحث و بررسی در این راستا به‌شمار می‌رود.

پیشنهادهای کاربردی پژوهش

۱- استفاده از ظرفیت نخبگان و معتمدین بانفوذ در بین ساکنان نواحی مرزی داخل کشور

برای تبیین آثار و پیامدهای مثبت طرح سامانه گرمسیری و دیگر پروژه‌های آبی در سطح کلان ملی و منطقه‌ای و در نتیجه کاستن از هزینه‌های سیاسی، اجتماعی و امنیتی طرح.

۲- فراهم نمودن زمینه اشتغال نیروهای بومی با استفاده از ظرفیت هرکدام از پروژه‌های آبی در دست اجرا و توجه به صنعت گردشگری در منطقه، ساخت جاده و راه‌های مواصلاتی، کمک به امر بهداشت و درمان، رعایت عدالت در تخصیص حق‌آبه به باغات و زمین‌های زراعی پیرامون سدها و همچنین حفظ محیط‌زیست و داشتن حساسیت لازم نسبت به مؤلفه‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی مردم منطقه مانند آسیب‌نشدن چشمه آب معدنی بل از دیگر مواردی است که پیشنهاد می‌شود مورد توجه برنامه‌ریزان قرار گیرد.

۳- ارائه مشاوره و کمک به کشور عراق از سوی جمهوری اسلامی ایران به منظور بازسازی سدها و کانال‌های انتقال آب برای جلوگیری از هدررفت آب و گسترش سطح زمین زیر کشت در این کشور.

۴- تمهیدات لازم برای اینکه در آینده بخشی از انرژی تولیدی نیروگاه سد داریان به اقلیم کردستان عراق صادر شود.

۵- اعتمادسازی و پرهیز از تبلیغات منفی و توجه مسئولان جمهوری اسلامی ایران برای کاستن از تنش‌های مرزی از راه اقناع نخبگان محلی و مقامات دولت مرکزی و اقلیم کردستان عراق مبنی بر اینکه بخش زیادی از کمبود آب رودخانه‌های مرزی ناشی از تغییرات آب‌وهوایی است و ایران نقشی در آن ندارد. به گونه‌ای که خشک‌سالی‌ها باعث تضعیف سیستم تولید برق و خاموشی‌های زیادی در داخل کشور و شکل‌گیری اعتراضات و انتقادات در ایران شده است.

۶- قائل شدن حق‌آبه‌های زیست‌محیطی، متناسب با آب هرکدام از رودخانه‌های ورودی به خاک عراق و کمک گرفتن از سازمان‌های غیر دولتی محیط‌زیستی برای گفتگو و همکاری بین دو کشور به منظور مقابله مشترک با پدیده ریزگردها که به هر دو کشور آسیب می‌رساند.

۷- دیپلماسی فعال آب براساس قوانین و مقررات موجود بین‌المللی و توافقات دوجانبه از جمله موافقت‌نامه ۱۹۷۵ الجزایر، زیرا به نظر می‌رسد که ایران در مورد آب رودخانه‌های مرزی نسبت به کشور عراق بیش از حد بذل و بخشش داشته است؛ البته مذاکرات باید با

- مدیریت آب رودخانه‌های مرزی غرب... (علیرضا کیانی؛ حمیدرضا سعیدی نژاد؛ شهرام فتاحی و سیروس محبی) ۳۴۹
- هوشیاری و تلاش فراوان و با کمترین هزینه، بیشترین منافع و سود را نصیب کشور نماید.
- ۸- ایجاد زیرساخت‌ها و امکانات دفاعی لازم برای جلوگیری از آسیب‌رساندن به سدها و تأسیسات، مسیر طرح سامانه گرمسیری به وسیله گروه‌های ضد انقلاب و تروریستی.
- ۹- تقویت سیاست گفتگو با کشور همسایه عراق و اقلیم کردستان برای مبادله آب و صادرات آن البته به غیر سهم حق‌آبه آن‌ها درازای گرفتن امتیاز از آن کشور.
- ۱۰- پیشنهاد می‌شود دو کشور با ایجاد شهرک‌های صنعتی مشترک در مکان‌های مناسب مرزی و ساخت صنایع تبدیلی و مواد غذایی به کشاورزان هر دو کشور در نواحی مرزی کمک کنند.
- ۱۱- اقدام به پرورش آبزیان در رودخانه‌ها و آبگیرهای مشترک مرزی میان دو کشور.
- ۱۲- توجه مسئولان به اشتراکات عمیق فرهنگی میان ساکنین کرد دو سوی مرز ایران و عراق در غرب کشور برای کاستن از تنش‌های آبی
- ۱۳- ایران می‌تواند مذاکره در خصوص آب رودخانه‌های مرزی را مشروط به اجرای کامل موافقت‌نامه‌هایی مانند موافقت‌نامه ۱۹۷۵ و اجرای بندهای باقی‌مانده قطع‌نامه ۵۹۸ نماید؛ زیرا مسئولین عراقی همواره روی بندهایی که به نفع آن کشور هستند مانند آب رودخانه‌های مرزی تأکید دارند.
- ۱۴- تلاش و دقت لازم به عمل آید که بر اثر اجرای پروژه‌های آبی، تغییراتی گرچه جزئی در مرزهای دو کشور ایران و عراق به وجود نیاید. وقوع این عارضه به پیچیدگی روابط و سوءاستفاده رقیبان می‌انجامد.
- ۱۵- همان‌گونه که مسئولان جمهوری اسلامی ایران برخلاف مسئولین کشوری مانند ترکیه بر رعایت حق‌آبه زمین‌های پایین‌دست در کشور عراق بر مبنای اصل منصفانه و عادلانه تأکید کرده‌اند، باید این حق رعایت شود؛ زیرا کمبود آب در آن سوی مرزها ممکن است باعث شیوع بیماری‌های واگیر گردد که خود این مسئله، بهداشت و سلامتی مردم نواحی مرزها در داخل کشور ایران را نیز به خطر می‌اندازد.
- ۱۶- تصمیم‌گیری و عملکرد ج.ا.ا در خصوص آب‌های خروجی از کشور مانند آب رودخانه‌های مرزی غرب ایران باید به گونه‌ای باشد که زمینه‌ساز بهانه‌جویی و سوءاستفاده

۳۵۰ مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ۱۴۰۱، دوره پنجم، شماره اول، ۳۲۱-۳۵۶

همسایگان در بخش‌های دیگر کشور مانند افغانستان که ما نیاز به آب ورودی از آنجا داریم نشود.

منابع

آدمی، علی (۱۳۹۱)، بحران بحرین و امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه راهبردی، ۶۲: ۱۴۱-۱۶۸.

آذرشب، محمدتقی؛ نجم‌آبادی، مرتضی و بخشی‌قلیایی، رامین (۱۳۹۶)، جایگاه امنیت در مکتب کپنهاک: چارچوبی برای تحلیل، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ۱۳ (۴۰)، ۱۱۹-۱۴۶.

ابوطالبی، فرنوش (۱۳۹۵)، «آب و امنیت از دریچه سیاست»، ماهنامه الکترونیکی فراتاب، کد خبر ۴۰۵۱. اخباری، محمد؛ عبدی، عطاءالدین و مختاری‌هشی، حسین (۱۳۸۴)، بررسی پیامدهای انتقال آب رودخانه‌های مرزی به حوضه‌های داخلی؛ مورد رودخانه زاب کوچک، ارومیه، همایش مرز. امیری، علی؛ مستجابی سرهنگی، حمید و محمدی اطهر، علیرضا (۱۳۹۳)، نقش متغیرهای ژئوپلیتیکی در چالش مرز ایران و عراق، فصلنامه علوم و فنون مرزی، ۳ (۱۰)، ۱۰۷-۱۳۴.

امینی، کوروش؛ ویسی، فرزاد و محمدی، سعدی (۱۳۹۷)، تحلیل و تبیین اثرهای احداث سدها بر معیشت پایدار نواحی روستایی، نمونه موردی: سد داریان هورامان، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۸ (۲۷)، ۱۶۷-۱۷۶.

باشگاه خبرنگاران جوان استان کرمانشاه (۱۳۹۴)، سامانه گرمسیری یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های تاریخ ایران، کد خبر: ۵۴۲۸۱۲۷، ۱۳۹۴/۹/۲۵، بازیابی شده در تاریخ ۱۴۰۰/۸/۲۰.

<https://www.ytc.news/5428I21>

بوزان، باری (۱۳۷۹)، گفتگوی علمی: آشنایی با مکتب کپنهاک در حوزه مطالعات امنیتی، فصلنامه مطالعه راهبردی، ۳ (۳)، ۹-۱۵.

بوزان، باری (۱۳۸۹)، مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

پایگاه خبری انتخاب (۱۳۹۱)، وزیر عراقی: ایران مانع سرازیر شدن ۴۹ رودخانه به عراق شده است، کد خبر: ۷۴۷۶۲، ۱۳۹۱/۶/۸، بازیابی شده در تاریخ ۱۴۰۰/۰۴/۲۲. <https://www.entekhab.ir/Fa/news/14162>

پایگاه خبری - تحلیلی پناه‌پرس (۱۳۹۴)، سیروان کرمانشاه و ایلام را سیراب می‌کند، کد خبر: ندارد نوشته شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۱۷، بازیابی شده در تاریخ ۱۴۰۰/۶/۱۰. قابل دسترس در آدرس

<https://www.pavehpress.ir> اینترنتی:

مدیریت آب رودخانه‌های مرزی غرب... (علیرضا کیانی؛ حمیدرضا سعیدی نژاد؛ شهرام فتاحی و سیروس محبی) ۳۵۱

پایگاه خبری - تحلیلی پاورپرس (۱۳۹۶)، توضیحات ایده‌پور فرماندار پاوه به شکایت هوشیار زیباری وزیر امور خارجه عراق، کد خبر: ندارد، ۱۳۹۶/۱۲/۱۸، بازیابی شده در تاریخ ۱۴۰۰/۶/۲۸. <https://www.pavehpress.ir>

پایگاه خبری سلامت نیوز (۱۳۹۵)، یک رود و چند کشور، کد خبر: ۷۹۳۹۹۶، ۱۳۹۵/۱/۱۹، بازیابی شده در تاریخ ۱۳۹۷/۶/۵. <http://Salamat.News.Com/news/179396>

پایگاه خبری طبس نیوز (۱۳۹۶)، بحران آب و دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا، ۱۳۹۶/۴/۴، بازیابی شده در تاریخ ۱۳۹۷/۴/۹ <http://www.tabasnes.ir>

جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۷۶)، بررسی تاریخ اختلافات مرزی ایران و عراق، چاپ سوم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه. ۱۱.

جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۸)، استفاده از منابع رودهای مرزی ایران و عراق و حقوق بین‌الملل، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، ۱۱ (۲۶)، ۶۳-۹۲.

حاجی‌مینه، رحمت (بی‌تا)، مکتب کپنهاک: مفاهیم و آموزه‌ها، ۱۳.

حافظ‌نیا، محمدرضا؛ مجتهدزاده، پیروز و علیزاده، جعفر (۱۳۸۵)، هیدروپلیتیک هیرمند و تأثیر آن بر روابط سیاسی ایران و افغانستان، پژوهشگاه علوم انسانی و فرهنگی.

خبرگزاری ایرنا کرمانشاه (۱۳۹۵)، پایان یک عطش تاریخی، کد خبر ۵۵۸۶۳، ۱۳۹۵/۱۲/۲۳، بازیابی شده در تاریخ ۱۴۰۰/۸/۲۰. <http://www.irna.ir/news/kerMansh-55863>

خبرگزاری ایسنا (۱۳۹۶)، افتتاح بلندترین تونل انتقال آب ایران با حضور وزیر نیرو، کد خبر ۶۹۹۵۰، ۱۳۹۶/۲/۸، بازیابی شده در تاریخ ۱۴۰۰/۸/۲۰. <https://www.isna.ir/news/kerMansh-69950>

خبرگزاری صداوسیما (۱۳۹۸)، افتتاح سد‌های هیروی، شهلا، ازگله و تونل نوسود، کد خبر: ۲۴۱۵۳۴۸، ۱۳۹۸/۲/۱۱، بازیابی شده در تاریخ ۱۴۰۰/۸/۲۰. <https://www.iribnews.ir/008LE>

خبرگزاری فارسی (۱۴۰۰)، دیپلماسی آب و جنگ روایت‌ها، شماره ۵۵۸۶۳، ۱۴۰۰/۲/۴، بازیابی شده در تاریخ ۱۴۰۰/۸/۷. https://www.farsnews.ir/print_news/14000202000340

دهشیری، محمدرضا و حکمت‌آرا، حامد (۱۳۹۶)، دیپلماسی آب ایران در قبال همسایگان، فصلنامه سیاست‌های راهبردی کلان، ۶ (۴)، ۵۹۷-۶۱۶.

ریعی، علی (۱۳۸۷)، مطالعات امنیت ملی: مقاله‌ای بر نظریه امنیت ملی در جهان سوم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

رستمی، فرزاد و نادری، مسعود (۱۳۹۲)، بحران کم‌آبی و گسست در امنیت ملی، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱، ۱۶۱-۱۹۱.

۳۵۲ مطالعات/اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ۱۴۰۱، دوره پنجم، شماره اول، ۳۲۱ - ۳۵۶

روزنامه اعتماد (۱۴۰۰)، عراق: ایران جلوی آب را بگیرد شکایت می‌کنیم، شماره ۵۰۲۳، کد مطلب: ۲۸۲۱۰۸.

روزنامه آفتاب یزد (۱۴۰۰)، اعتراض عراق به کاهش جریان آب از ایران، کد مطلب: ۱۹۵۱۹۱، ۱۴۰۰/۶/۱۷.

روزنامه فرهیختگان (۱۴۰۰)، جنگ آب جایی‌تر از جلدال نفت، کد خبر: ۵۳۴۲۸ نوشته‌شده در تاریخ ۱۴۰۰/۱/۲۵.

روزنامه همشهری (۱۳۹۷)، بدعهدی در نیروگاه داریان، کد خبر: ۲۷۴۱۶ نوشته‌شده در تاریخ ۱۳۹۷/۵/۲۷.

زرگرپور، رسول (۱۳۹۰)، الگوی به‌هم‌پیوسته آب با تأکید بر امنیت آب، تهران: انتشارات دانشگاه دفاع ملی.

شرکت سهامی آب منطقه غرب استان کرمانشاه (۱۳۹۲).

شرکت مهندسی مشاور مهتاب قدس (۱۳۹۱).

شهیدی، فروزان (۱۳۹۶)، اختلاف‌های آبی ایران و عراق: مسائل و دورنما، اندیشکده راهبردی تبیین،

<http://tabyin center.ir/print 20361.20361> کد خبر: ۱۳۹۶/۵/۱۴

عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۳)، نظریه‌های امنیت: مقایسه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات تحقیقات بین‌المللی ایران معاصر.

عبدی، عطاءالله و مختاری‌هشی، حسین (۱۳۸۴)، نگاهی به فرصت‌ها و تهدیدهای هیدروپلیتیک ایران، مجموعه مقالات دومین کنگره انجمن ژئوپلیتیک، تهران: انتشارات ژئوپلیتیک ایران: ۱۹۴-۲۲۶.

علیزاده، جعفر (۱۳۸۳)، هیدروپلیتیک هیرمند و تأثیر آن بر روابط سیاسی ایران و افغانستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

فغانی، حجت‌اله (۱۳۷۸)، ابعاد سیاسی - امنیتی بحران آب در خاورمیانه، چاپ اول، تهران: وزارت امور خارجه.

کیانی، علیرضا (اردیبهشت ۱۳۹۶ الی مهرماه ۱۴۰۰)، گفتگو و نقل قول با: حسین‌آبادی، محسن، فتاحی، شهرام، برخی مقامات استانی و فرماندهان نظامی - امنیتی که به لحاظ امانت‌داری از ذکر نام آن‌ها خودداری می‌شود.

مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱)، خلیج فارس، کشورها و مرزها، تهران: عطایی.

محمودی، علی؛ حسینیان، سیده نازنین و حسینیان، سیده نگار (۱۳۹۲)، بررسی بحران رودخانه‌های

مدیریت آب رودخانه‌های مرزی غرب... (علیرضا کیانی؛ حمیدرضا سعیدی نژاد؛ شهرام فتاحی و سیروس محبی) ۳۵۳

مرزی کشورهای ایران و عراق، دومین همایش ملی بحران آب، دانشگاه شهرکرد. ۲۹.

مرادیان، محسن (۱۳۹۱)، *مبانی نظری امنیت*، چاپ دوم، تهران: دانشکده فارابی.

مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری (۱۳۹۷)، *عراق: ارزیابی ریسک‌های امنیتی مرتبط با*

شرایط اقلیمی، گروه ترجمه، صالحی، امید و عرب یارمحمدی، جواد، کد گزارش ۱۰۳-۹۷.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۸)، *بررسی تاریخی اختلافات حقوقی ایران و عراق در*

مورد اروندرود.

مشاهده میدانی و بازدید در دوره‌های قبل از تدوین مقاله: از طرح‌های مختلف اجرا شده یا در حال

اجرا سامانه گرمسیری: سد داریان، چشمه بل، سد آزادی، تونل نوسود، سد زاگرس، تونل بازی‌دراز،

سد ازگله، سد تنکاب، سد گیلان غرب، سد شرف‌شاه سومار، سد کنگیر ایوان غرب، سد ایلام،

رودخانه سیروان، الوند، تنکاب، گیلان غرب، سومار، کنجان چم، چنگوله، کانال‌های زهکشی،

لوله‌کشی و تأسیسات آب و طرح‌های آبیاری تحت فشار.

نامی، محمدحسن و محمدپور، علی (۱۳۸۹)، *بررسی هیدروپلیتیکی حوضه‌های غرب کشور*، مجله

جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، (۱۴)، ۱۳۳-۱۶۲.

نصری، قدیر (۱۳۸۴)، *تأملی روش‌شناختی بر مکتب بافتار منطقه‌ای امنیت، فصلنامه مطالعات راهبردی*،

(۲۹)، ۵۸-۸۹.

نقشبندی، سارا و نقشبندی، نبات (۱۳۹۲)، *دکترین‌های حقوق بین‌الملل در خصوص بهره‌برداری از*

رودخانه‌های مرزی، *اولین همایش ملی برنامه‌ریزی حفاظت، حمایت از محیط‌زیست و توسعه*

پایدار، همدان (دانشکده شهید مفتاح).

نورانی، محمود (۱۳۹۶)، *بحران آب و دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا*، تهران: اندیشکده

راهبردی تبیین <http://tabyin center.ir/19123>.

نیرومندفر، فریبا و شهیدی، علی (۱۳۹۷)، *هیدروپلیتیک ایران و عراق و بهینه‌کردن مصرف آب‌های*

مشترک مرزی، *فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست جهانی*، ۷ (۲)، ۲۳۳-۲۵۹.

وزارت نیرو، معاونت آب و آبفا (۱۳۹۴)، *سالنامه آماری آب کشور ۹۱-۱۳۹۰*، تهران: دفتر برنامه‌ریزی

کلان آب و آبفا.

یاری، سیاوش؛ اکبری، مرتضی (۱۳۹۵)، *نقش رودخانه‌های مرزی در روابط ایران و عراق...*، مجله

پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، (۱۸)، ۱-۲۰.

References

Abdi. A. & Mokhtari. H. (2005), A Look at Iran's Hydropolitics Opportunities and Threats, Proceedings of the Second Congress of the Geopolitics Association, Tehran: Geopolitical

Publications of Iran: 194-226 (In Persian).

- Abdollah Khani. A. (2004). Security Theories: Introduction to Planning for National Security doctrine, Tehran: International Research studies Institute press of Contemporary Iran (In Persian).
- Abutalebyi. F. (2016), "Water and Security from Policy perspective", Faratab Electronic Monthly, News Code 4051 (In Persian).
- Adami. A. (2012), Bahrain Crisis and Regional Security of the Islamic Republic of Iran, Leadership Quarterly Journal, 62, 168-141 (In Persian).
- Aftab Newspaper of Yazd (2021), Iraq's protest to reduce water flow from Iran, Code: 195191, 17/6/1400.
- Akhbari. M., Abdi. A. A. & Mokhtari. H. (2005). Investigating the consequences of transmitting Boundary Rivers' water to internal basins; Case of Small Zab River, Urmia, Boundary Conference (In Persian).
- Alizadeh. J. (2004), Hirmad Hydropolitics and its Impact on Iran -Afghanistan Political Relations, MA Thesis, Tehran: Tarbiat Modares University (In Persian).
- Amini. K., Weisi. F. & Mohammadi. S. (2018), Analysis and Explanation of Dams Construction on Sustainable Rural region Lives, sample case: Dariyan Huraman Dam, Quarterly Journal of Public Policy Leadership Studies, 8 (27), 167-176 (In Persian).
- Amiri. A. Motajabi Sarhangi. H. & Mohammadi, A. Alireza (2014). The Role of geopolitical variables in the the Iran-Iraqi border challenge, Quarterly Journal of Border Science and Technology, 3 (10): 134-107 (In Persian).
- Azarshab. M. T., Najm Abadi. M. & Bakhshi Galyayi. R. (2017), Security Position in the Copenhagen School: a Framework for Analysis, Political Science's Specialized Quarterly Journal, 13 (40), 119-146 (In Persian).
- Bobrg, J. (2005), Liquid Assts: How Demographic Changes and water Management Policies Affect Freshwater Resoures, the RAND corporation
- Bozan, B. (2000), Scientific conversation: Introduction to the Copenhagen School of Security Studies, Leadership Study Quarterly journal, 3 (3): 9-15 (In Persian).
- Bozan, B. (2010). People, Governments and fear, translated by the Leadership Studies research center, Tehran: Leadership Studies research center press (In Persian).
- Broadcasting News Agency (1398), Opening of Hiro, Shohada, Azgaleh dams and Nusood Tunnel, News Code: 2415348, 2019/05/01, Recovered on 2021/11/11. <https://www.iribnews.ir/008le>.
- BULLoch, J. & Darwish, A. (1993), water wars: Futare coFlictsint MiddEast,
- Classner, M. (1993). political geography, Hobken.
- COLOMbos, C. J. (1964). IntIiawoFtsea, Lodon.
- Dehshiri. M. R. & Hekmat Ara, H. (2018), Iran water diplomacy towards neighbors, Quarterly Journal of Macro Strategic Policies, 6 (4), 597-616 (In Persian).
- Energy Ministry, Deputy of Water & Water and sewage (2015), calendar of Water Statistical of 2015- 2016, Tehran: Water & Water and sewage macro Planning Office (In Persian).
- Engerer, H. (2009), Security EconMics: DeFinitionand capacity", EconoMics of security warking paper5, Berlin: EconoMics of security.
- Entekhab News Database (2012), Iraq Minister: Iran has prevented 49 rivers from flowing into Iraq, News Code: 74762, 2012/08/29, Recovered on 2021/07/13. <https://www.entekhab.ir/en/news/14162>.
- Etemad Newspaper (2021), Iraq: if Iran locked water, we would complain, No. 5023, Content Code: 282108.
- FalkenMark, M.W. 8 Widstrand, C. (1989)," Popula tion and water Resources: A Delicate Balance" population Bulletin, 41 (3), 1-35.
- Farhikhtegan Newspaper (2021), Water War is more serious than oil controversy, News Code: 53428 wrotted on 2021/04/14.
- Farsi News Agency (2021), Water Diplomacy and Narratives War, No. 14000202000340, 2021/04/24, Recovered on 2021/10/29. <https://www.farsnews.ir/print News/14000202000340>.

مدیریت آب رودخانه‌های مرزی غرب... (علیرضا کیانی؛ حمیدرضا سعیدی نژاد؛ شهرام فتاحی و سیروس محبی) ۳۵۵

- Field View and Visit in Pre -Editing period of Article: From Different implemented or Running Tropical System: Dariyan Dam, Bel spring, Azadi Dam, Nosood Tunnel, Zagros Dam, Long Game Tunnel, Azgale Dam, Tonekab Dam, Gilan Gharb Dam, Sharaf Shah Dam of Sumar, kangir Dam of West Ivan, Ilam Dam, Sirvan River, Alvand, Tonekab, Gilan Gharb, Sumar, Conjan Cham, Chenguleh, drainage canals, pipelines and water facilities and under pressure irrigation planings.
- Foghani, H. (1378), The political-security dimensions of water crisis in the Middle East (the first edition). Tehran: Foreign Ministry press (In Persian).
- Hafez Nia. M. R., Mojtahedzadeh, P. & Alizadeh, J. (2006), Hirmand Hydropolitics and its Impact on Iran - Afghanistan Political Relations, Humanities and Cultural sciences' Research Institute (In Persian).
- Haji Mineh, R. (Bita). Copenhagen School: Concepts and doctrines. 13 (In Persian).
- Hamshahri Newspaper (2019), on treaty at Dariyan Power Plant, News Code: 27416 wrotted on 2018/08/18.
- Health News database (2016), One River and several Countries, News Code: 793996, 2016/04/07. Recovered on 2018/08/27 . [http: // salamat. News. Com/ news/ 179396](http://salamat. News. Com/ news/ 179396)
- IRNA News Agency of Kermanshah (2016/08/26), End of a Historical Thirst, News Code 55863, 23/12/1395, Recovered on 2021/11/11. <https://www.isna. Ir/news/kerMansh-69950>.
- Islamic parliament research center (2010), Historical review of Iran -Iraq legal disputes about Arvand river (In Persian).
- ISNA News Agency (2017), Opening of Iran's longest water transfer tunnel with the presence of the Energy Minister, News Code 69950, 2017/04/28, Recovered on 2021/11/11 <https://www.isna. Ir/News/Kermansh-69950>.
- Jafari Valdani, A. (1997), Review of Iran -Iraqi Border Disputes History (Third Edition). Tehran: Office of Political and International Studies of the Foreign Affairs Ministry . 11 (In Persian).
- Jafari Valdani, A. (2009), Use of Iran-Iraq Border River Resources and International Law, Quarterly Journal of Public Law Research, 11 (26), 63-92 (In Persian).
- Kermanshah Young Journalists Club (2015), Tropical Sy stem of One of the largest projects in Iran history researches, News Code: 5428127, 2015/12/16, Recovered on 2021/11/11. <https://www.ytc.news/5428i21>
- Kiani, A. (May 2017 to October 2021), Conversation and quotation with: Hossein Abadi. Mohsen, Fatahi. Shahram, some provincial officials and military -security commanders' names are refused to mention because of honesty.
- Mahab Consulting Engineering Company of Qods (2012) (In Persian).
- Mahmoodyi, A., Hosseinian, S. N. & Hosseinian, S. N. (2013), Review of the border rivers crisis of Iran and Iraq. Second National Conference about Water Crisis, Shahrekord University . 29 (In Persian).
- Mojtahedzadeh, P. (2002), Persian Gulf, Countries and Boundaries, Tehran Atayi Publications (In Persian).
- Moradian, M. (2012), Security Theoretical Basics (Second Edition). Tehran: Farabi College Publications (In Persian).
- Nami, M. H. & Mohammadpoor, A. (2010), Hydropolitical Review of country's West Basins, Journal of Geography and Regional Development, 14, 133-162 (In Persian).
- Naqshbandi, S. & Naqshbandi, N. (2013), International law doctrines about exploitation of boundary rivers, the first National Conference on Conservation Planning. Environmental Protection and Sustainable Development, Hamadan (Martyr Mufteh College) (In Persian).
- Nasri, Q. (2005), The methodological reflection on the School of Security Regional Texture, Quarterly Journal of Strategic Studies, Autumn, (29), 58-89 (In Persian).
- Niroomandfar, F. & Shahidiy, A. (2019), Iran-Iraq Hydropolitics and Optimization of joint boundary waters consumption, Scientific research Quarterly Journal of World Politics, 7 (2), 233-259 (In Persian).
- Noorani, M. (2018), Water Crisis and the Islamic Republic of Iran Diplomacy in West Asia,

- Tehran: Tabyin Strategic think tank. <http://TabyinCenter.ir/19123> (In Persian).
- Paveh Press News-Analytical Database (2015), Sirvan quenches Kermanshah and Ilam, News Code: No news code, written on 2015/09/08, Recovered on 2021/09/0. Available at: <https://www.pavehpress.ir>.
- Paveh Press News-Analytical Database (2017), Idea Poor, Paveh Governor's Comments on Iraq Foreign Affairs Minister, Zibari. Hoshyar, compliant. Code: No code, 2018/03/09, Recovered on 2021/09/19. <https://www.pavehpress.ir>
- Rabyei, A. (2008), National Security Studies: Introduction to National Security Theory in Third World, Tehran: Office of Political and International Studies of the Foreign Affairs Ministry (In Persian).
- Rostami, F. & Naderi, M. (2013), Water Shortage Crisis and Resolution in National Security, Quarterly Journal of International Relations Research, 1, 161-191 (In Persian).
- Salman, S. M. A. (2001), the Helsinki Rules, the unwater courses convention and Berlin Rules: perspectives of International water Law.
- Shahidi, F. (2018). Iran -Iraq Water Disputes: Issues and landscape, Tabyin Strategic think tank, 25/8/2018 News Code: 20361. <http://tabyin center.ir/print 20361> (In Persian).
- Smith, A. (1951) The Economics of Rent, London, Kegan Paul.
- Tabas News database (2017), Water Crisis and Iran Islamic republic Diplomacy in West Asia, 2017/06/25, Recovered (9/4/1397) <http://www.Tabasnes.ir>.
- The Presidential Strategic Review Center (1397), Iraq: Evaluation of security risks related to climate conditions, translation team, Salehi, Omid & Arabyar Mohammadi. Javad, Report code. 103-97 (In Persian).
- Water Company of West region of Kermanshah Province, 2013 (In Persian).
- Yari, S., Akbari, M. (2016), The Role of Border Rivers in Iran-Iraq Relations, Journal of Iran and Islam Historical Research, No. 18. 1-20 (In Persian).
- Zargarpoor, R. (2011), Interlocking Water Pattern with Emphasis on Water Security, Tehran: National Defense University Press (In Persian).

مدیریت توسعه پایدار شهر کرمانشاه؛ رهیافت اقتصاد سیاسی

فرهاد دانش نیا*

یوسف محمدی فر**

چکیده

جایگاه اقتصاد در موقعیت یابی کشورها، مناطق و شهرها در منظومه قدرت و ثروت منطقه‌ای و جهانی، تعیین کننده است. از یک سو ارتقای قدرت اقتصادی و دستیابی به پیشرفت متوازن ملی و محلی به مثابه کار ویژه مهم دولت تلقی می‌شود و از دیگر سو رفع نیازهای اقتصاد سیاسی ملی و مدیریت توسعه پایدار محلی به ویژه در شرایط تحریم‌های بین‌المللی، مستلزم اتخاذ راهبردها و رویکردهای سیاستی مدرن است. در این راستا کاربرد ظرفیت کنش‌گری توسعه‌ای شهرها در جغرافیای پیرامون خود از اولویت‌های سیاست‌گذاری توسعه‌ای ملی، حکمرانی محلی و به‌طور خاص مدیریت شهری به‌شمار می‌رود. یکی از مکانیسم‌های نقش‌آفرینی شهر در فضای جهانی شدن، کاربست دیپلماسی شهری است. گفت‌وگو برآمده از توجه به شهر در سیاست‌گذاری توسعه‌ای جمهوری اسلامی ایران و ضرورت انطباق نظام تدبیر ملی و محلی با نیازها و اقتضائات کنش‌گری متناسب شهرها در مفرهای پیرامون خود همچنان مغفول مانده است. در این میان توجه به کلان‌شهر کرمانشاه اهمیت ویژه‌ای دارد. این شهر مهم‌ترین مرکز جمعیتی غرب کشور با وزن ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیک و ژئوکالچر تعیین‌کننده است. با این حال فرایند توسعه متوازن آن، وضعیت پرابلماتیکی یافته است. پرسش این است که برون‌رفت از تنگنای توسعه‌ای این شهر در چارچوب رهیافت اقتصاد سیاسی چگونه است؟ فرضیه پژوهش آن است که کاربست رویکرد اقتصاد سیاسی به مدیریت توسعه پایدار شهری متضمن اولویت‌بندی مسائل توسعه‌ای شهر، برندیابی و بهبود تصویر شهر و فعال‌سازی دیپلماسی شهری برای اتصال اقتصاد سیاسی شهر به جغرافیای پیرامون خود و تمهید مشارکت شهر در فرایندهای تولیدی، تجاری، پولی، مالی، توریستی و ارتباطاتی منطقه در سطح داخلی و خارجی است. روش پژوهش پیش رو، تحلیلی - توصیفی و داده‌ها از منابع و متون نظری - تحلیلی مکتوب، گزارش آمایش استان کرمانشاه، مشاهدات میدانی و تجربه زیسته نگارندگان تدوین شده است. به‌طور خلاصه یافته‌های تئوریک و تجربی پژوهش نشانگر آن است که ضعف رویکرد اقتصادی سیاسی به طراحی و تدوین سیاست توسعه اقتصادی پایدار کرمانشاه مشهود است که دستیابی به اجماع استراتژیک حول هویت اقتصاد سیاسی این شهر و اتخاذ سازوکارهای روزآمد تعامل با مدارهای قدرت و ثروت ملی و منطقه‌ای را به تأخیر انداخته است. برآیند گسست یادشده تراکم مسائل تأثیرگذار بر پیشرفت متوازن استان است.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد سیاسی شهر، توسعه پایدار شهری، دیپلماسی شهری، برندیابی شهری، کرمانشاه.

نوع مقاله: پژوهشی.

* دانشیار روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. (نویسنده مسئول)، f.dnshn@razi.ac.ir

** استادیار مدیریت بازرگانی، گروه کارآفرینی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ۱۴۰۱، دوره پنجم، شماره اول، ۳۵۷-۳۸۸.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۳

ناشر: دانشگاه رازی

© نویسندگان



۱. مقدمه

مدیریت توسعه در ابعاد مختلف آن، به‌ویژه حصول به توسعه اقتصادی، مسئله اصلی اقتصاد سیاسی ج.ا.ا در شرایط تحریم همه‌جانبه کشور است. با وجود تدوین و اجرای برنامه‌های مختلف توسعه و دستیابی به بخشی از اهداف و آرمان‌های پیش‌بینی شده در اسناد بالادستی توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، کماکان پایداری اقتصاد سیاسی ج.ا.ا در مقابل تکان‌های داخلی و خارجی و حل و فصل مسائل توسعه ملی با تنگنا مواجه است. مقوله‌هایی نظیر مقابله با بیکاری، رقابت‌پذیری صنعت، کاهش آسیب‌های اجتماعی، حل معضلات شهری، پایداری محیط‌زیست و... نه تنها با رفاه و کیفیت زندگی شهروندان بلکه به‌مثابه «سیاست‌های والا» (high politics) با مقوله ثبات و امنیت پایدار ملی پیوند تنگاتنگی دارد. اگرچه مناطق و شهرهای مختلف کشور از حیث دستیابی به مدارهای توسعه وضعیت یکسانی ندارند، اما شاخص‌های مختلف توسعه در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و... نشانگر آن است که ساختار اقتصاد سیاسی کرمانشاه به‌صورت خاص، با چالش‌های توسعه‌ای روبرو است. این در حالی است که کرمانشاه یکی از پرجاذبه‌ترین شهرهای کشور از حیث قابلیت‌های بالقوه جذب گردشگر، سرمایه‌گذار، دانشجو و... است. از جمله این پتانسیل‌ها می‌توان به جذبه‌های تاریخی، جذبه‌های طبیعی، جذبه‌های اجتماعی سنتی و نوپدید و همچنین پتانسیل‌های اقتصادی اشاره کرد.

کلان‌شهر کرمانشاه به‌مثابه بزرگ‌ترین مرکز تجمع جمعیتی غرب کشور در طول چند دهه از حیات انقلاب اسلامی نقش بی‌بدیلی در عرصه‌های مختلف مانند رخداد انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و مشارکت در فرایند بازسازی کشور متعاقب جنگ ایفا نموده است. لکن کرمانشاه کماکان با مسائل و چالش‌های توسعه‌ای مختلفی مواجه بوده و نقش و جایگاه نازلی در تقسیم کار ملی دارد، مطالعات آمایش نشان می‌دهد که اقتصاد سیاسی کرمانشاه با مسائلی نظیر پدیده نخست شهری، فربه‌شدن بخش حاشیه‌نشین شهر تا حد یک‌سوم جمعیت شهری کرمانشاه، رشد آسیب‌های اجتماعی در شهر، ساختار سنتی خدمات شهری به‌ویژه دفع فاضلاب و مدیریت پسماند شهری، احراز رتبه‌های انتهایی از بیکاری طی دهه اخیر، سهم ناچیز از تولید ملی، پس‌انداز ملی و سرمایه‌گذاری صنعتی

مدیریت توسعه پایدار شهر کرمانشاه؛ رهیافت اقتصاد سیاسی (فرهاد دانش‌نیا و یوسف محمدی‌فر) ۳۵۹

کشور و... روبه‌رو است (مطالعات آمایش استان کرمانشاه، ۱۳۹۷).

پژوهش پیش‌رو بر محور این پرسش راهبردی مفصل‌بندی شده که: چگونه وضعیت فعلی شهر کرمانشاه و مسیرهای برون‌رفت از آن در چارچوب رهیافت اقتصاد سیاسی قابل فهم است؟ در راستای پردازش این سؤال چند پرسش فرعی نیز طرح شده است. از جمله این که جایگاه و کار ویژه شهر در اقتصاد سیاسی منطقه‌ای و جهانی چگونه است؟ توسعه پایدار شهری کرمانشاه در تقسیم‌کار ملی و منطقه‌ای با چه فرصت‌ها و تنگناهایی روبه‌رو است؟ نقش سیاست و مدیریت شهری کرمانشاه در برون‌رفت اقتصاد سیاسی شهر از وضعیت پروبلماتیک توسعه‌ای موجود، پاسخگویی به مطالبات شهروندان و نیز یاری‌رساندن به اقتصاد ملی در شرایط تحریم چگونه است؟

ضرورت طرح بحث حاضر آن است که نائل‌آمدن حکمرانی محلی به انسجام نظری درخصوص سرشت و مختصات توسعه کرمانشاه و تجهیز منابع و امکانات موجود جهت تحقق توسعه پایدار شهری، با رضایت شهروندان، ثبات، انسجام و همبستگی محلی و ملی نسبت وثیقی دارد. ناکامی در تدوین استراتژی توسعه شهری، سردرگمی در یافتن مزیت‌های رقابتی شهر و فقدان دستور کار جهت فعال‌سازی ساختار ارتباطاتی شهر، به تراکم چالش‌های توسعه‌ای شهری، نارضایتی شهروندان و نهایتاً تضعیف سازه‌های تعیین‌کننده حیات پویای شهری می‌انجامد. حصول به توسعه متوازن در کرمانشاه به دلیل تکثر و پیچیدگی قومی فرهنگی آن و نیز موقعیت و نقش استراتژیک پهنه سرزمینی یادشده در تحقق توسعه و به‌ویژه امنیت پایدار ملی حائز اهمیت دوچندان است؛ بنابراین هدف پژوهش پیش‌رو آسیب‌شناسی فرایند توسعه پایدار شهری کرمانشاه و نیز تبیین یکی از امکانات متصور جهت ارتقای حیات اقتصادی - اجتماعی شهر با رویکرد اقتصاد سیاسی است.

در این راستا به چگونگی طراحی و شکل دادن به سازوکارهای تعامل شهر با جغرافیای پیرامون خود در راستای تحقق توسعه متوازن و پویای کرمانشاه پرداخته می‌شود. در ادامه بحث ضمن طرح چارچوب نظری، به چالش‌های چندوجهی فراروی توسعه پایدار شهر کرمانشاه و چگونگی اتصال اقتصاد سیاسی آن به منطقه پیرامون خود به‌عنوان جهت‌گیری

اصلی تبدیل این شهر به مکانی تأثیرگذار و پیشرو در منطقه از منظر رویکرد اقتصاد سیاسی پرداخته می‌شود.

۲. چارچوب نظری پژوهش

یکی از رهیافت‌های نظری نوین به مسائل توسعه متوازن شهری در فراسوی رویکرد جامعه‌شناسی شهری، برنامه‌ریزی شهری، جغرافیای شهری، مدیریت شهری و کارآفرینی در شهر؛ رهیافت اقتصاد سیاسی (Political Economy Approach) است. به تعبیر لوفور هر یک از سنت‌های علمی و تحقیقاتی تاکنون به شکلی گسیخته و منفک از هم گوشه و نمایی از آن را توصیف و تحلیل کرده‌اند (لوفور ۱۳۹۴)؛ لکن از منظر اقتصاد سیاسی، شهر به مثابه یک کلیت پیچیده تلقی شده و این واقعیت در حوزه سیاست‌گذاری و مداخلات توسعه‌ای در امور شهر نیز صدق می‌کند. درحالی‌که حریم معرفتی علم به شهر و پیچیدگی‌های آن را می‌بایست و رای مرزبندی‌های تصنعی رشته‌ای جستجو نمود. در این راستا به چارچوبی بنیادین و فراگیر نیاز است که منطبق درهم‌تنیده عملکرد پدیده‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، کالبدی و زیرساختی و تحولات چندوجهی و پیچیده تأثیرگذار بر فرجام توسعه پایدار شهر را درک و فهم نماید.

درواقع تکوین رویکرد اقتصاد سیاسی به مطالعات توسعه شهری را می‌بایست برآیند نقد دیدگاه‌هایی دانست که توسعه ملی و محلی را به یکی از عناصر جغرافیا، تکنولوژی، سرمایه یا فرهنگ تقلیل می‌دهند. مفروض رهیافت اقتصاد سیاسی این است که تطور و تکامل توسعه پایدار شهری برآیند اندرکنش نیروها و روندهای مختلفی و رای الزامات جغرافیا، محیط، تکنولوژی و سرمایه است. بر اساس مضامین نظری رهیافت یادشده، توسعه و توسعه نیافتگی شهر نتیجه کیفیت سیاست‌گذاری و الگوی حاکم بر روابط سیاسی - اقتصادی و فرهنگی خرد و کلان در سطوح محلی، ملی و فراملی است. از این منظر، مدیریت شهری امری فی‌نفسه سیاسی بوده و نقش ساخت قدرت و تصمیمات سیاسی نخبگان، نهادها، دولت و صاحبان قدرت و ثروت در کیفیت حیات اقتصادی، فرهنگی، زیست‌محیطی و اجتماعی شهری بی‌بدیل است (Cox, 1994).

مدیریت توسعه پایدار شهر کرمانشاه؛ رهیافت اقتصاد سیاسی (فرهاد دانش‌نیا و یوسف محمدی‌فر) ۳۶۱

از جمله نظریه‌پردازان رهیافت اقتصاد سیاسی توسعه شهر می‌توان به هانری لوفور، رابرت کاکس، سوزان استرنج، آلن اسکات، مانوئل کاستلز و دیوید هاروی اشاره نمود. هر یک از متفکران یادشده زوایای مختلف و درهم‌تنیده توسعه شهر و چگونگی کنش‌گری شهرها در هدایت جریان‌های پولی-مالی، تجاری و فناورانه جهانی را در جهت تحقق توسعه محلی و ملی تئوریزه می‌کنند. دیوید هاروی معتقد است که سرمایه در عصر جهانی‌شدن خصلت شهری پیدا کرده و شهرها به مراکز اصلی اقتصاد جهانی تبدیل شده‌اند. رابرت کاکس و سوزان استرنج تأثیر تعیین‌کننده طیفی از مادرشهرها یا متروپلیتن‌ها را در هدایت جریان‌های فراملی سرمایه جهانی تبیین نموده و اتصال به این مراکز را در تحول و توسعه اقتصادی ملی و محلی حائز اهمیت می‌دانند (Strange & Cox, 1994).

فصل مشترک سامان فکری نظریه‌پردازان یادشده این گزاره بنیادین اقتصاد سیاسی است که «سیاست و توسعه شهر به اشکال مختلف با یکدیگر پیوند خورده و زندگی بشر در بستر شهر، قبل از هر چیز، کیفیت و خصلتی سیاسی داشته و به تصمیمات نظام تدبیر و نحوه رویارویی آن با چالش‌ها و فرصت‌های موجود بستگی دارد» (Curtis, 2014). در چارچوب رهیافت اقتصاد سیاسی، چگونگی تعامل و درهم‌تنیدگی ساختارها و نهادهای سیاسی-اقتصادی و فرهنگی برای توسعه و تحول شهر تئوریزه شده و نشان داده می‌شود که کیفیت سیاست و دولت‌داری، عامل اصلی و متغیر تأثیرگذار بر پویایی و پیشرو شدن شهر و اتصال آن به کانون‌های قدرت و ثروت منطقه‌ای و جهانی یا برعکس عقب‌گرد و زوال حیات پایدار شهری است. متقابلاً تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهر بر استحکام قدرت و ثبات یا بی‌ثباتی سیاسی محلی و ملی تأثیر انکارناپذیر بر جای می‌گذارد. متغیر سیاست و حکمرانی شهری در قالب‌های مختلفی از جمله در قالب برنامه‌ریزی و طراحی الگوی توسعه، حیات بهتر یا بدتر شهری را رقم می‌زند (خلیل‌آبادی، ۱۳۹۰: ۱۱۸-۱۱۷).

بر این اساس ساختار و الگوهای تصمیم‌گیری یا حکمرانی است که موقعیت شهر در سلسله‌مراتب قدرت و ثروت منطقه‌ای و جهانی را رقم می‌زند. این موضوع به‌ویژه در بستر جهانی‌شدن اقتصاد، اهمیت یافتن تولید دانش‌بنیان و نحوه رویارویی با روندهای تحقق‌بخش

آن نظیر هدایت جریان‌ات سرمایه و تکنولوژی به شهر، دستیابی به توافقات تجاری، استقرار خدمات نوین در شهر، برندبایی شهری و... اهمیت بیشتری می‌یابد. کارآمدی و اثربخشی تصمیمات مدیریت شهری و انطباق آن با الزامات اقتصاد سیاسی منطقه‌ای و جهانی سهم و نقش شهر در تحقق مدارهای توسعه و توسعه‌نیافتگی محلی و ملی را تعیین می‌کند (دانش‌نیا، ۱۳۹۱: ۷۸).

دغدغه اقتصاد سیاسی تنها نقد مقوله توزیع منابع، تحلیل کشمکش‌ها و روابط نابرابر حاکم بر شهر نیست (شارع‌پور، ۱۳۸۷: ۱۷۳). بلکه برداشت نوین اقتصاد سیاسی با رویکردی ایجابی و سیاستی به تبیین سیاست مدیریت شهری و چگونگی نقش‌آفرینی حکمرانی محلی برای بهبود وضعیت اقتصادی شهر و تحقق توسعه پایدار شهری از طریق خلاقیت شهر، سرمایه‌پذیرنمودن شهر، پویایی اقتصاد شهر، مدیریت کارآمد معضلات شهری و... می‌پردازد. در این چارچوب، شهر پدیده‌ای اجتماعی، جغرافیایی، فرهنگی، اقتصادی و هم‌زمان سیاسی است. سیاسی بدین معنا که تصمیم‌گیری نظام تدبیر است که فرجام توسعه شهر را رقم می‌زند. شهر نیز به‌مثابه کنش‌گری نوین بر سیاست توسعه ملی و تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی نظام سیاسی اثرگذار است.

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها و ابزارهای تأثیرگذار بر فرجام توسعه شهر از منظر اقتصاد سیاسی، مقوله دیپلماسی شهری (City Diplomacy) است. دیپلماسی شهری به معنای به‌کارگیری ظرفیت‌های سیاست و نیروهای سیاسی کارآزموده در تعامل با ساختارهای داخلی و فراملی قدرت و ثروت به‌منظور تقویت بنیان‌های توسعه‌ای شهر در حوزه کسب‌وکار، تجارت، سرمایه‌گذاری، بهبود تصویر شهر و... در رویارویی با اقتضانات و حل پیچیدگی‌های توسعه‌ای شهر در فضای جهانی‌شدن است. در ادامه پژوهش از منظر اقتصاد سیاسی روابط بین‌المللی شهر در قالب مفهوم دیپلماسی شهری، چگونگی کاربست سازوکار یادشده برای ارتقای توسعه پایدار شهری در کرمانشاه تحلیل و تئوریزه می‌شود.

۳. تحول ساختارهای اقتصاد سیاسی جهانی به‌مثابه متغیر تعیین‌کننده آهنگ توسعه شهر

برهه کنونی از حیات جامعه بشری در هزاره سوم میلادی با مفهوم منطقه‌گرایی و

مدیریت توسعه پایدار شهر کرمانشاه؛ رهیافت اقتصاد سیاسی (فرهاد دانش‌نیا و یوسف محمدی‌فر) ۳۶۳

جهانی شدن گره خورده است. در حقیقت، جهانی شدن، رخداد دوران‌ساز عصر کنونی است. در پرتو تحول برآمده از جهانی شدن، مجموعه‌ای از تغییرات بنیادین در ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع بشری رخ داده است. منطق عملکرد رخداد یادشده از طریق ظهور فناوری‌های نوین و نیز مناسبات پولی، مالی، تولیدی، تجاری، سیاسی و فرهنگی ملازم آن است (Pluijm, 2007: 8). تاکنون مفاهیم و اصطلاحات مختلفی در علوم اجتماعی برای مفهوم‌سازی تحولات ناشی از رخداد جهانی شدن تکوین یافته که از جمله آن‌ها می‌توان به ظهور جامعه پساصنعتی، جامعه شبکه‌ای، جامعه دانش‌بنیان، وضعیت پسامدرن، عصر اطلاعات و ارتباطات، پساфорديسم و نظام نوین جهانی اشاره نمود. برآیند دگردیسی یادشده، فراملی شدن ساختار تولید، تجارت، مالیه و چارچوب سیاسی - فرهنگی متناسب آن است. در قالب ساختار نوین اقتصاد سیاسی جهانی، زمینه گسترش، پراکندگی و انتقال سریع کالاها، خدمات، ایده‌ها و تصاویر در سراسر جهان و رای مرزهای ملی فراهم شده است.

در بستر جهانی شدن، نوعی تکثر سازمانی و نهادی (the organizational explosion) تحقق یافته که به واسطه آن از یکسو، تمرکز و اعمال انحصاری قدرت و نیز مدیریت توسعه از دست دولت‌ها خارج شده و بازیگرانی نظیر شرکت‌ها و شهرها را به کانون مناسبات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی منطقه‌ای و جهانی وارد نموده است. از دیگر سو و به‌طور هم‌زمان امکان تحرک (the mobility upheaval)، جابه‌جایی و کنش‌گری را برای چنین بازیگران نوظهوری به‌ویژه در حوزه‌های پولی - مالی، تولیدی و تجاری و رای نظارت و کنترل دولت‌ها میسر ساخته است (Rosenau, 1999). تحول دیگر، بازسامان‌دهی اساسی ساختارهای اقتصاد جهانی به‌ویژه در حوزه پولی - مالی و تجاری است.

در نتیجه جهانی شدن، نوعی ساختار پولی - مالی - تجاری و تولیدی جهانی و فراملی تکوین یافته که فرایند رشد و رفاه محلی و ملی در نسبت با آن رقم می‌خورد؛ بنابراین این امکان برای جریان‌های فراملی اقتصاد فراهم شده که روابط تولید و تقسیم‌کار موجود در مناطق مختلف را تغییر دهند. این مهم غالباً از طریق عملکرد بازیگران فراملی از جمله شرکت‌هایی صورت می‌گیرد که صاحب فناوری، تولید و سهم بازار تجارت جهانی بوده و

موجبات ادغام سرمایه‌ها و ظرفیت‌های کشورهای و مناطق مختلف را در قالب یک ساختار درهم‌تنیده فراملی فراهم آورده‌اند (Cox, 1994).

شاخصه بارز ساختار جهانی تولید، شکل‌گرفتن پدیده «کارخانه جهانی» (global factory) است. به این معنا که در مرحله جدید گسترش اقتصاد جهانی این امکان برای شرکت‌های فراملی فراهم شده که مراحل مختلف تولید یک کالا را در چندین شهر در کشورهای مختلف، مستقر سازند. از این منظر، کشورها به مراکز تحقیق (research center)، کنترل کیفیت (fabrication plant) و خط مونتاژ (assembly Line) رده‌بندی می‌شوند. بالطبع ملاک قدرتمندی و مکان‌یابی یک کشور یا شهر آن است که در چه بخشی از این شبکه و با چه میزان پیچیدگی و به چه حجمی مشغول فعالیت باشد.

در کنار جهانی‌شدن ساختار تولید، مقوله تجارت و شکل‌گیری بازار جهانی نیز به همان اندازه و حتی بیشتر از آن، در رقم‌خوردن فرجام توسعه کشورهای و شهرها تعیین‌کننده است. در حال حاضر چندین برابر حجم تولید جهانی، تجارت صورت می‌گیرد و در بازار تجارت منطقه‌ای و جهانی بازیگرانی حضور دارند که حتی بدون داشتن سهمی از فرایندهای تولید، تنها با تکیه بر پتانسیل و ظرفیت ترانزیتی، تجاری و خدماتی خود از جمله دارا بودن شبکه بین‌المللی بانکی از این روندها سود می‌برند. برآیند وضعیت یادشده، درهم‌تنیدگی قدرت دولت با شرکت‌ها و کارکردهای نوین دولت و شهر در بازار جهانی است. شکل‌گیری پدیده دولت مجازی (virtual state) در اقتصاد جهانی اساساً دلالت بر چنین تحولی در سرشت و کار ویژه دولت و دیگر بازیگران دارد که در قدرت و اقتدار دولت‌ها سهمیم شده‌اند (Strange, 2015).

در فضای جهانی‌شدن اقتصاد، بهره‌گیری از بسترهای تولیدی - تجاری منطقه‌ای و جهانی در افزایش ظرفیت تولید، خلاقیت، نوآوری و دست‌یابی به ارزش‌افزوده تأثیر چشم‌گیری دارد. اکنون، اقتصاد و شیوه تولیدی که نتواند برای بازارهای منطقه‌ای و جهانی برنامه‌ریزی نموده و دغدغه کسب سهمی از تجارت جغرافیای پیرامون خود را نداشته باشد، نمی‌تواند به انباشت چندان در داخل دست یابد. در حال حاضر بیش از ۹۰٪ مناسبات تجاری و مالی جهانی در قالب نهادها و بازیگران غیردولتی فراملی صورت می‌گیرد (واعظی

مدیریت توسعه پایدار شهر کرمانشاه؛ رهیافت اقتصاد سیاسی (فرهاد دانش‌نیا و یوسف محمدی‌فر) ۳۶۵

و موسوی شغایی، ۱۳۸۸). این مهم در بستر فعال‌سازی کانون‌های خرد و فروملی تصمیم‌گیری به‌ویژه شهرها و استفاده از سازوکارهای نوین جذب منابع و فرصت‌ها در جغرافیایی پیرامون اکوسیستم‌های متنوع تجلی می‌یابد که نشان می‌دهد نقش شهرها در این تقسیم‌کار افزایش چشمگیری یافته است.

۴. جایگاه و کارکرد ژانوسی شهر در بستر اقتصاد سیاسی جهانی

قرن بیستم را کسانی چون تیلور و کاستلز به فضای مکان‌ها (spaces of places) و قرن کنش‌گری و طلایه‌داری دولت در عرصه سیاست ملی و نیز تعاملات بین‌المللی تعبیر نموده‌اند (Castells, 2004). در این راستا دولت مهم‌ترین و تنها بازیگر متولی رتق و فتق توسعه و مسئول تعریف و تحقق منافع ملی شهروندان به‌شمار می‌رفت. در چارچوب گفتمان دولت محور و ستفالیایی همه تعاملات، روندها و رویدادها از مجرای دولت تعقیب شده و تحقق می‌یافت. متقابلاً جای چندانی برای تحرک و کنش‌گری بازیگران غیردولتی به‌ویژه در عرصه فراملی متصور نبود. واقعیت آن است که در فضای جهانی شدن کمتر دولتی می‌تواند بدون توسل و تعامل سازنده با فرایندهای جهانی تولید، تجارت، فن‌آوری و سرمایه‌گذاری؛ اهداف و برنامه‌های توسعه‌ای خود در سطح ملی و محلی را به‌پیش ببرد. اساساً یکی از نتایج جهانی‌شدن در حوزه توسعه، گذار از الگوهای انزواگرایانه و درون‌گرای توسعه به سمت الگوهای بازار محور، برون‌گرا و مبتنی بر تعامل با ساختارهای فراملی است. نکته مهم آن است که ابزار تحقق و هدایت این جریانات به درون اقتصاد محلی تا حد زیادی خارج از کنترل و توانمندی دولت‌ها بوده و تک‌تک ساختارهای حکمرانی محلی از جمله مدیریت شهری و شهرداری‌ها در این زمینه کنش‌گر محسوب می‌شوند. به هر اندازه که ساختار تصمیم‌گیری ملی و محلی یک کشور، خود را برای بازیگری در این فضا آماده کرده باشد، به همان اندازه از چشم‌انداز کلاسیک به مدیریت، قدرت، حکومت (government) و سازوکارهای تعامل سنتی فاصله گرفته و زمینه را برای شکل‌گیری ساختار مبتنی بر حکمرانی (governance) در قالب کنش‌گری طیف متنوعی از بازیگران خرد و محلی در جغرافیای پیرامون خود و ورای آن فراهم می‌آورد (Nye, 2005).

درواقع جهانی شدن نقطه عطفی در سرشت، جایگاه و کار ویژه دولت در اقتصاد ملی، منطقه‌ای و جهانی محسوب می‌شود. روندهای جهانی شدن در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به تعبیر رابرت کاکس نه در قالب دولت بلکه در چارچوب شبکه‌ای از مادرشهرها یا جهان شهرها عمل می‌کند که با سرعت شتابان قدرت و ثروت را کنترل می‌کنند. شهرهای پیشرو نقاط پیوند یا گره‌های ساختار شبکه‌ای اقتصاد و بستر تعاملات و ارتباطات توسعه‌ای فضای جهانی شدن محسوب می‌شوند. از این منظر به قول ساسکیا ساسن (Sassen, 2006: 16).

پیر بی‌راهه نیست اگر گفته شود جهانی شدن اقتصاد به‌عنوان فرایند غالب عصر حاضر، در سطح شهرها و از طریق شهرها عمل نموده و شهر را به بازیگر اصلی و تعیین‌کننده در عرصه سرمایه‌گذاری، تجارت، تبلیغات، بازاریابی و تعاملات فرهنگی و سیاسی مبدل ساخته است (Curtis, 2014). در این راستا نه تنها شهرنشینی به پدیده غالب و شهر به مهم‌ترین مرکز تجمع جمعیتی قرن حاضر تبدیل شده، بلکه شهر کنش‌گر تعیین‌کننده فرایند توسعه ملی و پیش‌برنده مناسبات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ارتباطات منطقه‌ای و جهانی است. مدل عملکرد شهرها در اقتصاد جهانی در قالب شبکه است. شبکه‌های شهری عصر جهانی شدن به سیستمی از ارتباطات متقابل و نظام مبادلات بین‌شهری گفته می‌شود که زمینه استقرار جمعیت، سرمایه، کسب‌وکارهای نوظهور، فناوری و دیگر خدمات تخصصی را در مکان‌های موردنظر به‌ویژه شهرهای اصلی فراهم می‌کند. شکل‌گیری شبکه‌های شهری خود برآیند روابط تجاری، فرهنگی، سیاسی، مذهبی و نیز مبادله تجربیات، الگوهای همکاری و توسعه است.

به‌طور طبیعی سطح توسعه‌یافتگی شهر نیز، به‌نوبه خود برآیند موقعیت و کارکرد آن در چارچوب ساختار شبکه‌ای یادشده است. شبکه‌هایی که به تعبیر کاستلز، فضای جریان‌ات جهانی شدن (networks process flows) را به‌پیش می‌برند (Castells, 2004: 3). در قالب دسته‌بندی‌های جاافتاده جهانی شدن از شهرها، به دودسته شهرهای تأثیرگذار و پیشرو در

مدیریت توسعه پایدار شهر کرمانشاه؛ رهیافت اقتصاد سیاسی (فرهاد دانش‌نیا و یوسف محمدی‌فر) ۳۶۷

حوزه ارتباطات و اطلاعات و شهرهای موسوم به سیاه‌چاله، بیابان‌های اطلاعاتی یا شهرهای محروم، منفعل و مقاوم در مقابل ارتباطات سیال نوین جهانی پرداخته می‌شود. شهرهای پیشرو و شهرهای جهانی آن دسته مراکز جمعیتی هستند که در فضای جریان‌ات اقتصاد جهانی در یکی از حوزه‌های اقتصاد، فرهنگ، ارتباطات و خدمات زیربنایی متمرکز شده و اعتبار دارند. جهان شهرها یا متروپلیتن‌ها یک گام جلوتر بوده و به مراکز اصلی فرماندهی و کنترل روندهای پولی، مالی، تجاری و تولیدی سرمایه جهانی تبدیل شده‌اند. هرکدام از انواع یادشده شهر حوزه نفوذ ژئوپلیتیکی خود را دارا هستند (Cox, 1994).

چنین شهرهایی حول یک شبکه شهری تکوین یافته و سیستمی از ارتباطات درونی و بیرونی و نظام مبادله در شبکه شکل می‌گیرد که زمینه‌ساز استقرار جمعیت، سرمایه، فناوری و خدمات تخصصی است. روابط تجاری، تولیدی، فرهنگی، ارتباطی و سیاسی - مذهبی در قالب شبکه یادشده و با محوریت شهر اصلی در بستری مبتنی بر وابستگی متقابل سامان می‌یابد. در این ساختار، شهرها در قالب شبکه و به صورت شرکای یکدیگر عمل نموده، تقسیم‌کاری بین شهرها شکل می‌گیرد که شهر اصلی یا پیشرو نقش هاب، کانون و گره‌گاه اصلی شبکه در جغرافیای پیرامون خود را در قالب مرکزیت صنعتی، توریستی، تجاری، آموزش عالی، تولیدی، ارتباطی، هنری، پزشکی، حقوقی و... ایفا می‌کند.

تحولات مذکور در جایگاه و کارکرد شهر در اقتصاد جهانی نشانگر آن است که اولاً این شهرها و نه دولت‌ها هستند که تا حد زیادی امر توسعه و توسعه‌نیافتگی را در سطوح مختلف محلی، ملی و منطقه‌ای رقم می‌زنند. دوم اینکه موقعیت، جایگاه و سطح توسعه‌یافتگی شهر خود حاصل جغرافیا یا تکنولوژی نیست و رشد و توسعه شهر در فرایندی طبیعی، تکنولوژیک یا به‌طور تصادفی اتفاق نمی‌افتد. بلکه محصول تصمیم و اراده نخبگان سیاسی در سطح نهادها و مساعی صاحبان قدرت و ثروت حاضر در شهر است. در حقیقت بخش عمده‌ای از آنچه برای کشورها در اقتصاد جهانی رقم می‌خورد از طریق میزان حضور شهرهای آن‌ها در فضای اقتصاد منطقه‌ای و جهانی تحقق می‌یابد. برخلاف گفتمان دولت‌محور (state centric) دوره جنگ سرد و پیش از آن اکنون شهر است که جایگاه و

موقعیت دولت در سلسله‌مراتب قدرت و ثروت جهانی را جابجا می‌کند نه برعکس. تا پیش از شکل‌گیری اقتصاد جهانی توسعه شهرها معلول سیاست‌گذاری دولت و توجه دولت در رفع نیازهای آن‌ها بود. اکنون برعکس به تناسب میزان حضور و نفوذ شهرهای یک کشور در روندهای نوین پولی، مالی، تولیدی و تجاری منطقه‌ای و جهانی، گستره ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر ملی نیز تعریف و تحدید می‌شود؛ بنابراین شهرهایی که در ساختار رقابتی نوین بر سر کسب سهم سرمایه، دانش، تکنولوژی و بازار جایگاهی برای خود نیابند از گردونه حذف‌شده و در حاشیه اقتصاد جهانی باقی می‌مانند. اصطلاح بیابان‌ها یا سیاه‌چاله‌های عصر جهانی شدن، شهرهای درخودمانده، شهرهای حاشیه‌ای، شهرهای خسته، فروپاشیده و... دلالت بر وضعیت چنین شهرهایی دارد که دستور کار توسعه‌ای روزآمد و چارچوب نوینی برای بازی و تعامل در فضای جریانات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی منطقه‌ای و جهانی عصر نوظهور طراحی و تدوین ننموده و درگیر فضای مکان‌ها هستند. چنین شهرهایی به تعبیر گی بورژل تنها تجمعات زیستی پرازدحامی به‌شمار می‌روند (بورژل، ۱۳۷۷: ۱۱).

با وجود اهمیت یافتن شهر به‌عنوان بازیگری تأثیرگذار و تعیین‌کننده توسعه و ثروت افزایی در عصر جهانی‌شدن اقتصاد، این قاعده درخصوص بسیاری از شهرها به‌ویژه شهرهای مستقر در کشورهای در حال توسعه چندان صدق نمی‌کند. مدیریت چنین شهرهایی بسیار پیچیده شده است. این در حالی است که شهرنشینی در جهان به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه طی دهه‌های اخیر روند روبه‌رشدی را تجربه نموده است. در حال حاضر بیش از ۷۰ درصد مردم جهان، در شهرها زندگی می‌کنند. نکته آن است که بسیاری از کلان‌شهرهای مستقر در کشورهای در حال توسعه، بی‌برنامه و بدون استراتژی جامع توسعه متوازن شهری، با نوعی درهم‌ریختگی و گسست ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، زیربنایی و فرهنگی شهر و تراکم مشکلات دست‌به‌گریبان هستند.

بسط تصاعدی چالش‌های توسعه‌ای شهرها نظیر بیکاری، حاشیه‌نشینی، انباشت مسائل زیست‌محیطی شهر، ناکارآمدی ساخت مدیریت شهری، مشکلات بهداشتی، ناتوانی در دفع

مدیریت توسعه پایدار شهر کرمانشاه؛ رهیافت اقتصاد سیاسی (فرهاد دانش‌نیا و یوسف محمدی‌فر) ۳۶۹

سامان‌مند زباله و فاضلاب شهری، ناپایداری درآمدهای شهر، تکدی‌گری، مشاغل سیاه، کودکان کار، بی‌خانمانی روزافزون، محله‌های کثیف، مجتمع‌های مسکونی غیراستاندارد، رودخانه‌های آلوده و... توسعه این شهرها را به یک پروبلماتیک تبدیل نموده است (دانش‌نیا، ۱۳۹۷).

برآیند وضعیت یادشده حاشیه‌ای شدن کلان‌شهرهای کشورهای درحال‌توسعه در اقتصاد منطقه‌ای و جهانی و نقش ضعیف و گاه مخرب آن‌ها در دستیابی به توسعه پایدار محلی و ملی است. چنین شهرهایی هزینه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی - امنیتی سنگینی بر دولت ملی و جامعه محلی تحمیل می‌کنند؛ بنابراین در صورت نداشتن دستور کار توسعه‌ای روزآمد و عدم رهیافت متناسب به کنش‌گری شهر در فضای جریان‌های منطقه‌ای و جهانی چهره دوم، بحران‌زده و آشوبناک شهر به‌مثابه ژانوس عصر جهانی شدن ظاهر می‌شود.

۵. راهبرد و ابزار منتخب توسعه پایدار شهری در اقتصاد جهانی

نه تنها در نتیجه تحولات جهانی شدن نقش و کارکردهای نوینی برای شهر بروز و ظهور یافته، بلکه نحوه رویارویی شهر و مدیران شهری با تحولات نوین، موقعیت و جایگاه شهر را به‌عنوان بازیگری تأثیرگذار و پیشرو یا حاشیه‌ای و تأثیرپذیر رقم می‌زند. در این راستا مدیریت شهری و رویکرد آن به اداره شهر امری راهبردی است و در حل و فصل مسائل شهر و ارتقای جایگاه آن یا برعکس تعمیق معضلات شهر نقش بی‌بدیل دارد. لازمه موفقیت مدیریت شهری در فضای نوظهور، فراگیری قواعد جدید کنش‌گری در اقتصاد سیاسی منطقه‌ای و جهانی و به‌کارگیری ابزارهای نوین اتصال به فرایندهای مولد توسعه است. این مهم مستلزم اتخاذ رویکرد اقتصاد سیاسی به مدیریت توسعه پایدار شهری است. تبلور رویکرد یادشده به اداره شهر، تدوین ساختار شبکه‌ای مدیریت و حکمرانی محلی متشکل از ذی‌نفعان و ذی‌مدخلان شهر و حصول به اجماع استراتژیک آنان بر سر مسئله‌شناسی و اولویت‌بندی مسائل توسعه‌ای شهر از یک‌سو و طراحی ساختار دیپلماتیک شهر و تدوین دستور کار دیپلماسی شهری برای رویارویی کارآمد با ظرفیت‌های پیرامون

ژئوپلیتیک شهر از دیگر سو است.

دیپلماسی مجموعه‌ای از نهادها، فرایندها و رویه‌ها است که در چارچوب آن کنش‌گران مختلف دولتی و غیردولتی منافع خود را در قبال یکدیگر تعقیب می‌کنند. دیپلماسی شهری فرایند ورود مدیریت شهری به شبکه‌ای از تعاملات محلی، ملی، منطقه‌ای و فراملی با دیگر شهرها و کانون‌های ثروت و قدرت است که در پرتو آن مدیران شهری منافع اقتصادی، فرهنگی، زیست‌محیطی و اجتماعی شهر را دنبال نموده و زمینه ارتقای وضعیت توسعه پایدار شهر و بهبود حیات شهری را فراهم می‌آورند (Pluijm, 2007: 11-12). در پرتو دیپلماسی شهری غالباً شهرداران، روابط بین‌الملل شهر خود را نمایندگی می‌کنند. به تبع مدیریت ارشد شهری، سایر مسئولین و حکمرانان محلی نظیر مقامات سیاسی، شورای شهر، مشاوران شهردار، شهرداران مناطق و حتی شهروندان برجسته ترکیب دیپلماتیک شهر را تشکیل می‌دهند. به جهت اهمیت مقوله یادشده شهرها غالباً برنامه مختص توسعه‌ای مبتنی بر دیپلماسی شهری (developmental city diplomacy program) طراحی و تدوین می‌کنند (Fan, 2008: 4-5).

رابطه درهم‌تنیده‌ای بین تحقق اهداف استراتژی توسعه‌ای شهر و اتخاذ رویکرد دیپلماسی شهری از سوی مدیریت شهری وجود دارد. اهمیت یافتن دیپلماسی شهری و نقش آن در تحقق توسعه، برآیند دو تحول نوظهور یعنی گسترش جهانی شدن از یکسو و رشد شهرنشینی از دیگر سو است. در این چارچوب دیپلماسی شهری اولویت راهبردی مدیران شهری برای کسب درآمد و نفوذ اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در محیط پیرامون خود محسوب می‌شود. دیپلماسی قبلاً ابزاری در دست دولت به منظور حل و فصل مسائل سیاسی - امنیتی بود. حال آنکه امروزه غالباً ماهیتی اقتصادی، فرهنگی و ارتباطاتی یافته و دیگر بازیگران از جمله مدیران شهری استفاده بیشتری از آن می‌برند.

دیپلماسی شهری زمینه ارتباط شهر با کلان‌شهرهای اطراف و نیز در سطح منطقه‌ای و جهانی را فراهم نموده و اتصال به بازیگران فراملی نظیر سازمان‌ها، شرکت‌ها و نهادهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیرامون را میسر می‌سازد. جهان‌شهرها و کلان‌شهرهای

مدیریت توسعه پایدار شهر کرمانشاه؛ رهیافت اقتصاد سیاسی (فرهاد دانش‌نیا و یوسف محمدی‌فر) ۳۷۱

مختلف در عصر جهانی شدن از دیپلماسی شهری به عنوان یکی از ابزارهای کارآمد دستیابی به اهداف اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی خود استفاده می‌کنند. تبدیل شهر به یکی از گره‌گاه‌های (spatial node) اقتصاد ملی و منطقه‌ای برآیند اتخاذ رویکرد دیپلماسی شهری است.

۶. نسبت دیپلماسی شهری و توسعه شهر

مفهوم‌پردازی نظری و برآیند عملی مقوله دیپلماسی، دیپلماسی فرهنگی، دیپلماسی عمومی و دیپلماسی شهری را می‌بایست در وهله نخست برآیند تحقیقات و اقدامات عملیاتی صورت گرفته در جهان غرب به ویژه ایالات متحده امریکا دانست (Szondi, 2008: 1). اگرچه رویکرد و تجربه مذکور متعاقباً در بسیاری از دیگر کشورها و شهرها حتی در برخی مناطق جهان در حال توسعه بسط، پردازش و بکار گرفته شده است. صورت‌بندی سیاست مدیریت شهری با اتخاذ رویکردی دیپلماسی‌گرا، چگونگی بسترسازی و سازمان‌دهی نقش و کارکرد شهر در جغرافیای پیرامون خود جهت تعقیب اهداف و آمال توسعه پایدار شهری را درمی‌گیرد. اینکه شهر از چه وزن ژئوپلیتیکی برخوردار است؟ چه نقش و تأثیرگذاری بر محیط پیرامون خود دارد؟ چه خدمات سیاسی، اقتصادی، علمی، فنی، اجتماعی و فرهنگی در سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای می‌تواند ارائه می‌دهد؟ ظرفیت‌های ژئواستراتژیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر شهر کدام‌اند؟ جایگاه شهر در تقسیم کار ملی و منطقه‌ای چیست و چگونه می‌تواند از پتانسیل‌های خود جهت انباشت ثروت و نیز بهبود وضعیت توسعه پایدار شهری استفاده کند؟ از جمله دغدغه‌های رویکرد دیپلماسی‌گرا و اقتصاد سیاسی مدیریت توسعه پایدار شهری است.

دیپلماسی شهری بر شش «مضمون - راهبرد» دلالت و تمرکز دارد که عبارت‌اند از: امنیت شهری، توسعه شهری، اقتصاد شهری، شبکه شهری، نمایندگی شهری و فرهنگ شهری (نجاتی حسینی، ۱۳۹۰: ۱۱۹). کارکرد دیپلماسی شهری در همه ابعاد و وجوه شش‌گانه یادشده بی‌بدیل است. این مهم به ویژه در مقوله اقتصاد و فرهنگ شهر تبلور می‌یابد. در چارچوب اقتصاد و توسعه شهری مقوله جذب سرمایه، تخصص‌ها، مشارکت

بهرتر با سایر شهرها و کانون‌های تولید ثروت، اهمیت و کارکرد دیپلماسی را در اقتصاد پایدار شهر نمایان می‌سازد (دیواندری و همکاران، ۱۳۹۱) اقتصاد شهری دو هدف راهبردی جذب منابع، سرمایه‌های اقتصادی، انسانی، توریسم و... برای شهر در گام نخست و معرفی ظرفیت‌ها و توان خود و نیز بازاریابی و صادرات محصولات تولیدی شهر در گام دوم اهمیت دارد.

میزان تحقق هر یک از اهداف یادشده تا حد زیادی معطوف به مقوله بازنمایی مطلوب شهر و نیز ظرفیت دیپلماتیک مدیریت شهری برای معرفی، برقراری ارتباط، تصویرسازی و اقناع‌سازی دیگران در باب تصویر شهر و توانمندی‌های آن است. دیپلماسی شهری زمینه‌ساز انعکاس چهره‌ای جذاب، مطلوب و دارای فرصت‌های خاص فرهنگی، سرمایه‌گذاری و خدماتی از شهر را فراهم ساخته و در تکوین برند شهری نقش تأثیرگذار دارد.

در بعد فرهنگ شهری و تعاملات فرهنگی نیز نقش دیپلماسی در قالب شکل‌دادن به نوعی درک و فهم مشترک از ارزش‌ها و وجوه مادی و معنوی مشترک بین هم‌تایان و شرکای شهر تبلور می‌یابد. برآیند چنین رویکردی نه تنها در چارچوب تولید قدرت نرم و امنیت پایدار شهر بلکه در بعد اقتصاد فرهنگ شهر و دستاوردهای مادی ناشی از تعاملات فرهنگی و نمادین شهر تبلور می‌یابد.

۷. چگونگی نقش‌آفرینی دیپلماسی شهری در تحقق توسعه پایدار شهر

دیپلماسی شهری به‌مثابه ساختار و راهبرد روابط بین‌المللی شهر در اقتصاد سیاسی منطقه‌ای و جهانی، حوزه‌های امنیت، اقتصاد، فرهنگ، توسعه، نمایندگی سیاسی، شبکه و ارتباطات شهر را دربر می‌گیرد. در پرتو طراحی ساختار دیپلماتیک شهری دستیابی به اهداف توسعه‌ای زیر برای شهر متصور است:

- معرفی هوشمندانه پتانسیل‌های طبیعی، تاریخی، باستانی و جاذبه‌های اجتماعی سنتی و نوپدید شهر؛

- بازنمایی برند شهر و صورت‌بندی نوین و جذاب از خود تصویری و دگر تصویری شهر؛

مدیریت توسعه پایدار شهر کرمانشاه؛ رهیافت اقتصاد سیاسی (فرهاد دانش‌نیا و یوسف محمدی‌فر) ۳۷۳

- چانه‌زنی برای تثبیت و ارتقای جایگاه شهر در تقسیم‌کار ملی؛
- کسب موقعیت برتر شهر در جغرافیای پیرامون خود در داخل و خارج اعم از کلان‌شهرهای دیگر، سازمان‌ها؛ و شرکت‌ها از طریق بسط مشارکت، همکاری و ارتباطات شهر در حوزه توریسم، تجارت، کسب‌وکارها، توافقات، سرمایه‌گذاری، رویدادهای منطقه‌ای، بین‌المللی؛
- کاربست تجارب مدیریتی داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در رویارویی با مسائل توسعه پایدار شهر؛

- جذب کمک‌های توسعه‌ای فنی، تکنولوژیک و سرمایه‌ای در حوزه‌های مختلف؛
- ارتقای وزن ژئوپلتیک پیرامونی شهر در سطح داخلی، منطقه‌ای و احیاناً جهانی.
شکل‌های مختلفی از دیپلماسی شهری برای پیاده‌سازی و تعقیب اهداف یادشده در دسترس است. شکل نخست که بیشتر در غرب متداول است، لابی کردن (lobbying) مدیران شهری در تعامل با سایر بازیگران در سطح ملی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است. لابی‌ها معمولاً نقش واسطه (mediator)، سازنده پل رابط (bridge builder)، متقاعدکننده (persuader)، تسهیل‌کننده (facilitator) و یا آموزش‌دهنده (trainer) دارند. شکل دوم دیپلماسی شهری، گفتگو (dialogue) و تبادل آرا با نیروهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی در سطوح مختلف با انگیزه ایجاد اعتماد، معرفی خود و دستیابی به تفاهم بر سر مسائل مختلف است. نوع و شکل سوم دیپلماسی که اهمیت جدی‌تر و تعیین‌کننده‌تری در قالب دیپلماسی شهری دارد مقوله همکاری‌های توسعه‌ای (development cooperation) است (Fan, 2008: 15).

مدل اخیر در ابعاد و حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی - امنیتی، فرهنگی، زیست‌محیطی و... تجلی می‌یابد. درحالی‌که لابی کردن و میانجیگری در سطوح کوچک و موردی ممکن است فرصت‌هایی در کوتاه‌مدت و میان‌مدت برای حل مسائل توسعه‌ای شهر فراهم آورد، موضوع همکاری‌های توسعه‌ای در قالب دیپلماسی شهری نقش راهبردی و ساختاری برای توسعه پایدار شهری ایفا می‌کند. تاکنون برخی شهرها در مناطق مختلف به‌ویژه در جهان غرب، به تناسب ظرفیت و آمادگی خود در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی

اقدام به طراحی و تدوین برنامه مختص توسعه‌ای مبتنی بر دیپلماسی شهری (developmental city diplomacy program) نموده‌اند.

نمونه‌های از دینامیسم ارتباطات و کنش‌گری شهر در اقتصاد سیاسی منطقه‌ای و جهانی در برنامه‌ها و عملکرد مادر شهرهای جهانی نظیر نیویورک، توکیو، پکن، شانگهای، فرانکفورت، میلان، سنگاپور و پاریس در کشورهای پیشرفته و یا برخی شهرهای جهان در حال توسعه نظیر کوالالامپور، مکزیکوسیتی، هنگ‌کنگ، دبی، استانبول و... مطالعه شده و نتایج آن چشم‌گیر بوده است (Beaverstock et al, 2000: 128).

۸. چالش‌های توسعه پایدار شهری کرمانشاه از نگاه اقتصاد سیاسی

بررسی وضعیت توسعه‌ای شهری کرمانشاه با ملاحظات مختلفی امکان‌پذیر است. این شهر با مسائل متعددی مواجه است. حاشیه‌نشینی، بیکاری و فقر از جمله این موارد است. به نظر می‌رسد که فرایند توسعه این شهر حتی سرشتی پرابلماتیک به خود گرفته باشد. در چنین وضعیتی، مسائل و چالش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بر یکدیگر تأثیر متقابل و بازتولید کننده می‌گذارند. به‌عنوان مثال با استمرار و تعمیق بیکاری در یک جغرافیای خاص، به تدریج جذابیت شهر برای جذب سرمایه‌گذاران کاهش یافته و این مهم خود به دامن زدن و تعمیق پدیده فقر در شهر می‌انجامد.

از درون پدیده بیکاری و فقر، آسیب‌های نوینی نظیر مهاجرت، رشد سکونت‌گاه‌های غیررسمی و حاشیه‌نشینی، افزایش جرم و بزه، اشتغال کاذب و... سر برمی‌آورد. متعاقب آن میل سرمایه به استقرار در شهر پایین آمده و به اصطلاح ظرفیت رقابت‌پذیری و سرمایه‌پذیری پهنه سرزمینی یادشده تنزل می‌یابد. تداوم این وضع ناگوار، استعداد تسری به حوزه سیاست و ثبات شهر را داشته و به بالطبع مسائل توسعه شهر به شکل تصاعد یابنده‌ای به سطح پیچیده‌تر و مخاطره‌آمیزتری سوق می‌یابد. در چنین شرایطی یافتن رابطه علی - معلولی بین مسائل توسعه‌ای شهر و اولویت‌بندی راهبردی آن‌ها جهت مداخله و سیاست‌گذاری دشوار گردیده و امکان کنترل متغیرهای مداخله‌گر و پیش‌بینی آثار و پیامدهای اقدامات سیاستی در حوزه‌های مختلف به راحتی میسر نیست.

مدیریت توسعه پایدار شهر کرمانشاه؛ رهیافت اقتصاد سیاسی (فرهاد دانش‌نیا و یوسف محمدی‌فر) ۳۷۵

از نظر تاریخی کرمانشاه در مقاطعی از ادوار گذشته از جمله در عصر صفویه، قاجاریه و سپس پهلوی نقش تعیین‌کننده‌ای در روابط سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی ایران با محیط پیرامون خود داشته است. در عهد قاجار کرمانشاه مسیر نیمی از صادرات و واردات ایران در قالب شاه‌راه تهران - کرمانشاه - بغداد بوده است. با افتتاح کانال سوئز در سال ۱۲۴۸ ه‍.ش؛ و راه‌اندازی کشتیرانی در دجله و فرات و اهمیت یافتن تجارت بغداد - کرمانشاه، این شهر به عنوان یک گره یا هاب تجاری فلات ایران را به همسایگان غربی کشور و نیز از راه بغداد به بازارهای هند و اروپا متصل می‌کرد (عیسوی، ۱۳۶۹: ۱۸۴).

یاسنت رابینو کرمانشاه را یکی از کلان‌شهرهای غرب ایران تعبیر می‌کند که در دوره قاجار به عنوان گره تجاری و یکی از دروازه‌های ورود مدرنیته به ایران عمل کرده است (به نقل از قلی‌پور ۱۳۹۶: ۵۲). نه تنها از حیث تجاری، بلکه به لحاظ ارتباطات فرهنگی، مذهبی و سیاحتی نیز، کرمانشاه در گذشته حلقه اتصال و ارتباط بسیاری از زوار و سیاحان از کشورهای همسایه شمالی ایران و نیز شهرهای شمالی ایران با عراق بوده است. پتانسیل داخلی استان نیز به لحاظ تنوع آب و هوایی و حاصلخیزی زمین‌ها و مزارع، زمانی این شهر را به انبار غله ایران تبدیل کرده بود. اخیراً سازمان علمی - فرهنگی یونسکو کرمانشاه را به عنوان سی و هفتمین شهر خلاق خوراک جهان و دوازدهمین شهر خلاق خوراک آسیا معرفی نمود (ایرنا، ۱۴۰۰/۸/۱۴). همچنین در چهل و چهارمین اجلاس کمیته میراث جهانی یونسکو در مردادماه ۱۴۰۰ در شهر فوجوی چین، «منظر فرهنگی هورامان/ اورامانات» کرمانشاه، به عنوان بیست و ششمین میراث ملموس ج.ا.ا در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت گردید (دفتر منطقه‌ای یونسکو در ایران، ۱۴۰۰/۷/۱۸).

با وجود پتانسیل فرهنگی، کشاورزی، تجاری، ترانزیتی و موقعیت یادشده در گذشته و حال، وضعیت پایداری توسعه استان کرمانشاه به طور عام و شهر کرمانشاه به طور خاص رضایت‌بخش نیست (مطالعات آمایش استان، ۱۳۹۷). این شهر در حیات انقلاب اسلامی نقش بی‌بدیلی را به خصوص در جنگ تحمیلی و در رویارویی با تجاوز عراق به خاک کشور ایفا نمود. اکنون نیز با تنوعی مثال‌زدنی در عرصه هم‌زیستی اقوام، مذاهب، زبان‌ها و

کثرت فرهنگی موجود تعادل و توازن نسبی را به‌نمایش گذاشته و به‌عنوان مکانی جغرافیایی در نقشه ملی کشور جایگاهی راهبردی دارد.

با این حال شهر کرمانشاه از لحاظ تبدیل ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های بالقوه به قدرت بالفعل با چالش‌ها و موانعی مواجه است. واقعیت آن است که کرمانشاه را در رویارویی با روندهای نوظهور اقتصاد جهانی می‌توان شهری حاشیه‌ای و محروم دانست از این حیث که ظرفیت‌سازی لازم برای استقرار روندهای نوین ارتباطاتی، اقتصادی، فرهنگی و خدماتی را در خود فراهم نساخته و دست‌کم بازنمایی مطلوبی از جذابیت‌های شهر برای میزبانی از تخصص‌ها و خدمات نوین مبتنی بر اقتصاد دانش‌بنیان و استقرار سرمایه و مدارهای تولید و ثروت‌افزایی نوین در آن صورت پذیرفته است.

وضعیت پروبلماتیک توسعه‌ای شهر و شرایط مخاطره‌آمیز آن را می‌توان از زبان آمار و گزارش سازمان‌های مختلف مشاهده نمود. استان کرمانشاه با دارا بودن حدود ۲/۵٪ از جمعیت کشور و ۱/۵٪ مساحت آن پرجمعیت‌ترین استان در میان استان‌های هم‌جوار یعنی کردستان، همدان، لرستان و ایلام است. درصد جمعیت شهرنشین کرمانشاه بیشتر از استان‌های یادشده است. شهرستان کرمانشاه به‌تنهایی بیش از نیمی از جمعیت استان و به‌تنهایی ۷۰٪ جمعیت شهرنشین و بقیه ۳۳ شهر دیگر استان ۳۰٪ جمعیت شهری استان را در خود جای‌داده است (قلی‌پور و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۷).

درصد جمعیت شهرنشین کرمانشاه بیش از استان‌های هم‌جوار خود است. در همدان بیش از ۴۰٪ جمعیت کماکان در روستاها سکونت دارند. در واقع میزان رشد جمعیت روستایی کرمانشاه در منطقه غرب کشور طی سی سال اخیر همواره منفی بوده و نسبت به استان‌های پیرامون خود میزان شهرنشینی و به تعبیر بهتر حاشیه‌نشینی آن رو به افزایش بوده است. پدیده یادشده بیش از هر چیز نشانگر وضعیت قطبی، نخست شهری و بزرگ‌سری شهر کرمانشاه در اقتصاد سیاسی استان است.

آسیب‌های مختلفی در حوزه سیاست‌های توسعه و نوسازی از قبل از انقلاب اسلامی و متعاقب آن جنگ تحمیلی رشد حاشیه‌نشینی شهری را برای کرمانشاه رقم‌زده است. بر

مدیریت توسعه پایدار شهر کرمانشاه؛ رهیافت اقتصاد سیاسی (فرهاد دانش‌نیا و یوسف محمدی‌فر) ۳۷۷

اساس آمارها تنها در روزهای اولیه شروع جنگ تحمیلی و اشغال برخی شهرهای استان از جمله قصر شیرین، بیش از ۲۵۰۰۰ مهاجر جنگ‌زده در شهر کرمانشاه سکونت داده شد. نتیجه مجموع این روندها شکل‌گیری و رشد بیش از ۳۰ شهرک حاشیه‌ای بوده که اکنون بیش از ۳۰٪ جمعیت شهری کرمانشاه را در خود جای داده است. این مهم بیانگر پیچیدگی‌های مختصات شهرنشینی کرمانشاه و مسائل فراروی آن از حیث سطح دسترسی به خدمات شهری، اشتغال‌پذیری، تعادل فضایی و... است (مطالعات جمعیت‌شناسی آمایش استان کرمانشاه، ۱۳۹۷: ۵۰-۴۵).

اقتصاد ایران را در کل می‌توان اقتصادی منبع بنیان‌تلقی نمود که سهم صنایع و خدمات نوین یا مشاغل عصر جهانی‌شدن اقتصاد در آن بین ۱/۹٪ تا ۲/۵٪ است. سهم محصولات متوسط اقتصاد ایران ۳۰ درصد و سهم منابع و مواد خام تقریباً ۷۰ درصد است. با این حال توزیع این نسبت‌ها در بین استان‌های کشور متوازن نیست. وضعیت کرمانشاه از حیث کیفیت محصولات و تخصصی‌شدن خدمات و فعالیت‌ها بدتر از بسیاری از دیگر استان‌های هم‌تراز خود است (نجفی، ۱۳۹۷: ۱۸۴).

در حوزه اقتصاد دانش‌بنیان، کرمانشاه رتبه ۲۶ را در میان استان‌های کشور دارد. برابر یافته‌های مطالعات جمعیت‌شناختی آمایش استان، سهم جمعیت متخصص، مدیران و تکنسین‌ها در مشاغل استان جمعاً حدود ۱۵٪ است. این در حالی است که نیمی از اشتغال استان را بخش خدمات تشکیل می‌دهد. نسبت‌های یادشده نشان می‌دهد اشتغال مذکور در بخش خدمات با آنچه از شکل‌گیری خدمات نوین در شهر و نقش شهر به مثابه ارائه‌دهنده خدمات تخصصی به پیرامون خود در بالا گفته شد، متفاوت است. ساختار خدمات اشتغال در کرمانشاه غالباً از نوع ناپایدار و محصول بسط حاشیه‌نشینی، زوال روستانشینی و گسیل مهاجرت جمعیت غیر ماهر به شهر بزرگی است که به جهت نخست شهری جذابیت و مفرهایی را برای گذران زندگی روزمره عرضه می‌دارد.

شهر کرمانشاه به تنهایی نیمی از بیکاران استان را در خود جای داده است. بالطبع این مهم، آسیب‌ها و فشار خود را بر ساختار درآمد و سطح توسعه‌یافتگی شهر برجای

می‌گذارد. کرمانشاه از حیث سطح زمین زیر کشت در رتبه دوم کشوری و به لحاظ میزان تولید و بهره‌وری رتبه پانزدهم کشوری را دارد. این مهم نشانگر سطح پایین کاربرد تکنولوژی و تخصص در تولیدات استان است. برابر آمارها بیش از ۸۰٪ نخبگان کرمانشاهی از این شهر خارج می‌شوند. سهم کرمانشاه از تولید ناخالص داخلی ۱/۷٪ است. درحالی‌که سهم اصفهان ۶/۷٪، خراسان رضوی ۵/۳٪ و فارس ۴/۲٪ است (نجفی، ۱۳۹۷: ۲۲۰-۱۹۰). از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۵ تراز جمعیت کرمانشاه همواره منفی بوده است. روند یادشده نشانگر آن است که کرمانشاه بیشتر از آن‌که پذیرای مهاجران متخصص، صاحب سرمایه، دانش و نوآوری باشد، به شهری مهاجرفرست تبدیل شده است. طی یک دهه منتهی به سال ۱۳۹۵ بیش از ۳۰ هزار نفر مهاجر وارد استان کرمانشاه شده و حدود ۷۷ هزار نفر از استان خارج شده‌اند. درواقع خالص مهاجرت از شهر بیش از ۳۸ هزار نفر بوده است که غالباً شامل نیروی انسانی آماده کار اما بیکار یا نخبگان و صاحبان سرمایه و تخصص بوده است (گزارش جمعیت‌شناختی آمایش استان کرمانشاه ۱۳۹۷، جلد اول). فصل مشترک هر دو طیف مهاجر، جستجوی شغل یا شغل بهتر بوده است. بر این اساس می‌توان چهره‌ای پارادوکسیکال و ژانوسی برای شهر کرمانشاه قائل بود. بدین معنا که جمعیت و گستردگی شهر از یک‌سو اقتصاد سیاسی استان را مستعد امکانات و ظرفیت‌های بیشتر برای تولید ثروت، تمرکز خدمات و تخصص‌های مختلف ساخته و از دیگر سو، با مشکلات پیچیده‌ای از حیث تراکم جمعیت، حاشیه‌نشینی، فقر و بیکاری، ناامنی اجتماعی و بزه‌های مختلف مواجه نموده است.

۹. نسبت برندآفرینی شهری با دیپلماسی شهر

امروزه در بسیاری از مناطق دنیا موضوع برندآفرینی شهری مورد توجه جدی قرار گرفته است و هر ساله تلاش‌های زیاد و سرمایه‌گذاری‌های کلانی برای ایجاد برندهای قدرتمند و جذاب شهری صورت می‌پذیرد. دلیل آن این است که برندآفرینی شهری می‌تواند منجر به ارزش‌آفرینی برای دارایی‌های مشهود و نامشهود، جذابیت‌ها و پتانسیل‌های یک شهر شود. آنچه وجه تشابه این تلاش‌ها است آن است که تمامی این شهرها قصد آن را دارند تا

مدیریت توسعه پایدار شهر کرمانشاه؛ رهیافت اقتصاد سیاسی (فرهاد دانش‌نیا و یوسف محمدی‌فر) ۳۷۹

ویژگی منحصربه‌فرد و متمایزی را از خود نشان دهند و تصویر کنونی را به سمت تصویر ایدئال هدایت نمایند (محمدی‌فر و همکاران، ۱۳۹۶).

پس از گذشت چند دهه از سابقه شهرنشینی به معنای مدرن آن در ایران کماکان کمتر شهری تصویر و برداشت خاصی از کارکرد و نقش خود در جغرافیای پیرامونی شهر را طراحی نموده است. در حال حاضر اکثر شهرهای ایران از جمله کرمانشاه، نه تنها تصویر و برند ثابت و مشخصی ندارند، بلکه به سازوکارها و ابزارهای شکل دادن و بسط تصویری مطلوب و شایسته از خود به‌ندرت می‌اندیشند. این مهم علاوه بر ایجاد هزینه فرصت از دست‌رفته ناشی از خلأ برندآفرینی شهری، باعث می‌شود مدیریت شهری و سیاست‌گذاری حوزه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سرمایه‌گذاری، گردشگری و... اغلب بدون برنامه و استراتژی بلندمدت خاصی صورت گرفته و در برخی موارد، اقدامات بخشی (partial) و حتی متضاد و مغایر باهم اتخاذ شود. نتیجه چنین رویه‌ای، ارائه تصویری ناهماهنگ، متناقض و آشفته از شهر به مثابه یک کلیت (whole) با پیرامون خود، بجای بازنمایی شفاف، روشن، منسجم و جذاب در جهت تقویت موقعیت و جایگاه شهر در مفصل‌بندی قدرت و ثروت در سطح ملی، منطقه‌ای و احیاناً جهانی است.

۱۰. اقتصاد سیاسی و جهت‌گیری توسعه پایدار کرمانشاه

جهت‌گیری توسعه‌ای متناقض استان کرمانشاه را از لابه‌لای اقدامات و تصمیمات اداری - سازمانی کلیشه‌ای برای حوزه صنعت، خدمات و کشاورزی و در نتیجه متلون شدن هویت اقتصاد سیاسی استان و مشخص نشدن نقطه کانونی تخصص و مزیت رقابتی شهرها و مناطق آن می‌توان مشاهده نمود. مشاهدات میدانی و گزارش نهادهای رسمی نشان می‌دهد، استان کرمانشاه در سالیان گذشته به میزبان طیفی از صنایع و کارخانه‌های بزرگ‌مقیاس در حوزه سیمان، فولاد و به‌ویژه صنایع پتروشیمی تبدیل شده است. طبق مصاحبه‌های مقامات محلی در صورت دایر شدن و تحقق همه ظرفیت‌های تعریف‌شده درخصوص توسعه صنایع پتروشیمی و پالایشگاهی، استان کرمانشاه بعد از مناطق جنوبی کشور، به قطب صنعت پتروشیمی در ایران تبدیل خواهد شد (پورتال استانداری کرمانشاه، ۱۴۰۰).

مطالعات گسترده‌ای درخصوص اقتضائات روند صنعتی یادشده از حیث آب بر بودن، سرمایه بر بودن، تنگناهای بازار مصرف و وجود رقبای قدرتمند در سطح منطقه خاورمیانه برای بازارهای روبه افول تقاضای محصولات صنایع یادشده و دیگر ابعاد و زوایای اجتماعی، زیست‌محیطی، اقتصادی و کالبدی جهت‌گیری مزبور در دسترس است^۱. اینکه تا چه اندازه اقتضائات اقتصاد، نیازها، مزیت و پتانسیل‌های استان کرمانشاه با جهت‌گیری توسعه‌ای مذکور متناسب و هم‌راستا است، به‌نظر نمی‌رسد پشتوانه و پاسخ روشن علمی نزد نظام دانایی و توانایی استان برای آن تمهید شده باشد. دست‌کم از مهم‌ترین سند بالادستی موجود یعنی مطالعات آمایش استان چنین توصیه و راهبردی مبنی بر اختصاص منابع کمیاب اقتصادی ملی و ظرفیت‌های محلی به چنین پروژه‌هایی قابل احصاء نیست (مطالعات آمایش استان کرمانشاه، مجلد تبیین چشم‌انداز و طراحی سناریوی توسعه فضایی استان، ۱۳۹۷).

ناگفته پیداست که گفتار یادشده به‌معنای نفی توسعه فناورانه و صنعتی‌شدن استان نیست. ازسویی شناسایی مزیت رقابتی، ارزیابی سیاست صنعتی موجود، برآورد امکانات و پتانسیل اقتصاد سیاسی استان نیز خارج از توان علمی - کارشناسی ملی و محلی نیست. بلکه تمهید سیاستی لازم برای تعامل نظام دانایی و توانایی موجود به‌منظور صورت‌بندی نظریه پایه توسعه استان است که به‌نظر می‌رسد در لابه‌لای روال اداری - سازمانی مرسوم و گسست نظام تدبیر و علم کماکان به‌عنوان یکی از موانع فراروی چشم‌انداز توسعه پایدار استان دچار تأخر است (دانش‌نیا، ۱۳۹۷). این مهم سیمای توسعه استان را مستعد غلبه ژورنالیسم، فرمالیسم و فیزیکیالیسم توسعه بر جهت‌گیری توسعه‌ای ارگانیک، پایدار و پویا ساخته است.

نتیجه‌گیری و یافته‌ها

بسط مناسبات اقتصادی پایدار و کاربرد دیپلماسی اقتصادی و دیپلماسی شهری برای

۱. برای مطالعه بیشتر ببینید: دانش‌نیا، فرهاد، تحولات اقتصاد سیاسی جهانی و مسئله انتقال صنعت به کشورهای جهان سوم، رساله دکتری، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۹؛ همچنین ببینید مقالاتی از دانش‌نیا، فرهاد درخصوص پیامدهای صنعتی‌شدن برای کشورهای درحال توسعه.

مدیریت توسعه پایدار شهر کرمانشاه؛ رهیافت اقتصاد سیاسی (فرهاد دانش‌نیا و یوسف محمدی‌فر) ۳۸۱

فعال‌سازی ظرفیت‌های پیرامون کرمانشاه در داخل کشور و نیز منطقه به‌مثابه یک راهبرد بنیادین مقاومت‌سازی و افزایش تاب‌آوری اقتصاد استان به شمار می‌رود. این مهم نه‌تنها گامی در راستای کاهش سنگینی بار تصاعد‌یابنده مشکلات توسعه‌ای استان بر اقتصاد ملی بلکه رویکردی تهاجمی در خنثی‌سازی تحریم‌ها و مشارکت اقتصاد سیاسی استان در تقسیم‌کار ملی و منطقه‌ای است. اقتصاد سیاسی استان کرمانشاه حاکی از نوعی عدم تعادل فضایی است.

ضعف ساختار پویای اقتصادی موجود در استان طی چند دهه گذشته باعث سرریز شدن جمعیت به شهر کرمانشاه و تداوم و تعمیق پدیده نخست شهری در استان شده که مسائل و مشکلات حیات شهری آن را به‌ویژه در حوزه اقتصادی به لحاظ توان شهر در جذب جمعیت سرریز به آستانه مخاطره‌آمیزی رسانده است. گسیل جمعیت پیرامون به شهر کرمانشاه کماکان ادامه دارد و در مقابل، برآورد خاصی از افزایش ظرفیت محتمل اقتصاد سیاسی شهر برای پاسخ به تقاضای جمعیت روبه‌فزونی در دسترس نیست.

از دیگر سو، ضعف توان دولت در تخصیص اعتبارات به شهرها به طرق اولی دامن‌گیر استان کرمانشاه نیز هست. باوجود برخی تلاش‌ها، به‌نظر می‌رسد ساختار برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه شهر کرمانشاه در برآورد تهدیدات، فرصت‌ها و نقاط قوت و ضعف شهر کرمانشاه به‌منظور تعقیب اهداف توسعه پایدار شهری دچار تأخر فرهنگی، فکری و برنامه‌ریزی باشد. بدین معنا که کماکان مقوله اجماع و ذهنیت آماده‌سازی استان و شهر برای ایفای چنین نقش‌هایی، در میان بازیگران تأثیرگذار شهر اعم از مدیران، مردم، جامعه مدنی و ساختار علمی شهر با امتناع روبه‌رو است.

آمارها و داده‌های موجود درخصوص سهم استان از ارزش‌افزوده ملی، سرمایه‌گذاری ملی، پس‌انداز ملی، اقتصاد دانش‌بنیان، صنعت کشور و... حکایت از وضعیت حاشیه‌ای استان در تقسیم‌کار ملی در قیاس با هم‌تایان خود حتی در استان‌های هم‌جوار دارد. تداوم رتبه منفی استان در برخی آسیب‌ها و مقوله‌هایی نظیر بیکاری، حاشیه‌نشینی و... طی یک دهه اخیر نشانگر تراکم چالش‌های توسعه‌ای شهر از یک‌سو و عدم آمادگی آن برای ایفای نقش پیشرو در جغرافیای زیست خود از دیگر سو است. تحرک و تکاپوی برخی شهرها و

مدیران شهری در استان‌هایی نظیر تهران، اصفهان، تبریز، همدان و مشهد برای استخراج برند شهر، روزآمد نمودن ساختار تصمیم‌گیری و زیرساخت شهری جهت کنش‌گری در فضای اطلاعاتی - ارتباطاتی نوین قابل مشاهده است. در قیاس با تجارب یادشده وضعیت کرمانشاه را می‌توان شکننده تلقی نمود.

اندیشیدن به راهبردهای برون‌رفت از تنگناها و ناپایداری اقتصاد سیاسی کرمانشاه به‌ویژه در حوزه تحول ساختار تولید و اشتغال‌پذیری شهر الزامی ساختاری و اجتناب‌ناپذیر است. جغرافیای پیرامون کرمانشاه مختصاتی را به نمایش می‌گذارد که در صورت طراحی استراتژیک حکمرانی محلی برای شناسایی ظرفیت‌ها و فعال‌سازی آن می‌تواند وضعیت کرمانشاه را از شهری حاشیه‌ای به شهری پیشرو و تأثیرگذار در منطقه غرب کشور و نیز در اتصال به کشورهای همسایه ایران در شرق خاورمیانه تبدیل کند.

نخستین اقدام استراتژیک مدیریت شهری کرمانشاه برای رویارویی با مسائل توسعه‌ای شهر و قرار گرفتن در مدار روندهای نوین توسعه و تحول پویا، تدوین برنامه کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت توسعه شهر (City Development Strategy (CDS)) و روشن‌ساختن سازوکارهای کارآمد توسعه شهری متناسب با الزامات نوین منطقه‌ای و جهانی است. یکی از اضلاع مهم سند و استراتژی یادشده برای توسعه شهر و نیز از مهم‌ترین ابزارهای کارآمد تحقق اهداف آن طراحی و فعال‌سازی دیپلماسی شهری است. مفصل‌بندی تئوریک و تجربی پژوهش حاضر نشان می‌دهد این مهم زمینه‌ساز بسط حوزه نفوذ شهر، جذب سرمایه و امکانات پولی، تجاری، ارتباطی و خدماتی برای شهر، بهبود کسب‌وکارها، خلق و تکوین برند شهری و گسترش تعاملات سیاسی - اقتصادی و فرهنگی کرمانشاه با هم‌تایان خود در سطوح ملی و منطقه‌ای خواهد بود.

دیپلماسی شهری کرمانشاه، ضمن شناسایی و اتصال به کانون‌های تأثیرگذار قدرت و ثروت به شکل‌گیری روابط بین‌الملل شهر، پیدا کردن شرکا و هم‌تایان اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ارتباطی شهر در عرصه داخلی و خارجی می‌انجامد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد اتخاذ رویکرد دیپلماسی شهری برای بسط و گسترش ژئوپلیتیک شهر کرمانشاه

مدیریت توسعه پایدار شهر کرمانشاه؛ رهیافت اقتصاد سیاسی (فرهاد دانش‌نیا و یوسف محمدی‌فر) ۳۸۳

و نقش تعیین‌کننده آن در منطقه غرب کشور به‌عنوان مهم‌ترین شهر و نیز در میان همسایگان غربی ایران در شرق خاورمیانه سازوکاری مؤثر و کارآمد است. در پرتو تحرکات دیپلماتیک شهر در غالب رایزنی‌ها، گفتگوها و برنامه‌های همکاری توسعه‌ای در سطح داخلی و منطقه‌ای با دیگر شهرها، زمینه موفقیت حکمرانی محلی در به‌کارگیری ظرفیت‌های اقتصادی، فرهنگی و ارتباطی شهر، رشد و پویایی شهر و به‌تبع آن افزایش ثبات سیاسی، رضایتمندی شهروندان و مشارکت آن‌ها در تدبیر امور فراهم می‌شود. متقابلاً تأخیر در ساماندهی به رهیافت مدون و عملیاتی مدیریت توسعه پایدار استان و انفعال در برطرف نمودن نیازهای اساسی شهروندان و حل‌وفصل مسائل و مشکلات مبتلابه، ضمن رقم زدن مسائل اقتصادی و فرهنگی برای شهر، آن را وارد چرخه منفی بازتولید بحران نموده و نارضایتی و بی‌اعتمادی شهروندان از عملکرد مدیریت شهری را به بار خواهد آورد. نکته آن است که آثار تأخیر در تحقق توسعه پایدار شهری کرمانشاه متفاوت از بسیاری از دیگر مناطق کشور است. این مهم با عنایت به تنوع بافت فرهنگی، قومی، مذهبی و زبانی کرمانشاه و قرار گرفتن آن در جوار کانون‌های پرتحول بیرونی قابل تأمل است.

با اتکا به نظریات و مطالعات تجربی می‌توان ادعا نمود که تنوع و تکثر تاریخی - فرهنگی کرمانشاه خصلتی پیچیده و ژانوسی دارد. مختصات یادشده از یک‌سو، مهم‌ترین پتانسیل و نقطه قوت شهر برای طراحی و استخراج برند شهری کرمانشاه و پیش برد توسعه پایدار شهر در پرتو آثار و دستاوردهای آن است. در این خصوص می‌توان با بهره‌گیری از سرمایه‌های بزرگ معنوی شهر کرمانشاه و تصویرسازی جهت‌مند و جذاب برای دستیابی به جایگاه ارزشمند اجتماعی و فرهنگی در کشور و جهان در قالب طراحی برند مناسب برای کرمانشاه و برندآفرینی صحیح؛ اقدام نمود؛ چراکه بخشی از تصویر ذهنی برجای مانده فعلی از کرمانشاه، به سبب برجسته‌سازی برخی معضلات اجتماعی نظیر خشونت، اعتیاد و... دچار سوء تعبیرهایی ناروا گردیده است و باوجود تغییر و تحولات پرشمار فرهنگی، اجتماعی، رفتاری و اخلاقی دهه‌های اخیر، این موضوع متأثر از برخی رسوبات ناخودآگاه

در اذهان جمعی، به معضلی برای پیشرفت استان تبدیل شده است که می‌تواند حتی به منبعی برای بازتولید برخی مفاهیم ضد توسعه مانند عدم تمایل به سرمایه‌گذاری، مهاجرت نخبگان علمی و اقتصادی، تشدید خشونت و... گردد. برند یابی مجدد (Rebranding) کرمانشاه می‌تواند پدیده‌ای اثربخش باشد که ضمن امکان تأثیرگذاری بالقوه بر توسعه اقتصادی و اجتماعی؛ منجر به تصحیح تصورات ناساز گذشته و ایجاد و ارتقاء روحیه و فرهنگ پایدار خودباوری و تقویت ویژگی‌های مدنی و همه‌گیر شدن شئون و مناسبات سازنده فرهنگی گردد که در راستای اهداف و برنامه‌های اقتصادی نیز به کار گرفته شود.

گام بعدی پایه‌گذاری و عملیاتی نمودن ساختار و تشکیلات روابط بین‌الملل شهر کرمانشاه است. این مهم به شکل تخصصی و حرفه‌ای زمینه توسعه ارتباطات شهر از یک سو و مکان‌یابی هویت و برند شهر در جغرافیای پیرامون خود را فراهم می‌سازد. در حقیقت اگر تحقق اقتصاد پویای استان را در راستای نتایج مطالعات آمایش استان و نیز یافته‌های نگارندگان پژوهش حاضر در پرتو مطالعه اقتصاد سیاسی دیپلماسی شهری و برند یابی شهر کرمانشاه شاهره مدارهایی نظیر گردشگری و تبدیل کرمانشاه به مرکز ارائه‌دهنده خدمات تخصصی به پیرامون خود تلقی کنیم، دیپلماسی شهری رویکرد و راهبرد تحقق این مهم تلقی می‌شود.

در نهایت سامان‌دهی به اهداف راهبردی یادشده نیازمند گروه تخصصی و تشکیلات کارآمد جهت تعقیب دستور کار سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ارتباطاتی ملازم توسعه پایدار استان است. در مفهوم نوین سیاست با نوعی از دولت‌داری و حکمرانی مواجه هستیم که در بستر نظام شبکه‌ای و هم‌عرض روابط و مناسبات بین بازیگران تکوین می‌یابد؛ بنابراین سیاست خارجی به معنای تعقیب برخی اهداف والا توسط دیپلمات‌های رسمی، در حال جایگزینی با شبکه‌ای از بازیگران دولتی و غیردولتی و روابط درهم‌تنیده توسعه محور آنان در سطوح منطقه‌ای و فراملی است.

اکنون در کنار دغدغه‌های امنیتی و سخت‌افزارانه دولت‌ها و چه بسا مقدم بر آن، رویارویی با مسائل حیاتی دیگری از جمله توسعه، رفاه، پایداری محیط‌زیست، جذب

مدیریت توسعه پایدار شهر کرمانشاه؛ رهیافت اقتصاد سیاسی (فرهاد دانش‌نیا و یوسف محمدی‌فر) ۳۸۵

سرمایه، روان‌سازی محیط کسب‌وکار و... برای تحقق امنیت پایدار جوامع و نظام‌های سیاسی اولویت یافته است. برخلاف سازوکارهای رایج گذشته در تعریف و حصول به امنیت به شکل غالباً سخت‌افزارانه و دولت‌محور، مدل کارآمد حل و فصل مسائل جاری مبتنی بر تشریک مساعی و ائتلاف بین دولت و کنش‌گران غیردولتی در یک محیط شبکه‌ای و با کاربرد ابزارهای نوین تعامل و چانه‌زنی است. در این چارچوب به موازات حضور دیپلمات‌های رسمی و بعضاً بیش از نقش‌آفرینی آن‌ها، شهرداران، شهرها، سازمان‌های غیردولتی، اتاق‌های فکر توسعه‌ای و مراکز مطالعاتی و سیاست‌گذاری مشترک ایفای نقش می‌کنند. اگرچه روند یادشده در همه‌جا یکسان نیست و همه دولت‌ها به یک اندازه به تحول یادشده تن نداده‌اند، اما آثار کارآمدی سازوکارهای نوین مذکور در برخی مناطق شرق و غرب جهان خود را در رویارویی اثربخش با مسائل و چالش‌های فراوری توسعه پایدار اقلیم نشان داده است.

فرجام سخن آنکه اقتصاد سیاسی استان کرمانشاه با طیفی از تنگناهای هستی‌شناسانه، معرفتی، ساختاری، نهادی و نیز دستور کار کارهای توسعه‌ای مواجه است که تأخیر در حل و فصل و مرتفع نمودن آن‌ها به پیچیده‌تر شدن فرایند توسعه پایدار جغرافیای مذکور و تخلیه ظرفیت نهادی آن در رویارویی با مسائل تراکم یافته می‌انجامد. پژوهش حاضر به یکی از زوایا و رهیافت‌های ورود به مسائل اقتصاد سیاسی توسعه استان و امکانات کاربست آن برای ارتقا توسعه پایدار محلی پرداخت که امید است بازنمایی خلاقانه یادشده زمینه‌ساز گفتگوی بیشتر در این خصوص نزد محافل علمی و سیاست‌گذار استان باشد.

از داوران فرهیخته مقاله برای ارائه نقطه‌نظرات ارزشمند خود و نیز از سرکار خانم ثریا شریفی، کارشناس کوشا و مسئولیت‌پذیر نشریه در پیگیری امور ارزیابی و انتشار پژوهش قدردانی می‌شود.

منابع

احمدی‌پور، زهرا؛ قورچی، مرتضی و قادری، مصطفی (۱۳۹۱)، تبیین جایگاه دیپلماسی شهری در توسعه حوزه نفوذ ژئوپلیتیکی، *مجله جغرافیا و توسعه شهری*، ۱ (۱)، ۱۵۷-۱۸۲.

۳۸۶ مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ۱۴۰۱، دوره پنجم، شماره اول، ۳۵۷ - ۳۸۸

بورژل، گی (۱۳۷۷)، شهر امروز، ترجمه سید محمد سیدمیرزایی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، جلد ۱.

ثبت منظر فرهنگی هورامان/ اورامانات (۲۰۲۱)، گزارش دفتر منطقه‌ای یونسکو در ایران، ۱۴۰۰/۷/۱۸، قابل بازیابی در سایت: <https://fa.irunesco.org/>

خلیل‌آبادی، حسن (۱۳۹۰)، ژئوپلیتیک شهری، تهران: نشر نوآوران شریف.

دانش‌نیا، فرهاد (۱۳۹۱)، دیپلماسی اقتصادی و سیاست خارجی توسعه‌گرا: ابزارهای موفقیت راهبرد توسعه‌ای ایران در اقتصاد جهانی، فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی‌شدن، ۳ (۹)، ۶۷-۸۶.

دانش‌نیا، فرهاد (۱۳۹۷)، پروبلماتیک زندگی شهری در کرمانشاه از منظر اقتصاد سیاسی، ارائه‌شده در همایش ملی کرمانشاه و زندگی شهر، دانشگاه رازی، مهر ۱۳۹۶.

دانش‌نیا، فرهاد (۱۳۹۷)، تقدّم امر سیاسی به امر سیاسی به‌مثابه متدلوژی تعامل و هم‌بودگی نیروهای اجتماعی تأثیرگذار بر فرایند توسعه پایدار استان کرمانشاه، مجموعه مقالات همایش ملی توسعه پایدار استان کرمانشاه، دانشگاه رازی، آذر ۱۳۹۷.

دانش‌نیا، فرهاد (۱۳۹۷)، زمینه‌های واگرایی در مناطق غربی استان کرمانشاه، پروژه تحقیقاتی، کارفرما، معاونت سیاسی - امنیتی استانداری کرمانشاه.

رنانی، محسن (۱۳۹۹)، کتاب توسعه: گزارش مقدماتی مرور تلفیقی بر جایگاه ایران در شاخص‌های جهانی توسعه، اصفهان: نشر فرهنگ مردم.

روستا، احمد؛ قره‌چه، منیژه؛ حمیدی‌زاده، محمدرضا و محمدی‌فر، یوسف (۱۳۹۵)، مدلی برای برندسازی شهری در ایران براساس نظریه داده‌بنیاد، نشریه مدیریت برند، ۳ (۱)، ۶۸-۴۱.

شارع‌پور، محمود (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی شهری، جلد اول، تهران: سمت.

عیسوی، چالرز (۱۳۶۹)، تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشر گستره.

قلی‌پور، سیاوش (۱۳۹۶) سازمان دهی فضایی شهر کرمانشاه در دوره پهلوی اول، پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، ۷ (۱)، ۵۱-۷۱.

قلی‌پور، سیاوش. احمدی، وکیل. کریمی، جلیلی (۱۳۹۷)، تحلیل اقتصاد سیاسی نظام شبکه شهری استان کرمانشاه (۱۳۹۵-۱۳۳۵)، نشریه مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ۲ (۱)، ۲۷-۵۴.

کرمانشاه به عنوان شهر خلاق خوراک در جهان معرفی شد، گزارش خبری ایران، ۱۴۰۰/۸/۱۸، قابل بازیابی در سایت: <https://www.irna.ir/news/84534406>

مطالعات آمایش سرزمین استان کرمانشاه (۱۳۹۷)، سازمان برنامه و بودجه استان کرمانشاه، گزارش‌های

مدیریت توسعه پایدار شهر کرمانشاه؛ رهیافت اقتصاد سیاسی (فرهاد دانش‌نیا و یوسف محمدی‌فر) ۳۸۷

جمعیت‌شناختی، اقتصاد دانش‌بنیان و تحلیل وضعیت فرهنگی استان کرمانشاه.

نجفی، سید محمدباقر (۱۳۹۷)، گزارش اقتصاد دانش‌بنیان استان کرمانشاه، مطالعات آمایش استان، سازمان برنامه و بودجه استان کرمانشاه.

واعظی، محمود و موسوی شفیعی، مسعود (۱۳۸۸)، دیپلماسی اقتصادی، چاپ اول، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.

References

- Ahmadipour, Z., Ghurchi, M. & Ghaderi, M. (2013). Determining The Position of Urban Diplomacy in the expanding of geopolitical influence. *Geography and Urban Space Development*, Number 1, Spring and Summer (In Persian).
- Beaverstock V. Jonathan, Smith G. Richard. and Taylor J. Peter (2000), World-City Network: A New Metageography?, *Annals of the Association of American Geographers*, Volume 90, Issue 1, pages 123-134
- Bourgell, G. (1998). *Present City*, translated by Seyed Mohammad Seyed Mirzaei. Shahid Beheshti University Publishers, Volume 1 (In Persian).
- Cox, R. (1994) "Global Restructuring: Making Sense of the Changing International Political Economy", in *Political Economy and the Changing Global Order*, eds. by Stubbs, Richard and Underhill Geoffrey, Canada, McClellan.
- Curtis, S. (2014), *The Power of Cities in International Relations*, Edited, Rutledge publication, First published.
- Daneshnia, F. (2012). Globalization and Islamic Republic of Iran Development strategy. *Strategic Studies of Public Policy Journal*. 3-9, p.p 67-86 (In Persian).
- Daneshnia, F. (2017). The Primacy of Politic over the political of as a methodology of interaction and coexistence of social forces influencing the process of sustainable development of Kermanshah. Proceedings of the National Conference on Sustainable Developmen of Kermanshah. Razi University, November 2018 (In Persian).
- Daneshnia, F. (2017). The roots of fragmentation in the western regions of Kermanshah Province. Research project, employer: political-security office of Kermanshah Governorate (In Persian).
- Daneshnia, F. (2018). The Problematic of Life city in Kermanshah in the political economy framework. Presented at the national conference of "Kermanshah and city life", Razi University, October 2016 (In Persian).
- Dehghani Firouzabadi, J. & Salehi, M. (2012), Economic Diplomacy of the Islamic Republic of Iran: Fields and Challenges, *Iranian Economic Research Quarterly*, 17th year, number 52.
- Fan, Y. (2008), soft power of attraction or confusion? Available at: place branding and public diplomacy: vol4:2
- Gholipoor, S. Ahmadi, V. & Karimi, J. (2017). political economic Analysis of the Urban system in Kermanshah Province (1956-2016). *Biannual Journal of International Political Economy studies*, 1(1), Autumn 2018 and winter 2019, 26-54 (In Persian).
- Gholipor, S. (2016). Space organization of Kermanshah city in the first Pahlavi period, *Iranian Journal of Anthropological Research*, 7(1), 51-71. (In Persian).
- Issawi, Ch. (1369). *Economic history of Iran*. Translated by Yaqoub Azhend. Tehran: gostareh publication. (In Persian).
- Jan. Art Scholte (2000), *Global Capitalism and the State*, in Linklater Andrew; eds (2000) *International Relation: Critical concepts in political science*, London and New York: volume, p.p 1490-1515
- Kermanshah has been Introduced as a Creative food city, IRNA news report. (30/10/2021). retrievable at: <https://www.irna.ir/news/84534406>. (In Persian).

- Khalilabadi, H. (2011). *Urban Geopolitics*. Tehran: Fanavaran sharif publication (In Persian).
- Mahmoud, vaezi & Mousavi Shafae, Masoud (2008). *Economic Diplomacy*, 1st edition. Tehran: Institute Research strategic (In Persian).
- Manuel Castells (2004), *The network society: a cross-cultural perspective*, eds. Northampton, MA: Edward Elgar.
- Mirtroabi, S. (2014). An Introduction to political Economy *problem of Iran oil*. 2nd edition. Tehran: ghoomes publication (In Persian).
- Najafi, S. M. B. (2018). Knowledge-based Economy Report of Kermanshah province. Land used studies. planning and Budget organization, Kermanshah province (In Persian).
- Nye. J. (2005) “*Power in a Global Information Age: From Realism to Globalization*”, Rutledge, London and New York.
- Pluijm, R. (2007), city diplomacy: the expanding role of cities in international politics, available at: <http://www.clingedael.nl>
- Registering the cultural landscape of Horaman/Uramanat. (2021). report of the UNESCO regional office in Iran (10/10/2021). Retrievable at: <https://fa.irunesco.org/>. (In Persian).
- Renani, Mohsen (2020). *Development book: Preliminary report of a combined review of Iran's position in the index Global Development*. Isfahan: Farhang Mardom publication (In Persian).
- Rosenau, N. J. (1999) “The Future of Politics, in *Futures*, 31, 1005-1016.
- Sassen, S. (2006), *cities in a world economy*, pine forge press. An imprint of sage publication.
- Strange, S. (2015), *States and Market*, Bloomsbury Publishing.
- Strange, Susan (1994) “Rethinking Structural Change in the International Political Economy: States, Firms and Diplomacy”, in Richard Stubbs, and Geoffrey Underhill, *Political Economy and the Changing Global Order*, eds. Canada, McClelland, pp.103-115
- Studies of Kermanshah province land-use planning (2018). Planning and Budget organization Kermanshah province, demographic reports, knowledge-based economy and analysis of the cultural situation of Kermanshah province (In Persian).

The Political Economy Approach to Kermanshah Sustainable Development

Farhad Daneshnia*
Yousef Mohammadifar**

Abstract

The status of economy is decisive in the positioning of countries in the regional and global power and wealth system. Promoting economic power and achieving national and local balanced progress are considered as the first function of the state in the global political economy. Solving the needs of the national political economy and local sustainable development management in the Islamic Republic of Iran, especially in the conditions of international sanctions, requires the adoption of new political strategies and approaches. The application of the development capacity of cities activity in their surrounding geography is one of the priorities of national development policy at the local governance and specifically urban management policy. The role-playing mechanism of the city in the globalization context is the application of urban diplomacy. The discourse arising from the attention to the city and the necessity of adapting the national and local planning system to the requirements of the appropriate activity of the cities in the surrounding areas are still neglected in the development policy of the Islamic Republic of Iran. Kermanshah is the most important population center in the west of the Iran with a decisive geo-political, geo-economics and geo-cultural weight in the region. However, the equal development process of this province has found a problematic situation. This study tries to find an answer about what the way out of the development bottlenecks of Kermanshah province in the framework of the political economy approach is. The hypothesis of this study is that the application of the political economy approach to the management of urban sustainable development involves the prioritization of urban development issues, branding and improving the image of the city and activation of urban diplomacy for connecting the political economy of the city to its surrounding geography, and providing for the participation of the city in the processes of Production, trade, money, finance, tourism and communication of the region at domestic and foreign level. The method of this research is descriptive-analytic and the data were collected from written sources and theoretical-practical texts, land use reports of Kermanshah province, field observations and live experience of the authors. A theoretical and empirical finding of this research indicates that the absence of a political economic approach to the development, has delayed designing and formulation of the sustainable economic development policy of Kermanshah province, achieving a strategic consensus around the identity of the political economy of that and not to adopt efficient mechanisms of interaction with national and regional power and wealth circles. The result of the aforementioned discontinuity is the accumulation of problems affecting the equal development of the province.

Keywords: Urban Political Economy, Urban Sustainable Development, City Diplomacy, Kermanshah Metropolis.

Article Type: Research Article.

Citation: Daneshnia, Farhad & Mohammadifar, Yousef (2022). The Political Economy Approach to Kermanshah Sustainable Development, *International Political Economy Studies*, 5 (1), 357-388.

* Associate Professor of International Relations, Dept. of Political Sciences, Faculty of Social Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran. (Corresponding Author), f.dnshn@razi.ac.ir

** Assistant Professor of Business Management, Dept. of Entrepreneurship, Faculty of Social Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran.



Managing the Water of Rivers in Iran's Western Border and Its Impact on Iran-Iraq Political-Economic Interactions: A (Case Study of the Tropical System Project)

Alireza Kiani*

Hamidreza Saeedinezhad, Shahram Fatahi***, Siroos Mohebi******

Abstract

Climate change, population growth, industrial development and inappropriate use of existing water resources have been resulted in water crisis and the resulting security challenges has been turned into one of the most important issues in the international community. In such a situation, focusing on the condition of border rivers is of increasingly importance, and it has led to increased hydro political disputes and conflicts between countries. Owing to the fact of having common border rivers, Iran is no exception to this rule. Hence, it has started planning for management and more utilization of water resources of its border rivers. One of these programs is a project called "Western Tropical System". The aim of the present study is to identify threats and damages caused by the reduction of water entering the territory of Iraq after the implementation of this project using the concept of extended security in the Copenhagen School. The main question of this study is how water management of rivers in western border called the tropical system project affect the economic, political and security relations between Iran and Iraq. In this research, descriptive-analytic method has been used and the data were collected with the use of field observation, interviews, documents and the internet. The main hypothesis of the research is that "the management of border rivers water and the implementation of large water projects in the western part of the country will cause political and security tensions and disrupt economic interactions between Iran and Iraq." The evidence suggests that the implementation of this project will lead to sustainable development and security and will avoid the migration of the residents of the border areas. However, to prevent possible economic and political security threats due to the reduction of water entering to Iraq, as well as the inter basin transfer, the necessary equipment should be provided by the diplomatic apparatus and other relevant institutions and organizations. In this regard, some recommendations have been presented.

Keywords: Iran and Iraq, Hydro Political, Tropical System, Political-Economic Interactions, Extended Security.

Article Type: Research Article.

Citation: Kiani, Alireza, Saeedinezhad, Hamidreza, Fatahi, Shahram & Mohebi, Siroos (2022). Managing the Water of Rivers in Iran's Western Border and Its Impact on Iran-Iraq Political-Economic Interactions: A Case Study of the Tropical System Project, *International Political Economy Studies*, 5 (1), 321-356.

* Ph.D Candidate in political science, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.
** Assistant professor political science Department, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran. (Corresponding Author), Saeedinezhad48@gmail.com
*** Assistant Professor Political Science Department, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.
**** Assistant Professor Political Science Department, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.



The Political Economy of Rentrism and Privatization in Iran after the Islamic Revolution

Hadis Moradi*

Seyed Shamseddin Sadeghi**, Masoud Akhavan Kazemi***

Abstract

An important issue on which the political and economic experts and the public have recently focused is the failure of privatization and failure to transfer governmental property to the private sector (the public) and extensive transfer of national property to the sector so-called quasi-government. A review on the privatization process in Iran, after 30 years, indicates that after years of struggling to cut the government's hand in the economics, not only people own no large corporations, but the government is also excluded from running them and a powerful sector, i.e. quasi-government has been formed along with the public and private sectors. Using theoretical-analytic method and according to the theory of "violence and social order" by Douglas North, John Joseph Wallis, and Barry Winga, which is based on the conscious distribution of rent among elites in a restricted order, the present study aims at finding an answer to this question what caused diversion of privatization and transfer of government property that is considered national capital to the quasi-government sector (public non-governmental and military institutions). In this sense, it can be said that in the restricted order, the dominant coalition to control social order and prevent the dissatisfaction of the core members of power have to grant political and economic privileges (rent) to these members. In this context, the transfer of property to sectors that are neither public nor private in Iran is based on this trend.

Keywords: Violence And social Orders, Rent, Privatization, Quasi-Government, Article 44 of the Constitution.

Article Type: Research Article.

Citation: Moradi, Hadis, Sadeghi, Seyed Shamseddin & Akhavan Kazemi, Masoud (2022). The Political Economy of Rentrism and Privatization in Iran after the Islamic Revolution, *International Political Economy Studies*, 5 (1), 287-319.

* Ph.D Candidate of Political Sociology, Dept. of Political Sciences, Faculty of Social Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran. (Corresponding Author), Hadis.moradi93@yahoo.com

** Associate Professor of Political Science, Dept. of Political Sciences, Faculty of Social Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran.

*** Associate Professor of Political Science, Dept. of Political Sciences, Faculty of Social Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran.

International Political Economy Studies, 2022, Vol.5, Issue 1, pp. 287-319.



Copyright © The Authors
Publisher: Razi University.

The Effect of Customers' Negative Emotions on Purchasing Intention of Products of Hostile Country, Considering the Moderating Role of Products Quality (Case Study: iPhone Brand in Iran)

Ali Reza Habibi*
Ghasemali Yousefi, Ali Mirahmadi*****

Abstract

The purpose of this study is to examine the effect of negative emotions (anger, fear, contempt and disgust) on customer's purchasing intention of Products of Hostile Country, considering the moderating role of products quality. In this study, structural equation modelling methods and smart PLS 2 and SPSS 25 software were applied. The statistical population of this study were Iranian owners of iPhones, from which 384 people were chosen as the sample group using simple sampling method and their attitude were collected through a questionnaire. The results indicated that the negative emotions of anger, contempt and disgust have significant effect on purchase intention of iPhone brand products in Iran, but fear doesn't have a significant effect on purchasing intention of customers. Furthermore, the results showed products quality has a moderating role on the relationship between anger and purchasing intention. The quality variable does not show moderating effect between other independent and dependent variables. The findings were discussed in strategy settings of international forms and policy making of countries that are willing to limit the economic presence of countries with hostile attitudes in their market, with the help of the differences in the nature of the above-mentioned negative emotions and atribution theory.

Keywords: Products of Hostile Countries, Customers' Negative Emotions, Products Quality, Purchasing Intention, Iphone Brand.

Article Type: Research Article.

Citation: Habibi, Ali Reza, Yousefi, Ghasemali & Mirahmadi, Ali (2022). The Effect of Customers' Negative Emotions on Purchasing Intention of Products of Hostile Country, Considering the Moderating Role of Products Quality (Case Study: iPhone Brand in Iran), *International Political Economy Studies*, 5 (1), 257-285.

* Assistant Professor of Business Management, Dept. of Business Management, Faculty of Science and Technology, Ahlul Bayt International University, Tehran, Iran. (Corresponding Author), habibi@abu.ac.ir

** M. A. of Business Management, Dept. of Business Management, Faculty of Science and Technology, Ahlul Bayt International University, Tehran, Iran.

*** M. A. of Business Management, Dept. of Business Management, Faculty of Management and Accounting, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

International Political Economy Studies, 2022, Vol.5, Issue 1, pp. 257-285.



Copyright © The Authors

Publisher: Razi University.

The Effect of the Idea of Self-Reliance on the National Security of the Islamic Republic of Iran

Mohammad Reza Dehshiri*
Zahra Emami**, **Milad Elahinia*****

Abstract

One of the most important issues that today is emphasized in the strategies of the Islamic Republic of Iran is self-reliance. Numerous factors have motivated the Islamic Republic of Iran to pay attention to and emphasize self-reliance, including the experience of imposed war and international sanctions. However, it remains to be seen what the effect of the implementation of this strategy on national security is, because for a long time, the issue of national security has always been the most important concern of past and present governments and has been expanded and taken under the influence of various factors. Accordingly, the leading question of this study is what effect does the idea of self-reliance have on the national security of the Islamic Republic of Iran? The hypothesis is that the underlying factors of self-reliance such as national cohesion, major geo-political position of the country, historical-civilizational background, will of political independence, mutual trust of people and rulers, and also the effective and constructive relationship with regional and international players on the realization idea of self-reliance and national security will be effective too. Also, the method used in this research is descriptive-analytic method using survey method. The statistical population was selected from the academic elite and researchers, and then the collected data were analyzed by SPSS 1. Finally, the data were analyzed by descriptive-analytic method with reference to the Copenhagen theoretical ideology. The findings showed the existence of a meaningful relationship between contextual variables and national security.

Keywords: Self-Reliance, Security, National Security, Copenhagen School.

Article Type: Research Article.

Citation: Dehshiri, Mohammad Reza, Emami, Zahra & Elahinia, Milad (2022). The Effect of the Idea of Self-Reliance on the National Security of the Islamic Republic of Iran, *International Political Economy Studies*, 5 (1), 229-256.

* Professor of International Relations, Faculty of International Relations, Ministry of Foreign Affairs, Tehran, Iran.

** M. A. of International Relations, Political Sciences, Mofid University, Qom, Iran. (Corresponding Author), z.emami1393@yahoo.com

*** M. A. of Middle East studies, Mofid University, Qom, Iran.



Explaining the Geo-Economic Opportunities of the Islamic Republic of Iran in the Post-War of Syria

Afshin Mottaghi*
Saeed Rajabi**

Abstract

Different countries play a multi-dimensional role in the foreign policy strategies of regional and global players by taking advantage of their different geographical features. Syria is not an exception to this rule and due to its various geographical, economic, cultural and political specialties, it has a multi-dimensional position in the sphere of foreign policy of Islamic Republic of Iran has played. Despite the fact that Syria's strategic position in the axis of resistance has affected other dimensions of the importance of this country; however, Syria has high geo-cultural and geo-economic capacities, which can turn into active and multi-faceted activism in Iran's foreign policy strategies in the future if given serious attention. This study seeks to answer the question, what are the most important geo-economic opportunities of Iran in the post-civil war environment of Syria using a descriptive-analytic method and using various library sources. The findings indicated that Syria has various geo-economic capacities such as the location in the Iran-Iraq-Syria-Europe energy corridor (Persin Pipe), the Persian Gulf-Mediterranean land corridor, and also a suitable environment for Iran investment in the oil and mining sectors, with paying attention to Syria's need for extensive reconstruction after the civil war. In fact, Syria can be considered as Iran geo-economic complement in the field of energy export as well as access to European bases.

Keywords: Geo-Economy, Iran, Syria, Civil War, Reconstruction of Syria.

Article Type: Research Article.

Citation: Mottaghi, Afshin & Rajabi, Saeed (2022). Explaining the Geo-Economic Opportunities of the Islamic Republic of Iran in the Post-War of Syria, *International Political Economy Studies*, 5 (1), 201-227.

* Associate Professor of Geopolitics, Dept. of Geopolitics, Faculty of Geographical Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran. (Corresponding Author), a.mottaghi@khu.ac.ir

** PhD student of Political Geography, Dept. of Geopolitics, Faculty of Geographical Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran.



Analysis of the 25-Year Iran-China agreement in the Light of China's foreign policy Developments

Nozar Shafiee*

Abstract

In 1999, a document was signed between Iran and China, which is known in public literature as the 25-year Iran-China agreement, and organized cooperation between the two countries for a period of 25 years in various fields including "political", "executive", "humanitarian and cultural", "judicial", "security" and "defense", "regional" and international". This study seeks to answer the question of how the 25-year Iran-China agreement can be evaluated in the light of China's foreign policy developments. The hypothesis of the present study, which was examined by descriptive-analytic method, was that with the end of the Cold War, the foreign policy of China orientations changed from "non-alignment" to "partnership agreement" and the 25-year Iran-China agreement can be evaluated in this Approach. Addressing this issue is important in terms of examining the 25-year Iran-China agreement from a Chinese foreign policy perspective. This study will show how the Chinese implement their strategies in the form of a coordinated and planned policy. Experimental findings showed that since 1993, the number of Chinese partners in the form of a partnership agreement has been on the rise, with Beijing now partnering with more than 78 countries. It means that participatory diplomacy has become an important tool in China's foreign policy in recent years. Of course, the pattern of strategic partnership of China varies from country to country, depending on its position in the foreign policy of this country. Theoretical findings of this study also showed that the orientation of the foreign policy of this country is not fixed and changes in different conditions under the influence of the requirements of national interests.

Keywords: Non- Alignment, International Political Economy, Foreign Policy Orientation, Partnership Agreement, Strategic Partnership.

Article Type: Research Article.

Citation: Shafiee, Nozar (2022). Analysis of the 25-Year Iran-China agreement in the Light of China's foreign policy Developments, *International Political Economy Studies*, 5 (1), 175-200.

* Associate Professor of International Relations, Dept. of Political Sciences, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran. n.shafiee@ase.ui.ac.ir

International Political Economy Studies, 2022, Vol.5, Issue 1, pp. 175-200.



Copyright © The Authors
Publisher: Razi University.

The Impact of MADE IN CHINA 2025 Economic-Industrial Document on European Trade-Economic Policy (2015-2020)

Mobarakeh Sedaghati*
Arsalan Ghorbanisheikhneshin**

Abstract

Europe is an important commercial and economic partner of the Republic of China. Manufacturing and industrial cooperation is expanding between the Republic of China and European countries. The Economic-Industrial Document of the Republic of China, namely Made in China 2025, is an industrial program for the Chinese government signed by the Xinjiang government in 2015, and according to the schedule, the Chinese government must turn into a world power in high-tech industries and a knowledge-based country within ten years. China's actions in the direction of this document, which are led by the market and the government, made the country more connected to the global supply chain. Despite the independence of Chinese government in advancing the goals of the document, it has been pointed out the flexibility and reduction of restrictions on investments and activities of foreign companies. According to the goals of the document, China needs the experiences of European industries and opens its doors to European investors and industrialists. China has been focused on European markets and has held negotiations with the officials of these countries. With descriptive-explanatory method, it has been answered the question that what effect has the trade and economic policies of the Republic of China in the China-Industrial-Economic Document 2025 had on the trade-economic policies of Europe in 2015-2020? At the answer of this, it is assumed that the China-Made 2025 document paves the way for the establishment of multilateral mechanisms, the establishment of rules and procedures for cooperation in various fields of production and industry between China and Europe, and has created a network of mutual dependencies between them.

Keywords: Made in China 2025, China, Europe, Interdependence, Trade Policy.

Article Type: Research Article.

Citation: Sedaghati, Mobarakeh & Ghorbanisheikhneshin, Arsalan (2022). The Impact of MADE IN CHINA 2025 Economic-Industrial Document on European Trade-Economic Policy (2015-2020), *International Political Economy Studies*, 5 (1), 137-173.

* Graduated of International Relations, Faculty of Law and Political Science, Kharazmi University, Tehran, Iran.

** Professor of International Relations Faculty of Law and Political Science, Kharazmi University, Tehran, Iran. (Corresponding Author), arsalangh@yahoo.com

International Political Economy Studies, 2022, Vol. 5, Issue 1, pp. 137-173.



Copyright © The Authors
Publisher: Razi University.

Investigating the Effect of Terrorist Activities on Tourism Demand in Selected Middle Eastern Countries

Samira Motaghi*
Anahita Saifi**, **Asghar Abolhasani*****, **Salah Ebrahimi******

Abstract

The tourism is considered as one of the factors of achieving economic growth and development, but terrorist activities through damage to the infrastructure, and physical and human resources as well as indirect effects such as reducing the desire to foreign and domestic invest, increasing the cost of trade and weakening it, intensifying uncertainty, making space more secure and increasing military and security expenses, etc., lead to damage to the tourism industry of a country. The purpose of this study was to investigate the effect of terrorist activities on tourism demand in selected West Asian countries during the period of 1990-2019 using panel data. The results showed that the effect of terrorist incidents on tourism demand is negative and significant. Meanwhile, the more terrorist casualties in a country, the lower the number of international tourists entering that country, because the societies in which psychological and life security of tourists are preserved, they will be more beneficial to tourists, and they will be the priority of their choice for travel.

Keywords: Demand for Tourism, Terrorism, West Asian Countries, Panel Data.

Article Type: Research Article.

Citation: Motaghi, Samira, Saifi, Anahita, Abolhasani, Asghar & Ebrahimi, Salah (2022). Investigating the Effect of Terrorist Activities on Tourism Demand in Selected Middle Eastern Countries, *International Political Economy Studies*, 5 (1), 111-135.

* Assistant Professor, Department of Economics, Payam Noor University, Tehran, Iran. (Corresponding Author), samira.motaghi@pnu.ac.ir.

** Assistant Professor of International Law, Dept. of Women's Studies, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

*** Professor, Department of Economic, Payam Noor University, Tehran, Iran.

**** PhD student in Economics, Dept. of Economic Sciences, Faculty of Economics and Social Sciences, Shahid Chamran University, Ahvaz, Iran.

International Political Economy Studies, 2022, Vol.5, Issue 1, pp. 111-135.



Copyright © The Authors
Publisher: Razi University.

Structural Adjustment of Neoliberalism and Its Effects on Iraq after 2003

Mohammadhossein Marze*
Reza Najafzadeh**

Abstract

Neoliberalism is a set of economic policies having undergone extensive changes in the domestic economic system of countries and the international economic system, and its most important components are: firm belief in a free and unlimited global free market and private property. The new economic policy in Iraq is being implemented in the political context imposed by the US occupation. This economic policy in Iraq is linked to the capitalist policy of the United States; Thus, all the characteristics of neoliberalism are evident in one model, that is military attack and occupation, the demarcation of the power-dependent political system, and the imposition and application of an economic model against us. These policies started with a shock and are continuing with a structural adjustment; In other words, these policies do not arise from social needs and necessities, rather they are the product of a sudden political change that happened through the occupation and not during the objective growth of society and internal forces or at the level of its production. This study does not claim that Iraq is a government with a neoliberal economy, but seeks to describe, analyze and criticize the detrimental consequences of the policies neoliberal economic model on the Iraqi government and society. The US-led global capitalist system integrated the US into an open market economy and global capitalism by creating a shock to Iraq. This action was not only in the direction of reform for Iraqi government, but since it was the outcome of a suddenly shocking act through the occupation of Iraq, it was shocking through the occupation of Iraq and it did not meet the needs of the economic, political and social development of Iraqi society, so it caused numerous political, economic and social challenges including unemployment, poverty, corruption and corruption, the growth of terrorism, the rise of domestic and foreign debts and, the disappearance of the domestic private sector, the disappearance of trade unions, the rise of class divisions, national dissatisfaction and relative prosperity, the outflow of the country's wealth through the creation of a false and opaque private sector, the stabilization of the rentier economy, the rise of costs in the public sector especially the employees.

Keywords: Neoliberalism, Structural Adjustment, Washington Consensus, Debt, CPA.

Article Type: Research Article.

Citation: Marze, Mohammadhossein & Najafzadeh, Reza (2022). Structural Adjustment of Neoliberalism and Its Effects on Iraq after 2003, *International Political Economy Studies*, 5 (1), 77-109.

* PhD Student in Political Science, Faculty of Economics and Political Science, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

** Assistant Professor of Science and political thought, Dept. of Political Science, Faculty of Economics and Political Science, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. (Corresponding Author), najafzadeh.reza@gmail.com



Structural Analysis of the Position of Future Actors of the Global Political Economy with a Focus on the European Union in the 2050 Perspective; By Mactor

Hossein Salimi*
Mohaddese Heidari**

Abstract

The world is currently witnessing an economic transition from great western powers to the emerging markets. New crises, particularly Covid 19, have challenged the massive progress and hegemony of the West centered on the United States and the European Union. While at the beginning of the millennium, the movement of the European Union towards economic and political union was considered an irresistible and irreversible process that it was placed in a more complicated situation with the outbreak of Covid-19 and the aggravation of other existing crises. In this article, these questions have been raised that in the perspective of 2050, which countries are the most important actors of the global political economy? And secondly, what is the position of the European Union among other actors of the global political economy? In other words, the main goal of this study is to identify the most important competitors of the Union in the perspective of 2050 by measuring the weight of other actors in the global political economy and to determine the position of the Union among these actors using software analysis. The present study tries to answer the two mentioned questions by holding an expert panel, and the Mactor structural analysis method (two methods of future research) and using the latest available sources. This study is well organized in such a way that first, a review was made on the theoretical framework of the paper, which is institutionalism, and then the most important actors of the future of the global political economy were examined. In the following, the analysis of the research data was done using Mactor software (one of the conventional methods in the la prospective school) and finally, a summary was presented.

Keywords: Global Political Economy, Futures Research, La prospective, Mactor, European Union, Economic Actors.

Article Type: Research Article.

Citation: Salimi, Hossein & Heidari, Mohaddese (2022). Structural Analysis of the Position of Future Actors of the Global Political Economy with a Focus on the European Union in the 2050 Perspective; By Mactor, *International Political Economy Studies*, 5 (1), 41-76.

* Professor of International Relations, Dept. of International Relations, Faculty of Law and Political Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

** PhD Candidate of International Relations, Dept. of International Relations, Faculty of Law and Political Sciences, Allameh Tabataba'e'i university, Tehran, Iran. (Corresponding Author), Mohaddese_heidari@atu.ac.ir

International Political Economy Studies, 2022, Vol. 5, Issue 1, pp. 41-76.



Copyright © The Authors
Publisher: Razi University.

Political Economy of Foreign Policy of Oil-Based Governments (with Emphasis on Robert Cox Theory)

Behrouz Asadi*
Hosein Pourahmadi**

Abstract

Considering the evolution of the global political economy system, the concise understanding of the category Foreign policy of countries with oil-based economic systems is an important axis of the dual system. Despite numerous studies that have been conducted to understand the formation of foreign policy in these countries, it is very difficult to explain the foreign policy of these countries due to the multitude of effective factors. But it seems that Cox's views provide us with a suitable platform for understanding how foreign policy is formed in these countries. The present study raises the key question of what effect does the oil-based production system have on the foreign policy of oil-based governments? According to Cox's opinions, it seems that the structure of oil-based production has a basic effect on the formation of foreign policy in these countries by establishing social relations of production and government configuration; In other words, the action of foreign policy in these countries is in the continuation of social relations of production and in order to reproduce the monopoly of oil exploitation. In this way, the purpose of this study is to investigate and understand the relationship between the oil-based production system and foreign policy. The findings of this study, emphasizing Cox's opinions and the fundamental exploratory method, show that the interests and tendencies of the dominant classes and social forces in the oil-based social relations have a basic effect on the action of foreign policy in countries with an oil-based economic system.

Keywords: Political Economy, Foreign Policy, Social Relations of Production, Oil-Based Economic System, Oil-Based Government.

Article Type: Research Article.

Citation: Asadi, Behrouz & Pourahmadi, Hosein (2022). Political Economy of Foreign Policy of Oil-Based Governments (with Emphasis on Robert Cox Theory), *International Political Economy Studies*, 5 (1), 1-40.

* Ph.D Candidate in International Relations, Department of Political Science, Faculty of Economic and Political science, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

** Professor of International Relations, Department of Political Science, Faculty of Economic and Political science, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. (Corresponding Author), h-pourahmadi@sbu.ac.ir

International Political Economy Studies, 2022, Vol. 5, Issue 1, pp. 1-40.



Copyright © The Authors
Publisher: Razi University.

**Managing the Water of Rivers in Iran's Western Border and Its Impact on Iran-Iraq Political-Economic Interactions: A (Case Study of the Tropical System
321Project)**

Alireza Kiani, Hamidreza Saeedinezhad, Shahram Fatahi, Siroos Mohebi

357 The Political Economy Approach to Kermanshah Sustainable Development

Farhad Daneshnia, Yousef Mohammadifar

Contents

Political Economy of Foreign Policy of Oil-Based Governments (with Emphasis on Robert Cox Theory)	1
Behrouz Asadi, Hosein Pourahmadi	
Structural Analysis of the Position of Future Actors of the Global Political Economy with a Focus on the European Union in the 2050 Perspective; By Mactor.....	41
Hossein Salimi, Mohaddese Heidari	
Structural adjustment of neoliberalism and its effects on Iraq after 2003.....	77
Mohammadhossein Marze, Reza Najafzadeh	
Investigating the effect of terrorist activities on tourism demand in selected Middle Eastern countries	111
Samira Motaghi, Anahita Saifi, Asghar Abolhasani, Sa lah Ebrahimi	
The Impact of MADE IN CHINA 2025 Economic-Industrial Document on European Trade-Economic Policy (2015-2020).....	137
Mobarakeh Sedaghati, Arsalan Ghorbanisheikhneshtin	
Analysis of the 25-Year Iran-China agreement in the Light of China's foreign policy Developments.....	175
Nozar Shafiee	
Explaining the Geo-Economic Opportunities of the Islamic Republic of Iran in the Post-War of Syria	201
Afshin Mottaghi, Saeed Rajabi	
The Effect of the Idea of Self-Reliance on the National Security of the Islamic Republic of Iran.....	229
Mohammad Reza Dehshiri, Zahra Emami, Milad Elahinia	
The Effect of Customers' Negative Emotions on Purchasing Intention of Products of Hostile Country, Considering the Moderating Role of Products Quality (Case Study: iPhone Brand in Iran)	257
Ali Reza Habibi, Ghasemali Yousefi, Ali Mirahmadi	
The Political Economy of Rentism and Privatization in Iran after the Islamic Revolution	287
Hadis Moradi, Seyed Shamseddin Sadeghi, Masoud Akhavan Kazemi	

International Political Economy Studies

Volume 5, Number 1, Spring and Summer 2022

Publisher:

Political Science Board
Faculty of Social Science,
Razi University

Director in Charge and Editor-in-Chief:

Farhad Daneshnia

Managing Editor:

Soraya Sharifi

Address: Faculty of Social Science, Razi University,
Shahid Beheshti Blvd, Kermanshah, Iran

Tel: 08338360650

Web: <https://ipes.razi.ac.ir>

Email: ipes@razi.ac.ir